

۹  
مجلس نجف اصفیاء از نشر خدمات نشری  
عبدالله مبارک

# مکاتیب علیهم السلام

﴿ چاپ اول بسمی فانی ﴾

فوج لایزال  
الکندی

﴿ در مصر محروسه سنه ۱۳۴۰ هجریه = ۱۹۲۱ میلادی ﴾

( حقوق الطبع محفوظه له )

## الجزء الثالث

﴿ تذبید ﴾

اکثر این الواح مبارکه را در ایام تشریف بزیارت بقاع

مقدسه و فوز بقاء حضرت من اراده الله بکمال

جهد مقابله بأصل خطوط نزولی نموده \*

وایضا در اثناء چاپ نهایت سعی

و کوشش و دقت در تصحیح

و تحسین شده

دوره اول الفجر

لوقه اولك

که بافتخار احباء و اماماء رحمن (۹) ایالت شمال

شرقی ایالات متحده صبح روز دو شنبه

۲۶ مارچ سنه ۱۹۱۶ در بهجی

در اطاق مبارک از قم مرکز

میثاق صادر کشت

احباء و اماماء رحمن در (۹) ایالات شمال شرقی ایالات متحده

مین • نیوها مشار • رودايلند • کن نکتیکت •

ورمنت • پنسیلوانیا • ماساجوست •

نیوجرسی • نیویورک • علیهم

وعلیهم التحیه و الثناء



# مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای منادیان آسمانی ایام نوروز است همیشه بیاد آن یاران مهربان  
 هستم و از درگاه احدیت طلب تأیید و توفیق مینمایم تا آن جمع مانند  
 شمع در اقالیم امریک برافروزند و نور محبت الله در قلوب روشن  
 نمایند تا انوار تعالیم آسمانی خطه امریک را مانند این فضای  
 نا متناهی بنجوم هدایت کبری روشن و مزین فرماید \*

ایالات شمال شرقی در ساحل اتلانتیک مثل ایالات مین \* نیو هامپشایر  
 ماساچوست \* رود ایلند \* کن نکتیکت \* ورمونت \* پنسیلوانیا  
 نیوجرسی \* و نیویورک \* در بعضی این ایالات احبائی موجود \*  
 ولی در بعضی شهرهای این ایالات هنوز نفوسی بانوار ملکوت  
 روشن نشده اند و از تعالیم آسمانی خبر ندارند لهذا از برای هر یک  
 از شماها اگر ممکن باشد بان شهرها بشتابید و چون ستاره ها  
 بنور هدایت کبری برافروزید \* خداوند میفرماید ﴿ و تری  
 الارض هامة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت وربت وانبتت من كل  
 زوج بهيج ﴾ میفرماید زمین خاك سیاه است چون فیض ابر  
 بهاری بیارد آنخاك سیاه باهتر از آید و گلهای رنگارنگ برویاند \*

یعنی نفوس انسانی چون از عالم طبیعت است مانند خاک سیاه است چون فیض آسمانی برسد و تجلیات نورانی هویدا گردد باهتر از و حرکت آید و از ظلمات طبیعت رهایی یابد و کلهای اسرار الهی برویاند \* پس باید انسان سبب نورانیت عالم انسانی گردد و تعالیمی که در کتب مقدسه بوحی الهی نازل ترویج دهد \* در انجیل شریف میفرماید بشرق و غرب سفر کنید و جمیع را بنور هدایت کبری روشن نمائید تا از حیات ابدی بهره و نصیب گیرید \* الحمد لله ایالات شمال شرقی در نهایت استعداد است و چون زمین پر قوت است باران فیوضات الهی نازل گردد \* حال باید شما دهقان آسمانی گردید و تخم پاک بیفشانید \* هر تخمی برکتش محدود است و لکن تخم تعالیم آسمانی فیض و برکتش نامحدود و در مرقرون و أعصار متصل خرمنها تشکیل کنند \* در اسلاف ملاحظه نمائید که در ایام مسیح نفوس مؤمن ثابت معدود قلیلی بودند ولی چنان برکت آسمانی نازل شد در سنین معدوده جم عظیمی بظل انجیل در آمدند در قرآن میفرماید که يك حبه هفت خوشه بر آرد و هر خوشه صد دانه بدهد \* یعنی يك دانه هفتصد دانه گردد و خداوندا اگر بخواهد ضاعف میفرماید \* چه بسیار واقع که نفس مبارکی سبب هدایت مملکتی شد \* حال نظر با استعداد و قابلیت خویش نباید نمائیم بلکه نظر بعنایت و فیوضات الهیه در این ایام نمائیم که

قطره حکم دریا یابد و ذره حکم آفتاب

جوید \* وعلیکم وعلیکم

التحیة والثناء

﴿ ع ع ﴾

# لَوْلَا كَرَمُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

که بافتخار اُحباء و اماء رحمان ( ۱۶ ) ایالات جنوبی ایالات

متحده صبح روز ۳ شنبه ۲۷ مارچ سنه ۱۹۱۶

در باغچه خارج روضه مبارکه در بهجی از فم

مرکز میثاق صادر کشت

احباء و اماء رحمن در ( ۱۶ ) ایالات متحده امریکا \* دلاور \*

ماریلند \* ویرجینیا \* ویرجینیا \* نورت کارلینیا \*

سوت کارلینیا \* جورجیا \* فلوریدا \* الاباما \*

میسسیسیپی \* تنسی \* کانتاکی \* لوئیزیانا \*

ارکانسا \* اکلهاما \* تکساس \*

علیهم وعلیهم التحیة والثناء



# مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای متادیان بملکوت الله چند روز پیش بآن یاران الهی نامه  
 زکاشته گشت ولی چون این ایام عید نوروز است لهذا بیاد شما  
 افتادیم وتهنیت عید نوروز مینمائیم \* جمیع ایام مبارک است  
 واکن این عید عید ملی ایران است \* چند هزار سال است که  
 این عید گرفته میشود ولی فی الحقیقه هر روزی را که انسان بیاد  
 خدا ونشر نفعات الله وندای بملکوت الله پردازد ان روز عید  
 مبارک است \* الحمد لله شما شب وروز بخدمت ملکوت الله  
 وترویج دین الله مشغول ومألوف لهذا جمیع ایام شما اعیاد است \*  
 والبتة عون وعنايت الهیه بشما خواهد رسید وقوای الهیه ونفثات  
 روح القدس تأیید شما خواهد کرد \* در ایالات جنوبی ایالات  
 متحده یاران قلیل اند \* یعنی دلاور \* ماریلند \* ویرجینیا \* وست  
 ویرجینیا \* نرت کارلانیایا \* سوت کارلانیایا \* جورجیا \* فلوریدا  
 الاباما \* میسی سیپی \* تنسی \* کانتاکی \* لوئیزیانا \* ارکانسا \*  
 کلاهاما \* تکساس \* لهذا باید نفوس مبارکی بانجاها بروید  
 ویابفرستید تا آن نفوس در انصفحات مردم را بشارت بملکوت  
 آسمان دهند \* یکی از مظاهر مقدسه بنفوس مؤمنه میفرماید

اگر انسان سبب روشنائی نفسی گردد بهتر از ثروت بی پایان است  
 « یا علی لئن یهدی الله بك نفسا خیر لك من حمر النعم » \* و همچنین  
 در قرآن میفرماید ﴿ اهدنا الصراط المستقیم ﴾ یعنی بنما براه  
 راست \* در انجیل میفرماید باطراف عالم روید و بشارت بظهور  
 ملکوت الله دهید \* باری امید وارم که در اینخصوص همت  
 عظیمه نمائید و یقین است که مؤید و موفق خواهید گشت  
 نفسی که بحقائق و معانی ظهور ملکوت بشارت دهد مانند  
 دهقانی ماند که تخم پاك در زمین پاك افشاند و ابر نیسانی فیض  
 باران مبذول دارد البته در نزد سرور قریه سرافراز گردد  
 و خرمها تشکیل نماید \* پس ای یاران الهی وقت را  
 غنیمت شمردید و بتخم افشانی پردازید تا برکت  
 آسمانی و موهبت رحمانی یابید \* و علیکم  
 البهاء الأبی ﴿ ع ع ﴾

# لَوْلَا نِعْمَتُ اللَّهِ

که بافتخار احبا و اماء و رحمان (۱۲) ایالات مرکزی ایالات متحده  
 صبح چهارشنبه ۲۹ مارچ سنه ۱۹۱۶ در جلوی بیت  
 مبارک در بهجی از قم مرکز میثاق صادر گشت

أحبوا ما، رحمان در (۱۲) ایالات مرکزی ایالات متحده \* میشیگان  
 ویسکنسن \* ایلی نوا \* ایندیانا \* اوهایو \* منیزتا \* آیودا  
 میسوری \* نورت دا کوتا \* سوت دا کوتا \* نبراسکا  
 کانساس \* عليهم وعليهن التحية والثناء

## مَعَالِدِ اللَّهِ

ای نفوس آسمانی \* ای محافل روحانی \* ای مجامع ربانی هر چند  
 مدتیست که در تحریر رسائل تأخیر شد و این بجهت صعوبت  
 ارسال و مرسول بود حال چون اندکی سهولت حاصل لهذا  
 بتحریر این مختصر پرداختم تادل و جان بیاد یاران روح و ریحان یابد  
 همواره این آواره بدرگاه حضرت احدیت تضرع و زاری مینماید  
 و یاران را عون و عنایت و تأییدات آسمانی طلبد \* همیشه در خاطرید  
 فراموش نشده و نخواهید شد \* از الطاف حضرت پروردگار  
 امیدوارم که روز بروز بر ایمان و ایقان و ثبوت و استقامت بیفزائید  
 و سبب انتشار نجات قدس گردید \* هر چند در ایالات ایلی نوا  
 ویسکنسن \* اوهایو \* و منیزتا \* و میشیگان \* أحبوا الحمد لله  
 موجود و در نهایت ثبوت و رسوخ مشهور شب و روز جز نشر  
 نجات الهی مقصدی ندارند و بغیر از ترویج تعالیم آسمانی مرادی نه

مانند شمعها بنور محبت الله روشنند و بمشابه طيور شكور  
 در رياض معرفه الله بالحنان روح بخش تغني مينمايند \* ولي  
 در ايندييانا \* ايودا \* ميسوري \* نرت دا کوتا \* سوت دا کوتا  
 نبراسکا \* کانساس \* در اين ايالات عبور و مرور احواب قليل  
 و آنطور يکه بايد و شايد ندا بملکوت الهی نگشته و اعلان وحدت  
 عالم انسانی نشده و نفوس مبارکی و مبلين منقطعی بانصفحات  
 زرفته \* لهذا اين ولايات هنوز افسرده است بايد بهمت ياران الهی  
 در اين ولايات نيز نفوسی مشتعل بنار محبت الله شوند و منجذب  
 بملکوت الله گردند تا آن اقليم نيز روشن گردد و نسيم  
 روح بخش کاشن ملکوت مشام اهالی را معطر نمايد \* لهذا اگر  
 ممکن گردد نفوسی منقطع الی الله و مزه و مقدس بانصفحات  
 بفرستيد \* اگر اين نفوس در نهايت انجذاب باشند يقين است که  
 در مدتی قليله نتایج عظيمه خواهد بخشيد \* أبناء و بنات ملکوت  
 مانند دهقان حقيقي هستند \* بهر خطه و ديار که مرور نمايند  
 جانفشانی کنند و تخم پاکي بيفشانند آن تخم پاک خرمناشکيل  
 کند \* چنانچه در انجيل جليل ميفرمايد چون تخم پاک در ارض  
 طيبه طاهره افشانده گردد فيض و برکت آسمانی حصول يابد  
 اميد وارم که شما موفق و مؤيد گرديد \* ابدأ فتور در نشر تعاليم  
 الهی نکنيد \* روز بروز بر همت و سعی و کوشش بيفزائيد \*  
 و عليكم و عليكم التحية والثناء ﴿ ع ع ﴾

# لَوْحٌ بِحَسْبِهَا مَسْرُومٌ

که بافتخار احبا و امام رحمان (۱۱) ایالات غربی ایالات  
متحده صبح شنبه اول اپریل سنه ۱۹۱۶ در اطاق  
مبارک در بهجی از قم مرکز میثاق صادر گشت

احبا و امام رحمان در یازده ایالات غربی ایالات متحده \*  
نیومکزیکو \* کولورادو \* آریزونا \* نوادا \* یوتا \* کالیفورنیا \*  
وایومینگ \* منتانا \* ایداهو \* اورکن \* واشنگتن  
علیهم وعلیهم التحیه وثناء

## مَعَاذَ اللَّهِ

ای ابناء و بنات ملکوت شب و روز جز یاد یاران و دعای خیر  
در حق ایشان و طلب تأیید از ملکوت الهی و رجای تأثیر نفثات  
روح القدس مشغولیتی ندارم \* از الطاف حضرت خفی الألفاف  
امید دارم که یاران الهی در چنین زمانی سبب نورانیت قلوب  
انسانی کردند و نفعه حیاتی با ارواح بدمند که نتایج حمیده اش



الی الابد سبب شرف و منقبت عالم انسانی گردد \* هر چند  
 در بعضی از ایالات غربی مثل کالیفورنیا \* و اورکن \* و واشنگتن  
 و کلورادو \* نفحات قدس منتشر گشته و نفوس کثیری از چشمه  
 حیات ابدیه بهره و نصیب گرفته و برکت آسمانی یافته و جای  
 سرشار از خمر محبت الله نوشیده و آهنگ ملاً اعلی شنیده ولی  
 در ایالات نیومکزیکو \* و ایومیندک \* منتانا \* ایداهو \* بوتای \*  
 آریزنا \* و نوادا \* سراج محبت الله چنانچه باید و شاید نیفر و حته  
 و ندای ملکوت الهی بلند نگشته \* حال اگر ممکن است شما  
 در این قضیه همتی نمائید یا خود بنفسه و یا کسان دیگر را انتخاب  
 کنید و بآن ایالات بفرستید زیرا الآن آن ایالات نظیر جسم  
 مرده است تا نفحه حیات در آن بدمند و جان آسمانی بانان  
 بخشند چون ستاره در آن افق بدرخشند تا انوار شمس حقیقت  
 آن ایالات را نیز روشن نماید \*

در قرآن میفرماید ﴿ ان الله ولیّ الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات  
 الی النور ﴾ یعنی خدا مؤمنین را دوست میدارد لهذا آنان را  
 از ظلمات نجات داده در عالم نوری آورد \* در انجیل شریف میفرماید  
 که باطراف جهان روید و ندا بملکوت الله نمائید \* حال وقت آنست  
 که شما باین خدمت عظمی قیام کنید و سبب هدایت جم غفیری  
 گردید تا باین سبب انوار صلح و سلام جمیع آفاق را روشن و منور  
 نماید و عالم انسانی راحت و آسایش یابد \*

در آیامیکه در امریک بودم در جمیع مجامع فریاد زدم وناس را  
 بترویج صلح عمومی دعوت کردم بتصریح گفتم که قطعه اروپ  
 مانند جبهه خانه شده وموقوف بیک شراره است واین عنقریب  
 در سنین آینده دوسال بعد آنچه در کتاب مکاشفات یوحنا  
 و کتاب دانیال ذکر شده تحقق خواهد یافت وچنین شد \* واین  
 قضیه در جریده سانفرا نسیسکو بولتن مؤرخه (۱۲) اکتوبر  
 سنه ۱۹۱۲ مندرج گردیده مراجعت کنید تا حقیقت حال  
 ظاهر و آشکار گردد و بدانید که حال وقت نشر  
 نفعات است \* همت انسان باید آسمانی باشد یعنی  
 مؤید بتأییدات الهی تا سبب نورانیت  
 عالم انسانی گردد \* وعلیکم  
 وعلیکن التحیه والثناء  
 ﴿ع ع﴾

# لَوْ كَانَ بَيْنَهُمْ

که بافتخار احبا و اماء رحمان ایالات کانادا صبح چهار شنبه  
 پنجم اپریل سنه ۱۹۱۶ در باغچه خارج روضه مبارکه  
 در بهجی از فم مرکز میثاق صادر گشت

احبا و اماء رحمان در ایالات کانادا نیوفوندلند \* پرنس ادوارد  
 ایلند \* نووا اسکوشیا \* نیوبرز \* ویک کوبک \* مانی توبا  
 آلبرتا \* انتاریو \* ساسکاجوان \* بریتش کلمبیا \*  
 یوکان \* ماکنزی \* یونکادا \* کیواتین \*  
 جزائر فرنکلین \* وکین لند  
 علیهم وعلیهم التحیة والثناء

## مَعْرِفَةُ دِيَارِ

ای ابناء و بنات ملکوت هر چند در اکثر مدائن ایالات متحده  
 الحمد لله نجات الله منتشر و جم غفیری بملکوت الله متوجه  
 و ناظر \* ولی در بعضی ایالات چنانچه باید و شاید علم توحید بلند  
 نگشته و اسرار کتب الهیه منتشر نکر دیده \* باید بهمت یاران  
 علم توحید در آن دیار موج زند و تعالیم الهیه انتشار یابد تا آنان را  
 نیز از موهبت آسمانی و هدایت کبری بهره و نصیب داده شود  
 و همچنین در ایالات کانادا \* مانند نیوفوندلند \* پرنس ادوارد ایلند  
 نووا اسکوشیا \* نیوبرز \* ویک کوبک \* انتاریو \* مانیتوبا  
 ساسکاجوان \* البرتا \* بریتش کلمبیا \* یونکادا \* کیواتین \*  
 ماکنزی \* یوکان \* و جزائر فرانکلین \* در مدار سرطان \*

باید احبای الهی جانفشانی نمایند و مانند شمع هدایت در آن ایالات  
 کانادا برافروزند \* اگر چنین همتی نمایند یقین است که تأییدات  
 کلیه الهیه یابند و جنود آسمانی پی در پی رسد و نصرت عظیمی  
 حاصل گردد بلکه انشاء الله نداء ملکوت الله بمسامع اسکیموهای  
 اهالی جزائر شمال کانادا و کرین لند برسد \*

اگر در کرین لند نائره محبت الهی شعله زند جمیع یخ های آن  
 مملکت آب شود و سرما باعتدال مبدل گردد یعنی قلوب حرارت  
 محبت الله یابد آن خطه و دیار کلشن الهی شود و بوستان ربانی  
 گردد و نفوس مانند اشجار پرثمر بنهایت طراوت و لطافت ترین  
 یابند همت لازم است همت \* اگر همتی نمائید که در میان اسکیموها  
 نفعات الهی منتشر شود تأثیر شدید دارد \* خدا در قرآن عظیم  
 میفرماید که روزی آید که انوار توحید بر جمیع آفاق بتابد (واشرق

الارض بنور ربها) یعنی زمین بنور خدا روشن

میشود آن نور نور توحید است لا اله الا الله

مملکت و جزائر اسکیموها نیز از قطعات

ارض است باید از هدایت کبری

بهره مند گردد \* وعلیکم

وعلیکن التحیه والثناء

﴿ ع ع ﴾

# لَوْ كُنَّا شُرَكَاءَ رَبِّهِمْ

که بافتخار احبا و اماء رحمان محافل و مجامع ایالات  
متحده و کانادا صبح شنبه هشتم اپریل  
سنه ۱۹۱۶ در باغچه خارج روضه مبارکه  
در بهجی از فم مبارک مرکز  
میثاق صادر گشت

## مُعَاذَ اللَّهِ

ای نفوس مبارکه من از برای شماها فوز و فلاح ابدی میخوام  
و موفقیت تامه در جهان الهی میطلبم آرزوی من چنانست که  
هر يك از شما از افق عالم مانند ستاره صبحگاهی بدرخشد  
و در این باغ الهی هر يك شجره مبارکه گردد و فواکه و ثمره  
ابدی بخشد لهذا شما را بآنچه سبب تأیید آسمانی و روشنائی  
در ملکوت الهی است دلالت مینمایم \* و آن اینست که الاسکا اقلیم  
وسعی است هر چند یکی از اماء رحمان بآن صفحات شتافته  
و در کتابخانه عمومی بکتابداری معین شده و بقدر قوه در خدمت  
قصور نینماید \* ولی ندا بملکوت الهی هنوز در آن اقلیم وسیع بلند

نشده \* حضرت مسیح میفرماید که بشرق و غرب عالم روید  
 و ندانم کتوت الهی کنید \* پس رحمت الهی باید مشمول بر  
 عموم گردد حال جائز بدانید که آن اقلیم از نسائم صبح حقیقت  
 محروم ماند لهذا تا توانید بکوشید و نفوس ناطقی منقطع الی الله  
 و منجذب بنفحات الله و منزله و مقدس از نفس وهوی بانصفحات  
 بفرستید که زاد و توشه آنها تعالیم الهی باشد \* و اول خود بآن  
 عمل نمایند بعد ناس را دلالت کنند بلکه انشاء الله انوار هدایت  
 کبری آن اقلیم را روشن نماید و نسائم کلشن محبت الله مشام  
 اهل الاسکارا معطر کند \* اگر بچنین خدمتی موفق شوید یقین  
 بدانید که تاج سلطنت ابدیه بر سر نهید و در درگاه احدیت بنده  
 مقبول و مقرب گردید \* و همچنین جمهوری مکزیکو بسیار  
 مهم است اغلب اهالی آن بلاد کتولیک متعصبی هستند ابداً  
 از حقیقت تورات و انجیل و تعالیم جدیده الهی خبری ندارند  
 نمیدانند اساس ادیان الهی یکیست \* و این مظاهر مقدسه حکم  
 شمس حقیقت دارند که از مطامع متعدده طلوع نموده اند \* این  
 نفوس غرق در تقالیدند اگر یک نفعه حیاتی در اینها دمیده شود  
 نتایج عظیمه بخشد \* ولی باید نفوسیکه به مکزیکو میروند باسان  
 اسپانیولی مألوف باشند \* و همچنین شش جمهوری امریکای  
 مرکزی که در جنوب مکزیکو واقع شده مانند کواتمالا \*  
 هوندوراس \* سالوادور \* نیکاراگو \* کستاریکا \* پاناما \* و مملکت

هفتم بلائیز \* و همچنین نفوسی که بانصافات میروند باید بلسان اسپانیولی مألوف باشند \* اهالی اصلی امریکا یعنی هندی هارا بسیار اهمیت دهید زیرا این نفوس مانند اهالی قدیمه جزیره العرب هستند که پیش از بعثت حضرت محمد حکم و حوش داشتند چون نور محمدی در میان آنها طلوع نمود چنان روشن شدند که جهان را روشن کردند \* و همچنین این هنود اگر تربیت شوند و هدایت یابند شبههئی نیست که بتعالیم الهی چنان روشن کردند که آفاق را روشن نمایند \*

جمع این ممالک اهمیت دارد علی الخصوص جمهوری پناما که در آن مرکز محیط اتلانتیک و محیط پاسفیک بهم ملحق میشوند و مرکز عبور و مرور از امریکا بسائر قطعات عالم است و در آینده اهمیت کبری خواهد یافت \* و همچنین جزائر وست اندیز \* مثل کوبا و هایتی \* و پورتوریکو \* و جامیکا \* و همچنین جزائر لسرانتیلیز \* و جزائر یاهاما \* حتی جزیره واتلینک بسیار اهمیت دارد علی الخصوص دو جمهوری سیاهان \* های تی \* و سانتا دومینگو که در دسته جزائر کریترانتیلیز واقع شده \* و همچنین دسته جزائر برمودا که در میان محیط اتلانتیک است اهمیت دارد \* و همچنین قطعه امریکای جنوبی \* مثل کلمبیا \* اکوادور \* پرو \* برزیل \* بریتش کینا \* دچ کینا \* فرنچ کینا \* بولی ویا \* چیلی \* ارژنتینا \* یوروکوای \* پاراکوای \* ونزئلا \* و همچنین بعضی

جزائر که در شمال و شرق و غرب امریکای جنوبیست نظیر  
 فا کلند \* ایلند \* کالاپا کو \* جوان فرناندز \* تو با کو \* ترنیداد  
 آبلند \* همچنین شهر بهائیه که در ساحل شرقی برزیل واقع چون  
 مدیست باین اسم مسمی شده تأثیرات این اسم شدید خواهد بود \*  
 باری احبای الهی را باید همت بلند باشد و مقاصد ارجمند \* حضرت  
 مسیح میفرماید ﴿ طوبی للفقراء لان لهم ملکوت الله ﴾ یعنی  
 خوشا بفقراء بی نام و نشان زیرا سرور عالمیان کردند \* و همچنین  
 در قرآن میفرماید ﴿ و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی  
 الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین ﴾ یعنی میخواهیم بر نفوس  
 ضعیفه منت نهیم و آنها را وارث انبیا و مرسلین نمائیم حال وقت  
 آنست که شما ردای تعلق باین عالم فانی را خلع کنید و از عالم  
 بشریت بکلی منسلخ گردید \* ملائکه آسمانی شوید و باین  
 اقالیم سفر نمائید \* والله الذی لا اله الا هو هریک اسرافیل  
 حیات گردید و نفحه حیات در نفوس سائره خواهید دمید \*  
 وعلیکم وعلیکن التحیه و التناء

### ﴿ مناجات ﴾

ای خداوند بیهمتا \* ای رب الملکوت این نفوس سپاه آسمانی  
 تواند امداد فرما و بجنود ملاً اعلی نصرت کن تا هریک نظیر  
 اردوئی شوند و آنمالك را بمحبت الله و نورانیت تعالیم الهی فتح



کنند \* ای خدا ظهیر و نصیر آنها باش و در بیابان و کوه  
و دره و جنگلها و دریاها و صحراها مونس آنها باش  
تا بقوت ملکوتی و نفثات روح القدس  
فریاد زنند \* تویی مقتدر و عزیز  
و توانا و تویی دانا و شنوا  
وینا



# لَوْ كُنَّا نَعْلَمُ مَتَى نَمُوتُ

که بافتخار احبا و اماء رحمن محافل و مجامع ایالات

متحده و کانادا صبح سه شنبه یازدهم اپریل

سنه ۱۹۱۶ در اطاق مبارک

در بهجی از فم مبارک

مرکز میثاق صادر

کشت

# مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای بهائیان حقیقی امریک شکر حضرت مقصود را که موفق بر نشر تعالیم الهی در آن خطه وسیع شده اید و نداء ملکوت الله در آن دیار بلند کردید و بشارت بظهور رب الجنود و حضرت موعود دادید \* الحمد لله موفق شدید و در این مقصد مؤید گشتید این صرف از تأییدات رب الجنود و نفثات روح القدس است حال موفقیت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته \* عنقریب خواهید دید که هر یک مانند ستاره های درّی در خشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیه اهل امریک شدید \* ملاحظه کنید که موفقیت حواریون در زمان مسیح معلوم نبود \* نفسی بانان اعتنائی نداشت بلکه اذیت و استهزاء مینمودند \* بعد معلوم شد که حواریون و نساء مؤمنات \* مثل مریم مجدلیه و مریم ام یعقوب چه تاج مرصعی از جواهر زواهر هدایت بر سر نهاده بودند \* همچنین موفقیت شما حال معلوم نه \* امید وارم که بزودی موفقیت شما زلزله در آفاق اندازد لهذا عبدالبهارا آرزو چنانست که مثل خطه امریک در سائر قطعات عالم نیز موفق و مؤید شوید یعنی صیت امر الله را بشرق و غرب رسانید و در جمیع قطعات خسه عالم بشارت بظهور ملکوت رب الجنود دهید

این نداء الهی چون از خطهٔ امریک باوروپ و آسیا و افریک  
 و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبای امریک بر سریر سلطنت  
 ابدیهٔ جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان بافاق رسد  
 و اوازهٔ بزرگواریشان جهانگیر گردد. \* پس باید جمعی زبان دان  
 منقطع منزله و مقدس مملوء از محبت الله توجه بسه دستهٔ جزائر  
 عظیمهٔ دریای پاسیفیک مثل پولی نیثریا \* مایکرونزییا \* و میلانزییا  
 و جزائریکه متعلق باین سه دسته است مثل نیوکینا \* برتو \*  
 ژاوا \* سوماترا \* جزائر فیلیپین \* جزائر سلیمان \* جزائر  
 فیجی \* جزائر نیوهبرائیذیز \* جزائر لایلتی \* نیوکالدونیا \*  
 یزمارک ارشی پلیکو \* سرام \* سله ییز \* جزائر فرانڈلی \*  
 جزائر ساموا \* جزائر سوسایتی \* لوارشی \* پلیکو \* مارکساس  
 جزائر هاوای \* جزائر کارولین \* جزائر مارشال \* جزائر  
 جیابرت \* جزائر ملوکا \* جزیرهٔ تیمور \* و سائر جزائر نمایند  
 و مسافرت کنند و قلبی طافح به محبت الله و لسانی ناطق بذکر الله  
 و دیدهٔ متوجه بملکوت الله ناس را بظهور رب الجنود بشارت  
 دهند \* یقین بدانید که در هر محفلی داخل شوید در اوج انمحفل  
 روح القدس موج میزند و تأییدات آسمانی جمال مبارک احاطه  
 میکند \* ملاحظه کنید که مس اکنس الکساندر بنت ملکوت  
 کنیز عزیز جمال مبارک تنها بجزائر هاوای در جزیرهٔ هونولولو  
 رفت و حال در ژاپون بفتوحات مشغول است \* ملاحظه کنید که

این دختر در جزائرها وای چه قدر موفق شد \* جمعی را هدایت  
 کرد \* و مس نوبلاک تنها بالمان رفت چه قدر موفق شد \*  
 پس یقین بدانید که هر نفسی الیوم بنشر نجات الله قیام نماید  
 جنود ملکوت الله تأیید فرماید و الطاف و عنایات جمال مبارک  
 احاطه کند \* ایکاش از برای من میسر میشد که پای پیاده ولو  
 بکمال فقر بانصفحات مسافرت مینمودم و نعره زنان در شهرها  
 و دهات و کوه و بیابان و دریا یا بهاء الابی میگویم و ترویج تعالیم  
 الهی مینمودم \* ولی حال از برای من میسر نه لهذا در حسرتی عظیم  
 هستم بلکه انشاء الله شماها موفق گردید \*

الآن در جزائر هاوای بهمت مس الکساندر جمعی بشاطیء بحر  
 ایمان وارد \* ملاحظه کنید که این چه سروری است و چه فرحی  
 قسم برب الجنود که اگر این دختر محترمه سلطنتی تأسیس میکرد  
 آن سلطنت باین عظمت نبود \* این سلطنت سلطنت ابدیه است  
 و این عزت عزت سرمدیه \*

همچنین در جزائر و قطعات دیگر \* مثل مملکت استراليا  
 و جزیره نیوزیلند \* و جزیره تاسمانیا \* و همچنین اگر بژاپون \*  
 و آسیای روسیه \* و کوریا \* و چین \* و هند فرنگه \* و سیام  
 و اسریت ستمنت \* و هندوستان \* و سیلان \* و افغانستان  
 مبلغینی بروند نتایج عظیمه خواهد بخشید \* اگر بچین و ژاپون  
 ممکن شود هیئت از زن و مرد مجتمعاً روند چه قدر خوب است

تا این رشته محبت محکم گردد و باین عبور و مرور تأسیس وحدت عالم انسانی نمایند و نداء بملکوت الهی کنند و نشر تعالیم نمایند و همچنین اگر ممکن شود سفری بقطعهٔ افریقا نمایند و در جزائر کاناری \* و جزائر کیپ ورد \* و جزائر مادیریا \* و جزیرهٔ رئونیوز و سنت هلتا \* و زنبار \* و مور تیوس و غیره \* و در انجاندا بملکوت الله نمایند و فریاد یا بهاء الاهی کنند \* و همچنین در جزیرهٔ ماداکاسکار علم وحدت عالم انسانی بلند نمایند \*

کتب و رسائلی بلسانهای اینممالک و جزائر یا ترجمه نمایند و یا تألیف کنند و در این ممالک و جزائر نشر دهند \* میگویند در جنوب افریقا معدن الماس پیدا شده \* این معدن هر چند پر قیمت است ولی سنک است بلکه انشاء الله معدن انسان پیدا شود و جواهر زواهر ملکوت بدست آید \* باری این حرب جهانسوز نه چنان آتش بقلوب زده که وصف داشته باشد در جمیع اقالیم عالم آرزوی صلح عمومی مضمراً ضماً است \* نفسی نمانده که آرزوی صلح و سلام نماید \* استعداد عجیبی حاصل \* و این از حکمت بالغهٔ الهی تا استعداد حاصل شود و علم وحدت عالم انسانی و اساس صلح عمومی و تعالیم الهی در شرق و غرب ترویج یابد \*

پس ای احبای الهی همت کنید \* و خلاصهٔ تعالیم الهیه را بعد از این حرب در جزائر بریطانیا \* و اقلیم فرنسه \* و المان \* و اطریش \* و مجر \* و روسیه \* و ایتالیا \* و اسپانیا \* و بلجیک

وسویسرہ \* ونروج \* وسوید \* ودانمارك \* وهو لاند \* وپرتقال  
 ورومانیا \* وسرب \* وجبل اسود \* وبلغاریا \* ویونان \* واندورا  
 ولنجستین \* ولوکسنبرك \* وموناکو \* وسان مارینو \* وجزائر  
 بالریك \* وکرسیکا \* وساردینیا \* وسیسیلی \* وقبرس \* ومالتا \*  
 وکریٹ \* وایلند \* وفاروایلند \* وشتلند ایلند \* وهبرائیڈیز \*  
 وارکن ایلند نشر دهید \*

در جمیع این ممالک مانند ستارہ صبح گاهی از آفاق هدایت  
 بدرخشید \* تا حال بسیار همت نموده اید ولی من بعد هزار مرتبه  
 بر همت بیفزائید \* و در این ممالک و پایتختها و جزائر و محافل و کنائس  
 نداء بملکوت اہی کنید و دائرہ ہمت باید وسیع گردد \*  
 ہر چہ وسیعتر شود موفقیت بیشتر گردد \*

ملاحظہ نمودید کہ عبد البہا در نہایت ضعف و ناتوانی در حالتیکہ  
 بیمار بود ابداً طاقت حرکت نداشت با وجود این با اکثر ممالک  
 اورپ و امریک شتافت و در کنائس و محافل و مجامع بترویج  
 تعالیم الہی پرداخت و نداء بظہور ملکوت اہی نمود \* و ملاحظہ  
 نمودید کہ تأییدات جمال مبارک چگونہ احاطہ نمود \* از راحت  
 و آسایش جسمانی و تن پروری والودہ کی باین دنیای فانی چہ نتیجہئی  
 حاصل \* واضح است کہ انسان عاقبت خائب و خاسر گردد \*  
 پس باید از این افکار بکلی چشم پوشید \* آرزوی حیات ابدیہ  
 و علویت عالم انسانی و ترقیات ربانی و فیوضات کلیہ اسمانی

و نفثات روح القدس و اعلاء کلمه الله و هدايت من على الأرض  
 و ترويج صلح عمومي و اعلان وحدت عالم انساني نمود \* کار این است  
 و الا باید با سائر وحوش و طیور باین حیات جسمانی که نهایت امال  
 حیوانات است پرداخت و مانند بهائم در روی زمین محسور شد \*  
 ملاحظه کنید که هر قدر انسان در دنیا تمکن جوید و ثروت  
 و سامان یابد بدرجه يك کاو نمیرسد زیرا این کاوهای پرواری در این  
 صحرای وسیع جمیع چمن و دمن مرتع آنها و رودها و چشمه سارها  
 ملك آنها هر چه بخورند منتهی نمیشود و این نعمت جسمانی را  
 نهایت سهوات بدست آرند \* و از این بهتر زندگانی طیور است  
 مرغی در بالای کوهی بر شاخه بلندی اشیانه ئی بهتر از قصور  
 ملوک لانه نموده \* هوا در نهایت لطافت \* آب در نهایت عنوبت  
 منظر در غایت حلاوت \* ایامی بسر میبرد و جمیع خرمنهای آن  
 صحرا ثروت آن مرغ است و این را بدون زحمت مالك است  
 انسان هر قدر ترقی کند در دنیا بدرجه این مرغ نمیرسد \* پس  
 معلوم شد که در امور دنیوی هر قدر انسان بکوشد و خود را  
 هلاک کند فراوانی و زندگانی يك مرغ کوچکی نیابد \* از این واضح  
 و معلوم شد که انسان بجهت زندگانی این حیات دنیا خلق  
 نشده است بلکه انسان بجهت فضائل نامتناهی و علویت عالم  
 انسانی و تقرب درگاه الهی و جلوس بر سریر سلطنت ابدیه  
 خلق شده است \* و علیکم وعلیکن البهآء الأبی

## ﴿مناجات﴾

هو نفس كه بجهد تبليغ سفر بهر طرفي نمايد در سفر در بلاد  
غربت شب و روز اين مناجات را تلاوت نمايد \*

الهي الهي تراني والهأ منجذباً الى ملكوتك الأبي  
ومشتملاً بنار محبتك بين الوري ومنادياً بملكوتك في هذه  
الديار الشاسعة الأرجاء منقطعاً عما سواك متوكلاً عليك تاركاً  
الراحة والرخاء بعيداً عن الأوطان هائماً في هذه البلدان غريباً  
طريحاً على التراب خاضعاً إلى عتبتك العليا خاشعاً إلى جبروتك  
العظمى مناجياً في جنح الليال وبطون الأسحار متضرعاً مبتهلاً  
في الغدو والآصال \* حتى تؤيدني على خدمة أمرك ونشر تعاليمك  
واعلاء كلمتك في مشارق الأرض ومغاربها \*

ربّ اشدد ازرى ووفقنى على عبوديتك

بكلّ القوى ولا تتركنى فريداً وحيداً

في هذه الديار \* ربّ آسنى في

وحشتى وجالسنى في غربتى

انك أنت المؤيد لمن

تشاء على ما تشاء

وانك أنت القوى

القدير \*



# لَوْ كُنَّا نَسْتَعِينُهُمْ

که بافتخار احباء و اماء رحمن محافل و مجامع آیالات  
متحده و کانادا صبح چهارشنبه (۱۹) اپریل سنه ۱۹۱۶  
در اطاق مبارک و صبح پنجشنبه (۲۰) اپریل  
در مسافر خانه و صبح شنبه (۲۲) اپریل  
در باغچه خارج روضه مبارکه  
در بهجی از فم مرکز  
میثاق صادر گشت

# مَوْلَا دِلْبَارَا

ای حواریون بهاء الله روحی لكم الفداء نفس مبارک موعود  
در کتاب مقدس برب الجنود تعبیر گشته یعنی جنود اسمانی  
و مقصود از جنود اسمانی نفوسی هستند که بکلی از عالم بشریت  
منسلخ و منقلب بنفوس ملکوتی و ملائکه اسمانی گشته اند  
این نفوس اشعه شمس حقیقتند که افاق را روشن مینمایند و هر یک  
صوری در دست و نفعه حیات بر افاق میدهند • از صفات

بشریت و عالم طبیعت نجات یافته متخلاق باخلاق الهی کردند  
 و منجذب بنفحات رحمانی شوند مانند حواریون مسیح که  
 مملو از مسیح شدند \* این نفوس نیز مملو از حضرت بهاء الله کردند  
 یعنی محبت بهاء الله چنان مستولی بر اعضا و اجزاء و ارکان آنها  
 کرد که عالم بشریت را حکمی نماید \* این نفوس جنود الهی هستند  
 و فاتح شرق و غرب \* اگر نفسی از این نفوس توجه بجهتی نماید  
 و نداء بملکوت الهی کند جمیع قوای معنویّه و تأییدات ربانیه معین  
 و ظهیرا و گردد \* ابواب را مفتوح یابد و قلاع و حصون را مهدوم  
 بیند \* يك سواره بسپاه عالم زند \* لشکر آفاق را از یمین و یسار  
 در شکند و صفوف عالم را خرق کند \* و هجوم بر قلب آفاق  
 نماید \* اینست جنود الهی \*

هر نفسی از احبای بهاء الله باین مقام رسد حکم حواری بهاء الله یابد  
 پس بجان و دل بکوشید تا باین مقام بلند اعلی رسید بر سریر  
 سلطنت ابدیه جلوس یابید و اکلیل جلیل ملکوتی بر سر  
 نهید که درهای در ایش بر قرون و اعصار بتابد \*

ای یاران مهربان \* همت را بلند کنید و پرواز را باوج آسمان  
 برسانید تا قلب مبارکتان با نوار شمس حقیقت یعنی حضرت  
 بهاء الله روز بروز روشنتر شود \* جانها هر دم حیات تازه یابد  
 بکلی ظلمات عالم طبیعت زائل گردد تا نور مجسم شوید \* روح  
 مصور گردید \* و از اینجهان بکلی بیخبر شوید \* و از جهان

الهی خبر گیرید \*

ملاحظه نمائید که حضرت بهاء الله چه ابوابی از برای شما آشوده است \* و چه مقام بلند اعلیٰ مقدر نموده است و چه موهبتی میسر کرده است \* اگر از این جام سرمست شویم سلطنت این کرهٔ خاک در نزد ما از ملعبهٔ صبیان پست تر گردد \* اگر اکلیل شهنشاهی این عالم را در میدان نهند و هر یک از ماها را تکلیف کنند البته تنزل نمائیم و قبول نکنیم \* و وصول باین مقام اعلیٰ مشروط باموریست \*

شرط اوّل ثبوت بر میثاق الله است \* زیرا قوهٔ میثاق امر بهاء الله را از شبهات اهل ضلال محافظت نماید و حصن حصین امر الله است و رکن متین دین الله \* الیوم هیچ قوهٔ فی وحدت عالم بهائی را جز میثاق الهی محافظه نماید و الاختلاف مانند طوفان اعظم عالم بهائیرا احاطه نماید \* بذیهی است که محور وحدت عالم انسانی قوهٔ میثاق است و بس \* اگر میثاق واقع نشده بود و بقلم اعلیٰ صادر نشده بود و کتاب عهد مانند اشعهٔ شمس حقیقت عالم را روشن ننموده بود امر الله بکلی پریشان شده بود \* و نفوسیکه اسیر نفس وهوی بودند بکلی تیشه بر ریشهٔ این شجرهٔ مبارکه میزدند \* هر کس هوسی مینمود و هر نفسی سودائی میکرد \* با وجود این میثاق عظیم معدودی از یخردان سمنند در میدان راندند که شاید رخنهٔی در امر الله

نمایند \* الحمد لله که جمیع خائب و خاسر گشتند \* و سوف یرون  
 أنفسهم فی یأس شدید \* پس باید اوّل قدم را بر میثاق ثابت  
 نمود تا تأییدات بهاء الله از هر جهت احاطه کند و جنود ملاً اعلی  
 معین و ظہیر گردد و نصایح و وصایای عبدالبهاء در قلوب مانند نقش  
 در حجر نافذ و باقی و برقرار ماند \*

شرط ثانی الفت و محبت بین احباب \* باید یاران الهی مجذوب و مفتون  
 یکدیگر باشند و جانفشانی در حق یکدیگر کنند \* اگر نفسی  
 از احباب دیگری برسد مانند آن باشد که تشنه لبی بچشمه آب حیات  
 رسد و یا عاشقی بمعشوق حقیقی خود ملاقات کند \* زیرا از اعظم  
 حکمت الهی در ظهور مظاهر مقدّسه این است که نفوس مانوس  
 یکدیگر گردند \* و قوّه محبت الله جمیع را أمواج یک دریا نماید  
 و از هار یک بوستان کند و نجوم یک آسمان نماید \* اینست حکمت  
 ظهور مظاهر مقدّسه \* چون این موهبت عظمی در بین قلوب  
 احبا جلوه نماید عالم طبیعت منقلب گردد \* ظلمات امکان زائل  
 شود نورانیت آسمانی حصول یابد \* آنوقت جمیع جهان جنت ابری  
 گردد \* و هر یک از احبای الهی شجره مبارک شود و اثمار بدیعه  
 بیار آرد \* ای یاران الفت الفت \* محبت محبت \* اتحاد اتحاد \*  
 تا قوّه امر بهائی در عالم وجود ظاهر و اشکار گردد \* الا آن بیاد  
 شما مشغولم و این قلب در نهایت هیجان \* اگر بدانید که این  
 وجدان چگونه منجذب یاران است البته بدرجه فی فرح و سرور

یابید که کل مفتون یکدیگر کردید \*

شرط ثالث آنکه مبلغینی باطراف مملکت بلکه باطراف عالم سفر نمایند ولی نظیر عبد البهاء که در بلاد آمریکا سفر نمود و ازهر آلوده کی پاک و مقدس و در نهایت انقطاع چنانکه حضرت مسیح میفرماید چون در شهری وارد شوید غبارانشهر را نیز از نماین خویش بیفشانید \* ملاحظه نمودید که در امریک بسیاری از نفوس در نهایت الحاح و اصرار خواستند که هدیه‌ئی تقدیم نمایند \* و این عبد نظر بوصایا و نصایح جمال مبارک ابدأ چیزی قبول ننمود باوجود آنکه در بعض اوقات عسرت شدید بود اما اگر نفسی لله و فی الله بصرافت طبع و طیب خاطر اعانه‌ئی نماید مجرد بجهت سرورانشخص چیزی جزئی قبول بنماید \* ولی باید نهایت قناعت بگذرانند \*

مقصود اینست که باید نیت خالص باشد و قلب مستغنی و روح منجذب و فکر مستریح و عزم و اراده شدید و همت بلند و در محبت الله شعله افروخته باشد \* اگر چنین کرد نفس طاهرش در صخره تأثیر نماید و الاهیچ ثمری ندارد \* نفسی تاخود کامل نکرده چگونه میتواند نقص دیگران را زائل نماید \* تاخود منقطع الی الله نشود چگونه میتواند دیگران را منقطع کند باری ای احبای الهی بکوشید تا ترویج دین الله و نشر تعالیم الهی بجمیع وسائل نمائید \*

از جمله تشکیل محفل تبلیغ است که نفوس مبارکه و قدمای  
 احباب نورسیده کان محبة الله را در مدارس تبلیغ جمع نمایند  
 و جمیع براهین و ادله و حجج بالغه الهیه را تعلیم دهند و تاریخ امر را  
 تشریح نمایند و آنچه ادله ظهور موعود در کتب و صحف الهیه  
 از قبل موجود آنها را نیز تفسیر کنند تا نور سیده کان در جمیع این  
 مراتب ماسکه تامه حاصل نمایند \*

و همچنین هر وقت ممکن شود يك دائره ترجمه الواح تأسیس  
 شود \* نفوس کاملی که در لسان فارسی و عربی و السنه اجنبیه  
 یا در يك لسان از السن اجنبیه متمکن و ماهرند بترجمه الواح  
 و کتب استدلالیه مباشرت نمایند و طبع نموده در اقالیم خمسہ  
 عالم نشر دهند \*

و همچنین مجله نجم باختر را در نهایت انتظام تحریر نمایند ولی  
 مندرجات باید مروج امر الله باشد تا کل در شرق و غرب مطلع  
 بروقاع مهمه گردند \*

باری در جمیع محافل چه عمومی \* و چه خصوصی از صدد خارج  
 صحبتی ندارند \* جمیع مقالات را حصر در امر الله نمایند \*  
 صحبتهای متفرقه بمیان نیاید و جدال بهیچ وجه جائز نه و مبلغین  
 که باطراف میروند باید لسان هر مملکتی که داخل میشوند  
 بدانند \* مثلاً نفسی که در لسان ژاپون ماهر به مملکت ژاپون  
 سفر نماید نفسی که در لسان چینی ماهر بمملکت چین بشتابد \*

وعلی هذا المنوال \* باری بعد از این حرب عمومی ناس را بجهت  
استماع تعالیم الهی استعدادی فوق العاده حاصل کردد زیرا حکمت  
این حرب اینست تا بر کل معلوم شود که آتش حرب  
جهانسوز است و انوار صلح عالم افروز \* این ملمات است و ان حیات  
این فناست و ان بقا \* این نعمت کبری است و ان نعمت عظمی  
این ظلمات است و ان انوار این ذات ابدیه است و ان عزت سرمدیه  
این مخرب بنیان بشر است و ان مؤسس سعادت انسان \* لهذا  
اگر نفوسی بشروط مذکورہ قیام نمایند و باطراف جهان  
شتابند علی الخصوص از امریک بقطعهٔ اوروپ و افریک و آسیا  
و استرالیای شتابند بژاپون و چین بروند \* و همچنین از المان مبلغین  
و احباب باقلم امریک و افریک و ژاپون و چین سفر نمایند  
خلاصه بعموم ممالک و جزائر عالم سفر کنند در اندک زمانی نتایج  
عظیمه حاصل کردد و علم صلح عمومی در قطب عالم موج زند  
و انوار وحدت عالم انسانی جهانرا روشن نماید \*

باری ای احبای الهی صریح کتاب الهی اینست که اگر  
دو نفس در مسئله از مسائل الهیه جدال و بحث نمایند و اختلاف  
و منازعه نمایند هر دو باطل اند \* حکمت این امر قطعی الهی  
اینست که در میان دو نفس از احبای الهی جدال و نزاع نشود  
بنهایت الفت و محبت بایکدیگر گفتگو کنند \* اگر اندک  
معارضه فی بیان آید سکوت کنند دیگر ابدأ طرفین تکلم

نمايند وحقىقت حال را از مبنى سؤال كنند \* ابن است حكم  
فاصل \* وعلىكم وعلىكن البهاء الأبهى \*

### \* مناجات \*

الهى الهى ترى قد اشتد الظلام الحالك على كل الممالك  
واحترق الآفاق من نائرة النفاق واشتعلت نيران الجدال  
والقتال فى مشارق الارض ومغاربها فالدماء مسفوكة والأجساد  
مطروحة والرؤس مذبوحة على التراب فى ميدان الجدال \* رب  
رب ارحم هؤلاء الجهلاء وانظر اليهم بعين العفو والغفران واطفأ  
هذه النيران حتى تنقشع هذه الغيوم المتكاثفة فى الآفاق حتى  
تشرق شمس الحقيقة بانوار انوارك وينكشف هذا الظلام ويستضيء  
كل الممالك بانوار السلام \* رب انقذهم من غمرات بحر البغضاء  
ونجهم من هذه الظلمات الدماء والف بين قلوبهم ونور ابصارهم  
بنور الصلح والسلام \* رب نجهم من غمرات الحرب والقتال وانقذهم  
من ظلام الضلال واكشف عن بصائرهم الغشاء ونور قلوبهم  
بنور الهدى وعاملهم بفضلك ورحمتك الكبرى ولا تعاملهم  
بعدلك وغضبك الذى يرتعد منه فرائص الاقوياء \* رب قد طالت  
الحروب واشتدت الكروب وتبدل كل معمر بمطمور \*

رب قد ضاقت الصدور وتفرغرت النفوس فارحم هؤلاء  
الفقراء ولا تتركهم يفترط فيهم من يشاء بما يشاء \* رب ابعث فى  
بلادك نفوساً خاضعة خاشعة منورة الوجوه بانوار الهدى منقطعة



عن الدنيا ناطقة بالذكر والثناء ناشرة لنفحات قدسك بين الورى  
 رب اشدد ظهورهم وقوا ازورهم واشرح صدورهم بايات محبتك  
 الكبرى \* رب انهم ضعفاء وانت القوى القدير وانهم عجزاء وانت  
 المعين الكريم \* رب قد تموج ببحر العصيان ولا تسكن هذه الزوابع  
 الا برحمتك الواسعة فى كل الارحاء \* رب ان النفوس فى هاوية الهوى  
 فلا ينقذها الا الطافك العظمى \* رب ازل ظلمات هذه الشهوات  
 ونور القلوب بسراج محبتك الذى سيضيئ منه كل الارحاء ووفق  
 الاحباء الذين تركوا الاوطان والاهل والولدان وسافروا  
 الى البلدان حباً بجمالك وانتشارا لنفحاتك وبتألتعاليمك  
 وكن انيسهم فى وحدتهم ومعينهم فى غربتهم  
 وكاشفاً لكربتهم وسلوة فى مصيبتهم وراحة  
 فى مشقتهم ورواء لغلتهم وشفاء لعلتهم  
 وبرداً للوعتهم \* انك انت الكريم  
 ذو الفضل العظيم \* وانك  
 انت الرحمن الرحيم  
 ﴿ ع ع ﴾



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امریکا شمال و جنوب



لَوْ كُنَّا نَعْلَمُ

که بافتخار احباء و اماء رحمن (۹) ایالات شمال شرقی

ایالات متحده صبح روز جمعه (۲) فبرایر سنه

۱۹۱۷ در بالاخانه اسمعیل آغا دریت

مبارک حیفازم مرکز میثاق

صادر کشت

أحبا و اماء رحمن در (۹) ایالات شمال شرقی ایالات متحده

مین • ماسا جوست • نیوها مشار • رود ایلند •

کن نکتیکت • ورمونت • پنسیلوانیا • نیوجرسی

نیویورک • علیهم وعلیهن التحیه و الثناء

# مَعْرِفَةُ اَقْلِيمِ

ای دوستان حقیقی \* جمیع اقالیم در نزد حق اقلیم واحد است  
 و جمیع مدائن و قری یکسان و متساوی \* هیچیک بر دیگری  
 امتیاز ندارد \* کل مزارع الهیست و منشأ نفوس انسانی ولی بایمان  
 و ایقان و سبقت بر دیگران مکین مکان را مشرف نماید \* بعضی  
 از بلاد مستثنی کردند و بشرف مزیت بی منتهی فائز شوند مثلاً  
 بعضی از اقالیم اورپا و امریکا بلطافت هوا و عذوبت ماء و حلاوت  
 کوه و دشت و صحرا مستثنی و در نهایت امتیاز \* با وجود این  
 فلسطین شرف جمیع اقالیم کشت زیرا جمیع مظاهر مقدسه  
 الهیه از یوم حضرت ابراهیم تا ظهور خاتم النبیین یا در این اقلیم  
 متوطن یا مهاجر و مسافر بودند \* و همچنین یترب و بطحاً بشرف  
 بی منتهی فائز \* نور نبوت در انجا تأیید لهذا فلسطین و حجاز از  
 جمیع اقالیم ممتاز کشت حال نیز قطعه امریک در نزد حق میدان  
 اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع  
 احرار \* جمیع مبارک است ولی ایالات تسعه چون در ایمان و ایقان  
 سبقت گرفتند لهذا از این سبقت امتیاز یافتند \* باید که قدر این  
 نعمت را بدانند که بچنین موهبتی سرافراز گشتند و بشکرانه

این موهبت کبری قیام بر نشر نفحات الله نمایند تا ایه مبارکه  
 (الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح  
 فی زجاجة الزجاجة کأنها کوكب درّی یوقد من شجرة مبارکه  
 زيتونة لا شرقية ولا غربية یکادزيتها یضییء ولو لم تمسسه نار نور علی  
 نور) تحقق یابد میفرماید عالم طبیعت عالم ظلمات است زیر منشأ  
 هزار گونه فساد است بلکه ظلمت اندر ظلمت است نورانیت  
 عالم طبیعت با شراق شمس حقیقت است \* فیض هدایت مانند  
 شمع است که در زجاجة علم و حکمت روشن است و ان زجاجة علم  
 و حکمت در مشکاة قلب انسان است \* دهن انسراج نورانی از اثمار  
 شجرة مبارکه است و بدرجه بی ان دهن لطیف است که بی آتش  
 بر افروزد \* قوت نور و صفوت زجاج و لطافت مشکاة چون  
 جمع گردد نور علی نور شود \* باری در این نه ایالات مبارکه  
 عبدالبهاسیر و حرکت نمود و بیان حکمت کتب اسمانی کرد و نشر  
 نفحات نمود \* در اکثری تأسیس بنیان الهی کرد و باب تبلیغ  
 بکشود و در ان مزرعه ها تخم پاکی افشاند و کشت مبارکی کرد  
 حال اُحباء الهی و اماء رحمن باید ان کشت را ایاری کنند و بکمال  
 قوت بتربیت ان کشت پردازند تا بنهایت قوت نشو و نما کند  
 و فیض و برکت حاصل شود و خرمهای بسیار عظیم بوجود آید  
 ملکوت الله مانند دهقان است که بخاک پاکی بگذرد و بذر  
 اسمانی بیفشاند و سحاب رحمت یزدانی بیارد و حرارت شمس

حقیقت بتابد \* حال جمیع این مواهب در این ایالات تسعه واقع  
 وحاضر و موجود \* دهقان الهی بان خاک پاک مقدس مرور نمود  
 و تخمی پاک از تعالیم ربانی در آن کشتزار افشاند \* باران فیوضات  
 الهی بیارید و حرارت شمس حقیقت یعنی تأییدات رحمانی بتایید  
 حال آبیاری میخواهد \* امیدم چنانست که آن نفوس مبارکه  
 هر یک ایاری مثیل و نظیر گردد و شرق و غرب امریکا بهشت  
 برین شود تماماً اعلی بتحسین فریاد طوبی لکم ثم طوبی لکم  
 برارد \* وعلیکم وعلیکن التحیه والثناء \*

﴿ این مناجات را هر یک روز یکمرتبه تلاوت کند ﴾

پروردکارمهربان \* شکر ترا شاهراه هدایت بنمودی و ابواب  
 ماکوت بکشودی و بواسطه شمس حقیقت تجلی فرمودی  
 کوران بینامودی و کران شنوا کردی مردهگان زنده فرمودی  
 و فقیران اغنیا کردی کراهان را راه بنمودی و آشنکانرا بچشمه  
 هدایت دلالت کردی \* ماهیان آب تشنه را بدریای حقیقت  
 رساندی و مرغان آواره را بگلشن عنایت دعوت فرمودی  
 پروردکارا جمعی هستیم بندگان تو و فقیران تو دور افتاده ایم مشتاقان  
 تو \* تشنه چشمه توئیم و دردمند درمان توئیم در ره تو قدم  
 نهادیم و مقصد و ارزوئی جز نشر نفعات تو نداریم تا نفوس فریاد  
 اهدنا الصراط المستقیم برارند و دیده بمشاهده انوار روشن نمایند  
 از ظلمات جهالت برهند و طائف حول سراج هدایت گردند

بی نصیبان نصیب برند و محرومان محرم راز شوند \* پرورد کارا  
 بعین عنایت نظر نما \* تأییدی اسمانی فرما \* نفات روح  
 القدس مبدول دار تا بخدمت موفق کردیم  
 و مانند ستاره های روشن در این اقالیم  
 بنور هدایت بدر خشم \* تویی  
 مقتدر و توانا و توئی عالم وینا

# لَوْ كُنَّا نَعْلَمُ لَأَكْفُرَنَّ

که بافتخار احبا و اماء رحمن (۱۶) ایالت جنوبی ایالات متحده  
 صبح روز شنبه (۳) فبرایر سنه ۱۹۱۷ در بالاخانه  
 اسماعیل اقا دریت مبارک حیف از فم  
 مرکز میثاق صادد کشت

احبا و اماء رحمن در شانزده ایالت جنوبی ایالات متحده امریکا  
 دلاور \* ماریلند \* ویرجینیا \* وست ویرجینیا \* نرت کارلانی  
 سوت کارلانی \* جورجیا \* فلوریدا \* الاباما \* میسیسیپی \* تنسی  
 کانتاکی \* لوئیزیانا \* ارکانسا \* آلاهما  
 تکساس \* علیهم وعلیهن التحیه و الثناء

# مِعْرَافَةُ الْعُقُولِ

ای نفوس مبارکه \* محترمه \* فلاسفه قرون اولی و علماء قرون وسطی و فلاسفه قرون اخیرہ جمیع برانند کہ بہترین اقالیم منطقہ معتدلہ است ریرا عقول و افکار در نہایت کمال است و استعداد و قابلیت مدینت در غایت قوت \* چون بدقت نظر در تاریخ نمائید واضح شود کہ مشاہیر رجال اکثر از منطقہ معتدلہ جلوہ نمودہ و اقل قلیلی از منطقہ بارده و منطقہ خارہ اند \*

حال این شانزده ایالت از ولایات متحدہ در نہایت اعتدال است و کمالات عالم طبیعت بنہایت حلاوت در این اقالیم تجلی نمودہ \* چہ کہ اعتدال هوا و لطافت مناظر و حلاوت اقلیم حکمی عظیم در عالم عقول و افکار دارد چنانچہ تجربہ شدہ است حتی مظاهر مقدسہ الہیہ مزاجی در نہایت اعتدال داشتہ اند و صحت و سلامتی بی منہی \* و بنیہ در نہایت قوت \* و قوی در غایت کمال و حواس ظاہرہ و باطنہ فوق العادہ شدید \* حال این شانزده اقالیم بحسب ایالات مجاورہ در غایت اعتدال است البتہ باید تعالیم الہی در ان جلوہ دیکر کند و نفثات روح القدس تأثیری عظیم نماید و حرارت شمس حقیقت شدید بتابد \* دریای

محبت الله موجی عظیم زند \* نسائم کلشن حقائق و معانی بنهایت  
 سرعت وزد و نفحات قدس بزودی انتشار یابد \*  
 الحمد لله فیوضات الهی ناستناهی و آهنگ تعالیم ربانی در نهایت  
 تأثیر \* و نیز اعظم درغایت اشراق و جنود ملکوت اعلی با کمال  
 سرعت در هجوم \* زبانها از شمشیر تیز تر و قلوب از ضیاء کهربائی  
 روشنتر و همت احبا فائق بر همتهای سلف و خلف و نفوس درغایت  
 انجذاب و نار محبت الله در نهایت اشتعال \* چنین وقت و زمانیرا باید  
 بسیار غنیمت شمرد دقیقهئی فتور نباید کرد \* از راحت و آسایش  
 و نعمت و آسایش و جان و مال باید منقطع شد \* جمیع را فدای حضرت  
 ملک و وجود کرد تا قوای ملکوتیه شدت نفوذ یابد و اشعهء  
 ساطعه در این عصر جدید عالم افکار و عقول را روشن نماید  
 قریب بیست و سه سال است که نفحات الهی در امر یک نشر  
 یافته ولی حرکت چنانکه باید و شاید حاصل نکرده \* جوش  
 و خروش نزده \* حال چنان امیدوارم که بقوهء آسمانی و نفحات رحمانی  
 و انجذابات وجدانی و فیوضات سبحانی و جنود آسمانی و غلیان  
 محبت الله احبای الهی قیام نمایند \* و در مدتی یسیر خیر کثیر رخ  
 بکشاید و شمس حقیقت چنان بدرخشد که ظلمات عالم طبیعت  
 محو و متلاشی شود \* از هر گوشهئی آهنگ بدیع بلند گردد  
 و مرغان سحر کلبانکی زنند که عالم انسانی بوجد و حرکت آید  
 اجسام جامده را بحریان آرد و نفوسیکه مانند صخرهء صماست



بحرارت محبت الله بطيران ايند \* ارمينه دو هزار سال پيش وقتي  
 ظلمات اندر ظلمات بود \* يکنفس مبارکي از تلامذه مسيح  
 بان صفحات شتاييد \* عاقبت آن اقليم روشن کرديد  
 پس معلوم شد که قوه ملکوت چه ميکند لهذا مطمئن بتوفيقات  
 رحمانيه و تأييدات صمدانيه کرديد و از اين جهان و جهانيان منزه  
 و مقدس شويد \* نيت را خير نمائيد و تعلق باين عالم را قطع کنيد  
 و چون جوهر روح لطيف و خفيف کرديد و باعزمي ثابت و قلبي  
 طاهر و روحی مستبشر و لساني ناطق بترويج تعاليم الهی پردازيد  
 تا وحدت عالم انسانی در قطب امریک خيمه برافرازد و جميع  
 ملل متابعت سياست الهیه نمایند \* و اين معلوم است که سياست  
 الهیه عدل و مهربانی بعموم است \* جميع ملل عالم اغنام الهی هستند  
 و خداوند شبان مهربان \* جميع اين اغنام را خلق نموده و حفظ  
 فرموده و رزق ميدهد و ميپروراند \* چه مهربانی أعظم از اين  
 ما بايد در هر دم صد هزار شکرانه نمائيم که الحمد لله از تعصبات  
 جاهليه راحت يافتيم و بجمع اغنام الهیه مهربانيم و نهايت آرزو چنان  
 داريم که کل را خدمت نمائيم و مانند پدر مهربان پرورائيم \*  
 و عليكم وعليكن التحية والثناء \* هر شخصی که بمدين و شهرها  
 و قرايه اين ولايات سفر نمايد و بنشر تعاليم الهی پردازد هر روز  
 صبحی بايد اين مناجات را تلاوت نمايد \*

الهی الهی ترانی مع ذلی وعدم استعدادی و اقتداري مهتما

بعضاًم الامور \* قاصداً لاعلاء كلمتك بين الجمهور \* نادياً لنشر  
 تعاليمك بين العموم واني اتوفق بهذا الا ان يؤيدني نفثات روح  
 القدس وينصرني جنود ملكوتك الاعلى وتحيط بي توفيقاتك التي  
 تجعل الذباب عقاباً والقطرة بحوراً وانهاراً والذرات شمساً  
 وانواراً \* رب أيدي بقوتك القاهرة وقدرتك النافذة حتى  
 ينطق اساني بحمامدك ونعوتك بين خلقك  
 ويطفح جناني برحيق محبتك ومعرفتك  
 انك انت المقتدر على ماشاء  
 وانك على كل شيء قدير

# لَوْ كُنْتُ بِسُوءِ

که بافتخار احبا واماآء رحمن (١٢) ایالت مرکزی  
 ایالات متحده قبل از ظهر پنجشنبه (٨) فبرابر  
 سنه ١٩١٧ در اطاق جمال مبارک در بیت  
 مبارک عکا از فم مرکز  
 میثاق صادر گشت

أحبا واماآء رحمن در (١٢) ایالت مرکزی ایالات متحده  
 میشیکان \* ویسکنسن \* ایلی نوا \* ایندیانا \* اوهایو \* منیزتا \*

ایووا • میسوری • نورت دا کوتا • سوت دا کوتا •  
نبراسکا • کانساس • علیهم وعلیہن التحیة والثناء

## مَعَالِدِ اللَّهِ

ای احبای قدیم و یاران ندیم • در قران عظیم میفرماید ( یختص  
برحمتہ من یشاء ) این دوازده ولایات مرکزی ایالات متحده  
بمنزلہ قلب امریک است و قلب مرتبط بجمیع اعضا و اجزاء  
انسان • اگر قلب قوی گردد جمیع اعضا قوت یابد و اگر قلب  
ضعیف باشد جمیع ارکان مبتلا بضعف گردد • حال الحمد لله  
شیکاگو و اطراف ان از بدایت نشر نفعات الله قلب پر قوتی  
بوده لهذا بعون و عنایت الهیه باموری عظیمه موفق شده •

اولا اینکه ندای بملکوت در بدایت از شیکاگو بلند شد  
و این مزیت عظیمه ایست که در قرون و اعصار آتیه مدار افتخار  
شیکاغوست • ثانیاً اینکه نفوسی بنهایت ثبات و استقامت در ان  
خطه مبارکه باعلاء کلمة الله برخواستند و الی الآن قلب را از هر  
فکری منزہ و مقدس میدارند و بترویج تعالیم الهیه مشغولند  
و ندای تحسین متتابعاً از ملکوت اعلی بلند است • ثالثاً آنکه در  
سفر بامریک بکرات و مرآت عبد البها بشیکاگو مرور نمود

و بایاران الهی همدم کشت \* مدّت مدیده در ان شهر اقامت نمود  
 و شب و روز بد کر حق مشغول و نداء بملکوت الهی مینمود \*  
 رابعاً آنکه آنچه تا بحال تاسیس در شیکاگو گردید با طرف و اکناف  
 سرایت نمود چنانکه آنچه در قلب ظهور و بروز نماید بجمیع اعضاء  
 و اجزاء سرایت یابد \* خامساً آنکه اوّل مشرق الاذکار در امریک  
 در شیکاگو تاسیس یافت و این شرف و منقبتی است که بی پایان است  
 البته از این مشرق الاذکار هزاران مشرق الاذکار تولد  
 خواهد یافت و امثال ذلك نظیر محافل عمومیّه سالیانه و تاسیس  
 نجم باختر و انجمن طبع رسائل و ألواح و نشران در جمیع صفحات  
 امریک و استعدادی که الآن بجهت احتفال و نمایش قرن ذهبی  
 ملکوت الله میشود \* امیدوارم که این احتفال و نمایش در نهایت  
 اتقان گردد چنانکه نداء بکلمه توحید لا اله الا الله و کل الانبياء  
 از ابتدا تا خاتم رسل کلهم علی الحق من عند الله بلند گردد \*  
 علم و وحدت عالم انسانی بلند شود و آهنگ صلح عمومی کوشزد  
 شرق و غرب گردد \* جمیع راهها صاف و مستقیم شود \* جمیع قلوب  
 منجذب بملکوت الله گردد و خیمه توحید در قطب امریکا  
 افراخته شود و نغمه محبت الله جمیع اقوام و ملل را بوجد و طرب  
 آرد و روی زمین جنت ابدی شود \* ابرهای تاریک متلاشی  
 گردد و شمس حقیقت بنهایت اشراق بدرخشد \*  
 ای یاران الهی بجان و دل بکوشید تا الفت و محبت و اتحاد

و اتفاق بین قلوب حاصل شود \* جمیع نوایا نیت واحد گردد و همه آهنگها آهنگ واحد شود \* قوه روح القدس چنان غلبه نماید که بر جمیع قوای عالم طبیعت مستولی شود \* کار این کار عظیم است اگر بان موفق شویم تا امریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد این جهان فانی در اندک زمانی بر حالت واحد نماید آنا فانا در تغیر و تبدل است \* هر بنیائی ویران گردد \* هر عزت و شکوهی محو و زائل شود لکن ملکوت الله باقی و عزت و حشمت ملکوتی الی الأبد برقرار لهذا در نزد انسان عاقل حصیر در ملکوت الله بر سریر سلطنت دنیا تفوق دارد \* دائماً سمع و بصر من متوجه ایالات مرکزیه است بلکه آهنگی از نفوسی مبارکه بسمع رسد \* نفوسی که مشارق محبت الله اند و نجوم افق تنزیه و تقدیس این جهان ظلمانی را روشن کنند و این عالم مرده را زنده نمایند \* سرور عبدالبها باین است امیدوارم که بان موفق گردید \* پس باید نفوسی در نهایت انقطاع و از نقائص عالم طبیعت مبرا و از تعلق باین دنیا مقدس و بنفحه حیات ابدیه زنده با قلبی نورانی و روحی آسمانی و انجذابی وجدانی و همتی ملکوتی و لسانی ناطق و بیانی واضح باطراف ایالات مرکزی بشتابند و در هر شهر و قریه فی بوصایا و نصایح الهی پردازند \* نفوس راهدایت کنند و وحدت عالم انسانی ترویج نمایند و آهنگ صلح عمومی را چنان بنوازند که هر کس

شنوا گردد \* وهر افسرده ئی بر افروزد وهر مرده ئی حیات ابدی  
یابد وهر کلهلی نشاط جوید ویقین است که چنین گردد \*

وعلیکم وعلیکن التحیة والثناء \*

ناشرین نجات الله این مناجات را در هر صباح تلاوت نمایند  
ربّ ربّ لك الحمد والشکر بما هدیتنی سبیل الملکوت

وسلکتنی هذا الصراط المستقیم الممدود \* ونورت بصری

بمشاهدة الأنوار وأسمعتنی نغمات طیور القدس من ملکوت

الأسرار واجتذبت قلبی بمحبتک بین الأبرار \* ربّ أیدنی بروح

القدس حتی أنادی باسمک بین الاقوام وابشر بظهور ملکوتک

بین الأنام \* ربّ انی ضعیف قونی بقدرتک وسلطانک وکلیل

اللسان انطقنی بذكرک وثنائک وذلیل عزّزنی بالدخول

فی ملکوتک وبعید قربنی بعتبة رحمانتک \* ربّ

اجعلنی سراجاً وهاجاً ونجماً بازغاً وشجرة

مبارکة مشحونة بالأثمار مظلمة فی

هذه الدیار \* انک أنت

العزیز المقتدر المختار



# لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ نَجْوَىٰ آبَائِنَا الْغَائِبِينَ

که بافتخار احباء و اماء رحمن يازده ايالت غربی ایالات  
 متحده شب پنجشنبه (۱۵) فبرایر سنه ۱۹۱۷  
 در اطاق جمال مبارک در بیت عکا  
 از قم مرکز میثاق صادر  
 کشت

احبا و اماء رحمن يازده ايالت غربی ایالات متحده  
 نیومکزیکو \* کولورادو \* اریزونا \* نوادا \* کالیفورنیا  
 وایومینگ \* یوتا \* متتانا \* ایداهو \* ارکن \*  
 واشنگتن \* علیهم وعلیهن التحیه و الثناء

## مَوْلَانَدْوَى

ای یاران و اماء رحمن مختارین ملکوت \* خطه مبارکه کالیفورنیا  
 نهایت مشابہت بارض مقدس یعنی کشور فلسطین دارد \*  
 هوا در نهایت اعتدال و صحرا در نهایت وسعت و اثمار فلسطین  
 دران اقلیم در نهایت طراوت \* عبدالبها چون بانصفحات

عبور و مرور نمود خود را در فلسطین یافت \* زیرا از هر جهت  
 مشابهت تامه بین این اقلیم و ان اقلیم بود حتی سواحل دریای پاسیفیک  
 بتامه مشابه سواحل ارض مقدس حتی گیاههای ارض مقدس  
 در آن سواحل روئیده و مورد حیرت گردیده و همچنین در خطه  
 کالیفورنیا \* و سایر ایالات غربی آثاری از عجائب عالم طبیعت  
 اشکار که عقول را حیرت بخشد \* جبال بسیار عالیه \* دره های  
 بسیار عمیق \* ایشارهای در نهایت شکوه \* اشجار در غایت  
 ضخامت و خاک در منتهای فیض و برکت \* چون ان اقلیم مبارک  
 مشابه ارض مقدس است \* و ان کشور و زمین مانند بهشت  
 برین گانه کشور فلسطین است لهذا باید چنانکه مشابهت طبیعی  
 دارد مشابهت ملکوتی هم حاصل نماید \* انوار فیوضات الهیه  
 در فلسطین ظاهر \* انبیای بنی اسرائیل اکثر در این خطه مقدسه  
 ندا بملکوت الله بلند نمودند \* تعالیم روحانی منتشر کردند \* مشام  
 روحانیان معطر شد و بصر نورانیان منور گشت \* کوشها در  
 اهتزاز آمد و از نسیم جانبخش ملکوت الله قلوب حیات ابدیه  
 یافت و از پرتو شمس حقیقت نورانیت ربانیه پذیرفت \* و از این  
 اقلیم بجمیع اورپا و امریکا و آسیا و افریقا و استرالیا سرایت نمود  
 حال کالیفورنیا و سایر ایالات غربی نیز باید بارض مقدس مشابهت  
 معنویّه یابد و از ان خطه و دیار بجمیع امریک و اروپ نفثات روح  
 القدس منتشر گردد \* و ندای ملکوت الله جمیع اذان را باهتزاز آرد



و تعالیم الهی حیات جدیدی بخشد و احزاب مختلفه حزب واحد  
 گردد و افکار متعدده در مرکز واحد استقرار یابد \* شرق  
 و غرب امریکا دست در اغوش یکدیگر شود \* و آهنگ وحدت  
 عالم انسانی جمیع بشر را حیات تازه بخشد و خیمه صلح عمومی  
 در قطب امریک افراخته شود تا اوروپ و افریک نیز از نفثات  
 روح القدس زنده شود \* جهان جهان دیگر گردد و هیئت  
 اجتماعیه نشئه دیگر یابد \* و در خطه کالیفورنیا و سایر ایالات  
 غربی چنانکه آثار عجیبه عالم طبیعت واضح و آشکار \* بهمین قسم  
 آثار عظیمه ملکوت الله جلوه نماید تا جسم مطابق جان گردد \*  
 و ظاهر عنوان باطن شود و آئینه ملک مرآت ملکوت گردد \*  
 ایام سفر و سیاحت در انصفحات مناظر و مواقع بدیعه مشاهده  
 شد \* گلستانها و رودخانه ها بساتین ملی و مجامع عمومی صحرا  
 و چمن و کشت رار و فوا که و اثمار آن دیار بسیار در نظر جلوه  
 نمود \* و الی الآن در خاطر است \* علی الخصوص از محافل  
 سائفر انیسکو و اکلند و مجالس لاس انجلیز و احبائیکه  
 از شهرهای دیگران اقلیم آمدند بسیار مسرورم و چون بخاطر  
 گذرند فوراً فرحی بی منتهی حاصل گردد \* لهذا امیدوارم  
 که تعالیم الهی در جمیع آن ایالات غریبه مانند شعاع افتاب  
 انتشار یابد \* و ایة مبارکه قران ( بلدة طيبة ورب غفور ) تحقق  
 یابد \* و همچنین ایة قرانیة ( اولم یسیروا فی الارض ) و ایة ( فانظر الی

اثر رحمة الله... در نهایت ظهور جلوه نماید \* الحمد لله بمون و عنایت  
 الهی در آن اقلیم میدان واسع و عقول در نهایت ترقی و علوم  
 و معارف در نهایت انتشار و قلوب آئینه آسا در نهایت صفا  
 و استعداد و یاران الهی در نهایت انجذاب \* لهذا امید چنانست  
 که محافل تبلیغ مرتب و منظم گردد \* و بجهت نشر نفعات الله  
 مبلغینی کامل بشهرها حتی قریه ها ارسال شود و آن نفوس مبالغین  
 باید ملکوتی باشند \* ربانی باشند رحمانی باشند \* نورانی باشند  
 روح مجسم باشند \* عقل مصور باشند \* و بنهایت ثبوت و استقامت  
 و جانفشانی قیام کنند \* در سفر در قید زاد و توشه نباشند \*  
 افکار را حصر فیوضات ملکوت الله نمایند و تأییدات روح  
 القدس طلبند و بقوه الهی و انجذابی وجدانی و بشارتی ربانی  
 و تزییه و تقدیسی سبحانی بر آئحه جنت ابهی مشامهارا معطر کنند  
 و این مناجات را هر روز تلاوت نمایند

۹

الهی الهی هذا طیر کلیل الجناح بطی الطیران ایده بشدید  
 القوی حتی یطیر الی اوج الفلاح والنجاح و یرفرف بکل سرور  
 و انشراح فی هذا الفضاء و یرتفع هدیة فی کل الارحاء باسمک  
 الأعلی و تتلذذ الآذان من هذا النداء \* و تقرّ الأعین بمشاهدة  
 آیات الهدی \* رب انی فرید و حید حقیر لیس لی ظهیر الا أنت  
 ولا نصیر الا أنت ولا معیر الا أنت \* وفقنی علی خدمتک و ایدنی

بجنود ملائكتك \* وأنصرني في اعلاء كلمتك وانطقني  
 بحكمتك بين بريتك \* انك معين الضعفا ونصير  
 الصغراء \* وانك أنت المقتدر العزيز المختار

# لَوْ أَنَّ كَلِمَةَ رَبِّكَ

که بافتخار احباء و اماماء رحمن آیالات کانادا صبح چهار  
 شنبه (۲۱) فبرایر سنه ۱۹۱۷ در اطاق جمال  
 مبارک در بیت مبارک عکا از قم  
 مرکز میثاق صادر  
 کشت

احباء و اماماء رحمن در آیالات کانادا \* نیوفوندلند  
 پرنس ادوارد ایلند \* نووا اسکوشیا \* نیوبرنزویک \* کوبک  
 ساسکاچوان \* مانی توبا \* انتاریو \* البرتا \* بریتش  
 کلمبیا \* یوکان \* ماکنزی \* کیواتین \*  
 یونکوا \* جزائر فرانکلین \*  
 وکرین لند \* علیهم وعلیهم  
 التحية والثناء

# مَعْرِفَةُ اللَّهِ

یاران مهربانا \* و اما رحمانا \* لن تری فی خلق الرحمن من  
 تفاوت \* در قرآن عظیم میفرماید که در مخلوقات الهیه تفاوتی  
 نیست و از این مستفاد میشود که حتی در اقالیم نیز تفاوتی نه \* ولی  
 اقلیم کانادا مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی نهایت  
 جلیل \* مشمول نظر عنایت الهیه خواهد گشت و مظهر الطاف  
 سبحانیه خواهد شد \* زیرا عبد البهاء در سیر و سیاحت بآندیار  
 نهایت سرور در آن اقلیم یافت \* بسیاری از نفوس تحذیر از سفر  
 بمنتریال نمودند که اهل آن اقلیم اغلب کاتولیک و در نهایت تعصب  
 مذهبی و مستغرق در تقالید هستند \* ابد آقوه استماع نداء ملکوت  
 الله ندارند و پرده تعصب چنان چشمها را فرا گرفته که از مشاهده  
 آیات کبری محرومند \* و تقالید چنان در قلوب تمکن یافته که  
 اثری از حقیقت نکذاشته \* اگر شمس حقیقت بتمام قوت در آن  
 اقلیم بدرخشد ابرهای تاریک تقلید چنان افق را احاطه نموده که  
 مشاهده انوار مستحیل و ممتنع است \* ولی این روایات در عزم  
 عبد البها فتوری نیاورد \* توکل بحق نموده توجه بمنتریال کرد  
 چون بان شهر رسید ملاحظه شد که ابواب مفتوح و قلوب در نهایت  
 استعداد \* وقوه معنویه ملکوت الهی هر حائل و مانعی را

از میان برده \* در مجامع و کنائس اندیاری نهایت سرور نداء  
 بملکوت الله نمود \* و تخمی افشاند که ید قدرت الهی آبیاری خواهد  
 کرد \* البته ان تخم سبز و خرم خواهد شد و خرمنهای عظیمه  
 تشکیل خواهد داد \* در ترویج تعالیم الهیه هیچ منازع و مجادلی  
 نیافت \* احبائیکه در ان شهر بودند در نهایت روحانیت و غایه انجذاب  
 بنفحات الله و بهمت امة الله مسس مکسول جمعی از ابناء و بنات  
 ملکوت در آن اقلیم مجتمع و محشور و روز بروز غلیان دراز دیداد بود  
 مدت اقامت چند روزی بود \* ولی نتایجش در مستقبل موفور  
 دهقانی چون بخاک رسد در اندک زمانی کشت عظمی نماید \* لهذا  
 امیدوارم که در آینده منتریال چنان بفوران آید که اوازه ملکوت  
 از آن اقلیم جهانگیر گردد و نفثات روح القدس از آن مرکز  
 بشرق و غرب امریک رسد \*

ای احبای الهی \* نظر بقلت خویش و کثرت اقوام نمائید  
 پنج دانه کندم سبب برکت اسمانی گردد \* و هزار خروار زوان  
 هیچ ثمر و اثری ندهد \* یک شجر پر ثمر سبب حیات جمعی شود  
 و هزار جنکلی اشجار بی ثمر نتیجه ندارد \* یک هامون بسیار  
 ولی لثالی کم بدست آید \* یک لؤلؤ بهتر از هزار صحرای ریک  
 علی الخصوص که این لؤلؤ مظهر برکت الهی است \* عنقریب  
 هزاران لثالی از آن بوجود آید \* آن لؤلؤ بهر ریکی همدم گردد انرا  
 لؤلؤ نماید \* لهذا دوباره نکاشته میشود که مستقبل کانادا بسیار

عظیم است • چه از حیثیت ملك و چه از حیثیت ملكوت •  
 مدینت و ازادی روز بروز تزیاید خواهد نمود • همچنین سحاب  
 ملكوتی تخم هدایتی که در اینجا گشته شده آبیاری کند • پس آرام  
 نگیرید راحت طلبید بلذائذ اینجهان فانی الوده مشوید • ازهر  
 قیدی ازاد گردید • بجان و دل بکوشید که در ملكوت الهی  
 تمکن تام یابید • کنز اسمانی بدست آرید • روز بروز روشنتر شوید  
 و در درگاه احدیت مقرب تر گردید • مظهر فیوضات الهی شوید  
 و مطلع انوار نامتناهی • اگر ممکن است مبلغین بسائر ولایات  
 کانادا ارسال دارید • و همچنین بکیرین لند و بلاد اسکیموها  
 مبلغین بفرستید • این نفوس مبلغین باید این ثیاب قدیم را بکلی  
 بیفکنند و قمیص جدیدی پوشند • چنانچه حضرت مسیح  
 میفرماید تولد ثانی یابند • یعنی همچنانکه در دفعه اولی از رحم  
 مادر تولد یافتند این دفعه از عالم طبیعت تولد یابند • همچنانکه از عالم  
 رحم بیخبر ماندند از عالم طبیعت نیز بیخبر کردند • بماء حیات  
 و نار محبت الله و روح القدس تعمید کردند • بجزئی طعامی قناعت  
 کنند و از مائده اسمانی تناول نمایند • از هوی و هوس بکلی  
 فراغت یابند • ممتلاً از روح کردند • بنفس پاک سنک را لعل  
 بدخشان نمایند و خرف را صدف کنند و مانند ابر بهاری خاک  
 سیاه را کلشن و گلزار نمایند • کور را بینا کنند • کر را شنوا  
 نمایند • مرده را زنده کنند و افسرده را روشن و درخشان نمایند

وعليكم وعليكن التحية والثناء \*

اللهم يا الهى هؤلاء عباد انجذبوا بنفحات رحمانتك واشتعلوا  
بالنار الموقدة فى شجرة فردانيتك وقرت أعينهم بمشاهدة لمعات  
النور فى طور احديتك \* رب اطلق لسانهم بذكرك بين بريتك  
وانطقهم بالثناء عليك بفضلك وعنايتك وأيدم بجنود من ملائكتك  
وأشدد أزورهم على خدمتك واجعلهم آيات الهدى بين خلقك  
انك أنت المقتدر المتعالى الغفور الرحيم \*

﴿ناشرين نفحات الله هرروز صبحى اين مناجات را تلاوت نمايند﴾

الهى الهى ترى هذا الضعيف يتمنى القوة الملكوتية \* وهذا  
الفقير يترجى كنوزك السماوية وهذا الظمان يشترق معين الحياة  
الأبدية وهذا العليل يرجو شفاء الغليل برحمتك الواسعة التى  
اختصت بها عبادك المختارين فى ملكوتك الأعلى \* رب ليس  
لى نصير الا أنت ولا مجير الا أنت ولا معين الا أنت \* أيدنى  
بملائكتك على نشر نفحات قدسك وبثّ تعاليمك بين  
خيرة خلقك \* رب اجعلنى منقطعاً عن دونك  
متشبهاً بذيل عنايتك \* مخلصاً فى دينك \*  
ثابتاً على محبتك \* عاملاً بما أمرتنى به  
فى كتابك \* انك أنت المقتدر  
العزير القدير \*

# لَوْ كُنَّا شُرَكَاءَ

که بافتخار احباء و اماء رحمن ایالات متحده و کانادا بعد  
از ظهر پنجشنبه (۸) مارچ سنه ۱۹۱۷ در بالاخانه  
اسمعیل آقا دریت مبارک حیف از قم مرکز  
میثاق صادر کشت

## مَوْلَانَا

ای نفوس آسمانی و ابناء و بنات ملکوت \* خداوند در قرآن  
میفرماید \* واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا \* هر چند در عالم  
امکان جهت جامعه بسیار که سبب الفت و اتحاد بین بشر است  
مثلاً وطنیت جهت جامعه است \* ملیت جهت جامعه است اتحاد  
منافع جهت جامعه است \* وحدت سیامیه جهت جامعه است \*  
وحدت افکار جهت جامعه است و سعادت عالم انسانی بتأسیس  
و ترویج جهت جامعه است \* ولکن جمیع این تأسیسات فی  
الحقیقه اعراض است نه جوهر \* مجاز است نه حقیقت \* زیرا  
موقت است نه مؤبد \* چون موانع و وقایع عظیمه حاصل گردد



این جامعیتها بکلی از میان برود \* اما جهت جامعه ملکوتی یعنی  
 تأسیسات و تعلیمات الهی جهت جامعه ابدیست \* شرق و غرب را  
 بهم ارتباط دهد \* وحدت عالم انسانی تأسیس نماید \* بنیان اختلاف  
 براندازد \* بر جمیع جامعیتها غلبه کند \* مانند شعاع افتاب ظلمات  
 مستولی بر آفرا بکلی ازاله نماید \* حیات معنوی بخشد \*  
 نورانیت الهی جلوه نماید \* نفثات روح القدس معجزات آشکار کند  
 خاور و باختر دست در آغوش یکدیگر شود \* جنوب و شمال هم  
 عنان و هم افکار گردد \* مقاصد متضاده متعارضه نماید \* نوایای  
 مختلفه از میان برخیزد \* منازعه بقازائل گردد خیمه وحدت عالم  
 انسانی در قطب امکان سایه افکند \* پس جهت جامعه تعالیم  
 الهیست که جامع جمیع مراتب است و شامل عموم روابط  
 و ضوابط ضروریه \* ملاحظه کنید که اهل شرق و غرب در نهایت  
 بیگانگی بودند \* حال چگونه آشنائی و یگانگی جستند \* اهل ایران  
 گجا و اقصی بلاد آمریکا گجا \* ببینید که قوه اسمانی چه نفوذ عظیمی  
 دارد که مسافت هزار فرسنگها حکم یک قدم یافته و شعوب  
 مختلفه را که هیچ مناسبت و مشابهت بهمیدیکر ندارند چگونه  
 ارتباط و اتحاد داده است \* لله القدرة من قبل و من بعد ان الله  
 علی کل شیء قدير \* ملاحظه مینمائید که باران و حرارت و ضیاء  
 شمس و لطافت نسیم چون جمع شود چه کستانها تشکیل نماید  
 این ریاحین و کلها و اشجار و گیاههای مختلفه را چگونه یکدیگر

ارتباط دهد و سبب زینت و حلاوت یکدیگر نماید. حال وحدت فیض آفتاب \* و وحدت باران \* و وحدت نسیم چنان غلبه نموده که این اختلاف الوان و روائح و طعمها سبب زینت و لطافت و حلاوت کل گشته \* و همچنین جهت جامعه الهی و فیض شمس حقیقت و نفثات روح القدس چون جمع گردد اختلاف شعوب و اختلاف اقالیم سبب رونق و زینت و حلاوت عالم انسانی گردد لهذا احبای الهی باید در عموم اقالیم امریکا بقوه الهی سبب ترویج تعالیم اسمانی و تأسیس وحدت انسانی کردند تا هر یک از نفوس مهمه قیام نمایند و در اطراف امریک نفعه حیات بدمند و جانی جدید بنفوس بخشند و بنار محبت الله و ماء حیات و نفثات روح القدس نفوس را تعمیر دهند تا ولادت ثانویه تقرّر یابد \* در انجیل میفرماید المولود من الجسد جسد هو و المولود من الروح فهو روح پس ای احبای الهی بلاد متحده و کانادا \* نفوس مهمه بی انتخاب نمائید \* و یا خود منقطع از راحت و آسایش دنیا شده بنفسه قیام نمایند و باقلیم الاسکا \* و جمهوری مکزیکو \* و در جنوب مکزیکو یعنی امریکای مرکزی \* مثل کواتمالا \* هوندوراس سالوادور \* نیکاراگو \* کستاریکا \* پاناما \* و بلاتیز و قطعه عظیمه امریکای جنوبی \* مثل ارژنتینا یوروگوای \* پاراگوای \* برزیل \* فرنیچ کینا \* دچ کینا \* برینش کینا \* و نزوئلا \* کلیمیا \* اکوادور پرو \* بولیویا \* چیلی \* و دسته

جزائر وست اندیز \* مثل کویا \* های تی \* پورتوریکو \* زامیکا  
 و سانتا دومینگو \* و دسته جزائر اسرائیلیز \* و جزائر باهاما \*  
 و جزائر برمودا \* و جزائر شرق و غرب و جنوب امریکای جنوبی  
 مثل ترینیداد \* فالکلند ایندیز \* کالابا کو ایندیز \* جوان فرناندز  
 و توباگو سفر نمایند \* علی الخصوص در مدینه بهائیه که در  
 ساحل شرقی برزیل واقع است \* چون در قرن گذشته اساساً  
 این شهر به بهائیه موسوم گشته هیچ شبهه فی نیت که بالهام  
 روح القدس بوده \* لهذا احبای الهی باید نهایت همت را مبذول  
 دارند \* و اهنک الهی را دران اقالیم بلند کنند \* و تعالیم آسمانی  
 ترویج دهند \* و روح حیات ابدی بدمند \* تا آن کشور از پرتو  
 فیوضات شمس حقیقت چنان روشن گردد که محسود و غبطه  
 جمیع اقالیم گردد \*

و همچنین جمهوری پاناما نیز دران نقطه مغاور و باختر بایکدیگر  
 اتصال یافته \* و در میان دو محیط اعظم واقع \* این موقع در  
 مستقبل بسیار مهم \* هر تعالیم که در آنجا تأسیس باید شرق  
 و غرب و جنوب و شمال را بیکدیگر ارتباط دهد \* پس باید نیت را  
 خالص نمود \* و همت را بلند کرد \* و قلوب عالم انسانی را بیکدیگر  
 الفت داد \* و این مقصد جلیل جز بترویج تعالیم الهی که اساس  
 ادیان مقدسه است ممکن نه \*

ملاحظه کنید که ادیان مقدسه چه خدمتی بعالم انسانی کرد \*

دین توراة سبب عزّت و بزرگواری و ترقی جمهور اسرائیل گشت  
 نفثات روح القدس حضرت مسیح چگونه بین اقوام و طوائف  
 مختلفه متنازعه الفت و اتحاد بخشید \* و قوّه قدسیه حضرت محمد  
 چگونه سبب اتحاد و اتفاق قبائل و عشائر مختلفه متقاتله در جزیره  
 العرب گردید که هزار عشیرت حکم عشیرت واحده یافت \*  
 و جمیع نزاع و جدال از میان رفت \* کل متحداً متفقاً در ترقیات  
 مدنیّه کوشیدند \* و از ذلت کبری رهایی یافته بعزت ابدیه رسیدند  
 آیا هیچ جهت جامعهئی اعظم از این در عالم وجود ممکن است ؟  
 در مقابل این جهت جامعهء الهیه جهت جامعهء ملیت جهت  
 جامعهء وطنیت جهت جامعهء سیاست و جهت جامعهء افکار  
 و آراء مثل ملعبه صبیان گردد \* حال شما بکوشید که جهت  
 جامعهء ادیان مقدّسه که جمیع انبیاء مبعوث بان گشتند و روح  
 تعالیم الهیست در جمیع اقالیم آمریکا انتشار یابد \* تا هر یک  
 مانند ستاره صبحگاهی از افق حقیقت بدرخشید \* و نورانیت  
 الهیه بر ظلمات طبیعیه غلبه نماید و عالم انسانی روشن گردد \*  
 این است امر عظیم \* اگر بان موفق شوید جهان جهان  
 دیگر گردد \* و روی زمین بهشت برین شود و تأسیسات ابدیه  
 گذاشته شود \* هر نفسی که با طرف بتبلیغ رود در کوه و صحرا  
 و خشکی و دریا دائماً این مناجاة را تلاوت نماید \*

إلهی تری صنعی وذلی وهوانی بین خلقک مع ذلك

توكلت عليك وقت على ترويح تعاليمك بين عبادك الأقويا معتمداً  
على حولك وقوتك \* رب ان طيراً كليل الجناح أراد أن يطير  
في هذا الفضاء الذي لا يتناهى \* فكيف يمكن هذا إلا بعونك  
وعنايتك وتأيدك وتوفيقك \* رب ارحم ضعفي وقوتني بقدرتك  
ورب ارحم عجزى \* أيدني بقوتك وقدرتك \* رب لو تؤيد  
بنفثات الروح اعجز الوري لبلغ المني وتصرف كيف يشاء كما أيدت  
عبادك من قبل وكانوا أعجز خلقك \* وأذل عبادك \* وأحقر من  
في أرضك \* ولكن بعونك وقوتك سبقوا أجلاء خلقك \*  
وأعظم برّيتك وكانوا ذباباً فاستنسروا وكانوا أقباء فاستبحروا بفضلك  
وعنايتك وأصبحوا نجوماً ساطعة في أفق الهدى وطيوراً صادحة  
في ايكة البقاء واسوداً زائرة في غياض العلم والنهى \* وحيثاً نأسا بحة  
في محور الحياة برحمتك الكبرى \* انك أنت الكريم

القوى العزيز الرحمن الرحيم (ع ع)

﴿ باتمام رسيد ﴾

عَلَيْكَ قَوْلُكَ الْوَالِدِ مُحَمَّدٍ

اميرك شمال وجنوب

کالیفورنیا سانفرانسیسکو بواسطهٔ امة الله مسيس  
 کودال و مسيس کوپر \* عليهم بهاء الله الابهي  
 أعضای کرام أول کمنکرهٔ بین المللی بهائی  
 عليهم بهاء الله الابهي

## مجلس دعا

ای انجمن روحانی \* این انجمنی که تشکیل نمودید مانند ائینهٔ بی  
 بود مقابل انجمن الهی در ملکوت اسمانی \* فیوضات از انجمن  
 در این انجمن جلوه نمود \* مانند افتابی که در آئینه بتابد لهذا  
 شمارا تهنت میکنم و از ملکوت ابهی مدد و عنایت  
 میطلبم که این انجمن را مانند شمع روشن نماید و نتایج  
 عظیمه بخشد \* روح جدیدی مبذول دارد و حیاة  
 ابدیه بخشد روز بروز تأثیر انجمن را از دیاد  
 فرماید و نفوذش را منتشر نماید \*

وعلیکم البهاء الابهي

﴿ ع ع ﴾

حیفا ۱۹۱۹

بواسطهٔ امة الله مس مارتاروت \* عليها بهاء الله الأبهى \* كابتين  
 اسموسن \* می می پارا \* مسیس هلن هندرسون \* مستر  
 میکل شلی و همشیره اش \* مسیس برئاتماس \* مسیس  
 وکاس \* مستر اسعد بشاره \* دکتر دارلینک \*  
 مستر فرناندیس \* کیروفوش درسانبوس \*  
 دکتر رمسیس ورکس \* مسیس  
 هرش \* ارنولتو مندوزا \* سنوریتا  
 کارواینا \* مستر امریکو کپفر

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای عاشقان حقیقت \* و خادمان عالم انسانی \* چون از گلشن  
 افکار و نوایای شما بوی خوشی بمشام میرسد لهذا سائق وجدانی  
 مرا بر نگارش این نامه مجبور مینماید \* ملاحظه مینمائید که جهان  
 چگونه بیکدیگر در افتاده و اقالیمی چند بخون انسان رنگین  
 گشته بلکه خاک بخون نمر گردیده \* نارهٔ حرب چنان شعله‌ئی  
 زد که نه در قرون اولی و نه در قرون وسطی و نه در قرون اخیره  
 چنین جنک مهیبی واقع گشته \* برها چون دانه شده و حرب

چون آسیاب بلکه اشد از آن \* اقالیم اباد ویران شد و شهرها  
 زبر و زبر کشت \* و قرای معموره مطموره شد \* پدران  
 بی پسر کشتند \* پسران بی پدر شدند \* مادرها بر ماتم نورسیدگان  
 خون کریستند \* اطفال یتیم شدند نساء بی سر و سامان شدند  
 عالم انسانی در جمیع مراتب تدنی نمود \* فریاد و فغانست که  
 از یتیمان بلند است \* ناله و حنین است که از مادران باوج اعلی  
 میرسد \* جمیع این وقایع منشأش تعصب جنسی است و تعصب  
 وطنی \* و تعصب دینی و تعصب سیاسی است \* و منشأ این  
 تعصبات تقالید قدیمه است \* تقالید دینی است \* و تقالید جنسی  
 است \* و تقالید وطنی است \* و تقالید سیاسی است \* تا این تقالید  
 باقی بنیاد انسان برباد است \* و عالم بشری در خطر عظیم \* حال  
 در چنین عصر نورانی که حقایق جلوه نموده \* و اسرار کائنات  
 مکشوف گردیده \* صبح حقیقت دمیده \* جهان روشن شده  
 ایما جائز است که چنین حرب مهیبی واقع گردد که عالم انسانی را  
 بنحسران مبین اندازد لا والله \* حضرت مسیح عموم بشر را بصلح  
 و سلام خواند \* و بحضرت پطرس فرمود شمشیر را در غلاف کن  
 این بود وصیت و نصیحت حضرت مسیح \* ولکن جمیع  
 مسیحیان حال سلّ سیوف نموده اند \* چه مناسبتی حال میان این  
 اعمال با ان نصّ صریح انجیل \* باری حضرت بهاء الله شصت سال  
 پیش مانند افتاب از افق ایران طلوع نمود \* و اعلان فرمود که



افق عالم تاریک است \* و این تاریکی نتایج و خیمه بخشد و حروب و شدد  
 شدد و وقوع یابد \* در زندان عکا با امپراطور المان صریحاً خطاب  
 میفرمایند که حرب شدید واقع خواهد شد \* و برلین ناله  
 و حنین خواهد نمود \* و همچنین پادشاه ترك در حالتیکه مظلوم بود  
 و اسیر زندان او \* یعنی مسجون در قلعه عکا بود صراحة مرقوم  
 فرمود که اسلامبول بانقلابی عظیم گرفتار خواهد گشت \*  
 بدرجه ئی که اطفال و نساء بفریاد و فغان خواهند افتاد \*

خلاصه بجمیع پادشاهان و رؤسای جمهور مرقوم فرمود  
 و عیناً واقع گشت و تعالیمی بجهت منع حرب از قلم اعلیٰ صادر شد  
 و در جمیع آفاق منتشر گشت \*

اول تحرّی حقیقت زیرا تقالید انسانرا بلید مینماید \* و چون تحرّی  
 حقیقت گردد عالم انسانی از ظلمات تقالید رهایی یابد \*

و تعلیم ثانی وحدت عالم انسانی \* جمیع خلق اغنام الهی  
 و خدا شبان مهربان \* بجمیع اغنام رأفت کبری دارد بهیچوجه  
 امتیازی نکذاشته است \* لا تری فی خلق الرحمن من تفاوت \*  
 کل عباد له وکلّ من فضله یسألون \*

تعلیم ثالث اینکه دین حصن حصین است ولی باید سبب الفت  
 باشد نه سبب عداوت و بغضاء \* و اگر سبب عداوت و بغضاء  
 باشد لزومیتی ندارد چه که دین بمنزله علاج است \* اگر  
 علاج سبب مرض شود ترك علاج احسن است \* و همچنین

تعصب دینی \* تعصب جنسی \* تعصب وطنی \* تعصب سیاسی \*  
 جمیع این تعصبات هادم بنیان انسانیت \* و جمیع این تعصبات  
 سبب خونریزی است و ویرانی عالم انسانی \* لهذا تا این تعصبات باقی  
 حرب مهیب مستمر علاج این صلح عمومی است \* و صلح  
 عمومی باید محکمه کبری از قبل جمیع دول و ملل تشکیل شود  
 و مسائل ملی و دولی بآن محکمه راجع \* آنچه از محکمه کبری  
 حکم نماید مجری \* و اگر دولتی یا ملتی تخلف نماید عالم انسانی بران  
 دولت و ملت قیام نماید \*

و از جمله مساوات میان زن و مرد در جمیع حقوق \* و امثال  
 ذلك بسیار \* حال واضح و مشهود شد که این تعالیم حیات عالم  
 انسانیت و روح حقیقی \* حال شما چون خدام عالم انسانی  
 هستید باید بجان و دل بکوشید \* تا عالم انسانی از این تاریکی  
 عالم بشری و تعصبات طبیعی نجات یابد \* و بروشنائی عالم الهی  
 فائز شود \* الحمد لله بجمیع قوانین و شرائع و مبادی مطلع هستید \*  
 ایوم جزباین تعالیم عالم انسانی راحت و آسایش نیابد \* و این  
 ظلمات منکشف نکرده و این امراض مزمنه شفا نیابد \* بلکه  
 روز بروز سخت تر شود و بدتر گردد \* بالکن آرام نگیرد از اول  
 بدتر شود \* دول مقهوره آرام نگیرند بهر وسیله تشبث نمایند که  
 آتش جنگ دوباره شعله زند \* حرکتهای تازه عمومی تمام قوت را  
 در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهد نمود \* حرکت شمالیه

خیلی اهمیت خواهد یافت • و سرایت خواهد کرد •  
 پس شما باقلبی نورانی • و روحی رحمانی • و قوتی  
 ملکوتی • و تأییدی اسمانی بکوشید • که عالم  
 انسانی را موهبتی ربانی گردید • و سبب  
 راحت و آسایش از برای بشر گردید

﴿ ع ع ﴾

حیفا ۲۸ جنواری ۱۹۲۰

و اشنگطون • بواسطه جناب مستر مین  
 علیه بهاء الله جناب مستر روی ولیمس  
 علیه بهاء الله الأبهی

مَعَاذَ اللَّهِ

ای ثابت بر ایمان • سه نامه از تو متتابعاً رسید بدون فاصله  
 از مضامین معلوم گردید که در کلیولند از همسات بعضی ناقصین  
 قلوب متأثر شده است • و در میان احباب الفت فتور یافته •  
 سبحان الله از یاش صد مرتبه اخبار شده که ناقضان  
 در کمینند • و بوسسیله فی میخواستند میان احبا اختلاف اندازند  
 تا این اختلاف منتهی بنقض میثاق شود • با وجود این چگونه

احبا از این تصریح غفلت نمودند \* مسئله محکم و متین است \*  
 و غایت مختصر \* یا حضرت بهاء الله عالم بود و دانا بود \* و از عواقب  
 امور باخبر \* یا نادان و خطا کار \* این عهد و میثاق باین عظیمی  
 از قلم اعلی از عموم احبا گرفت \* اول از اغصان و افنان و منتسبین \*  
 و امر باطاعت کرد \* و امر بتوجه نمود \* و باثر قلم اعلی تصریح  
 فرمود که مقصود از این ایه کتاب اقدس غصن اعظم است \*  
 اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء فی المآل توجهوا  
 الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القدیم \*  
 معنای مجمل اینست که بعد از صعود من باید ای اغصان و افنان  
 و منتسبین و عموم احباء الله توجه بفرع منشعب از اصل قدیم  
 کنید \* و همچنین بصریح کتاب اقدس میفرماید \* یا اهل  
 الانشاء اذا طارت الوراقاء عن ايك الثنآء و قصدت المقصد  
 الأقصی الأخفی ارجعوا مالا عرفتموه من الكتاب الی الفرع  
 المنشعب من هذا الأصل القدیم \* خطاب بجمیع خلق میفرماید  
 چون حمامه قدسی از حدیقه سنپرواز کند و قصد مقصد اقصی  
 نماید یعنی چون جمال مبارک از عالم ظهور توجه بعالم غیب نماید  
 هر چه را از کتاب نمیفهمید راجع کنید بفرع منشعب از اصل  
 قدیم \* یعنی آنچه که او بیان میفرماید او حقیقت واقع است \*  
 و مطابق مقصد الهی \* و در کتاب عهد بصریح عبارت میفرماید  
 که مقصود از این فرع منشعب غصن اعظم است \* و جمیع

اغصان وافنان ومنتسبین واحبارا امر بتوجه میفرماید  
 حال یا باید گفت جمال مبارک خطا فرمودند یا باید اطاعت کرد  
 وعبد البهاء امری ندارد که ناس را دعوت باطاعت کند مگر  
 نشر نجات الله \* واعلاء کلمة الله \* وترویج وحدت عالم انسانی \*  
 وتأسيس صلح عمومی \* وامثال ذلك از او امر الهی \* این او امر  
 الهیست دخلی بعبد البهاندارد \* هر کس خواهد موافقت نماید  
 وهر کس نخواهد خود میداند \* حال بعضی از مفسدین بانواع  
 حیل در فکر ریاستند \* وبجهت حصول ریاست شبهاتی میان  
 احبا القا مینمایند که سبب اختلاف شود و اختلاف سبب از  
 گردد که يك حزبی را تابع خود کنند \* ولی احبای الهی باید  
 بیدار باشند و بدانند از این القای شبهات مقاصد فسانیت  
 وحصول ریاست \* وحدت بهائی را از دست ندهند \*  
 ووحدت بهائی جز بتمسك بميثاق الهی ممکن نه \*  
 باری شما آرزوی سفر باطراف دارید تا نشر  
 نجات الله نمائید \* بسیار موافق \* البته  
 تأییدات الهی برسد \* وقوه عهد  
 وميثاق ترا مظهر و منصور نماید  
 وعلیک البهاء الأبی  
 حیفا ۱۸ جولای ۱۹۱۹

اهایو کلیولند • بواسطه امة الله دکتروپولین • علیه بهاء الله  
 الأبی • احباء الله واما الرحن • علیهم  
 وعلیهم البهاء الأبی

## مَعَالِدِ اللَّهِ

ای ابناء وبنات ملکوت • نامه شما رسید از مضمون مفهوم  
 کردید که الحمد لله قلوب در نهایت لطافت است وجاتها  
 مستبشر بیدارات الله • جمیع خلق مشغول بمشتهیات نفس وهوی  
 و مستغرق در بحر ناسوت و اسیر عالم طبیعت • مکر نفوسیکه  
 از کند و زنجیر عالم طبیعت نجات یافتند • و مانند مرغان تیز پر  
 در اینجهان نامتناهی پرواز دارند • بیدارند وهوشیار •  
 و از ظلمات عالم طبیعت بیزار • نهایت ارزویشان اینکه در عالم انسان  
 منازعه بقا نماید • و روحانیت و محبت عالم بالا جلوه نماید • جمیع  
 بشر مهربان یکدیگر کردند • و در میان آدمیان محبت و التیام  
 حاصل شود و در حق یکدیگر جانفشانی کنند تا عالم انسانی  
 منقلب بملکوت الهی گردد •

باری ای یاران بکوشید هر صرفی را دخلی لازم • امروز عالم  
 انسانی جمیع بصرف مشغولند زیرا حرب صرف نفوس و أموالست

اقلا شما بدخل عالم انسانی پردازید تا اندکی تلافی آن صرف گردد  
 بلکه بتأییدات الهیه موفق بر آن گردید که ألفت و محبت بین  
 بشر ترویج یابد \* عداوت بمحبت مبدل شود \* جنک عمومی بصلح  
 عمومی انجامد و ضرر و زیان بربح و محبت منقلب شود \* و این آرزو  
 بقوت ملکوت حصول یابد \* بمتعلقین مستردیک پو تر محبت من  
 برسانید و بکوئید محزون مباشید گریه و زاری منمائید  
 زیرا آن مرغ آسمانی بجهان نا متناهی پرواز نمود  
 و از کلخن دنیا بکلشن بقاشتافت \* طوبی له  
 و حسن مآب \* وعلیکم وعلیکن

البهاء الابهی

حیفا ۱۹۱۹

﴿ نیویورک أمة الله مادریچر علیها بهاء الله ﴾

مَعَالِمْ

اینها المنجذبة بنفحات الله قد اطلمت بمضمون کتابک \* وقد  
 سررتی معانی خطابک لان تلك المضامین کلها کانت منبعثة من  
 قلب مهتز بنسیم محبة الله وخافق بقوة ذکر الله \* یا أمة الله سبحان  
 من نور قلبک بنور العرفان \* سبحان من أحيی روحک بنفحات

القدس من رياض الايقان \* سبحان من شرح صدرك ببشارات  
 ظهوره العظيم \* سبحان من هداك الى النور المبين \* يا أمة الله  
 لا تحزنى من شدة بلائى وعظيم مصائبى ومشقة سجنى لان هذا  
 حياة روحى وأعظم فتوحى ومنتهى أملى وغاية منائى \* وانى أبتهل  
 الى الله فى كل صباح ومساء أن يجعل لى كأس البلاء طافحة بصهباء  
 البأساء والضراء حتى يتشرف عنقى بالسلاسل والاغلال فى سبيل  
 البهاء ويتزين رجلى بالكبول فى محبة البهاء أو ألقى فى غمار البحار  
 أو يرمى بى فى الصحارى والقفار أو يصبوب على صدرى آلاف  
 من الرصاص \* هذا مايتمناه عبد البهاء فى كل صباح ومساء  
 يا حسرة على قلب لم يحترق بنار محبته ويا أسفا على انسان لم  
 يعاقب ولم يعذب لايمانه به ويا خسرانا لدم لم يسفك فى سبيله \*  
 يا أمة الله عليك بالثبوت على أمر الله \* عليك بالاستقامة فى هذا  
 الامر العظيم \* اعلمى أن الامتحانات تتموج كالبحار بهذا الاثناء  
 وتأتى كزوابع الرياح وتحطم السفائن العظمى وتقلع الاشجار العظيمة  
 الممتدة الفروع والاصول العريقة فى القرون والاعصار \* تذكرى  
 الامتحانات التى كانت فى زمن المسيح حتى تزلزلت بها قلوب  
 اخوان المسيح وتقلب بها قاب رئيس الحوارين \* وباع المسيح  
 بدراهم معدودات اذاً اعلمى أن الامتحان عظيم عظيم \* ثبتى أقدام  
 اماء الرحمان بالقوة والبرهان حتى لا يضطربن عند اشتداد الامتحان  
 فى تلك الجهات \* طوبى لنفس اطمأنت وثبتت فى هذا الطوفان



المظيم \* ان الجبال لا تخوفها الارياح والسيول والاتواء ولكن  
واحسرة على الضعفاء \* كوني أما حنوناً لكل ضعيف وارضى  
أطفال الملكوت بلبن العرفان من ثدى محبة الله \* واعمدن بماء  
الايقان وروح العرفان ونار محبة الله \*

وأما ما كشف الله لك منذ عشرين سنة اعلمى أن تلك اليد  
يد قدرة الله وأخرجتك من بين الغافلين من الرجال والنساء  
وأنت استغرقت منصعة في الحاسيات الروحانية وذهلت  
عن الشؤون الجسمانية \* وأما الغيوم التي رأيتها أنها كشفت انما  
هي الحجبات المانعة لمشاهدة شمس الحقيقة \* وأما درج الذي  
شاهدت من الارض الى السماء فهذا واسطة الوصول من  
عالم الناسوت الى عالم اللاهوت \* وهذه الواسطة انما هي محبة  
الله وتعاليمه التي تستنزل ملائكة السماء أى القواء الروحانية التي  
تنشر أوراد المعاني وأزهار الحقائق على الابرار \* وأما الرجل  
الجليل الذي كان بحال النور واقفاً على رأس الدرج فهو الجمال  
الابى وأشرق منه فيض الهدى على قلبك ثم اغتنمى اشراق ذلك  
النور وانقلبي من الجسمانيات الى الروحانيات حتى تكونى سماوية  
ملكوتية رحمانية ربانية مؤيدة بروح العرفان فصيحة اللسان  
بليغة البيان بديعة الخطاب هادية الى سبيل الصواب \* منادية  
بالحب العام والسلام التام وموهبة العزيز العلام \* وبلغنى تحيتي  
الروحية الى امة الله مسس كول وامة الله مسس كيت آيوز وامة الله

مسس ادیث کر لیولا \* وکل اماء الرحمان فی البقعة المباركة  
یهدینک التحیة والثناء \* یا امة الله دعوت ربک فی آخر تحریرک  
ان ینجینی الله من ید الاعداء وینقذنی من الضراء \* یا امة الله  
اذا احببت دعاء فی حق عبد البهاء تذلی الی الملكوت الاعلی  
وابتهلی وقولی رب رب زد فی بلاء عبد البهاء فی سبیلک  
واملا له كأس المصائب والرزايا وامطر علیه سحب الامتحانات  
وزین عنقه بالسلاسل والاعلال فی السجون والقلاع فی محبتک  
واجعل دمه مسفوکا فی سبیلک وارزقه الجلوس علی سریر  
الصلیب بموهبتک حتی تأخذه نشوة صهباء الفداء، ویطیر  
بها الی جوار رحمتک الکبری فی ملکوتک الاعلی  
هذا هو الدعاء فی حق عبد البهاء لان هذه غایته  
القصوى ومنیته الکبری وموهبته  
المظمی الی یتمنها فی کل حین  
وعلیک التحیة والثناء

﴿ ع ع ﴾

﴿ واشنکطون بواسطه جناب مستر هنن ﴾

( علیه بهاء الله الابهی )

﴿ ایلینوی اوربانا احبای الهی واماء رحمن ﴾

( علیهم وعلین البهاء الابهی )

# مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای احبباء الهی و امام رحمان نامه مفصل شما بر ثبوت و استقامت بیان مفصل بود \* هر چند در این ایام پرامتحان ثبات و استقامت مشکل بود و لکن احببای الهی و امام رحمن الحمد لله مانند صخره عظمی ثابت و مستقیم ماندند بلکه بر استقرار افزودند \* عادت چنین است و قرار بر این \* در یوم امتحان ضعفا بکلی متزلزل کردند و منصرف شوند \* واقویا که قوت روح دارند بر قوت ییفزایند \* مس مغشوش در آتش امتحان بکلی سیاه گردد \* و اما طلای خالص رونقش ییفزاید و جلوه یشتر نماید \* جناب مستر ویل فی الحقیقه شمع روشن است \* و همچنین قرینه محترمه اش هیچ فکری و ذکرری جز خیر بشر ندارند و آرزوی جز هدایت ناس نخواهند \* شب و روز بجان و دل میکوشند و میجوشند و میخروشند تا این عالم خاک پر توی از جهان پاک یابد و این نفوس مضطر به مظهر ایمان و اطمینان گردند \* و اما ملاقات با احببا و امام رحمان \* البته ممکن \* الحمد لله راه ها باز میگردد و بابها مفتوح میشود و عبور و مرور سهل میگردد \* ولی باید که راحت سفر را منظور نظر داشته باشند تا زحمتی از برای ایشان حاصل نگردد

اما حضور من بامریکا این مشروط برانست که احبای الهی  
چنان اتحاد و اتفاق حاصل نمایند که حکم يك نفس یابند  
تا مانند مغناطیس که آهن را جذب مینماید \* مرا  
بامریکا جذب نمایند \* وعلیکم وعلیکن

البهاء الایهی

حیفا ۱۹۱۹

اوهایو اکرون \* بواسطهٔ مستر و مسیس بروکر \* احبای الهی  
واما رحمان \* علیهم وعلیهن البهاء الایهی

مَعْلَمَاتُكُمْ

ای ابناء و بنات ملکوت نامهٔ شما رسید از مضمون حقیقت  
بیان حضرت مسیح تحقق یافت که میفرماید \* از اطراف عالم  
می آیند و داخل در ملکوت میشوند و ابناء ملکوت از ملکوت  
خارج میگردند \* حال شما ها که در اقصی بلاد عالم هستید میانهٔ ما  
و شما تقریباً مسافت نصف کره با وجود این از ندای ملکوت  
بیدار شدید و هوشیار گشتید \* والحمد لله منجذب بتجلیات شمس  
حقیقت گردیدید و امید چنانست که سبب ارتفاع علم و وحدت  
عالم انسانی شوید و در میان جمیع ادیان و اأم شما سبب ارتباط

واثتلاف کردید تا نوع بشر با یکدیگر الفت یابد \* از ییکانگی  
 بگذرد و ییکانگی پردازد \* آتش تعصب دینی و جنسی و سیاسی  
 و وطنی خاموش نمائید تا شعله نار موقده در طور سینا افقرا  
 روشن نماید \* شمایل مبارک آن نفوس نورانی زیارت  
 شد \* الحمد لله در وجوهتان انوار محبت الله ظاهر  
 و باهر \* و علیکم وعلیکن البهاء الابی

حیفا ۲۹ - ۲ - ۱۹۱۹

﴿ ماساجوست و عماوت امت الله مسیس ساراوش ﴾  
 (علیها بهاء الله الابی)

## هو الله

ای کنیز خدا \* هر زنی که کنیز خدا کرد آن نخر امپراطورهای  
 عالم است \* زیرا منسوب بخداست \* و سلطنتش ابدیست  
 اما امپراطوریهای عالم آنان را يك مشت خاک نام و نشان  
 نکندارد یعنی بمجرد اینکه زیر يك مشت خاک روند محو و نابود  
 کردند و لکن کنیزان ملکوتی سلطنت ابدی دارند \* قرون  
 و اعصار در آنان تأثیری ندارد \* مثلاً ملاحظه کن که از زمان  
 مسیح تا بحال چه قدر امپراطوریها آمده که هر يك سرور يك  
 اقلیم بودند \* ولی حال نه نامی و نه نشانی و لکن مریم مجدلیه  
 يك کنیز قروی خدا بود \* هنوز ستاره اش از افق عزت ابدیه

میدرخشد \* پس تا توانی بکوش که کنیز خدا باشی \* ستایش  
از کنونشن نموده بودی این کنونشن بعد اهمیت پیدا خواهد  
نمود \* زیرا خدمت بملکوت الهی و وحدت بعالم انسانی مینماید  
مروج صلح عمومی است و مؤسس وحدت عالم انسانی \* نفوس را  
از تعصبات دینی و جنسی و ترابی نجات میدهد و در سایه  
خیمهٔ یک رنگ الهی منزل و مأوی میبخشد  
پس شکر کن خدا را که در این کنونشن

حضور یافتی و استماع تعالیم الهی

نمودی \* و عليك البهاء الابهی

حیفا ۱۸ تموز ۱۹۱۹

﴿ اعضای محفل روحانی علیهم وعلیہن بہاء اللہ الابهی ﴾

## هو اللہ

ای نفوس مبارکه هر چند شما در امتحان شدیدی افتاده اید  
زیرا بعضی بمنتهای قوت میکوشند که احبای لوز انجلیز را متزلزل  
نمایند ولی شما مشمول نظر عنایت بہاء اللہ هستید و بجنود  
ملائکہ مؤیدید \* پس قدم را ثابت نمائید و بنهایت قوت بنشر  
نجات الهیه و اعلاء کلمة اللہ و ثبات بر میثاق پردازید و یقین بدانید  
که اگر نفسی با کمال استقامت ندای بملکوت نماید و بنهایت

متانت ترویج میثاق کند \* اگر مورد ضعیف است فیل عظیم را  
 از میدان فرار دهد و اگر پشه نحیف باشد عقاب کسرا را بال  
 و پر بشکند لهذا همت نمائید تا سپاه شبهات را بقوه آیات پریشان  
 و متلاشی نمائید \* این است وصیت من و اینست نصیحت من  
 با نفسی جدال نمائید و از نزاع بیزار باشید \* کلمه حق بر زبان رانید  
 اگر قبول نمود نم المطلوب \* و اگر عناد کرد او را بحال خود  
 بگذارید و توکل بر خدا بکنید \* اینست صفت ثابتین

بر میثاق و علیکم \* و علیکن البهاء الایهی

عکا ۲ حزیران سنه ۱۹۱۹

✽ این لوح قبل بافتخار اعضای محفل روحانی  
 کالیفورنیا لاس انجیز بواسطه امة الله مسیس کوپر  
 علیها بهاء الله الایهی صدور یافت ✽

کالیفورنیا بواسطه امة الله ایزابل بریتینکهام

علیها بهاء الله الایهی

کالیفورنیا سانتا باربارا احبای الهی و اماء رحمن

علیهم و علیهن البهاء الایهی

هو الله

ای ابناء و بنات ملکوت حمد کنید خدایا که در این امر عظیم

که نورانیت آفاق و مروج وحدت عالم انسانیست داخل شدید  
 و از هر تعصبی بیزار گشتید و بجمیع ادیان نهایت محبت و مهربانی  
 مینمائید \* جمیع بشر را دوست دارید و خدمت بعالم انسانی  
 میخواهید \* حضرت سانتا باربارا دختری بود عادی و لکن چون  
 حیاة خود را و جان خود را فدای مسیح کرد ملاحظه  
 کنید که چگونه از افق عالم مانند ستاره  
 درخشید هنوز نورش منتشر \* و علیکم  
 وعلیکن البهاء الأبی

﴿ ع ع ﴾

حیفا سنة ۱۹۱۹

﴿ الینوی شیکاگو بواسطه جناب مستر کارل شفلی ﴾

( علیه بهاء الله الابهی )

( ایالات مرکزی امریکا احبای الهی و امام رحمن )

( علیهم وعلیهم البهاء الابهی )

هو الله

ای یاران و امام رحمن با وفا انصاف اینست که در سبیل ملکوت  
 جانفشانید و جز انتشار انوار در آفاق آرزوئی ندارید \* دهقان حقیقی



هستید در اراضی قلوب دانه های هدایت می افشانید یقین است  
 که موفق و مؤید خواهید شد \* دهقان ماهر همیشه زراعتش  
 پر برکت است زمین طیب طاهر می یابد و تخم می افشاند و آبیاری  
 میکند و همیشه برکت آسمانی می یابد \* الحمد لله شما ها دهقان  
 ماهرید \* کشت زار تان قلوبست \* تخم محبت الله می افشانید  
 و از چشمه عرفان آبیاری میکنید و توکل بشمس حقیقت مینمائید  
 تا حرارت و شعاعش این کشت مبارک را پروراند \* ونسیم  
 موهبتش بوزد و شبم عنایتش بیارد \* و این کشت را طراوت  
 و لطافت و برکت بخشد \* دهقان ترابی چون بکار دیک مرتبه ثمر  
 بکیرد و لکن دهقان ملکوتی یک مرتبه تخم افشاند و الی الابد  
 توده توده خرمن بردارد \* از الطاف الهی استدعا مینمایم

که کنونشن ثانی در ایالات مرکزی نهایت نفوذ را

حاصل نماید و مؤید بعون و عنایت ملاً اعلی

کردد و نتایج عظیمه حصول یابد

و علیکم و علیکن البهاء الابهی

﴿ ع ع ﴾

حیفا ۲۹ تموز ۱۹۱۹

کالیفورنیا بواسطه جناب مستر و میسس بکت لاس انجلیز

وسائر شهرهای کلیفورنیا احباء و اماء الرحمن

علیهم و علیهن البهاء الابهی

# مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای احبا و اماء الرحمن نامه‌ئی از محفل روحانی لاس انجلیز رسید دلیل بر آن بود که نفوس مبارکه کالیفورنیا مانند جبل راسخ مقاومت اریاح نقض مینمایند و چون اشجار مبارکه در ارض میثاق ریشه نموده اند و در نهایت متانت و ثباتند \* لهذا امید از الطاف شمس حقیقت دارم که روز بروز بر متانت و استقامت بیفزایند امتحانات هر امری بقدر عظمت آن امر است \* چون تا بحال چنین میثاقی صریح بقلم اعلی و وقوع نیافته \* لهذا امتحانات نیز عظیم است \* این امتحانات نفوس ضعیفه را متزلزل نماید ولی در نفوس قویه امتحان چه تأثیر دارد \* این شبهات نقض مانند کف دریاست و دریای کف نمیشود \* بحر میثاق یک موج زند تا اجسام میته را بکنار اندازد \* زیرا دریا جسم مرده قبول نماید اینست که بحر میثاق موج زد موج زد تا اجسام میته را بیرون انداخت \* یعنی نفوسی را که از روح الهی بی بهره اند و تابع نفس وهوی \* هواء ریاست در سردارند \* باری این کفهای دریای بقائی ندارد عنقریب محو و نابود گردد \* ولی دریای میثاق الی الابد پر موج است و در جوش و خروش \* ملاحظه کنید که حضرت

مسیح روحی له الفدا بجهت محافظت وحدت مسیحی در حق  
 پطرس فرمودند تو صخره‌ئی و بر این صخره کلیسای خود را  
 بنیادنهم این کلمه سبب شد که جمیع خاضع و خاشع شدند و هزار سال  
 وحدت مسیحی محافظه کشت با وجود اینکه اینکلمه امر بتوجه  
 و متابعت نیست و روایت است که حضرت مسیح چنین فرمودند  
 با وجود این در دریای مسیح هر چه کف پیدا شد محو و نابود شد  
 و هر جسم مرده که طالب زخرف دنیا بود آنرا بکناره انداخت  
 حال حضرت بهاء الله باثر قلم اعلی کتاب عهد مرقوم فرمود و نام  
 آن را کتاب عهد گذاشت \* و از جمیع عهد و میثاق گرفتند  
 اول خطاب باغصان و افنان و منتسبین فرمودند که توجه بمرکز  
 میثاق نمایند \* و بنص کتاب اقدس مرکز میثاق را مبین کتاب  
 فرمودند که از اول ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه  
 چنین عهد محکم متینی گرفته نشده \* باوجود این این کفها را در بحر  
 میثاق بقائی ممکن لا والله \* ناقضین آبروی خویش را میبرند  
 و تیشه بر ریشه خود میزنند مغرور بچند نفس چاپلوسند که  
 در نهایت تعلقند که از شدت تعلق بعضی نفوس ضعیفه زامتزلزل  
 مینمایند لکن ابن عاقبت ندارد \* سراب است نه آب کف است  
 نه دریا مه است نه ابر مجاز است نه حقیقت عنقریب خواهید  
 دید \* باری شما که الحمد لله ثابت و راسخید شکر کنید که مانند  
 اشجار مبارکه در ارض میثاق ثابت و راسخید و یقین است که

هر ثابت ثابت است \* اثمار جدیده بیار آرد و روز بروز بر طراوت  
 و لطافت یفزاید \* بجميع الواح مبارك بهاء الله چه از آیات و چه  
 از مناجات ملاحظه کنید که البته در هزار موقع مناجات  
 فرمودند که خدایا ناقضین میثاق را معدوم کن و مخالفین بعهد را  
 مغلوب نما \* و هر نفسی که نقض عهد و میثاق نماید مردود حق است  
 و هر نفسی که ثابت بر عهد و میثاق است مقبول در گاه احدیت \*  
 و از این قبیل آیات و مناجات بسیار \* مراجعت نمائید خواهید  
 یافت \* باری شما ابد املول نشوید آنچه نقض یبشتر دیدید بر ثبات  
 و استقامت یبشتر یفزائید و یقین کنید که جند الهی غالب است  
 زیرا مؤید بنصرت ملکوت ابهی \* در جمیع آفاق علم اهل ثبوت  
 و استقامت بلند است و علم نقض منکوس \* زیرا معدودی قلیل  
 از نفوس ضعیفه فریب تملق و تذلل ناقضین خورده اند \* و در  
 نهایت ستر بظاهر اظهار ثبوت مینمایند و در باطن بتحریر  
 مشغولند مگر چند نفر که اصل محرکین نقضند آنان متظاهر  
 بنقضند و مابقی معدودی قلیل بلطائف الحیل نفوس را فریب  
 میدهند زیرا بلسان اظهار ثبوت و استقامت بر عهد میکنند  
 ولی چون کوشی بیابند خفياً القای شبهه مینمایند \* جمیع اینها مانند  
 نقض عهد یهودی اسخریوطی است \* ببینید هیچ اثر و ثمری  
 از آنها باقی بدرجهئی که از اتباعش اسمی باقی نمانده \* مثل اینکه  
 اتباعی نداشته با آنکه جمعی از یهود با او همداستان بودند \*

این یهودای اسخریوطی که رئیس حواریین بود حضرت  
 مسیح را به سی درهم فروخت \* فاعتبروا یا اولی الابصار \* حال  
 این نفوس مهمله ناقضین مرکز میثاق را بمبالغی که بأنواع حیل  
 کدائی کرده اند انبته میفروشدند \* سی سال است که حضرت  
 بهاء الله صعود نموده و این ناقضین بتمام همت کوشیدند ایا تا بحال  
 چه کرده اند \* در جمیع مواقع ثابتین بر میثاق مظفر بودند و ناقضین  
 مغلوب و مردود و منحوس \* و بعد از صعود عبدالبهاء اثری از اینها  
 باقی نخواهد ماند \* این نفوس نمیدانند چه خواهد شد مفرور با وهام  
 خودند \* باری ای احبای الهی و اماء رحمن دست قدرت الهی  
 تاج مرصعی از برای شما ترتیب داده که جواهر زواهرش  
 الی الابد بر آفاق میتابد \* قدر این موهبت را بدانید  
 و بشکرانه آن لسان بکشائید و بترویج تعالیم  
 الهی پردازید \* زیرا این روح حیات است  
 و سبب نجات \* وعلیکم وعلیکن

البهاء الابهی

﴿ ع ع ﴾

بهجه ۲۳ تموز ۱۹۱۹



﴿ شیکاگو بواسطه جناب مستر و مسیس شفلر ﴾

علیها بهاء الله الابهی

ابناء وبنات ملکوت احبای الهی و امام رحمن  
طیهم وعلین البهاء الابی

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای ثابتان بر عهد و پیمان \* نامه شما رسید و نامه های مبارک شما  
بک یک ملاحظه کردید \* مضمون نامه الهامات غیبی بود  
و فیوضات لاریبی \* زیرا دلالت بر وحدت احبا و آفت و انجذاب  
قلوب جمیع بود امروز اعظم مواهب الهیه اتحاد و اتفاق احبا است  
تا این اتحاد و اتفاق سبب ترویج وحدت عالم انسانی گردد و جهان  
از این ظلمت شدید بغض و عدوان رهائی یابد \* و شمس حقیقت  
بنهایت اشراق بتابد \* امروز جمیع طوائف عالم بخود پرستی  
مشغول \* نهایت سعی و کوشش مینمایند که منافع ناسوتی  
خویش را ترویج نمایند \* خود را میپرستند نه ذات الهی را و نه  
عالم انسانی را \* منفعت خویش میطلبند نه منفعت عمومی را و این  
بسبب آنست که اسیر عالم طبیعتند و از تعالیم الهی و فیض  
ملکوتی و انوار شمس حقیقت بیخبر \* حال شما الحمد لله باین  
موهبت اختصاص یافته اید و از مختارین گشته اید و بر تعالیم  
آسمانی اطلاع یافته اید و داخل در ملکوت الله شده اید و مظاهر

الطاف بی پایان گشته اید \* بآب حیات و نار محبة الله وروح القدس تعمید یافته اید \* پس بجان و دل بکوشید که انجمن عالم را شمعی روشن شوید و وفق حقیقت را ستاره های درخشنده گردید \* و سبب انتشار انوار ملکوت شوید \* تا عالم انسانی عالم الهی گردد \* و جهان ناسوت آئینه جهان لاهوت شود محبت الهیه و رحمت ربانیه در قطب عالم خیمه برافرازد \* و نفوس بشر امواج بحر حقیقت گردند و عالم انسانی یکشجره مبارک شود آیات توحید ترتیل گردد و آهنگ تقدیس بملاً اعلیٰ رسد \* من شب و روز تضرع و ابتهال بملکوت الهی نمایم و شمارا تأیید و توفیق نامتناهی طلبم \* نظر بقابلیت و استعداد خود نمائید نظر بفیض کلی و موهبت الهی و قوت روح القدس بنمائید که قطره را دریا نماید و ستاره را آفتاب فرماید \* الحمد لله جنود ملاً اعلیٰ نصرت مینماید و قوت ملکوت معین و ظهیر است \* اگر در هر دقیقه بی لسان بشکرانه کشائید از عهده شکر این الطاف بر نیائید ملاحظه نمائید که نفوس عظیمه که صیت اقتدارشان آفاق را گرفته چون از این فیض آسمانی محروم عنقریب کل معدوم گردند نه نام و نشانی ماند و نه اثر و ثمری \* چون بر شما پر تو شمس حقیقت تاییده و بنحیات ابدیه فائز شدید از آفاق وجود الی ابد الآباد تابنده و درخشنده \* حضرت پطرس صیاد ماهی بود و مریم مجدلیه زنی قروی \* ولی چون بالطاف حضرت مسیح

مخصص گشتند آفاق ایمان را روشن نمودند و از افق عزت ابدیه  
 الی الآن میدرخشند \* در این مقام نظر با استعداد و قابلیت نه نظر  
 بأشعة ساطعة شمس حقیقت است که این آئینه‌ها را روشن نموده  
 مراد دعوت بامریکا سینماید من نیز نهایت اشتیاق را  
 دارم که آن رویهای نورانی را بینم و با آن دوستان حقیقی همدم  
 و همراز کردم ولی قوه مغناطیسی که مرا جذب بآن اقلیم نماید آن  
 اتحاد و اتفاق احبا و روش و سلوک بموجب تعالیم الله و ثبوت عموم  
 بر عهد و پیمانست \* ای پروردگار این جمع یاران تو اند و بجمال تو  
 منجذبند و بنار محبت مشتعلند \* این نفوس را ملائکه آسمانی نما  
 و بنفحه روح القدس زنده فرما \* انسانی ناطق بخش و قلبی ثابت  
 عطا فرما قوه آسمانی ده و سنوحات رحمانی بخش و مروج وحدت  
 بشر فرما و سبب محبت و آلفت عالم انسانی فرما تا ظلمات مهلکه  
 تعصب جاهلی بانوار شمس حقیقت محو و زائل گردد و این جهان  
 ظلمانی نورانی شود و این عالم جسمانی پر تو جهان  
 روحانی گیرد \* و این ألوان مختلفه مبدل بیک رنگ  
 گردد و آهنگ تسبیح بملکوت تقدیس  
 تو رسد \* تویی مقتدر و توانا و علیکم  
 و علیکن البهاء الاهی

﴿ ع ع ﴾

(حیفا ۲۲ ایار ۱۹۱۹)



﴿ کالیفورنیا امة الله المحترمه مسيس كودال و امة الله ﴾

(المنجذبہ مسيس کوپر \* علیہما بہاء الله الابہی)

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای د و نفس مؤمن مبارکہ چند سال است کہ مخبرہ مقطوع  
 و مر او دہ ممنوع \* بظاہر نہ خبری و پیامی ونہ نامہئی ونہ سلامی  
 ولی روابط معنویہ محکم و متین و از کلشن وجدان دوستان نجات  
 خوش معطری استشمام میشود و این سبب تسلی قلوب بود \* حال  
 الحمد لله طریق مخبرہ مفتوح و عنقریب وسائل ملاقات موجود  
 خواهد شد \* لهذا بنکارش این نامہ مختصر پرداختم و جمیع یاران  
 و اماء رحمان را کہ غائب حاضرند خطاب مینمایم کہ آنچه در الواح  
 حضرت بہاء الله پیش از پنچاہ سال مصرح و منصوص بود این  
 ایام محقق و مشروح کشت \* مراجعت بالواح کنید علی الخصوص  
 سورہ ہیکل و خطاباتیکہ بملوک و سلاطین ارض شدہ \* ملاحظہ  
 نمائید کہ چہ معجزہئی اعظم از این \* ابدأ نفسی را کمان چنین نبود کہ  
 نفوسی از ملوک کہ زلزله بر آفاق انداختہ \* و در نہایت اقتدار  
 موجود \* خطاب بہاء الله صادر و اخبار بوقائع الیوم صریح و واضح

با وجود این نفوس بیدار نشدند \* باری حال وقت آنست که تعالیم  
حضرت بهاء الله در آن دیار انتشار یابد و جمیع خلق مستعد  
تأسیس صلاح عمومی گردند \* وراثت وحدت عالم  
انسانی بلند شود \* جمیع ملل و نحل در سایه  
خیمه توحید راحت و آسایش یابند  
وعلیکم التحية والثناء

عکا ۱۸ اکتوبر ۱۹۱۹

﴿ المان احبای الهی ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایها المختارون فی ملکوت الأبهی \* شکر کنید رب الجنود را  
که از آسمان غیب را کباً علی السحاب نزول بعالم ملک فرمود  
واز پرتو شمس حقیقت شرق و غرب روشن گشت \* وندای  
ملکوت بلند شد و منادیان ملکوت باهنگ ملاً اعلی بشارت  
ظهور دادند و عالم وجود باهتر از آمد و جمیع خلق چنانکه حضرت  
مسیح میفرماید در خواب بودند \* یعنی یوم ظهور و نزول رب  
الجنود در خواب غفات غرق بودند چنانکه در انجیل میفرماید  
که مجيء من مانند آنست که دزد در خانه است و صاحب خانه

خبر ندارد \* شمارا از میان خلق انتخاب فرمود و دیده‌ها بنور هدی  
 باز شد \* و گوشها باهنگ ملاً اعلیٰ همراز گشت \* دلها زنده شد  
 و جانها حیات جدید یافت و از موهبت کبری بهره و نصیب  
 گرفت \* شکر کنید خدا را که دست موهبت کبری چنان تاج  
 مرصعی بر فرق شما نهاد که جواهر زواهرش الی الابد بر قرون  
 و اعصار میتابد \* بشکرانه این هدایت کبری همت را بلند کنید  
 و مقصد را ارجمند \* بقوت ایمان بموجب تعالیم الهی رفتار نمائید  
 و اعمال را تطبیق با احکام الهی فرمائید \* کلمات مکنونه تلاوت  
 نمائید \* و بمضمون دقت کنید و بموجب آن عمل نمائید \* الواح  
 طرازات و کلمات و تجلیات و اشراقات و بشارات را بامعان نظر  
 بخوانید و بموجب آن تعالیم الهیه قیام نمائید تا آنکه هر یک شمی  
 روشن گردید و شاهد انجمن شوید و مانند کل کلشن رائحه طیبه  
 منتشر نمائید \* چون بحر پر جوش و خروش شوید و چون ابر فیض  
 آسمانی مبذول دارید \* باهنگ ملکوت ابهی دمساز گردید و آتش  
 جنک بنشانید و علم صلح بلند نمائید \* وحدت عالم انسانی ترویج  
 دهید و دین را وسیله محبت و مودت بجمیع بشر شمردید \* و جمیع  
 خلق را اغنام الهی دانید \* و خدا را شبان مهربان بشناسید که جمیع  
 اغنام را می پرورد و در چمن و مرغزار رحمت خویش میچراند و از  
 چشمه عنایت مینوشاند \* اینست سیاست الهی اینست موهبت  
 رحمانی \* اینست وحدت عالم انسانی که از جمله تعالیم الهیست

باری ابواب موهبت مفتوحست و آیات الهی مشروح نور حقیقت  
 تا بانست و اَطاف بی پایان \* وقت را غنیمت شمردید بجان بکوشید  
 و بخروشید \* تا این جهان ظلمانی نورانی گردد \* و این عالم تنگ  
 و تاریک کشایش یابد و این کاخن فانی آئینه کلمش باقی شود و این  
 عالم جسمانی بهره و نصیب از فیوضات رحمانی یابد \* بنیاد عناد  
 برافتد و اساس یکانگی ویران گردد و بنیان یکانگی مرتفع شود  
 تا شجره مبارکه بر شرق و غرب سایه افکند و در قطب امکان  
 خیمه و حده انسان افراخته شود و علم محبت و اُلفت در جمیع  
 آفاق موج زند و موج دریای حقیقت اوج گیرد \* جهان سراسر  
 جنت اِبهی شود و کل و ریحان موهبت کبری برویاند \* اینست  
 و صایای عبد البها \* از اَطاف رب الجنود امید وارم که سبب  
 نورانیت و روحانیت بشر گردید و قلوب خلق را ارتباط محبت  
 بخشید \* مردگان قبور نفس و هوی را بقوه کلمه الله زنده کنید  
 و کوران بی بصیرت را بانوار شمس حقیقت ینانمائید و علیلان  
 روحانی را شفای رحمانی بخشید \* از اَطاف عنایات حضرت  
 مقصود چنین امید وارم \* و همیشه بد فکر شما مشغولم  
 و بر ب الملکوت مناجات مینمایم و گریه و زاری میکنم تا جمیع  
 این موهبت را مبذول فرماید و قلوب را مشروح نماید و روحهارا  
 وجد و طرب دهد و جذب و وله بخشد \* و علیکم البهاء الابهی  
 ای پروردگار مهربان این نفوس ندای ملکوت شنیدند

وانوار شمس حقیقت دیدند و در فضای جانفزای  
 محبت پریدند \* عاشقان روی تواند و منجذبان  
 خوی تو \* و آرزومند گوی تو و متوجه  
 بسوی تو و تشنه جوی تو و مشغول  
 بگفتگوی تو \* تویی دهنده  
 و بخشنده و مهربان

﴿ ع ع ﴾

۲۰ آب ۱۹۱۹

بواسطه جناب مستر اوکر \* علیه بهاء الله الابهی  
 هونولولو \* احبای الهی و اماء رحمن \* علیهم  
 وعلین البهاء الابهی

مَوْلانا

ای یاران مهربان و اماء رحمن \* شما در آن جزائر دور و مهجور  
 و ما در ارض مقدس در نهایت اشتعال و شور \* مسافت بعد عظیم  
 است ولی قلوب متلذذ از قرب جدید \* زیرا قوه کلمه الله نفوس را  
 چنان ارتباط داده که بعد مسافت حایل نکردد \* همواره در  
 محفل معنوی الهی حاضر و یکدیگر ناظر \* والطف حضرت

رحمان شامل \* در حق شما بملکوت ابی عجز و نیاز نمایم \* و دلها را  
 حیات جدید خواهم و روحها را بشارت آسمانی طلبم \* تا هر يك  
 آیت کبری شوید و رایت ملکوت ابی و سبب محبت و الفت  
 بین جمیع بشر گردید و خدمت به عالم انسانی کنید \* تا موهبت الهی  
 حاصل گردد و سرور و فرح نامتناهی شامل شود \* و این مشروط  
 بثبوت بر میثاق است \* هر نفسی متمسک بعهد و میثاق بجنود  
 ملائع اعلی منصور گردد و در درگاه الهی موفق بفیوضات  
 نامتناهی شود \* قوه میثاق مانند حرارت آفتابست  
 که جمیع کائنات ارضیه را تربیت نماید و نشو  
 و نما بخشد \* به چنین نور میثاق عالم عقول  
 و نفوس و قلوب و ارواح را  
 تربیت نماید ﴿ع ع﴾  
 حيفا ۲۵ حزيران ۱۹۱۹

هاوای هونولولو \* جناب مستر و مسیس اوکر

علیها بهاء الله الابهی

هو الله

ای دو حمامه حدیقه محبة الله \* نامه مفصل شما رسید \* خدمات  
 شما در این بساط مذکور و مشهور علی الخصوص در توکیو

الحمد لله که در آن اقلیم موفق بر نشر شمیم معطری شدید • و این  
 در استقبال نتایج عظیمه بخشید \* این چند دانه کندم که در آن زمین  
 افشاندید عاقبت خرمها تشکیل کند \* و این نفوس معدوده  
 افواج عظیمه گردد بلکه جیش روحانی انبوهی شود \* و این  
 دانه بتریت الهی خوشه های موفوری برویاند \* شکر کنید که  
 بچنین موهبت الهی موفق شدید \* تما دانه های افشانده اید  
 ولی ایاری میخواهد \* اگر نفوسی از امریکا یا جزائر هونولولو  
 سفری بصفحات ژاپان نمایند تعالیم الهی بکمال سرعت در ژاپان  
 سرایت نماید و نتایج عظیمه بخشید \* شما دو نفر وظیفه خود را  
 اجرا نمودید و بقدر امکان کوشیدید \* حال باید چندی راحت کنید  
 نوبت دیگرانست که آنان نیز بژاپان سفری نمایند و تخمهای  
 افشانده را آبیاری کنند و نهالهای تازه را مواظبت و خدمت  
 نمایند \* ایام بسر میرود و عاقبت انسان در تحت طبقات تراب  
 نسیاً منسیاً میگردد مگر نفوسیکه دهقان الهی کردند • و در  
 مزرعه قلوب تخم افشانی نمایند \* این نفوس الی الابد از افق  
 حقیقت مانند ستاره درخشنده و تابان مانند \*

بجميع احبای هونولولو از قبل من تحت

مشتاقانه ابلاغ دارید \* وعلیکم

البهاء الأبهی

(بهجه) عکا ۲۵ حزیران ۱۹۰۹

﴿ ژاپان توکیو • بواسطه امة الله مس اکنس الکسندر ﴾

﴿ ایگو موشیزوکی ﴾

## هو الله

ای دختر عزیز • نامه تورا سید و بکمال سرور قرائت کردید که الحمد لله در ژاپان نور محبة الله در خشیده و شمی مانند تو روشن گردیده که قلبت از صهبای محبة الله لبریز است و روحت شورانگیز است • و مانند نهال نورسته از رشحات سحاب عنایت تر و تازه و در نشو و نمائی • امیدم چنانست که بزودی کل و شکوفه نمائی و میوه تریبار آری • شبان حقیقی یقین است باغنام مهربان است و در نهایت رأفت و رحمت و مواظبت است این امریست طبیعی • لهذا مطمئن باش همیشه منظور نظری و مشمول بتوجهات قلبیه • اهل ژاپان مانند زمینی میمانند که قرون و اعصار بر آن باران نباریده • از ریزش سحاب حتی شبنم بی نصیب مانده اند البته بسیار تشنه است • حال باید شما دهقان الهی گردید • و آن زمین تشنه را بجا تعالیم الهی سیراب نمائید تا فیض برکت آسمانی رخ بکشد و کلهای حقیقت و ریاحین فضائل انسانی برآید و آن سرزمین بهشت برین گردد • و عليك التحية والثناء

﴿ ع ع ﴾ حيفا ۱۹۱۹



ژاپان توکیو \* مستر توکو جیرای ترای \* علیه بهاء الله الابهی ﴿  
 ﴿ هو الله ﴾

ای صاحب دل یینا \* هر چند بصر جسمانی مفقود ولی الحمد لله  
 بصیرت قلب موجود \* دل ییناست و روح شنوا \* این دیده تن  
 معرض هزار امراض و عاقبت یقیناً نایینا کردد \* لهذا اهمیتی  
 ندارد ولی دیده دل روشن و کشف ملکوت الهی نماید \* والی الابد  
 باقی و پایدار \* پس شکر کن خدا را که دیده دل روشن و کوش  
 هوش شنوا محافلی که آراسته اید و در آن احساسات آسمانی مینمائید  
 و ادراک حقائق و معانی میکنید \* آن محفل مانند فضای آسمانست  
 و آن نفوس مانند نجوم ساطع که بنور هدایت روشنند فرخنده  
 نفسی که در این عصر نورانی اقتباس تعالیم آسمانی کند و خجسته  
 قلبی که از محبة الله اهتزاز و انجذاب یابد \* حال شمس حقیقت  
 پر توی بژاپان زده است امید چنانست که آن اقلیم بتعالیم آسمانی  
 روشن گردد \* بجناب مستر انیوینی نهایت محبت و اشتیاق از قبل  
 من برسان \* و همچنین بجناب مستر سایکی \* امید وارم که این  
 دو نفس مبارک از افق ژاپان مانند دو ستاره آسمانی بدرخشند  
 و آن اقلیم را روشن نمایند آن کشور مدنیت زمینی و آبادی خاکی  
 یافته \* امید وارم که مدنیت آسمانی نیز یابد بحرم محترمه سلام و پیام  
 مرا برسان \* و همچنین طفل صغیرا کیر که نامش مبارک باد و بخوب  
 نامی نامیده شده است \* و عليك التحية والثناء ﴿ ع ع ﴾ حیفا ۱۹۱۹

# جواب نامہ جمعیتِ اہلِ ایمان برای اجراءِ صلحِ عمومی

مولدہ لالہ در محلہ تڑپا استرات نزد ..

ہست مرکزی برای ابواب صلح دہی

دکتر ہ . سی در سلہوس	از رئیس	از مولدہ
ٹ . بارون آولسوار	از سوچ	
پونسور . ر . آلتا میرا	از اسپانیا	
میس خان بزن اندوز	از مالک تھوہ بڑیا	
گت . لوس دکیسون	از بھستان	
دکتر . آ کیو این	از ہونگری	
پونسور . دکتر ہ . گنت	از فروج	
پونسور . دکتر ہ . لاما ش	از اطیش	
پونسور . دکتر ایشل لوریا	از اینالیا	
پول اوت	از بڑیا	
ج بیٹر فولان	از سویرا	
پونسور . دکتر والتر شوکینگ	از آلمان	
ڈیستونینگ	از دانارک	
دکتر . ب . و جوگ وان بیک	ان دوگت	
غش عام	از لالہ	

# مَعَالِدِهَا

ای اول اشخاص خیر خواه محترم عالم انسانی \* نامه های شما که در این مدت حرب ارسال نمودید نرسید \* در این ایام یکنامه بتاریخ ( ۱۱ فوریه ۱۹۱۶ ) رسید و فوراً جواب تحریر میگردد مقصد شما سزاوار هزار ستایش است \* زیرا خدمت بعالم انسانی مینماید \* و این سبب راحت و آسایش عمومیست این حرب اخیر بر عالم و عالمیان ثابت کرد که حرب ویرانیست صلح عمومی آبادی \* حرب ممانعت و صلح حیات \* حرب درندگیست و خونخواری و صلح مهربانی و انسانی \* حرب از مقتضای عالم طبیعت است و صلح از اساس دین الهی \* حرب ظلمت اندر ظلمت است و صلح انوار آسمانی \* حرب هادم بنیان انسانی و صلح حیات ابدی عالم انسانی \* حرب مشابهت با کُرک خونخوارست \* و صلح مشابهت ملائکه آسمانی \* حرب منازعه بقا است \* صلح تعاون و تعاضد بین ملل در اینجهان و سبب رضایت حق در جهان آسمانی \* نفسی نمانده که وجدانش شهادت بر این ندهد که الیوم در عالم انسانی امری اعظم از صلح عمومی نیست هر منصفی بر این شهادت میدهد \* و آن انجمن محترم رامیپرستد

زیرا نیتشان چنان که این ظلمات مبدل بنور گردد و این خونخواری  
 مبدل بمهربانی و این نعمت بنعمت و این زحمت برحمت \* و این  
 بغض و عداوت بآلفت و محبت منقلب شود \* لذا همت آن  
 اشخاص محترمه شایان ستایش و نیایش است \* ولی در نزد  
 نفوس آگاه که مطلع هستند بر روابط ضروری که منبث از حقایق  
 اشیا است ملاحظه مینمایند که مسأله واحد چنانکه باید و شاید  
 نفوذ در حقیقت انسانی نماید زیرا تا عقول بشری اتحاد حاصل  
 نکند هیچ امر عظیمی تحقق نیابد \* حال صلح عمومی امریست  
 عظیم ولی وحدت وجدان لازمست که اساس این امر عظیم  
 گردد \* تا اساس متین شود \* و بنیان رزین گردد \* لهذا حضرت  
 بهاء الله پنجاه سال پیش بیان صلح عمومی فرمود \* در حالتیکه  
 در قلعه عکا مسجون بود و مظلوم بود و محصور بود \* این امر  
 عظیم یعنی صلح عمومی را بجمیع ملوک مرقوم فرمود \* و در شرق  
 در بین دوستان خویش تأسیس فرمود \* افق شرق بسیار  
 تاریک بود \* و ملل در نهایت بغض و عداوت بایکدیگر \* و ادیان  
 تشنه خون یکدیگر بودند \* ظلمت اندر ظلمت بود \* در چنین  
 زمانی حضرت بهاء الله از افق شرق مانند آفتاب طلوع کرد  
 و بانوار این تعالیم ایران را روشن فرمود \*

\* از جمله تعالیم \* اعلان صلح عمومی بود \* کسانی که پیروی  
 کردند از هر ملت و از هر دین و مذهب در نهایت محبت اجتماع

نمودند \* بدرجه که محافل عظیمه تشکیل میشد که از جمیع ملل وادیان شرق مرکب بود \* هر نفسی داخل انجمن میشد میدیدیک ملتست ویک تعالیم \* ویک مسلك است ویک ترتیب \* زیرا تعالیم حضرت بهاء الله منحصر در تأسیس صلح عمومی نبود تعالیم کثیره بود که معاونت و تأیید صلح عمومی مینمود

﴿ از جمله ﴾ تخری حقیقت تا عالم انسانی از ظلمت تقالید نجات یابد و بحقیقت پی برد \* این قیص رثیت هزاران ساله را بدرد ویندازد \* و پیرهنی که در نهایت تنزیه و تقدیس در کارخانه حقیقت بافته شده پیوشد و چون حقیقت یکیست تعدد قبول نمیکند \* لهذا افکار مختلفه منتهی بفکر واحد گردد \*

﴿ و از جمله تعالیم حضرت بهاء الله ﴾ وحدت عالم انسانیست که جمیع بشر اغنام الهی و خدا شبان مهربان \* این شبان بجمیع اغنام مهربانست \* زیرا کل را خلق فرموده \* و پرورش داده \* و رزق احسان میدهد و محافظه میفرماید \* شبهه نماند که این شبان بجمیع اغنام مهربانست \* و اگر در بین این اغنام جاهلانی باشند باید تعلیم کرد و اگر اطفالی باشند باید تربیت نمود تا بیلوغ رسند \* و اگر بیماری باشد باید درمان نمود \* نه اینکه گره و عداوتی داشت \* باید مانند طیب مهربان این بیمارهای نا دانا را معالجه نمود \*

﴿ و از جمله تعالیم حضرت بهاء الله ﴾ اینکه دین باید سبب الفت و محبت باشد \* اگر سبب کلفت گردد لزومی ندارد \*

\* ( و از جمله تعالیم بهاء الله ) \* اینکه دین باید مطابق علم و عقل باشد تا در قلوب انسانی نفوذ نماید \* اساس متین باشد نه اینکه عبارت از تقلید باشد \*

\* ( و از جمله تعالیم بهاء الله ) \* تعصب دینی \* و تعصب جنسی و تعصب سیاسی \* و تعصب اقتصادی \* و تعصب وطنی \* هادم بنیان انسانیت \* تا این تعصبات موجود عالم انسانی راحت نماید شش هزار سالست که تاریخ از عالم انسانی خبر میدهد \* در این مدت شش هزار سال عالم انسانی از حرب و ضرب و قتل و خونخواری فارغ نشد \* در هر زمانی در اقلیمی جنگ بود \* و این جنگ یا منبعث از تعصب دینی بود \* و یا منبعث از تعصب جنسی \* و یا منبعث از تعصب سیاسی \* و یا منبعث از تعصب وطنی \* پس ثابت و محقق گشت که جمیع تعصبات هادم بنیان انسانیت و تا این تعصبات موجود منازعه بقا مستولی \* و خونخواری و درندگی مستمر \* پس عالم انسانی از ظلمات طبیعت جز بترك تعصب و اخلاق ملکوتی نجات نیابد و روشن نکردد چنانچه از پیش گذشت \* اگر این تعصب و عداوت از جهت دین است دین باید سبب الفت گردد \* و الا ثمری ندارد \* و اگر این تعصب تعصب ملیست جمیع نوع بشر ملت واحده است جمیع از شجره آدمی روئیده \* اصل شجره آدم است و شجره واحده است \* و این ملل بمنزله اغصانست \* و افراد انسانی بمنزله برك و شکوفه

و آثار \* دیگر ملل متعدده تشکیل کردن \* و بدین سبب  
 خونریزی نمودن و بنیان انسانی بر انداختن \* این از جهل انسانیت است  
 و غرض نفسانی \* و اما تعصب و طنی این نیز جهل محض است  
 زیرا روی زمین و وطن واحد است \* هر انسان در هر نقطه  
 از کره ارض زندگی میتواند \* پس جمیع کره ارض وطن  
 انسانست \* این حدود و ثغور را انسان ایجاد کرده \* در خلقت  
 حدود و ثغوری تعیین نشده \* اورپا یکقطعه است \* آسیا  
 یکقطعه است \* افریقا یکقطعه است \* امریکا یکقطعه است  
 استرالیا یک قطعه است \* اما بعضی نفوس نظر بمقاصد شخصی  
 و منافع ذاتی هر یک از این قطعات را تقسیم نموده اند \* و وطن  
 خویش انکاشته اند \* خدا در بین فرانس و آلمان فاصله خلق  
 نفر موده متصل یکدیگر است بلی در قرون اولی نفوسی از اهل  
 غرض بجهت تمشیت امور خویش حدود و ثغوری معین نمودند \*  
 و روز بروز اهمیت یافته تا این سبب عداوت کبری و خونریزی  
 و درندگی در قرون آتیه گشت \* و بهمین قسم غیر متناهی خواهد  
 بود \* و این فکر و وطن اگر در ضمن دائره محصوره ماند سبب  
 اول خرابی عالمست \* هیچ عاقلی و هیچ منصفی اذعان باین اوهام نماید  
 و هر قطعه محصوره را که نام وطن می نهیم و با اوهام خویش مادر  
 می نامیم و حال آنکه کره ارض مادر کل است نه این قطعه محصوره  
 خلاصه ایامی چند روی این زمین زندگانی مینمائیم و عاقبت در آن

دفن می شویم • قبر ابدی ملست • آیا جائز است بجهت این قبر  
 ابدی بخونخواری پردازیم و همدیگر را بدریم • حاشا و کلا نه خداوند  
 راضی نه انسان عاقل اذعان این کار مینماید • ملاحظه نمائید که  
 وحوش مبارک ابدأ منازعه وطنی ندارند • بایکدیگر در نهایت  
 الفتند • و مجتمعاً زندگانی میکنند • مثلاً اگر کبوتری شرقی  
 و کبوتری غربی • و کبوری شمالی و کبوتری جنوبی بالتصادف  
 در آن واحد در جایی جمع شوند فوراً یکدیگر الفت نمایند  
 و همچنین جمیع حیوانات مبارکه از وحوش و طیور • و لکن  
 حیوانات درنده بمجرد تصادف بایکدیگر در آویزند و پرخاش  
 برخیزند • و یکدیگر را بدرند • و ممکن نیست در بقعه واحده  
 زندگانی کنند • همه متفرقند و متهور • و متحاربند و متنازع  
 و اما تعصب اقتصادی این معلوم است که هر چه روابط بین  
 ملل از دیاد یابد و مبادله امتعه تکرر جوید • و هر مبدأ اقتصادی  
 در هر اقلیمی تأسس یابد بالمال بسائر اقالیم سرایت نماید و منافع  
 عمومی رخ بکشد • دیگر تعصب بجهت چه •  
 و اما در تعصب سیاسی باید متابعت سیاست الله کرد • و این  
 مسلم است که سیاست الهیه اعظم از سیاست بشریه است  
 ما باید متابعت سیاست الهیه نمائیم و او بجمیع افراد خلق  
 یکسانست هیچ تفاوتی ندارد و اساس ادیان الهیست •  
 ﴿ و از جمله تعالیم حضرت بهاء الله ﴿ ایجاد لسان واحد است که



تعمیم بین بشر گردد \* پنجاه سال پیش این تعلیم از قلم حضرت بهاء الله صادر شد \* تا این لسان عمومی سبب ازالۀ سوء تفاهم بین جمیع بشر گردد \*

﴿ و از جمله تعالیم حضرت بهاء الله ﴾ وحدت نساء و رجالست که عالم انسانرا دو بال است \* يك بال رجال و يك بال نساء تا دو بال متساوی نکرده مرغ پرواز نماید \* اگر يك بال ضعیف باشد پرواز ممکن نیست تا عالم نساء متساوی با عالم رجال در تحصیل فضائل و کمالات نشود فلاح و نجاح چنانکه باید و شاید ممتنع و محال ﴿ و از جمله تعالیم بهاء الله ﴾ مواسات بین بشر است \* و این

مواسات اعظم از مساواتست \* و آن اینست که انسان خود را بر دیگری ترجیح ندهد \* بلکه جان و مال فدای دیگران کند اما نه بعنف و جبر که این قانون گردد \* و شخصی مجبور بر آن شود بلکه باید بصرافت طبع و طیب خاطر مال و جان فدای دیگران کند \* و بر فقرا اتفاق نماید \* یعنی بآرزوی خویش چنانکه در ایران در میان بهائیان مجری است \*

﴿ و از جمله تعالیم حضرت بهاء الله ﴾ حریت انسانست که بقوه معنویه از اسیری عالم طبیعت خلاص و نجات یابد \* زیرا تا انسان اسیر طبیعت است حیوان درنده است زیرا منازعه بقا از خصائص عالم طبیعت است \* و این مسأله منازعه بقا سرچشمه جمیع بلایا است \* و نکبت کبری \*

\* (وا از جمله تعالیم بهاء الله) \* اینکه دین حصن حصین است  
 اگر بنیان دین متزلزل و وهین گردد هرج و مرج رخ دهد  
 و بکلی انتظام امور مختل شود \* زیرا در عالم انسانی دو رادع است  
 که از ارتکاب رذائل حفظ می نماید \* یک رادع قانونست که  
 مجرم را عذاب و عقاب مینماید ولی قانون رادع از جرم مشهود است  
 رادع از جرم مخفی نیست \* و اما رادع معنوی دین الهی رادع  
 از جرم مشهود و مخفی هر دو است \* و انسان را تربیت مینماید  
 و تهذیب اخلاق می کند \* و مجبور بر فضائل مینماید \* و اعظم  
 جهت جامعه است که تکفل سعادت عالم انسانی میکند \*  
 اما مقصد از دین دین تحقیق است نه تقلیدی \* اساس ادیان  
 الهی است نه تقالید بشری \*

\* (وا از جمله تعالیم حضرت بهاء الله) \* اینکه هر چند مدنیت مادی  
 از وسائط ترقی عالم انسانست \* ولی تا منضم بمدنیت الهیه نشود  
 نتیجه که سعادت بشریه است حصول نیابد \* ملاحظه کنید  
 که این سفائن مدرّعه که شهری را در یک ساعت ویران مینماید  
 از نتایج مدنیت مادیست \* و همچنین توپهای کروپ \* و همچنین  
 تفنگهای ماوزر \* و همچنین دینامیت و همچنین غواصهای تحت  
 البحر \* و همچنین تورپت \* و همچنین سیارات متدرّعه \* و همچنین  
 طیارات آتش فشان \* جمیع این آلات از سیئات مدنیت  
 مادیست \* اگر مدنیت مادیه منضم بمدنیت الهیه بود هیچ این

آلات ناریه ایجاد نمی گشت \* بلکه قوای بشریه جمیع محول  
 باختراعات نافع می شد \* و محصور در اکتشافات فاضله  
 می گشت \* مدنیت مادیه مانند زجاجست \* و مدنیت الهیه مانند  
 سراج \* زجاج بی سراج تاریک است \* مدنیت مادیه مانند  
 جسم است \* ولو در نهایت طراوت و لطافت و جمال باشد  
 مرده است \* مدنیت الهیه مانند روح است این جسم باین روح  
 زنده است \* و الاجیفه گردد \* پس معلوم شد عالم انسانی محتاج  
 بنفثات روح القدس است \* بدون این روح عالم انسانی  
 مرده است \* و بدون این نور عالم انسانی ظلمت اندر ظلمت است  
 زیرا عالم طبیعت عالم حیوانیست \* تا انسان ولادت نایب از عالم  
 طبیعت نماید \* یعنی منسلخ از عالم طبیعت نکردد حیوان  
 محض است \* تعالیم الهی این حیوان را انسان مینماید .

﴿ و از جمله تعالیم بهاء الله ﴾ تعمیم معارفست \* باید هر طفل را  
 بقدر لزوم تعلیم علوم نمود \* اگر اوین مقتدر بر مصارف این تعلیم  
 فیها و الا باید هیئت اجتماعیه آن طفل را وسائط تعلیم مهیا نماید .  
 ﴿ و از جمله تعالیم حضرت بهاء الله ﴾ عدل و حق است تا این  
 در حیز وجود تحقق نیابد جمیع امور مختل و معوق و عالم انسانی  
 عالم ظلم و عدوانست و عالم تعدی و بطلان \*

خلاصه امثال این تعالیم بسیار است \* این تعالیم متعدده که اساس  
 اعظم سعادت عالم انسانیست و از سنوحت رحمانی باید منضم

بمسئله صلح عمومی گردد و ممزوج بآن شود \* تا اینکه نتیجه بخشد  
 و الا تنها مسئله صلح عمومی را در عالم انسانی تحققش مشکل است  
 تعالیم حضرت بهاء الله چون ممتزج با صلح عمومیست لهذا بمنزله  
 مائده ایست که از هر قسم اطعمه نفیسه در آن سفره حاضر  
 هر نفسی مشتیهات خویش را در آن خوان نعمت بی پایان می یابد  
 اگر مسأله منحصر در صلح عمومی باشد نتایج عظیمه چنانکه  
 منظور و مقصود است حصول نیابد \* باید دائره صلح عمومی  
 چنان ترتیب داده شود که جمیع فرق عالم و ادیان آرزوی خویش را  
 در آن بیابند \* حال تعالیم حضرت بهاء الله چنین است که منتهی  
 آرزوی جمیع فرق عالم \* چه از فرق دینی و چه از فرق سیاسی  
 و چه از فرق اخلاقی \* چه از فرق قدیمه و چه از فرق حدیثه  
 کل نهایت آرزوی خویش را در تعالیم حضرت بهاء الله می یابند  
 مثلا اهل ادیان در تعالیم بهاء الله تأسیس دین عمومی مییابد که  
 در نهایت توافق با حال حاضره است \* فی الحقیقه هر مرض  
 لا علاج را علاج فوریت \* و هر دردی را درمان و هر سم نقیص را  
 دریاق اعظم است \* زیرا اگر بموجب تقالید حاضره ادیان بخوایم  
 عالم انسانرا نظم و ترتیب دهیم و سعادت عالم انسانرا تأسیس  
 نمائیم ممکن نه \* حتی اجرایش محال \* مثلا اجرای احکام تورات  
 الیوم مستحیل است \* و همچنین سایر ادیان بموجب تقالید  
 موجوده \* ولکن اساس اصلی جمیع ادیان الهی که تعلق بفضائل

عالم انسانی دارد و سبب سعادت عالم بشر است در تعلیمات حضرت بهاء الله بنحو اکمل موجود \* و همچنین مللی که آرزوی حریت نمایند حریت معتدله که کافل سعادت عالم انسانست و ضابط روابط عمومی در نهایت قوت و وسعت در تعالیم حضرت بهاء الله موجود \* و همچنین حزب سیاسی آنچه اعظم سیاست عالم انسانست بلکه سیاست الهی در تعالیم حضرت بهاء الله موجود و همچنین حزب مساوات که طالب اقتصاد است \* الی، الآن جمیع مسائل اقتصادی از هر حزبی که در میان آمده قابل اجرانه مگر مسأله اقتصادی که در تعالیم حضرت بهاء الله \* و قابل الاجراست و از آن اضطرابی در هیئت اجتماعیه حاصل نکردد و همچنین سائر احزاب \* چون بنظر عمیق دقت ننماید ملاحظه میکنند به نهایت آرزوی آن احزاب در تعالیم بهاء الله موجود این تعالیم قوه جامعیه است در میان جمیع بشر و قابل الاجرا لکن بعضی تعالیمست از سابق نظیر احکام تورات که قطعاً الیوم اجرایش مستحیل \* و همچنین سائر ادیان و سائر افکار فرق مختلفه و احزاب متنوعه \* مثلاً مسأله صلح عمومی حضرت بهاء الله میفرماید که باید هیئت محکمه کبری تشکیل شود زیرا جمعیت امم هر چند تشکیل شد ولی از عهده صلح عمومی بر نیاید \* اما محکمه کبری که حضرت بهاء الله بیان فرموده این وظیفه مقدسه را بنهایت قدرت و قوت ایفا خواهد کرد \*

و آن اینست که مجالس ملیه هر دولت و ملت یعنی پارلمانت اشخاصی از نخبه آن ملت که در جمیع قوانین حقوق بین دولی و بین مللی مطلع و در فنون متفنن و بر احتیاجات ضروریه عالم انسانی در این ایام واقف و دو شخص یا سه شخص انتخاب نمایند بحسب کثرت و قلت آن ملت \* این اشخاص که از طرف مجلس ملی یعنی پارلمانت انتخاب شده اند \* مجلس اعیان نیز تصدیق نمایند \* و همچنین مجلس شیوخ و همچنین هیئت وزراء و همچنین رئیس جمهور یا امپراطور تا این اشخاص منتخب عموم آن ملت و دولت باشند \* از این اشخاص محکمه کبری تشکیل میشود \* و جمیع عالم بشر در آن مشترکست \* زیرا هر یک از این نمایندگان عبارت از تمام آن ملتست \* چون این محکمه کبری در مسئله از مسائل بین المللی یا بالاتفاق یا بالا کثریه حکم فرماید \* نه مدعی را بهانه ماند \* نه مدعی علیه را اعتراضی \* هر گاه دولتی از دول یا ملتی از ملل در اجرای نفیذ حکم مبرم محکمه کبری تعلل و تراخی نماید عالم انسانی بر او قیام کند \* زیرا ظهیر این محکمه کبری جمیع دول و ملل عالمند ملاحظه فرمائید که چه اساس متینی است \* و لکن از جمعیت محدود و محصور مقصود چنانکه باید و شاید حصول نیابد \*

این حقیقت حالست که بیان میشود \* تعالیم حضرت بهاء الله را ملاحظه نمائید که بچه قوتست \* در حالتیکه حضرتش در سجن عکا بود و در تحت تضییق و تهدید دو پادشاه خونخوار \* با وجود

این تعالیم بکمال قوت در ایران و سایر بلاد انتشار یافت و هر  
 تعلیمی از تعالیم و یا هر مبدئی از مبادی و یا هر فرقه‌ای از فرق اگر  
 در تحت تهدید يك سلطنت قاهره خونخواری افتد در اندک  
 زمانی مضمحل شود \* حال پنجاه سال بهائیان در ایران در اکثر  
 دیار در تحت تضییق تام و تهدید سیف و سنان بودند \* هزاران  
 نفوس در مشهد فدا جان باختند \* و قتل شمشیر ظلم و عدوان  
 گشتند \* و هزاران خاندان محترم از بنیان ریشه کن شدند \*  
 و هزاران اطفال بی پدر شد \* و هزاران پدران بی پسر گشت  
 و هزاران مادر بر جنازه پسر سر بریده فریاد و فغان نمود \* جمیع  
 این ظلم و عدوان و درندگی و خونخواری در انتشار تعالیم بهاء الله  
 رخنه و فتوری نمود \* روز بروز انتشار بیشتر گشت و قوت  
 و قدرت بیشتر ظاهر شد \*

و شاید نفوسی نوهوس از ایرانیان مضامین الواح حضرت  
 بهاء الله و یا مفاهیم مکاتیب عبد البهارا بنام خویش بنکارد و بآن  
 جمعیت محترم برسانند \* شما آگاه این نکته باشید زیرا هر نفسی  
 ایرانی که بخمال خویش شهرتی خواهد \* یا مقصدی دارد مضامین  
 الواح حضرت بهاء الله را بتامه گرفته \* بنام خویش و یا آنکه  
 بنام فرقه خویش انتشار میدهد \* چنانکه در انجمن وحدت  
 نژادپیش از حرب در لندن واقع شد \* شخصی ایرانی مضامین  
 الواح حضرت بهاء الله را ضبط نمود و در آن جمعیت وارد شد

و بنام خویش خطابه نمود و انتشار داد \* و حال آنکه عینا عبارت  
 حضرت بهاء الله بود \* از این نفوس چند نفر باروپ رفتند \*  
 و سبب تخدیش اذهان اهالی اروپ و تشویش افکار بعضی  
 مستشرقین شدند \* شما این نکته را ملاحظه داشته باشید \*  
 زیرا این تعالیم پیش از ظهور بهاء الله کلمه از آن در ایران مسموع  
 نشده بود \* این را تحقیق فرمائید تا بر شما ظاهر و آشکار شود  
 بعضی نفوس طوطی صفتند \* هر صدائیرا بیاموزند و آن  
 آواز را بخوانند \* و لکن خود از آنچه میگویند بیخبرند \*  
 و فرقه در ایران الآن عبارت از نفوس معدوده هست که اینهارا  
 بابی میگویند خود را نسبت بحضرت باب میدهند \* ولی بکلی  
 از حضرت باب بیخبرند \* تعالیم خفیه دارند که بکلی مخالف تعالیم  
 بهاء الله است \* و در ایران مردم میدانند \* ولی چون باروپ آیند  
 تعالیم خویش را مخفی دارند \* تعالیم حضرت بهاء الله را بر اسان  
 رانند \* زیرا میدانند که تعالیم حضرت بهاء الله نافذ است لهذا  
 این تعالیم بهاء الله را با اسم خود شهرت دهند \* اما تعالیم خفیه  
 ایشان میگویند مستفاد از کتاب بیانست و کتاب بیان  
 از حضرت باب \* شما چون ترجمه کتاب بیان که در ایران شده  
 بدست آرید بحقیقت پی میبرید که تعالیم بهاء الله بکلی مباین  
 تعالیم این فرقه است \* مبادا از این نکته غفلت کنید و اگر  
 حقیقت را بیشتر تحرّی بخواید از ایران استفسار نمائید \*



باری آنچه در جمیع عالم سیر و سیاحت شود آنچه معمور است  
از آثار الفت و محبتست و آنچه مطمور است از نتایج بغض  
و عداوت \* با وجود این عالم بشر متنبه نشود \* و از این خواب  
غفلت بیدار نگردد \* باز در فکر اختلاف و نزاع و جدال افتد  
که صف جنک بیاراید \* و در میدان جدال و قتال جولان کند  
و همچنین ملاحظه در کون و فساد و وجود و عدم گردد هر کائنی  
از کائنات مرکب از اجزاء متنوعه متعدده است و وجود هر شیئی  
فرع ترکیب است \* یعنی چون بین عناصر بسیطه ترکیبی واقع  
گردد از هر ترکیبی کائنی تشکیل شود \* وجود موجودات بر این  
منوالست \* و چون در آن ترکیب اختلال حاصل گردد تحلیل شود  
و تفریق اجزاء گردد آن کائن معدوم گردد \* یعنی انعدام هر شیئی  
عبارت از تحلیل و تفریق عناصر است \* پس هر الفت و ترکیب  
در بین عناصر سبب حیاتست و اختلاف و تفریق سبب ممات \*  
بالجمله تجاذب و توافق اشیاء سبب حصول ثمره و نتایج  
مستفیده است و تنافر و تخالف اشیاء سبب انقلاب و اضمحلال  
است از تآلف و تجاذب جمیع کائنات ذی حیات مثل نبات  
و حیوان و انسان تحقق یابد و از تخالف و تنافر انحلال حاصل گردد  
و اضمحلال رخ بکشد لهذا آنچه سبب ائتلاف و تجاذب و اتحاد  
بین بشر است حیات عالم انسانست و آنچه سبب اختلاف و تنافر  
و تباعد است علت ممات نوع بشر است \* و چون بکشتزاری

مرور نمائی که زرع و نبات و کل و ریحان پیوسته است و جمعیتی  
 تشکیل نموده دلیل بر آنست که آن کشتزار و گلستان بتربیت  
 دهقان کاملی انبات و ترتیب شده است \* و چون پریشان و بی ترتیب  
 و متفرق مشاهده نمائی دلیل بر آنست که از تربیت دهقان ماهر  
 محروم بلکه گیاه خود روئیست \* پس واضح شد که الفت  
 و التیام دلیل بر تربیت مربی حقیقی است \* و تفریق و تشتت  
 برهان وحشت و محرومیت از تربیت الهی \* اگر معترضی  
 اعتراض کند که طوائف و امم و شعوب و ملل عالم را آداب و رسوم  
 و اذواق و طبائع و اخلاق مختلف \* و افکار و عقول و آراء متباین  
 با وجود این چگونه وحدت حقیقی جلوه نماید \* و اتحاد تام بین  
 بشر حاصل گردد \* کوئیم اختلاف بدو قسم است يك اختلاف  
 سبب انعدام است و آن نظیر اختلاف ملل متنازعه و شعوب  
 متباززه که یکدیگر را محو نمایند \* و خانمان بر اندازند و راحت  
 و آسایش سلب کنند \* و خونخواری و درندگی آغاز نمایند \*  
 و این مذموم است \* اما اختلاف دیگر که عبارت از تنوع است  
 آن عین کما است و سبب ظهور موهبت الهی \* ملاحظه نمائید  
 کلهای حدائق هر چند مختلف النوع و متفاوت اللون و مختلف  
 الصور و الاشکالند \* ولی چون از يك آب نوشند و از يك باد نشو  
 و نما نمایند \* و از حرارت و ضیاء يك شمس پرورش نمایند \* آن  
 تنوع و اختلاف سبب از زیاد جلوه و رونق یکدیگر گردد \*

این اختلاف آداب و رسوم و عادات و افکار و آراء و طبایع سبب  
 زینت عالم انسانیست این ممدوحست \* و همچنین این تنوع  
 و اختلاف چون تفاوت و تنوع اجزاء و اعضای انسانست که  
 سبب ظهور جمال و کمالست \* چون این اعضا و اجزای متنوعه  
 در تحت نفوذ سلطان روحست و روح در جمیع اجزاء و اعضا  
 سریان دارد \* و در عروق و شریان حکم رانست \* این اختلاف  
 و تنوع مؤید اثتلاف و محبت است و این کثرت اعظم قوه و وحدت  
 اگر حدیقه را کل و ریاحین و شکوفه و اثمار و اوراق و اغصان  
 و اشجار از یک نوع و یک لون و یک ترکیب و یک ترتیب باشد  
 بهیچوجه لطافتی و حلاوتی ندارد \* و لکن چون الوان و اوراق  
 و ازهار و اثمار کونا کون باشد هر یکی سبب تزیین و جلوه  
 سائرین گردد و حدیقه آنیقه شود \* و در نهایت لطافت و طراوت  
 و حلاوت جلوه نماید \* به چنین تفاوت و تنوع افکار و اشکال و آراء  
 و طبایع و اخلاق عالم انسانی \* چون در ظل قوه واحده و نفوذ  
 کلمه و وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال  
 ظاهر و آشکار شود \* الیوم جز قوه کلمه الله که محیط بر حقائق  
 اشیاست عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانرا در ظل  
 شجره واحده جمع نتواند \* اوست نافذ در کل اشیاء و اوست  
 محرک نفوس و اوست ضابط و رابط در عالم انسانی \*  
 الحمد لله الیوم نورانیت کلمه الله بر جمیع آفاق اشراق نموده

واز هر فرق و طوائف و ملل و شعوب و قبائل  
 و ادیان و مذاهب در ظل کلمه وحدانیت  
 وارد و در نهایت ائتلاف مجتمع  
 و متحد و متفقند  
 ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ نامه در خصوص تعالیم حضرت بهاء الله چندی ﴾  
 ( پیش در زمان حرب مرقوم گردید )  
 ( مناسب دانست که ضم باین )  
 ( نامه گردد )

مَعَالِمْ

ای اهل عالم طلوع شمس حقیقت محض نورانیت عالم است  
 و ظهور رحمانیت در انجمن بنی آدم نتیجه و ثمر مشکور  
 و سنوحات مقدسه هر فیض موفور \* رحمت صرف است  
 و موهبت بخت و نورانیت جهان و جهانیان ائتلاف \* و التیام است  
 و محبت و ارتباط \* بلکه رحمانیت و یکانگی و ازاله یکانگی  
 و وحدت با جمیع من علی الارض در نهایت آزادی و فرزاندگی  
 جمال مبارک میفرماید همه باریکدارید و برک یکشا خسار \*

عالم وجود را بیک شجر و جمیع نفوس بمنزله اوراق و ازهار و اثمار  
 تشبیه فرمودند لهذا باید جمیع شاخه و برگ و شکوفه و ثمر در نهایت  
 طراوت باشند \* و حصول این لطافت و حلاوت منوط بارتباط  
 و الفت است \* پس باید یکدیگر را در نهایت قوت نگهداری  
 نمایند و حیات جاودانی طلبند \* پس احبای الهی باید در عالم وجود  
 رحمت رب و دود کردند و موهبت ملیک غیب و شهود \* نظر را  
 پاک نمایند و نوع بشر را برگ و شکوفه و ثمر شجر ایجاد مشاهده  
 کنند \* همیشه باین فکر باشند که خیری بنفسی رسانند و محبت  
 و رعایتی و مودت و اعانتی بنفسی نمایند \* دشمنی نبینند و بدخواهی  
 نشمرند \* جمیع من علی الارض را دوست انکارند \* و اغیار را  
 یاردانند و بیکانه را آشنا شمردند و بقیدی مقید نباشند بلکه از هر  
 بندی آزاد کردند \* الیوم مقرب در گاه کبر یا نفسی است که جام  
 وفا بخشد و اعدا را در عطا مبذول دارد حتی ستمگر بیچاره را  
 دستگیر شود \* و هر خصم لدود را یار و دود \* اینست و صایای  
 جمال مبارک \* اینست نصایح اسم اعظم \* ای یاران عزیز جهان  
 در جنک وجدالست و نوع انسان در نهایت خصومت و وبال \*  
 ظلمت جفا احاطه نموده و نورانیت وفا پنهان گشته \* جمیع ملل  
 و اقوام عالم چنک تیز نموده \* و بایکدیگر جنک و ستیز مینمایند  
 بنیان بشر است که زیر و زبر است \* هزاران خانمانست که بیسر  
 و سامانست \* در هر سالی هزاران هزار نفوس در میدان

حرب وجدال آغشته بخاک و خونست \* و خیمه سعادت و حیات  
 منکوس و سرنکون \* سروران سرداری نمایند و بخونریزی  
 افتخار کنند و بفتنه انگیزی مباحات نمایند \* یکی گوید که من  
 شمشیر بر رقاب امتی آختم \* و دیگری گوید مملکتی با خاک  
 یکسان ساختم \* و یکی گوید من بنیاد دولتی بر انداختم \* اینست  
 مدار غر و مباحات بین نوع بشر \* در جمیع جهات دوستی  
 و راستی مدموم و آشتی و حق پرستی مقدوح \* منادی صلح  
 و صلاح و محبت و سلام آیین جمال مبارکست که در قطب امکان  
 خیمه زده و اقوام را دعوت مینماید \* پس ای یاران الهی قدر  
 این آئین نازنین بدانید \* و بموجب آن حرکت و سلوک فرمائید  
 و سبیل مستقیم و منهج قویم پیمائید و بخلق بنمائید \* آهنگ  
 ملکوت بلند کنید و تعالیم و وصایای رب و دود منتشر نمائید  
 تا جهان جهان دیگر شود \* و عالم ظلمانی منور گردد \* و جسد  
 مرده خلق حیات تازه جوید \* هر نفسی بنفس رحمانی حیات  
 ابدیه طلبد \* این زندگانی عالم فانی در اندک زمانی منتهی  
 گردد \* و این عزت و ثروت و راحت و خوشی خاکدانی عنقریب  
 زائل و فانی شود \* خلق را بخدا بخوانید و نفوس را بروش و سلوک  
 ملا اعلی دعوت کنید \* یتیمان را پدر مهربان گردید و بیچارگان را  
 ماحباً و پناه شوید \* فقیران را کنز غنا گردید و مریضان را  
 درمان و شفا \* معین هر مظلومی باشید و مجیر هر محروم \*

در فکر آن باشید که خدمت بهر نفسی از نوع بشر نمائید  
 و با عراض و انکار و استکبار و ظلم و عدوان اهمیت ندهید و اعتنا  
 نکنید \* بالعکس معامله نمائید \* و بحقیقت مهربان باشید  
 نه بظاهر و صورت \* هر نفسی از احبای الهی باید فکر را در این  
 حصر نماید که رحمت پروردگار باشد \* و موهبت آمر زکار \* بهر  
 نفسی برسد خیری بنماید \* و نفعی برساند و سبب تحسین  
 اخلاق گردد و تعدیل افکار \* تا نور هدایت تابد  
 و موهبت حضرت رحمانی احاطه نماید \* محبت  
 نور است در هر خانه بتابد \* و عداوت  
 ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید  
 ای احبای الهی همتی بنمائید که  
 این ظلمت بکلی زائل گردد  
 تا سرّ پنهان آشکار شود  
 و حقائق اشياء  
 مشهود و عیان  
 گردد  
 ﴿ ع ع ﴾



مُخْتَصِرٌ وَقَعْرٌ مَوْلَانِ شَهِيدَانِ

اَسْرَارُكَ وَأَصْنَعُهَا

مَوْلَانِ

در این عصر انوار که قرن حضرت پروردگار است \* و از پرتو  
شمس حقیقت انوار مدنیت در جمیع آفاق در انتشار \* و کمالات  
انسانی و فضائل رحمانی مانند بارقه صبح در شرق و غرب بقسمی  
منتشر که درندگی و خونخواری کی در بین بشر از عوائد متروکه  
کشته \* بلکه در ممالک متمدنه بکلی فراموش شده \* تعرضات  
مذهبی بکلی زائل \* و تعصبات جاهلیه باطل گردیده \* در بین  
شعوب و قبائل غیر از محاربات دولیه \* و افکار سیاسیه منازعه  
و معارضه و مضاربه بی باقی مانده \* جمیع اُمم و ملل در مهد امن  
و امان مستریح \* و کافه طوائف از شر ستمکاران امین و در حصن  
حصین \*

در ایران چون ندای الهی بلند شد \* و صبح نورانی دمید



و شمس حقیقت درخشید نفوسی از اسفل درکات جهل نجات یافته  
 بأعلی درجات انسانی فائز گشتند \* و مرکز سنوحات رحمانی شدند  
 روح مجسم گشتند \* و عدل مصور گردیدند \* و بأخلاق روحانی  
 و فضائل آسمانی در جهان انسانی جلوه نمودند \*

و اما پیروان مذهب قدیم که بر تعالیم و تقالید عتیقه باقی و برقرار  
 ماندند روز بروز بر جهل و نادانی افزودند بقسمیکه کرکان درنده  
 گشتند و کلاب کزنده شدند \* در خونخوارگی از سباع ضاریه و ذئاب  
 کاسره کوی سبقت ربودند \* و بنای تعرض باین نفوس مبارکه  
 گذاشتند هر روز فتنه بی برپا نمودند \* و هر ساعت ستمی آغاز  
 کردند \* هر وقتی آتش فساد بر افروختند \* و پا کابرا بنار حقد  
 و حسد بسوختند \* سرها بنیزه نمودند \* و با اطفال ستیزه کردند  
 مال و منال تالان نمودند \* و خانه و کاشانه تاراج کردند \* اطفال  
 و نسوان از وطن اخراج نمودند \* عزیزان ذلیل گشتند امیران  
 فقیر شدند نازیبان اسپر گشتند \*

از جمله واقعه جدیده یزد و اصفهان است \* که تازه رخ داده  
 و دها آزرده و آشفته گشته \* جمیع اهل انصاف از استماعش  
 خون کریستند \* و کریبان دریدند \* با وجود آنکه بهائیان  
 شجاعند و دلیر \* و هر یک در میدان حرب و ضرب مقاوم جم غفیر  
 و چون بچنگ بر خیزند صولتی انکیزند که صفوف اعدارا  
 فوراً درم شکنند \* زیرا تجربه شده که در شجاعت مثل و مانند

ندارند \* ولی چون بامر مبرم الهی مأمور بصلح عمومی هستند  
 و مکلف بمظلومیت کبری لهذا اگر ستمکاری دست تطاول بکشاید  
 و مانند کرک تیز چنک هجوم نماید احبای الهی مانند اغنام تسلیم  
 شوند \* ابداً مقاومت نمایند \* بلکه تیغ و شمشیر را بشهد  
 و شیر مقابله نمایند \* زخم بجگر گاه خورند \* دست قاتل را  
 بیوسند \* و در سبیل الهی جانفشانی نمایند \* از برای ستمکار  
 استغفار کنند \* و طلب عفو از پروردگار نمایند \*

این روش وسلوک سبب کشته که آن حیوانهای درنده  
 و مار و عقرب ازنده روز بروز بر جسارت افزودند و بخون  
 مظلومان دست خویش آلودند و راه جفا پیمودند \* و ابداً رحم  
 نمودند \* این واقعه جدید و ظلم شدید بر وقوعات سابقه  
 بیفزود و مصائب و بلاهای قدیمه را محو نمود \*

مخمسر اینست که چون در این ایام علمای شیعه یعنی مذهب  
 قدیم در ایران ملاحظه نمودند که ندای الهی بلند شد \* و شرق  
 و غرب بحرکت آمد \* انوار شمس حقیقت چنان سطوع نمود  
 که چشمها روشن شد \* رایث امر الله مرتفع گردید \* نفوس  
 فوج فوج در ظل کلمه الله در آیند و شیعیان بهائیان کردند حتی  
 اسرائیلیان چنان شور و وهی یافتند که عنقریب نفسی از ایشان  
 در ایران باقی نماند مگر آنکه مهتدی بهدایت کبری کرد \*  
 و همچنین فارسیان که ملت قدیمه ایرانند و منکر جمیع انبیاء

از ابراهیم و موسی \* و همچنین منکر حضرت مسیح و حضرت رسول الله بودند \* حال اکثر مقرر و معترف بجمع کتب و رسل و انبیای الهی گشتند و در نهایت صدق و صفا از زمره بهائیان شدند \*

خلاصه این قضیه بسیار سبب حقد و حسد علمای سوء شده بقسمیکه صبر و تحمل بر باد رفته \* در هر نفسی آتشی افروزند و فتنه بر پا نمایند \* و با انواع وسائل جهله قوم و هزله و رزله پرلومرا بر ریختن خون مظلومان تشویق و اجبار نمایند \* یکی از آن علماء سوء شخصی موجود در اصفهان (نجفی)

و پدرش چون بخون حضرت سلطان الشهداء و محبوب الشهداء دست بیالود حضرت بهاء الله پدر را ذئب و پسر را ابن ذئب لقب فرمود هر کس متحیر بود که حکمت این لقب چه چیز است و چه خواهد کرد تا آنکه در این ایام ظاهر شد \* بدایت این فتنه از جهلای امت و علمای سوء در ایران در ولایت رشت در ماه مارث (سنه ۱۹۰۳) که مطابق ماه محرم (سنه ۱۳۲۱) واقع بر پا گشت اول علمای جهلا عوام خلق را از اراذل و اوباش تشویق بر تالان و تاراج اجباب کردند و تحریض بر اذیت و جفا \* اشرا را بطمع غارت اموال مانند کرک بر اغنام الهی هجوم نمودند \* و یکنفر از اجبای الهی را که تازه فوت نموده از زیر خاک بیرون آوردند \* قطعه قطعه کرده آتش زدند \* و حال آنکه انمظلوم با جمیع خلق در مدت

حیات بویفا و ملاطفت کبری سلوک می نمود \* و جمیع اهالی مملکت  
 حتی اعداء و نفس علمای جهلا بر حسن اخلاق و اطوار و امانت  
 و محبت آن بزرگوار شهادت میدادند و میگفتند که این شخص  
 بزرگوار است و خوش رفتار و وفادار \* و بی بهائیت و جرمش  
 این بود که بهائی \* یعنی زمینی بود آسمانی کشت \* جسمانی بود  
 روحانی شد \* ناسوتی بود لاهوتی گردید \* سبحان الله چه قدر  
 عجیب است که قرآن را تلاوت مینمایند و وصایا و نصایح الهی را  
 می شنوند با وجود این درنده و خونخوارند \* و این سبعیت را  
 از لوازم شریعت غرامی شمردند و اسلام را در نظر جمیع ملل ردیل  
 و رسوا مینمایند \* باری حکومت عادلۀ پادشاه ایران هر چند  
 خواست هزله رذله را از اذیت و جفا منع نماید چاره نتوانست  
 اموال بهائیان را نهب و غارت نمودند و احباب را سخت اذیت  
 کردند \* این سبب شد که در سائر بلاد ایران علمای ملت  
 نیز بتحریر و تشویق جهال پرداختند \*

از آنجمله ابن ذئب در اصفهان \* این شخص با وجود آنکه مبلغ  
 موفقوری بانواع وسائل جمع نموده و کل را از دست ابناء ملت  
 ربوده و منهمک در جمیع شهوات است \* و کل شهادت سوء نیت  
 او میدهند مع ذلك جهله عوام پیروی کنند و محض غارت اموال  
 احبامتابع او نمایند و دست تطاول کشایند و قوت بازو بیازمایند  
 این شخص چون علو امر الله و ارتقاع کلمه الله را مشاهده نمود

آتش حسد و بغضا در سینه اش شعله شدید زد \* و علم فساد بلند  
 نمود \* بعناد بر خواست \* و بتدبیر بتشویش افکار و تخدیش  
 اذهان پرداخت \* تلغرافی بنام حضرت صدراعظم ایران ترتیب  
 داد \* و بقدر چهارصد نسخه در نصف شب بر جمیع دیوارهای  
 شهر بواسطه نفوسی از معتمدین خویش بچسپانید \* مضمون  
 تلغراف اینکه شیخ تقی که حجة الاسلام است باید محافظت دین  
 نماید \* این تلغراف صرف تصنع و افترا بود \* ولی چون صبح  
 دمید و هر کس از اراذل و اوباش این تلغراف را بدید و یا بشنید  
 بهیجان آمد \* کل رو بخانه شیخ تقی نهادند او نیز فوراً بفتوای قتل  
 مظلومان زبان گشود \* معلوم است در چنین حالتی و چنین هیجانی  
 مقتدای عوام چنین فتوایی دهد چه فساد و فتنه برپا شود \* این  
 گروه درنده هجوم بر دکانهها و خانههای احباب نمودند و بیغما و تاراج  
 پرداختند و احبای الهی چون بدون اجازه دولت و اطلاع حکومت  
 مدافعه را حرام دانستند \* لهذا چاره جز مراجعت بحکومت  
 ندیدند \* و چون حکومت را نظر بحکمتی و مقصدی در محافظه سست  
 مشاهده کردند خواستند نفوس پراکنده در شهر در محلی  
 اجتماع کنند و رأی زنند \* چون محل امنی بجهت مشورت  
 نیافتند لهذا در قونسوخانه دولت روس اجتماع کردند \* زیرا  
 در محل دیگر ممکن نبود در آنجاشب را تا الی صباح بمناجات  
 پرداختند و نعره یا بهاء الاهی بلند نمودند و بحکومت متصل

مراجعت کردند \* تا دفع عائله نماید و مظلومانرا محافظه کند \*  
 حکومت از شیخ تقی استفسار نمود که این چه بلواست و این  
 چه تلغراف و از کجا \* شیخ تقی بکلی تلغراف را از کار نمود که  
 بهیچ وجه از تلغراف خبر ندارم و بخانه قونسل آمد و در خارج  
 منبر نهاد و عموم عوام را که بجهت اذیت و قتل احبا جمع شده  
 بودند بظاهر نصیحت کرد و متفرق نمود \* و حکومت تحریری  
 با حبا مرقوم نمود که اسوده باشید و مستریح \* این غائله بر طرف شد  
 و این جمعیت متفرق گشت \* هر نفسی بخانه خویش رود و بتدارک  
 امور خود پردازد و بکار خود مشغول شود و دعا بأعلی حضرت  
 شهریار ایران نماید زیرا من بعد کسی بشما تعرضی نماید \* تحریر  
 حکومت را در قونسل خانه ضبط و ثبت شد و احبا از آن محل  
 بیرون آمدند و درو بمحلات خویش نهادند \* اما شیخ تقی در باطن  
 بمتمدین خویش تلقین نموده بود چون احبا از خانه قونسل  
 بیرون آیند و در شهر متفرق شوند عوامرا تشویق کنند که  
 بضرب و قتل پردازند \* لهدایاران الهی چون از خانه قونسل  
 به لانه و کاشانه خویش توجه نمودند \* در کوچه و بازار گروه  
 ستمکار مانند کُرک خونخوار هجوم کردند و هر کس را بدست  
 آورده زدند \* سر و دست شکستند و بمنتهای اذیت پرداختند  
 قریب هفتاد نفر جریح و معدودی شهید شدند \*

از جمله شهداء جناب سید ابو القاسم مارنونی بود \* این

سید حضور قریب هشتاد سال معمر بود \* و در مدت حیات  
 در آن اقلیم زهد و ورع و علم و فضل مشتهر گشت \* نور مجسم بود  
 و روح مصور \* حتی اعداء شاهد تقدیس و تنزیه او بودند و گواه  
 کرم و ایثار و انفاق او که هر فقیر را دستگیر بود و هر مستجیر را  
 معین و مجیر \* در میان کل مسلم القول و مسموع الکلمه و مطاع  
 بود \* در ایام اخیر چون به بهائی شپیر شد لهذا قوم عنود و حسود  
 جمود بر سر او هجوم نمودند \* و خود می گفتند چون بر سر او هجوم  
 نمودیم فریاد بر آورد ( انا لله وانا الیه راجعون و یا بهاء الابهی )  
 و در دم تسلیم روح بصوت جهور در کمال فرح و سرور این ایه را  
 تلاوت نمود \* لا ضیر انا الی ربنا لمنقابون \* با وجود آنکه  
 ستمکاران مانند سباع ضاریه بران مظلوم بیچاره باسنگ و چوب  
 و تیشه و ساطور هجوم نمودند \* یک تن فرید و وحید در زیر سلاح  
 آن قوم عنید افتاده \* و هر کس یک زخمی میزد و لغتی از لسان  
 میگفت \* آن بزرگوار در کمال وقار متوجه بملکوت انوار بود  
 یقسمیکه گویا احساس زخم و ضرب نمی نمود \* و مشاهده ابواب  
 مفتوحه ملاً اعلی میفرمود \* در کمال بشاشت و فرح و مسرت  
 جان فدای جانان کرد \* یا لیت کنت معه قافوز فوزاً عظیماً \*  
 باری حکومت چون شدت خصومت ان کرکان درنده دیدگاه  
 حضرت نواب اشرف و الا دام اقباله چاره جز حبس و ضبط پیران  
 الهی نیافت \* لهذا جمعی را در حبس محافظه کرد \* ملاحظه نمائید

که چه ولوله و زلزله بود که حبس حصن حصین گشت و زندان  
 ایوان امین شد • همین قدر کفایت است دیگر بیان نخواهد  
 در اصفهان عربده این ضوضاء و غوغاء در وقتیکه بفلک اثر  
 میرسید سید ابراهیم نامی پسر امام جمعه یزد که از کربلای معلای  
 و نجف اشرف مراجعت می نمود و در آن عتبات عالیه از سید کاظم  
 یزدی رئیس قوم فتوی و اجازه بر میختن خون مظلومان گرفته بود  
 وارد اصفهان شد • و در آنجا فوران آتش ظلم و عدوان را مشاهده  
 کرد و تلغراف کذب و تزویر را قرائت نمود • و هجوم عموم را  
 دید • مصمم بر آن شد که بحرکت سریع عزم یزد نماید و از شیخ  
 تقی دستور العمل مکمل گرفته تا محضر ورود بانچه اسباب ویرانی  
 بنیان احبای الهیست تشبث نماید • بعد عزم رحیل کرد و وارد  
 شهر یزد گردید • این شخص عنود ملاحظه نمود که حکومت  
 تمکین این اهانت نماید • و این ظلم و عدوان را بنی و طغیان شمرد  
 زیرا سبب ویرانی ایرانست و بدنامی ایرانیان • لهذا بنهایت تدبیر  
 و تزویر پرداخت و از قضا در یوم مولود حضرت رسول علیه  
 السلام وارد آن شهر گردید و مردم شهر بیدیدن آمدند • در مجلس  
 حکایت شرارت اهل اصفهان را آغاز نمود که چنین جرئت  
 و جسارت نمودند و بر قلع وقع بهائیان قیام کردند و بهنهب و غارت  
 پرداختند و اموال تالان و تاراج کردند • و در ضمن محض کذب  
 و افترا اشاره می نمود که معاذ الله حکومت عادلانه نیز مسامحه



می نماید و باین تعدیات و تجاوزات راضی • و حال آنکه اعلی حضرت  
 شهر یاری و حضرت صدارت پناهی جز عدالت و حفظ رعیت  
 نخواهند •

باری این یرحم بقدر امکان بتمجید اهالی اصفهان پرداخت که  
 انانرا حمیت دینیه و غیرت مذهبیہ بران داشت که بنیان بهائیانرا  
 براندازد • جمعی را تشویق و تحریص می نمود و بعضی را بجهت  
 عدم تمکین تهدید میکرد • و هزله و رذله را بتاراج و غارت  
 تطبیع می نمود • لهذا روز سوم و رود آن مردود اراذل و او باش  
 بایلغار و پرخاش قیام نمودند و جم غفیر باتیغ و تیر هجوم بخانه  
 و کاشانه جناب میرزا محمد صینی ساز مینمایند • عیال و اطفال  
 شیرخوار را بضرب چوب و چماق اذیت و آزار می نمایند و آنچه  
 در خانه از ظروف و اوانی بوده شکسته و اموال را تاراج نموده  
 و خانه را ویران نمودند و حاجی مظلومرا بضرب شدید از خانه بیرون  
 آوردند و کشان کشان تا بدکان کبابی رساندند یک شخص ستمکار  
 مانند کلاب هجوم نمود • و بساطور قصاب زخمی شدید بر سر  
 مبارک آنمظلوم زد و زخمی دیگر بر سینه و ضربی دیگر بر پهلو  
 که فراش حکومت رسید و ان مجروح مظلومرا از دست ان  
 ستمکاران بکشید • ولی چون زخم شدید بود و ضربت ضربت  
 شمر و یزید آن ستمدیده قوه حرکت نداشت لهذا فراش کشید  
 تا بحکومت رسید در آنجا بر زمین افتاد •

در این همه و ضوضاء طفلی یازده ساله در مکتب داشت  
اطفال بتحریرك معلم بر آن معصوم مظلوم هجوم نمودند \* ان  
كودك ستمدیده بمعلم پناه برد \* معلم سنكدل تكلیف سب و لعن  
وتبری بآن طفل نمود \* كودك نازنین در نهایت وقار و تمکین  
امتناع از تبری كرد كه من طفلی سبق خوانم \* حقیقت  
امور ندانم چگونه سب بر زبان رانم \* آن معلم بیرحم با كودكان  
مکتب همدستان شد و آتش ظلم و عدوان بر افروخت و بر ستمی  
اقدام كرد كه دلهابكداخت و سرشك از دیده یكانه و آشنا جاری  
كشت ان بیرحم با سائر كودكان با چوپ و قلمتراش و سوزن  
و درفش ان طفل نازنین را چنان عذاب و عقابی نمودند كه قلم  
تحریر نتواند و زبان تقریر نداند و كوشها استماع نتواند و دله  
تصور نخواهد \*

مختصر آن نور دیده شهدا و نورسیده جنت ابهی درس  
صباوت به ثبات و استقامتی جانفشانی نمود و بقربانگاه الهی  
شتافت كه ابطال رجال را متحیر كرد \* نفس معلم و اطفال مکتب  
میکفتند كه در وقتیکه ما بان طفل ضربت میزدیم او فریاد  
یا بهاء الابهی و یا محبوبی الاعلی میزد و ابدافتور نداشت و با کمال  
سرور جان بجانان باخت تاپیش از پدر بزرگوارش برفیق اعلی  
شتافت \* اگر ذره انصاف باشد این ثبوت و استقامت و این  
فرح و مسرت در میدان فداوندای یا بهاء الابهی در شدت باساء

وضراء فوق طاقت بشر است علی الخصوص از طفلی خورد سال  
 سبحان من ثبت قلبه علی حبه فی مشهد الفداء \* سبحان من أنطقه  
 بیا بهاء الأبهی تحت هجوم الاعداء \* سبحان من بشر روحه  
 بالصعود الی الرفیق الأعلى ان هذا من آیات ربه الکبری \*  
 هنوز خون آن طفل نازنین جاری بود که خالوی بزرگوارش را قوم  
 ستمکار بیدترین عذاب و عقاب شهید نمودند و جسد مطهرش را  
 بزخم شدید شرحه شرحه کردند \* آن میروفا در زیر زخم اعدا  
 (رضاء بقضاء الله وفداء لأمره العظیم) میفرمود \* ظالمان اجساد  
 مطهره این پدر پاک کهر و پسر پاک کهر و خالوی طیب طاهر را  
 بافتتاح بیحد و حصر بریسمان بستند و بر زمین میکشانند  
 و سنک می انداختند و بچماق میکوفتند و کف میزدند و شادی  
 میکردند تا آوردند در میدان شهر انداختند \* مادران کودک  
 نازنین چون پسر شهید دید و شوهر را بزخم شدید مقتول یافت  
 و برادر را در خاک و خون غلطیده مشاهده نمود بر مظلومیت  
 آن شهیدان علی الخصوص آن طفل صغیر ناله و زاری آغاز نمود  
 دیگر ملاحظه باید کرد که آن مظلومه آفاق در حالت اسیری  
 در دست اهل نفاق چون آن اجساد مطهره را پاره پاره یافت چه  
 حالتی باو دست داد \* این چنین تیز چنکی و درندگی و خونخواری  
 و ظلم و اعتساف در هیچ تاریخی از قرون اولی و اعصار وسطی  
 از ستمکارترین اشقیای حتی برابره آفریکا شنیده نشد \* شاید قبائل

متوحشه در جنك وجدال وقتى حزبی مقهور و مغلوب شد  
و جمعی قتل و اسیر و مغلوب گشت چون فرصت انتقام از حزب  
غالب یافتند مرتکب چنین اعمال موحشه گشتند \* و این در مقام  
خونخواهی و انتقام واقع گشت و لکن نفوس فرشته سیرت  
و خوش نیت و با امانت و دیانت و پاک فطرت \* با کل مهربان  
و محب عموم انسان و در جمیع اخلاق انسانی حتی نزد دشمنان  
مشهور و مسلم جهان بیجرم و بیگناه از دست اعداء و هجوم  
خصماً ابداً چنین تطاول و اعتسافی ندیدند \* بجمیع تواریخ عالم اگر  
مراجعت شود این ظلم و ستم اعدای الهی بر احبای رحمانی مثل  
و نظیر ندارد \* علی الخصوص که یکنفس از شهداء دست بمدافعه  
نکشود و در حین شهادت کلمه موحشی از لسان نراند \* بلکه  
در نهایت توجه بملأ اعلی و خضوع و خشوع و رقت قلب و بشارت  
روح در حین شهادت بمناجات پرداخت تا آنکه جائزاً در کف  
جانان نهاد \*

سبحان الله حکومت اعلی حضرت شهریار ایران خلد الله ملکه  
در موسم بیضه گذاشتن طیور قدغن شدید فرمودند که صیادی  
بشکار مرغان پردازد و تیری ولو بهوانیندازد \* زیرا این ظلم  
محض است و اعتساف ص ف که در موسم تناسل مرغان  
جوجه های طیور از دست نروند و از صوت تفنک بخوف  
و هراس نیفتند \* حال بهائیان در مملکت از ابناء وطن با وجود عدم

جرم و کناه و روش و سلوک مقبول در گاه کبریا، مورد چنین نقمتی شدند و معرض چنین عداوتی گشتند \* ملاحظه نمائید که حضرت تا جدار چه قدر عادل و مهربان و اهالی از مذهب قدیم چه قدر سنکدل \*

خلاصه آنروز در این قیامت کبری و اشتداد نائرة بغضاء درها و خانها بسوختند و بدرون کاشانهها ریختند \* شکستند و زدند کشتند و غارت کردند \* و خانه هارا ویران نمودند \* و حکومت بقدر امکان حمایت خواست ولی عاجز ماند و از پیش نرفت \* ولی سید ابراهیم معهود امام جمعه رئیس اعداء باجمعی از محرکین فساد بحکومت شتافتند \* و بظاهر اظهار تبری از فتنه و فساد جستند و در باطن اهل فساد و اراذل و اوباش را تحریک شدید کردند و تطمیع بغنائم و تالان و تاراج نمودند \* در روز بعد عوام بی انصاف بتحریک رؤسای اعتساف هجوم شدید تر نمودند و نهب و غارت بیشتر کردند \* و بیدترین عذابشش نفوس مبارک را شهید و اجساد را پاره پاره کردند و در میدان بر اجساد متقطعه شهیدان اسپ تاختند و بضرب سم سمندان تنهای پاره پاره را مضمحل کردند و خاک را بخون مظلومان امیختند \*

سبحان الله هزار سال بود که ملت ایران بالاخص شیعیان در ماتم حضرت سید الشهداء شهید دشت کربلا نوحه و ندبه میگردند و کریه می نمودند \* و چنین و این را بعنان فلك اثیر

میرسانیدند که لشکر یزید پلید بر جسد آن شهید اسپ دو اندند  
 و سمن در اندند و زخم نمودند \* اینست که حضرت مسیح میفرماید  
 پدر های شما انبیای خدا را کشتند و شما قبور شانرا معمور  
 می نمائید و زیارت می نمائید و سجده میکنید و میبوسید \* بعینه  
 این عبارت ماصدق حال ایرانیانست \* نفوسی حضرت امام حسین را  
 بنهایت زجر و قهر شهید نمودند \* و حال اولاد قاتلین ناله و حنین  
 میکنند و قبور شهیدان را تعمیر مینمایند \* اینست مقدار غفلت  
 و نادانی ناس \*

مختصر اینست که اراذل و اوباش اهل یزد روز بروز بر ظلم  
 و اعتساف افزودند و جرئت و جسارت بیشتر نمودند و خبر  
 مختصر رسیده که در روز جمعه عدد نفوس شهیدان از صد  
 متجاوز است \*

مخبر مخصوص در مکتوب مختصر که منتهی حسرت و تأثر مر قوم  
 نموده مینکارد آه آه ثم آه آه جگرها سوزان است و دلها پر  
 آه و فغان \* ضجیح مر تقست و صریخ متصاعد \* دست در وقت  
 نکشتن لرزانست و قلب در نهایت خفقان . و چشم کریان و کوش  
 عاجز از استماع ان ظلم بی پایان \* هر روز قیامت کبری برپاست  
 و هر ساعتی فصیحتی ظاهر و آشکار \*

در شهر یزد قریب پنج هزار خانه احباب موجود دقیقه ای  
 آرام ندارند و راحت ندارند \* نه در شب شام دارند و نه در روز

طعام بلکه از شدت غم و ماتم قطعات کبد خویش خوردند و خون  
 دل خویش نوشند و در هر دم منتظر و مترصد هجوم و قتل  
 و غارت و اسارت اطفال و نساء هستند \* اکثر تشنه و کرسنه  
 و برهنه هستند \* و نساء از شدت احزان پدر و شوهر کشته  
 برادر شهید کشته چنان ماتمی دارند که پرستاری اطفال شیر  
 خوار خویش نرسند

(۱) باری استقامت این نفوس در تحت سیوف جفا و تسلیم  
 و رضا در مقابل الوف از اعداء \* و فرح و شادمانی این حقایق  
 نورانی در قربانگاه رحمانی \* و ثبات نساء مطمئنانه و قوت ایمان اماء  
 مقدسه \* و تحمل قتل و ضرب و نهب و شهادت طفلان و استقامت  
 کودکان برهان اعظم صدق و حقیقت یاران است  
 علی الخصوص که در مقابل این ظلم و عدوان دست بدفاع از تن  
 و جان نکشودند \* بلکه جانفشانی را کامرانی دانستند و قربانی را  
 اعظم موهبت عالم انسانی شمردند \* جام سرشار فدا را مانند صهباء  
 نوشیدند \* و تیغ را جان دریغ نمودند \* حنجر را وقف خنجر  
 کردند \* و لانه و اشیانه را زیر و زبر دیدند \* مال و منال را بتالان  
 و تاراج دادند \* و اطفال و زنان را بی سروسامان گذاشتند \* و در  
 نهایت بشاشت و شادمانی جان را نثار آن دلبر رحمانی نمودند \*

(۱) چاب این لوح مبارک از روی خط نزولی است \* و از این جا  
 تا آیه مبارکه (والمکذوبون فی خسران مبین) بخط مبارک بود

يك حرف و کلمه‌ئی که قاتلان از آن آزرده شوند بر زبان نراندند بلکه شفاعت قاتلان نمودند \* و از حق طلب عفو و مغفرت از برای ستمکاران خواستند \* و اگر دست بدفاع میکشودند يك نفس مقاومت يك فوج میکرد \* چنانچه یکی از احباب از یزد مرقوم نموده بود و عین عبارت درج میشود \* و این است ( خدادست همه را بسته و اذن دفاع نفرموده \* والا احدی قوت جسارت نداشت چون میدانند که از حکم کتاب تجاوز نمی‌شود \* و دست بمدافعه باز نمی‌گردد \* لهذا اعداء با کمال اطمینان بقتل و غارت و سفک دماء طاهره پردازند \* و اگر احتمال مدافعه میرفت رئیس و مرؤس جسارت تنطق و تنفس نداشتند \* آرزوی شهادت در سبیل الهی داریم و بجان و دل طالب و جويا \* ولی اهل و عیال و اطفال را محافظه خواهیم \* اگر حفظ آنها نخواهیم می‌ترسیم که مقصر شویم \* والا جان قابل نیست و لائق فدای سبیل حق نه \* اگر قبول شود زهی سعادت و شرافت \* )

حال اگر این قربانی \* و تاراجی و تالانی \* و بی‌سروسامانی و اسیری نساء و اطفال و جانفشانی بکمال شادمانی \* و همچنین در مشهد فدا فریاد ( یا بهاء الابهی ) و نداء ( یاربى الاعلى ) و صبحه ( لا ضیر انا الی ربنا منقلبون ) و نغمه ( هل من ناظر ینظرنی ) دلیل بر ثبوت و استقامت نه و برهان رسوخ در ایمان نیست و از اعظم



دلائل بر صداقت و روحانیت و محبت این نفوس مقدسه نه پس  
 دلیل ثبوت و استقامت چیست (فتمنوا الموت ان کنتم صادقین)  
 و حال آنکه اگر بخون خویش ترجمهٔ حال خود می نکاشتند  
 البته صفحات او راق آفاق کفای نمینمود و اگر این نفوس تکذیب  
 شوند \* دیگر چگونه ثبوت انبیاء \* و رسوخ اولیاء و استقامت  
 مؤمنین در قرون اولی ثابت میشود \* و حال آنکه اعظم منقبت  
 حضرت پیغمبر علیه السلام ( فاستقم کما أمرت ) بوده \*  
 باری مختصر این است \* که از یزدخبر اخیر که بواسطهٔ  
 حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقا سید مهدی رسیده اینست  
 که عدد شهداء بصد و هفتاد جان پاک رسیده \* و این معلوم است  
 دیگر غیر معلوم را خدا میداند \* و چند هزار خانه و دکان و مغازه  
 تجارت نهب و غارت شده و بسی خانه هارا آتش زده اند \* جمعی  
 از نساء و اطفال بی معین و پرستار مانده اند \* و برهنه و کرسنه  
 و بی سرو سامان کشته اند \* نه پرستاری و نه غمخواری \* نه مونس  
 و نه مهربانی \* بلکه کوی بکوی سرگردانند \* و شب و روز  
 بشکرانهٔ این مصیبت کبری زبان کشایند \* که الحمد لله در  
 سبیل الهی مورد چنین عذاب و عقابی کشتیم و در محبت الله  
 هدف هزار تیر بلا شدیم \* این بود منتهی آرزوی دل و جان و این  
 بود کام دل و راحت روان \* باری این وقوعات معلوم بود که  
 واقع خواهد شد \* و شفاهاً بکرات از عبد البهائشنیده گشت که

در حضور جم غفیر از احباء در سال گذشته صراحة گفت \*  
 که نزد در خطر عظیم است \* دعا کنید دعا کنید و حال ان شاء الله  
 نیز مضمون این فقرات مر قومه از قلم عبد البهاء من بعد تحقق  
 خواهد یافت \* و ظاهر خواهد شد \* و آن اینست

سینکشف القناع باذن الله عن وجه الامر \* ویسطع هذا  
 الشعاع فی آفاق البلاد \* ویعلو معالم الدین \* و تحقق آیات ربکم  
 المجید \* علی الصرح المشید \* ویتزلزل ینیان الشبهات \* وینشق  
 حجاب الظلمات \* وینفلق صبح البینات \* ویشرق بانوار الآیات  
 ملکوت الارض و السموات \* اذاً ترون أعلام الاحزاب  
 منکوسة \* ووجوه الاعداء ممسوخة \* و أحكام رؤساء السوء  
 منسوخة \* و المؤمنون فی فرح عظیم \* و المكذبون فی خسران  
 مبین \*

باری در این روز جمعه صبحی از جمیع محلات بغته  
 یکدفعه و اشریعتا و ادینا و و امدهبا بلند شد \* و هجوم نمودند  
 در آیام سائره روزی چهار پنج نفر شهید نمودند \* روز جمعه  
 عسا کر محافظه را نیز علماء تحریک نمودند تا با جهله عوام  
 همداستان شدند \* و بغارت پرداختند \* و اراذل جمعی از یاران را  
 شهید کردند \* و نساء را بضرب چوب وسیلی و تازیانه کوفتند \*  
 و مبلغی کزاف ازد کاکین و مغازه ها و خانه ها غارت کردند \*  
 بسی اطفال بی پدر شد \* و چه بسیار مادرها و پدرها بی پسر گشت

و بسا خواهرهایی برادر شد \* چه قدر خانه ها خراب شد \* و چه  
 قدر اهل و عیال در بدر کشت \* و یسر و سامان شد \* چه بسیار  
 اغنیا که أفقر فقراء گشتند \* و چه قدر نفوس که در پرند و پرنیان  
 پرورش یافته بر روی خاک سیاه مسکن و ماوی جستند \* و چه  
 قدر جریح زخم دار و بیماری پرستار و بی غمخوار گشتند \* یکی در  
 وقت شهادت ( هل من ناظرین نظرنی ) میگفت و دیگری \* ( هل  
 تنقمون منا الا ان آمنابالله و آیاته میفرمود ) \* و دیگری ( یا حسرة  
 علی العباد ما یأتیهم من رسول الا کانوا به یستهزئون ) میگفت  
 و دیگری ( اشهد ان لا اله الا الله و یا بهاء الابهی ) فریاد بر میاورد  
 و دیگری ( ما بها و خون بهارا یافتیم ) نعره میزد و دیگری قصیده  
 بندگی حضرت ورقارا باواز بلند ترانه مینمود \* و دیگری باوجد  
 و طرب با قاتلها وداع میکرد و خدا حافظ میگفت \* و چون این  
 کلمه از زبان راند یکدفعه بردهنش زدند \* فوراً جان فدا کرد  
 یکی از شهداء در وقت هجوم اعداء فرمود هرگز هیچ پادشاهی  
 باین شکوه و جلال حرکت ننموده \* و دیگری که شخص جوان  
 براندهئی بود فریاد بر آورد \* که امشب عروسی منست \* تا کام  
 دل و راحت جان حاصل آید \*

سبحان الله این چه غفلت است \* که این نطقها که شهداء  
 در حین شهادت کردند قاتلها بعینه همین کلمات را تصنیف ساختند  
 و اطفال در کوچه و بازار میخواندند \* که فلان شخص در فلان

محل چه گفت و بچه نحو شهید کشت \* و فلان جوان بچه آهنک  
 فلان ایها تلاوت نمود \* و چه نوع پاره پاره شد \*

از جمله دوزن مظلومه که بر شهدای خویش در خانه فریاد و ناله  
 مینمودند \* ظالمان بخانه ریختند \* و تا توانستند ان دوستم دیده را  
 زدند و اذیت و جفا کردند \* و از خانه بیرون کشیدند \* و باتیغ  
 و خنجران دو مظلومه را زنده زنده قطعه قطعه نمودند \* چون  
 کار باین درجه رسید حکومت را نیز هجوم عام عاجز و مستأصل  
 نمود \* و از شهر بقلمه رفت \* و محافظه خویش نمود \*

سبحان الله شاطری را گرفتند \* و با ساطور قصابی هیکل  
 مبارکش را پاره پاره نمودند \* و در وقت ضربت باهنک خوشی  
 فریاد مینمود \* و در نهایت بشاشت نطق بکشود \* و گفت  
 ده سال بود که این ارزورا داشتم \* از خدا خواهم که عفو شما نماید  
 و غفران را یکان نماید \* و بکام دل و جان رسید \* زیرا مرا بهمت  
 شما ارزوی دل و جان حاصل کشت \*

باری شهداء تا امروز که خبر دادند در شهر یزدتها متجاوز از صد  
 و پنجاه بودند \* و در اطراف یزد نیز در هر دهی نفوس متعدده  
 شهید گشتند \* هنوز تفصیل نرسیده \* مگر آنکه خبر مختصر  
 تلغراف بطهران رسید که حکومت بسبب هجوم عموم و اجبار  
 اراذل قوم مجبور بران شد که یکی از اجبارا در دهن تویی  
 گذاشت و در هوا کرد \* و دیگری را در میدان سر برید \*

مختصر اینکه زنی را جهله عوام در جوانی مینهند \* و نفت میریزند  
 و آتش می زنند \* و یکنفر از احبارا بدرخت سخت می بندند \*  
 و میخ کوب مینمایند و نفت ریخته درخت و آن شخص را هر دو  
 می سوزند \*

باری از جمله درقراهای یزد در اردکان جناب صدر و جناب  
 معتمد الشریعة و جناب نظام الشریعة و جناب ضیاء الشریعة  
 با اقارب و طائفه و بستگان که از علماء و سادات محترمه بودند \*  
 و جمیع لقب از اعلیحضرت تاجداری داشتند \* با وجود این علماء  
 فتوی بر ریختن خون آن بزرگواران میدهند \* و بتحریر علماء  
 عوام جهلاء باتیر و تفنک و اسلحه جنگ بر آن مظلومان هجوم  
 می نمایند \* با وجودیکه جمعی حاضر داشتند \* و مقاومت را  
 نهایت سهولت میتوانستند \* و اسباب دفاع از هر جهت مهیا بود  
 ولی نظاریانکه میفرماید ( ان تقاتلوا خیر من ان تقتلوا ) تسلیم  
 آن کرکان خونخوار میشوند \* و آنان دست تطاول می کشایند  
 و بزرگترین عذاب هفده نفر را شهیدی نمایند \* از نفوس  
 موجوده یک طفل خورد سال در چاه افتاده او باقی وزنده مانده  
 دیگر کسی نمانده و آن باغ و عمارت را بکلی خراب کردند \* اشجار را  
 کندند \* و آنچه که ممکن بود بردند \* و غارت نمودند و مبلغ کزافی  
 از اموال و ثروت حضرات را بردند \*

باری مجموع شهیدان در اردکان تا بحال نوزده نفر \* و در قریه \*

تفت یست وهشت نفر \* ودرقراهای باقی دیگر هر يك يکي  
دوتا واقع ودرمنشاده نفر \* ودرده بالايك نفر را زنده درتنور  
می افکنند و سوختند \* واز نسوان تا بحال شش نفر شهید شدند  
این مقدار نفوس شهید شده اند \* اما جریح و مضروب بسیار \*  
بآری حضرت مسیح روح العالمین فداه سبیل ملکوت را  
واضحاً بکل نشان دادند \* واقرب طرق را واضح و اشکار  
کردند \* وان صراط مستقیم مشهد فداست \* لهذا نفوس  
مقدسه پیروی ان مطلع انوار نمودند \* از ان راه بملکوت  
اسرار شتافتند \* اینست که حضرت مسیح میفرماید \* (طوبی  
للمطرودين لأجل البر \* لأن لهم ملکوت السموات \* طوبی  
لا تقياء القلوب لأنهم يعاینون رب الجنود \* طوبی لكم اذا عيروكم  
وطردوكم وقالو لكم كلمة سوء) و همچنین در لوح اقدس نازل \*  
( طوبی لراقد انتبه من نسماتی \* طوبی لمیت حی من نفحاتی \*  
طوبی لعین قرت بجمالی \* طوبی لمن سمع نغماتی \* طوبی لخائف  
سرع الی ظل قبایی \* طوبی لمطشان هرع الی کوثر عنایتی \* طوبی  
لجائع هرب عن الهوی لهوائی \* وحضر علی مائدة القدس التي  
نزلتها من سماء فضلی لاصفيائي \* طوبی لجاهل اراد کوثر علمی  
ولذليل تمسك بجبل عزی \* طوبی لغافل توسل بذکری \* طوبی  
لروح بعث من نفحتی \* ودخل ملکوتی \* طوبی لنفس هزتها  
رائحة وصلی \* واجتذبتها الی ملکوت امری \* طوبی لعین رأت

ولاذن سمعت \* ولقلب عرف الرب ذا المجد والملكوت \* وذا  
العظمة والجبروت \* طوبى للفائزين \* طوبى لمن استضاء من شمس  
كلمتى \* طوبى لمن زين رأسه باكليل حبي \* طوبى لمن سمع كروبي  
وقام لنصرتي بين شعبي \* طوبى لمن اطهأن لكلمتى \* طوبى لمن  
فدى بنفسه في سبيلي \* طوبى لمن حمل الشدائد باسمي \* وما منعت  
الدنيا عن الورد في شاطئي \* طوبى لمن دخل ملكوتي وشاهد  
ممالك عزى واقتدارى \* وشرب من بحر يانى وطلع بامرئى \*  
وما سترته في خزائن كلماني \* وطلع من افق المعانى بذكرى وثنائى  
انه منى \* عليه رحمتى ومكرمتى \* وفضلى وعنايتى \*

اين است خونبهاى شهيدان \* اين است منتهى آمال  
مقربان \* واين است حيات ابدى روحانيان \* اين طريق حضرت  
مسيح است \* واين سبيل مظاهر الهى در دور قديم و جديد  
در لوحيكه مخاطبا بذئب پدر شيخ محمد تقى مرقوم فرمودند  
ميفرمايند (هل ظننت انا نخاف من ظلمك \* فاعلم ثم ايقن من  
اول يوم فيه ارتفع صرير القلم الاعلى أنفقنا ارواحنا واجسادنا  
وأبنائنا في سبيل الله العلى العظيم وبذلك نفتخر بين أهل الانشاء  
والملا الأعلى \* شهد بذلك ماورد علينا في هذا الصراط المستقيم  
تالله قد ذابت الاكباد \* وصلبت الاجساد \* وسفكت الدماء \*  
والابصار كانت ناظرة الى أفق عناية ربها الشاهد البصير \* كلما  
زاد البلاء زاد أهل البهائم في جهنم \* قد شهد بصدقهم ما انزله

الرحمن في الفرقان • بقوله ( فتمنوا الموت ان كنتم صادقين )  
 هل الذي حفظ نفسه خلف الاحجاب خير أم الذي انفقها في  
 سبيل الله • انصف ولا تكن من الذين في تيه الكذب من  
 الهاين • قد أخدم كوثر حبة الرحمن على شأن ما منعتهم مدافع  
 العالم ولا سيوف الامم عن التوجه الى بحر عطاء ربهم  
 المشفق الكريم • تالله الحق ما أعجزني البلاء • ولا  
 اضعفني اعراض العلماء • نطقت وأنطق أمام  
 الوجوه • قد فتح باب الفضل • وأتى  
 مشرق العدل بآيات واضحات •  
 وحجج باهرات • من لدى الله  
 المهيمن القيوم •

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

• (أى ثابت بریمان) نامه شمارسید واز مضمون حزن شدید  
 حاصل کردید • زیرا دلالت بر آن مینمود که احزاب الی الآن  
 مانند گردن درنده بجان یکدیگر افتاده و بخونریزی و نهب و غارت  
 مشغول و مألوفند • سبحان الله انسان که باید مصدر سنوحات  
 رحمانیه باشد و سبب آفت و محبت و اتحاد و اتفاق قبائل و شمول  
 گردد • باوجود این بکلی از این فیض موفور منفور و بخصائل



و ردائل حیوانات و حشیه افتخار نماید \* هر که چنک تیزتر دارد  
 افتخار بیشتر نماید \* و سبب این نزاع و جدال و مؤسس این حرب  
 و قتال علماء سواند که در این ایام دو فرقه شدند فرقه‌ئی دولتیان  
 و فرقه‌ئی دیگر ملتیان و حال اینکه در نص قرآن میفرماید ( و ان  
 هذه امةکم امة واحدة و انار بکم فاتقون فتقطعوا امرهم بینهم  
 زبراً کل حزب بما لديهم فرحون ) باری ما الحمد لله از این نزاع  
 و جدال بیزاریم و از اختلاف و اجتناب در کنار \* در حق کل دعا  
 مینمائیم که ای پروردگار این احزاب خونخوار را از درندگی بیزار  
 نما و از خونریزی پشیمان کن \* آسمانی فرما \* ربانی کن \* رحمانی نما  
 تا مانند فرشتگان مظاهر فضائل رحمانیه و مطالع خصائل  
 ربانیه کردند \* اختلاف بگذارند و ائتلاف بجویند \* از جدال  
 و قتال برهند \* و آفت و اتحاد طلبند \* از ظلمات ضلالت نجات  
 یابند و بنور هدایت کبری روشن کردند \* ای خداوند این جمع  
 مستمند را خردمند نما و این دیوانه‌ها را هوشمند کن \* این کارکنان را  
 آهوان بر وحدت نما \* و این خونخواران را خوی فرشتگان بخش  
 ای پروردگار با استعداد و لیاقت معامله مفرما \* الطاف و عنایت  
 مبذول دار \* اگر این وحوش را بحال خویش گذاری ذی روحی  
 از آن اقلیم باقی نماند جمیع راجع بحجیم کردند \* و بعداب الیم افتند  
 پس بفضل و موهبت خویش این نادانان را دانا کن \* و این جمع  
 پریشانرا در ظل عنایت مجتمع فرما \* صلح و صلاح بخش و از سیف

و سلاح بزار نما \* آشتی و دوستی و راستی و حقیقت پرستی عنایت  
 کن تویی مقتدر و توانا \* و تویی عالم و قادر و بینا \* باری جناب  
 خطاط خطای اهل آندیار بی حساب و یشمار فی الحقیقه اهل تبریز  
 مستحق این رستخیز بودند \* زیرا هیکل مبارکرا در آن میدان  
 بردار زدند و هدف هزار کلوله نمودند \* این اضطراب و این  
 عذاب و این عقاب از نتایج آن سیئات است \* حضرت یحیی بن  
 زکریا را یهود سر بریدند بعد از چهل سال خداوند طیطوس رومانیرا  
 برانگیخت و ارض فلسطین بخون مذبحان رنگین کردید \*  
 حال اگر اهل تبریز یکدیگر را خونریز شوند تعجب منماید \*  
 این جزای آن اعمال است ولی با وجود این دل و جان از این شورش  
 و هیجان مستغرق بحر احزان \* و در نهایت تضرع و ابتهال \*  
 از حضرت یزدان میطلبیم که محض فضل این آتش افروخته را  
 خاموش نماید \* و این نزاع و قتال را از میان بردارد \* مجتهد  
 ملحد سمی حسن قتل اخبارا مستحسن شمرد و فتوی داد \* لهذا  
 دولتیان از شامت آن باین ابتلا افتادند و الا آن منافق جمیع یاران  
 الهی را قتل و غارت مینمود با وجود این فتوی البته انهمزام حاصل  
 شود و مغلوبیت رخ دهد \* و اینکه چند نفر از احابا با وجود اینکه  
 بی طرف و با وفا بودند تصادفاً شهید شدند نهایت حسرت و حزن  
 حاصل کردید \* و از پیش مناجاتی در حق دو نفر از ایشان بدرگاه  
 احدیت شد و ارسال کردید \* حال نیز مناجاتی بجهت جناب آغا

علی محمد مرقوم میگردد و ارسال میشود \* شما باید یاران الهی را  
 در این پریشانی تسلی دهید و بفضل و موهبت الهی نوید  
 بخشید \* حال این وقائع تمهید سبیل است تاراهها هموار گردد  
 و احزاب متقاتله در قوت و شدت فتور یابند \* و احبای الهی  
 میدان وسیع حاصل کنند و جولانی بدهند و عوام کالانعام تفهیم  
 شوند \* و رؤسای ملت علما و مجتهدین را ملاحظه نمایند \* که  
 چگونه بدخو و جنگجو و هادم بنیان و بی دین و ایمانند \* محض  
 اوهامی که عزتی یابند \* یا مسند خویش محافظه کنند قوی  
 بخون مسلمانان دهند \* بر فرض که حتمیت این امر در نزد ناس  
 غیر معلوم است با وجود برهان لامع و حجت ساطع چه که  
 اکثر ناس غافل و ذاهلند \* آیا بدینی این علما و ظلم و تعدی این  
 سفها و جرأت و جسارت این بلهائیز مجهول \* با وجود آنکه مانند  
 شمس در قطب سماء واضح و هویدا گردید ( فاعتبروا یا اولی  
 الابصار ) در قرآن عظیم میفرماید ( و ألقینا بينهم العداوة والبغضاء  
 الی یوم القیامة ) پس واضح و مشهود شد که این قتال و نزاع  
 و این جنک و جدال از نتایج غفلت و ضلال است \* شما جمیع یاران  
 الهی را از قبل من تحت ابداع ابهی بانهایت اشتیاق ابلاغ دارید  
 هر چند از این وقائع آنان نیز پریشان شدند \* و یسر و سامان  
 گشتند \* و مورد بلایای ناگهان شدند ولی بالنسبه بدیکران  
 فی الجملة راحت و آسایشی دارند \* و فراغت و کشایشی \* جمیع

این وقوفات مبنی بر حکمتی است و نتایج من بعد ظاهر و اشکار  
 گردد \* لهذا محزون نباشند \* مغموم نگردند \* مأیوس ننشینند  
 بلکه در نهایت فرح و سرور بذر کر رب غفور مشغول شوند \*  
 و بشکرانه موفور پردازند \* و بقدر امکان هدایت نفوس  
 خواهند \* و بنشر آثار مأیوس گردند \* در آیامی که در این سجن  
 اعظم آتش عدوان مشتعل و از هر جهت تضییق حاصل و ستمکاران  
 متعرض و هیئت ظالمة خاسره تفتیش در هر ساعتی بوسیله بی  
 در نهایت ظلم و اعتساف کامل \* با وجود این الحمد لله مادر نهایت  
 سرور بودیم \* و غافل از ظلم اهل غرور \* که الحمد لله در سبیل  
 الهی اسیریم و در محبت حق مستحق اغلال و زنجیر \* جام بلا  
 سرشار است و مصائب و بلیات شدید \* و تعرض هر ولید یزید  
 و اضع و دیدید تا آنکه غمام عدوان زائل و انوار تأیید جمال اُبی  
 ساطع و لأمح گردید \* حال یاران تهریز نیز باید شور انگیز گردند  
 تا جمیع شهادت دهند که این نفوس مقدسه در بلا صفا یا بند و از جفا  
 بوقایم کنند \* عذاب الیم آنانرا جنت نعیم است \* و مصیبت  
 اعظم موهبت رب کریم \* روز حزن شادمانی کنند \* و در یوم  
 فلاکت کامرانی فرمایند

( الهی الهی ) هؤلاء عبادك الاصفیاء و اُحبائك النجباء  
 و ارقاؤك النقباء \* قد وقعوا فی أشد مصیبة و بلاء بما وقع  
 الجدل و القتال بین أهل الضلال فاقتتلوا ذئاب كاسرة \* و وحوش

ضارية \* وكلاب خاسرة وسفكوا الدماء وهتكوا وفتكوا بعضهم  
بعضاً \* وما خافوا الطامة الكبرى \* وما اجتنبوا الرزية العظمى \*  
لاتهم حشرات لا يفلحون \* وضاريات لا يعقلون \* قد اقتتلوا  
كالوحوش \* وأصابوا بعضهم برصاص مرشوش \* وما تنبهوا ان  
ذلك عذاب يلقيهم في الجحيم ويحرمهم من النعيم \* ويذيقهم العذاب  
الاليم \* رب اصلح هؤلاء الخصماء \* واسكن طيش هؤلاء الزنماء \*  
واجعلهم يرجعون الى الوداد \* وينتهون في الظلم والفساد \*  
ويخافون يوم التناد \*

(رب رب) ان عبدك محمد على كان منجذباً الى ملكوتك الجلى \*  
ومشتعلاً بنار محبتك \* مطلعاً بالسر الخفى \* قد أصابه سهم أهل  
الضلال ووقع طريحاً في ميدان القتال \* وما كان له مدخل في  
الجدال \* بل هو برئ من كل نزاع ونزال \* ولكن عندما هجم  
الخيال في النهار والليل ورموا بالرصاص ولات حين مناص \* عند  
ذلك وقع عبدك النبي على الارض طريحاً وقتيل \* رب اجعله  
بفضلك من الشهداء \* وادخله في زمرة النقباء \* واجعله من  
أهل الفداء في سبيلك يا رب الاسماء الحسنى \* رب انه توجه الى  
ملكوت رحمانيتك وتمسك بذيل فردانيتك وتمنى الدخول في  
جنة أحديتك فارزقه لقائك وأفض عليه نور بهائك انك أنت  
الرحمن الرحيم \* انك أنت الفضال الكريم وانك أنت بعبادك

لرؤف لطيف ﴿ ع ع ﴾

# مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای ثابت بر پیمان \* همانست که مرقوم نموده بودی • که  
 یوم ظهور از جهت فیض موفور است \* و از جهت امتحان و افتتان  
 نفوس ییشعور \* ولکن از برای ثابتان میدان جانفشانیست •  
 و قربانگاه رحمانی \* شهادت حضرت یعقوب حضرت یعقوب  
 را باز معتکف یات الحزن کرد و جمیع یارانرا باسف شدید  
 انداخت ولی این شهادت ان جان پاک را عین مسرت بود و فیضی  
 از فیوضات حضرت احدیت \* و البته در کرمانشاهان چنان روح  
 و ریحانی عنقریب احداث نماید \* که حتی اهل عدوان فریاد  
 و فغان برارند • که ای کاش او باش متصدی این ظلم دغراش  
 نمی شدند \* زیرا برعکس نتیجه بخشید کمان میشد سبب  
 نمودت است \* ولی این خون جوشید \* و انجذاب و حرارت  
 حاصل شد • بریدون ان یطفئو نور الله بأفواههم والله یتم نوره  
 وینشر نفعاته • و یعلی ذکره بین العالمین • این شهادت کبری  
 سبب نصرت عظمی است \* ان خون رنگین عاقبت ان مدینه را  
 بهشت برین نماید \* اطبا برآند که قوت خون بسیار است  
 در پای هر شجری ریخته گردد آن درخت تن آور شود •

و شکوفه و ثمر بی حد و حصر دهد \* این تأثیر خون بهائم است  
 دیگر معلوم است که چنین خون مبارک انسانی در پای  
 شجره مبارکه چه قدر سبب قوت و نمو و شکوفه و ثمر گردد \*  
 علی الخصوص که آن جوان نورانی نهایت آرزوی جانفشانی داشت  
 و مادر مهربان با وجود آنکه فرزند جوان را عزیز تر از جان  
 شیرین داشت \* تمنای آن نموده بود که پیراهن آن نازنین را  
 در سبیل الهی آلوده بخون رنگین بیند \* این چه قوتی است  
 و چه جانفشانی \* و چه قربانی و دست افشانی \* و سوف تری  
 الآيات الكبرى تظهر على الملا من هذه الشهادة  
 في ميدان الفداء \* جميع يار انرا دلداری دهید

و به هبت رحمانی نوید بخشید \*

وعليك البهاء الابهي

( عبد البهاء عباس )

مناجات در ذکر شهید قربانگاه عشق \* حضرت میرزا

يعقوب متحده \* عليه بهاء الله الابهي

مَوْلَانَا مُحَمَّدٌ

يا اعلی الاعلی \* ورب الضحیة والفداء فی الملکوت الابهي

قد اقتدی بك عبدك يعقوب \* وسرع الی مشهد الاضحی

بقلب منجذب الى ملكوت لايتناهى \* رب انه تمنى سفك دمه  
 على التراب في يوم الاياب \* وفيضان روحه في ميدان الوفاء \* حتى  
 يحمر الترابه بثاره المهراق بين الملا \* فالجسد طريح على الارض  
 والقاب جريح من الطعن \* والصدر قريح من الرصاص والاعداء  
 يهجمون بكل عتو وغلو على الجسد المطروح على التراب \* لك  
 الحمد يا الهى على ما وفقته على هذه الشهادة الكبرى \* وجعلته آية  
 الفداء في ميدان الوفاء \* حياً بجمالك يا بهاء الابهى \* رب اجعله  
 نجماً بازغا في الافق الاعلى \* وسراجاً ساطعاً في زجاجة البقاء \*  
 وشجرة مباركة في حيز الغبراء \* تتجلى بأزهار موهبتك الكبرى  
 وأثمار سدرة المنتهى \* وافرع السلوة والأصبر على قلب أمه  
 الحنونة التي تمننت شهادة قرّة عينها \* وفلذة كبدها  
 قريحاً جريحاً قتيلاً على التراب في سبيلك يارب  
 الارباب \* انك أنت الكريم \* انك أنت  
 العظيم انك أنت الرحمن الرحيم \*

مَعَالِ اللَّهِ

نامه مفصل شما که بتاریخ غره محرم بود رسید \* از قرائت  
 تأثرات قلبیه حاصل کردید \* البته احبای الهی از واقعه اصفهان  
 بسیار متحسرنند و متأثر لابد قلوب اصفیا از توهین اعدا محزون



کردد \* ولی چون بحقیقت نکری این واقعه اصفهان نیز اعظم  
 دلیل و برهان بر بزرگواری آن نفوس مبارکه و برهان عزت ابدیه  
 برای شهدای سبیل الهی \* ملاحظه نمائید که بعد از شهادت حضرت  
 سید الشهداء روحی له الفداء در ایام امویین آثاری که در قتل گاه  
 بود بکلی محو کردند \* و آن صحرا را شخم زدند و زراعت کردند  
 تا قتل گاه بکلی مفقود شود \* هفتاد سال بر این منوال قتل گاه مفقود  
 الاثر بود \* و امویون نکهبان گذاشتند که مبادا کسی از یک فرسخی  
 بتواند زیارتی نماید \* در این هفتاد سال ابدًا تقرب بقتل گاه ممکن  
 نبود \* اگر نفس متنبهی مؤمن بود از ده فرسخی توجه بقتل گاه  
 میکرد و زیارت مینمود \* و این نیز در نهایت احتیاط \* و همچنین  
 قبر منور حضرت امیر علیه السلام بهمین منوال محو و نابود  
 نمودند \* بعد از آنکه بنی عباس خلافت امویه را محو نمودند و بر  
 سریر سلطنت نشستند اجازت زیارت دادند و در قتل گاه محبان  
 حضرت آثاری بنا کردند که دلالت بر موقعیت آن محل مینمود  
 بعد از مدتی مدیده در زمان متوکل عباسی نیز حکم مبرم صادر  
 که دوباره آن مقامات مقدسه را ویران کنند باز بکلی محو و نابود  
 نمودند و آن صحرا را شخم زدند و زراعت کردند حتی از ده فرسخی  
 نمیکذاشتند کسی نزدیک برود \* تا آنکه حکومت و صدارت  
 و وزارت بدست آل بویه افتاد \* و آل بویه از محبان حضرت سید  
 الشهداء روحی له الفداء بودند و چنان نفوذی و قدرتی حاصل کردند

که از برای خلافت عباسی نفوذی نکذاشتند \* امور جمیعا  
 در دست آل بویه بود \* و خلیفه در قصر خلافت بخود مشغول  
 در زمان آل بویه دوباره تعمیر قتل گاه کردند \* و همچنین مرقد  
 منور حضرت امیر را دفعه ثالث باز انشا نمودند \* حتی عضد الدوله  
 که اعظم رجال آل بویه است سلطنت ایران را تجدید کرد و لقب  
 پادشاهی گرفت \* و در خطبه بعد از خلیفه ذکر پادشاهی عضد  
 الدوله بود \* امروز را ایرانیان در بغداد عید گرفتند که الحمد لله  
 ایرانیان بعد از اضمحلال تام دوباره علم بر افراختند \* و امروز در قصر  
 عضد الدوله خارج بغداد بزم طرب آراستند و با چنگ و چغانه  
 و نغمه و ترانه پاکوبان دست افشان کف زنان روز را بعصر  
 رساندند \* بعضی از حاضرین از وزراء که ایرانی بودند از عضد الدوله  
 خواهش نمودند که امروز روز تجدید سلطنت ایرانست و سزاوار  
 نهایت شادمانی \* الحمد لله بزم طرب از هر جهت برپاست لهذا  
 رجا مینمائیم که اذن و اجازت فرمائید که بر حسب عادت سابق  
 ایرانیان در چنین روز فیروزی صراحی و ساغر بمیان آید \* عضد  
 الدوله گفت که \* ان شرب الراح مقبول بالمطر \* نم نم باران  
 بمیخواران خوش است \* امروز بارانی نیست خواست عذر  
 بخواهد بعد از ساعتی ابری پیدا شد و باران شدید بارید گفتند  
 ایها الملك باران نیز بارید \* قضا و قدر اجرای امر تو نمود \* دیگر  
 مانعی نماند \* خلاصه جشن جدید برخواست و ساغر بدور آمد

در این اثناء جناب عضد الدوله بیمار شد و جمع شدیدی در امعا  
 حاصل گشت \* قریب بصبح از حیات نومید گردید \* سؤال نمودند  
 که ای شخص جلیل چه وصیتی داری بفرما گفت \* ما أغنی  
 عنی مالیه هلك عنی سلطانیه \* چه وصیت کنم هیچ وصیتی  
 ندارم جز يك وصیت وان اینست که مرادراستان حضرت  
 امیر نظیر پاسبان دفن کنید و بر قبر من بنویسید \* و کلهم باسط  
 ذراعیه بالوصید \* حال ملاحظه کن که چه خبر است \* لهذا  
 یقین بدان که آن اجدات مطهره چنان مرتفع گردد که  
 با ایوان کیوان همعنان شود در امر الله نفس خرابی  
 سبب آبادیست و حقیقت ذلت سبب عزت  
 کبری \* بی نام و نشانی نشانه عظمت  
 عظمی \* ذرهم فی خوضهم یلعبون \*  
 وعلیک البهاء الابهی  
 ﴿ ع ع ﴾

مَوْلَانَا مُحَمَّدٌ

ای حزب الله \* نامه بی بامضای شما عموماً واصل گردید  
 عبارت در نهایت ملاحظت و بلاغت و فصاحت و حلوت بود \*  
 از قرائت نهایت مسرت حاصل گردید \* ناطق بر روزه ماه صیام

بود \* خوشا بحال شما که حکم الهی را مجری داشتید و در ایام مبارکه که بصیام قیام نمودید \* زیرا این صیام جسمانی رمزی از صیام روحانیست \* یعنی کف نفس از جمیع شهوات نفسانی و تخلق بأخلاق روحانی و انجذاب بنفحات رحمانی و اشتعال بنار محبت سبحانی \* و همچنین نامه دلیل بر اتحاد و ألقت قلوب بود \* امید از فضل و موهبت رب جلیل در این عصر جدید چنانست که اقلیم غرب شرق شمس حقیقت گردد . و احبای الهی مطالع انوار و مظاهر آثار شوند \* و از شبهات غافلان محفوظ و مصون مانند و ثابت بر عهد و پیمان مانند \* شب و روز بکوشند تا خفتگانرا بیدار کنند و غافلانرا هوشیار نمایند \* محرومانرا محرم را زکنند و بی نوایانرا از فیض ابدی نصیب بخشند \* منادی ملکوت کردند و اهل ناسوت را بجهان لاهوت خوانند \*

ای حزب الله امروز در این جهان هر حزبی در بادیه بی سرگردان و بهوا و هوسی متحرك و بخیال خویش پویان و جویان در بین احزاب عالم این حزب اسم اعظم از هر خیالی فارغ و از هر مقصدی در کنار \* و بنیت خالصه قائم و بتعالیم الهی در نهایت ارزو ساعی و مجاهد تا اینکه روی زمین بهشت برین گردد و جهان ناسوت آئینه ملکوت شود \* جهان جهان دیگر گردد و نوع انسان تربیت و روش و سلوک دیگر یابد \*

ای حزب الهی بعون و عنایت جمال مبارك روحی لاجبانه

الفداء باید روش و سلوکی نماید که مانند القاب از سائر نفوس ممتاز شوید • هر نفسی از شهادت هر شهری که وارد کرده و بخلق و خوی و صدق و وفا و محبت و امانت و دیانت و مهربانی بمعوم عالم انسانی مشار بالبنان گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بهائیت زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی این شخص از خصائص بهائیانست • تا باین مقام نیائید بعهد و پیمان الهی وفا ننموده اید زیرا بنصوص قاطعه از جمیع مامینان و وثیق گرفته که بموجب وصایا و نصائح الهیه و تعالیم ربانیه رفتار نمائیم •

ای حزب الله وقت آنست که آثار و کمالات اسم اعظم در این عصر مکرم ظاهر و اشکار شود تا ثابت و محقق شود که این عصر عصر جمال مبارکست • و این قرن ممتاز از قرون و اعصار ای حزب الله هر نفسی را مشاهده کنید که توجه تام بامر الله دارد و مقصد محصور در نفوذ کلمه الله • شب و روز بنیت خالصه خدمت امر مینماید و ابداً در روش و سلوک رانحه خود خواهی و اثری از غرض شخصی نیست بلکه سرگشته بیابان محبت الله است و سرمست باده معرفت الله • و منهك در نشر نفعات الله و منجذب بآیات ملکوت الله • یقین بدانید که موفق ملکوتی شود و مؤید اسمانی گردد و مانند ستاره صبحگاهی از افق موهبت ابدی بنهایت نورانیت درخشنده و تابنده خواهد

شد \* و اگر بشائبه هوی و هوس و خود پرستی مشوب یقین است  
 که مساعی طاقت بی نتیجه ماند و محروم و مأیوس گردد .  
 ای حزب الله \* الحمد لله جمال مبارك اعناق را از سلاسل  
 و اغلال خلاص نمود و از جمیع قیود رهائی داد و فرمود  
 باریکدارید و برك يكشا خسار \* بعالم انساني مهربانی کنید و بنوع  
 بشر مهر پرور آردید \* بیگانگان را مانند آشنا معامله نمائید و اغیار را  
 بمثابة یار نوازش فرمائید \* دشمن را دوست بینید و اهرمن را  
 ملائکه شمارید \* جفا کار را مانند وفادار بنهایت محبت رفتار کنید  
 و کرکان خونخوار را مانند غزالان ختن و ختامسك معطر  
 بمشام رسانید \* خائفان را ملجأ و پناه آردید و مضطربان را سبب  
 راحت دل و جان \* بی نوا یان را نوا بخشید و فقیران را کز غنا شوید  
 درد مندان را درمان آردید و مریضان را طیب و پرستار \* بصلح  
 و سلام خدمت نمائید و دوستی و راستی و حق پرستی و اشتی در جهان  
 نیستی تأسیس نمائید \*

ای حزب الله همتی بنمائید بلکه این عالم انسانی نورانی گردد \* و این  
 دوده غبر اجنت ابهی شود \* ظلمت احاطه نموده است و خلق  
 و خوی و حشیانه مستولی گردیده \* عالم بشر جو لانهگاه و حشیان  
 درنده گردیده و میدان جاهلان نادان \* نفوس یا کرک خونخوارند  
 و یا حیوان بی ادراك \* یاسم قاتلند و یا گیاه عاقل و باطل مکراندکی  
 از نفوس که فی الحقیقه فی الجملة مقاصد خیریه دارند و در فکر

راحت و آسایش عالم انسانی هستند \* اما شما باید در این مورد  
یعنی خدمهٔ بعالم انسانی جانفشانی کنید و بجانفشانی شادمانی  
و کامرانی نمائید \*

ای حزب الله حضرت اعلیٰ روحی له الفدا جانرا فدا نمود \* و جمال  
مبارک در هر دمی صدجان فدا فرمود \* و تحمل مصائب و شدائد  
شدیده کرد \* حبس و زنجیر شد \* آواره و سرکون دیار بعیده  
گشت \* و عاقبت در سجن اعظم آیام بسر برد \* و همچنین جم  
غفیری از یاران الهی در این سبیل شهد شهادت نوشیدند و جان  
و مال و اهل و عیال کل را فدا و نثار فرمودند \* چه قدر خانمانها که  
ویران گشت \* و چه قدر خاندانها که تاراج و تالان گردید \* چه  
بنیانها که از بنیاد بر افتاد \* و چه قدر قصور معموره که قبور  
مطموره شد \* جمیع بجهت اینکه عالم انسانی نورانی گردد و نادانی  
بدانائی مبدل شود و نفوس بشری رحمانی گردند و نزاع و جدال  
بکلی از بینخ و بنیاد بر افتد و ملکوت صلح بر عموم بشر استیلا  
یابد \* حال شما همت نمائید که این دلبر آمال در انجمن عالم جلوه  
نماید و این موهبت حاصل شود \*

ای حزب الله مبادا خاطری بیازارید و نفسی را محزون کنید  
و در حق شخصی چه یار و چه اغیار چه دوست و چه دشمن زبان  
بطعنه کشائید در حق کل دعا کنید و از برای کل موهبت و غفران  
طلبید \* زهار زهار از اینکه نفسی از دیگری انتقام کشد ولو

دشمن خونخوار باشد \* زنهار زنهار از اینک نفسی خاطری بیازارد  
 و لو بد خواه و بد کردار باشد \* نظر بخلق نمائید توجه بمخالق کنید  
 قوم عنود را ببینید رب الجنود را ملاحظه کنید \* خاک را ببینید  
 پرتو افتاب تابناک ببینید که هر خاک سیاه را روشن و پدیدار کرده  
 ای حزب الله در موارد بلا صبر و سکون و قرار یابید \*  
 هر قدر مصائب شدید شود مضطرب نشوید \* در کمال اطمینان  
 بفضل حضرت یزدان مقاومت طوفان محن و آلام نمائید \*  
 در سال گذشته بعضی از بیوفایان ازیار و اغیار و بیگانه و آشنا  
 بدربار اعلیحضرت پادشاه عثمانیان در حق این اوارکان سعایتی  
 نمودند و افترا و بهتانی زدند که این اوارکان بری از آن مفتریانند \*  
 حکومت بمقتضای مصلحت بتحقیق و تدقیق این مفتریان  
 برخواست و جمعی از مفتشین را باین بلد ارسال فرمود \* دیگر  
 معلوم است که بد خواهان چه میدانی یافتند \* و چه طوفانی  
 بر پا نمودند \* تحریر و تقریر نتوان نمود \* اگر نفسی حاضر بود  
 میدانست که چه قیامتی بر پاشد \* و چه زلزله و مصائبی رخ داد \*  
 با وجود این بانهایت سکون و اطمینان و صبر و قرار متوکلا علی  
 الله رفتار شد بقسمیکه اگر کسی نمیدانست کمان مینمود که در  
 نهایت اسایش و جودان و راحت دل و جان و شادمانی و کامرانی  
 هستیم \* و نوعی واقع گردید که نفس مدعیان و مفتریان در تحقیق  
 و تفتیش با ما مورین سهیم و شریک شدند \* و مدعی و حاکم و شاهد



نفوس واحده گردید \* دیگر معلوم است که چه واقع گشت \*  
 باوجود این انصاف اینست که اعلیحضرت پادشاه عثمانیان اعتنا  
 باین سعایتها و روایتها و حکایتها و مفتریات تا بحال نمودند \* و بعدل  
 و انصاف معامله کردند \* فی الحقیقه هر کس غیر این پادشاه بود  
 این اوارکان را اثری باقی نمیاند \* انصافش اینست نباید از انصاف  
 گذشت \* و امروز در قطعه آسیا فی الحقیقه پادشاه آل عثمان  
 و پادشاه ایران مظفر الدین شاه مثل ومانندی ندارند \* اگر  
 بدانید که فساد دشمنان و فتنه بدخواهان علی الخصوص برادر  
 نامهربان چه در اینجا و چه در ایران بچه درجه است \* و با وجود  
 این فساد و این فتنه این دو پادشاه بسکون و وقار حرکت  
 میفرمایند \* البته یقین مینمایند که هر دو عادلند \* اگر ملوک سلف  
 بودند البته روزی هزار نفر از خلق در ایران تلف میشد \* پس  
 در حق این دو پادشاه دعا کنید و طلب عون و عنایت نمائید  
 و فتح و نصرت جوئید علی الخصوص پادشاه آل عثمان که محض  
 عدالت تا بحال با این اوارکان معامله فرموده است \*

### ﴿ مناجات ﴾

پروردگارا یاران غرب را بنفثات روح القدس مشام معطر  
 فرمودی و افق غرب را بنور هدایت روشن نمودی \* دوران را  
 نزدیک کردی و اغیار را یار مهربان فرمودی \* خفتگان را بیدار  
 کردی و غافلان را هوشیار فرمودی \*

ای پروردگار این دوستان بزرگوار را مؤید و موفق برضای  
 خویش فرما و خیر خواه بیکانه و خویش کن بجهان ملکوت  
 ابدی درار و از فیض لاهوت نصیب بخش \* بهائی حقیقی کن  
 وربانی صمیمی فرما \* از مجاز برهان و در حقیقت مستقر فرما  
 آیات ملکوت کن و کواکب در خشنده در افق ناسوت نما  
 سبب راحت و اسایش عالم انسانی فرما و خادم صلح عمومی کن  
 کل را از باده و صایا و نصائح خویش سرمست کن \* و جمیع را  
 در سبیل تعالیم خود دروش و سلوک عطا بخش \*

ای پروردگار آرزوی این بنده درگاه انست که یاران باختر را  
 ینم دست در اغوش دوستان خاور نموده اند و افراد  
 انسانی بنهایت مهربانی اعضای یک انجمنند و قطرات  
 یک بحر \* طیور یک کاشنند و ائالی یک دریا \*  
 اوراق یک شجرند و انوار یک شمس \* تویی  
 مقتدر و توانا \* و تویی قادر و عزیز

وینا (ع ع)

مَوْلَا لِلَّهِ

الحمد لله الذي ظهرت آياته وبدت بيناته وتمت كلماته وارتفعت  
 راياته وانتشرت نفعاته وانجذبت بها القلوب والارواح واهتزت

بها الافئدة والاشباح وقامت الافراح وتشهق طاووس الفردوس  
 ودلع ديك العرش وصاح وقال \* سبحان المشرق على الآفاق \*  
 سبحان نير طلوع الاشراق \* سبحان من اظهر الوفاق \* سبحان  
 من رفع الشقاق \* سبحان من امتلأ بذكره الصحف والاوراق  
 سبحان من انجذب بظهوره اهل الاشتياق \* سبحان من قرت  
 بجماله أعين العشاق \* سبحان من جرت بحبه السيول من الآفاق  
 سبحان من شق الحجبات السادة على الاحداق \* سبحان من  
 سطع ولاح وأشرق وباح بأنواره الساطعة على الارض والسموات  
 فارتفع التهليل والتكبير بظهوره من الربوات فسمعت الآذان  
 ذلك النداء في شرق الارض وغربها ونادى أهل الوفا لبيك لبيك  
 ياربى الاعلى \* لبيك لبيك يا بهاء الابهى \* لبيك لبيك يارب  
 الآخرة والاولى \* لبيك لبيك يا ذا الآيات الكبرى \* لبيك لبيك  
 يا ذا الاسماء الحسنى \* لبيك لبيك يا ذا المثل الاعلى \* لبيك لبيك  
 أيها الشمس المشرقة في قطب السما \* ربنا اننا سمعنا منادياً ينادى  
 للإيمان أن آمنوا بربكم فآمنوا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا  
 سيئاتنا وتوفنا مع الابرار \* وصل اللهم يا الهى على النقطة الاولى  
 والكلمة العليا والمركز الاعلى وشمس الضحى الساطعة الفجر  
 على كل الارحاء والامحاء \* مظهر نفسك \* ومطلع ارادتك \*  
 ومعدن حكمتك \* ومراكز وحدانيتك \* ومصدر فردانيتك \*  
 ومهبط آياتك \* ومعدن اسرارك \* ومصدر انوارك \* وعلى

الذین اتبعوا وانجذبوا بحبه \* واشتعلوا بنار محبته \* ونادوا باسمه \*  
 واستشهدوا فی سبيله وشربوا من سلسبيله ماتکرر القرون  
 والاعصار وتتابع الاحقاب والادهار \* انک انت الکریم المقتدر  
 العزیز الجبار \*

ای آیت هدی شکر کن خدارا که از ناحیهٔ دهما بمرکز انوار  
 اقبال نمودی \* واز وادی سراب بچشمهٔ عذب فرات و هذا  
 مغتسل بارد و شراب رسیدی \* نور هدایت در افق احدیت  
 دیدی و ندای جانفزای الهی را از وادی ایمن در شجرهٔ مبارکه  
 شنیدی \* شهد محبت الله چشیدی و کأس معرفت الله نوشیدی  
 حال دم انست که همدم بیکانه و آشنا کردی و دمبدم نعرهٔ یا بهاء  
 الابهی براری و لسان بهدایت کبری بکشائی \* کران شنوا نمائی  
 کوران یبنا کنی \* و کنکان کویا نمائی \* افسرده کان بشور و وله  
 اری \* و پڑمرده کان بوجد و طرب افکنی \* غافلان هوشیار کنی  
 خفتکان بیدار نمائی تشنکان سیراب کنی \* و مکشتکان راه  
 هدی نمائی \* محرومان محرم کنی و بی نوایان نوا بخشی \*  
 ان ربك يؤيدك وينصرك وينفث بروح القدس في فمك  
 وينطقك بما يحير العقول من الدلائل والبراهين  
 بسلطان مبین \* و عليك وعلى الاحياء  
 التكبير والبهاء \* والتحية والثناء \*  
 الى ابد الآباد ﴿ ع ع ﴾

# مَعَالِدُ اللَّهِ

اللهم يارب الملكوت المتجلى بالجبروت المقدس عن النعوت  
تعلم وترى تذلل الضعفاء وتقهر السفهاء واضطراب قلوب البلهاء  
وتذبذب الجهلاء \* وقد ظهر برهانك \* وبرز سلطانك وثبتت  
حجتك وتمت كلمتك وترتلت آياتك وشاع ذكرك وعلا أمرك  
وأحاطت الآفاق سطوة قيوميتك وارتعدت فرائص الخلائق  
من قوة ربوبيتك \* وعلت راية ميثاقك في الشرق والغرب  
وخفقت على صروح الشرف والمجد \* وانتشرت نفحاتك في كل  
الاقاليم \* وامتد الصراط المستقيم وشهدت السن الامم بميثاق  
اسمك الاعظم مع ذلك ترى ضعفاء القوم يخوضون في شبهات  
اهل النوم ويتشبهون باذكار او هن من بيت العنكبوت ويهوون  
في وهدة السقوط ويأوون الى حفرة القنوط ويعذرون كل من  
نقض الميثاق وقام على النفاق في صبيحة يوم الفراق واستهون  
العهد وتمهد في المهد وسخر بآيات الميثاق عند أكثر اهل الوفاق  
ثم حرر بقلمه وخطه رسائل الشقاق ونشره في الافاق فلما خابت  
منه الامال افتري على عبدك المنجذب الى الجمال القائم على خدمتك  
في الغدو والاصال \* واظهر سلطانك في كل البلدان ورفع رايات  
سلطنتك في كل الآفاق حتى خابت الاعداء وعميت اعينهم من

شدة البكاء وقالوا كنا نرى بعد صعود نير الملائة الأعلى خود هذا  
 السراج ونضوب هذا البحر الموج وتنكيس هذا العلم المبين  
 وتدمير هذا الركن العظيم فخابت الآمال وقربت لنا الآجال وتقطع  
 منا الأوصال حيث كان هذا الرزء العقيم كأساً من السم النقيع  
 والعلقم المرير فزاد السراج أنواراً واشتدت النار اشتعالاً وزادت  
 الراية ارتفاعاً فشاغ هذا الأمر العظيم وذاع في كل الأقاليم \* ياليت  
 لم يقع الصعود لمليك الوجود فالشمس زادت اشراقاً والنعيم ازداد  
 ارعاداً وابراقاً \* ثم الذي رضى بالنقض وترك الفرض أعلن الخلاف  
 برسائله في الأطراف \* فرح الأعداء وشرح صدور أهل البغضاء  
 فأصبحت أفواههم ضاحكة والسنهم هاتكة وسيوفهم فاتكة  
 فآخذوا تلك الليلة الليلية زينة وأحيوها بالمسرات والبشارات  
 وقالوا قد هدم الركن الشديد وتخلل البنيان المشيد وتزلزل أركان  
 بيت التأييد ووقع الخلاف والبغضاء بين أهل البهاء إلى أمد مديد  
 سيفور مأوهم ويتكدر صفاؤهم وتخمذ نارهم ويطفأ سراجهم  
 فياطيور الليل حيوعلى الغارة الشعواء ظلماً وبهتاناً \* حيوا للباس  
 بعد اليأس فتسعرت نارهم بعد الخمود وارتفع ضجيجهم بعد  
 الصمت والسكوت \* هذا مساعى من خالف العهد ونصرة من  
 استبدل الشهد بيقول الأرض والاعين رأته هذه الأمور  
 والآذان سمعت بهذا النقض الهادم للبيت المعمور \* مع ذلك ترى  
 يا الهى اناساً يرتابون فى هذا الأمر الذى ظهر ظهور الشمس

في اشد الاشراق واطلع به اهل الوفاق وتقرّب به عصابة الشقاق  
 وتتجاهر به ثلة النفاق وشهدت به حتى الاعداء في الافاق \* مع  
 ذلك يقول المرتابون لا يضره النقض والتحريف في الكتاب  
 لانه مذكور في الخطاب \* يا لله ما هذا الظلم العظيم بحرفون كتاب  
 الله ويشهد به الاهل والاخوان مع ذلك يترددون اهل الخصوم  
 ويرتابون مع نص قاطع من الحى القيوم \* اكرانى از ظل امر  
 منحرف شود معدوم صرف بوده وخواهد بود \* فهل من انحراف  
 اعظم من نقض الميثاق وهل من انحراف اكبر من تحريف  
 الكتاب وهل من انحراف اشد من الفساد وهل من انحراف اعظم  
 من الاتحاد مع الاعداء \* وهل من انحراف اشد من امر يبكى  
 الاحباء ويأجج نار الجوى في قلوب الاصفياء ويسرّ افئدة الاعداء  
 وهل من انحراف اكبر من تطبيق اسم مركز الميثاق بالنفى والشيطان  
 وهل من انحراف اشد من هدم البنيان العظيم وهل من انحراف  
 اعظم من هتك حرمة امر الله \* وهل من انحراف اشنع من  
 التذلل عند الخصماء \* هذا ما فعل مركز النقض واشتهر في الافاق  
 ويوجد الآن كتاب باثر من قلم سليل الناقض الاكبر مرقوم  
 فيه بحق مركز العهد فسوف يبعث الله من لا يرحمه \* هل من  
 انحراف اشد من ذلك فانصفوا يا اولى الالباب \* واما الكلمات  
 التى صدرت من قلم النجم الازهر والسراج الانور الشيخ الاجل  
 احمد قد حررنا شرحاً عليها وتركنا نشرها حتى يفسرها السائررون

منهم الناقض المرقوم عند ذلك نأتى بهذا الثعبان المبين \* واما ما  
 هو المزبور في التوراة من امر لوط وصباياه والارتداد هذه اصغاث  
 احلام ما انزل الله بها من سلطان \* تلك اقاويل المؤرخين من اهل  
 الكتاب \* واعلموا ان التوراة ما هو منزل في الالواح على موسى  
 عليه السلام أو ما امر به \* واما القصص فهذا امر تاريخي كتب  
 بعد موسى عليه السلام \* والبرهان على ذلك ان في السفر الاخير  
 كتب الحوادث التي وقعت بعد موسى واخبر عنها \* وهذا دليل  
 واضح ومشهود بأن القصص دوتت بعد موسى عليه السلام  
 فلا اعتماد على تلك الاقوال التي هي القصص والروايات وما انزل  
 الله بها من سلطان لان الكتاب الكريم والخطاب العظيم هو  
 الالواح التي اتى بها موسى عليه السلام من الطور او ما نطق به  
 مخاطباً لبني اسرائيل بنص قاطع من الاحكام \* بناء على ذلك لا  
 تستغربوا من اخبار صدرت من اقلام المؤرخين من بعد موسى  
 لانها ليست من الآيات المحكمات في الزبر والالواح \* واما مسألة  
 لا جبر ولا تفويض اني لعدم المجال وتشتت الاحوال اختصر  
 بعدة كلمات وانها لكافية لاولى العلم من اهل البشارات فاعلم ان  
 القدرة القديمة محرّكة للأفاق ومقلبة للقلوب والابصار \* ومدخل  
 الانسان في الافعال هو الارادة والميلان والقابلية والاستعداد  
 بالبشر والشجر متحركان والمحرك لهاتين الحركتين هو الله ولكن  
 حركة الانسان مباينة لحركة الاشجار لان الحركة الاولى بالاختيار



والارادة والميلان والثانية بالاضطرار وعدم الاختيار \* والمحرك هو  
العزى الجبار \* هذا معنى لاجبر ولا تفويض ولا كره ولا تسليط  
امر بين الامرين واذا أمعنت النظر لرأيت الحركة فى جميع الكائنات  
سواء كان من الشجر والبشر والدواب والاجسام ومحرك الكل  
رب الوجودات انما تختلف حركة الشجر عن حركة البشر لان  
هذه بارادته اذا لاجبر وما ظالمناهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون  
ولا تفويض حيث المحرك هو الله قل كل من عند الله \* وهذا هو  
الامر بين الامرين \* ولنا مثل آخر وهو اذا اشتدت ريح صرصر  
فى البر والبحر ترى الفلك مواجرا الى الشرق والغرب والمحرك لها  
الريح الشديد ولولاها لما تحركت من مقامها أبدا اذا لا تفويض  
ولكن اذا مال الملاح بالسكان الى الشرق فتذهب بقوة الريح  
مشرقة وان اماله الى الغرب تذهب بها الريح مغرّبة كما قال الله  
تعالى وكلا عند هؤلاء وهؤلاء من عطاء ربك وما كان عطاء ربك  
محظورا فثبت ان لاجبر بل بارادة الانسان وميلانه \* هذا مختصر  
الجواب واتأمل من الله ان اجد فرصة كافية بعد ذا \* واثبت لك  
الدلائل والبراهين القاطعة فى هذه المسئلة الغامضة حتى ترى الامر  
بين الامرين واضحا مشهودا كنور المشرقين

الهمى الهمى ايد احبائك المخلصين على الاقتفاء بالنور المبين \*

ووفق عبيدك المقربين على نشر نجاتك بين العالمين حتى يلبثوا  
عن شبهات الناقضين بتبليغ دينك المنير وبتعاليمك واشاعة

آثارك واذاعة بيناتك بين الخافقين \* انك انت  
الكریم الرحیم العزیز الوهاب \* وانك انت  
المقتدر المتعالی القوی المختار ﴿ ع ع ﴾

## مَعَالِدِ اللَّهِ

ای کنیز عزیز الهی \* نامه شما رسید از کلشن معانی رائحه  
معطری استشمام کردید \* در پاریس باید چنان تنزیه و تقدیس ظاهر  
نمود که نفوس را از الایش هوی وهوس بکلی پاک و مطهر کرد  
زیرا در آن مدینه نفوس در نهایت غفلت و منهك در شهوات  
نفس \* اگر قوه ملکوتیه ظاهر گردد البته نفوذ عظیم کنند  
و آن نفوس را بنفثات روح القدس زنده نماید البته بجان بکوشید  
که نفوس میتها را زنده نمائید و کوران را یبنا کنید و کران را  
شنوا نمائید \* هر قوم نموده بودی که افکار فیلسوفی را چگونه  
تطبیق با افکار دیاتی نمائیم بدانکه ناسوت آئینه ملکوتست  
و هر يك با یکدیگر تطبیق تام دارد \* آراء صائبه ناسوتیه که  
از نتایج افکار فلسفه حقیقیه است مطابق آثار ملکوتیه است  
و بهیچوجه من الوجوه اختلافی در میان نیست \* زیرا حقیقت  
اشیا در خزائن ملکوتست چون جلوه بعالم ناسوت نماید اعیان  
و حقایق کائنات تحقق یابد \* اگر چنانچه آراء فلسفیه مطابق آثار

ملکوتیه نباشد یقین است که عین خطاست زیرا بعد از قرون  
واعصار بتدقیق و تحقیق فلاسفه واضح و مشهود شد که بیان  
صریح ملکوتی صحیح و آراء فلسفه سقیم بوده \* چنانکه وقتی  
که قرآن نازل شد بعضی از آیات قرآنیه مخالف آراء فلسفیه بود  
مثل حرکت ارض و سائر کواکب بتمامها و حرکت محوریه شمس  
که صریح قرآنیست فلاسفه انزمان این بیانرا مخالف آراء فلسفیه  
دانستند زیرا در آن زمان قواعد بطلمیوسیه در علوم ریاضیه مسلم  
جمیع آفاق بود و نص صریح قرآن مخالف آن \* بعد از قرون و اعصار  
که فلاسفه ریاضیون تحقیق و تدقیق نمودند و آلات رصدیه  
ایجاد کردند و بواسطه آن آلات اکتشاف حالات و حرکات  
سیارات نمودند واضح و مشهود شد که صریح قرآن حقیقت واقع  
است و آراء فلسفیه انزمان جمیع باطل زیرا اساس قواعد بطلمیوسیه  
در علوم ریاضیه سکون ارض است و حرکت شمس و قرآن تصریح  
بحرکت ارض مینماید و شمس را حرکت محوریه بیان میفرماید  
اگر چنانچه از اسان عربی بهره‌نی داشتی آیات قرآنیه را مینوشتم  
ولکن چون لسان عربی ندانی لهذا مضمون آیات را بیان کردم  
و اما سیارات متعدده و مسافات ما بین آنان که الیوم ریاضین  
اوروپا آنرا تاویل بعالمی که نفس در او زنده است مینمایند این  
تصور صرف است نه تحقق زیرا جمیع سیارات نا متناهیه عوالم  
جسمانیه اند و عالمیکه روح در آن باقی آن جهان روحانیست و عالم

ملکوت است که باقی وابدیست زیرا جمیع اجسام نورانیه که در این  
 اوج نامتناهی موجود کل مرکب از عناصر است \* و هر ترکیبی را  
 تحلیلی در عقب است لهذا از ابدیت محروم و لکن چیز ملکوت  
 چون مجرد و مقدس از ترکیب است لهذا باقی و برقرار \*

و اما قضیه حادثه موت بدانکه روح انسانی مقدس و مجرد است  
 و منزله از دخول و خروج زیرا دخول و خروج و حلول و صعود  
 و نزول و امتزاج از خصائص اجسام است نه ارواح \* لهذا روح  
 انسانی دخول در قالب جسمانی نماید بلکه تعلق باین جسد دارد  
 و موت عبارت از انقطاع آن تعلق است مناش آئینه و افتاب است  
 افتاب در آئینه دخول و خروجی ندارد و حلولی نماید ولی تعلق  
 باین آئینه دارد و در او جلوه نماید \* چون تعلق منقطع گردد آئینه  
 از روشنی و لطافت و جلوه بازماند \* لهذا تعبیر خروج روح  
 از جسد تعبیر مجازیست نه حقیقی \* و این تعلق شاید بتدریج  
 منقطع گردد و شاید فوری باشد \* و اما کولور ک، یانس مکتوبی  
 با و مرقوم شد در جوف است برسانید \* و از خدا

امید وارم که سبب شوی که در شهر

پاریس نور تقدیس جلوه نماید

وعلیک البهاء الابهی

﴿ ع ع ﴾

﴿کرمان﴾

## هو الابهی

ای ثابت بر پیمان نامه شمار سید \* الحمد لله محفوظا موصو ناد رصون  
 حمایت حضرت رحمن بکرمان رسیدی \* وروی نورانی احبای  
 الهی را مشاهده نمودی \* جمهور را سبب فرح و سرور کشتی  
 و خاصان حقرا چون نسیم سحر گاهی نشسته و انتعاش بخشیدی  
 خاک کرمان از قدیم نشسته انکیز است و اهل کرمان پر شور و وله  
 افسرده نیستند \* پژمرده نیستند \* سری پر شور دارند و دلی پر  
 روح و ریحان \* الحمد لله بهمت یاران کلمه الله منتشر و قلوب مستبشر  
 و ارواح منجذب و انظار متوجه بملکوت اسرار \* حضرت  
 نور محمد خان فی الحقیقه آیت رحمن است و سبب هدایت  
 دیگران قلبی سلیم دارد و وجهی بسیم و روحی منجذب بنور  
 مبین از قبل من نهایت محبت و تعلق قلبی بایشان برسانید \*

اما مسأله محفل روحانی در قریه که یاران جمعیتی ندارند  
 تأسیسش لزومی ندارد و از اطراف کرمان در امور باید مراجعت  
 بمحفل روحانی کرمان نمایند \* و اگر در محفل روحانی اکثریت  
 حاضر مذاکره جائز \*

باری مشام مشتاقان از نفحات مسکیه کرمان مطراست  
 و امید چنانست که آن دیار مشکبار گردد و نفوس مبعوث شوند

که آیت رحمت پروردگار و رایت هدایت خداوند یکتا  
 شوند \* بجمیع از قبل من تحت مشتاقانه بر سانید  
 وعلیکم البهاء الابهی \* یش از این نکاشتن  
 ممکن نه بلکه مجال تحریر یک سطر

نیست \* معذور دارید

وعلیکم البهاء الابهی

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

### اصفهان

مَعَالِیْكَ اللَّهُمَّ

ای یاران مهربان صبح است و عبد البها جام صبوحی ازباده  
 محبت الله زده و در نهایت شور و وله است \* لهذا بیاد یاران آن دیار  
 ویلوران آن سر غزار بتحریر این نامه پرداخته \* الحمد لله پر تو  
 شمس حقیقت بجمیع خاور و باختر افتاده \* جهان را منور نموده  
 از جمیع اقالیم فریاد یا بهاء الابهی بلند است \* در روی زمین ندای  
 یا علی الاعلی بفلک اثر میرسد \* نهایت آرزوی یاران جلوه نموده  
 و دلبر آفاق بر شرق و غرب اشراق فرموده \* این است وعدهای  
 جمال موعود و نوازش حضرت مقصود \* ملاحظه نمائید با وجود

آنکه این جنک هو لئناک بنیاد جمیع طوائف برانداخته \* کل امم  
در اضطراب عظیم افتادند و نسبت به پیش‌بی‌سروسامان گشتند  
تزل نمودند و از مقام خود بسقوط و هبوط رسیدند \* مکر این  
نفوس ملتهبه متضرعه که در ظل عنایت جمال مبارک روز بروز  
در صعود و ترقیند \* ولی کل در سقوط و تدلی \* ندای اسم اعظم  
ولوله آفاقست و سطوت امر الله زلزله اهل نفاق \* ذلت الاعناق  
لكلمة الله و خضعت الرقاب لقدرة الله و خشعت الاصوات لنداء  
الله و عنّت الوجوه للرب القيوم \* حال بشکرانه این عنایت جلیله  
ما که بندگان آن آستانیم و خدمه پاسبان باید بتمام جانفشانی  
بکمال حکمت در اعلاء کلمه الله پردازیم و در انتشار آیات الله \*  
احبای نجف آباد را از قبل من تحیت مشتاقانه برسانید \* نفوس  
مبارکه از اول ظهور تا بحال در سبیل الهی در آن مصوره  
جانفشانی نموده‌اند و بجانفشانی شادمانی کرده‌اند و در قربانگاه  
عشق خون خویش را فدا نموده‌اند \* لهذا همواره نظر عنایت  
جمال مبارک شامل و فیوضات حضرت مقصود کامل است \*  
الهی الهی هؤلاء المخلصون خضع بیاب أحديتك \* خضع فی عتبة  
قدسك \* ركع فی ساحة رحمانيتك و سجدوا تذللوا و انكساراً الی  
أفق صمدانیتك \* ینشرون آیاتك و یذیعون أسرارك و یشیعون  
آثارك و یرتلون کلماتك و یقصّون بشاراتك و یشرحون اشاراتك  
ولا یألون جهداً فی خدمتك و لا یفترون فی ذکرك و لا یهنون فی

هوديتك • رب اجعلهم سحبا فائضة وأشعة ساطعة وشهباً نافية  
 وصواعق نافذة رجماً للناكثين وطرذاً للمارقين • واجعلهم آيات  
 الهدى بين الورى وانواراً مشرقة من أفق العلى وكلمات تامات  
 فى الزبر والالواح حائزين أحسن الفضائل • متنفرين من أهل  
 الرذائل • ناطقين بالثناء عليك بين القبائل • فاجعلهم  
 يا الهى هداة خلقك • يهدون الى الرشدين وينادون  
 بالفلاح والنجاح فى تلك الناحية القصوى  
 والعدوة العليا • انك أنت الموفق  
 المؤيد المقتدر العزيز الكريم  
 ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

## مَعْمُولٌ لِلَّهِ

اى منتسبين حضرت زائر • عليكم وعليكن بهاء الله فى الآخرة  
 والاولى • حضرت زائر چون بأرض مقدس رسيد وبزيارت  
 عتبة رحمانيه مشرف كرديد بياد شما افتاد وبالنيابه از شما آن خاك  
 معطر را پوييد وبوسيد ومستدعى شمول عنايت كرديد • البته  
 اين دعا مستجاب كردد واين حاجت روا شود زير اينهايت خلوص  
 اين رجا وطلب فرمود واز عبد البهاء خواهش نكارش اين نامه  
 نموده من فوراً بدون تأمل بتحرير پرداختم وبياد ياران روح وريحان



یا فتم • نہایت ارزوی عبد البہا اینکہ احبای الہی در ہر کشور

مؤید بالطف رب البشر شوند و از نسیم جانپور

طراوت روحانی یابند • ولطافت رحمتی جویند

وباعمال و رفتار موفق بعبودیت عتبہ

سبحانی کردند • وعلیکم وعلیکن

البہاء الایہی ۳۱ دسمبر

﴿ سنة ۱۹۱۹ ﴾

﴿ عبد البہاء عباس ﴾

## هو الحق

ای رب هذه امتك التي آمنت بك وبآياتك وتأجبت في

قلبا قبه من نار محبتك واشرفت في وجهها لمعات نور بشارتك

حتى قامت بكل قوتها على خدمة مشرق الاذكار في

مملكتك • ای رب وفقها فيما تمنى • وأبانها

مآربها وتمعها بأعظم آمالها •

انك أنت المعطي الكريم

﴿ عبد البہاء عباس ﴾

# مَعَالِدِ الْمَوْتِ

ای ز اثر مشکین نفس باید چون مانند نفحات بآندیار سرور  
 نغائی • پیامی از عتبه مقدسه بانان برسان • و مشام مشتاقان را  
 معطر کن و بگو ای عاشقان نسیم اسحار و نفحات از هار از تربت  
 مقدسه بمشامها میرسد و نفوس منجذبه را بحرکت و اهتزاز  
 میآورد • جان میبخشد • روح میپرورد سرور و حبور مبذول  
 میدارد • دیده‌ها را یینا مینماید کوشهارا شنوا کند • الحمد لله  
 شمارا از این بحر نصیبی و از این ابر بهره‌دارید • ای یاران این ندا  
 بکوش جان میرسد نه جسم ناتوان • و این نفحه مشام مشتاقان  
 میپرورد نه مز کومان • هر مز کوم محروم است • طیب مشموم  
 قسمت نفوسی است که مشامی باز دارند • و پروازی

بلند • امیدم چنان است که کل از این موهبت

محفوظ کردند و بنظر عنایت

منظور شوند • و علیکم

البهاء الابهی

۱۳ ع ۲ سنه ۱۳۳۸ ( حیف )

# مِجْرَانِ اللَّهِ

ای مقتبسان نار محبت الله حضرت موسی علیه السلام  
 چون بوادی ایمن شتافت شعله طوردید و لمعه نور مشاهده نمود  
 اقتباس نار محبت الله از شجره مبارکه کرد \* ولی دیگران از این  
 فیض محروم و از این فضل مهجور \* حال الحمد لله بفضل و موهبت  
 الهیه اش موسی نور هدی در شجره حقیقت جمال ابهی جلوه  
 نموده \* جمیع یاران از آن مه تابان اقتباس انوار نموده اند \*  
 چه قدر فرق در میان است سبطیان میگفتند که حضرت  
 موسی مشاهده انوار نمود و بما خبر داد \* حال اهل حقیقت  
 فریادمیزند که نور الهی آفاق را روشن نمود و ندای  
 ربانی از شجره حقیقت بمسامع شرق و غرب  
 رسید \* شکر این فضل نا متناهی  
 نمائید \* و بانچه سزاوار این هدایت  
 کبری است قیام کنید  
 وعلیکم البهاء الابهی  
 \* عبدالبهاء عباس \*

## هو الله

ابتها المحترمة . قد وصل تحريك البديع المعاني اللطيف المباني  
 دال على فرط محبتك لله وانجذابك الى ملكوت الله واهتزازك  
 بنسيم هاب من رياض معرفة الله وغدوت منشرح الصدر عند  
 تلاوتى لتلك العبارات الرائقة التى تحتوى على معان فائقة •  
 وتسألين عن الروح ومراتبه المتعددة • وان القوم ذهبوا انه  
 حقيقة واحدة انما يتعدد باعتبار المراتب والمقامات فان له الترقيات  
 من الحيز الادنى الى الحيز الاعلى كترقى الجماد من حيز الجود الى  
 حيز النمو وترقى النبات من حيز النمو الى حيز الاحساس •  
 ولما يصل الى عالم الانسان يتعين ويتشخص بتعينات كاملة • وأنه  
 عند ما يعتمد بروح القدس يفوز بالحياة الابدية • فهذه المسئلة  
 صحيحة لكن المقصد من الروح الوجود والحياة لان للوجود  
 مفهوم واحد ليس مفهوم متعدد • وان الوجود له مراتب وفى  
 كل مرتبة من المراتب له تعين وتشخص وقابلية خاصة • مثلا  
 عالم الجماد والنبات والحيوان والانسان كله فى حيز الوجود وليست  
 احدى تلك الحقائق محرومة عن ذلك المفهوم ولكن الوجود  
 له ظهور وبروز وشؤون فى كل رتبة من تلك المراتب • فى رتبة  
 الجماد له تعين خاص يمتاز به عن سائر التعينات والتشخصات • ثم فى  
 عالم النبات له شؤون وظهور يختص بالعالم النباتى وتعين وتشخص

خاص به ثم في رتبة الحيوان له شؤون وكالات وتعين وتشخص  
خاص به دون غيره \* وفي رتبة الانسان الوجود له تجل واشراق  
وظهور بأعظم قوة يتصور في عالم الامكان \* فبالجملة ان الوجود  
له مفهوم واحد ولكن له ظهور وبروز وشؤون في جميع المراتب  
والمقامات \*

وأما الارواح فهي حقائق ثابتة لها تشخص وتعين وكمال وشؤون  
خاصة ممتاز بعضها عن البعض وتختلف من حيث ذواتها ومن  
حيث مفاهيمها \* فان الروح الجمادى لا يقاس بالروح النباتى لانه  
قوة نامية \* ثم الروح الحيوانى ايضا حقيقة مشخصة تمتاز عن  
غيرها بجميع شؤونها ومفهومها لانها قوة حساسة متحركة بالارادة  
وأما الروح الانسانى فهو النفس الناطقة أى المدركة لحقائق الاشياء  
وكاشفة لها ومحيطة بها ولها آثار باهرة وانوار ساطعة وقوة نافذة  
وقدرة كاملة تمتاز بجميع شؤونها ومفهومها عن سائر الارواح  
وانها تعتمد بالماء والروح \*

وأما الروح الملكوتى فهو اشراق من انوار شمس الحقيقة وتجل  
من تجليات اللاهوت فى عالم الناسوت وفيض من الفيوضات  
الابدية وله الحياة السرمدية وانه آية من الايات الباهرة وسنوح  
من السنوحات الرحمانية \*

وأما الروح القدس فهو مظهر الاسرار الربانية والحقيقة  
المقدسة النورانية الفائضة بالكمالات الالهية على الارواح الانسانية

وهو نور ساطع لامع على الآفاق كاشف لكل ظلام  
 حادث في حقيقة الامكان محي للارواح مقدس عن  
 الاشباح \* قديم من حيث الهوية \* ابدى من  
 حيث الصفات \* وانى لضيق المجال واشتغال  
 البال التزمت الاختصار \* فعليك  
 بالتعمق في معانيها والاقتراب  
 من انوار مضامينها \*  
 وعليك التحية والثناء  
 ﴿ ع ع ﴾

بواسطة مززين ( الاكودال كوبر )

## هو الله

اي منجذبه ملكوت الله \* نامه مفصل رسيد \* از قرائت  
 نهايت سرور حاصل كرديد \* زيرا دليل بود كه في بحقيقت بلايا برده  
 كه بلاياي سبيل الهى انسانرا سبب تايد است بلکه قوت است  
 ملكوتى وموهبتى است لاهوتى \* اما بالنسبه بضعفاء مؤمنين  
 بلايا امتحان وافتتان است كه بسبب ضعف ايمان و ايقان از بلايا  
 در مقام امتحان شديد افتند \* ولى نفوسيكه ثابت و راسخند آنان را

امتحان اعظم مواهب است ملاحظه نما که تلمیذ کاهل جاهل را  
 امتحان در علوم و فنون بلیه عظمی است \* ولکن تلمیذ زیرک  
 دانارا امتحان در علوم نخر و مسرت بی پایان \* زر مغشوش را  
 امتحان در آتش سبب پروسپاهی ولکن ذهب خالص را شدت  
 شعله آتش اسباب ظهور لطافت و شکفتگی \* پس امتحان  
 ضعفا را بلائیست و محتجبات را سبب خجالت و رسوائی \* مقصود  
 اینست که در سبیل حقیقت هر مشکلی اسانست و هر بلائی  
 موهبت بیمثال \* لهذا باید احبای الهی و امام رحمن از هیچ بلائی  
 فتور نیارند و از هیچ مصیبتی قصور در خدمت جائز ندانند \*  
 جناب دکتر دادلین را از قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دارید  
 و مسیس هاك را نیز تحیت محترمانه تبلیغ کنید \* آنان دو وجود  
 مبارکند و در نزد عبد البها عزیز و محترم \* مر قوم نموده بودید که  
 بعد از رجوع آنچه دیدید و شنیدید مر قوم نمودید و مددغیبی رسید  
 و تعالیم مانند دانه سبز و خرم کردید و شاخ و برگ بروی آنید  
 و شکوفه و ثمر بخشید \* فی الحقیقه چنین است که مر قوم نموده بودید  
 جناب مستر چیس نفس مبارک است و طیب و طاهر \* بخدمت  
 امر مشغول است و منادی حق است \* عنقریب بموفقیت  
 عظمی موفق گردد \*

در خصوص تسلط ارواح شریره سؤال نموده بودید \* ارواح  
 شریره از حیات ابدیه محروم چگونه تأثیر خواهند داشت \* اما

ارواح مقدسه را چون حیات ابدیه محتوم \* لهذا فیوضاتشان  
 در جمیع عوالم الهی موجود \* و وقتیکه شما در اینجا بودید جواب  
 چنین داده شد که ارواح مقدسه را بعد از صعود تأثیرات عظیمه  
 و فیوضات جسمیه محقق و آثار عظیمه در آفاق و انفس مقرر \*  
 و ارواح را بعد از تجرد از اجساد تجسم بجسم عنصری نیست \*  
 آنچه تخیل میشود این اکتشاف خود انسان است که استمداد  
 و استفاضه از ارواح مقدسه نماید \* و چون در انحالت از خود  
 غائب گردد و در بحر توجه مستغرق شود کیفیت روحانی که  
 مقدس از جسم و جسمانیست بنظر او جلوه نماید کمان کند که  
 این جسم است \* مثلاً مانند رؤیاست انسان در عالم رؤیا صور  
 مختلفه مشاهده کند و مکمله نماید و استفاضه کند و در عالم رؤیا  
 کمان کند که آنها هیا کل مجسمه هستند و جلوه جسمانیت  
 و حال آنکه صرف روحانیت \*

خلاصه حقیقت روح از جسم و جسمانیات مقدس و منزله است  
 ولی مانند عالم رؤیا فیوضاتش بصور و اشکال جسمانیست \*  
 بهمچنین در حالت اکتشافیه ارواح را بصور و رسوم جسمانی  
 مشاهده کند \*

خلاصه کلام ارواح مقدسه را نفوذی عظیم و تأثیری شدید  
 است و بقا و تأثیر آنان مشروط بوجود جسمانی و ترکیب عنصری  
 نیست \* ملاحظه نمائید که در وقت خواب جسم انسان و قوای



جسمانی از سمع و بصر و شامه و ذوق و لمس عاری \* یعنی جمیع قوای جسمانی مختل با وجود این حقیقت انسانیه حیات روحانی دارد و قوای روحانی در نهایت نفوذ \* در شرق و غرب اکتشافات عجیبه نماید \* و شاید اموری کشف نماید که بعد از مدت مدیده در عالم جسمانی ظاهر گردد \* پس معلوم شد که حقیقت انسانی را بقا و تأثیر مشروط بقالب جسمانی نیست بلکه این قالب جسمانی آلتیست که روح انسانی پرتوی بر آن افکند مانند آفتاب که چون تجلی بر مرآت نماید روشن شود و چون تعلق آفتاب از مرآت منقطع گردد آئینه تاریک شود \* همچنین چون فیض روح از جسم منقطع گردد آن آلت معطل شود \*

مختصر اینست که انسان عبارت از حقیقت روحانیه است و آن حقیقت نافذ در کل اشیاست \* و آن حقیقت است که اکتشاف اسرار غیبیه نماید \* و آن حقیقت جمیع علوم و صنایع و بدایع و آثار ظاهر کند \* جمیع آنچه از آثار بشریه ملاحظه مینمائی جلوهئی از ادراکات اوست و محیط بر جمیع اشیاست و مدرك جمیع اشیا ملاحظه نمائید که این علوم و فنون و صنایع و بدایع موجوده وقتی هر يك در حیز غیب بوده و مجهول و سر مکنون و غیر معلوم بوده \* روح انسان چون محیط بر جمیع اشیاست اکتشاف ادراك آن نموده \* و از حیز غیب آنرا بعرضه شهود کشیده \* پس ثابت و محقق شد که روح انسانی کاشف اشیا و مدرك اشیا و محیط

براشیاست \*

اما ترقیات روح بعد از صعود بملکوت مجرد از مکان و زمانست  
و ترقیات بعد از صعود ترقیات کمالیست نه مکانی \* مانند ترقی طفل  
از عالم جنینی بعالم رشد و عقل و از عالم نادانی بعالم دانائی و از مقام  
نقص بعالم کمال \* و چون کمالات الهیه نامتناهیست لهذا ترقی  
روح را حدی معلوم نه \*

و اما آنچه که مؤرخین اروپ و آمریکا در حق حضرت محمد  
رسول الله مرقوم نموده اند اکثر افتراست \* ملاحظه نمائید  
شخصی که بعزت صرع مبتلا ممکن است که چنین ملت عظیمهائی  
تأسیس نماید لهذا قول مؤرخین اروپ در حق ان ذات مقدس  
واضح البطلانست \* شما ملاحظه نمائید که آن شخص بزرگوار  
در بادیه عرب میان خیمه نشینان بی خبر تولد یافت و با آنان  
لفت و معاشرت نمود و نشو و نما فرمود و کلمهائی تحصیل معارف  
نکرد \* و بحسب ظاهر از قرائت و کتابت عاری بود \* با وجود  
این چنین ملتی تأسیس نمود و چنین شریعتی گذاشت \* و از مسائل  
علمیه بیاناتی در نهایت بلاغت نمود و چنین قومی را از حیر نادانی  
و توحش باعلی درجه مدنیت و سعادت رساند \* چنانکه در اندلس  
و بغداد علوم و معارف و صنایع و بدایع در ان عصر ترقی فائق نمود  
حال ممکن است که چنین شخص بزرگوار بی مبتلای بصرع باشد  
اما اسم اعظم تأثیراتش در امور جسمانی و روحانی هر دو

اسمی چه فیوضاتی ظاهر و لایح گردد \* از بخل آوارگان  
 و سخاوت دیگران مرقوم فرموده بودید \* فقیر بینوا چه  
 اتفاق نماید \* و محتاج پیش از چه چیز احسان کند \*  
 توانگر اند که خوان نعمت نهند \* و ابواب بخشش  
 بکشایند الحمد لله انجناب بر سفره مهنا و خوان مهیا  
 وارد شدید \* و از جمیع نعماء و آلاء موجوده یافتید \*  
 کرسی در کاشانه ققرا و بی برکی لانه ضعیفان را موش  
 البته نمودید \* دیگر شکایت چرا و روایت از چه رو  
 مکرانکه بگوئیم از عالم قناعت گذشته اید \* و ابواب  
 طلب مزید را کشاده اید \* و از این گذشته مانه مرشدیم  
 نه مستر شده نه مریدیم نه مراد نه مدعی علمیم و نه مدعی  
 کمال \* آوارگانیم بی سروسامان و بی توانیم بی برک  
 و مستمند و پریشان \* نهایت آشفته جمال دلبریم و دلداد  
 کوی مهوشیم \* دردمند طیب الهی هستیم و مستمند  
 توانگر معنوی \* مرغ ضعیفیم لکن گرفتار دام  
 او هستیم پشه حقیریم لکن در پناه سلیمان کشور رحمانی

هستیم \* و از این گذشته چون بازار جوهریان کذری  
 نه تجلی یاقوت رمانی بینی \* و نه جلوه لعل بدخشانی  
 نه اولؤلولا مشاهده کنی و نه در درّی یکتا \* لکن  
 چون بد که خرفیان بکذری امواج خذف بینی  
 که مکشوف موج میزند \* و تلال شیشه بدل ملاحظه  
 نمائی که برق میزند لکن صد هزار بار خذف بدانه  
 گوهری برابری نماید \* تفسیر سور و آیات قرآن  
 مجید را خواهش فرمودید چیز مختصری مرقوم شد  
 لکن چون میدان مقابلیست خوش نداشتیم ارسال  
 نمایم \* لهذا باقی گذاشتم \* و از این گذشته این آیات  
 رنه لاهوتیه و نغمه رحمانیه است \* این طیور بال  
 و پرشکسته را بچه توانائی که در این فضاء وسیع و اوج  
 رفیع پرواز نماید \* مکر (لا یعلم تأویلہ الا الله و الراسخون  
 فی العلم) را ملاحظه فرموده اید \* این عبد خود را تشنه  
 قطره بی از بحر علم مشاهده مینماید و اینکه چیزی  
 مرقوم شد \* نظر بخواش انجناب بود \* خبر پرمسرتی

شنیدم و بسیار مسرور و ممنون گشتم که اراده نموده اید  
 که مجمع دینی در امریکا تشریف ببرید \* و بسط  
 حقیقت دین مبین الهی و حقیقت قرآن عظیم \* و علو  
 منقبت تعالیم الهی را بفرمائید \* این عزم بسیار مقبول  
 و محمود چه که اهالی آن صفحات ابداً از حقائق قرآن  
 و اساس دین مبین \* و شریعت سید ولد عدنان خبری  
 ندارند \* بعضی روایات مفتریه و اوهمات کاذبه  
 شنیده اند \* و باز اکتفا نموده اند بسیار خوبست  
 که از اسرار مصحف کریم و حقائق تعالیم و روش  
 و سلوک و اخلاق و اعمال بزرگان پیشین و قواعد و قوانین  
 و اصول و فروع دین مبین اسلام باخبر شوند و نبوت  
 خاصه سید المرسلین ثابت و محقق گردد \* و فی الحقیقه  
 شما اگر در این امر عظیم و خطب جسیم همتی بفرمائید  
 اجر جزیل و تأیید رب جلیل مقرر و محتوم است \*  
 و چنین امری را مثل شمائی باید اقدام نماید \* چه  
 که سائرین از عهده بر نمی آیند \* از خدا میطلبیم که تأیید

وتوفيق عنایت فرماید \* وخبر و تفصیل را باوضح عبارات مفصلاً بما خبر دهید که سبب سرور و شادمانی وجدانی گردد \* باقی همیشه بر سریر شادمانی مستقر باشید \* والسلام ( مؤرخه ۱۵ ذی القعدة سنة ۱۳۱۰ )

﴿ هو الله ﴾

( ۱ )

﴿ یامن امتحن عبد البهاء ﴾ هل یلیق لمثلک ان یمتحن عبداً خاضعاً خاشعاً لله لا والله ولمرکز الميثاق ان یمتحن أهل الآفاق و لیس لهم ان یجعلوا عقولهم موازین الحق و یزنوا بها أنوار الاشرار \* اما سمعت بان علیاً ﴿ علیه السلام ﴾ کان واقفاً علی شفا جرف هار مرتفع نخاطبه رجل من أهل الاوهام وقال یا ابا الحسن هل تؤمن بصون الله و عونہ و حفظه و کلاته \* فقال نعم هذا حق بمثل ما اتم تنطقون فقال الغافل عن ذکر الله \* یا علی اذا فارم بنفسک من الموقع الرفیع الی أسفل الحضيض حتی او من انک مطمئن النفس محفظ الله و حراسته \* فقال علی ﴿ علیه السلام ﴾ فی الجواب لیس لی ان امتحن الله بل لله

أن يمتحنني وهذا ذنب لا يغفر مني \* إذا فأنته يا أيها  
 الخائض في غمار الامتحان من قوله عليه السلام \* وأنت  
 تمتحن غيرك من لا تحيط به علما \* ثم اعلم بأن التثليث  
 عين التربيع والتربيع عين التثليث وهذا يعرفه من يعلم  
 لحن القول ويطلع بالاسرار المرموزة في سطور الكائنات  
 والرسائل المنزلة من القلم الأعلى \* وتنكشف عن قريب  
 لك ما سألت عنه انكشافا كسطوع الشمس في كبد  
 السماء وتنقلب الامور وتقول سبحان مضحك النفوس  
 من بعد مبكها ومحبي العظم الرميم بعد بليها \* سبحان  
 ميسر المعسور والشارح للصدور عند تفرغ النفوس  
 وحشجة النفوس \* سبحان من أضاء الظلام الديجور  
 بالنور الساطع من أفق رحمة الرب الفيور \* سبحان من  
 رفع الوضيع ووضع الرفيع وأطمس النجوم وجعلها  
 رجوما لأهل الفجور (والبهاء عليك) إذا فافهم هذه  
 الاشارات المصروفة لل عبارات واطمن بذكر ربك  
 في كل الأحوال ولا تمتحن أحدا من بعد هذا فان

الامتحان سنن الرحمن فليس للانسان الا الاذعان

بما نزل في القرآن ولنبلونكم بشي من

الخوف والجوع ونقص من

الاموال والانفس والثمرات

﴿ والبهاء عليك ﴾

﴿ ع ع ﴾

﴿ هو الله ﴾

الحمد لله الذي أنشأ سدرة السينا وعرسها في بحبوحة

الفردوس الأعلى فنشئت ونمت وفرعت وأورقت

وأزهرت وأثمرت وطالت وامتدت في الآفاق واهتزت

لها السبع الطباق \* ﴿ فيا أيها الفروع ﴾ تمسكوا بالدوحة

الكريمة وتشبثوا بذيل الاصل والارومة القديمة

وشمروا عن ساعد الجد في خدمة السدرة القويمة لعمر

الله اني لمضطرب القلب ومضطرم الفؤاد ومنسجم الدمع

تذرف مني العبرات \* وتتصاعد مني الزفرات \* وتشتد علي

الحسرات خوفا من عواقب الفتور حذرا من عقوبات



القصور وانحلال عقد الخريدة الغراء وانتشار اللثالي  
 النوراء عند ذلك يظلم وجه السماء وتستولى الظلمة الدهماء  
 على الخضراء والغبراء \* رب احفظ سدره رحمايتك  
 عن عواصف الخلاف \* وصن دوحه صمدانيتك عن  
 قواصف الشقاق \* واجمع شمل أحتك في ظل  
 كلمة وحدانيتك ولم شعث عبيدك في  
 شجرة فردانيتك \* واجعل الافنان آيات  
 قدس سبوحيتك ورايات عز قدوسيتك  
 انك أنت الكريم العزيز الوهاب

﴿ ع ع ﴾

﴿ هو الله ﴾

﴿ أيها الفرع الكريم من سدره السيئاء ﴾ قد قضت  
 السنون والشهور \* بل مضت الاحقاب والدهور \* ولم  
 يرد بريد السرور \* مصحوبا بتحرير من ذلك الحبيب  
 الشكور \* هل الاقلام جفت \* أم الصحف طويت  
 أم الايدي أخرت بعد ما قدمت \* أم النجوم انتشرت كلا

ان الارض زلزلت \* وان السماء اقلعت \* والامتحانات  
 اشتدت \* وافتانات سنة الشداد تعاقبت \* والجبال نسفت  
 والزوابع اقمعت \* والاشجار انقرت \* وانك انت ايها  
 الفرع الكريم نبت القدم على هذا الصراط المستقيم \*  
 واسلك في هذا المهج القويم \* وتبع في السفر القديم  
 اللوح المحفوظ والرق المنشور كتاب الاقدس والصحف  
 المقدس \* تالله الحق انه لصراط السوي \* والسبيل المستوي  
 ثم انظر الى شرح آياته التي شرحها يد العظمة والاقطار  
 في كتاب عهد الله العزيز الجبار \* من دون حجاب  
 وستار \* لعرك قد تركوا المنصوص \* وهدموا ابنيان  
 المرصوص \* وتمسكوا بالشبهات \* وأهملوا الآيات  
 المحكمات \* واحتجوا بالاوهام \* وغفلوا عن العزيز العلام  
 فسوف تراهم في كرب عظيم ( أي فرع كريم ) وقت  
 آنست که چون سيف شاهر كردي وشهاب ناقب  
 چون علم ميين از نسيم يميين مهب عنايت بمرکت آئي  
 وقت سکوت نيست وزمان سکون نه \* فرصت

اننى تركت راحتي وسكوني وقراري في هذه البقعة النوراء \*  
 وهجرت ذوى القربى وخضت البحار وطويت القفار حال كوني  
 ابيض الشعر منى واشتعل الرأس شيباً لأرفع ضجيجي في المحافل  
 الكبرى والمجامع العظمى في قارة امريكا وأقاليم اوربا وأخاطب  
 الناس بما في ضميري بأعلى الصوت وأقول أيها العقلاء أيها  
 الفضلاء أيها الفلاسفة واساطين الحكمه ان براكين النار من  
 المواد الملتهبة مدفونة تحت اطباق اوربا \* وستنفجر بأذنى شرارة  
 ويجعل عاليها سافلها \* وتتجاوز الى قارات اخرى فيصبح وجه  
 الارض سعيراً وجحيماً والقوم كانوا يسمعون لهذا الخطاب باذن  
 صاغية ويدرجونه في بطون الجرائد ويمدونها خرائد ويذيلون  
 الخطاب بالتقاريظ المعجبة \* ويقولون هذا هو الحق وما بعد الحق  
 الا الضلال والاوراق المطبوعة منشورة في تلك الانحاء وموجودة  
 معنا فأصبح في امريكا بهمة بعض الاغنياء تتشكل محافل عظمى  
 ترويحاً للصالح العمومي ومنعاً للحرب الطاحن والسييل الجارف  
 مع ذلك كان الحرب قدراً مقدوراً \* فوقع ما وقع وأصبحت كل  
 معمورة مطمورة \* كم من مدائن قلبت عاليها سافلها وكم من أطفال  
 يتمت وكم من نساء أيمت وكم من أمهات ارتفع منهن النياح  
 وشققن جيوبهن بقلوب مضطربة ودموع منسجمة \* وكم من  
 آباء أتوا أنين الثكلاء من المساء الى الصباح فظهر ظهور الشمس  
 في رابعة النهار \* وتحقق ما أنبأ به بهاء الله منذ خمسين سنة وفي

الكتب المطبوعة المنتشرة في سائر الديار منذ ثلاثين او خمسة  
وعشرين سنة \* بناء على ذلك نرسل لحضرتكم بعض ما أنبأ به ضمن  
هذا المكتوب لتطلع به وفي كتاب الملوك فيه أنباء أخرى ستطلع  
بها \* وفي ذلك لعبرة لأولى الالباب فانظر الى آثار

رحمة الله \* وعليك التحية والثناء

١٧ تشرين اول سنة ١٩١٩

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ قاهره ﴾

مَجْلَدٌ  
لِلدِّينِ

أيها الحبيب قد وصل تحريركم واطلعنا بمضمونه ونختصر في الجواب  
لقلة الاوقات وكثرة الاشغال \* العناء في اللغة السحاب الخفيف  
اللطيف جداً يرى ولا يُرى \* فاذا امعنت النظر بكل دقة تجد  
شيئاً ولكن بمجرد النظر لا يرى لاجل ذلك في عرف المحققين  
يقصدون بالعناء الحقيقة الكلية بلا تعينات فالتعينات موجودة بنحو  
البساطة \* والوحدة ليست ممتازة من الذات اذا تعين ولا تعين  
وهذا المقام يعبرون عنه بالاحدية والعناء \* وهذا مقام الكنز المخفي  
المذكور في الحديث اذا الصفات تعينات موجودة في الذات

ولست ممتازة عنها ترى ولا ترى \* وهذا معنى العناء مختصراً \*  
 وبلغ تحيتي وأشواقی الى كافة الاحباء \* وعليك التحية والثناء

حيفا ۴ ذی القعدة سنة ۱۳۳۸ هـ

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ اسلامبول - احبای الهی عليهم بهاء الله الابهی ﴾

## هو الابهی

ای یاران مهربان عبد البهاء صبح است واز مقام اعلی روحی  
 تربته الفداء بحیفا آمدم \* شب گذشته را در جوار مقام اعلی  
 بسر بردم ویرکت آن مقام مقدس شب را نهایت روح وریحان  
 داشتم از نفحات قدس آن مرقد منور مشام معطر شد و دل و جان  
 مهتر \* لهذا بیاد آن احبای روحانی افتادم \* وبنکارش این نامه  
 پرداختم با کثرت مشاغل وغوائل جمیع را ترک نموده بیاد روی  
 وخوی احبای جان و دل افتادم \* ملاحظه نمائید که چه قدر  
 مهربانم \* آن مدینه مدتی مدیده بقدم مبارک مشرف بود  
 والواح پیایی نازل \* ونفوسی که بساحت اقدس مشرف شدند  
 تلقی بیان مبارک مینمودند \* از جمله شخصی شهیر از ایرانیان بود  
 و مر او ده مینمود و این در باطن همدم و همراز سفیر بود \* و در امور  
 محل مشورت با او \* جمال مبارک با او مدارا میفرمودند \* بروی

او نیاوردند \* ولی شخص معهود کمان این مینمود که جمال مبارک  
 واقف بحال پنهان اونیستند \* اظهار خلوصی مینمود تا روزی  
 فرمودند من پیامی دارم بحضرت سفیر کبیر ابلاغ نما \* و آن  
 اینست بکوشما آنچه توانستید در خون ما کوشیدید و بکمانتان  
 میتوانید شجره مبارکه را از ریشه براندازید \* هیئات هیئات  
 این شجره مبارکه ثابت است و ریشه اش محکم ریشه نی که  
 هیچ تیشه قلع و قمع نشود و لوجیع ملوک عالم بتمام قوت قیام نمایند  
 ملاحظه کنید که من فرید و وحیدم \* ولی منفرداً جمیع ملل  
 و دول عالم را مقاومت مینمایم \* عنقریب این ابرهای تاریک متلاشی  
 گردد و شمس حقیقت بکمال عظمت در خشنده و تابان شود \*  
 بلی میتوانید مرا شهید کنید \* و این اعظم موهبت  
 الهی است این شجره مبارکه بخون نشو و نماینماید \*  
 حضرت اعلی روح العالمین فداه را کمان میگردید که اگر  
 شهید شوند این بنیان برافتد \* هزار کلوله بر صدر مطهرش  
 زدید بعد ملاحظه کردید که امر الله ظهورش بیشتر و نورش  
 تا بنده ترکشت \* تا آنکه حال باسلامبول رسیده \* حال کمان  
 میکنید که اگر بخنجر حنجر بهارا ببرید و خون این جمع بریزید  
 این نار موقده الهی خاموش گردد استغفر الله \* بلکه کلمه الله  
 بلند تر شود و شمس حقیقت بیشتر جلوه نماید \* و جمیع عنقریب  
 خائب و خاسر خواهند شد \* آنچه از دستتان بر آید کوتاهی ننمائید

ای آقامیرزا این ظلم و عناد و ستم و اعتساف در نزد ما مثل آواز  
پشه میماند \* لهذا اهمیت بعناد و اضطهاد شما نمیدهیم (وسیعلم  
الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون) ما باسلامبول وارد شدیم \* ابد  
اعتنائی نه بشما و نه بدولت عثمانی نمودیم \* از همین باید که شما بیدار  
شوید که اعتماد ما بر قوت و قدرت الهیه است نه مادون آن جمیع  
ملوک مملو کند و شماها غرق در دریای زیان و خسران \* عاقبت  
خواهید دانست ایران ویران کرد و دولت و ملت بنهایت مشقت  
افتد لکن ما ایران را روشن نمودیم و ایرانیان را عزت ابدیه خواستیم  
هر چند ایران در بین دول الآن کم نام است ولی این امر عظیم  
عاقبت اهل ایران را سرور عالم امکان کند \* خلاصه از این قبیل  
فرمایشات بنهایت شدت فرمودند آن شخص رفت و دیگر نیامد  
حال الحمد لله نفحه در اسلامبول وزیده این نفحه آن دیار را  
مشکبار نماید اُحباء در نهایت ثبوت و استقامت و حکمت باید  
حرکت کنند منتهای اطمینان را داشته باشند \* امیدوارم که  
هر یک از احبا چون سراج روشن گردد و تعالیم الهی که روشنائی  
عالم انسانی است و سبب راحت و آسایش افرینش بنهایت حکمت  
انتشار یابد \* این دریا پر موجست لکن موجش رو باوج \* و من  
شب و روز گریه و زاری نمایم و احبای الهی را عون و عنایت  
نامتناهی خواهم \* و علیکم البهاء الابهی \* حیفاً ذی الحجه سنه ۱۳۳۴

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

باد کوبه - احبای الهی و اماء رحمن \* علیهم وعلیهن البهاء الابهی

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای عاکفان کوی دوست \* ای عاشقان روی دوست \*  
 قفقازیا جیما تابع رود ارس است که در قرآن (اصحاب رس)  
 تعبیر شده \* جمعی از انبیاء در زمان قدیم که خبر شان منقطع شده  
 در آن اقلیم مبعوث شدند \* و عالم انسانرا بنفحات رحمانی  
 معطر نمودند \*

و همچنین در زمان اخیر حضرت اعلی روحی فداه بچهریق  
 سرکون و در آنجا مسجون گشتند \* حافظ شیرازی راجحه  
 بمشامش رسید و این غزل را گفت \*  
 ای صبا کربکذری بر ساحل رود ارس \*

بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس  
 و حضرت زردشت نیز مدتی در آن صفحات سیر و حرکت  
 میفرمودند \* و کوه قاف که در احادیث و روایات مذکور همین  
 قفقاز است \* و ایرانیانرا اعتقاد چنان که آشیانه سیمرخ است  
 ولانه عنقاء شرق \* لهذا امید چنان است که این عنقا که شهر  
 تقدیس در شرق و غرب منتشر نموده و آن امر بدیع ربانیت  
 در قفقاز لانه و آشیانه نماید



الحمد لله احبای بادکوبه در این سالهای جنک با جمیع طوائف  
 آشتی داشتند و بموجب تعالیم الهی بکل مهربان \* و در امر الله جوش  
 و خروشی داشتند و از بادهٔ محبت الله سرمست و مدهوش بودند  
 حال باید مانند نهنگ بخروشد و تلافی سالهای جنک نمایند \*  
 و با آهنگ مستانه و ترانهٔ عاشقانه آن اقلیم را باهتزاز و حرکت آرند  
 تا نورانیت چنان قلوب را روشن نماید که اشعهٔ یکانکی بتابد و ظلمات  
 بیکانکی زائل گردد \* و جمیع طوائف بایکدیگر بیامیزند \*

و در الفت و محبت قند و شکر ریزند و شور و وهی

انگیزند که ممالک مجاوره نیز باهتزاز و حرکت

آیند \* و علیکم وعلیکن البهاء الابهی

۳ تموز سنه ۱۹۱۹

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

شیراز

مَعَالِدِی

ای ثابت بر پیمان ، روزنامهٔ مفصل شما بنهایت روح و ریحان  
 قرائت کردید \* الحمد لله خود تجربه نمودی و سبب انتباه دیگران  
 کشتی که هر نفسی بجان و دل بخدمت امر الله قیام نماید لسان

فصیح بکشاید \* و بر شا خسار حقیقت بآبدع آخان بسراید  
 براهین الهی ملهم گردد \* و باقامه حجت قاطعه مؤید شود \*  
 سطوت تبلیغ صفوف جهل را شکست دهد \* و شوکت تأیید  
 سپاه ضلالت را منهزم کند \* اساس ثبوت و استقامت است  
 و رافت و محبت و تجرد از هوا جس نفسانی و خلوص نیت در امر  
 رحمانی و انقطاع از من فی الوجود و مواظبت بر سجود \*

اگر نفسی مؤید باین الطاف خفیه گردد یک سواره بر صف  
 عالم زند \* زیرا تأییدات ملکوت ابی و عون و حمایت جمال قدم  
 روحی لاجبائه الفدا \* پیاپی رسد \* چنانچه تجربه نمودی \*

باری مطمئن بایه مبارکه باش که میفرماید ( و نراکم من افقی  
 الابهی و ننصر من قام علی نصره امری بجنود من الملائه الاعلی  
 و قبیل من الملائکه المقربین ) و هذا هو الحق الیقین و ما بعد الحق  
 الا الضلال المبین \*

الحمد لله از موطن جمال مبارک روحی لعباده الفدا نفوسی  
 مبعوث شدند که بتبلیغ پرداختند و بر نشر آثار و سطوع انوار  
 قیام کردند \* له الحمد وله الشکر باید شب و روز بکوشی و بهر  
 حدود و ثغور عبور نمائی و در نهایت تنزیه و تقدیس بتبلیغ پردازی  
 تا مورد تحسین ملکوت ابهی گردی و عملاً اعلی جان  
 و دل پیوسته نمائی \* و علیک البهاء الابهی

﴿ طهران ﴾

# مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای ثابتان بر پیمان نامه شما رسید ولی عبد البهاء دقیقه‌نی آرام ندارد \* از جهتی هجوم اعدای خارج و از جهتی دیگر ظلم و عدوان بیوفایان \* و از جهتی خبرهای پر کدر از اطراف \* و از جهتی تمشیت امور در جمیع اکناف \* و از جهتی مکاتبه لیل و نهار علی الخصوص تحمل جفای بیوفایان که بانواع دسائس و وسوس که بواسطه نفوس خفیه القاء شبهات مینمایند \* و هر روز يك رکنی را خراب میکنند \* ملاحظه نمائید که عبد البهاء در چه کردایی غوطه میخورد با وجود این جواب نامه شما مینکارد \*

سؤال فرموده بودید از نفوسی که وقتی از اهل ایمان بودند بعد منحرف شدند که حقیقت حالشان چگونه است این نفوس در بدایت مؤمن بودند \* ولی بسبب افتتان و امتحان منحرف گشتند \* ان الحق یبدل النور بالظلمة و یبدل الظلمة بالنور \* و این احتجاب منبعث از اخلاق و اعمال است \* و الحق یبدل السیئات بالحسنات و یبدل الحسنات بالسیئات \* مثلا سراج روشن بوده ولی از اریاح امتحان و افتتان خاموش شده \* صحیح و سالم بوده

ولی از باد خزان گرفتار علل مزمنه گردیده \* جسم تروتازه بوده  
 عظام رمیم کشته \* ذلك بما اکتسبت ایدیهم والاحق مهر بانست  
 وملیک ملکوت غفران و آنچه از پیش ا کرامر خیری از انان  
 صادر عرض بوده \* اساسی نداشته \* ولا عبرة فی الاعراض  
 حبطت اعمالهم \* واما مقدار ربح در معاملات تقدیه حضرت اعلی  
 روحی له الفدا تنزیل تجارتی را مشروع فرمودند \* اما جمال مبارک  
 بقدر امکان بتخفیف امر فرمودند \* واکر نزاع

وجدال حاصل گردد حکمش راجع به یدت

عدل است \* واما در خصرص ربح غیر

جائز ربح فاحش است \* وعلیکم

البهاء الابی

﴿ ع ع ﴾

﴿ مشهد ﴾

هو الله

ای مفتون حقیقت \* الحمد لله ملاحظه میفرمائی که از یوم  
 طلوع نیر هدی از مطلع یثرب و بطحا الی الآن چه قدر انهاری  
 پر صفا بموج و جریان آمد \* حال واضح و عیان کشت که مجاز بود  
 نه حقیقت \* سراب بودن اب \* بنیان ویران شد شجر بی ثمر

کشت \* چراغ خاموش شد آهنک دهل فراموش کردید \*  
لا تسمع لهم صوتاً ولا ركزاً \*

در بدایت دخول در سجن عکا بنهایت مصیبت و بلا  
و اذیت اعدا و تحمل رنج و عنا \* چند نفر از یاران در مصر بودند  
روزی بدیدن شخصی عارف جلیل و مسلم عموم و شهیر که  
در نهایت عزت و حرمت و ثروت بود \* و در نزد پادشاه مصر  
مقرب \* و در نزد پادشاه عثمانی منظور نظر و در نزد کل بحی  
الدین ثانی مشتهر رفتند \*

خلاصه کوس لمن الملك میزد از یاران جو باشد چه خبر  
از عکا دارید گفتند مظلوم آفاق در آن قله خراب مسجون  
و جمیع یاران محزون \* ولی آن نیر آفاق در نهایت اشراق \* شخص  
عارف نفسی مطول کشید خطاب بحضرات حاضرین کرد \* گفت  
ما جمعاً دعوی حقیقت مینائیم \* و بزبان خلق را بحقیقت میخوانیم  
دم از حقیقت میزنیم \* و های و هوئی در خلق میاندازیم هر يك  
مدعی حقیقتیم \* ولی انصافش اینست که ندا از عکا بلند است  
حقیقت انجا علم افراخته نور حقیقت در عکا جلوه نموده است  
انصافش اینست \*

باری ملاحظه فرما که حضرت بهاء الله مرقوم فرموده  
که جناب مرحوم مغفور حاجی سلاهادی سبزواری در غزلی  
از حقیقت دمی زده اند \* و يك یت از آن شعر این است \*

موسی نیست که آواز انا الحق شنود

ورنه این زمزمه در هر شجری نیست که نیست

این آهنگ راحتی از هر گیاهی و خار و خسی میشنید \* ولی چون

از شجره مبارکه این ندا بلند شد محروم از استماع گشت و گفت

نه صدائیست و نه ندائی \* ملاحظه فرمائید سمعی که از خار و خس

چنین نفی احساس مینمود از کل حقیقت که در چمنستان

معرفت و کلبانک بلبل معانی و درس مقامات معنوی بیخبر \* پس

معلوم شد مجاز هر چند دم از حقیقت زند خبر ندارد \* بی بصر

هر چه ستایش آفتاب کند محبوبست و مزکوم هر چند

نعت طیب مشموم نماید محروم است \* الحمد لله مشام

آن مهر پرور بنفحات الهی معطر \* و هدامن فضل

ربك الجليل الاكبر و عليك البهاء الابهی

بهجی ۲۵ محرم سنه ۱۳۳۹

\*( ع ع )\*



﴿ شیراز ﴾

هو الله

ای ثابتان ای راسخان در روز غوغا و ضوضا که جمعی بدون

بینه و برهان هجوم بمحل ثابت بر پیمان نمودند شما بحمايت وصيانت

پرداختید \* و تمام توکل در قلوب مهاجمین خوف و خشیت  
 انداختید این جانفشانی بود و از قوت صلابت ایمانی \* بیخردان  
 در کمینند تا فرصتی یابند و دست تطاول بکشایند \* و بظلم  
 و عدوان پردازند \* این سلاح عاجز است چون از قوت برهان  
 بی نصیب کردند و در اقامه حجت عاجز و ضعیف و کُنک و لال  
 کردند دست تطاول بکشایند \* همیشه این روش اهل بطلان  
 است و مسلک اهل طغیان \* این آخر الدواء الکی شمرند ولی  
 بخسران مبین افتند \* و ضرر و زیان شدید یابند \* این تعرضات  
 سبب ظهور آیات ینات و این اعتساف تمهید مقدمات و سبب  
 انتباه غافلان و جستجوی طالبان گردد \* البته اگر ادنی تفکری  
 بنمایند ابداً تعرض نمایند بلکه ساکت و صامت گردند و در حفره  
 ظنون و اوهام خزیده \* خود را از پرتو شمس حقیقت محروم  
 و محجوب نمایند \* وقتی که شهنواز الهی منحصر در شیراز بود  
 ستمکاران سبب شدند که این صیت عظیم باصفهان و طهران  
 رسید \* و چون بیشتر کوشیدند و اذیت و جفا کردند و سیاست  
 شدید رو داشتند بجمع صفحات ایران سرایت کرد \* نفوذ  
 کلمه الله در خراسان علم افراخت \* چون بااطفاء این سراج کوشیدند  
 و بقتل و غارت پرداختند و خون مظلومان ریختند و سرها بر نیزه  
 نمودند \* مردان را شهید کردند \* اطفال اسیر نمودند \* نساء را  
 ذلیل کردند \* و مانند دشت بلا صحرای کربلا بخونریزی

مظلومان پرداختند \* و باسارت صبیان و نسوان دست کشودند  
 صیت امر الله بسائر بلدان در اطراف و اکناف عالم رسید \*  
 و چون کوشیدند که نور مبین از ایران نفی و سرکون گردد علم  
 مبین در عراق بلند شد \* و چون در عراق بنفاق پرداختند سبب  
 شد که جمال قدیم بشهر شهیر نفی و تبعید شد \* و کوس اعظم  
 و ناقوس اکبر در اسلامبول کوییده شد \* و چون از مرکز سلطنت  
 عثمانیان با نهایت ظلم و عدوان برومیلی ارسال نمودند آن اقلیم  
 نیز پرتو نور مبین یافت \* و چون از آن کشور بسجن اکبر نقل  
 کردید و قلعه ویران سجن محبوب امکان شد و نهایت ذل و هوان  
 حاصل کردید صیت امر الله و صوت کلمه الله در ممالک اوروپ  
 و امریک انتشار یافت \* زلزله در آفاق انداخت \* و اهل نفاق  
 خائب و خاسر گشتند \* و هنوز دست بر نمیدارند \* این تهکم  
 و تعرض سبب شد که ندای الهی در جمیع آفاق بلند کردید \*  
 هنوز در خواب غفلتند \* و گمان میکنند که این حرکت مذبحخانه  
 سبب قلع و قمع اساس خداوندیکانه است \* هیئات هیئات \* جمال  
 مبارک روحی لا حیثه الفدا میفرماید که این جوش و خروش  
 علمای جاهل بر منابر و فریاد و نعره های وادینا و امذهباً در مسالک  
 و معابر ندای بامر الله است \* این نفوس منادی حقند و لکن  
 لا یشعرون \* ذرم فی خوضهم یلعبون \* باری الحمد لله شما بانچه  
 باید و شاید قیام نموده اید و مدافعه از هجوم یغما کران فرمودید



طوبی لکم من هذه المنقبة العظمی \* وعلیکم البهائم الابهی

﴿ ع ع ﴾

﴿ امریکا احبای الهی ﴾

مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای احبای الهی اساس ملکوت الهی بر عدل و انصاف و رحم و مروت و مهربانی بهر نفسی است \* پس بجان و دل باید بکوشید تا بعالم انسانی من دون استثناء محبت و مهربانی نمائید \* مگر نفوسی که غرض و مرضی دارند \* باشخص ظالم و یا خائن و یاسارق نمیشود مهربانی نمود \* زیرا مهربانی سبب طغیان اوی گردد نه انتباه او \* کاذب را آنچه ملاطفت نمائی بر دروغ می افزاید گمان میکند که نمیدانی و حال آنکه میدانی ولی رأفت کبری مانع از اظهار است \*

باری احبای الهی باید نه تنها بانسان رأفت و رحمت داشته باشند بلکه باید بجمیع ذی روح نهایت مهربانی نمایند \* زیرا حیوان با انسان در احساسات جسمانی و روح حیوانی مشترك است \* ولی انسان ملتفت این حقیقت نیست گمان مینماید که احساس حصر در انسانست \* لهذا ظلم بحیوان میکند \*

اما بحقیقت چه فرقی در میان احساسات جسمانی \* احساس  
 واحد است خواه اذیت بانسان کنی و خواه اذیت بحیوان \*  
 ابداً فرقی ندارد بلکه اذیت بحیوان ضررش بیشتر است \* زیرا  
 انسان زبان دارد \* شکوه نماید اه و ناله کند \* و اگر صدمه بی  
 با ورسد بحکومت مراجعت کند \* حکومت دفع تعدی کند  
 ولی حیوان بیچاره زبان بسته است نه شکوه تواند و نه بشکایت  
 بحکومت مقتدر است \* اگر هزار جفا از انسانی بیند نه لساناً  
 مدافعه تواند و نه عدالته داد خواهی کند \* پس باید ملاحظه  
 حیوانرا بسیار داشت و بیشتر از انسان رحم نمود \* اطفال را  
 از صغیر سن نوعی تربیت نمائید که بی نهایت بحیوان رؤف  
 و مهربان باشند \* اگر حیوانی مریض است در علاج او کوشند  
 اگر گرسنه است اطعام نمایند \* اگر تشنه است سیراب کنند  
 اگر خسته است در راحتش بکوشند \* انسانا کثرکنه کارند  
 و حیوان بی گناه \* البته بی گناهان را مرحمت بیشتر باید کرد  
 و مهربانی بیشتر باید نمود \* مگر حیوانات مؤذیه را \* مثل کرک  
 خونخوار \* مثل مار کزنده و سایر حیوانات مؤذیه \* چه که رحم  
 باینها ظلم بانسان و حیوانات دیگر است \* مثلاً اگر کرکی را  
 رأفت و مهربانی نمائی این ظلم بکوسفند است \* يك گاه کوسفند را  
 از میان بردارد \* کلب عقور را اگر فرصت دهی هزار حیوان  
 و انسان را سبب هلاک شود \* پس رأفت بحیوان درنده ظلم

بجیوانات مظلومه است \* لهذا باید چاره آنرا نمود و لکن  
بجیوانات مبارکه باید بی نهایت مهربانی نمود \* هر چه  
بیشتر بهتر \* و این رأفت و مهربانی از اساس  
ملکوت الهی است \* این مسأله را  
بسیار منظور دارید \* و علیکم

البهاء الابهی \*

۱۲ تشرین ثانی سنه ۱۹۲۰

﴿ ع ع ﴾



﴿ طهران - تاکر - مفتون شعله طور در کشور نور ﴾

مَوْلَا اللَّهِ

ای بنده حضرت بهاء الله آن حدود و ثغور منبت شجره  
مبارکه است و موطن حضرت مقصود و عاقبت چنان اباد گردد  
که جمیع ممالک عالم غبطه خورند \* کعبه مکرمه سنکستان بود  
و دور از ابادی \* صحرایش وادی غیر ذی زرع بود و ربک زار  
بسیار گرمی لکن چون نسبت بحق یافت \* یعنی موطن حضرت  
رسول علیه السلام بود قبله آفاق کشت و مطاف مقربین و مخلصین

درگاه کبریا • هر سال صد هزاران نفوس مؤمنه از دیارهای  
بسیار نور بجهان ودل و قدم میشتافتند تا آنکه مدینه مبارکه را  
طواف کنند و زیارت نمایند • مکه ملجأ عالمیان شد • و ملاذ  
آدمیان چون موطن سرور کائنات بود •

اما در ایام حضرت در نزد ناس قدر و منزلتی نداشت بعد  
از مدتی این قدر و منزلت جلوه نمود • حال نیز هر چند حدود  
و ثغور نور بلد مطمور است لکن عنقریب بیت معمور گردد  
و عزت ابدیه جلوه نماید مطاف عالمیان گردد و اول اقلیم جهان  
شود و اهل نور افتخار و مباهات بر جمهور نمایند که ما سلاله  
هوطنان جمال مبارکیم • آباء و اجداد ما بشرف لقافا نژادند  
و عو هبت عظمی رسیدند • هر چند اگاه نشدند و لکن  
چون ماهیان دریا بودند • هر چند بیخبر بودند

ولی غرق در دریا بودند و منظور نظر

ملاً اعلیٰ • وعلیک البهاء الابهی

﴿ ع ع ﴾

﴿ طهران ﴾

مَعْرِفَتِ  
مَعْرِفَتِ  
مَعْرِفَتِ

ای مقربان درگاه کبریا صبح است و خسر و خاوردی پر توی

بر دشت و صحرا زده و جمیع اشیا را پدیدار کرده \* هر چند آیت  
شمس حقیقت است ولی از اشیا خبری ندارد با وجود آنکه  
انوارش کل را نمودار نماید \* اما شمس حقیقت جمیع کائنات را  
اشکار می فرماید و کاشف حقائق اشیاست و عالم بحقائق اشیا  
و تجلی مخصوص بر قلوب احبا می فرماید \* هر چند اعیان موجودات  
از پرتو نور او موجود ولی افسوس که از او بیخبرند و بی اثر و ثمر  
یاران الهی باین الطاف اختصاص داشتند که بچنین

موهبت عظمی موفق گشتند و بانوار هدایت

کبری رخ بر افروختند و از تجلیات رحمانیه

جان و دل روشن نمودند

وعلیکم البهاء الابهی

حیفانہ ۲۳ صفر سنہ ۱۳۳۹

﴿ ع ع ﴾

هو الله

ای سرگشته و سودائی حق \* و مشهور بشیدائی دلبر آفاق  
اهل ایران بخواب غفلت گرفتار \* خبر ندارند که عاقلان غرب  
مجنون دلبر ماهروی شرق گشته اند \* و مفتون از لاف مشکبوی  
فلاسفہٗ اورپ و امریک از افکار دقیق و باریک گذشتند

وشلیک عاشقانه و نمره مستانه بر آوردند سبحان الله باختر بیدار  
 و خاور بخواب غفلت گرفتار \* دوران نزدیک شدند و نزدیکان  
 هنوز مهجورند \* یعقوبان از بوی پیراهن یوسفی مشام معطر  
 دارند و لو هزار فرسنگ دورند و بشیران که حامل قیصند محروم  
 و مهجور از نور مبین \* ایران مطلع انوار و مشرق شمس حقیقت  
 با وجود این ایرانیان تحت المحاقند و دانایان در اقلیم بعید روشن  
 و نمایان \* پس تو شکر کن خدا را با وجود هوج و موج اقربا  
 دیده حق بین کشودی و مظهر « فکشفنا عنک

غطاءك فبصرک الیوم حدید » کشتی و مختص

برحمته من یشاء \* ذلك من فضل الله

یؤتیه من یشاء \* وعلیک

البهاء الأبهی

۱۷ رجب سنه ۱۳۳۸

﴿ ع ع ﴾

﴿ سنکسر ﴾

هو الله

ای ثابت بر پیمان \* الحمد لله بتربیت نور سید کان باغ الهی مشغول  
 و مألوفی و باین نیت مسرور و شادمان \* از امتزاج اجسام مایعه

لطیفه ذکر نموده بودید که چون موانع در میان نماند این اجسام  
 لطیفه امتزاج و امتشاج یابد \* پس حکم ارواح چه چیز است  
 آن نیز مثل این است \* هر چند این نظر دقیق است و سزاوار  
 تحقیق ولی البته شما گاهی که امتزاج و امتشاج و دخول و خروج  
 و نزول و صعود و حلول از خصائص اجسام است نه ارواح \* اگر  
 چنانچه نسبت بروح ذکر حلولی بشود مقصد حقیقت نیست  
 مجاز است \* زیرا در عالم روح کیفیتی است مقدس از هر تصویری  
 که در عالم جسم جز بدخول و حلول و امتزاج و امتشاج  
 تعبیر نتوان \* از عدم فرصت مختصر مرقوم  
 کردید معذور بدارید \* وعلیک البهاء

﴿ ع ع ﴾



﴿ حمدان ﴾

مَوْلَانَا مُحَمَّدٌ

ای مظاهر الطاف الهی \* در این دور بدیع اساس متین تمهید  
 تعلیم فنون و معارف است \* و بنص صریح باید جمیع اطفال بقدر  
 لزوم تحصیل فنون نمایند \* لهذا باید در هر شهری و قریه‌نی مدارس

و مکاتب تأسیس کردد \* و جمیع اطفال بقدر لزوم در شهر و لزوم  
 در قریه در تحصیل بکوشند \* لهذا هر نفسی که انفاق در این  
 مورد نماید شبهه نیست که مقبول در گاه احدیت شود و مورد  
 تحسین و تمجید ملاً اعلیٰ کردد \* چون در این امر عظیم جهد بلیغ  
 مبذول داشتید \* لهذا امید چنین که مکافات از رب الآیات البنات  
 حصول یابد \* و مشمول لحظات عین رحمانیت گردید \* و علیکم  
 البهاء الأبهی •

الهی الهی ان هذه العصابة الكبرى • والثلة العظمی • قامت علی  
 خدمتك و ترویج الفنون بعزم موفور بلا قصور و فتور • رب اقبل  
 منهم هذا الانفاق \* و ایدم بجنودك فی يوم الميثاق  
 واجعلهم الآیات الكبرى بین الوری \* انك انت  
 المقتدر علی ما تشاء \* و انك انت القوی القدير

حیفا ۲ جمادی ۲ سنه ۱۳۸۳

﴿ ع ع ﴾

(حضرات احباء الله الذین ابتلوا فی سبیل الله علیهم التحیة و الثناء)

هو الله

ایها المتحنون فی محبة الله \* قال الله تعالی فی القرآن العظیم  
 (الم أحسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون )



ولا بدمن الامتحان والافتتان \* وكذلك قال الله تعالى (ولنبلونكم  
بشيء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات  
وبشر الصابرين الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله وانا اليه  
راجعون) وكذلك قال الله تعالى (أفحسبتم أن تدخلوا الجنة ولما  
يأتكم مثل الذين خلوا من قبلكم اصابهم البأساء والضراء الى  
آخر الآية) ولا شك ولا شبهة أن هؤلاء الاحياء تجرعوا كأساً  
مريرة في محبة الله ولكن هذه المصائب عين المواهب لانها وقعت  
في سبيل الله البلاء للولاء \* وقال عليه السلام ما أودى نبي بمثل ما  
أوديت (قل يا اهل الكتاب هل تنقمون منا الا أن آمننا بالله وآياته  
وما أنزل اليكم وما أنزل الينا) الى آخر الآية

خلاصة الكلام ان اللثام اعداء للكرام \* وهذه سنة الله من  
قبل ومن بعدون تجد لسنة الله تبديلاً \* فاطمئنوا يا احباء الله ان  
الملا الأعلى يذكرونكم بأبدع الاوصاف \* ويقولون مرحباً  
بالنفوس المطمئنة \* مرحباً بالقلوب المستبشرة \* مرحباً  
بالوجوه الناضرة \* مرحباً بالاعين الناظرة  
الى الله \* طوبى لكم من هذه الموهبة  
الكبرى \* بشرى لكم من  
هذه المنحة العظمى

﴿ مصر ﴾

# مَعْرَاةُ الدِّينِ

﴿ أيتها الفرج القريب ﴾

نامه شما رسید و ملاحظه کردید \* لکن از عدم فرصت مختصر جواب مرقوم میشود (صلاح الدین) اول ایوبی \* یعنی پسر ایوب برا در زاده شیر کوه لقبش الملك الناصر است \* این شخص با قوم مهاجم اهل صلیب محاربه کرد و غلبه نمود \* و قدس و کربک و نابلس و عسقلان و یاقا و طرابلس و عکا و صور و صیدا خلاصه جمیع شهرها که در دست صلیبیون بود فتح و استرجاع نمود و اسراء را در قلعه صور گذاشت و بمصر شتافت \* بعد بفته کشتیهای صلیبین مملو از عساگر در مقابل صور پیداشدند آنان از خارج و اسراء از داخل کوشیدند \* و صلیبیون بر صور استیلا یافتند \* و از صور برخواستند بسوی عکاشتافتند \* و عکارا محاصره نمودند \* ملک ناصر ﴿صلاح الدین﴾ بکمال سرعت از مصر بسوریه شتافت \* ملاحظه کرد که عکا محصور است \* پس (صلاح الدین) ﴿صلیبین﴾ را از طرف بر محاصره نمود \* و عکا در تحت دو محاصره افتاد \* زیرا صلیبیون عکارا محاصره نموده بودند و داخل

عکا مرابطین اسلام بودند \* بعد صلیبیون بر عکا استیلا یافتند  
 و مرابطین را بکشتند و زمان زمستان آمد ﴿وصلاح الدین﴾  
 رنجور شد \* پس ارکان دولت مصلحت در آن دیدند که بشام  
 مراجعت نماید و کسب صحت و عافیت کند \* و در بهار باجیشی  
 جرار بر صلیبیین بتازد و دوباره فتح عکا نماید ﴿ولی صلاح  
 الدین﴾ \* ملک ناصر ایوبی در شام فوت شد و قلعه عکا در دست  
 صلیبیون ماند \* بعد از صد سال ﴿صلاح الدین﴾ \* ملک منصور  
 که منسوب ایوب است فتح عکا کرد و تمام صلیبیون را از یزیه  
 الشام براند \* آن صلاح الدین اول لقبش ملک ناصر است  
 ﴿وصلاح الدین﴾ \* ثانی لقبش ملک منصور اول  
 پسر ایوب است ثانی از متعلقین ایوب

وعلیک البهاء الابی

﴿ع ع﴾

﴿مصر﴾

هو الله

ایها الحیب \* قد انشرح صدري بمطالعة نیمیقتک الوجیزة  
 الغراء فقلت لله درالرجل الذی انشأ هذا \* اذیب اذا أوجز أعجز  
 واذا أسهب أعجب \* نسئل الله أن يجعلک آية الفصاحة وراية البلاغة

في ترجمة الرسالة المدنية الى العربية ولكن الميزان ترجمة الاشرافات  
 والبشارات والكلمات والتجليات والطرقات بأبداع عبارة \* وأفصح  
 الكلمات \* ان كنت توفقت بهذا لاشك انك أفصح من سبحان  
 وأكثر بلاغة من قس بن ساعدة في ماضي من الزمان \* وان شئت  
 أشركت معك بعض النوايح من تمكن من العربية تمكن  
 الملوك من الممالك \* وبلغ تحيتي وثنائي وفرط حنيني  
 وأشواقي الى جناب الشيخ محيي الدين المحترم  
 وسائر الاحياء \* وعليك التحية والثناء

٦ حزيران سنة ١٩١٩

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ مصر ﴾

هو الله

يا صاح \* هذه الرسالة موضوعها جليل ودليلها واضح أشهر من  
 نار على علم \* ولكن لا يجوز ذم أحد من الملوك الموجودين الآن  
 لا كناية ولا اشارة ولا دلالة لان هذه قضية منصوطة في الكتاب  
 ولا يجوز الخروج عن النص \* فاذأ عدلوا العبارات واحذفوا  
 بعض المقالات وتبينوا بكل خلوص وعبارات راقية مضرات  
 الحرب ومنافع السلم وفوائد الائتلاف واضرار الاختلاف واستعداد

العالم البشرى بهذا الاثناء وقرب وقوع السلم القطعى بتأييدات من  
الله وبشارات احاطت الآفاق من دون أن تتعرضوا لاحد بكلمة  
من الاعتراض لاسيما على الملوك والامراء الموجودين الآن حيث  
يخالف نص الكتاب \* وانى أردت التصحيح ولكن وجدت  
اوقاى غير مساعدة فصار التصحيح قليلا من بدايت الرسالة \*  
اما جميع الرسالة يلزم لحضرتكم تعديلها وتصحيحها بعبارات راثقة  
حتى لا يتكدر أحد من قراءتها بل ينشرح صدور الكل بتلاوتها  
سواء كانوا من اهل الاستقلال أو الاعتدال لان الموضوع مقدس  
منصوص \* وفى الحقيقة قريحتكم الحمد لله سيالة \* وكلامكم فى  
غاية الرقة \* وانى أتضرع الى الله أن يوفقكم على امريرضى  
مالك الملوك والملوك والمملوك \* انه على كل شى تقدير  
وسموا المطبعة ( كردستان ) نظير مارستم

﴿ ع ع ﴾



﴿ مصر ﴾

هو الله

ايها الفاضل الربانى قد اطلست بضمون الكتاب وابتهلت  
الى رب الارباب أن يرسل عليك السماء مدراراً بفيوضات  
ملكوت الله عشياً وابتكاراً \* ويجعلك آية الهدى بين الورى \*

وذلك الخيار في البقاء بتلك الديار \* أم السفر الى الوطن المألوف  
نشرًا لنفحات الله ونشوة من سلاف موهبة الله \* وهذا هو  
الامر المهم الموعود لك \* لان ذلك الاقليم المبارك تشرف يوماً  
بالمقام المحمود ومرت عليها نسيمات الرب الودود \* وتشرف بعض  
علمائها واعاظمها ورجالها بالمثل لدى الجمال المشهود المستور \*

وأما ما سئلت من الآية الموجودة في سفر دانيال ( طوبى  
لمن يرى الفا وثلاثمائة وخمسة وثلاثين ) هذه سنة شمسية ليست  
بقمرية لان بذلك التاريخ ينقضى قرن من طلوع شمس الحقيقة  
وتعاليم الله تتمكن في الارض حق التمكين \* وتملاً الانوار  
مشارك الارض ومغاربها ( يومئذ يفرح المؤمنون ) وأما الالف  
والمائتين والتسعون يوماً الذي في الآية السابقة للبشرة  
بالظهور الكلي هي بحساب قرى كما هو مصرح  
في المفاوضات \* وأسأل الله قضاء الحاجات يا حيي

في ١٠ ك ٢ سنة ١٩١٩

﴿ عبد البهاء عباس ﴾



﴿ مصر ﴾

# مُعْجَزَاتُ اللَّهِ

أيها الفاضل الجليل قد وردني رقيم كريم \* بل كتاب مبين  
ينطق بالحق في صدق الولاء ويهدي الى الرشيد \* وفيه ما يختلج  
في القلوب من اسرار الهوى \* لعمرى قد قررت العين بقراءة تلك  
الكلمات المتينة المباني \* وانشرح الصدر بالاطلاع على آيات الشوق  
البديعة المعاني \* وحمدت الله بما نور القلوب وطيب النفوس وراح  
الارواح بفيض شامل مقدس عن الاشباح وأدعوه أن يجعلكم  
آية الهدى بين الورى \* وراية العطاء تحقق على رؤس اولى النهى  
وأما ما استحسنتم من اصدار مجلة شهرية باللغة العربية والفارسية  
تنتشر في البلدان فالحكمة لا تقتضى بهذا الآن الا أن تكون  
علمية أدبية محضة فلا تتضمن كلمة من مقالات أو أخبار سياسية  
وانى أرجو الله أن يجعلك الهياً لاسياسياً هذا ما يليق لشأنك لانه  
أبدى القرار سرمدى الآثار \* والمسائل العلمية تقتضى أن تنحصر  
فيما يفيد الناس وليس المسائل التي عبارة عن قيل وقال ولا ثمره  
من تعقيبها الا الجدال \* ألاوهى الالهيات والرياضيات والحكمة  
الطبيعية والفنون المادية حتى ينتفع الناس بها \* وكذلك بهذا الاثناء

لا يجوز التعرض بالمسائل التي تؤول الى الدين حيث يرتفع به فحجج  
 الغافلين • ولا يستيقظون من المنام بل يزيدون في العناد والاهام  
 واما ترويج العلوم المفيدة من الحكمة الالهية والحكمة الطبيعية  
 أمر ممدوح مقبول في كل آن • والشارع البارع العظيم قد صرح  
 بالنص القويم أن الفنون أعظم مرعاة للوصول الى أعلى عليين  
 وأما انشاء المطبعة عند سnoch الفرصة في الوطن العزيز أمر  
 موكول على الاستقبال • وقد أرسلنا الجواب

لحبيبكم الشيخ محي الدين صبرى وهو  
 في طيه • وعليكم التحية والثناء

﴿ ع ع ﴾

﴿ مصر ﴾

هو الله

ايها الحبيب الروحاني • نامه شمارسيد • تفسير آيه سأريكم  
 دار الفاسقين • سؤال نموده بودى بجان عزيزت فرصت تفسير  
 كه سهل است مهلت تحرير ندارم • واز اين گذشته حال تفسير  
 اين آيه جائزه • بلكه تفسير حديث لازم (مصر كنائى) بارى  
 جواب ميرزا يوحنا داود مرقوم كرديد ودرطى  
 مكتوبست بفرستيد • وعليكم البهاء الابهى

﴿ ع ع ﴾



﴿ مصر ﴾

## هو الله

ای ثابت برپیمان \* نامه ثانی شما مؤرخ اول اکتوبر سنه ۱۹۱۸  
رسید از مضمون انشراح صدور حصول یافت \* ومانیز الحمد لله  
جميع در ظل حمایت حضرت احدیت و صون و عون پروردگار محفوظ  
و مصون هستیم \* و الآن در جوار تربت مقدسه در میان باغچه  
بتحریر این نامه مشغولم \* و از عنایت حضرت خفی الالطاف امید  
دارم که کل مصون و محفوظ باشید \* احبای مصر را نهایت اشتیاق  
دارم و الطاف حضرت نیر آفاق خواهم \* بهر فردی از یاران تحیت  
ابدع ابهی برسانید و بگوئید \* الحمد لله ابرهای تاریک اعتساف  
متلاشی شد \* امید است که انوار عدل و انصاف بتابد ( یومئذ  
یفرح المؤمنون ) امروز روز جناب شیخ فرج الله و جناب شیخ  
محی الدین است آنچه از حضرت ابی الفضائل تلقی نموده اند  
بطالبان تلقین بنمایند \* جنود ملاً اعلی در مرور و وفود است  
مکتوب جناب عبد الحسین را به بیروت فرستادیم \* هنوز رسید  
نیامده هر وقت برسد ارسال میشود . . . . . و از خدا خواهم که  
ملاقات بایاران علی الخصوص شما حاصل گردد \* و عليك البهاء الابهی

۱۶ اکتوبر سنه ۱۹۱۸

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

\* مصر \*

# مَعْرِفَةُ اللَّهِ

يا أمة الله \* ان قرينك الجليل قد حضر الى البقعة المباركة ومكث  
 مدة مديدة \* وأنسنا ليلا ونهارا \* وعاشرنا عشيا واشراقا \*  
 نسأل الله أن يؤيده على ما يحب ويرضى لانه تذكار من حضرة  
 أبي الفضائل وتلميذه وعلمه الحقائق والمعاني التي لم تأت به الاوائل  
 وانك أنت فاطمى بفضل ربك وتوكلى عليه وانجذبى بنفحات  
 ايامه \* واخلصى وجهك لوجهه حتى تنالى الموهبة التي لا مثيل لها  
 بين إماء الرحمن \* وهى القيام على خدمة أمر الله بالاعمال التي تميزك  
 عن سائر النساء \* عليك بنشر نفحات الله بالحكمة والموعظة  
 الحسنة والالفة والمحبة والحنو والرأفة مع كل امرأة  
 تسمين رائحة الخلوص والتوجه الى الله \* وبلغى تحيتى  
 وثنائى على إماء الرحمن \* وعليك البهاء

الابهي حيفا ٢٥ ك ٢ - ١٩٢٠

\* عبد البهاء عباس \*



﴿ كرم ان ﴾

## هو الله

يا أمة الله المنجذبة بنفحات الله • قد وصلتني بمبقتك الغراء  
وأجيبك بهذه الفريدة المصماء • والخريدة النوراء في ذكر ربك  
الأعلى • اشكرى الله على هذه الهداية الكبرى والموهبة العظيمة بما  
كشف الغطاء وأجزل العطاء • وأراك آيات رب السموات العلى  
يا أمة الله ان القوم لفي حجاب وعميق السبات • وليس لهم النجاة  
الا بفضل مولاك رب الارضين والسموات • قد خاضوا غمار  
التقليد • ونبذوا اسرار ربك المجيد • وتمسكوا بأوهن العرى وودعوا  
العروة الوثقى • يتمسكون بشبهات أوهن من نسج العنكبوت  
ويتخذون آلهة ليس لها وجود • بل هي ما ميزوه بأوهامهم ولو أنها  
بأدق معانيهم ولم يلتفتوا أن هذه الاوهام محاطة بالعقول والله  
هو المحيط • عجزت عن ادراكه الافكار ( ولا يحيطون بشئ من  
علمه ) وهو بكل شئ محيط كما قال عليه السلام ( غيب منيع لا يدرك  
ذات بحت لا يوصف السبيل مسدود والطلب مردود • دليله آياته  
ووجوده اثباته ) فانظري بعين البصيرة تجدى ما يورث الحيرة وهو  
ان هؤلاء يعبدون أوهاما ليس لها وجود عيني بل وجود ذهني •  
والوجود الذهني فرع للوجود العيني فاشكرى الله تعالى بما أيدك  
بشديد القوى وهداك الى سبيل الهدى وألقى في قلبك ما يوجه

وجهك للذي فطر الارض والسماء حنيفة مسلمة بريئة من  
 المشركين \* وقولى لك الحمد يا الهى بما نورت بصيرتى بمشاهدة  
 الآيات \* وزينت حقيقتى بمعرفة رب الاسماء والصفات واحييتنى  
 بنسمة الاسحار وعطرت مشامى بنفحة الازهار وشميم حديقة  
 الاسرار \* رب انى سقيمة فاشفى وكليلة فانطقنى عودنى بالذل  
 والانكسار \* واحفظنى من الغرور والاستكبار وخلصنى من كل  
 فاجر كفار واتقذنى من ظلمات الشبهات التى انتشرت فى الديار  
 واجعل لى قدما راسخة على صراطك المستقيم ومنهجك القويم  
 لا تأخذ سبيل الفى سبيلا بل تأخذ منهج الرشيد سبيلا \* رب انى  
 أمة ضعيفة عاجزة فى الافتتان قاصرة لدى الامتحان \* ونجنى من  
 التمحيص المنصوص من فم أمة الهدى \* ونجوم الافق الاعلى  
 عليهم التحية والثناء \* قال عليه السلام \* الناس هلكاء الا المؤمنون  
 والمؤمنون هلكاء الا المتحنون والمتحنون هلكاء

الا المخلصون والمخلصون فى خطر عظيم \* يا ربى

الرحيم ان أمتك السقيم تروى فيضك العظيم

وشفائك المبير \* انك أنت الغفور

الكريم \* لا اله الا أنت

الرب الرؤف العظيم

١٢ ع ثانى ١٣٣٨ حيفا

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿رشت﴾

## هو الله

ای ورقه طیبه رحمانیه \* نامه‌ئی که باقا میرزا صبحی مرقوم  
 نموده بودی مسموع شد \* مفهوم جوهر محبت حضرت رب قیوم  
 بود \* روح وریحان دست داد \* مختصر جواب مرقوم میگردد  
 زیرا مهلت نیست \* من از قبل تو در استان مقدس روی و موی را  
 بان تربت پاک معطر مینمایم و زیارت میکنم \* سفر شما برشت  
 امیدم چنانست که کلکشت گردد و سرور و حبور دست دهد  
 حضرات نساء منجذب ملکوت اُهی کردند \* مخدرات ایات  
 هدی شوند \* عالم نساء در این دوره از فیوضات جمال اُهی  
 در جوش و خروش است \* و از صهباء الطاف مست و مدهوش  
 روز بروز در ترقی است \* عنقریب ملاحظه مینمائید که  
 در بین نساء نفوسی چنان منجذب مبعوث شوند  
 که سبب حیرت کردند \* شمع روشن شوند  
 وناطق بحجج و برهان رب ذوالمنن  
 کردند \* این کفایتست  
 وعلیکن البهائم الابهی  
 ﴿ع ع﴾

﴿ و اشنگتن جناب مستر ریمی علیه بهاء الله الابهی ﴾

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای جوان نورانی \* و عزیز روحانی من \* نامه تود رسید  
 و از قرائتش چنان مسرنی حاصل شد که وصف نتوانم \* زیرا  
 دلیل بر علو فطرت و قوت همت \* و خلوص نیت تو است  
 عبدالبها را سرور بانیکونه امور است \* اگر جمیع لذائذ جسمانی  
 جمع شود بخاطر عبدالبهاء خطور نماید که راحت ولذتی در جهان  
 هست \* ولی چون نفحه مشکباری از کلشن قلوب یاران بمشام  
 برسد چنان فرحی دست دهد که بی اختیار بشکرانه جمال  
 مبارک پردازد که چنین بندگانی تربیت فرموده است \* باری از  
 نامه شمایی نهایت مسرورم \* این فکر شما بسیار موافق \*  
 امید وارم که یک اهتزاز جدیدی در قلوب احبا حاصل گردد  
 و ثبوت و استقامتی عظیم حصول یابد \* و سبب هدایت دیگران شود  
 پس باقوتی رحمانی و عزم و اراده بی اسمانی و لسانی ناطق و قلبی  
 سرشار از محبت الله الواح را بدست گیر \* و بجمیع دیار سفر کن  
 حتی بجزائر هنولولو \* در جمیع شهرهای امریک سفر نما \* و جمیع را  
 بر ثبوت بر میثاق بخوان \* و جمیع را ازباده میثاق سرمست کن

و بنشر نفعات الله دلالت نما \* فریاد یا بهاء الابهی بلند کن و نمره  
یا علی الاعلیٰ بزین \* و یاران را بیدار کن که امتحانی عن قریب بمیان  
آید \* شاید نفوسی بظاہر ثابت و باطن مذذب بان صفحات رود  
تایاران را در میثاق الهی سست کند \* بیدار باشند هوشیار  
باشند بمجرد اثر نقض کناره گیرند \* شب و روز بکوشند  
تا انوار ملکوت ابھی جهان کیر گردد و ظلمات ضلالت بکلی  
زائل شود \* جمیع را تحت ابدع ابھی ابلاغ دار \* علی الخصوص  
امه الله مسس پارسنز و امه الله مسس دیکسن و امه الله مسس  
هنن و امه الله مسس هنن و سائر احبای الهی و امام

رحمن را \* و عليك البهاء الابهی

﴿ عبد البهاء عباس ﴾



﴿ طهران ﴾

# هو الله

أیها المخلصون \* أیها المقربون \* أیها المبتهلون \* أیها المتضرعون  
انی أضع جبهتی علی التراب وأوجه وجهی الی رب الارباب وأدعو  
ربی بالتهاب و انجذاب أن یشملکم باحظات عین عنایتہ وأن  
یرعاکم بعین رعایتہ \* متحدین القلوب منشرحین الصدور متفقین  
الارواح مستبشرین بالافراح مترنجیز من أقداح الفلاح مستقیمین

على أمر الله متشبهين بذيل الكبرياء سارعين الى مشهد الفداء  
 مستظلين في ظل الشجرة المباركة الثابتة الاصول وممتدة الفروع  
 الى السماء \* رب رب هؤلاء من وجوه الاصفياء قد استضاءوا من  
 نور الهدى واستحلوا مائدة السماء واستجادوا كل أمر واقع في  
 الولاة واستنصروا من جنود الملأ الاعلى \* قد ثبتت اقدامهم  
 وخفقت اعلامهم وصلحت أعمالهم واعتدلت أفعالهم \* رب اجعلهم  
 رياحين فردوسك وأزهار جنة انسك وآيات كتابك الكريم  
 وكلمات لوحك المنشور للعالمين وطيور حدائق الثناء وصقوراً  
 صاقرة في الاوج الاسى \* انك أنت الكريم الرحيم المقتدر  
 العزيز الوهاب \*

ياران عزيز من نامہ مکو شمامہ عنبر بود بوی خوشی  
 استشمام کردید \* هر کلمه در کاشن محبت الله کلی بود ونسرين  
 وسنبلی بود \* نسیم عنایت چون از مهب موهبت بوزد حدائق  
 قلوب طراوت ولطافت زائد الوصف حاصل نماید \* این معانی از  
 جان و وجدان منبث گردد و روح و ریحان بخشد \* ای یاران  
 ارزوی عبد البها چنین است که دوستان اتحاد عمومی تأسیس  
 نمایند نه محفل اتحاد خصوصی بیارایند \* این ملاحظه را بسیار  
 داشته باشید زیرا در دورهای سابق چنین وقوعات هر چند  
 بدایت الفت بود نهایت کلفت کشت \* ما جمیع بنده يك درکاهیم  
 و خدام يك بارکاه \* امواج يك بحریم و قطرات يك نهر \* تراب



يك استانيم و كياه يك بوستان \* مبادا كلفتی در میان اید و از آنچه مقصود حقیقی است محرومی حاصل گردد \* باید یاران الهی حتی بایکانه آشنا باشند و با اغیار یار تاجه رسد بسائر ابرار \* تشکیل جمعیت ممدوح و مقبول ولی در امری مخصوص \* مثلاً محافل تبلیغ و جمعیت نشر نفعات الله جمعیت اعانه ایتام جمعیت اعاشه فقرا جمعیت نشر معارف جمعیت ترویج علوم \* خلاصه امور خیریه مثل تشکیل شرکت تجارت تشکیل شرکت تزئین صنایع \* تشکیل شرکت توسعه زراعت \* تشکیل جمعیت از این قبیل بسیار مقبول و ممدوح و راجع بعموم نه خصوص باری آنچه سبب حیات نفوس است مقبول و آنچه سبب بیکانگی مذموم \* امید وارم که جمیع یاران شرق و غرب در یک محفل بیاسایند و یک انجمن بیارایند و بجمیع خصائل و فضائل اسمانی در عالم انسانی جلوه نمایند رب رب وفقنی علی مشاهده هذه الآیه الکبری \* و بلوغ هذا المنی فی جمیع الانحاء \* انک أنت المعطى الکریم العظیم الآلاء \* بعضی از یاران خواهش حضور باین صفحات نموده اند \* این ایام حکمت اقتضا نماید \* ان شاء الله در وقت موافق اجازت داده خواهد شد

## هو الله

اللهم يا هادي الطالبين الى سبيل الهدى ومنقذ التائبين من  
بيداء الضلالة والمعنى وممطي المخلصين النعم والآلاء ومجير المضطربين  
في الكهف الاوقى ومجيب الداعين من الملكوت الاعلى \* رب  
لك الحمد بما هديت الهائمين من فيافي الجحود وأوردت المقبلين  
على الورد المورود ويسرت للمتقين أعظم الآمال وفتحت للمشتاقين  
أبواب الوصال من ملكوت الجمال وأتقتهم من نار الحرمان حتى  
سرعوا اليك ووردوا عليك ووفدوا ببابك الرحيب وحازوا أوفر  
نصيب \* رب انهم ظلموا أرويت غلثهم بماء الوصال وأسكنت  
لوعتهم يرد الفضل والاحسان وشفيت عنهم بدر ياق رحمتك يا حنان  
يا منان \* رب ثبت أقدامهم على الصراط ووسع عليهم سم الخياط  
واجعلهم رافقين في ذبول العزة السرمدية الى أبد الآباد \* انك أنت  
الكريم المعطي العزيز الوهاب \* لا اله الا أنت المقتدر المتعالى العزيز  
الجبار \* اى ياران روحانى حمد خدارا پرده برانداختيد ودلبر  
مهربان شناختيد واز مكان بلا مكان تاختيد ودر جهان حضرت  
يزدان خيمه برافراختيد وباهنك خوشى بمحامد ونعوت حتى  
قيوم پرداختيد و نغمه جانسوز بنواختيد هزار آفرين كه مشاهده  
نور مبین نموديد \* ودر خلق جديد فریاد ( فتبارك الله أحسن  
الخالقين بر اورديد \* نطفه بوديد طفل رضیع کشتيد واز ندى عزيز  
ابن عرفان نوشيديد و ببلوغ رسيديد وفلاح ونجاح يافتيد \* حال

وقت خدمت است و هنگام عبودیت حضرت احدیت از افکار  
 مختلفه فراغت یابید و بلسان فصیح بلاغت بنمائید و بمحمد و ستایش  
 حضرت مقصود مجامع و محافل بیارائید تا این فیض مانند سیل  
 منحدر گردد و جهان را بکل وریاحین بیاراید \* آن سیل نصایح  
 و وصایاست و تعالیم و تکالیف حضرت کبریا \* ای یاران جهان را  
 ظلام عناد فرا گرفته و گردباد بغضا احاطه نموده \* نار عدوانست  
 که شعله بعنان آسمان زند سیل خونریز است که از دشت و کھسار  
 جاری و ساری و جمیع نفوس در نهایت بیقراری \* پس احبای  
 الهی باید سبب محبت آسمانی کردند و آفت روحانی بپخشند  
 و بموجب وصایا و نصائح رحمانی با جمیع خلق بنهایت صدق  
 و مهربانی رفتار کنند و با عموم بخیر خواهی معامله نمایند \* دوستار را  
 جانفشانی کنند و دشمنان را کامرانی خواهند بدخوی را دلجویی  
 کنند و ستمگر را مهر پرور باشند تشنگان را آب کواری کردند  
 و مریضان را شفای عاجل دردمندان را درمان کردند و مصیبت  
 زدهگان را تسلی و جدان گمراهان را نور هدایت کردند و سرگشتهگان را  
 رهبر پر عنایت \* کوران را دیده بینا شوند \* و کران را گوش شنوا  
 مردهگان را حیات ابدیه باشند و افسردهگان را مسرت سرمدیه ملوک  
 عادل را مملوک باشند و امیر باذل را رعیت خوش سلوک اطاعت  
 حکومت نمایند و در امور سیاسیه مداخله نمایند \* توجه بنیر آفاق  
 کنند و بتحصین اخلاق پردازند \* و علیکم التحیه و التناء ع ع

ترجمه حال حضرت افغان سدره مبارکه جناب  
 ( موقر الدوله ) آقامیرزا علی محمد خان  
 علیه بهاء الله الأبهی

## مَجَالِدِ اللَّهِ

حضرتش از فروع سدره منتهی و منتسب آستانه حضرت  
 اعلی روحی له الفدا بود \* از بدو طفولیت آثار نباهت و ذکاء و دلائل  
 درایت و نبی در روی مبارکش ظاهر و هویدا \* در مهدشیر  
 خوار بود که آیات علویت از جبینش نمودار تا آنکه بسن مُراهق  
 رسید خویش و پیوند و یگانگی و اشنا آثار و امتیازی در شمائلش  
 مشاهده مینمودند \* و از اطوارش حیرت میکردند تا آنکه  
 حسن تربیت یافته \* در تحصیل کمالات صوری و معنوی نهایت  
 همت و غیرت میفرمود \* در آن مملکت فنون ادبیه و علوم مفیده  
 تحصیل فرمود چون بدرجه بلوغ رسید فروغی تازه یافت \* اطوار  
 و احوالی دیگر از او صدور نمود \* در نهایت وقار بود \* و در غایت  
 سکون و قرار \* و چون از ظهور حضرت اعلی اطلاع یافت \*  
 و وقائی که بران مظهر کبریا واقع شده واقف گشت بشور

و انجذابی افتاد • و شعله و التهابی بر افروخت که با سرار امری  
 برد و بانوار هدی مهتدی کشت و بشارت ظهور من یظهره الله  
 یافت و بطلوع شمس حقیقت مطلع کشت • از امواج محیط بی  
 منتهی و فیوضات نامتناهی کلمه علیا چنان منجذب و مشتعل  
 گردید که زمام اختیار از دست رفت • شب و روز چون دریا  
 پر جوش و خروش بود • و همواره گوش و هوش متوجه آهنگ  
 سروش • بلسانی بانهایت فصاحت و بلاغت بستایش ظهور مجلی  
 طور پرداخت • و چون لمعه نور روشن کشت • آیت توحید بود  
 و رایت رب مجید • در بیان و تبیان ادیب دبستان بود • و از بلاغت  
 کلماتش حاضرین در غایت روح و ریحان • و متمادیا عرایضش  
 بساحت اقدس میرسید و جمال مبارک با کمال بشاشت میفرمودند  
 نامه موقر الدوله بخوانید و فوراً جواب صادر میکشت • لهذا  
 توفیعات متعدده داشت و بخطاب رب الارباب فائز • از توفیعات  
 نهایت عنایت و الطاف ظاهر و باهر • و بجان و دل در ساحت  
 حضور حاضر • و بخطاب انک من الافنان المبارکه الی نبتت من  
 هذه الشجرة المقدسة مخاطب • باری در نهایت شرف و سرور  
 بود • و از نظر عنایت مکلم طور در غایت حبور • همواره هیجان  
 وجدان او بارض مقدس میرسید و سبب مسرت بندگان حضرت  
 احدیت میکشت تا آنکه شمس حقیقت از افق امکان افول  
 فرمود • و از مطلع لامکان اشراق فرمود • خبر مصیبت

کبری و رزیه عظمی چنان حضرت افغان را بحسرت و کدورت  
 انداخت که لسان مدتی ساکت شد و امواج عرفان ساکن گشت  
 شب و روز همدم اه و این بود و صبح و شام قلب حزین همدم  
 نوحه و حنین \* عبدالبها با او مخبره مینمود \* و تسلی خاطر میداد  
 تا آنکه دوباره بهیجان آمد و روح و روحان یافت و بخدمت امر الله  
 پرداخت \* مدتی در سواحل بحر عمان مامور حکومت گشت  
 و بانصاف و عدالت پرداخت جمیع مدن و دیار سواحل از کیاست  
 و ریاست او مشعوف \* و لسان بستایش و محامد و نعوت گشودند  
 جمیع میگفتند این سرور بی مثل و نظیر است و میر عدل و انصاف  
 بین غنی و فقیر \* در ایام حکومت ارزوی خدمت بعالم انسانی  
 مینمود و نهایت آمال بتر فیه رعیت و آسایش مملکت و اجرای  
 حقانیت داشت \* همواره ستایش او از بندرها بارض مقصود  
 میرسید \* یاران مهاجرین و مجاورین و عبدالبها جمیع مسرور  
 میکردیدند \* تا آنکه حوادثی رخ داد \* و بهندوستان شتافت  
 سالهای چند در آن مرز و بوم مکث و اقامت فرمود \* در مدت اقامت  
 دوست و دشمن و آشنا و بیگانه اسان بمدح و ثنای او گشودند  
 که این شخص فی الحقیقه متین و وقور است و خیر خواه و غیور  
 جامع کمالات است و در عالم انسانی از ایات باهرات و نزد کل محترم  
 بود \* با وجود آنکه میدانستند که بهائی حقیقی است و منتسب  
 شجره مبارکه \* باز منکرین و معرضین نهایت رعایت را در حق

ایشان مجری میداشتند و اعظم و اکبر ایرانیان از تجار و سیاحان  
 بحضورش میشتافتند و اظهار محبت مینمودند و احترامات فائده  
 میکردند \* فی الحقیقه شمعی بود روشن و نجمی بود درخشنده  
 بعد از مدتی از طهران او را خواستند \* و مجمع وزرا را بوجود او  
 راستند و محل مشورت کل گردید و مرجع اعتماد و احترام کل شد  
 ولی آن طیر کلشن توحید همواره آرزوی جهان باقی مینمود و از  
 جهان فانی بیزار بود \* تا آنکه اجل مسمی رسید \* و آن بلبل  
 کلزار الهی ! کلستان نا متناهی پرید و از حیزادنی بملأ اعلی صعود  
 نمود \* و در حدیقه کبریا بر شاخسار موهبت کبری باهنگ  
 و نغمه بدیع پرداخت و بروحانیان جهان بی پایان قرین و ندیم گشت  
 و بمحفل تجلی راه یافت \* و در ملکوت انوار دردربای اسرار  
 مستغرق گردید \* این شخص نازنین ایت نور مبین بود \* و این  
 عبد صادق شمعی بارق بود \* و در بوستان الهی نحلی باسق  
 الحمد لله در پایان حیات با کمال تبطل و تضرع و استقامت بر امر  
 الله و ثبات در دین الله منجذبا الی ملکوت الجمال متمنیا الدخول  
 فی محفل تجلی العزیز الجبار فانی در بحر اسرار گشت \*  
 علیه البهاء الابهی من جمال الکبریا \* و علیه التحیه  
 و الثناء من النقطة الاولى \* و علیه الرحمة  
 و الرضوان من ربه العزیز الغفار

﴿ ع ع ﴾

مناجات طلب مغفرت بجهت افنان سدره

مباركه حضرت (موقرالدوله)

هو الله

الهي الهى • كيف اذكرك وقلب عبد البها تتاجج فيه نار  
الجوى ويران الاسى من هذه المصيبة التي دهمت المخلصين يارب  
السموات الملي • قد ذرفت الاعين بالدموع • واحترقت  
القلوب بما ظهرت الرزية التي ارتفع منها نجيب البكاء من  
افتدة احبائك • وعلت ضجة النياح من قلوب أودائك • وتفتت  
بها أكباد أرقائك • رب انك بفضلك قد دعوت النفوس الزكية  
المطمئنة الى ملكوتك الاعلى وأرجعتهم الى جبروتك الاسنى  
وأدخلتهم فى جنتك المأوى • وأخلدتهم فى فردوسك الاعلى  
وتركتنى وحيدا فريدا فى الحيز الادنى • مكسور الجناح ومأبوسا  
من النجاح • غريقا فى بحار الاحزان طر يحا على تراب الحرمان  
الى متى يا الهى تركنى فى هذه الذلة الكبرى • وتدعنى محترقا بنار  
الفراق على وجه الغبراء • وتقدر لاجبتك المقربين الصعود الى  
الذروة العليا • رب قد وهن العظم منى واشتعل الرأس شيبا  
وقد بلغت من العمر عتيا فما بقى لى لآحركة ولا سكون ولا قوة  
حتى أقوم بها على عبودية اجبتك الذين اخترتهم فى باب احديتك  
وانتخبتهم لاعلاء كلمتك واجتبيهم لنشر نجاتك •  
رب رب عجل فى عروجى الى عتبتك العليا وصعدى الى النشئة



الاخرى • ووفودى على باب فضلك فى جوار رحمتك الكبرى  
 وورودى على شريعة عفوك وغفرانك فى عالم لايتناهى •  
 رب رب ان عبدك الخاضع الخاشع المبتهل المتضرع الى باب احديتك  
 الفرع الرفيع من الشجرة المباركة فى فردوس فردانيتك الملقب  
 بالموقر قد ترك هذه النشئة الفانية ورجع اليك متمنيا الدخول  
 فى النشئة الباقية • رب انه قد سرع اليك بقلب خافق ودمع  
 دافق وقلب مضطرم وصبر منصرم اشتياقا الى لقائك •  
 رب انه آمن بك وبآياتك وانجذب بنفحاتك وتوقد من النار الموقدة  
 فى سدره فردانيتك • واطمئن بذكرك ورضى بقضائك •  
 وأطلق لسانه وسرع الى ظل وحدانيتك • رب انه كان طيرا  
 صادحا فى رياضك • وأسدا زاثرا فى غياضك • وحوطا سابحا فى  
 حياضك • الى أن ضاق به الفضاء وجاء يوم القضاء ارتحل اليك  
 بقلب منجذب • وثرر مبتسم ودمع منسجم • ووجه مستبشر  
 بعفوك وغفرانك • رب اعل له الدرجات • وقدر له الحسنات  
 واشمله بلحظات الاعين الرحمانية واغرقه فى بحار الاسرار فى  
 ملكوت الانوار فى محفل كشف انوار الجمال ومطلع  
 العزة والجلال • انك أنت الكريم المتعال وانك  
 أنت القفور الرؤف الرحيم الرحمن  
 ليلة (٥) ذى قعدة مقام أعلى سنة ١٣٢٩  
 ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿شيراز﴾

# مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ايها الفاضل الجليل اني أتصرع الى الملكوت الاعلى وآنسبت  
بذيل الكبرياء أن يجعلك سراج الهدى في تلك العدو القصوى  
ينتشر منك نور الحجة والبرهان على آفاق القلوب والوجدان حتى  
يطمنن به النفوس المنزلة الاركان فتزول الشبهات التي تعترى  
القلوب والاذهان فمليك بتحرير الافكار عن القيود التي تسلسلت  
على أعناق أهل الحكمة والفلسفة في سالف الزمان من دون  
حجة وبرهان بل كانت اصغاث احلام ما أنزل الله بها من سلطان  
كرياضيات بطامبوس الحكيم \* المبينة على الظنون والاهام  
وكانت بزعمهم مبينة الاسباب مشروحة العلل قطعية الافادة الى  
أن أظهر الله الحقيقة وكشف الاستار عن واقعة الاسرار وظهر  
ظهور الشمس في رابعة النهار ان تلك الافكار اصغاث احلام  
وظنون وأوهام بل كل ما صدر من القلم الاعلى هو حقيقة الواقع  
كما انزله الله في القرآن بصريح البيان \* وكذلك الامر الآن فهما  
نطق به الكتاب أو صدر من قلم مؤيد بفصل الخطاب هو الحق  
الساطع وعين الواقع ولو خالف ما عليه القوم سواء كان السلف أو  
الخلف \* ولا شك انهم مخطئون والنصوص الالهية والشروح الواقعة

من النفوس الخاضعة الخاشعة هي الحقيقة وستظهر كالكوكب  
 الساطع في مستقبل الزمان عند أهل العرفان ان بيان الواقع هو ما بينه  
 أهل الحقيقة قوم عارفون \* والسائرون كانوا في خوضهم يلعبون كما  
 سبق في الفرون الاولى فانتبه لما انزل الله في الفرقان والشمس تجرى  
 لمستقر لها فهذا البيان الصريح من القران خالف ما عليه بطلميوس  
 وكل فيلسوف اتى بعده حيث أن تلك القواعد الباطمية كانت  
 مسلمة عند الرياضيين الذين اشتهر ذكرهم في الآفاق فاحتاج المفسرون  
 الى كل تأويل ركيك في هذه الآية المباركة حتى تطابق تلك القواعد  
 القديمة المسلمة عند القوم وتركوا المعنى الصريح المطابق للواقع  
 بالبرهان الساطع \* ثم اخيراً دقق أساتذة الرياضيين وحققوا  
 ورصدوا واخترعوا الات كاشفة للآثار العلوية وواظبوا على  
 اكتشاف الصور والكلف الذي في الشمس والقمر حيث وجدوا  
 كلفاً في الشمس نظير القمر وان كلف الشمس يغيب ويظهر في  
 مدة مقننة معينة على أسلوب واحد فبهذا ثبت عندهم أن الشمس  
 لها حركة محورية فاعترفوا ان الشمس تجري لمستقر لها كما هو  
 صريح الكتاب من دون شك وارتباب \* وهكذا الامر  
 في هذا العصر الجديد والقرن المجيد فسوف يرجع اولى  
 المعارف والفنون الى ماهو المنصوص في الزبر  
 والالواح \* أو مشروح بالهام من الله

## هو الله

ای جو یای حقیقت \* نامه رسید و مقصد معلوم کردید  
 سؤال نموده بودید که اگر این جلوه ربانی همان ملکوت اسمانیست  
 که حضرت مسیح میفرمود که نزدیک است بچه برهان ثابت  
 شود و بچه دلیل مبرهن گردد و بچه بشارت داده شود  
 فرصت جواب مفصل نیست مختصر ذکر می شود \* بدان بدلائلی  
 این ملکوت جدید ثابت شود که ملکوت مسیح بان ثابت شد  
 دلیل ملکوت لاحق مانند دلیل ملکوت سابق است بلکه  
 برهان اعظم است \* و برهان بر دو قسم است برهان عوام و برهان  
 خواص و خواص پرهان عوام قانع نکردند و عوام نیز پرهان  
 خواص یقین حاصل نمایند \* عوام خوارق عادات جویند \* اما  
 خواص این را برهان نشمرند و قناعت نکنند و سیراب نکردند  
 بلکه دلائل قطعی عقلی جویند \* لهذا برای شما که نظری دقیق  
 و عقلی سلیم دارید اقامه براهین قاطعه عقلیه نمائیم که هیچ  
 فردی را مجال انکار نه \* گوئیم که مقصد از ظهور ملکوت تربیت  
 نفوس و ترقی عالم انسانی و ظهور محبت الله و آفت و یگانگی جمیع  
 بشر و ظهور کمالات الهی و تحقق علویت عالم انسانیست \* مقصد  
 از ظهور ملکوت و نتیجه این \* پس نظر در قوت تربیت  
 حضرت بهاء الله کن که شرق تاریک را روشن نموده و وحوش  
 ضاریه را فرشته اسمانی فرموده نادانان را دانا کرده و درندگان را

آهوان بر وحدت فرموده \* نفوسی که بعقیده و عادت دشمن  
 عالمیان بودند حال بنهایت یکانگی دوست و مهربانند \* از شدت  
 جهل کتاب مقدس را میسوختند \* حال بیان حقائق و اسرار توراة  
 و انجیل مینمایند و در مدتی قلیله چنان تربیت فرمود که در زیر  
 کنند و زنجیر و تحت تهدید تیغ و شمشیر فریاد بپاهاء الابهی میزدند  
 و قاتلان را نبات پر حلاوت بدهان میدادند که بادهن شیرین ضربت  
 زن و البته حکایت بطرس حواری و بانک خروس را در خاطر داری  
 و برهان دیگرانکه \* نزد جمیع اعظم و علمای ایران  
 در طهران مسلم است که حضرت بهاء الله در مکتبی نبودند \*  
 و در مدرسه فی تعلیم نکر فتند \* از بدو طفولیت روش و سلوکی  
 دیگر داشتند \* باوجود این علما و فضلاى ملل شرق بر علم  
 و فضل و دانائی و کمالات خارق العاده او شهادت دادند \* و حضرت  
 بهاء الله را باوجود انکار و اشد عداوت اعتراف کنند که فرید  
 عصر و وحید دهر بود \* ولی معترف بمقامات عالیہ نیستند مگر  
 مخلصین و مختارین \*

و برهان دیگر نفس تعالیم بهاء الله که بکلی بینونت و اختلاف را  
 از عالم انسانی براندازد و وحدت و ائتلاف ابدی تأسیس نماید  
 مراجعت بألواح تجلیات و اشراقات و کلمات و بشارات و طرازات  
 نمائید \* واضح و مشهود گردد که ملکوت جدید را چه تعالیمی  
 که جسم علیل عالم را علاج سریع و شفاء ابدیست و قابل

الاجرا است \* وچنین تعالیمی تا بحال سبقت نیافته \*  
 و برهان دیگر اینکه حضرت بهاء الله چنین امر عظیمی که  
 صیتش افاق را گرفته \* و در شرق نهایت تمکن یافته \* و بارقه  
 صبح منیرش مانند شعاع افتاب در انتشار است \* با وجود آنکه  
 دول و ملل شرق مانع و معارض و بکمال قوت متعرض بودند  
 در این سجن شدید ظاهر و بسد و منتشر نمود \* ملاحظه نما که  
 ظهور چنین قدرت و قوتی تا بحال سبقت یافته \* چه برهانی اعظم  
 از این که در سجن انخطابات شدید را بجمع ملوک فرمود  
 و اخبارات صریح از استقبال داد \* و امپراطور اعظم را در وقتی  
 که نهایت اقتدار داشت تهدید بانقلاب سریع و سقوط تاج و انعدام  
 و اضمحلال فرمود و بعینه واقع گردید و همچنین بسائر ملوک ارض  
 این الواح و خطاب در سجن صادر و واقع \* ملاحظه فرما که باین  
 قدرت و عظمت در حبس قاتلان و سارقان جلوه نمود \* چه برهان  
 اعظم از اینست \* باری بر این بسیار فرصت تحریر ندارم  
 و اما برهان در نزد عوام نادان خواری عادات است \* مختصر اینست که  
 از این قبیل خارق عادات از حضرت بهاء الله در السن و افواه  
 بسیار و اگر بخوانند رسائل متعدده تألیف نمایند \* ولی چون  
 خصم منکر را این برهان ساطع قاطع نیست لهذا ما خواری  
 عادات از حضرت بهاء الله روایت نمائیم زیرا خصم نیز از این  
 قبیل روایات از الهه موهومه خود بیان کند و مستند بکتب

ورسائل خودش کرده • لهذا ما برهان عقلی بیان کنیم تا از برای  
 نفسی مجال انکار نماند • و عليك البهاء الابهی ﴿ع ع﴾  
 ﴿نیویورک - مستر رسلینک بر ستره وود﴾

## مِلْکُوتِ الْمَلِکِوتِ

ای مفتون حقیقت و منجذب ملکوت الله نامه مفصل رسید  
 و از تلاوتش نهایت سرور حاصل کردید زیرا دلیل جلیل بر علو  
 همت و سمو نیت بود که الحمد لله خیر خواه عالم انسانی و منجذب  
 ملکوت بهائی و مفتون ترقی عالم بشری هستی • امید وارم که  
 بسبب این افکار عالیه و انجذابات وجدانیه و بشارات ملکوتیه  
 چنان روشن کردی که پیر تو محبت الله بر اعصار و قرون بتابی  
 مرقوم نموده بودی که شاگرد مدرسه ترقی روحانی هستی  
 خوشحال تو • اگر مدارس ترقی بمدرسه کلیه ملکوت منتهی  
 گردد علوم و معارفی حاصل شود که انسان لوح منشور امکان را  
 تا متناهی بیند • و جمیع کائنات را حروف و کلمات مشاهده کند  
 و درس مقامات معنوی خواند • آیات توحید در ذرات کائنات  
 بیند و نداء رب الملکوت بشنود و تأییدات روح القدس مشاهده  
 نماید و چنان وجد و طرب یابد که در عرصه وسیع امکان نکنجد  
 اهدک ملکوت کند و بجهان لاهوت شتابد • هر مرغی چون

پر برویاند در زمین استقرار نیابد باوج اعلی پرواز نماید مگر  
 مرغانی پابسته و یابال و پر شکسته و یا الوده بآب و گل نموده  
 ای حقیقت جو \* جهان ملکوت یکیت نهایت آنست که  
 بهار تجدد نماید و در کائنات حرکت و جنبشی جدید و عظیم بنماید  
 کوه و دشت زنده شود در ختان تر و تازه گردد و برک و شکوفه  
 و ثمر بطراوتی بی اندازه جلوه نماید \* لهذا ظهورات سابقه  
 با ظهورات لاحقہ نهایت ارتباط دارد بلکه عین یکدیگرند  
 اما کون که ترقی نماید شعاع شدید تراست \* و فیض عظیم تر  
 و افتاب در دائره نصف نهار جلوه نماید \*

ای طالب ملکوت هر ظهوری جان عالم است و طیب حاذق  
 هر دردمند \* عالم بشر مریض است آن طیب حاذق علاج مفید  
 دارد و بتعالیم و وصایا و نصائحی قیام نماید که درمان هر درد است  
 و مرهم هر زخم \* البته طیب دانا احتیاجات مریض را در هر  
 موسمی کشف نماید و بمعالجه پردازد \* لهذا تعالیم جمال ابهی را  
 تطبیق بلوازم و احتیاجات زمانه نما \* ملاحظه مینمائی که جسم مریض  
 جهان را علاج بزء الساعه است بل در یاق شفای ابدیست و معالجه  
 اطبای حاذق سلف و خلف نوع واحد نیست بلکه بمقتضای  
 مرض مریض است \* هر چند علاج تغیر و تبدیل یابد ولی کل  
 بجهت صحت مریض است \* در ظهورات سابقه جسم علیل عالم  
 تحمل علاج قوی فائق نداشت اینست که حضرت مسیح فرمود



امور بسیار است که لازم است بیان شود و لکن حال شما نتوانید استماع نمود \* و لکن چون آن روح تسلی دهنده که پدر میفرستد بیاید حقیقت را از برای شما بیان کند \* لهذا در این عصر انوار تعلیم خصوصی عمومی گردید و رحمت پروردگار شرق و غرب را احاطه نماید \* وحدت عالم انسانی جلوه کند و نورانیت حقیقت جهان وجدان را منور نماید \*

نزول اورشلیم تازه شریعتی است آسمانی و کافل سعادت عالم انسانی و جلوه نورانیت عالم الهی \* عمانوئیل فی الحقیقه مبشر بر جوع ثانی حضرت مسیح بود و منادی طریق ملکوت این معلوم است که حرف عضوی از اعضای کلمه است \* این عضویت عبارت از استفاضه است \* یعنی این حرف مستفیض از کلمه است و ارتباط روحانی بکلمه دارد و جزء او محسوب میشود حواریون بمنزله حروف بودند و حضرت مسیح جوهر کلمه و معانی کلمه که فیض ابدیست بر توی بر انحروف افکننده بود \* و چون حرف عضوی از اعضای کلمه است لهذا معنی مطابق کلمه است امید داریم که آنچه جناب عمانوئیل بشارت داده امروز تو بان قیام نمائی و یقین بدان که موفق میشوی \* زیرا تأییدات روح القدس پیایی میرسد و قوت کلمه چنان نفوذ کند که حرف آئینه مجلای آفتاب کلمه شود و فیض و انوار کلمه جهان را روشن نماید و اما اورشلیم آسمانی که در قطب امکان استقرار یافته و قدس

الاقدا س ربانی که علم افراخته جامع جمیع کمالات و تعالیم سابقه است  
 و از آن گذشته منادی وحدت عالم انسانیست و علم صلح عمومی  
 و روح حیات ابدیه و نور کمالات الهیه و فیض محیط عالم افرینش  
 و زینت و آرایش افرینش \* و سبب آسایش عالم بشر است \*  
 بالواح مقدسه مراجعت نمائید اشراقات و تجلیات و کلمات  
 و بشارات و طرازات و کتاب اقدس ملاحظه مینمائید که این تعالیم  
 الهیه ایوم درمان درد عالم انسانی است و مرهم زخم  
 جسد امکانی \* روح حیا است و سفینه نجات  
 و مغناطیس عزت ابدیه \* و قوه نافذه در  
 حقیقت انسانیه \* و عليك البهاء الأبری

﴿ ع ع ﴾

مَعَالِدِ اللَّهِ

الهی الهی ترانی کیف تهامل وجهی و ابتهج قلبی و انشرح  
 صدری لما تلوت اسماء احبائك في كتاب احد من اصفیائك  
 و كلما قرأت اسماء طبت نفسا و تضرعت اليك أن تجعله قبسامن  
 نار محبتك و نفسا من صباح الفلاح بفيض رحمانيتك \* رب قد  
 عسعس لیل الحرمان علی الامکان فأشرق بأنوار شمس الحقیقه  
 علی الاکوان حتی یتنفس صبح الايقان بنور العرفان و تشرق

الارض بشماع ساطع من ملکوت الجمال \* ثم اجمل الاحباء اعلام  
 الهدى بين الورى وطيور القدس فى رياض الوفاء وحيثان العرفان  
 فى حياض الموهبة الكبرى \* انك انت الكريم العزيز المقتدر  
 المنان \* لا اله الا انت القديم العظيم البصير السميع الوهاب \*  
 اى ياران عزيز من \* جناب اقا محمد على عباس اوف نامه نى نكاشته  
 و ذكر ياران نموده و نام دوستان برده و در نهايت سرور و فرح  
 مدح و ستايش اصفيا کرده که الحمد لله احبا متضرع بدرگاه کبريا  
 و در نهايت مهر و وفا هستند کلشن محبت الله را رياحين معطرند  
 و افق معرفت الله را نجوم منور جوياار فضائل را سروهاى  
 روانند و حدائق مواهب را شکوفه و گل و ريحان \* اين خبر اثر  
 در قلوب نمود و بشارت نفوس بود که الحمد لله ياران بنصايح و و ماياى  
 دلبر مهربان قائم و عامل و در خصائل و فضائل عالم انساني ماهر  
 و کامل \* نتيجه از عالم وجود برده اند و بورد مورود راه يافته اند  
 و در ظل لواء معقود محشورند و با خلق از جميع طوائف و ملل  
 رؤف و ودودند \* بجان و دل کوشند که بيگانگى در عالم انساني  
 نماند و اشنائى در بين فرق عالم جلوه نمايد \* جميع بشر مهربان  
 بيکديگر کردند و عالم انساني بنهايت شادمانى و کامرانى فائز شود  
 اى ياران الهى تا توانيد بمحبت پردازيد و هر بيگانه نى را بنوازيد  
 و باهر دشمنى بسوزيد و بسازيد \* خفته را بيدار بينيد و غافل را  
 هوشيار دانيد و ستمکار را معامله عادلانه نمايد و جفا کار را بوظا

مقابلی نمائید خاطر نفسی میازارید و قلب انسانی مکدر نمائید  
 با جمیع خلق در نهایت خضوع و خشوع باشید و سریر شهریاری را  
 رعیت صادق امین گردید \* اولیاء امور را اطاعت کنید و در امور  
 سیاسی قطعاً مداخله نمائید \* محافل را بد ذکر الهی بیارائید  
 و نفوس را بنفس رحمانی تربیت کنید \* جز ذکر حق کلمه فی  
 بر زبان نرانید و جز در سایه امید نیارمید امید این عبد چنین است  
 که خداوند مؤید مظلومان گردد و موفق ستمدیدگان شود \* در ایران  
 از اعلیحضرت شهریار مهربانتر کیست و خیر خواه تر که \* نهایت  
 تضرع و ابتهال طلب اسایش و شفا بجهت آن پادشاه بنمائید  
 مزار افسوس که ایرانیان قدر این تا جدار ندانند و مهلت  
 ندهند که بصرافت طبع مبارک و طیب خاطر تأسیس  
 قانون عادل نماید و ازادی افکار و وجدان احسان  
 فرماید \* وعلیکم التحية والثناء

﴿ ع ع ﴾

﴿ شیراز ﴾

هو الله

حمداً لمن أنار الأفق الأعلى بضياء ساطع من شمس الحقيقة  
 على الأرجاء وأفاض على الوجود فيض الجود وتجلي على الكوان

بفيض الرحمن وانجذبت حقائق الامكان وانبعثت واشتعلت  
وانصعقت والتهبت واثتلفت وارقتبت واستفاضت من تلك  
الاثار واستنارت من تلك الانوار وخضعت وخشعت لرب  
الآيات البيّنات في الاعلان والاجهار \* والنور الساطع من الملائكة  
الاعلى بالتحية والثناء على الكلمة العلياء الجامعة للاسماء الحسنی  
الفائضة من العوالم العلياء على الحقائق المنجذبة بنفحات الله الناطقة  
بالثناء على الجمال الابهی \* وعلى من تنور بنوره وانجذب بظهوره  
الى ابد الآباد \*

ای بنده استان مقدس از نوافل و مندوب و اذکار و اوراد  
مسنون سؤال نموده بودید \* در این دور آنچه مخصوص فرائض است  
اما اوراد و اذکار و نوافل و مندوب مخصوص غیر مفروض \* اما  
قرائت هر مناجات بعد از نماز محبوب و مقبول اختصاص نداشته  
و اما تکمیل نفس در این دور منوط بر ریاضت و خلوت و عزلت نه  
بلکه بانقطاع و انجذاب و اخلاق رحمانی و تحصیل معارف ربانی  
و تحسین اطوار و تزین قلب بنفحات رب الاسرار بوده  
و خواهد بود \* آداب و اصول ریاضت که از پیش بود

بکلی منسوخ گشت \* هذا هو الحق وما

بعد الحق الا الضلال المبين \*

وعليك التحية والثناء

﴿ ع ع ﴾ \*

﴿ شیراز ﴾

## هو الله

ای بنده الهی نامه شما وصول یافت و از عدم فرصت جواب مختصر مرقوم میگردد. از علم نجوم سؤال نموده بودی آنچه تعلق بر ریاضیات دارد آن مقبول و آنچه از پیش منجمین قدیم تأسیس نموده اند و تأثیرات عظیمه در تربیع و تثلیث دانسته و از قران کواکب در مواقع وسیر و حرکت در منطقه البروج و استقامت نجوم و تأثیر ساعات و تخصیص اوقات مرقوم نموده اند و در کتب موجوده مذکور عبارت از تصورات و افکار اسلامست. و اساس متینی غیر موجود. ولی نفوسی از پیشینیان بقوه تبطل اطلاع بر بعضی از اسرار کون یافته. و از روابط و تعلقاتی که در بین موجودات است اطلاعی حاصل نموده. آنان مطلع بر بعضی اسرار خفی که در حقائق اشیاست واقف گشتند و بعضی وقایع آتیه از روابط موجودات استنباط نمودند. این محل انکار نه. چنانکه در رساله خال در ذکر نجم بازغ که دلالت بر ولادت حضرت روح مینمود مرقوم اما باوهامات مندرجه در کتب نجومیه قطعاً اعتماد نه. و اما مسأله عطسه و هم صرف است این دور مبارک این او هلم را از میان برد. ذکرش نیز جائز نه. و عليك التحية والثناء

# مَعَالِدِ الْبَرِّ

ای طالب حقیقت \* انسان جزء اعظم عالم وجود و ثمره شجره جهان شهود است نوعیت ابدیست \* و این حقیقت سرمدی اورا بدایتی نه و نہایتی نیست \* آنچه حکمای فرنگ در نشو و نما ی انسانی گویند که از عالم جماد و نبات و حیوانی آمده و بنشو و نما باین مقام رسیده او هام است زیرا نوعیت قدیم است شاید در این کره ارض در بدایت بمنزله نطفه بوده بعد ترقی کرده و بمقام احسن الخالقین رسیده \* اما آن نطفه که بتدریج ترقی نموده نوع انسان بوده نه حیوان لهذا این نوع قدیم است و از اصل اشرف کائنات روی زمین \* هذا هو الحق وما بعد الحق الا الضلال المبين لم يزل حق بوده و خلق تجدد یافته \* مانند افتاب و شعاع خورشید بی نور ظلام دیجور است \* و سراج خاموش سزاور کاشانه کور \* و عليك البهاء الابهي

﴿ بمبي ﴾

هو الله

ای بنده الهی \* در خصوص چشم پاك و ناپاك یعنی اصابت عین مرقوم نموده بودید \* این محض توهم است \* ولی احساساتی

از این وهم در نفوس حاصل گردد آن احساسات سبب حصول  
تأثرات شود • مثلاً نفسی بشور چشمی شهرت یابد که این شخص  
بد چشم است و نفسی دیگر معتقد و متیقن بتأثیرات چشم چون  
آن شخص به بد چشم مشهور نظری باین بیچاره نماید این متوهم  
مضطرب گردد و پریشان خاطر شود و منتظر ورود بلائی گردد  
این تأثرات سبب شود و وقوعاتی حاصل گردد • و الا نه اینست  
که از چشم آن شخص آفتی صادر شد و بوجود این شخص  
رسید • لهذا اگر نفسی بقلبش چنین خطوری کرد که  
فلان شخص شور چشم است و مرا نظر نمود فوراً  
بذکر الهی مشغول شود تا این وهم از قلب  
زایل گردد • و عليك البهاء الأبهی

﴿ ع ع ﴾

﴿ بندر جز ﴾ اَحِبَّايَ اَلْهَى وَاَمَاءَ رَحْمَنٍ عَلِيْمٍ وَعَلِيْمِنَ الْبِهَاءِ الْاَبَهَى

هُوَ اللهُ

ای احبای الهی و اماء رحمن • الحمد لله آیامی که سحاب متراکمه  
جنک آفاق عالم را تاریک و عرصه را تنگ نموده بود حال بیک  
اندازه متلاشی شده عالم افرینش اندک اسایش یافته راههای بسته  
کشوده گشته و ابواب سدوده مفتوح شده • باب مخبره دوباره  
باز گشته و بیاد شما مشغولم و بذکر شما مألوف • در این سالها که



جنگ مهیب فراز و نشیب را زیر و زبر نمود • و جمیع مال عالم را  
 بمصائب شدید انداخت • نفسی محفوظ و مصون نماند و ملل و دول  
 عالم بهزار صدمات مبتلا گشتند • پدران بی پسر شدند • مادران  
 بتمام پسران گریبان دریدند و بگرییدند • اطفال یتیم شدند و نساء  
 در خوف و بیم افتادند • معمورها مطمور گشت و شهرهای آباد  
 ویران گردید • کورورها از نفوس زیر شمشیر رفت • و کورورها  
 دستگیر و اسیر شد • الحمد لله یاران الهی در جمیع اقالیم در صون  
 حمایت تعالیم الهی محفوظ و مصون ماندند و مظهر الطاف حضرت  
 بیچون گشتند • ملاحظه نمائید که تعالیم الهی از برای کل حصن  
 حصین بود و قلاع متین • پس اگر جمیع من علی الارض متابعت  
 تعالیم الهی نمایند البته روی زمین بهشت برین گردد • حال  
 بشکرانه این الطاف باید بخدمت حضرت بدیع الاوصاف  
 پرداخت و بر ثبوت بر میثاق قیام نمود تا وحدت بهائی محفوظ  
 و مصون ماند • ملاحظه کنید بهیچ قوه‌ئی ممکن است وحدت  
 بهائی را محافظه کردن مگر بقوه میثاق • اگر ادنی تهاون  
 و فتوری حاصل گردد شبهات تمام قوت بقلوب خطور نماید  
 و مذاهب مختلفه ظهور کنند و امر الله بکلی محو و نابود شود • قوه  
 میثاق است که آفاق را باهتر از آورده • زیرا در جسم امکان عرق  
 شریان است که نابض است و قابض • و کافل جمیع امور و ضابط  
 امور جمهور و قوه ارتباطیه در میان عموم • باری امیدوارم که

احبای حقیقی و دوستان صمیمی در این ایام شوری جمید بنمایند  
 و جوش و خروشی پدید آرند \* زیرا جمیع طوائف عالم نهایت  
 استعداد یافته که تعالیم الهیه استماع نمایند زیرا وقوعات خوریزانه  
 در این جنک سبب شده که ناس خواه نا خواه مفتون صلح عمومی  
 گردند و مجذوب مغناطیس الهی شوند و تشنه چشمه تعالیم ربانی  
 گردند \* اگر نفوس مبارکه تمام قوت بر نشر نجات قیام نمایند  
 اندک زمانی نمیکزرد که بنیان جنک بر افتد و بنیاد بغض و عدوان  
 بکلی معدوم و مهذوم شود \* بهار روحانی آید و نجات رحمانی  
 وزد \* حرارت شمس حقیقت چنان نافذ شود و احاطه نماید که  
 جمیع برودت و خمودت و کسالت از کون زائل گردد \*

الهی الهی هوّلاء عباد مخلصون منجذبون مشتعلون بنار  
 محبتك \* ینادون باسمك وینطقون بالثناء علیك ویتوقدون بالنار  
 المشتعلة فی سدرة رحمانیتك \* ویستفیضون من أمطار سحاب  
 فردانیتك ویتضرعون الی ملكوت وحدانیتك ولا یتغفون الا  
 رضائك ویرضون بقضائك رب انصرهم بجنود من الملائة الاعلی  
 وایدعم بشدید القوی واجعل وجوههم ساطعة بأنوار الهدی حتی  
 یكونوا آثار رحمتك بین الوری \* وأجزل علیهم العطاء واكشف  
 لهم الغطاء واختصصهم بموهبتك التي لا تنهاهی \* انك أنت الکریم  
 انك أنت العظیم \* وانك أنت الرحمن الرحیم

مناجات طلب مغفرت بجهت متصاعدا الى الله اقا ابو القاسم  
 وفائز بقاء در مقعد صدق آقا محمد ابراهيم منشادي  
 عليهما بهاء الله الابهي

## هو الله

الهي الهى ان هذين الاخوين السليلين الجليلين ينتسبان الى  
 عبدك الذى لبي النداء المرتفع من ملكوتك الاعلى وقال ربنا اننا  
 سمعنا مناديا ينادى للايمان ان آمنوا بربكم فآمننا ربنا فاغفر لنا  
 ذنوبنا وثبت ثبوت شوامخ الجبال واستقام استقامة المخلصين على  
 امرك يوم الوصال وخرج من وطنه مع سليله مقبلا اليك متوكلا  
 عليك منجذبا بنفحات أيامك شاكرا على نعمائك وطوى الاودية  
 والمهاد وقطع الحزون والجبال وتحمل كل مشقة وبلاء حتى سلم  
 الروح فى الطريق وتجرع كأس الفداء الطاخة بالرحيق الانيق واسلم  
 الروح وهو متوقد بنار الاشتياق منجذب الى نير الافاق وترك  
 هذين السليلين الجليلين احدهما من سمي بابي القاسم الذى اخترته  
 لخدمتك فى الروضة الغناء وجزيرتك الخضراء وكان فى الليل والنهار  
 يخدم الازهار والاشجار ويسقى سقاية المسجد الحرام ولا يعرف  
 التعب والملال ولا النصب والكلال بل يواظب على الحديقة النوراء  
 بكل تبذل وتضرع وابتهاال وشقيقه الآخر من سمي بابراهيم قام  
 على خدمتك فى الغدو والاصال ولم يفتر فى عبوديتك انا الليل

والنهار وكان مواظبا على الاشجار في الجنينة التي شرفتها في أمد  
مديد بسطوع الانوار \* رب انه كان قرير العين بمشاهدة الجمال  
وفرح القلب ومنشرح الصدر لاصفاء الخطاب الى أن اشتدت  
الرزية الكبرى \* وتبدل النهار بالليله الظلماء وناح الملا الأعلى  
وضج ضجيج الثكلي طلعات القدس في الفردوس الأعلى \* وقد  
ثبت هذان الاخوان على عهدك وميثاقك ولم يزل قدمهما من  
عواصف الامتحان وقواصف الافتتان وخدماعتك العليا بقلب  
خافق بحبك ولسان ناطق بذكرك ودمع دافق من الحرمان وقلب  
مضطرم بنيران الحسرات الى أن تركا الحضيض الاذني وعرجا  
الى ملكوتك الأبهى مستقيمين على أمرك ثابتين على عهدك  
منجذيين بنفحاتك مرتلين لآياتك معتمدين على عفوك وغفرانك  
رب ارفع لهما الدرجات وأدخلهما في ملكوت الاسماء والصفات  
واغرقهما في بحر الرحمة في مجبوحة الجنان وزد لهما الفضل  
والاحسان واجعلهما سراجين وهاجين في زجاجة الملكوت  
وآيتين لامعتين بنور المغفرة في عتبة اللاهوت \* انك أنت  
الكريم انك أنت الرحمن الرحيم \* انك أنت العفو الغفور  
لا اله الا أنت الكريم الوهاب

٢٦ رمضان ١٣٣٧

﴿ ع ع ﴾

# هو الله

ای زائر مشکین نفس • در معنی خلق السماوات والارض  
 فی ستة أيام لسانا بیان کردید • واما اطفال از پنجسالگی باید  
 در تحت تربیت داخل شوند • یعنی روزها در محلی که مر بیان  
 هستند محافظه شوند و ادب آموزند • و بتحصیل بعضی حروف  
 و کلمات و قرائت مختصر بعنوان بازی تعلیم شوند چنانکه در بعضی  
 بلاد حروف و کلمات را از شیرینی ساخته بطفل میدهند • مثلا  
 شکل الف از شیرینی ساخته اند اسمش الف است و بار از شیرینی  
 ساخته اند اسمش باست و همچنین سایر احرف بطفل خوردسال  
 میدهند • اطفال زود حروف را یاد میکیرند • اما تسمیه باسم  
 مبارك یعنی بهاء الله و باسم حضرت اعلی یعنی باب یا نقطه اولی  
 جائز نیست • اما اسم عبد البهاء گذاشتن جائز است • تاریخ  
 شهدای یزد که جناب بیضا تألیف نمودند اگر چاپ شود  
 بسیار خوبست • اما در وقت خواب اطفال امهات  
 باید غزلیات جمال مبارك را بخوانند تا از سن  
 طفولیت این اطفال بآیات هدی تربیت  
 شوند • و عليك البهاء الابهی

حیفا ۱ نو فبر ۱۹۱۹

﴿ ع ع ﴾

﴿ اسلامبول ﴾

احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای روحانیان ای نورانیان \* ظلمات جهل افق عالم را تاریک  
 نموده و ناثره جنگ در دور و نزدیک از لشکر اوروب و امریک  
 شعله بعنان آسمان زده \* عاقبت با آسیا و افریک نیز داخل شده \*  
 ارباب نزاع و جدال کل فریاد حی علی القتال بر آورند مگر بهائیان  
 توك و تاجیک که امیخته اند و آسیا و امریک مانند دودلبر دست در  
 اخوش یکدیگر کردند \* مشام افریک بنفحه الهی در این ایام معطر  
 و معتبر گشته ای یاران جمیع اقوام مهاجم بر یکدیگر جمیع ملل  
 مظلوم بهد یکرمگریاران که اهنک و وحدت عالم انسانی را بلند  
 نمودند و با جمیع طوائف مؤانس و مهربان عموم خلق را اغنام الهی  
 دانند و حضرت احدیت را شبان مهربان خوانند لهذا از جنگ  
 دلتنگند و از قتال پر ملال \* خلق و خوی فرشته جویند و تأسیس  
 صرح مورد وحدت انسان خواهند \* در سبیل حق جانفشانند  
 و در وادی محبة الله سرگشته ویدر و سامان \* ای احبای الهی تا بحال  
 نظر بحکمت کبری تبلیغ دران مدینه ممنوع بود حال بهار تبلیغ  
 با کمال حکمت بایدان خطه را زنده نماید و کل و شکوفه برویاند  
 غبطه بهشت برین گردد و ائینه عالم علین شود \* پس بحکال

حکمت بکوشید تا تشنگان را بزلال معانی حیات تازه بخشید  
 و محرومان را محرم اسرار کنید \* و بی نصیبان را بهره و نصیب دهید  
 خاک سیاه را گل و ریاحین برویابید و مریضان را شفای حقیقی  
 بخشید \* کوران را بینا کنید و گمراهان را نشانما کنید \* و من از ملکوت  
 ابهی شمارا تأییدات نامتناهی طلبم \* و فیض الهی جویم و قوه  
 اسمانی خواهم و اخلاقی ربانی ارزو دارم \* و علیکم البهاء الابهی  
 بهجه عکا ۲۵ جون سنه ۱۹۱۹ .

﴿ ع ع ﴾

﴿ مناجات ﴾ طلب عون و عنایت بجهت شرکه نونهالان  
 و جمعیت درس اخلاق اطفال ﴿ در قزوین ﴾

### مَوْلَا اللّٰهِ

ای پاک یزدان این نهالان جو بیار هدایت را از باران ابر عنایت  
 تو و تازه فرما و بنسیم ریاض احدیت اهتزازی بخش و بحرارت  
 شمس حقیقت جانی تازه عطا نما تاشو و نما نمایند و روز بروز ترقی  
 کنند و شکفته گردند و پر بار و برک شوند \* ای پروردگار جمله را  
 هوشیار کن و قوت و اقتدار بخش و مظاهر تایید و توفیق فرما که  
 در نهایت بر ازنده کی در بین خلق محسوس شوند توئی مقتدر و توانا  
 حیفاً ۱۲ اکتوبر ۱۹۱۹ ﴿ ع ع ﴾

طلب مغفرت از برای جناب اقا محمد ابراهیم مشهدی فتاح  
( علیه بهاء الله الابهی )

## مَعَالِدُكَ

رب ورجائی أدعوك في غدوى واصالى وأذكرك في صباحى  
ومسائى وأتضرع اليك في بكورى وعشائى حتى تنقذنى من  
غمرات الهوى وتنجينى من هذه البئر الظلماء وتجذبى الى ملكوتك  
الابهى وتشغلنى عما سواك ليلا ونهارا \* رب ان عبدك الجليل سمي  
الجليل ﴿ محمد ابراهيم ﴾ قد خلقتة من صلب الرجل الحليم زعيم  
المسجونين ومن خاص المهاجرين \* طوبى له بما ربيته في حضن  
رحمانيتك وحجر ربانيتك وأرضعته من ثدى حبك وأنشأته في  
ظل عنايتك حتى بلغ أشده فدخل في السجن وانتسب الى عتبة  
قدمك وما برح يستأنس بذكرك وينطق بالثناء عليك الى أن  
اشتاق الى لقائك وهرع وسرع الى باب أحديتك مستغفراً  
لذنوبه مستجيراً بذيل عفوك وغفرانك \* رب ليس له زاد الا  
التوكل عليك أنت المغيث للملتجئين وأنت المعين للائذين وأنت  
المجير للعائذين \* رب اغفر له الذنوب \* وأنقذه من الخطوب  
واكشف له الكروب \* وأورده على مناهل العطاء وجرعه



كأس الوفاء • واجعله آية الفضل والاحسان

في بجموحة الجنان وخلال جنة الرضوان •

انك أنت الكريم • انك أنت الحلیم

وانك أنت الغفور الرحیم

حيفا ۱۵ اگست سنه ۱۹۱۹

﴿ ع ع ﴾

﴿ عشق آباد ﴾

مولانا

ای مبلغ حقیقی و هادی صمیمی و دلیل جلیل سبیل امر الله  
 در سفر بطهران نهایت زحمت و مشقت تحمل فرمودی  
 و استقامت و ثبوت در مورد امتحان بنمودی • هر چند مدتی  
 در شدت عسرت گذراندی ولی الحمد لله بخدمت عظیمی موفق  
 گشتی • عبدالبهاء این خدمت را همواره در نظر دارد و هر وقت  
 که بخاطر آرد فرح و سرور رخ نماید که الحمد لله جمال مبارك  
 چنین بندهائی دارد که او را جز رضای او مقصدی نه و جز فنای  
 محض ارزونی نیست در سبیل الهی جانفشانست و در محبت الله  
 سرگشته و پریشان • حقا که شمع حضرت بی مثل نبیل جلیل را  
 بر افروختی و نورانیت اخلاق با شرف اعراق جمع نمودی از شدت

آلام محزون مباش \* این سبیل الهیست لابد زحمت و مشقت دارد  
 و صدمه و بلا \* اگر چنین نبود نکستی نداشت و حلاوتی نه  
 بالبلاء یضیء وجه البهائم \* باری در این سنین متتابعه انقلاب  
 شدت اضطراب جمیع خلق را احاطه نمود بخصوص احبای  
 ترکستان را که همواره در خطر عظیم بودند \* ولی الحمد لله بی  
 خوف و بیم و اهل ملاً اعلی را همدم و ندیم \* امید چنانست که  
 آفات منتهی شود و تلافی مافات گردد \* جمیع احبای ترکستان را  
 از قبل عبد البهائم تعلق قلب و تحیت و اشتیاق برسان \* و عليك  
 البهائم الابهی \*

الهی الهی هذا عبدك آية توحيدك و راية تفريدك الناطق  
 بذكرك الناصر لدينك الناشر لنفحاتك المتتبع في كل مكانك \* رب

اجعله مصباح الفلاح و سراج النجاح بين بریتك یرتل  
 آیات شکرک بین عبادک و یتلو علی الغافلین قرآن

حجتک و برهانک \* ثم احفظه من طرارق

اللیل و جوارح النهار و الهمز و اللمز و غمز

الاشرار \* انک أنت المقتدر

العزیر الجبار

حیفاه ربیع الثانی سنه ۱۳۳۷

ع ع ع

﴿عشق آباد﴾

## هو الله

ای منادی پیمان \* نامه تی که بتاریخ ۲۳ ربیع الاخر سنه ۱۳۳۷  
 بافنان اقا میرزا محسن مرقوم نموده بودی ملاحظه کردید و همچنین  
 نامه تی که بخود من نکاشته بودی \* فی الحقیقه در این سنین خمس  
 شداد بنهایت مشقت و زحمت واضطهاد افتادید \* عن والام  
 شدید بود و بلایا و رزایا از هر طرف محیطه \* ولكن الحمد لله که  
 ان حیب صبور و وقور و شکور بودند \* جانفشانی نمودند و از  
 فدائیان حضرت رحمانی بودند و البته این صبر و قرار را نتایج  
 عظیمه و پایدار خواهد بود (وان یمسک الله بضر فلا کاشف له  
 الا هو \* و سنیسره لیسری) \*

کتاب مرسل رسید \* در خصوص ان چندی پیش مکتوب  
 مفصل بهر یک از شما و جناب اقا سید مهدی مرقوم کردید هر دو  
 مکتوب بسیار مفصل بود \* نسخه ثانی ارسال میگرد \* کتب  
 حال در عشق آباد باشد تا خبر ثانی از اینجا برسد \* از هرج و مرج  
 بلشفیگی مرقوم نموده بودید \* نصوص مبارکه تحقیق یافت که  
 بی دینی سبب هرج و مرج گردد و انتظام حال بکلی بهم خورد  
 مراجعت با شراقات نمائید \* الحمد لله که مدینه عشق از این گروه

وسطوت حزب مکروه محفوظ و مصون ماند \* احبای الهی باید  
 ملاحظه نمایند که در این طوفان عظیم و اضطراب شدید که جمیع  
 ملل عالم بنهایت الام و عن افتادند کرورها از خاندان محترم و دودمان  
 مکرم هدف رصاص و معرض شمشیر گشتند نفوس تلف  
 شدند بنیانهای عظیم بر افتاد \* جوانان در خاک و خون غلطیدند  
 و پدران مهربان کریستند و مادران عزیز جامه دیدند \* و اطفال  
 معصوم بی کس و یتیم گردیدند \* شهرها ویران گردید \* قریه ها قاعا  
 صاف شد \* فریاد و فغان از جمیع جهان برخاست خسران و زیان  
 توانگران را از پا برانداخت \* با وجود این اضطراب و انقلاب  
 احبای الهی در هر نقطه‌ئی محفوظ و مصون ماندند و این محفوظی  
 و مصونی نتیجه تعالیم جمال مبارک بود و الا در سائر امور با جمیع  
 طوائف همعنان بلکه در تدایر آنان بیشتر و بیشتر بودند \* پس  
 واضح و مشهود است که در صون حمایت و صایا و نصائح حضرت  
 بیچون کل محروس و مصون ماندند \* پس باید ما بان تعالیم متمسک  
 و متحرک کردیم و مقدار شعره‌ئی تجاوز ننمائیم \* و از اعتدال  
 حقیقی نکذریم و طریق اعتساف نپوئیم زیرا بعضی از احبا اندکی  
 تجاوز نمودند و نتایج سوء واضح و مشهود شد \* جمیع یاران الهی  
 علی الخصوص نفوس مخلصین را از قبل عبد البهائت  
 مشتاقانه برسان \* و عليك البهاء الابهی

﴿ مازندران اماء رحمن \* علیهن بهاء الله الابهی ﴾

## هو الله

ایتها المؤمنات ایتها القانتات ایتها المنجذبات کشور مازندران  
 موطن حضرت رحمن است \* واقلم طبرستان منبت شجره  
 مبارکه یزدان \* اماء مازندران ورقات طیبه دوحه حقیقتند  
 وثمره شجره عرفان و محبت \* روحشان منجذب و قلبشان مشعل  
 بصرشان حدید و سعیشان مقبول رب مجید لهذا این عبد بذکرشان  
 پرداخت و بملکوت عزت آهنگ تضرع و ابتهال افراخت که  
 ای دلبر آفاق این جمع نساء ترا کنیزانند و از شدت محبت اشک  
 ریزان و از کمال شوق کف زنان و پا کویان افروخته اند و جان  
 سوخته \* و از ماسوای تو دو دیده دوخته \* ای دلبر مهربان  
 این ورقات قانتات را پر شور و شعله نما تا از لعله نور در صحرای  
 طور اقتباس کنند \* و رب ارنی کویان یوم لقار احساس نمایند  
 پروردکارا هر چند ایام غیبت است ولی این قرن عظیم ترا عصر  
 ظهور است و این صحرای وسیع وادی ایمن و شعله طور  
 پروردکارا فیض ابدی بخش و فوز سرمدی ده تا بخدمت  
 امرت قیام نمایند و ان کشور را بجلیل اکبر دلالت  
 کنند \* تویی دهنده و بخشنده و مهربان

حیفاء آب ۱۹۱۹

﴿ ع ع ﴾

﴿ بغداد ﴾

احبائى الهى عليهم بهاء الله الابهى

هو الله

أيها العصابة الثابتة والثلة الراسخة على عهد الله وميثاقه \* اننى  
بصدر واسع وقلب خافق بمحبة الله اذكركم واذكرکم بنعم الله  
والآلئه التى لاتتناهى وهى سطوع نور الهدى فى القلوب والانشراح  
بنفحات الله العابقة فى حدائق السرور والاستقامة فى أمر الله  
فى مقابلة أهل الشرور فواطر با ووا فرحاً لكم بما اختاركم ربكم  
لاعلاء كلمته فى يوم النشور فاعرفوا قدر هذه الايام واتحدوا اتحاد  
الماء والراح بكل سرور وحبور \* ولا تفرقوا فتذهب ربحكم  
وتتساقطون سقوط النجوم فى وهدة الغيوم والهموم وانى لمنشرح  
الصدر بما طرق مسامى انكم أصبحتم أزمة واحدة وهذا أمر  
مشكور \* يا أغنام الله عليكم بجمع القطيع حتى لم يبق فيكم ضال  
منشود فلاطفوا بعضكم بعضاً وغضوا ابصاركم عن القصور  
(واذا مروا باللغو مروا كراماً) وغضوا الطرف عن العيوب \*  
هذا ما وصاكم به جمال القدم فى الزبر والالواح وكتاب مسطور  
واننى طافح القاب ببحبكم ودالع اللسان بذكرکم وفصيح البيان  
بالثناء عليكم \* اسئل الله أن يجعلكم آيات الهدى بين الورى  
ان ربي لكریم رحيم وهاب وعليكم البهاء الابهى

عكا ٣١ أيار سنة ١٩١٩ ﴿ ع ع ﴾

عشق اباد

# مُعَاذَ اللَّهِ

رب ورجائي اناديك في العشي والابكار وبطون الليالي والاسحار  
وادعوك بقلبي وروحي وفؤادي ان تؤيد عبدك الصادق المنتسب  
الى النفس المقدسة عبدك الذي صعد اليك \* وسجد بين يديك  
ووفد عليك من اخترته بين العالمين لاعلاء كلمتك ونشر نفحاتك  
وتفسير برهانك وتشرح بيناتك وسميته بالفضل عدلا من لدنك  
وسقيته من الكأس الدهاق حتى ترشح من صهباء الوفاق واشتهر  
صيته في الآفاق \* وقضى نجه وهو ينشر آثارك وبراهينك في  
مشارك الارض ومغارها \* رب ماقضى يوما من الحيات الا خدم  
عتبتك المقدسة وما مضى ليلا الا ارتفع منه ضجيج المناجات  
وأجيج الزفرات الى ملكوت الآيات ويتضرع اليك في ظلام  
الليل الذي يجور بقلب خافق بذكرك ودمع دافق في حبك وانجذابا  
الى عتبة قدسك حتى ترك الثرى وطار الى ملكوتك الاعلى  
جوار رحمتك الكبرى \* واستغرق في بحر الانوار \* واستقر في  
ملكوت الاسرار في تجليات العوالم التي لا تقناهي \* انك أنت  
الكريم وازك أنت المعطي وانك أنت الباذل وانك أنت المؤيد  
الرحمن الرحيم \*

رب رب ان عبدك هذا ينتسب الى ذلك العبد وعريق في المجد  
 الاثيل يستحق الطافك ويرجو جوارك واحسانك ويبتهل شوقا  
 الى ملكوت آياتك \* رب اسئلك بجاه ذلك العبد المقرب في عتبتك  
 العالیه أن تمنح هذا العبد الاطاف التي اختصاصت بها ذلك الرقيق  
 الجليل واجعل له نصيبا من بحره وغرفة من نهره وسنوحات من  
 فضله حتى يرثه في جميع الشؤون والاحوال ويقتدى به في الفضائل  
 التي شاعت وذاعت عنه في الآفاق انك انت الحی القيوم  
 ای یاد کار انشخص جلیل نامه بعد از چهار سال رسید باوجود  
 این نهایت دقت ملاحظه کردید \* از مضمون این نهایت محزون  
 شدم زیرا دلالت بر شدت زحمت و مشقت شما در تدوین کتاب  
 و تحریر فصل خطاب می کرد \* هر چند ماههای چند زحمت کشیدی  
 و آرام نیافتی و شب و روز کوشیدی و جوشیدی تا آنکه این کتاب  
 مستطاب که آثار اخیر حضرت ابو الفضائل است جمع شد \* این  
 کار چون بسیار مهم بود لهذا در پرداختنش هر زحمتی رحمت  
 بود و هر مشقتی راحت \* باید در امور نظر بنتیجه آورد نه مبادی  
 هر امر مهمی در وجود در ابتدا نهایت مشقت و بلاست و در انتها  
 موهبت کبری پس باید بعواقب امور و شؤون نظر نمود \* مقصد  
 اینست هر چند عقبه کبری طی نمودید و لکن بنتائج مستحسنه  
 رسیدید و ان بقای آثار آن متصاعد ملکوت اسرار است \* يك  
 نسخه از ان کتاب باید بارض اقدس فرستاده شود و از طهران



خواهم خواست و یقین است که نتایج عظیمه خواهد داشت  
 و چون ترویج گردد نهایت سرور و حبور از برای شما حاصل  
 شود \* اگر چنانچه در مقابل این زحمت مکافاتی حاصل نشده  
 مطمئن باش که مکافات الهی رسد و تأییدات صدبدانیه حصول  
 یابد و اصل یاد داشتهای ابی الفضائل و رسائل که ارسال شده است  
 حکما باید بارض اقدس اعاده گردد حتی ورقه واحده در دست  
 کسی نماند تا جمیع در محل محترمی محفوظ و مصون گردد و باقی  
 و بر قرار ماند چه که آثار قلم ان برزگوار است \* این جواب  
 مکتوبیست که چهار سال پیش ارسال داشته اید الان رسیده  
 است اینمدت مجبوراً در پورتسعید اقامت و راحت کردید حال  
 طی مسافت نموده بارض اقدس واصل شده زیرا میان ارض  
 اقدس و پورتسعید سبیل بکلی منقطع بود ارسال مکتوبی ممتنع  
 و محال از اینجهت در وصول تأخیر یافت \* من بعد انشاء الله  
 باز مکتوب مخصوص ارسال خواهد شد

سیف ۴ جنواری ۱۹۱۹

﴿ ع ع ﴾

﴿ اسلامبول احبای الهی علیهم بهاء الله الابی ﴾

هو الله

یاران مهربانا چندی پیش نامه‌ی در نهایت اشتیاق تحریر

وارسال گردید حال نیز بتکرار بیان اشتیاق میشود احبای  
 اسلامبول هر چند معدودی قلیل هستند ولی الحمد لله مانند کوب  
 ثریا مجتمع و نجوم روشنی هستند. در این ایام آن خطه استعداد  
 عظیمی دارد. اگر نفسی از عقلا بر تعالیم الهی اطلاع یابد و منجذب  
 گردد نتایج عظیمه بخشد زیرا تعالیم جدیده روح این عصر و نور  
 این قرن است. از جمله ثمری حقیقت است که هادم بنیان تقالید  
 است. از جمله وحدت عالم انسانیت که جمیع بشر اغنام الهی و خدا  
 شبان مهربان و بجمیع اغنام خود در نهایت الطاف. و از جمله صلح  
 عمومیست و این علاج فوری هر مرض در این عصر نورانی. و از  
 جمله دین باید سبب الفت و محبت گردد اگر چنانچه سبب بغض  
 و عداوت شود ثمری ندارد. از جمله تطبیق علم و عقل و دین  
 از جمله ترك تعصبات دینیه و تعصبات مذهبیه و تعصبات جنسیه  
 و تعصبات تراییه و تعصبات سیاسییه است از جمله عدل و مساوات  
 بلکه مساوات اغنیا با فقرا از روی طوع و رغبت نه جبر و شدت  
 از جمله مسئله اقتصاد و این مفصل و از جمله مساوات رجال و نساء  
 باستثناء در بعضی مسائل. از جمله عدل و حق. از جمله توحید لسان  
 از جمله تعلیم عمومی. از جمله تأیید روح القدس و امثال ذلك  
 این تعالیمی است که روح این عصر است و سبب سرور قلوب خیر  
 خواهان عالم انسانی. باری ای یاران مهربان وقت جانفشانیست  
 و زمان خیر خواهی عموم انسانی بهدایت نفوس بکوشید چه که

موهبتی اعظم از هدایت نه و عالم انسانی بدون این عنایت ظلم  
 درندگی و حیوانیت و در ظلمت ابدی • نور هدایت است که  
 چهارا روشن نماید • باران هدایت است که خارستان را گلشن  
 کند • رشحات ابر رحمت است که کوه و صحرا را سبز و خرم  
 گرداند • باید هر يك دهقانی ماهر و باغبانی کامل باشید  
 و مانند دریا بجوشید و بخروشید و دُرّ و گوهر

یپفشانید • و علیکم الهاء الاهی

حیفا ۹ آب ۱۹۱۹

﴿ع ع﴾

عشق اباد

مَوْلَانَدْوَى

ای یاد کار ابو الفضائل چند ماه پیش جواب نامه مفصل  
 قدیم مرقوم کردید و ارسال شد • خبر وصول ترسید لهذا چند  
 روز پیش نسخه ثانی ارسال شده • حال نیز این نامه مرقوم  
 میکرده • جمال مبارک روز نامه را مرآت حقیقت فرمودند  
 انشاء الله مجله شما دائما تقابل بشمس حقیقت دارد • يك دسته از

خورشید خاور وارد شد \* چون شب و روز مشغول بودم در این  
 چند روز فرصت مطالعه جمیع نسخه ها نکردید \* انشاء الله مطالعه  
 خواهم نمود \* يك نسخه ملاحظه کردید تفصیل اغماض عین و زرا  
 از حمایت بیچارگان غربا بود و شکایت از رؤسا و پیشکاران برهان  
 و دلیل قاطع بود ولی يك قدری بعبارت شدید \* اگر عبارت  
 ملایمتر باشد بهتر است باید مجله نزد کل منشور صدق و خیر خواه  
 مسلم باشد که اشاره اش عبارت از شکایت عظیمه باشد \* مثلاً  
 اگر در حق نفسی بنکارد که حال انشخص مستحق دقت نظر  
 است اینکلمه عبارت از يك کتاب شکایت باشد که قارئین حتم  
 نمایند که معلوم است این شخص بسیار هتاک و فتاک و ستمکار  
 است که مجله خورشید چنین اشاره مینماید \* و اما قضیه رد  
 برز نادقه و تنبیه غافلان از نوجوانان ایران بسیار مفید ولی عبارت  
 ولتر و رسورا و امثال آنان را عیناً درج نمودن بعضی بیفکران را  
 سبب فتور در دین گردد زیرا قوه محاکمه ندارند و عبارات آنان  
 نیز چون فوق العاده رکیک و مستهزئه آنه است تخدیش افکار  
 جاهلان کند و حال آنکه نفس عبارت دلالت بر حماقت نماید \* مثلاً  
 ولتر در کتاب خویش نکاشته که در انجیل منصوص است که  
 ابلیس حضرت مسیح را بکوه بلندی برد و جمیع دنیا را عرضه  
 داشت گفت سجده بمن کن تا جمیع دنیا را بتو دهم حضرت ابلیس را  
 طرد فرمودند \* نوشته است که قائل این قول از کرویت ارض

نفسي در عبوديت دلبر آفاق بگشدد و نصيبي از موهبت  
 رب الاشراف برد ﴿ ياران الهي را ﴾ هريك از قبل من  
 در نهايت اشتياق تحت ابداع ابهي ابلاغ دار و بگو  
 ﴿ اى سرگشتگان صحراي محبت الله ﴾ و اى كمگشتگان  
 بيابان عشق \* پر تو عنایت الهي شامل است \*  
 و فيوضات نامتناهی متابعت \* عنقریب از اشراق نور مبین  
 روي زمین بهشت برین گردد \* و از نسیم گلشن عنایت  
 مشام اهل آفاق در شرق و غرب مشکین و عنبرین شود  
 ﴿ ياران الهي ﴾ بايد بموجب وصايا و نصائح نور حقيقت  
 جمال قدم روي لعنته القدا قيام کنند \* و يك يك را  
 بموقع اجرا گذارند \* نه اينکه مجرد بخوانند و مودوع  
 اوراق و الواح گذارند \* بايد اوامر روحانيه و جسمانيه  
 اسم اعظم روي لترتبه القداء در حيز شهود جلوه نمايد  
 و در احوال و اطوار ياران الهي مجسم و مصور گردد \*  
 و الا چه ثمري و چه اثری ﴿ باري عبدالبهارا ﴾ نهايت آمال  
 اينکه بکلمه تي از وصايا و نصائح مبارك موفق شود \*

و یقین است یاران نیز چنین آرزو دارند \* بهائی باید  
 شمع آفاق باشد \* و نجم ساطع از آفاق اشراق \* اگر  
 چنین است \* نسبتش حقیقی است \* والا نسبت  
 مجازی است \* و بی ثمر و بی با \* مانند شخصی سیاهست  
 نامش الماس و بحقیقت زاع و غراب است \* ولی اسمش بلبل  
 خوش آواز \* از انتساب اسمی چه فائده \* و از لفظ بهائی  
 چه ثمر بحقیقت باید بهائی بود \* و ملتجی بعتبه مقدسه  
 حضرت نامتناهی \* جمیع یاران را بجان و دل مشتاقم \*  
 و آرزوی مشاهده دیدار مینامیم ﴿ وعلیکم البهاء الأبهی ﴾  
 ﴿ ای عزیزان عبد البهاء ﴾ اگر بدانید \* که چه قدر  
 اشتیاق بیاران دارم و چگونه شب و روز بذكر و یاد شما  
 مشغولم \* البته از شادمانی پرواز مینمائید \* شما یاران اسم  
 اعظمید \* و یاوران عبد البهاء \* در ظل الطاف جمال  
 مبارک \* و بندگان حقیقی صمیمی حضرت کبریاء ﴿ طوبی  
 لکم ثم طوبی ﴾ لهذا در نزد عبد البهاء عزیزید و جلیل و رفیقید  
 و ندیم \* و در عبودیت عتبه بهاء شریکید و سهم ﴿ ع ع ﴾

﴿ هو الله ﴾

﴿ أيا نفحات الله تنسى أيا نسمات الله تنسى واقصدي ﴾  
ديار الطرف القبلي أرضاً فيها توارت نفس نفث في  
روعه روح من الله وتضمنت هيكلًا حشر تحت راية  
الله \* وقلباً أنجذب بنفحات الله \* وأحشاء وأضالع  
تسعرت بينها نار محبة الله \* وحيي ذلك القبر المنور \* والرمس  
الطاهر المطهر \* وقولي النور الساطع من الأفق الأعلى \*  
والشعاع اللامع من ملكوت الابهي جليل ضريحك المعطر  
وسطع فوق رمسك المعنبر \* وتتابعت طبقات النور من  
شمس الظهور بالنزول على بقعة تنورت بجسدك  
وتضمنت جسمك واحتوت بهيكلك الزكي الطاهر  
المجلل الكريم \* المظلل بنعام الطاف ربك الرحمن الرحيم \*  
طوبى لديار اغتربت فيها \* وبشري لبقاع اقتربت اليها \*  
وياشرفاً لأرض تواريت فيها \* وعزاً لبقعة اختفيت فيها  
عليك بهاء الله ورحمته ورضي الله عنك وخصك بموهبته  
وأراح روحك بنفحات فاحت من رياض أحديته والأح

وجهك في عداق رحابته \* وتنور بصرك بمشاهدة  
 جمال هويته \* وسمع أذنك من الحان طيور القدس  
 الصادحة في فردوس رؤيته \* على سدره فردايته \* بما سمعت  
 النداء وأجبت الدعاء \* وليت لربك الأعلى \* وخضعت  
 لسلطنة محبوبك الأبهي \* واشتعلت بنار  
 محبة الله وتوكلت على الله \* واحترقت  
 بنيران الهجران \* ولظي الحرمان  
 حتى رجعت الى الله \* وتوجهت اليه  
 واستجرت بجوار رحمته الكبرى  
 كل ذلك بما وفيت بميثاق الله  
 وثبت ورسخ قدماك على  
 عهد الله \* والتحية والسلام  
 والثناء عليك  
 في الأولى  
 والآخرى  
 ﴿ع ع﴾



## ﴿ هو الله ﴾

﴿ وأنت الذي يا إلهي ﴾ خلقت وبرئت وذرئت بفيض  
 جودك \* وصبوب غمام رحمتك حقائق نورانية رجمانية  
 ودقائق كينونات ربانية صمدانية \* وربيتها في عوالم  
 قدسك بيد ربوبيتك \* وانشئتها بصرف فضلك وأثبتها  
 من سدرة فردانيتك \* وأخرجتها من دوحه صمدانيتك  
 وجعلتها آيتك الكبرى \* وموهبتك العظمى \* بين  
 خلقك \* ومن تلك الحقائق هذا الفرع الكريم \* والاسم  
 العظيم \* والنور المبين ذو الخلق البديع والوجه المنير  
 ﴿أي رب ﴾ أسمعته ندائك \* وأريته جمالك \* وهديته الى  
 صراطك \* وشرفته بلقائك \* وألقيت عليه خطابك \*  
 وجعلته مظهر الطافك \* ومطلع احسانك \* ومهبط  
 الهامك \* وأضأت وجهه بنور عرفانك \* وعطرت مشامه  
 بنفحاتك \* وأنطقته بثنائك \* وشرحت صدره بآياتك  
 وأرحت روحه بجودك وروحك وروحك وشميم نسيم  
 حديقه أسرارك \* وأثبتته على عهدك وميثاقك \* ومكنته في

أرض الوجود بقوتك واقتدارك •

( أي رب ) لما هديته الى النار الموقدة في سدرة البقاء •  
 واصطلي بنار الهدى في سيناء العلي الأعلى مشرب كأس  
 الوفاء • وتمل من الصورة المشمولة الصهباء • وصاح ونادى  
 يا ربّي الأعلى • وقفني على ما تحب وترضى • وبيض وجهي  
 في النشأة الاخرى • كما نورته في النشأة الاولى • فلما تنفس  
 صبح الهدى • وأشرقت شمس ملكوتك الابهي •  
 وانتشرت أنوارك على كل الارحاء • توجه الى ضياء جمالك  
 توجه الحرياء • وأجاب ندائك ببلي • وهام في بيداء الولاء  
 واستهام في نور جمالك الساطع على الأنحاء • وقام بالثناء  
 بين ملاّ الاحياء • وتوكل عليك • وتوجه اليك • ووفد  
 عليك • وتمثل بين يديك • وتشرف بالاصغاء • بأذن واعية  
 واحتظي بالمشاهدة واللقاء • ببصيرة جديدة كاشفة  
 وشفقة حيا • وملاّ منك عشقا وغراما • وناجاك  
 صباحا ومساء • وغدوا وأصالا ( أي رب ) أكمل أيامه  
 وانتهى أنفاسه • وترك قيضه • وخلع ثيابه • ورجع

اليك طيباً طاهراً عرياناً خالصاً مشتتلاً منجذباً مشوقاً  
 مهتماً بنفحاتك ﴿ اكرم مشواه ﴾ وانزله منزلاً مباركاً  
 خير نزل في جوار رحمتك الكبرى \* وارفعه  
 الى مقعد صدق مكن قدس في ملكوتك  
 الابهي \* وظلل عليه سدرتك المنتهي \*  
 واحشره مع الملائمة الأعلی \* واسقه كأس  
 اللقاء \* وقدر كل خير لمن يزور ريسه  
 الطاهر المسكي الشذا \* وأجب  
 دعاء من يدعوك في بقعة  
 روضته الغناء \* انك  
 أنت الكريم الرحيم  
 العظيم الوفاء \*  
 وانك أنت  
 الرحمن ياربي  
 الأعلی  
 ﴿ ع ع ﴾

## ﴿ هو الله ﴾

﴿ يا من تعطر الآفاق من نفحات نبوته على ميثاق الله ﴾  
 ولمثلك ينبغي هذا المقام العظيم \* ولشبهك يليق هذا  
 الشأن الكريم \* تالله الحق ان ملائكة القدس تصلين  
 عليك من ملكوت الأُبهى \* والملائكة الأُعلى يناديك  
 بأعلى النداء \* أحسنت أحسنت يا من وفي بالميثاق  
 ﴿ وأوفى بما عاهد عليه الله في يوم الإِشراق ﴾ ولم  
 تأخذه لومة لأثم في تمسكه بعهد الله \* وتشبثه بذيل  
 موهبة الله \* فهلل وكبر ونطق \* ونادى مهلل الوجه  
 مستبشر القلب منجذب الروح منتعش الفؤاد \* يا أهل  
 الوفاء \* فابتغوا على ميثاق الله \* وتمسكوا بعهد الله \*  
 فان هذا هو تأييد شديد القوى \* وبه تشييد دعائم دين  
 الله \* وتحكيم بنيان شريعة الله \* وسطوع أنوار معرفة  
 الله \* وظهور آثار موهبة الله وعبوق نفحات محبة الله \*  
 واعلاء كلمة الله \* يا قوم ذروا الشبهات ودعواتها وويل  
 المتمسكين بالمتشابهات \* وتمسكوا بالمحكمات انها هي

الصراط المستقیم \* والنور المبین \* والبیان القویم \* والحصن

الحصین عن هجوم المارقین ﴿ ع ع ﴾

﴿ هو الله ﴾

﴿ أي بنده ثابت ثابت جمال قدم ﴾ نامه مفصل ملاحظه  
 گردید \* تاوانید در این ایام تبلیغ امر الله نمائید \*  
 فرصت بسیار خوبی بد قدرت الهیه فراهم آورده \* این  
 فرصت را از دست مدهید \* جمیع قلوب متوجه بامر الله  
 و جمیع گوشها مترصد استماع کلمه الله \* احزاب ایران کل  
 مشغول بخود و اکثری از شدت نزاع وجدال از حیات  
 وزندگانی بیزار \* مفری میطلبند \* و مفر و مقری \* و ملجأ  
 و پناهی جز ملکوت ابهی نه که ولوله و زلزله در آفاق  
 انداخته \* و عنقریب ایران را معمور \* و ایرانیان را  
 عزیز درد و جهان نماید \* خیر خواهی ایران این است  
 که جمیع ملل و شعوب و قبائل عالم را خاضع و خاشع نماید \*  
 هر نفسی که ثابت بر عهد است ولو بظاهر خواندن ائمه  
 نداند \* باید در فکر اعلاء کلمه الله و تبلیغ باشد ﴿ ع ع ﴾

## ﴿ هو الله ﴾

﴿ أي ثابت برميثاق ﴾ چون نیر آفاق اشراق بر شرق  
 و غرب نمود \* تفاوت و امتیاز ترك و تاجيك \* و فرانس  
 و بلجيك و فرس و آمريك و آسيا و أفريك از میان رفت  
 شليك و وحدت عالم انساني برخاست \* این است که  
 مشاهده مینمائی که شرق دست در آغوش غرب نموده \*  
 و خاور و باختر مانند دو دلبز شیفته یکدیگر شده (ع ع)

## ﴿ هو الله ﴾

﴿ أيها الرجل الرشید ﴾ قد هتكت الاستار و اشرقت  
 الانوار و ظهرت الاسرار \* و شاعت الآثار \* و ذاعت  
 الأذکار \* و انكشفت آية الليل و تلالأت آية النهار

و المخلصون في سرور و حبور و عیش موفور \*

و جنة عالیة و رب غفور \* فیاطوبی

للأبرار \* و یا بشری للأخيار \*

و یا فرحاً للأحرار و یا أسفاً

على الاشرار ﴿ ع ع ﴾

﴿ هو الله ﴾

أحمد واشكر الرب الجليل \* البرالرؤف الجميل \* جزيل  
 العطاء \* عظيم الولاء \* على ما أولى عباده الضعفاء \* من  
 نعم جليلة ومنح جميلة \* وحكم بالغة وتجارة رابحة \* وثروة  
 طالحة وعزة شامخة \* ومرتبة باذخة \* وبصيرة كاشفة  
 وقوة نافذة يوم اشراقه على الآفاق بانوار الميثاق \*  
 وأخذه العهد الجليل \* المذكور في صحفه وألواحه وفي  
 البيان والفرقان والتوراة والانجيل \* وحمد وشكر وأثنى  
 على كل من تمسك بهذا الجبل المتين \* والثمان المبين \*  
 التي تلقف كل جبال وعصي \* والتحية الطالحة بالثناء \*  
 والفائضة بنور البهاء على الحقيقة النورانية \* الهوية الرحمانية  
 والنفخة الصمدانية \* والنفحة الربانية \* والجوهرة  
 الوجدانية التي تتلألأ على اكليل المجد الاثيل تتلألأ  
 أشرقت بنوره السموات والارضين \* وعلى الذين بتوا  
 على الميثاق \* ونبذوا الشقاق \* وركبوا البراق ونادوا في  
 الآفاق \* حي على العهد القديم \* حي على الميثاق العظيم \*

حي على النور المين \* حي على الصراط المستقيم \* حي  
 على الماء المعين \* حي على جنة النعيم \* حي على الفضل  
 العظيم \* حي على المائدة الممدودة من الرب الكريم \*  
 ﴿ إلهي إلهي ﴾ هذا عبدك الذي أقبل إلى مشرق نورك  
 الأول ﴿ النقطة الأولى ﴾ ولي لندائك عند طلوع شمس  
 البهاء في الكرة الأخرى \* وحمل كل تعب ومشقة  
 وبلاء \* وأصبح من عبيدك القديما \* نور قلبه أبداً سرمداً  
 بنور صبح الهدى \* وأشرح صدره بمشاهدة آياتك  
 الكبرى \* وأنطقه ببرهان ميثاقك الذي أخذته من  
 ملكوت الوجود من الغيب والشهادة يارب  
 الملا الأعلى \* واحفظه من سهام شبهاة  
 أهل الحجبات والمتشابهات \* وثبت  
 قلبه على المحكمات \* واجعله  
 سراجاً وهاجاً في محفل  
 العهد والميثاق



﴿ هو الله ﴾

﴿ أيها المستوقد بنار محبة الله ﴾ في سيناء الصدور اني  
 أرسل اليك التحية والثناء من الوادي المقدس طور سيناء  
 البقعة المباركة البيضاء \* وأقول أحسنت أحسنت يا من  
 دخل في ظلال السدرة التي ارتفعت في الارض المقدسة  
 وانتشرت اظلالها في الآفاق \* بشرى لك بما مررت  
 من الوادي الايمن وآنت من جانب الطور ناراً  
 واصطليت من حرارتها واهتديت بنورها فعليك باليد  
 البيضاء والقاء العصا وارجاعها الى الثعبان المين \* ألا ان  
 تلك اليد هي يد قدرة الرحمن \* والثعبان هو البرهان  
 وهذان الامر ان ظهيران لك في كل مكان \* وروح

القدس يؤيدك بقوة وسلطان \* والبهاء

على كل ثابت وراسخ ومستقيم \*

وناطق وهاد لمن

في الامكان

﴿ ع ع ﴾

## ﴿ هو الله ﴾

﴿ أيتها المنجذبة بنفحات القدس ﴾ اني رتلت آيات  
شكرك لله على شدة رأفته وعظيم عنايته بوصول تلك  
الالواح اليك \* واشراق فيض معانيها عليك \* انها  
الواح انبعثت كلماتها من قلب ممتلي بمحبة الله \* فارغ  
متجرد عما سوى الله \* مستبشر مستفيض من فيوضات  
المللكوت الأبي \* مرتسم فيه آيات التوحيد بنفحات  
من روح موهبة الله ﴿ يا أمة الله ﴾ عليك بالتلقي لما يفيض  
عليك روح عبد البهاء \* لا تنظري الى استعدادك  
وقابليتك \* بل انظري الى فضل ربك في هذه الايام \*  
وموهبة ملكوته التي لم تر عين الوجود مثالا في القرون  
الاولى \* ان الوجود أرض متعطشة \* وفيض المللكوت  
غيث هائل ستنبت أرض الوجود رياحين حكمة الله \*  
حيث نفحات القدس أحاطت الارض شرقا وغربا \*  
وبشارات الله تابعت من ملكوت السماء \* وشمس  
الحقيقة أشرقت على الآفاق بأشد الاشراق \* فالق على

الآذان الاسم الاعظم حتى ينادوا الكل بين الامم •  
 يا بهاء العالم وشمس القدم • الحق أقول لك هذا الاسم  
 المبارك روح الحياة • والمنقذ من الممات وكلمة النجاة الباهرة  
 الآيات • سوف تسمعون من كل الاقطار ضجيجاً  
 متواصلاً الى الملائكة الاعلى ( يا بهاء الابهي ) وبلغني تحيتي  
 الروحية الى ولدك الروحاني • والى قرينته المحترمة التي  
 تقرب اسمها باسمك • وبلغني تحيتي الى ابنتك الروحانية  
 ( ورجينيا ويلار ) المحترمة • وقولي لها يا ابنتي العزيزة  
 توجهي الى ملكوت ربك • واستفيضي من القيوضات  
 الروحية • وانجذبي بنفحات القدس انجذاباً ينفخ الروح  
 في النفوس الميتة • ويحييهم بحياة طيبة • وينور ابصارهم  
 بنور ساطع على الاكوان في هذا القرن المجيد • والعصر  
 الجديد • وبلغني تنائي الى امة الله ( اما نوثل ) وقولي  
 لها انك ابصرت تصوير عبد البهاء الجسماني المنطبع  
 بشعاع الشمس الناسوتي وفاضت عينك بالمعبرات •  
 فاطلبي من الله ان يريك تصويره الروحاني بشعاع ساطع

من الملكوت الرحمانى \* هنالك تأخذك جذبات الله \*  
 وتجعلك جرة نار ملتهبة بحرارة محبة الله ( يا أمة الله )  
 عليك زيارة حضرة أبي الفضائل \* حتى تتلقى منه  
 البراهين والنصوص القاطعة من الكتاب المقدس على  
 ظهور ملكوت الله في هذا القرن العظيم \* ان زيارته  
 غم لك وذخر لك وسلوة لقلبك \* وبهجة لروحك \*  
 وتأخذين منه الحكمة والبيان المطابقة للشهود والعيان \*  
 ( يا أمة الله ) ان مستر مكناات رجل جليل ساع بكل  
 قواه في نشر نفحات الله \* وسوف يؤيده الله بامر  
 عظيم \* ويجعله علما متموجاً بارياح التأيد على الصرح  
 المحيد ( وأما قضية شرى لكأس الفداء ) فو رب السماء  
 انه متعى آمالي \* وفرح قلبي وسلوة روحي وغاية  
 مقصدي \* فعليك بان تدعى الى الله ان يسر لي هذا  
 المنى \* ويقدر لي هذه الموهبة الكبرى ويسقيني تلك  
 الكأس الطافحة بصبء الوفاء \* في سبيل البهاء \*  
 ( يا أمة الله ) لما تناولت تحريرك كنت في حالة هزرتي

السلام لما وجد الحمل ثقيلا خاطب الرب قال فأرسل الى هرون  
 ولهم على ذنب فأخاف أن يقتلون \* وقال ألم نربك فينا وليدا  
 وابنت فينا من عمرك سنين وفعلت فعلتك التي فعلت وأنت من  
 الكافرين قال فعلتها اذا وأنا من الضالين ففردت منكم لما خفتكم  
 فوهب لي ربي حكما وجعلني من المرسلين \* يا الله لو كانت هذه الواقعة  
 في هذا القرن العظيم فكيف كان يعمل المرجفون وماذا كانوا يفعلون  
 رجل قاتل فر هاربا ثم رجع وهو يتحدث بالنبوة وهو معترف بالجرم  
 المشهود ( ألم احسب الناس ان يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون )  
 وأما حضرة الشيخ فيجب أن يقول لكل قولنا \* وبلغ تحيتي  
 الى السيدة المحترمة التي آمنت بربها \* وعليك البهاء الابهي

حيفا ٢٢ رمضان ١٣٣٨

\* عبد البهاء عباس \*



\* عمي \*

(جناب اقا ميرزا محمود زرقاني وسائر احباى الهى ملاحظه نمايند)

هو الله

اي احباى الهى وياران باوقاى عبد البهاء \* نامه عمومى شما  
 مضمون رحيق مختوم بود نشئه روحاني بخشيد و سرور نامتناهى  
 مبذول داشت زيرا آيت ايمان وايقان بود وبرهان ثبوت بريمان

طوبی لكم من هذه الموهبة الكبرى \* بشری لكم من هذه الهدایة  
 العظمی \* از حضرت خنی الاطلاق اسعاف میطلبم تا جمیع در  
 صون حمایت حضرت بیچون از هر حزن و کدری محفوظ و مصون  
 باشید چون جام صهباء سرشار گردید و نافع اسرار بر عالم نثار کنید  
 مشامها مشکبار نمائید و رویها غرق انوار نمائید \* امروز آهنگ  
 شرق و غرب یابها، الاهی است و خروش نهنگ عشق یا علی  
 الاعلی \* در جمیع جهان این ندا بلند است و در قطعات خمسه صیت  
 امر الله آهنگ هر هوشمند \* تعالیم الهیه منتشر و مبلغین مظفر  
 و منتصر و زبانها سیف شاهر و قلوب مستبشر و ارواح منجذب  
 و صنادید اقوام کا عجاز نخل منقعر \* نغمه افاق بانگ یابها، الاهی  
 است و نعره عشاق آیات جمال و کمال نیر افاق \* حال وقت آنست  
 که باعمال و افعال پردازید و بنیان غفلت و خودت وجودت بر اندازید  
 و بموجب تعالیم جمال مبارک در رفتار و کردار آیات هدی گردید  
 و بنطق فصیح و بلیغ ترویج دین الله نمائید و بجمال مبارک و فائز  
 و جام صفانوشید و سرمست باده عشق گردید و بال و پر بکشائید  
 و در این اوج نامتناهی پرواز نمائید اگر بدانید در نزد عبدالبهاء  
 چه قدر عزیزید البته جام لبریز شوید و شورانگیز گردید  
 و مشکبیز شوید و باهتر از آئید و بصوت واحد غلغله در افاق اندازید  
 و بنغمه واحد هلهله از طلوع نیر اشراق جمال الاهی نمائید \* و علیکم  
 البهاء الاهی \*

الهی الهی • هو لاء عباد خرقوا الحجیات و هتكوا السبعات  
 و فتكوا هیا كل الشبهات و استغنوا عن الاشارات و انجذبوا  
 بالبشارات • تركوا النهج السقیم و سلكوا الصراط المستقیم  
 و استنشقوا راحة جنة النعم و قررت اعینهم بمشاهدة النور المبین  
 و طفحت قلوبهم بسرور عظیم فی هذا القرن المجید و العصر  
 الكریم • رب ایدم بجیوش الملائع الاعلی و اشدد ازورم بجنود  
 ملكوتك الابهی و نور ابصارهم بمشاهدة آیات قدرتك فی الارض  
 و السماء و طیب سرائرهم بموهبتك الكبری و نور ضمائرهم  
 بشعاع ساطع من أفقك الابهی • انك انت المقتدر  
 المتعالی العزیز القدیر و انك انت الرحمن الرحیم  
 ﴿ حینا محرم ۱۳۴۰ عبد البهاء عباس ﴾



﴿ بواسطه جناب مطلق جناب میرزا عبد الوهاب زاهد الزمان ﴾  
 ( علیه بهاء الله الابهی )

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 وَاجْعَلْهُمُ الْبَرَكَةَ وَالْخَيْرَ

ای نفس مطمئنه • جناب مطلق اسان ستایش كشوده  
 و نیایش فرموده كه الحمد لله آوجود محمود مظهر الطاف رب

ودود است و مطلع موهبت رب وهاب \* و پزهد و تقوی  
 موصوف و باخلق بروح و ریحان مألوف \* از این خبر  
 سرور پرور نهایت مسرت و شغف و شغف حاصل گشت \* توجه  
 بملکوت راز شد و از حضرت بی نیاز رجای فضل موفور گردید  
 تا آنکه جذب ملکوت قیامی تازه و همتی بی اندازه مبذول دارد  
 و نفوسی در آن کشور مبعوث کردند \* ترتیل آیات توحید نمایند  
 و تأیید از ملکوت رب جلیل بیابند \* فی الحقیقه خطه  
 زنجان بدماه مطهره نخر است \* بسا نفوس مبارک که مشکاة  
 عالم ناسوت را بکذاشتند و در زجاج عالم لاهوت مانند شمع  
 بر افروختند \* آن نجوم ساطعه و آن کواکب لامعه از افق ابدی  
 میدرخشند و خطاب بر باز ماندگان میفرمایند که ای بازماندگان  
 ما بالطف الهی باین اوج نامتناهی رسیدیم \* و شمارا بنهایت  
 مهربانی نظر میکنیم تا مانند سرور روان جو بیار آمال ما را  
 طراوت و لطافتی بخشید و فروع تابع اصول گردد ما جان  
 فشانیم و نور افشانیم شما نیز پرده بدرید و لو هام را ریشه  
 بر اندازید \* بنظر پاک بانچه در الواح الهی بصریح عبارت  
 بشارت است تمسك نمائید \*

الحمد لله که حضرت اعلی روحی له الفداء حجای نکذاشتند \*  
 و سدها را بنیان بر انداختند \* جمیع بیان عیان من ینظره الله است  
 و جمیع امور مشروط و منوط بتصدیق آنسازج وجود \*



میفرماید ایاک ایاک ان تحتجب بالواحد البیانی لانه خلق عنده \*  
 ایاک ایاک ان تحتجب بما نزل فی البیان \* و همچنین آیات دیگر  
 مفصل است بنص بیان مراجعت کردد \* سبیلی را که آنجوهر  
 وجود تمهید فرمود سلوک باید نمود نه بشبهات معتاده در هر  
 ظهور \* بیان فارسی را از بدایت تا نهایت از برای یاران بخوانید  
 و تشریح مسائل بنمائید انشاء الله روزی آید آنخطه و دیار  
 کلشن الهی کردد \* و ملکوت ابهی احاطه کند  
 این است آرزوی مخلصین \* و این است آمل

موحدین \* و علیک البهاء الابهی

﴿ ۲۴ - فر سنه ۱۳۳۹ ﴾

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ طهران بواسطه امین جناب میرزا عبد الله مطلق ﴾

( من اهل طاء علیه بهاء الله الابهی )

مَعَالِیْكَ اللَّهُمَّ

ای بنده صادق جمال مبارک \* نامه ئیکه از زنجان مر ووم  
 نموده بودی وصول یافت \* الحمد لله در نهایت روحانیت بعراق  
 و همدان و طهران و قزوین مرور نمودی \* و جمیع یاران الهی را

در نهایت ثبوت و رسوخ یافتی • مشاهده جمال و کمال دوستان  
سبب سرور دل و جان گردد • و این از اعظم نعمای الهی • الحمد  
لله از آن بهره و نصیب یافتی • مدتی بود که بظاهر از زنجان خبری  
نبود حال که شما بدیدن یاران رفتید • الحمد لله که خبر خوشی رسید  
آنخپه پاك کشور تا بناك است • سرور ابرار و قدوه اخيار مهبط  
اسرار و مظهر انوار • حضرت حجت در آن کشور باعلاى امر  
جليل ابر قیام فرمود و جمع کثیری را بنفحات ایمان مشام معطر  
فرمود • هزاران نفوس جان در سبیل الهی فدا نمودند • لهذا  
عبد البهاء همواره منتظر آن که این خونهای معطر مثمر تر شود •  
در آن کشور منور گردد • حال الحمد لله جناب میرزا عبد الوهاب  
بروحی جدید قیام نمودند • و همچنین نفوس مبارکی مقرب درگاه  
الهی هستند • امید چنان است که نسیم بیان روح بخش مخلصین  
اموات غیر احیاء را حیاتی جدید بخشد تا بازماندگان شهداء  
حجیات مظلمه اهل اوهام را بدرند و جمال نورانی را که شرق  
و غرب روشن نموده مشاهده کنند • حیف است که آنخپه  
جليل از فیضان نیرسان هدایت ممنوع ماند • قلب عبد البهاء  
نهایت تعلق بپازماندگان شهداء دارد • و بدرگاه الهی عجز و نیاز  
مینماید که ای پروردگار مهربان این بازماندگان نهالهای کلشن  
شهادتند • بامطار فضل و موهبت تر و تازه فرما تا بنهایت لطافت  
و طراوت مبعوث گردند و شمع شهدای بزرگوار را روشن کنند

و کشت زار آمال فدائیان راسبز و خرم فرمایند • عبد الله  
 انصاری میگوید (الهی اگر کاسنی تلخ است از بوستان است)  
 امیدم چنان است که کل وریحان کردند و سوسن و ضمیران  
 شوند • خدایا مطلق را از ادکن و مؤید بالطف بی پایان نما  
 تادر آن صفحات شمی بر افروزد • و حیات تازه بدمد

و علیه البهاء الابهی ۲۴ صفر سنه ۱۳۳۹

﴿ عبد البهاء عباس ﴾



﴿ عشق اباد ﴾

﴿ اعضای محترمه محفل اشکولین • علیهم بهاء الله الابهی ﴾

## هو الله

ای صاحبان همت بلند و مقاصد ارجمند • نامه شما فصیح  
 بود و بلیغ و مضمون بدیع بود و لطیف • زیرا دلالت بر همت  
 موفور و بذل سعی مشکور در تربیت اطفال اناث و ذکور بود  
 و این از ازم امور • باید اسباب تربیت از برای نور سیدکان رحمانی  
 و نونهالان بوستان الهی از هر جهت فراهم آورد • اینست سبب  
 روشنائی عالم انسانی • الحمد لله احباء در عشق اباد بنیان متینی نهادند  
 و اساس محکم گذاشتند • اول مشرق الاذکار در مدینه عشق  
 تأسیس شد و حال اسباب تربیت اطفال نیز رو با کمال است چه

که در سنین حرب و قتال نیز اهمال نشد بلکه نواقص اكمال  
 کردید حال باید دائره را توسيع داد و در تدبير تأسيس مدارس  
 عاليه کوشيد تا مدينه عشق مرکز علوم و فنون بهائيان گردد  
 و بعون و عنايت جمال مبارك اسباب ميسر گردد \* مدرسه بنات را  
 نیز خیلی اهميت بدهيد زیرا ترقی عالم نساء سبب ظهور عظمت  
 و بزرگواری این کور بدیع است \* اینست که ملاحظه مينمائيد  
 در جميع اقاليم عالم نساء رو بترقی است \* این از اثر ظهور اعظم  
 و از قوه تعاليم الهی \* اما باید در مدارس ابتدا بتعليم دين گردد  
 بعد از تعليم ديانت و انعقاد قلوب اطفال بر محبت حضرت  
 احدیت بتعليم سائر علوم پرداخت و امیدوارم که در مرور و فقهه  
 و تخته بازار و تاشکند نیز احبای الهی همت نمایند و دائره تعليم را  
 توسيع دهند تا دران سامان اطفال روز بروز تربيت شده

بنهایت آمال برسند و علیکم البهاء الابهی

حيفا ۷ تموز ۱۹۱۹ ع ع \*

عشق اباد \*

اعضای محفل خدمت و اجزاء انجمن موهبت علیهم البهاء الله الابهی

هو الله

ای نفوس مبارکه نامه نامی که اثر خامه انجذاب رحمانی بود  
 رسمید \* الحمد لله که یاران جانفشانند و دوستان فدائیان \* در این

پنجسال که جمیع ملل غریق خسران و وبال ازادگان در آنچه سبب  
 حیات عموم و راحت و اسایش جمهور بدون فتور و قصور ساعی  
 و مجاهد \* این منقبت بهائیانست و این موهبت ربانیان و ذلك من  
 فضل الله یختص به من یشاء \* محافل مرتب و انجمن جوانان منظم فی  
 الحقیقه محفل خدمت جوش و خروشی دارند و در جمیع امور ترقی  
 جمهور خواهند \* اطاعت از محفل روحانی دارند و محفل اشکول را  
 پرستش مینمایند \* البته الطاف شامل گردد و اسعاف متتابع  
 شود و جنود ملاً اعلی نصرت نماید و تأییدات غیبیه رسد

الهي الهي هو لاء عبيد يخدمون عبتك البامية العالية المنار  
 ويتوجهون الى ساحة موهبتك المترامية الاطراف الساطعة الارجاء  
 ولا يقصدون الا تثللا انوار الرضا، وتشعشع ضياء الوفاء \* رب وفقهم  
 على المنى ويسر لهم المبتغى وابدل لهم كل معسور بميسور  
 وأيدهم على الرأفة والرحمة بين الجمهور انك انت العزيز  
 الغفور وانك انت الرب الرؤف الرحمن

حيفا ۶ تموز ۱۹۱۹ ع ع \*

﴿ عشق اباد ﴾

﴿ اعضاء كميته مشرق الاذكار عليهم بهاء الله الابهي ﴾

هو الله

ای یاران الهی نامه شما رسید فی الحقیقه بفرح بود و مورث

روح و ریحان نامه باید چنین باشد که سرور و شادمانی بخشد  
 الحمد لله در این سالهای جنک که جمیع ملل گرفتار نام و ننگ بودند  
 و مبتلای بیوی ورنک و مانند سباع ضاریه بخون یکدیگر چنک  
 و دندان رنگین مینمودند \* احبای الهی شب و روز بجان و دل  
 بتأسیسات الهیه مشغول و بترویج ائین ربانی مألوف \* الحمد لله  
 مشرق الاذکار مطلع الانوار است \* و باغ مانند چراغ درخشید  
 و خیابان بطراحی کاهای بدیع ترین یافت و حوضها مانند کونر  
 لبریز شد و فوارها مانند قلوب عاشقان بفوران آمد \* در این مدت  
 حرب اعضاء محفل شب و روز بکار پرداختند و علم تأیید و توفیق  
 افراختند و محل عبرت و حیرت عموم گردیدند \* و آنچه سزاوار  
 بهائیان بود در انظار جلوه دادند \* احبای عشق اباد در انفاق فی  
 الحقیقه مزیت بر افاق داشتند و در خرید هشت قطعه زمین طبق  
 ارزوی عبد البهاء همتی عظیم فرمودند \* و این اول مشرق  
 الاذکار است که بنیان شد و اهمیت کبری داشت \* این کوی را  
 احبای عشق اباد از میدان ربودند و در ملکوت ابهی علم خدمت  
 بر افراختند \* و من از الطاف جمال مبارک امیدوارم که موانع  
 مندفع گردد و بکمال اشتیاق بانسانمان بشتابم و در مشرق  
 الاذکار نماز و مناجات کنم \* و علیکم البهاء الابهی

حیفا ۴ تموز ۱۲۱۹ ع ع

﴿ هندوستان ﴾

﴿ رتنا کری کروی ﴾ احبای الہی واما رحمان علیہم بہاء اللہ الابی

لہو اللہ

ای یاران الہی واما رحمان \* نامہ شما رسید مضمون جمیع بیان التماس سفر عبد البہاء بانصفاحت بود \* من نیز در کمال اشتیاقم در عالم وجود سروری اعظم از مشاہدہ روی یاران نمیشود اینست کام دل و جان \* اما در این اثنا موانع بسیار ولی درآیندہ از عون و عنایت حضرت بہاء اللہ امید است کہ اسباب فراہم آید ہر وقت ممکن فوراً سفر بہندوستان خواہم کرد اما بشرط اینکہ این سفر ممکن گردد \* زیرا سفر مطولی است وارض مقصود مرکز متتابعاً از جمیع اطراف رسائل مثل باران میریزد اقلاً از دہ یکی را جواب باید تحریر شود و قاصدان کعبہ دوست نیز متتابع وارد میشوند و با آنان نیز باید ملاقات نمود و بخدمت پرداخت زیرا عبد البہاء خادم یارانست و مفتخر باین منصب عظیم چگونہ این مویبترا از دست دہم و از این گذشتہ موانعی بسیار در میان باوجود این امید سفر دارم اگر چہ در محافل یاران بجان و دل حاضر و در بتل و تضرع شریک و سہیم باوجود این بصر نیز بہرہ

و نصیبی دارد \* باری این ایام چون هندوستان بجوش و حرکت  
 آمده از اطراف مکاتیب میرسد لهذا در نهایت سرور بملکوت  
 ابھی عجز و زاری مینمایم و یاران الهی را در هر دمی تأییدی طلبم  
 و توفیقی جویم \* و همچنین بنهایت ذل و انکسار بملکوت انوار  
 بتل مینمایم و یاران را عزت بی پایان میطلبم \* حضرة بهاء الله روحی  
 لاحبائه الفداء بر سر احباء تاج عزت ابدی نهادند که دراری  
 دریه اش از افق ابدی بر قرون و اعصار میتابد \* امر بدرجه بی  
 عظیم است که در سبیل حق حتی ذلت سبب عزتست \* ملاحظه  
 نمائید که ذلتی اعظم از قتل اشخاص و سلب اموال و اسیری اهل  
 و عیال نیست \* در یک صحراى پر ملال دشت کربلا اعظم تراز این  
 ذات نمیشود \* حال ملاحظه نمائید که این ذات از برای حضرت  
 سید الشهداء روح العالمین له الفداء عزت ابدیه بود و یزید و ولید  
 هر چند بظاهر عزیز بودند و بر سریر سلطنت مستقر و لکن  
 این عزت ذلت ابدی بود \* حال در هر روزی چند کور و رازیک  
 العماش حضرت تشنه ها سیراب میشوند \* فقیران از آنفس اطعمه  
 بر خوردار میگردند و یتیمان دلجوئی میشوند و عاجزان دستگیری  
 میگردند و لکن یزید و ولید را لقب پلید ماند و ذلت انانانگ در مزید  
 پس معلوم شد که یاران الهی بدرجه بی عزیزند که ذلتی از پی نه  
 و تبدیل و تحویلی نیست \* اگر جمیع عالم متفق شوند و بخواهند  
 که نفسی از احباء الله را ذلیل نمایند نتوانند \* زیرا نهایت ذلت



بحسب ظاهر شهادتست و این شهادت سبب عزت ابدی  
 پس ثابت شد که حضرة احدیت از برای احبذلت خلق ننموده  
 چیزی را که حق خلق ننموده که میتواند آنرا وجود دهد \* باری  
 معتمد بر فضل نامتناهی الهی باشید و روز بروز در مراتب معنویه  
 و کمالات روحانیه و موهبت صمدانیه و هدایت ربانیه ترقی نمائید  
 الهی الهی هو لاءعباد اخلصوا و جوهم لوجهک الکریم و سلکوا  
 صراطک المستقیم و اتبعوا المنهج القویم و لم یخشوا بأس کل أفک  
 اثم و لایهابون شماتة کل معتد ز نیم \* فدخر قوا الحجبات و هتکوا  
 السبحات و ودعوا الاصنام و ودعوا الاوهام و اقبلوا الیک بقلوب  
 ثابتة کشوامخ الجبال و نفوس مطمئنة کرواسخ الاوتاد و ابتهلوا  
 الیک بفؤاد طافح بالوداد و صدور منشرحة بایات توحیدک بین  
 العباد \* ای رب اجعلهم نجوما در هرهة فی افق الشهود  
 و سرجاً لامعة فی حیز الوجود و اشجاراً باسقة فی  
 جنة الابهی و امواجاً متهیجة من بحر الوفاء  
 حتی یهتز ذلك الاقلم بنفحات قدسک  
 فی هذا القرن العظیم \* انک انت  
 المقتدر العزیز الکریم  
 حیفا ۲۹ صفر ۱۳۳۸ - ۱۹۱۹ م

﴿ بواسطه جناب میرزا لطف الله زائر عليه بهاء الله ﴾  
 ﴿ طهران ﴾ جناب دكتور ارسطو خان عليه بهاء الله الابهي

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای ثابت بر پیمان همنام توار سطو مسائل حقیقت را تو بتو  
 و موبعو جستجو نمود \* ولی از دریا قطره‌ئی و از خر من دانه‌ئی  
 نصیب داشت \* ولی در مادیات باندازه‌ئی اکتشافات نمود \* لهذا  
 نامدار و شهیر هر دیار گردید حال بدغیبی الهی ابواب مکاشفه باز نمود  
 و حقیقت از پس پرده راز رخ بکشود و جلوه نمود حتی در مادیات  
 بقسمیکه هر نفسی در مسائل فلسفه الهی غور نماید بهتر از  
 ارسطو پی بحقیقت برد \* و همچنین در مادیات حال اطفال در مدارس  
 در ریاضیات از ارسطو بهتر بحقیقت پی برند \* ملاحظه کن که این  
 قرن چه قرن عظیم است و این عصر چه عصر کبیر و لکن آنان  
 مؤسس علوم و فنون بودند از اینجهت بر تری و منقبت دارند مثلا  
 الآن هر طفل تلغرافی در تلغراف ماهر تر از مخترع تلغراف است  
 زیرا مخترع نمیتوانست باین سهوات مخابره کند و الفضل للمتقدم  
 پس شکر کن خدا را که در چنین قرنی بمالم وجود آمدی که  
 قرن حقیقه است و عصر حضرت احدیت ابواب کشوده و حجیات  
 دریده و اوهامات متلاشی کشته حتی فنون و علوم مادی بدرجه‌ئی

رسیده که يك طفلی بیشتر مطلع از فلاسفه قبل است \* مثلاً  
 يك طفلی الآن در جبر و حساب از اقلیدس ماهرتر است  
 زیرا این فن بمر قرون و اعصار ترقی نموده \* خلاصه  
 کشته نبذه کشته کشفیات شده تا بدرجه  
 بلوغ رسیده \* و عليك البهاء الابهی  
 حيفا ۱۷ اکتوبر ۱۹۱۹ \* (ع غ)

﴿بالاخانه﴾ احبای الهی و اماء رحمان علیهم و علیهن البهاء الابهی

## هو الله

ای احبای الهی و اماء رحمان \* الحمد لله بدرقه عنایت رسید  
 و راه بسته باز شد ابواب آشوده کشت دوباره بمخبره میپردازیم  
 ایامیکه آتش جنک افروخته و خانمان جهانیان سوخته \* زلزله  
 بر ارکان عالم افتاده روی زمین بخون نوجوانان نازنین رنگین گردیده  
 بنیادهای بر افتاد و بنیانها ویران گردید کروورها مادر در ماتم پسر کریبان  
 دریدند و با چشم اشکبار فریاد و فغان آغاز کردند کروورها پدری  
 پسر شد و کروورها پسر بی پدر کشت یتیمان بی سر و سامان شدند  
 و زنان ماتم زده سرگردان و پریشان شدند در چنین اوقاتی پرتو  
 حمایت جمال قدیم بر یاران جمیع اقالیم زد \* کل در حصن حصین  
 مصون و از جمیع آفات محفوظ و مأمون بودند مگر معدودی قلیل  
 وان نیز از عدم تدبیر واقع \* پس این حفظ و صیانت و امنیت

و راحت از برکت تعالیم مبارک بود که احبای الهی در هیچ  
 اقلیم مداخله فی در امور سیاسی نمودند \* بلکه اوقات خویش را  
 بتضرع و ابتهال و توجه بملکوت ذی الجلال و سعی در خیر  
 جمهور و خدمت بعالم انسانی و انجذابات وجدانی و سنوحات  
 رحمانی گذراندند \* حال بشکرانه این موهبت عظمی و صون حمایت  
 کبری باید دست در آغوش یکدیگر کردید و مانند دلبران  
 دل داده یکدیگر را ببوسید و بیوئید و بنهایت محبت  
 و الفت پردازید \* اتحاد و یگانگی چنان میان آید که مانند بنیان حصین  
 و حصن حصین الی الابد باقی و برقرار ماند جمیع اغیار و بدخواهان  
 که حال از این اختلاف شماها شادمانند \* از شدت تأثر از اتحاد  
 و یگانگی شما بگریزند و بگویند که این جزئی اختلاف سبب  
 اتحاد کلی شد و این جزئی یگانگی سبب یگانگی ابدی گشت  
 باری ان یاران روحانی و دوستان رحمانی باید چنان شمع یگانگی  
 برافروزند که ملاً اعلی تحسین نماید و جمال ابهی از ملکوت  
 جلال طوبی لکم یا احبائی فرماید و عبید البهاء نهایت حبور  
 و سرور حاصل نماید \* ارض مقدس منتظر ورود اینخبر  
 پر مسرت است \* دیگر اختیار با شماست \* وعلیکم وعلیکن  
 البهاء الابهی \*

الهی الهی ان هؤلاء عباد اصطفیتهم لمحبتک و اجتبیتهم  
 لمعرفةک و اخترتهم لخدمتک و انتخبتم لاعلاء کلمتک و آوردتهم

شریعة الطافك واوصلتهم مناهل جودك واحسانك \* رب ایدم  
 على الوفاق وازل عنهم الشقاق \* واشهر اتحادهم فى الافاق حتى  
 يستفیضوا من نیر الاشراق انوار وحدة القلوب ووحدة النفوس  
 ووحدة الارواح والفة الاشباح حتى یصبحوا ازمة واحدة  
 مصونة من ظلم اهل الشقاق ووساوس اهل النفاق انك  
 انت المقتدر العزیز الغفور العفو الوهاب

حیفا ۳ تموز ۱۹۱۹ \* ع ع \*



\* باطوم \* احبای الهی وامااء الرحمن علیهم وعلین البهاء الابهی

هو الله

ایها المخلصون ایها المنجذبون ایها الثابتون علی العهد والميثاق  
 الحمد لله راه مسدود مفتوح کشت و مخبره تجدید یافت \* از احبای  
 ان حدود و ثغور اخبار خوشی مسموع شد که در امر حی قیوم  
 ثابت و در ایمان و ایقان مانند جبل شامخ راسخ تا بحال مرور  
 و عبور از ان بندر نمیشد ولی الحمد لله یارانی در این ایام از ان  
 حدود وارد و خبرهای خوشی رساندند \* دیگر آمد و شد  
 دوستان از آنسامان استمرار خواهد یافت و امید چنانست که  
 ان بندر منور گردد \* روز بروز یاران از دیاد یابند و نفوسی  
 جدید در ظل کلمة الله در آیند و ترتیل آیات توحید نمایند و لوح  
 محفوظ میثاق را طوق اعناق کنند \* افسر ثبوت بر سر نهند و دیریم

استقامت بیارایند و نار عشق را بر افروزند و پرده شبهات بسوزند تا دلبر تعالیم الهیه در نهایت جمال پرده بر اندازد و شمع جمع گردد و شاهد انجمن شود \* از این حرب جدید و انقلاب شدید نفوس خفته بیدار شدند و غافلان هوشیار گشتند و وصیت تعالیم الهی در جمیع اقالیم اشتہار یافت \* منطوق کتاب اقدس و سورہٴ ہیکل بعد از پنجاه سال جمیع ظاہر و محقق کشت و خطاب بر این چون افق مبین ظاہر و اشکار شد و عتاب بویلہم سرش واضح و مبرہن گردید و خطاب بنقطہٴ واقعہٴ بین البحرین مانند نیرین واضح و مشہود شد و ایہ قد استقر علیک کرسی الظلم ہویدا و مشہود کشت \* و همچنین اخبارات عظیمہ و حوادث کلیہ کہ از قلم اعلیٰ صادر گشته \* خلاصہ در نزد جمہور اہل افاق مسلم شد کہ امروز روح اینعصر و سلامت اینقرن بتعالیم صادرہ از قلم اعلیٰ است حتی رئیس جمہور چہارده مسئلہ اساس جمعیت ائمہ نہاد و دوازده از ان اساس از قلم اعلیٰ صریحاً پنجاه سال پیش صادر شدہ و در افاق بواسطہ جرائد و رسائل انتشار یافت و اعظام اوروپ و امریک مطلع بر ان گشتند \* مقصد انست کہ وقت انست کہ جمیع احبا بہدایت خلق برخیزند و برفتار و کردار و گفتار سبب ہدایت نفوس شوند \* اگر باین قیام نمایند تا بیدات ملکوت اہی پیاپی رسد و نفعات قدس انتشار یابد \* و علیکم و علیکن البہاء الابہی حیفا ۳۰ تموز ۱۹۱۹ \* ع ع \*

سویسرا لوزان بواسطه جناب ریاض سلیم علیه بهاء الله الابهی  
جناب قونسول شوارزو و حرم محترمه اش طائرہ علیہما التحیة والثناء

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای دو نفس مبارک \* نامه های شما رسید \* مختصر جواب  
مرقوم میگردد فی الحقیقه خدمت عظیمی بصلح عمومی و وحدت  
عالم انسانی و الفت بین عموم بشر و حسن تفاهم بین کل ملل  
مینماید \* ندا بملکوت الهی میکنید و هر نفسی را بتعالیم الهیه  
حیات ابدی میبخشید \* جمیع طوائف عالم ضد یکدیگرند و روز  
بروز بر سوء تفاهم می افزایند \* اینست که نائره حرب بعنان  
اسمان رسید \* مکر شماها که با جمیع ملل عالم و ادیان در نهایت  
روح و ریحان مشفق و مهربانید \* لهذا امیدوارم که بتوفیقات  
الهیه در جمیع شئون موفق گردید و مانند شمعی روشن ظلمات  
مستولیه بر فلور اژائل و بنور هدایت کبری روشن نمائید \*  
انجمن میثاقی که تشکیل نموده اید البته تأیید خواهید یافت \*  
زیرا قوه نابضه در شریان عالم قوه میثاقست \* جز باین قوت  
روحانیت حاصل نکردد \* و نورانیت ظاهر نشود \* جمیع اجبارا  
تحت ابداع ابهی برسانید \* علی الخصوص فریدون و فریده

و بهرام را \* امید وارم که الطاف الهی شامل گردد \* و از جهت  
فریدون راحت و اسایش حاصل شود و علیکم البهاء الابهی

حیفاً ۲۶ نisan ۱۹۱۹

﴿ ع ع ﴾

﴿ نیویورک \* امة الله مسيس دريفوس عليها بهاء الله الابهی ﴾

مُعَاوَنَةُ  
اللَّهِ

ای خانم محترم \* نامه شما بشوقی افندی رسید \* از مضامین سرور  
حاصل گردید \* زیرا دلیل بر صحت مزاج شما بود \* صحبتی که  
جناب دریفوس در خانه صمد خان با مشاور المالك نمودند بسیار  
مقبول \* انشاء الله نتیجه خوشی خواهد بخشید بلکه این بهوشان  
قدری بهوش آیند \* زیرا بخواب کابوسی مبتلا هستند که می نمایند  
که بواسطه تقالید از اهالی غرب و بواسطه افکار مختلفه مشوشه  
اهالی ایران ترقی می نمایند \* هیئات هیئات با وجود اینکه خدا  
از افق ایران چنین افتاب روشنی طلوع داده که پرتوش بر شرق  
و غرب زده و چنین عهد و میثاقی تأسیس فرموده که سبب عزت  
ابدیه ایران است و اسباب ترقی از جمیع جهات \* خواه از مادیات  
خواه از اخلاق خواه سیاسیات \* این قوه اعظم محیی ایران است



ایرانیان از این غافلند و میخواهند باین افکار باطل ایرانرا زنده نمایند  
 ملاحظه کنید که چه قدر بیهوش و بی فکرند \*  
 باری امیدوارم که بیدار گردند و هوشیار شوند \* و همین قدر  
 ملتفت شوند که حضرت محمد در مکه ظاهر شد \* و مکه يك  
 قطعه سنکستان بود نه درختی و نه گیاهی \* نه سبزه‌ئی و نه چمنی  
 نه زراعتی و نه صنعتی \* مسکن طوائف و حشیه‌ئی از عرب بود  
 چون حضرت محمد از مکه ظاهر شد مکه قبله‌ٔ آسیا و افریقا  
 و بعضی اقالیم از او روپا شد که کل رو بمکه نماز میکنند \* و این  
 سنکستان هر سال مرکز اجتماع اعظم رجال آسیا و افریقا شد  
 همین قدر ملاحظه بکنند میفهمند که امر بهاءالله ایرانرا چگونه  
 اباد نماید و ایرانیانرا عزیز کند \* و لکن چه فائده هوش ندارند  
 کمان کنند که به بونجور یا کود مورنینک ایران احیا شود یعنی  
 لسان فرانسه و انگلیسی \* باری درد دنیا بدتر از بیهوشی چیزی  
 نیست \* این ایرانیان هم بیهوشند و هم خود پسند \* کمان کنند که  
 هر يك افلاطون زمانند و حال اینکه هیچ نمیدانند \* شما نخبه  
 وزرای ایرانیانرا در پاریس ملاقات کردید \* و همچنین بایران  
 رفتید و بزرگان ایرانرا ملاحظه کردید \* اعظم شهزاده ایران  
 ظل السلطان بود دیدید که چگونه بود \* باری دعا کنید که  
 بلکه ایرانیان قدری بیهوش آیند و ملتفت شوند که این کوکب  
 لامع ایرانرا روشن خواهد کرد والا بچراغ شمع و زیت ایران

منور نمیکردد \* در امریکا بدختر عموی محترمت نهایت محبت  
 و مهربانی از قبل من ابلاغ دار \* و همچنین بوالده محترمه ات که  
 هیچ وقت او را فراموش ننمایم \* مهربانی من را بکمال تأکید برسان  
 از هر دو آنها خبری نگیرد و این بسیار عجب است \* زیرا الحمد لله  
 روابط الهی در میانست و قوه معنوی حامی و حافظ ان \* جمیع احبا  
 و اماء الرحمن را از قبل من تحت ابدع ابهی ابلاغ دار \* و همیشه  
 منتظر خبرهای خوش شما هستم که کتاب مفاوضات در دست  
 گیرید \* و باین دلیل و برهان شور و شغف و اشتعال بین

احبا و اماء رحمان اندازید چه که تو باین اختصاص

یافته ئی \* و عليك البهاء الابهي

عکابجه ۲۴ تموز ۱۹۱۹ ﴿ ع ع ﴾

﴿ بواسطه جناب اقا محمد تقی اصفهانی علیه بهاء الله الابهي ﴾

﴿ هندوستان ﴾

بر ما مندلہ \* جناب اقا سید مصطفی علیه بهاء الله الابهي

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه ئی که بجناب اقا محمد تقی مرقوم نموده  
 بودی ملاحظه کشت سبب سرور و حبور شد \* زیرا دلیل جلیل  
 بر ثبوت یاران بر امر حضرت رب و دود بود که الحمد لله در  
 این سالهای انقلاب و شدت اضطراب و حرب عمومی یاران در نهایت

استقامت و ثبات بودند \* فتوری نیاوردند و قصوری نمودند  
 حال الحمد لله غبار جنك نشست و دمدمهٔ توب و تفنك خاموش  
 شد \* بدایت طلوع صبح و سلام است \* باید همت را بکاشت  
 تا یخردان از تعصبات جاهلیهٔ دینی و جنسی و اقتصادی و حتی وطنی  
 نجات یابند \* از جمیع قیود آزا کردند و بوحدت عالم انسانی تعلق  
 تام یابند تا این ابر تاریك شش هزار ساله که افکارا ظلمانی نموده بود  
 بقوه علم و عرفان متلاشی شود \* و نورانیت و وحدت عالم انسانی  
 جهانگیر گردد \* دیانت سبب الفت بشر شود و حمیت جنس بحمیت  
 نوع تبدیل یابد \* کرهٔ ارض و وطن واحد گردد و عالم انسانی مرات  
 مجلای جهان رحمانی گردد \* نفوس زکیه مبعوث شود و انوار  
 سبحانی در زجاجهٔ قلوب بدرخشد جانها جان تازه یابد و قوت اسم  
 اعظم چنان ارتباط بخشد که شرق و غرب دست در اغوش  
 یکدیگر نماید \* ظلمات ضلالت محو و نابود شود و نور هدایت  
 مانند ماه تابان بر جهان بتابد دوزخ بهشت برین گردد و سجن  
 طراوت و لطافت علین یابد \* نفحات الهی بوزد و روح ابدی  
 حیات جاودانی مبذول دارد \* جمیع یاران الهی را فرداً فرداً  
 تحیت بدع ابی ابلاغ دار \* علی الخصوص جناب علی صاحب  
 وکیل و بازماند کن جناب متصاعد الی الله اقسید

مهدی را \* وعلیک البهاء الابی .

حیفا ۱۴ ازار ۱۹۱۹ ع ع \*

﴿ طهران ﴾ بواسطه جناب امين عليه بهاء الله الابي ﴿  
 ﴿ مناجات طلب مغفرت لمن ادرك لقاء ربه في مقعد صدق كريم ﴾  
 ﴿ حضرت ايدى امر الله جناب ابن ابهر عليه بهاء الله الابي ﴾

## هو الله

الهي الهى انى انا جيبك وانا غريق بحار الاسى وطريح تراب الجوى من  
 شدة الرزايا \* رب ما من يوم الا اسمع الحنين والانى من عبادك  
 المخلصين على وفات احد من المقرين \* وما من ليلة الا اسمع  
 الناعى ينعى نفساً زكية طارت الى الملا الاعلى فينسجم منى الدموع  
 ويضطرم منى الاحشاء واثاؤه تاوه الشكلاء وانوح نياح من  
 دهمته المصيبة الكبرى \* وبهذا الاثناء طرق مسامعى نعى من كان  
 ايدى امرك في ارض الطاء الرجل الجليل والخبر النبيل والمسالك  
 فى سواء السبيل الهادى الى الصراط المستقيم الناشر لنفحاتك  
 بين المخلصين والصابر على بلائك بين المضطهدين \* رب انه قضى  
 ايامه ثابت القلب جازم العزم مطمئن النفس مستبشر الروح طليق  
 اللسان بليغ البيان قوى البرهان بالروح والريحان \* كم من ليال  
 يالهى قضاها تحت السلاسل والاغلال وكم من ايام تكبدا الاحزان  
 والالام فى بطون السجون الشديدة الظلام وهو شاكر لا لطافك  
 وصابر على بلائك ومطمئن بذكرك وناشر لنفحاتك \* رب انه لم يفتر  
 فى تبليغ كلامك البليغ ولم تاخذه لومة لائم لثيم وهو تحت وثاق

شديد وكبول من الحديد ويناجيك وهو تحت السيف والسنان  
ويقول يا ربى الرحمن فديتك بروحى ونفسى والحنان ان هذا البلاء  
اعدته موهبة كبرى لانه فى سبيلى محبتك واتحمله حباً بجمالك واستحليه  
شغفاً بذكرك كأن البلاء روح الحياة لاهل النجاة وان المصائب  
اعظم للمواهب ولو كان من أشد النوائب الى ان انحل من رجليه  
الوثاق وتمكن من معاشره أهل الوفاق وهو يحمذك ويشكرك  
على ما ورد عليه من أهل النفاق \* ولا زال يتمنى المنية فى سبيلك  
ويشتاق المنون شوقاً الى لقاءك ويتهدى فى الاسحار ويتمنى خلع  
العذار الى ان نزع الثياب وتجرد عن قيصر التراب وترك موطن  
الاجسام وطار الى على المقام وانسلخ من عالم الظلام حتى يخوض  
فى بحار الانوار ملكوت الاسرار \* رب ارفعه مكاناً سامياً مقعد  
صدق علياً وانبت فى جناحه الاباهر حتى يطير فى أوج لا يتناهى  
ويسر كل نفس مناها واسمع بمبتغاها \* رب افرغ الصبر على  
قرينته الحزينة واسلأته الاجلاء وذوى القربى واجعلهم آيات  
الهدى يقتفون آثار ذلك الشخص الجليل ويتبعون خطوات ذلك  
الرجل النبيل ويوقدون مصباحه فينتمش به الارواح وارزقهم  
النجاح والفلاح فى الآخرة والاولى \* انك أنت الكريم  
انك أنت العظيم \* انك انت الرحمن الرحيم

حيفا ٢٧ ابريل ١٩١٩ \* ع ع \*

﴿ قزوين ﴾ بواسطة جناب حكيم باشى عليه بهاء الله الابهى ﴿  
 مناجات طلب مغفرت بجهت حضرت سمندر نار موقده  
 وضلع محترمشان و حضرت حاجى عبد الكريم و حضرت حاجى  
 نظر على و حضرت ميرزا غلامحسينخان و حضرت دكتور لطف  
 الله و حضرت حاجى غلام و حضرت مسعود و حضرت اقاحب الله

## هو الله

يامن هو سميع اضجيجي و انينى و تاوهى و زفيرى و بصير  
 بتأسفى و تلهفى و تلهبى و شدة حسراتى و قوة زفراتى بما دهمتنى  
 مصائب ادهشتنى و اصابتنى زرايا و اضعفتنى فبقيت متبلبل البال  
 مضطرب الحال مضطرم الفؤاد محروم الرقاد مسكوب الدموع  
 مسلوب الرشاد و هو وفات أحبتك و مصائب نفوس استضاء  
 بهم أفق رحمانيتك و انارت بهم ارضك و سماءك و انجذبت بهم  
 القلوب و انشاحت بهم الصدور و انتشرت بهم نور الهدى بين  
 الوردى و هتف بذكرهم الملائع الاعلى \* فمنهم سمندر النار الموقده  
 و غضنفر رياض الموهبة و حمامة رياض المعرفة من آمن بك  
 و بآياتك منذ نعومة أظفاره و رضع من ثدى عنايتك من بداية  
 حياته و تربى في مهد محبتك و نما و نشأ فى حضن معرفتك و ترخ  
 من صهباء العرفان و انتشى من رحيق الايقان و هو طفل رضيع  
 و مرافق بين الاقران \* و لما بلغ رشده و أدرك أشده فار فوران

النيران من حرارة محبتك \* وماج موج الطمطم من أرياح معرفتك  
 وطار سرعة العقاب في جو سماء موهبتك \* وسطع سطوع النجوم  
 في أفق الوجود \* ولم يزل في الركوع والسجود خاضعاً لسلطنتك  
 وخاشعاً لعظمتك وما فتر في ذكرك ليلاً ونهاراً \* وما فتر في ذكرك  
 عشياً وإشراقاً وما برح يدعو الناس إلى منهج الهدى صباحاً ومساءً  
 وكم من نفوس يا الهى أحييتهم به ورنحتهم به من صهباء الهدى \*  
 وكم من صدور انشرفت به بمشاهدة آياتك الكبرى \* وكم من أبصار  
 نورت به بموهبتك العظمى وكم من آذان أسمعت به ندائك الأحملى  
 وكم من أرواح بشرت به بالطافك فى الآخرة والأولى \* رب انه  
 كان آية من آياتك حافظاً لكلماتك ثابتاً على عهدك وميثاقك ثابتاً  
 فى حدائق قدسك وله لسان فصيح فى اقامة برهانك وبيان بليغ  
 فى تفهيم كلماتك \* رب آدم فى فضائلك على ذريته \* وظلل سحاب  
 رحمتك على ذوى قرابته \* رب اجعل أبنائه خلائفه \* وأسلاته  
 أسراره وأولاده وأحفاده وارثين فى الاخلاق \* وحائزين شرف  
 الاعراق وناشرين الميثاق فى الآفاق \* ينادون باسمك ويشتغلون  
 بذكرك وينطقون بالثناء عليك بين أهل الاشراق \* رب اجعلهم  
 طيوراً صادحة وأسوداً زائرة وحيثاناً ساجدة فى غمار بحار محبتك  
 رب ان قرينته المنجذبة بنفحاتك وصلعه الضليع بقوة محبتك  
 طارت الى ملكوتك \* وصعدت الى أعلى الأوكار فى حدائق  
 الاسرار عالم الأنوار \* رب اجعلها سراجين وهاجين فى زجاج

الغفران ونجميز ساطعين في أفق العفو والرضوان \* انك أنت  
الكريم اللطيف الرحمن \*

ومن تلك النفوس الزكية يا الهى عبدك الكريم ذو القلب  
السليم من آمن بنبئك العظيم وسلك في صراطك المستقيم وهدى  
الناس الى المنهج القويم ودلع لسانه بذكرك ودام بيانه بالثناء عليك  
ونطق ببرهانك لمن توجه اليك \* رب انه لم يتمن راحة ولا نعمة  
ولا سكوناً ولا قراراً الا في نشر نجاتك وترتيل آياتك وترويح  
حجتك وبرهانك \* رب انه كان سر اجأ يتلأ منه نور الهدى وزجاجاً  
وهاجاً بمصباح الحب والتقوى وكلمة جامعة لمعاني الوفا وآية باهرة  
بين الورى \* رب ادركه بالفضل والجود واجمله قدوة أهل السجود  
واخلده في حدائق الغلباء وحظائر العلياء \* انك أنت الرحمن الرحيم  
ومن تلك النفوس المطمئنة يا الهى عبدك الوفي من سميته  
بنظر على \* رب اجعل له مقاماً علياً ومقعد صدق ربيعاً واجره  
في جوار العفو والغفران وانه كأس الجود والاحسان وممكنه في  
مبحوحة الجنان واسقه حميا السرور في فردوس الجبور حتى يستغرق  
في بحور الانوار وينحوض في ملكوت الاسرار \* انك أنت العفو  
الغفار \*

ومن تلك النجوم الزاهرة في اخافقين عبدك الرضى غلام  
حسين من فاز بانوار المشرقين وشرب من العينين النضاختين  
ودخل في الجنتين المدهامتين فأمن بالنقطة الاولى وخر ساجداً



لجمالك الابهى \* رب انه كان ورداً مؤثقاً في رياضك وموجاً متدفقاً  
 في حياضك وورقاً ناطقة بالثناء عليك \* رب اجعله شجراً خضلاً  
 نضراً في حدائق قدسك يهتز من نسيمات عفوك وغفرانك متزيناً  
 باوراق الطافك زاهياً بازهار الطافك \* انك أنت العفو الغفور  
 المنان \*

ومن تلك السرج المضيئة يا الهى عبدك ولطفك اللطيف ذو المقام  
 المنيف والروح الخفيف من تجافى جنبه عن المضاجع يدعوك  
 ايلاً ونهاراً ويهدى الى اقدس الشرائع اجعله خير الودائع في حمى  
 مغفرتك وملجأ الاوائل والاواخر \* انك أنت الكريم وانك  
 أنت الرحمن الرحيم \*

ومن تلك الاشجار الباسقة يا الهى عبدك الذى سميته حب الله  
 واحسنت مبدأه ومنتهاه واضطرم في قلبه نار محبتك بين الملا  
 ونورت وجهه بنور الهدى واقر واعترف بالكلمة العليا وانجذب  
 الى مشاهد الكبرياء رب اورده على الورد الاعذب الاحلى واروه  
 من كوثر البقاء ورنحه من صهباء اللقاء يا جزيل العطاء يا جميل  
 الوفاء \* انك أنت العزيز الوهاب \*

ومن تلك الارواح المستبشرة بالطافك يا ربى الغلام عبدك حاجى  
 غلام \* رب انه توجه اليك وهو فى المهد صبياً وتحرى الحقيقة  
 وكان مرهقاً رضيعاً وانقطع عن دونك وكان غلاماً مرضياً وآمن  
 بك وبآياتك وكان فتى زكياً \* وثبت على عهدك وميثاقك وكان كهلاً

وفيك ونادى باسمك وكان شخصاً جليلاً وصعد اليك • واتخذك لنفسه  
وليك • رب اجعل له رفيقاً علياً ومن مغفرتك كهفاً منيعاً ومن عفوك  
ملاذراً فيعاً • انك أنت الكريم الرحمن الرحيم ذو الفضل العظيم  
ورعوف باحباته الذين سلكوا في الصراط المستقيم • رب ان من  
جواهر الوجود عبدك مسعود • اشتاق الوفود عليك والحضور  
لديك والورود بين يديك • رب انه كان يشاق الصعود الى مركز  
الانوار والشهود لانوار الجمال وما برح ينطق بذكرك بين الورى  
ويثنى عليك بلسان دالغ بابدع للمعاني بين الورى ولا يرجو الا اللقاء  
وما يمتنى الا الصدق والصفاء • رب اجعله الآية الكبرى وراية  
خافقة فى أوج العلى ونوراً مجسماً فى الملائة الاعلى و نيراً ساطعاً من  
أفق العطاء • رب اترك عبدك المسعود واجعل له المقام المحمود

وقدر له الدخول فى محفل التجلى الذى لا ينتهى

احقاباً ودهوراً حتى ينال فى جوار رحمتك

الكبرى فرحاً وسروراً • انك أنت الغفور

انك أنت الرعوف انك أنت العزيز الودود

حيفا ٣ رجب ٣ ابريل ١٩١٩

﴿ ع ع ﴾

﴿ مصر ﴾

( جناب شيخ فرج الله قريب كرى عليه التحية والثناء )

# مجلد

أياها الحبيب \* قد وصلت نيمقكم البديعة الجديدة ومضمونها مما  
ينشرح به الصدور \* وبلغ أشواق المتكاثرة الى غرة جبين الفضائل  
وسراج محفل الافاضل الشيخ المحترم (حضرة الشيخ محمد بن حيت)  
اسأل الله أن يجعله آية الهدى بين الورى ويهدى به القوم الى  
المحجة السمحة البيضاء وحقيقة الشريعة الغراء \* ويوحده بكلمة  
القوم وينقذهم من اللوم وهو قائدم الى سبيل الفلاح والنجاح  
ويهدبهم بتريية الهية وأخلاق محمدية \* ويورثهم العزة الابدية \*  
وأما سريان الحقيقة فى عروق الفطناء الاذكاء العقلاء  
المستعدين لكشف الحقيقة الساطعة فسبب سرورنا \* ولكن  
عليكم بالحكمة التامة لان الناس فى سبات عظيم وحجاب غليظ  
لا يتمنون التقرب الى الله والتشبث بالعروة الوثقى التى لا انفصام لها  
بل يتحرون وسائط شتى للنجاح بمقولهم الضعيفة \* ولا يعلمون  
أن هذه أسباب طفيفة لا تسمن ولا تغنى من الحق شيئاً \* بناء  
على ذلك عليكم بالتقية \* وبلغ تحية نورا من قبلى الى الشيخ  
الجليل \* جناب محمد مهدى \* والى الشيخ حبيب المراد حفرة

عبد الجواد \* والى الشاب السالك على الصراط المستقيم حضرة  
عبد الكريم افندى الحائز لفضيلتين هندی وكردى ويتكلم  
بالفارسی كما قال فردوسی \*

نژاد ازدوشه دارد این نیک پی \* زافر اسیاب و زکوس کی  
وبلغ تحیتی وثنائی الی حضرة الشیخ محمد راشد \* ولا یجوز  
خلع العذار وهمتک الاستار \* وأما ترجمة أحوال الاحباء المتصاعدين

الی الاوج الاعلی فعن قریب زکملها \* وأما طبع کتاب

درس التبلیغ لحضرة صدر الصدور فلا بأس به

وارسال جلد واحد من کتاب مفتاح باب

الابواب الی رفسنجان لا بأس فیہ \*

وعلیک التحیة والثناء \*

﴿ حیفا ۲۲ اکتوبر سنة ۱۹۲۱ ﴾

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ مصر ﴾ \* حضرت الشیخ فرج الله ملاحظه فرمایند \*

مُعَاوَنَةُ  
لِلدِّينِ

أی شیخ محترم \* در السن وافواه ناس مفتریاتی چند انتشار  
یافته که ضرر بامر دارد \* لهذا باید من ملاقات با بعضی نفوسی

مهمه نمايم و اين افكار را زائل نمايم \* و تا بحال هر كس ملاقات نمود منقلب گرديد \* اكر نفسى از احبا زبان بقبليغ كشايد و بنفسى حرقى ولو بمدافعه بزند مردم بكلى فرار نمايند و نزديك نيايند \* لهذا جمال مبارك تبليغ را در اين ديار حرام فرموده اند مقصود اينست كه احبا بايد كه اياى چند بكلى سكوت نمايند و اكر كسى سؤال نمايد بكلى اظهار بى خبرى كنند كه همه و دمدمه قدرى ساكن شود و من بتوانم كه بمصر آيم و با بعضى از نفوس مهمه ملاقات كنم \* زيرا حال حكمت اقتضاء چنين مينمايد \* لهذا جميع احبا را بكلى از تكلم از اين امر البته حال منع فرمائيد و عليكم التحية والفضل والأحسان من الرب المنان \*

الحمد لله همیشه موفق بخدمت بوده وهستى \* جناب

شيخ محي الدين واخويشان وساير احبارا

تحيه مشتاقانه برسان \* بنهايت

استعجال مرقوم شد زيرا

فرصت نداشتم معذور داريد

﴿ ع ع ﴾

این لوح مبارك در رمل اسكندريه در سنه ۱۹۱۱ م نازل گرديد \* بمدهيكل مبارك بمصر تشریف آوردند و بعد ذلك باورپا تشریف فرما شدند و صورت اصلی لوح بخط مبارك است

﴿ بواسطه جناب محمد علیخان علیه بهاء الله الابهی ﴾  
 ﴿ کرمان جناب آقا مهدی انارکی \* علیه بهاء الله الابهی ﴾

## هو الله

ای ثابت بر پیمان \* رزایا و محن و بلا یای سر و عن در این سنین اخیره  
 جمیع عالم را احاطه نمود \* ولی احبای الهی الحمد لله بیکدرجه  
 در امن و امان بودند مانند دیگران گرفتار آلام و محن نبودند  
 اطاعت تعالیم جمال مبارک کردند \* باین سبب محفوظ و مصون  
 از هر آفت شدند حتی در قفقاز و عشق آباد بلشویک هجوم  
 بترکستان نمودند \* اموال بتالان و تاراج رفت و نفوس کثیره  
 هدف تیر هلاک گشتند \* ولی احبای الهی در امن و امان \*  
 حال که نائره حرب در غرب خاموش شد انشاء الله در شرق نیز  
 بکلی محمود گردد \* امیدوارم که راحت و آسایش حصول یابد \*  
 الحمد لله در کرمان اهل طغیان فرونشستند \* و جناب حاج زین  
 العابدین خان اظهار عدم مداخله فرمودند ایده الله و شیده \* احبا  
 باید اظهار سرور و ممنونیت از ایشان نمایند المنه لله که محفل تأسیس  
 گشته و جناب اشراق سبب وفاق شدند \* و سلیل جلیل شان  
 آقا محمد و آقا میرزا عیسی خان ناظم و جناب عباسخان و جناب  
 آقا سید ابوذر و جناب میرزا سید علی و جناب میرزا الیاس و جناب  
 میرزا حسین خان و جناب آقا خدا یار کل را از قبل عبد البهاء  
 نهایت اشتیاق و تحیة و ثناء برسانید \* امیدوارم که محفل تأیید

موفق بر تبلیغ شود \* جناب میرزا علی آقا در بزم نجل مرحوم  
 ملا شیخ علی را از خدا خواهم که آیت هدی گردد و منظور نظر ملا  
 اعلی شود \* چون بحر بجوش آید \* و مانند نهنک عشق خروش  
 بر آرد \* شاهد انجمن گردد و مانند شمع روشن شود \* جناب  
 سید نجیب الملقب با جودان و سید جلیل الملقب با اعتضاد این  
 دو نفس محترم را محبت بی پایان دارم و تأیید و توفیق حضرت رحمن  
 طلبم \* جناب میرزا محمد علی را که بهمت اقامیرزا الیاس بنار محبت  
 الله مشتعل شدند از الطاف حق فضل بی پایان خواهم \*

و عموم احبای الهی را بنهایت خلوص پیام محبت میرسانم \*  
 اخوی هارا از قبل من محبت و مهربانی برسان \* بولد عزیز  
 و بنت محترمه و نصرت الله و والده محترمه اش از قبل

من تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید \* و از درگاه

حق طلب مغفرت بجهت ابوین آنجناب

نمودم \* و عليك البهاء الابی

حیفا ۵ صفر ۱۳۳۸ \* عبد البهاء عباس \*

\* طهران \* بواسطه جناب امین علیه بهاء الله الابی \*

\* جناب آقا میرزا عبد الله مطلق من أهل طاء \*

\* و جناب آقا میرزا محمود علیهما بهاء الله الابی \*

## هو الله

ای دوبنده آستان مقدس \* محافلیکه از برای تربیت و تعلیم

نور سید کان ترتیب گردیده مورث نهایت روح و ریحان شد \*  
 و هر نفسی ساعی در آن یا معلم طفلان یا مشوق کودکان است  
 البته مظهر تأییدات غیبیه حضرت یزدان گردد و مورد الطاف  
 بی پایان شود \* لهذا با نهایت سرور تشویق بر این امر  
 مشکور میگردد تا مشاهده اجر موفور فرمائید  
 و منتظر تأیید حتمی رب غفور باشید  
 و علیکم البهاء الابهی \* ع ع \*

﴿ بواسطه جناب آقا میرزا حسین سایل عمه علیه بهاء ﴾  
 ( الله الابهی \* جناب مطلق علیه بهاء الله الابهی )

## مَوْلَا اللَّهِ

ای جناب مطلق \* مطلق یعنی آزاد \* الحمد لله آزادی و آبادی  
 و روز بروز در محبت الله درازدیادی و بجهت تبلیغ در اطراف سر  
 گردان و بی سر و سامانی \* این عین عنایت است و ناجی مرصع  
 سلطنت ابدی است و جلوس بر سر بر سرمدی \* از الطاف  
 حق امیدوارم که تمکن تام یابی و تأییدی شدید  
 مشاهده نمائی \* و علیک البهاء الابهی  
 حیفا ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳۸ ﴿ عبد البهاء عباس ﴾



﴿ طهران \* بواسطه جناب امین جناب میرزا عبد الله مطلق ﴾  
 ﴿ علیه بهاء الله الابهی ﴾

## هو الله

ای منادی امر الله \* الحمد لله در عراق سبب انتشار اشراق  
 کشتی \* همیشه موفق بالطاف نیر آفاق باشی \* ملاحظه کن که  
 تأیید چگونه پیاپی رسید و شاهد توفیق چگونه جلوه نمود \*  
 از الطاف بی پایان امیدوارم که روز بروز نظر عنایت بیفزاید  
 و دلبر آسمانی در سراجه دل جلوه نماید \* موفق باشی و مؤید  
 و مشمول بنظر عنایت \* و عليك البهاء الابهی  
 حیفا ۲۶ رجب ۱۳۳۸ ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ هولاند \* بلاریکوم \* جناب مستر جورج انزلین ﴾  
 ﴿ علیه بهاء الله الابهی ﴾

## هو الله

ای منجذب بملکوت الله \* نامه ئی که بتاريخ ۲۲ مای ۱۹۱۹  
 ارسال نموده بودی رسید \* از مضمون نهایت سرور حاصل  
 کردید \* الحمد لله ان شخص محترم تشنه چشمه حیات است  
 و طالب سبیل نجات تحری حقیقت مینماید و از تقالید بکلی بیزار  
 این عصر عصر حقیقت است \* افکار پوسیده هزاران ساله منفور

عاقلان باهوش و عالمان پر جوش و خروش \* در این قرن عظیم  
 جمیع اصول قدیمه پوسیده بکلی متروک شده \* در هر خصوص  
 افکار جدیده بمیان آمده \* مثلاً معارف قدیمه متروک \* معارف  
 جدیده مقبول سیاسیات قدیمه متروک سیاسیات جدیده مقبول  
 علوم قدیمه بکلی متروک \* علوم جدیده مرغوب \* آداب قدیمه  
 فراموش شده \* آداب جدیده بمیان آمده \* مشروعات جدیده  
 واكتشافات جدیده و تحقیقات جدیده و اختراعات جدیده حیرت  
 بخش عقول گردیده \* جمیع امور تجدید یافته \* پس باید که حقیقت  
 دین الهی نیز تجدید یابد \* تقالید بکلی زائل شود \* و نور حقیقت  
 بتابد تعالیمیکه روح این عصر است ترویج گردد و ان تعالیم حضرت  
 بهاء الله که مشهور آفاق است و نفثات روح القدس است \*  
 از جمله تحری حقیقت است که باید بکلی تقالید را فراموش کرد  
 و سراج حقیقت را روشن نمود \* من جمله وحدت عالم انسانیست  
 که جمیع خلق اغنام الهی هستند و خدا شبان مهربان \* و جمیع  
 اغنام الطاف بی پایان مبذول میدارد \* نهایت اینست بعضی جاهلند  
 باید تعلیم داد \* بعضی علیند باید علاج نمود \* بعضی طفلند باید  
 بیلوغ رسانند نه اینکه طفل و علیل و نادان را مبعوض داشت  
 بالعکس باید بی نهایت مهربان بود \* از جمله دین باید سبب  
 الفت و محبت بین بشر باشد و اگر چنانچه سبب بغض و عداوت  
 باشد فقدانش بهتر \* از جمله باید دین و عقل مطابق باشند

عقل سلیم باید تصدیق نماید \* از جمله حق و عدل است و مساوات  
و مواسات طوعی \* یعنی انسان طوعاً و بکمال رغبت باید دیگری را  
بر خود ترجیح دهد \* ولی نه بچیر بلکه بمحبت الهی چنان  
یک دیگر را دوست دارند که جان فدا نمایند چنانکه بهائیان  
در ایرانند \* و من جمله تعصب دینی \* تعصب جنسی \* تعصب  
ترابی \* تعصب سیاسی هادم بنیان انسانیت تا این تعصبات  
موجود عالم انسانی هر چند بظاهر متمدن ولی بحقیقت  
توحش محض است \* و جنک و جدال و نزاع و قتال نهایت نیابد \*  
از جمله صلح عمومیست \* و از جمله تأسیس محکمه کبری  
تا جمیع مسائل مشکله دولی و مللی در محکمه کبری حل گردد  
از جمله حریت الهی یعنی خلاصی و نجات از عالم طبیعت \* زیرا انسان  
تا اسیر طبیعت است حیوان درندره است \* از جمله مساوات  
رجال و نساء \* زیرا عالم انسانی را دو بال یکی ذکور و یکی اناث  
تا هر دو بال قوی نکردند عالم انسانی پرواز نماید و فلاح و نجات  
حاصل نکند \* از جمله اینکه دین حصن حصین است و عالم انسانی  
اگر متمسک بدین نباشد هرج و مرج گردد و بکلی انتظام امور  
مختل شود \* از جمله اینکه مدنیت مادی باید منضم بمدنیت الهی  
باشد \* مدنیت مادی مانند زجاج است و مدنیت الهی مانند سراج  
مدنیت مادی مانند جسم است و لو در نهایت جمال باشد \* مدنیت  
الهی مانند روح است جسم بی روح فائده بی ندارد \* پس عالم انسانی

محتاج بنفشات روح القدس است \* بدون این روح مرده و بدون  
 این نور ظلمت اندر ظلمت است \* عالم طبیعت عالم حیوانیست  
 تا انسان ولادت ثانی از عالم طبیعت نیابد \* یعنی منسلخ از عالم  
 طبیعت نکردد حیوان محض است \* تعالیم الهی این حیوان را  
 انسان نماید \* و از این قبیل تعالیم بهاء الله بسیار که حیات  
 میبخشد و چهارا روشن مینماید \* هر چیز تجدد یافته است \*  
 البته باید تعالیم دینی نیز تجدد یابد \*

ای مستبشر بشارات الله که همت بر بند و تمام قوت قیام نما  
 تا ان اقلیم را بتعالیم الهی روشن نمائی و خارستانرا کلزار  
 و کلشن کنی و یقین بدان که تأییدات ملکوتیه

پی در پی میرسد \* و عليك البهاء الابهی

حیفا ۲۶ اغسطس سنه ۱۹۱۹ ( ع ع )

قزوین \* احبای الهی عموما و اماء الرحمن \* همدان احبای الهی  
 و اماء الرحمن \* رشت احبای الهی \* لاهیجان احبای الهی  
 کرمان \* احبای الهی \* انزلی احبای الهی \* طهران  
 احبای الهی \* علیهم و علیهن بهاء الله الابهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 هُوَ اللَّهُ  
 اللَّهُ هُوَ

ای احبای الهی \* جناب میرزا لیب زائر چون بعثه

مقدسه وارد و زیارت مطاف ملاء اعلیٰ فائز گردید \* سرباستان  
 الهی گذاشت \* و از برای کل طلب تأیید و توفیق نمود \* چون  
 قصد مراجعت کرد خواست از برای هر یکی از احبای الهی  
 و اماء رحمان در قزوین و طهران و رشت و همدان و انزلی و کرمان  
 و لاهیجان مکتوب مخصوصی مرقوم گردد \* و این نظر بمحبت  
 مخصوصی است که باحبا دارد چنین ارزو نمود \* ولکن عبد  
 البهاء غرق دریا باید بعموم شرق و غرب در امور مهمه مخبره نماید  
 و بتمشیت جمیع کارها در جزئی و کلی پردازد \* هر جزئی از عبد  
 البهاء اگر بهزار جزء منقسم شود از عهده بر نیاید \* و انواع عوارض  
 عارض گردد \* عبد البهاء پیش از اینکه نائره جنک بر افروزد  
 بعلل و امراض عسیده مبتلا و سبب کثرت مشاغل بی پایان  
 و اذیت و صدمات از داخل و خارج \* ولی چون در ایام جنک  
 طرق و وسائط مخبره منقطع راحتی حاصل شد \* با وجود  
 خوف و خطر شدید عبد البهاء از مشاغل راحت گردید \* لهذا  
 جمیع امراض و علل زائل شد \* اگر چنین نمیشد تا بحال از شدت  
 امراض بکرات و مرّات صعود نموده بود این یکی از حکمتهای  
 بالغه این جنک \* و حال اگر دوباره باین مشقات عظیمه و مشاغل  
 بی پایان پردازد در اندک زمانی جمیع ان عوارض عود کند  
 و البته یاران الهی را عبد البهاء بهتر از اوراق است البته توقع  
 مکاتبه فردا فردا ندارند \* بجان و وجدان مستمرا بدون انقطاع

بایاران مخبره معنوی مینماید \* و گفتگوی روحانی میکند \*  
 آئینه چون صافی گردد این نجومی که در بُعد ابعندن در آئینه  
 حاضر و ظاهر و اشکار کردند \* یعنی هزاران هزاران هزاران  
 فرسنگ بین مرآت و نجم حائل نشود \* و این بفضل و عنایت  
 جمال قدم است \*

باری الحمد لله در شرق و غرب روائح مشک جان منتشر  
 و در جنوب و شمال آهنگ یا بهاء الابهی مرتفع \* بهار روحانیست  
 و ربیع رحمانی صحرا و دشت کلاکشت است و براری و کسار  
 کاشن و کلزار \* ابر رحمت کریان و چمن و دمن خندان \*  
 درختان پیرک و شکوفه مزین و خرم و بلبل زار در کاشن راز  
 با جمال کل همدم و همراز \* و مرغان چمن باهنگ ملا اعلی در ترانه  
 و اواز نفعه الهی روح جدید میدمد \* صلاهی ربانی بصر جدید  
 میبخشد \* فیض معنوی قوت شدید میدهد \* شمس حقیقت  
 در غیاب سحاب کائنات را بحر کت شوق میپرورد \* با وجود  
 این فیوضات عظیمه و آن تجلیات غیبیه و این ابتهاج بمکاتبه  
 عبد البهاء احتیاج نماند \* پس بجان و دل بکوشید که علم خدمت  
 بر افرازید \* و با اهل ملکوت ایبی دم ساز شوید \* من در هر دم  
 بساحت اقدس تضرع و زاری نمایم و لابه و بیقراری کنم و هر یک  
 از شما را مدد نا متناهی طلبم \* فیض اسمانی خواهم عزت ابدیه  
 جویم \* نفعه رحمانیه طلبم قوت ملکوتیه خواهم تجلیات لاهوتیه

جویم \* تا توفیق چه کند و تایید چه نماید \* و علیکم البهاء الابهی

حیفا ۱۴ صفر سنه ۱۳۳۸ \* ع ع \*

\* بواسطه امة الله لیلی \* آباءه آقا میرزا بدیع الله اکاه \*

(خادم حدیقه الرحمن علیه بهاء الله الابهی)

## مَوْلَا لِلَّهِ

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و از مضمون بهجت و سرور  
حاصل گردید \* جناب حاجی حیدر \* الحمد لله در میدان عرفان  
صفا گردید و بسبیل هدی رهبر شد \* حال بشکرانه این  
موهبت کبری در آن صفحات مشغول به تبلیغ گردد \* پس از آن  
مشرف باستان \*

مرتکب معاصی را مقتضای عدل الهی عذاب و عقاب است  
بهر صورتیکه باشد زیرا عقوبت مبنی بر اراده انسان است نه  
از برای شیر و اخلاق موروثی \* چه بسیار که پدر و مادر در احسن  
اخلاق و پسر در اسوأ اخلاق و یا بالعکس نوح و کنعان را بخاطر آر  
و عکرمه بن ابی جهل را ملاحظه کن این کفایت است \*  
امر دیگر که در الواح مذکور ظهور صنعت مکتومه است \*  
لیلة القدس شبی است که در قشله لوحی صادر \* و همچنین  
لوحیکه بجهت درویش صدقعلی نازل شده و جمیع احبارا با اتحاد

و اتفاق دلالت فرمودند و این لوح در ضمن کتابی طبع شده \*  
 اما شهادت حضرت اعلیٰ روحی له الفداء اگر در ایام رضوان  
 واقع عید گرفته نمی شود \* استنباطهای منجمین یعنی استنباطهای  
 که تعلق بوقائع خیر و شر دارد ابداً حکمی ندارد \* کذب المنجمون  
 برب الکعبة \* ولی استنباطهای فنی که تعلق بمحرکات نجوم دارد  
 مثل خسوف و کسوف و امثالها این پایه و مایه دارد \*

و اما استنباط از نجوم از ظهور مظاهر مقدسه خارق العاده است  
 دخلی بفن نجوم حالی ندارد \* بجناب به زاد و کربلائی حبیب الله  
 و کربلائی فتح الله از قبل من تحیت و ثنا برسان \* دو دست دعا  
 بدرگاه حضرت کبریاء میکشایم و ایشانرا عون و عنایت الهیه  
 و مدد غیبی میطلبیم \*

اما رساله که در ذم مسکرات مرقوم نموده اید اگر طبع  
 بفرمائید جائز \* بجناب آقا سید مهدی و آقا حسین فراش مدرسه  
 تربیت از قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دار \* از الطاف بی پایان  
 میطلبم که امة الله المقربه والده رهبر و ائمه المحترمه شمس الضحی  
 و رهبر بلکه جمیع آن خاندان موفق به ثبوت و رسوخ و مؤید  
 بحسن خاتمه باشید \* اگر چنانچه حدیقه الرحمن را مشرق الاذکار  
 نمائید جائز تا در آن موقع مبارک تسبیح و تقدیس

بفلك اثير رسد \* و عليك البهاء الابهی

حیفا ۱۳ ذی القعدة ۱۳۳۱ (عبد البها عباس)



﴿ بواسطه زائر روضه مبارکه رستم مهربان عليه بهاء الله الابهی ﴾  
 ( هند \* صورت \* جناب مستر وکیل و حرم محترمه اش )  
 ( علیهما بهاء الله الابهی )

## هو الله

ای دو شمع محبت الله \* نامه شماها رسید \* الحمد لله بروح محبت  
 الله زنده اید و بنفحه حدیقه فیوضات الهی مشام معطر دارید  
 و بدل و جان از حصول هدایت کبری مسرور و شادمانید \* من  
 تضرع بدرکاه احدیت مینمایم تا درصون حمایت او محفوظ و مصون  
 باشید و موفق بنشر آیات توحید شوید و مؤید بهدایت دیگران  
 گردید تا در اینجهان فانی تأسیس حیات باقی کنید \* و در این  
 تاریکی عالم طبیعت سراجی روشن نمائید \* هیچ وقت شمارا  
 فراموش نمیکنم و همیشه بیاد و ذکر شما مشغولم و طفل شما  
 در ملکوت الهی عزیز است \* و علیکم البهاء الابهی

حیفا ۱۷ ستمبر ۱۹۱۹ ع ع ﴿

هندوستان \* پونه \* اعضای محفل روحانی علیهم بهاء الله الابهی

## هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه ئی که بتاريخ ۱۱ اپریل ۱۹۱۹ مرقوم نموده  
 بودید بادو رساله یکی فارسی و دیگری انگلیزی ملاحظه گردید  
 انتشار هر دو جائز \* چند نسخه از آن رساله انگلیسی بارض

مقصود ارسال دارید \*

واما محفل سالیانه بهائیان در هندوستان نظیر کونونش  
امریکا موافق \* ولی بکوشید که آراء جمیع احبا در اینخصوص  
متحد گردد تا در مستقبل سبب اختلاف و تفرقه نشود \* آنچه  
اعظم امور است ان اتحاد و اتفاق جمهور احبا و ائتلاف تام در میان  
یاران \* این اهم امور است \* اگر نفسی ملول گردد اهمیت  
بدهید \* بهر وسیله باشد او را گرم کنید \* و در دایره و حلقه  
خویش در آید \* اگر چنین شود پرتو نور مبین جهانگیر گردد

انعقاد محفل در شهر کانون بسیار مناسب \* ولی در

موقع تشکیل مخبره بایاران نمائید تا با کثرت

آراء محل تعیین گردد \* زیرا وقت

بسیار است \* و علیکم البهاء الابهی

حیفاه می ۱۹۱۹ \* ع ع \*

جناب مسیو آندره علیه بهاء الله الابهی \*

هو الله

ای زائر تربت پاک حمد کن خدا را که موفق بر طی مسافت  
بعیده کشتی تا آنکه بکوی دوست رسیدی و از الطاف حضرت  
مقصود بهره و نصیب یافتی \* و فی الحقیقه سزاوار این فضل  
و موهبت بودی زیرا در همدان بتعلیم نونها لان حدیقه معانی  
پرداختی \* حال بجهت تزه و تفک و راحت دل و جان بغرب سفر

نما \* پیاریس برس و در انجا جستجو از یاران الهی نما \* و بهریک  
 از آنان از قبل عبد البهاء رأفت و مهربانی کن \* و تحت مشتاقانه  
 مرا برسان و بگو که در جمیع دیار اهنک یا بهاء الابهی بلند است  
 و امید من چنانست که در پاریس نیز این نغمه جانفز این اهنک  
 ملکوت ابهی بلند گردد \*

پاریس در هر مسئله‌ی شورانگیز است \* از خدا خواهم  
 که ساز و آواز احبای الهی چنان بلند شود که زلزله برارگان  
 پاریس اندازد \* منتظر اخبار بسیار خوشی از احبای پاریس  
 هستم \* و یقین است در آینده این اهنک الهی در آن مدینه بلند  
 خواهد شد \* ولی میخوام در ایام عهد و میثاق باشد \*  
 و شما مطربان آن آواز باشید و بلبلان خوش ترانه آن اقلیم گردید \*  
 و علیک البهاء الابهی \*

خداوند مهربانان \* بنده تو سلیمان از اینجهان بیزار شد تا در  
 جهان بالا بر سریر سلیمانی نشیند \* روی تویند و خوی  
 تو گیرد \* ای امرز کار کناه ببخش \* پناه بده  
 آگاه کن و درجهان اسرار غرق انوار فرما

حیفا ۲۵ نو فبر ۱۹۱۹

( ع ع )

﴿ هندوستان ﴾

﴿ مندرله جناب آقا سید مصطفیٰ علیہ بہاء اللہ الابهی ﴾

مُعَاذَ اللّٰهِ

ای ثابت بریمان • نامہ ۱۹ اغسطوس ۱۹۱۹ رسید  
 از مضامین کام جان شیرین کردید زیرا ایت وفا بود و دلیل ثبات  
 بر عبودیت جمال ابھی • در سنین جنک مجبوراً این طیر بی پروبال  
 ساکت و صامت بود ولی بعد از تسکین شعلهٔ حرب قدری  
 راه‌ها بازگشت و بمخابره با یاران پرداختیم • و لکن اوراق  
 مانند برکهای درخت میریزد • و قلم متحیر که کدامیک را جواب  
 بنویسد • الحمد لله امر الله روز بروز در علواست و دائرهٔ مخابره  
 اتساع می یابد • در پیش ممکن بود که مخابره با عموم احبا گردد  
 حال بہر شهری بیش از یکنامہ نکاشتن ممکن نیست بلکه  
 ممتنع و مستحیل • با وجود این چون انجناب از یاران قدیمند  
 و خاطر تان بسیار عزیز لهذا بوصول نامہ این جواب مرقوم  
 میگردد تا بدانانی کہ دل و جان عبد البها بچہ درجہ بتو مہربانست  
 الیوم ہنکام تبلیغ است این امر مؤید است ہر نفسی بان پردازد  
 جنود ملکوت ابھی نصرت نماید • امر تبلیغ یرلیغ بلیغ  
 از ملکوت ابھی دارد •

باری جمیع احبارا تشویق و تحریص بر اعلاء کلمة الله و نشر  
نفحات الله نمائید تا ان اقلیم باهتزاز آید \* مکاتبه را من بعد نیز  
بواسطه آقا محمد تقی اصفهانی در مصر بنمائید \* زیرا این نفس

محترم بکمال قوت بخدمت مشغول و با بغضی از اجبا

در اخر زمستان اذن حضور داری \* جمیع یارانرا

تحت ابدع برسان \* و عليك البهاء الابهی

حیفا ۱۳ اکتوبر ۱۹۱۹ \* (ع ع) \*

\* (طهران \* بواسطه جناب شهید ابن اسم الله الاصدق) \*

« علیه بهاء الله الابهی »

مشهد اعضای محترم محفل روحانی \* علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای نفوس مبارکه \* نامه شما رسید و بشارت عظمی داشت  
که محفل روحانی تأسیس رحمانی شد و نفوس مبارکه حاضر جمع  
نورانی مکاتبه با طرف متداول گشت و دستگیری فقر امتواصل  
و خمودت و جمودت بکلی زائل \* محفلا در تکاثر و حاضرین  
در تزیید \* و عون و عنایت حضرت احدیت شامل بر کل \* جناب  
آقا میرزا احمد قائی ان هیکل نورانی و ان نفس رحمانی در بحبوحه  
حرب بین دول و ملل بنهایت مشقت خود را بساحل ارض مقدس  
رساند \* و چون راهها مقطوع بود اقامت در عتبه مبارکه نمود

و با کمال انجذاب و اشتعال بی اغبانی روضه مبارکه قیام نمود \*  
 شب و روز آرام نداشت و در حین سقایه مسجد الحرام در بحر  
 مناجات مستغرق بود \* سنک و کلوخ را ب حرکت می آورد و ثبوت  
 و رسوخ مینمود \* عاقبت احساسات روحانی و بشارات انجمنانی  
 چنان او را احاطه نمود که روح تحمل ننمود \* قالب جسمانی ترک  
 نمود \* و این قیص ترابی را وا گذاشت و با هیکل نورانی باوج  
 آسمانی پراوز نمود \* و علیه و علی الکل البهاء الابهی \*

نفوس اجله بی که در سنه ماضیه بمعاونت فقرا پرداختند

از الطاف حق میطلبیم که انفاقشان ( کجبه انبت

سبع سنابل و فی کل سنبله مئة حبه والله

یضاعف لمن یشاء) گردد

عکا ۷ می ۱۹۱۹ \* ع ع \*

\* طهران \* جناب صنیع السلطان علیه بهاء الله الابهی \*

هو الله

یار وفا دارا \* کویند عنقریب رجال جهان کیهان بیارایند

و جشن صلح عمومی برپا نمایند و جمیع ملل و دول از جنک و قتال

بیا ساینند \* اگر ارکان صلح فی الحقیقه بخیر خواهی عالم انسانی

قیام نمایند و مظهر آیه مبارکه \* ( لاتاخذم فی الله لومة لائم )

کردند \* این بزم آشتی بنیان رزم بر اندازد و عالم آفرینش اسایش

یابد \* ولی هنوز روائح نفس وهوی بمشام میرسد و مقاصد خفیه  
در میان و مکاید سیاسیه در جولانست \* امید از الطاف رب  
مجید است که بقوه قاهره این انجمن را غبطه کلزار و چمن نماید  
وان جمع را ستاره های درخشنده عالم کند \*

این همه گفتیم لیک اندر بستیج \* بی عنایات خدا هیچیم هیچ  
بی عنایات حق و خاصان حق \* کرمک باشد سیاه هستش ورق  
تأیید و توفیق لازم و شمول الطاف مشروط \* و عایک

البهاء الابهی ۶ ینایر ۱۹۱۹ \* ع ع \*



﴿ طهران \* جناب آقا سید نصر الله باقراف ﴾

(علیه بهاء الله ملاحظه نمایند)

مَوْلَانَدْوَى

ای ثابت بر پیمان \* مدتی بود که مخبره بکلی منقطع و قلوب  
متأثر و مضطرب تا آنکه در این ایام الحمد لله بفضل الهی ابرهای  
تیره متلاشی و نور راحت و اسایش این اقلیم را روشن نمود \*  
سلطه جائره زائل و حکومت عادلہ حاصل \* جمیع خاق از محنت  
کبری و مشقت عظمی نجات یافتند \* در این طوفان اعظم  
و انقلاب شدید که جمیع ملل عالم ملال یافتند و در خطر شدید

افتادند شهرها ویران گشت و نفوس هلاک شد و اموال بتالان  
 و تاراج رفت و او و حنین بیچارگان در هر فرازی بلند شد و سرشک  
 چشم یتیمان در هر نشیبی چون سیل روان الحمد لله بفضل و عنایت  
 جمال مبارک احبای الهی چون بموجب تعالیم ربانی رفتار نمودند  
 محفوظ و مصون ماندند \* غباری بر نفسی نشست \* و هذه معجزة  
 عظمی لا ینکرها الا کل معتد ائیم و واضح و مشهود شد که  
 تعالیم مقدسه حضرت بهاء الله سبب راحت و نورانیت عالم  
 انسانیت \* در الواح مبارک ذکر عدالت و حسن سیاست  
 دولت نخیمه انکلیس مکرر مذکور ولی حال مشهود شد \* و فی  
 الحقیقه اهل این دیار بعد از صدمات شدید بر راحت و اسایش  
 رسیدند \* و این اول نامه ایست که من بایران مینگارم \* انشاء الله  
 من بعد باز ارسال میشود \*

احبای الهی را فردا فردا با نهایت اشتیاق تحیت ابدع ابهی ابلاغ  
 دارید \* و مرده صحت و عافیت عموم احبارا بدهید \* هر چند  
 طوفان و انقلاب شدید بود الحمد لله سفینه نجات محفوظا مصونا  
 بساحل سلامت رسید \* حضرات ایادی امر الله و حضرت امین  
 و همچنین ملوک ثبوت و رسوخ بر عهد و پیمان را از قبل  
 عبد البهاء با نهایت روح و ریحان تحیت و پیام  
 برسانید \* و علیک البهاء الابهی

عکا ۱۶ اکتوبر ۱۹۱۸ (ع ع)



## هو الله

اللهم ان سر اذق العدل قد ضربت اطنابها على هذه الارض  
المقدسة في مشارقها ومغاربها ونشكر ونحمدك على حلول هذه  
السلطة العادلة والدولة القاهرة الباذلة القوة في راحة الرعية  
وسلامة البرية \* اللهم أيد الامبراطور الاعظم جورج الخامس  
عاهل انكلترا بتوفيقاتك الرحمانية وادم ظلها الظليل  
على هذا الاقليم الجليل بعونك وصونك وحمایتك  
انك أنت المقتدر المتعالی العزيز الكريم

حيفا ۱۷ دسمبر ۱۹۱۸ ع ع \*

\* کرمان \*

\* اعضاء محفل روحانی واحبابی الهی علیهم بهاء الله الایهی \*

# محفل الله

ای ثابتان بر پیمان الیوم این عنوان از ابداع الحان \* زیرا قوت  
امر الله بعهد و پیمانست و نشر نفعات در افاق بقوه میثاق است  
و وحدت بهائی را جز عهد الهی محافظه نماید \* و هجوم نا کشتن  
و ناقضین را جز ثبوت بر میثاق دفع نکند لهذا این عنوان یعنی  
ثابت بر پیمان بین ملا اعلی شایان ستایش بی پایان الحمد لله ان محفل  
رحمانی سزاوار این عنوان اسمانی زیرا ثابت و مستقیمند و ثابت

ومتین و رزین و رصین \* در قطب کرمان اعلامی متعدد و مختلف  
 در زمان سابق بلند شد و بر افاق ایران موج زد ولی عاقبت از آن  
 اوج افتاد و فوج فوج از سایه آن علمها خروج نمودند و مظهر  
 ایه مبارکه ما لها من قرار گشتند زیرا اشباح بودند نه ارواح سایه  
 بودند افتاب الحق له صولة \* حال الحمد لله نفحات رحمن در  
 کرمان رو بانتشار است و عنقریب علم مبین بلند شود و خیمه  
 وحدت عالم انسانی مرتفع گردد \* جمیع کفها متلاشی شود  
 و دریا مانند ائینه صاف و نمودار گردد و سبیل هموار شود و لا  
 عوج فیها و لا امتا اشکار گردد \* ای احبای الهی رایات ربانی  
 در جمیع افاق موج میزند و نسیم جانپور جنت ایبی اقالیم سبعه را  
 حیات میبخشد \* آهنگ یا بهاء الایبی از قطعات خمسه بعلا  
 اعلی میرسد و نغمه یاعلی الاعلی از شرق و غرب در بارگاه قدس  
 وجد و فرح میبخشد ییکانگان در جذب و طربند و دور ماندگان  
 در وجد و شمعند \* آسیا و امریک دست در اغوشند و اروپ  
 و افریک از جام وحدت مدهوش \*

ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار \*

فتنه در افاق نیست جز خم ابروی دوست \*

با وجود این ایرانیان بخواب کابوسی گرفتار \* و بنو هوسی  
 مبتلا و غافل از این موهبت کبری و حال آنکه ایران مطلع  
 شمس حقیقت است و مرکز سنوحات رحمانیه \*

آب در کوزه وکلّ تشنه لبان میکردند \*  
 یار در خانه وکلّ کرد جهان میکردند  
 و تخری مابه الترقی میکنند و ارزوی عزت و حشمت در عالم  
 انسانی مینمایند \* و چنین موهبتی را که در قطب ایران جلوه  
 نموده بی اعتنائی میکنند \* ملاحظه نمائید که چه قدر غافلند  
 الیوم در هر اقلیمی اگر شخصی ایرانی را تعریف و توصیف  
 خواهند گویند این شخص از وطن بهاء الله است \* فوراً عزیز  
 و محترم گردد اقلاً ایرانیان باید قدر این را بدانند \* از انظار جهانیان  
 افتاده بودند و از امم متوحشه شمرده میشدند \* حال چنین  
 عزت پایدار یافتند و چنین تاجی از گوهر شاهوار بر سر نهادند \*  
 نعم ما قال الشاعر

هر که ارزان میخرد ارزان دهد

کوهری طفلی بقرصی نان دهد

حق عیان چون مهر رخشان آمده

حیف کاندر شهر کوران آمده

شمس حقیقت ا کرد رسائر اقلیم اشراق نموده بود تا بحال اشعه  
 اش جهانگیر کشته بود زیرا اهل آن اقلیم قدر این فضل عظیم را  
 میدانستند ولو مؤمن نبودند مسرور بودند \* الیوم فرنگیان  
 نهایت افتخار بناپلیون اول میکنند که در فرانسه چنین شخصی  
 عظیم پیدا شد \* و المان مباحات بفردریک کبیر مینماید که چنین

شخص شهیری در المان جلوه نمود و روس افتخار بیطرس اکبر  
 مینمایند که چنین اژدر در ملك روس صفدر گردید \* وانکلینز  
 بهنری و امریک بو اشنگتون و ایطالیا بکریبالدی \*

باری هر ملتی بشخص شهیری افتخار و مباحثات مینماید و لکن  
 جمیع این نفوس عظیمه کو کب آفل بودند و سوف لم تسمع لهم صوتاً  
 ولا ركزاً و لکن ایران که موطن مقدس است و مرکز تجلی اقدس  
 اهل آن از شمس حقیقت غافل و ذاهل و حال آنکه انوارش بر قرون  
 و عصور بلکه احقاب و دهور میتابد و نمیدانند که بعضی از اعظم  
 رجال عالم نکین عقیقی را که باسم اعظم منقوش تعظیم مینمایند \*  
 و برخاتم الماس ترجیح میدهند و لکن ایرانیان بخواب خرگوشی  
 گرفتار فیاسبحان الله این چه نادانیدست و این چه سرگردانیدست  
 یرون باعینهم نعمة الله ثم ینکرونها \*

احبای الهی باید این کور از اینا کنند و این کر از اشنوا نمایند \*  
 الحمد لله اعضای این محفل رحمانی روی منور دارند  
 و مشام از رائحه جنت ابهی معطر \* از خدا خواهم  
 که حب مجسم باشند و موهبت مشخص  
 و روح مصور \* و علیکم البهاء الابهی  
 حیفا ۱۹ دسامبر ۱۹۱۹ \* ع ع \*

﴿ طهران \* احبای الهی عموماً علیهم بهاء الله الابهی ﴾

## هو الله

الهی الهی ترى احبتك المنجدين الى ملكوتك الابهی  
 والمتأججين الضلوع والاحشاء المتوقدين بنار محبتك المتسعة في  
 سدرة السیناء الخاضعين اكلمتك العلیاء الخاشعين لامرك بين  
 الوری الصادعين بما امرت به في الصحف والالواح البارعين في  
 اعلاء كلمتك الصادعين بعظیم موهبتك \* رب انهم طموا كامواج  
 الطمطم وهاجوا كهياج الاریاح اللواقح واستفززتهم نفحاتك بين  
 البرایا وظهروا ظهور الخفایا من الزوايا ونادوا باسمك جهاراً ودعوا  
 الى محبتك عشياً وابكاراً \* تراهم ركعاً سجداً خضعاً خشعاً يبسب  
 أحديتك ذلاً وانكساراً وقاموا الذين غفلوا عن ذكرك علواً  
 واستكباراً \* رب انك لتعلم بان عبدك هذا یرتل منهم آیات الرضا  
 عشياً وابكاراً وينداع لسانه بشكرهم غدواً وأصلاً \* لك الحمد  
 یا سابق النعم علی ما وفقهم علی خدمتك \* وأیدتهم بعبوديتك  
 فائزین بمعرفتک ثابتین علی محبتك متمینین فضلك ورحمتك  
 رب ان هؤلاء طيور أوج العرفان انبت ابهر القوة والقدرة  
 فی جناحهم حتی يطيروا الى الذروة العلیا الغایة القصوى فضاء  
 لا یتناهی واجعلهم اشجاراً باسقة والویة خافقة وحياضادافقة وریاضاً  
 مؤنقة وجبالاً شاهقة لا تزلزلها الاریاح ولو كانت عاصفة قاصفة

لا عجز نخل خاویة وأیدم فی کل الشئون والاحوال وانلهم کثوس  
الآمال الطافحة بالصهباء فی ملکوت الجمال \* انک أنت الحنون انک  
انت الرؤف انک أنت العزیز المتعال \*

ای یاران عبد البهاء الآن در دامنه کوه کرمل در جوار مقام  
اعلی بذکر شما مألوفم و بیاد شما در نهایت روح و ریحان \* زیرا  
از جوش و خروش جدید و سعی مشکور بی نظیر که بتازگی  
در طهران پدید شده \* و نار محبت الله شعله باوج اعلی زده در  
نهایت وجد و سرورم \* آن مرزوبوم موطن مقدس حضرت  
مقصود است \* لهذا باید مرکز سنوحات رحمانیه کرد و از  
آن مدینه مبارکه انوار محبت الله بسائر جهات سطوع نماید  
و نفحات قدس انتشار یابد و زلزله بارکان تقالید قدیمه اندازد  
و اساس افکار پوسیده براندازد \*

باری در صبح و شام و جوف لیالی و ایام تضرع بحضرت رحمان  
نمایم که هر دم قوتی جدید و موهبتی بدیع و غلیانی شدید ظهور  
و بروز نماید \*

جناب میرزا صبحی بجهت شما آنچه باید بکوشد کوتاهی  
نمود \* لسان بستایش شما آراست که هر یک ازین احباء سزاوار  
شمول عنایت از ملکوت ابهی و شایان فیوضات  
نامتناهی از ملاً اعلی \* و علیکم البهاء الابهی  
حیفا ۱ ربیع اول ۱۳۳۸ \* عبد البهاء عباس \*

﴿ بمبئی ﴾ جناب بہمد بہرام وکنیز درکاه الہی

صنّیع بہمد . دوست جمشید . جناب

رستم بہمد وروح اللہ وروح انکیز

علیہم بہاء اللہ الابی

مَعَالِیْ الدِّیْنِ

ای یاران ویاوران عبد البہا \* فرصت ندارم مهلت نیام مشاغل  
وغوائل بی پایان ورسائل مانند باران واز این گذشته جناب شیخ  
فرج اللہ الآن مانند حسین کرد با کرز و توپ حاضر و ترجمہ  
آثار و تصحیح آن آرزو میفرماید من در چنین حالی بدکر شماها  
مشغولم وبنکارش این نامہ پرداختم تا بدانید کہ چہ قدر  
عزیزید \* باری اگر فرصت داشتم ہر یک را نامہ مخصوص  
مینکاشتم ولی مهلت ندارم بہمین کفایت فرمائید \*

ای پروردگار خورشید بہمد پری بکشود و بایوان تو پرواز نمود  
از دیوان بگریخت تا در پناہ تو امان یابد \* ای ایزد پاک نظر بقصود  
مفرما \* تو رب غفوری بمدل معاملہ مفرما \* تو رب فضل

موفوری \* عصیان ہر چند بی پایانست عفو وغفران

اعظم از آن \* توئی رحیم و بخشندہ و مہربان

حیفا ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۸ \* عبد البہاء عباس ﴿

بواسطه جناب زائر آقا شیخ فرج الله زکی الکردی علیه بهاء الله

﴿ مصر ﴾

حضرة الشيخ عبد الهادی الزیان وفقه الله

السائل عن معنى وحدة الوجود

مَعْنَى وَحْدَةِ اللَّهِ

صنادید متصوفه که تأسیس عقیدهٔ وحدة الوجود نموده‌اند  
 مرادشان از آن وجود وجود عام مصدری که مفهوم  
 ذهنی است نبوده و نیست \* زیرا این وجود عام که مفهوم  
 ذهنی است عرضی از اعراض است که عارض بر حقائق ممکنات  
 می‌شود \* حقایق ممکنات جوهر است \* و این وجود مفهوم  
 ذهنی یعنی وجود عام مصدری عرضی است که عارض بر حقایق  
 اشیا است \* بلکه مقصود صنادید وجودی است که حقائق  
 اشیا بالنسبه بان عرض یعنی آن وجود قدیم است و اشیا حادث  
 پس مرادشان از وجود حقیقی غیر منعوتہ است که ما بتحقق  
 به الاشياء است \* یعنی قیام جمیع اشیا باوست \* و او قیوم  
 سماوات و ارض است \* و هو الحی القيوم شاهد این بیان \*  
 و ان وجود ما يتحقق به الاشياء واحد است \* پس وحدت  
 وجود است \* ولی عوام متصوفه را کمان چنان که ان حقیقت غیر



منعوت‌ه حلول در این صور نامتناهیة نموده \* چنانچه گفته اند \*  
 البحر بحر علی ما کان فی القدم \* ان الحوادث امواج واشباح \*  
 وما الخلق فی النمثال الا کثلجة \* و أنت هو الماء الذی هو تابع \*  
 یعنی ان حقیقت غیر منعوت‌ه هر چند او را تعبیری نیست ولی  
 مجبور بر تعبیری هستند \* پس بوجود تعبیر نموده اند \*  
 خلاصه عوام متصوفه را کمان چنان که انوجود غیر منعوت‌ه  
 که منقطع وجدانیست بمنزله در یاست \* و حقایق اشیاء بمنزله  
 امواج \* امواج متمادیا در ذهاب و غیاب است \* ولی بحر باقی  
 و برقرار \*

اما در نزد اهل حقیقت بهائیان مثلش اینست \* که انوجود  
 غیب وجدانی مثلش مثل افتاب است \* و اشراق بر جمیع کائنات  
 نموده \* کائنات از جماد و نبات و حیوان و انسان کلا مستشرق  
 از انوار افتابند \* یعنی اشعه ساطعه بر جمیع ناییده \* و کل حکایت  
 از افتاب می نمایند \* چنانکه بر حجر و مدر و شجر و حیوان و بشر  
 نظر نمائی کل را مستفیض از افتاب بینی \* حقایق کائنات  
 مستفیض از شمس حقیقتند \* ولی شمس حقیقت از علو تقدیس  
 و تنزیهش تنزل و هبوط نماید \* و در این کائنات حلول نفر ماید  
 و ما من شیء الا فیه آیه \* تدل علی انه واحد \*

خلاصه اینکه عوام عرفا کمان نموده اند که وجود محصور در دو  
 موجود \* یکی حق و یکی خلق \* حق را باطن اشیاء دانسته اند \*

وخلق را ظاهر اشياء \* ولی اهل حقیقت وجود را در سه مرتبه  
بیان نموده اند \* حق و امر که عبارت از مشیت اولیه است  
وخلق و مشیت اولیه که عالم امر است باطن اشياء است \*  
و جمیع کائنات مظاهر مشیت الهیه است نه مظاهر حقیقت  
وهویت الهیه \* الاله الامر والخلق \*

اما مرتبه الوهیت منزّه و مقدس از ادراکات کائنات است تا چه  
رسد باینکه در حقائق اشياء حلول نماید \*

حضرت اعلیٰ روحی له الفداء میفرماید \* که مصداق این بیت  
البحر بحر علی ما کان فی القدم \* وان الحوادث امواج واشباح  
در مشیت اولیه تمام است نه در ذات حق \*

حتی عوام متصوفه را کمان چنانکه حقیقت غیر منعوته  
بمثابه واحداست و جمیع کائنات تکرار همان واحد است واحد  
تکرر یافته ثانی حاصل شد \* و همچنین واحد دو مرتبه تکرر  
نموده ثالث شد \* و همچنین جمیع اعداد و اعداد امریست اعتباری  
ثابت است لکن وجود ندارد \*

و مسئله اعیان ثابته عرفا اینست که اعداد هر چند  
ثابت است لکن لیس لها الوجود قطعاً \* امری است  
اعتباری \* چنانکه میگویند \* ان الشرق والغرب والجنوب  
والشمال لهم ثبوت و لیس لهم وجود \* والاعیان الثابته هی الصور  
العالمیه الالهیه لها ثبوت و لکن ما شمت رائحة الوجود \* استغفر

الله عن ذلك \* اگر چنین تصور بشود قدیم حادث شود و حادث  
قدیم \* حقیقت کلیه را بصورت نامتناهی در حقایق کائنات تنزل  
و حلول لازم آید \* و نزول و صعود و دخول و خروج و هبوط  
و حلول و امتزاج و امتشاج از خصائص اجسام است حتی  
مجردات از این تصورات منزّه و مبراهستند تا چه رسد بحقیقت  
کلیه \* این صفات مذکور ه صفت متحیز است نه مجرد \*

خلاصه مقصد صنادید متصوفه اینست که مقصود

از وجود ما یتحقق به الاشیاء است \* وان واحد است \* وان  
مجهول النعت است \* و غیب منیع است و منقطع وجدانست  
ولی باز معتقد بدو رتبه هستند \* حق و خلق \* و حق را دو  
مرتبه قائلند \* رتبه تنزیه و تقدیس \* و لیس کمله شیء \* و رتبه  
تشبیه و تمثیل \* وهو السميع العليم \* چنانچه ملا میگوید \*  
از تو ای بی نقش باچندین صور

هم مشبه هم موحد خیره سر \*

که مشبه را موحد میکنی

که موحد را بحیرت سر زنی \*

تونه این باشی نه ان در ذات خویش

ای برون از و همها و از پیش پیش \*

که تورا گوید بمستی بو الحسن

یا صغیر السن یا رطب البدن

باری مقصودش این است که ترا دو تجلی است \* یکی  
 بلا واسطه \* یکی مع الواسطه \* چون بدون واسطه یعنی بلا مجالی  
 و مرایا تجلی بر مشبه نمائی او را موحد می نمائی \* و چون  
 بر موحد تجلی بواسطه مرایا و مجالی می نمائی موحد مشبه می کنی  
 بدرجهئی که موحد ترا یا صغیر السن یا رطب البدن خطاب  
 مینماید \*

باری حقیقت آنست که حقیقت ذات مقدس را تنزل در  
 عالم خلق نیست \* نه دخول است نه خروج است \* نه نزول است  
 نه حلول است \* نه امتزاج است \* نه امتشاج بلکه تنزیه  
 نامتناهی است \* مثلش سطوع شمع آفتابست بر کائنات  
 ارضیه \* جمیع اشیاء با و نمودار \* و با و پرورش میشود \* و از او  
 حکایت میکنند و او در علو تقدیس منزّه و مقدس از شئون  
 و تعینات و تشخصات \* حتی ادراک کائنات بلکه مشیت اولیه  
 که عبارت از فیض و شمع آفتابست سبب ظهوری  
 و نموداری و شهود کائنات است \* هذا هو الحق  
 وما بعد الحق الا الضلال \* و عليك البهاء الابهی  
 ۲۷ اکتوبر ۱۹۱۹ \* (ع ع) \*

﴿ کرمان ﴾ جناب آقا جواد نخود بریز علیه بهاء الله الابهی

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای بنده صادق حضرت کبریاء \* رقیمه کریمه وصول یافت  
 واز مضامین روح وریحان حصول کشت \* الحمد لله احبا در  
 انسامان ثابت بر عهد وپیمان \* واز نفحات رحمان زنده و ترونازه  
 هستند \* این انقلابات، حاصله امیدم چنانست که عاقبت مبدل  
 براحت دل و جان گردد \* از برای نفوسی که بمقعد صدق صعود  
 فرمودند از درگاه احدیت طلب غم و غفران شد \* تا در عالم  
 اسرار غرق انوار گردند \* ودر پناه غفران بالطاف حضرت  
 یزدان بیاسایند \* حضرت من ادرك لقاء ربه جناب منتهی  
 آقا میرزا مهدی اخوان الصفا فی الحقیقه چنانکه باید و شاید  
 بعبودیت قیام نمودند \* ودر اطراف سبب اعلاء کلمة الله کشتند  
 مانند نسیم جان پرور بهر طرف سفر فرمودند \* منادی الهی  
 بودند \* و مبشر بالطاف نا متناهی \* علیه بهاء الله الابهی \*

امید وارم که جناب حاجی محمد طاهر اشراق از افق محبت الله  
 مانند حضرت مهدی اشراق فرمایند \* در محافل و مجالس مانند  
 شمع برافروزند \* و نور بجمیع دهند \*

اما حضرات شیخیه کو کبشان افول نمود \* امید چنانست

که بیدار کردند \* و هو شیار شوند \* حافظ شیرازی میگوید \*  
شکوه آصفی واسب باد منطق طیر

بیادرفت و از آن خواجه هیچ طرفه نه بست

آن همه و دمدمه و وضو ضاء و غاغله چون صبح اول افول نمود  
الحمد لله صبح صادق بر جهان و جهانیان طلوع کرد و آفاق را روشن  
نمود \* شما با آنان بنهایت روح و ریحان معامله نمائید \* و مدارا کنید  
و مظهر آیه مبارکه \* ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن  
کردید \* و بسیار محبت و مهربانی کنید \*

بامه الله والده و ضجیع و نور الله نهایت مهربانی از من ابلاغ  
دارید \* بجناب اشراق منتهای محبت و تعلق خاطر از قبل من ابلاغ  
کنید \* حال پر بشارت ایشان خود نامه مفصل است و مستغنی  
از الفاظ و کلمات \* با قاسید علی رفسنجانی محبت من برسانید \*  
امیدوارم که ایشان و جناب آقا علی اکبر \* و عموم احبای  
رفسنجان \* ثابت بر پیمان و مروج امر رحمن باشند \* تا هر نفسی  
رائحه مشک محبة الله را از ایشان استشمام نماید \*

اما حضور بارض مقدسه در این ایام بسیار مشقت  
و زحمت است \* صبر فرمائید تا راهها امن و آسایش یابد . که  
بسوالت سفر نمائید \* و قتش خواهد آمد \*

اولاد عزیز اشراق جناب محمد آقا و محمود آقا را بنهایت انجذاب  
ابلاغ محبت و ثناء مینمایم \* امیدم چنانست که هر يك نهال بهمال

درخت حقیقت کردند \* از احبای فارسی بسیار راضی هستیم  
 زیرا براستی و درستی حرکت می نمایند \* شهر یار پولاد را مشتاقم  
 و جناب استاد الیاس را امیدم چنانست که در انخطه و زمین علم  
 مبین گردد \* و مظهر توفیقات رب العالمین شود \* و اولاد و اجداد  
 در آغوش محبت الله پرورش یابند \* و از ملکوت عفو و غفوان  
 آمرزش بجهت ابوی شما میطلبم \* جناب آقا میرزا احمد  
 طبسی را عفو مغفرت پدر خواهم \* و توفیق بر خدمت  
 جلیل اکبر جویم \* و علیکم البهاء الابهی  
 حیفا ۵ صفر ۱۳۳۸ (عبد البهاء عباس) \*  
 \* جناب زائر حاجی محمد رضای همدانی علیه بهاء الله الابهی \*

مَعَالِیْكَ اللَّهُ

ای زائر ارض مقدس هزاران هزار اسرائیل باین اقلیم جلیل  
 شتافتند تا بهره و نصیب از فیض حضرت قدیر برند \* بادیه ها  
 پیمودند تا بسر منزل مقصود رسیدند \* ولی جز در و دیوار چیزی  
 ندیدند \* ایامی زیستند و گریستند و ناله و فغان نمودند و در دریای  
 احزان غریق گشتند نومید شدند و خویشرا بآینده نوید دادند  
 باری دو هزار سال است که چنین می رود و نهایت آمال تجدید معبد  
 سلیمانست که پسی دیوار ویران او ناله و ندبه مینمایند و گریه و نوحه

میکنند و مویه و زاری مینمایند که این دیوار کی پایدار گردد و حال  
 آنکه این سنک و ککست نه جان و دل \* باید قدس الاقداس را  
 در جهان جان و دل تأسیس نمود \* آب و گل چه اهمیتی دارد اندکی  
 دقت نمائید این کوننا متناهی هزاران هزار امثال این بنیان را  
 دیده و جمیع بمروور دهور بی نام و نشان کشته و لکن قدس  
 الاقداس دل و جان باقی و برقرار در فکر آن باید بود \* بلی این  
 مواقع محترمست و شایان و سزاوار زیارت و تبرک بآن زیرا این  
 آب و گل آثار آن جان و دل و دلیل بر آن ولی جمیع ازان آیت هدی  
 و موهبت کبری غافل و کل دلبسته بآب و گلند جسم را می پرستند  
 و از روح بیخبرند معتکف بزجاجند و منحرف از سراج  
 از مغز بی بهره اند پوست را می پرستند \* اما من نیز آهنگ زیارت  
 آن مواقع مقدسه دارم تا راحه معطره انبیای بنی اسرائیل را  
 از آن آثار استشمام نمایم و ایامی را بیاد آن بزرگواران گذرانم ولی  
 مآفت و متوجه آن جانهای پاکم نه جسمهای خاک زیرا آن جانهای  
 پاک از حیز غیب نور می افشانند \* و این جسمهای خاک  
 دلالت بر آن جانهای پاک میکنند \* جمیع احبای بهائیان را  
 از قبل من فرداً فرداً تحت ابدع ابهی  
 ابلاغ دارم بجان همه را مشتاق و شکوه  
 از فراق مینایم \* و علیکم البهاء الابهی  
 ۱۰ ربیع الاول ۱۳۳۸ ع ع \*



﴿ جناب زائر میرزا حبیب الله عليه بهاء الله الابهي ﴾

## مَعَالِمُ الْبَارِكِ

ای سلاله حضرت خلیل \* الحمد لله آنچه در الواح مبارک  
 باسرائیل تبشیر فرموده اند \* و در مکاتیب عبد البهاء نیز تصریح  
 شده جمیع در حیز تحقق است بعضی وقوع یافته و بعضی وقوع  
 خواهد یافت \* جمال مبارک در الواح مقدسه تصریح فرموده اند  
 که ایام ذلت اسرائیل گذشت \* ظل عنایت شامل گردد \*  
 و این سلسله روز بروز ترقی خواهد نمود \* و از خمودت و مذلت  
 هزاران سال خلاصی خواهد یافت \* ولی مشروط بانکه بموجب  
 تعالیم الهیه روش و رفتار نمایند \* از ظلمات تقالید قدیمه نجات  
 جویند و از کسالت عوائد سابقه رهائی یابند \* و بانچه روح این  
 عصر و نور این قرن است تشبث نمایند \* تعدیل اخلاق کنند  
 و در منافع و روابط عمومیه عالم بشر سعی و کوشش نمایند \*  
 از تعصبات قدیمه و افکار پوسیده و اغراض مایه منسلخ گردند \*  
 و جمیع بشر را اغنام الهی شمردند \* و خدا را شبان مهربان دانند \*  
 امروز روزی است که افکار خصوصیه چه از افراد و چه از ملت  
 سبب نکبت کبری گردد \* و عاقبت منتهی بخسران مبین شود  
 آنچه امروز عمومی است الهیست \* و سبب ترقی افراد عالم

انسانی \* و آنچه خصوصی است زیان محض است و خسران صرف  
 حال باید اسرائیل از فکر علیل بگذرد \* و بعضی صحیح بامور  
 عمومی پردازد \* افکار اسرائیل باید در نقطه‌ئی استقرار یابد که  
 منافع عمومی است \* و سعادت جمیع عالم انسانی \* امروز توفیق  
 رفیق حزبی است که چون آفتاب بر جمیع آفاق پر تو رحمانی افشاند  
 و بکلی از تقیدات شخصی و ملی که منبعث از وساوس شیطانی است  
 منسلخ گردد \* این است اساس نجاح و فلاح \*

بجمیع احبای الهی از کلیمی و فرقانی در همدان تحیت مشتاقانه  
 برسان \* و بگو کلیمی و فرقانی این تعبیر اَبْر است \* امیدم  
 چنان است که این عنوان بکلی فراموش شود \* و کلمهٔ رحمانی  
 بهائی عنوان هر نفسی گردد \* تا تفاوت و تباین بکلی زائل شود  
 جمیع این طوائف مجاز مانند حدید در کورهٔ حقیقت از آتش محبت  
 الله آب گردد و در قالب واحد اِفران شود \* اگر چنین کرده شود  
 بهائی گفته شود \* این عنوانات متعدده لزوم ندارد عنوان واحد  
 که شاهد حقیقت و آن کلمهٔ ( بهائی است ) کفایت است \*

ای خداوند مهربان دوستان همدان یاران تواند و خادمان در گاه تو  
 ثابت برپایانند و نابت در این کلستان \* مشتعلند و منجذب  
 متضرعند و مبتهل مستقیمند و مستدیم بر عبودیت تو ای رب کریم  
 خدایا این جمع مبارک را تاج عزت ابدیه بر سر نه \* و این انجمن  
 انسانی را آیات رحمانی فرما \* و این نفوس نفیسه را اینس موهبت

کبری کن \* و این اشخاص محترمه را شهیر آفاق فرماتونی  
 بخشنده و دهنده و مهربان \* و عليك البهاء الابهي  
 ۱۰ ربيع الاول ۱۳۳۸ \* عبدالبهاء عباس \*

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای پروردگار در کتب و صحف بواسطه انبیا، اخبار  
 فرموده‌ئی و اسرائیل را بشارت داده‌ئی و نوید بخشیده‌ئی که  
 روزی آید اسرائیل نومید امیدوار گردد و اسیر ذلت کبری عزت  
 ابدیه یابد آن قوم پریشان در ظل رب الجنود در ارض مقدسه  
 سر و سامان یابند و از اقالیم بعیده توجه بصهیون فرمایند ذلیلان  
 عزیز گردند و مستمندان توانگر شوند کم نامان نام و نشان یابند  
 و مبعوضان محبوب جهانیان شوند \* حال ستایش ترا که روز آن  
 آسایش آمد و اسباب سرور و شادمانی حاصل شد \* اسرائیل  
 عنقریب جلیل گردد و این پریشانی بجمع مبدل شود \* شمس  
 حقیقت طلوع نمود و پرتو هدایت بر اسرائیل زد تا از راهای  
 دور بانهایت سرور بارض مقدس ورود یابند \*  
 ای پروردگار و عد خویش آشکار کن و سلاله حضرت  
 خلیل را بزرگوار فرما \* توئی مقتدر و توانا  
 و توئی یبنا و شنوا و دنا \* ع ع \*

## هو الله

ای ثابت بر پیمان چشمه آب حیات عین یقین هدایت است  
 الحمد لله از آن نوشیدی و هر نوشنده خضر زمان است اسکندر  
 مقصود ذی القرنین نیست کنایه از شخص با اقتدار است  
 ملاحظه کن که اسکندر با آن حشمت از چشمه حیات بی  
 نصیب شد و خضر بی نوا بانوا کشت و بهره و نصیب برد  
 ذوالقرنین از ملوک یمن بوه و عرب بوه زیرا ذو الکلاع و ذو الحمار  
 و ذو القرنین و ذی یزن اینها از القاب ملوک یمن است ولی بعضی  
 خطا کردند گمان کردند که اسکندر یونانی است و این خلطی  
 فاحش است زیرا ذوالقرنین از عباد مقرب الهی است و اسکندر  
 شخصی بود یونانی \* ای بنده پیمان من از تو راضی و در حق  
 تو بدرگاه احدیت عجز و زاری نمایم که مؤید

بر ثبوت بر میثاق باشی و بنده نیر آفاق

وعلیک البهاء الابهی \*

﴿ ع ع ﴾

## هو الابهی الابهی

ای زجاجات سراج و هاج پیمان \* حقائق مقدسه که ثابت  
 بر میثاق و مقتبس از اشراقند چون زجاجات نورانیه محل سطوع

شمس پیمانند انوار عهد اشراق بران زجاج نماید \* واز زجاج بر آفاق \* اینست که میفرماید (وفی أنفسکم أفلا تبصرون) چون نظر بر آفاق نمائی بر تو اشراق یینی \* لیکن مرکز این انوار قلوب ابرار \* (سندریهم آیاتنا فی الآفاق وفی انفسهم حتی یتبین لهم أنه الحق) \*

جناب قابل علیه بهاء الله در رسائل خویش ذکر یاران ثابتان نموده که هر یک کلشن محبة الله را کلی معطرند \* وانجمن معرفة الله را شمعی منور \* زبانشان بترتیل آیات توحید دمساز و قلبشان بملأ ملکوت ابی همراز \* شب و روز باتش جان سوز برده سوزند \* و در محفل انس شمع شب افروز دمبدم همدم ذکر جمال قدمند \* و در ظل تربیت مربی أمم \* بوستان حقائق را شقائقند \* و آوارگان کوی دوست را یار موافق \* بخدمت یاران مفتخرند و بعبودیت آستان مقدس مشتهر \* گاهی تلاوت آیات کنند \* و گاهی ترتیل مناجات \* دمی از موهبت رحمن بخندند و گاهی بر حال آن مظلوم بگریند \* روزی چون شمع بر افروزند و شبی چون پروانه بال و پر حول سراج میثاق بسوزند \* این از فضل بیمنتهای حضرت یزدان است که بچنین موهبتی مخصص گشته اند و بچنین عنایتی موفق \* (تؤتی من تشاء و تعز من تشاء و تختص برحمتك من تشاء)

ای یاران فضل وجود حضرت معبود چون گنج روان است

و فیض بی پایان \* فرصت را از دست مدهید و وقت را غنیمت  
 شمردید \* و از معین سلسبیل عنایت نوشید \* توجه بملکوت غیب  
 کنید و از حقیقت لاریب بهره و نصیب جوئید \* این جهان لانه  
 مرغان ترابی است نه اشیان طیور الهی \* عالم خاک است نه جهان  
 تابناک \* پس بجان پاک زنده گردید \* و آهنگ ملکوت افلاک کنید  
 و بتل نمائید \* و تدلل و ابتهال جوئید \* و به بندگی عتبه مقدسه  
 چون عبد البهاء در کمال محویت و فناقیام کنید \* تا روی را بر خاک  
 عجز و نیاز نهاده ( ما عبدناک حق عبادتک کوئید \* و ما عرفناک حق  
 معرفتک ) بر زبان رانید \* هیکل این عبد برداء تدلل مزین است  
 نه قیص تدلل \* و همامه این حقیر بتاج عجز و نیاز مفتخر است  
 نه ناز و امتیاز \* کل بنده کان استانیم و چا کران جانفشان \* عزت  
 و بزرگواری و عظمت و کبریائی سزاوار درگاه پروردگار است  
 و آنچه منقبت عبد است و مفخرت مرکز عهد عبودیت درگاه  
 احدیت است و بنده کی استان ربوبیت \* این تاج اکلیل جلیل  
 است و این سراج روشنی عبد منیب \*

جهان الیوم بنور عبودیت روشن است و بکلهای رقیت

کلشن تاوانید شریک عبد البهاء شوید \* و ندیم این

مستغرق بحر محو و فنا \* و البهاء علیکم

۲۶ جماد الثانی سنه ۱۳۱۷

﴿ ع ع ﴾

# مَعَالِدِ اللَّهِ

ای زائر مطاف ملاً اعلیٰ \* الحمد لله بعون و عنایت الهیه  
 مرحله های بیدیه طی نمودی \* و بادیه های بمودی \* و بسر منزل  
 مقصود رسیدی \* موهبتی اعظم از تشرف بان آستان تصور  
 نتوان \* بستایش ملک مقتدر پرداز که چنین مقدر نمود \*  
 حال بیدار الهی مراجعت نما \* و بهر خطه و بوم و ثغوری عبور  
 می نمائی بشارت الطاف رب غفورده و رانحه طیبه \* محبت الله را  
 بمشام برسان \* و از قبل عبد البهاء نهایت اشتیاق برسان \*  
 و تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار \* از عنایت بی نهایت حضرت مقصود  
 امید موفور است که جمیع در صون حمایت حضرت احدیت  
 محفوظ و مصون مانند \* و لیل و نهار بذکر پروردگار مشک  
 اسرار بر عالم نثار نمایند \* کل را روش و سلوک نشر نفعات  
 حدیقه مالک الملوک باشد و مقصد و ارزو هدایت طالبان حقیقت \*  
 باری من در شب و روز بدرگاه حضرت رحمن تبتل و تضرع  
 نمایم \* و یاران را روح و ریحان خواهم \* مرادم جز سرور و حبور  
 دوستان رب غفور نه \* و نهایت ارزو آنکه بهر یک نامه بی  
 نکلام \* ولی ملاحظه می نمائی که چه خبر است \* از برای هر یک  
 از نفوس که نامه خواسته بودی می خواستم بنویسم \*

ولی شما در آخر کل که دفتر مکاتیب بسته شد خواهش نمودید  
 من بتحریر رسائل مهمه مشغول بودم \* لهذا این نامه را  
 بخود شما بخط خود می نگارم \* که تلافی شود \*  
 و شما کتاب ناطق کردید \* و جمیع یارانرا از قبل  
 من نامه مفصل باشید \* و علیک البهاء  
 ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

مَعَاذَ اللَّهِ

ای دو مؤمن موقن ثابت \* حمد خدا را که از شعله نور  
 هدی سینای دل و جان روشن شد \* و وادی ایمن زجاج قلب  
 مطهر لعله نور و شعله طور کشت \* لهذا بشکرانه این هدایت  
 کبری و موهبت عظمی باید بکمال همت بنشر تعالیم الهی پردازید  
 تا روز بروز بر تأیید و توفیق ییفزائید \*

در خصوص حرمت نکاح پسر بزوجات پدر مرقوم نموده بودید  
 صراحت این حکم دلیل بر اباحت دیگران نه \* مثلاً در قرآن  
 میفرماید (حرمت علیکم المیتة والدم ولحم الخنزیر) این دلیل بر آن  
 نیست که خمر حرام نه \* و در الواح سائره بصریح عبارت مرقوم  
 که در ازدواج حکمت الهیه چنان اقتضای نماید که از جنس بعید  
 باشد \* یعنی بین زوجین هر چند بُعدی بیشتر سلاله قویتر و خوش



سیما تر \* وصحت و عافیت بهتر گردد \* و این در فن طب نیز مسلم  
 و محقق است \* و احکام طبّیه مشروع و عمل بموجب آن منصوص  
 و فرض لهذا تا تواند انسان باید خویشی بجنس بعید نماید و چون  
 امر بهائی قوت گیرد مطمئن باشید که ازدواج با قربا نیز نادر  
 الوقوع گردد \* و در این خصوص مکاتیب متعدده مرقوم  
 گردیده \* از جمله مکتوب مفصلی است که چند سال پیش  
 بیاد کوبه مرقوم شده از آنجری نمائید \* بیان مفصل است \* و قبل  
 از تشکیل بیت عدل این احکام راجع بمرکز منصوص است \*  
 و اما مسئله زنا \* در الواح الهیه در مسئله فحشاء بقدری  
 زجر و عتاب و عقاب مذکور که بحد حصر نیاید \* که شخص  
 مرتکب فحشاء از درگاه احدیت مطرود و مردود و در نزد یاران  
 مذموم \* و در نزد عموم بشر مرذول \* حتی در بعضی کلمات بیان  
 خسران مبین و محرومیت ابدی است \* ولی در قصاص حکومتی  
 و سیاسی چنین امری صادر نه \* زیرا حکومت الان در جمیع دنیا  
 بزانی ابداء تعرض ننموده و نمی نماید \* لهذا محکوم رسوای عالم  
 نکرده \* این جزاء بجهت آنست تا رذیل و رسوای عالم گردد \*  
 و محض تشهیر است \* و این رسوائی اعظم عقوبت است \*  
 ملاحظه نمائید \* که بنص قرآن ابداً زنا ثابت نکرده \*  
 زیرا شهود اربعه در آن واحد باید شهادت بتمکن تام از هر جهت  
 بدهند \* لهذا جز باقرار زنا ثابت نکرده \* آیا میتوان نسبت

انك عدم اهميت بزنا بقرآن داد • لا والله • فانصفوا يا اهل  
الانصاف •

واما مسئله طلاق ميتواند شخص بكلی آنچه موافق  
رايش هست مجرى دارد نهايتش اينست كه زوجه را يكسال  
بى سرو سامان نكذارد • واين مثل عده است • و نهايتش  
اينست كه پيش مدت تكلف نفقه چند ماه بود حال يكسال است  
اما اگر جهتین كامل باشند • و عوارضی در میان حاصل گردد كه  
سبب برودت شود در فصل تام تعجيل نكنند • يكسال صبر  
نمایند شاید آن عوارض زائل گردد • و دوباره الفت حاصل شود  
اما مسئله ميراث • اين تقسیم در صورتيست كه شخص  
متوفى وصيتی نماید • ان وقت اين تقسیم جاری گردد • ولی هر  
نفسی مكلف بر وصيت است • بلكه فرض و واجب است •  
و صريح نصوص الهیه است • كه در حالت صحت خویش باید  
حكما وصيت نماید و بحسب میل خودش هر نوعی كه بخواهد وصيت  
كند • و از وصيتنامه را مختوم بدارد و بعد از وفاتش باز شود  
و بموجب ان عمل گردد •

در اينصورت شخص متوفى ميدانی وسيع دارد كه در زمان  
حيات خود بهر قسمی كه ميل دارد وصيت نماید تا مجرى شود

وعليكم الياء الابهى ۱۰ اذار سنه ۱۹۱۹

﴿عبدالبهاء عباس﴾

جناب میجر مودنخبر روز نامه تیس میس مقیم طهران علیه

## مَعْلَمَاتٌ لِلدِّينِ

ای خادم صادق عالم انسانی \* نامه شما که بتاريخ اول فبروری ۱۹۲۱  
 مرقوم نموده بودید رسید \* از مضامین فرح و سرور حصول  
 یافت زیرا آیت و قابود و روایت ثبوت و استقامت بر محبت و نیت  
 خدمت بایرانیان \* اما ایران ویران است \* مشقت بسیار باید  
 تحمل نمود \* بلکه انشاء الله اصلاحی در حال ایران جلوه نماید \*  
 خدمات شما الآن مثل بذری است که دهقان در کشتزار افشاند  
 فوراً انبات ممکن نه \* لهذا دهقان باید پر حوصله باشد \* ملال  
 نیارد \* بکار خود پردازد \* البته روزی آید خرمن عیان آید \*  
 یقین بدان که نیت خالص که داری البته نتیجه بخشد \* و تأییدات  
 الهی البته حصول یابد \* تأسیسات حضرت مسیح روحی الفدا  
 با وجود آنکه مؤید بروح القدس بود بسرعه نتایج بخشید \*  
 بتدریج آن بذری که افشاند روئید و نشو و نما کرد \* حال تأسیس  
 ملکوت الله در اینجهان که از هر طرف آشوب و فتنه برپاست  
 کار آسانی نیست \* البته همت فوق للعاده و صبر و تحمل باید \*  
 امیدم چنانست که موانع کل زائل گردد \* از هر جهت آثار

تأیید واضح و آشکار شود \* این احساس که در شماست معلومست برای خدمت ملکوت الله دعوت شده اید \* این احساس مثل قوه جاذبه می ماند که مقصود بحصول پذیرد باید نظر با استعداد و قابلیت خود ننمائیم \* باید نظر بتأییدات عظیمه رب الملکوت کنیم \* که دانه را فیض باران و همت دهقان درختی تن آور و بارور نماید \* امیدم چنانست که افکارت در نقطه مرکزیه جمع شود \* افتاب چون در اسد در نقطه جمع شود آن نقطه حرارتش بسیار شدید میگردد \* امیدم چنانست که تو چنین کردی \* و مدد از ملکوت ابهی برسد هر چند غائبی \* ولی در دل و جان حاضری \* همیشه بامنی \* امور سیاسی ایران هر چند در هم است \* ولی امور روحانی جمع و رو بقوت \* احبای الهی بجان و وجدان بشما مهربانند \* امید چنان که روز بروز مهربانی شان بیشتر گردد \* اما حضور من بایران موکول بر تقدیر حی قدیر است \* من خواه حاضر باشم خواه غائب با توام \* و موفقیت تو را میطلبم تا با قلبی پاک و جانی پر بشارت \* موفق بخدمت ملکوت الله کردی \* یارا ترا تحت ابداع ابهی برسان \*

وعلیک البهاء الابهی

(عبد البهاء عباس)

﴿ هو لاید \* مسیس جولیا ایسروکر \* علیها ۹ ﴾

## هو الله

ای طالب حقیقت \* نامه \* که بتاریخ سیزدهم دیسمبر ۱۹۲۰  
 مرقوم نموده بودی رسید \* ادیان الهیه از یوم ادم الی الآن پیایی  
 ظاهر شده \* وهریک آنچه باید و شاید مجری داشته \* خلق رازنده  
 نموده \* و نورانیت بخشیده . و تربیت کرده . تا از ظلمات عالم  
 طبیعت نجات یافتند \* بنورانیت ملکوت رسیدند ولی هر دینی  
 و هر شریعتی که ظاهر شد مدتی از قرون کافل سعادت عالم  
 انسانی بود و شجر پر ثمر بود \* ولی بعد از مرور قرون و اعصار  
 چون قدیم شد بی اثر و ثمر ماند \* لهذا دوباره تجدید شد \*  
 دین الهی یکیست \* ولی تجدد لازم \* مثلا حضرت  
 موسی مبعوث شد و شریعتی گذاشت \* بنی اسرائیل بواسطه  
 شریعت موسی از جهل نجات یافته بنور رسیدند \* و از ذلت  
 خلاص گشته عزت ابدیه یافتند \* ولی بعد از مدتی مدیده ان  
 انوار غروب کرد \* و ان نورانیت نماند \* روز شب شد \* و چون  
 تاریکی اشتداد یافت کوکب ساطع حضرت مسیح اشراق نمود  
 دوباره جهان روشن شد \*

مقصود اینست \* دین الله یکی است \* که مربی عالم  
 انسانیست \* و لکن تجدد لازم \* درختی را چون بنشانی روز

بروز نشو و نما نماید \* و برك و شكوفه كند \* و میوه تربیاری آرد  
 لکن بعد از مدت مدید کهن گردد \* از عمر بازماند \* لهذا  
 باغبان حقیقت دانه همان شجر را گرفته در زمین پاك میگذارد \*  
 دوباره شجر اول ظاهر میشود \*

دقت نمائید در عالم وجود هر چیز را تجدد لازم \* نظر  
 بعالم جسمانی نمائید که حال جهان تجدد یافته \* افکار تجدد یافته  
 عادات تجدد یافته \* علوم و فنون تجدد یافته \* مشروعات  
 و اکتشافات تجدد یافته \* ادراکات تجدد یافته \* پس چگونه  
 میشود که امر عظیم دینی که کافل ترقیات فوق العاده عالم  
 انسانیست و سبب حیات ابدی \* و مروج فضائل نامتناهی  
 و نورانیت دوجہانی بی تجدد ماند \* این مخالف فضل و موهبت  
 حضرت یزدانی است \*

و دیانت عبارت از عقاید و رسوم نیست دیانت عبارت  
 از تعالیم الهیست که محیی عالم انسانیست و سبب تربیت افکار  
 عالی و تحسین اخلاق و ترویج مبادی عزت ابدیه عالم انسانیست  
 ملاحظه کن \* که این هیجان افکار \* و شعله نار حرب  
 و بغض و عدوان بین ملل \* و ظلم و تعدی بیکدیگر که بکلی  
 آسایش عالم انسانی را زایل نموده جز بماء تعالیم الهی خاموش  
 گردد \* البته نکردد

این واضح و آشکار است \* یکفوه ما وراء الطبيعة لازم \*  
 که این ظلمت را بنور تبدیل نماید \* و این عداوت و بغضا و جنک  
 وجدال را بالفت و محبت بین عموم بشر مبدل نماید

این قوه نفثات روح القدس است \* و نفوذ

کلمة الله \* و عليك التحية والثناء \*

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ فیلا دلفیا \* دکتور کوچ علیہ ۹ ﴾

مَعَالِدِ اللَّهِ

ای ثابت در ملکوت \* نامه ات رسید \* و از مضمون  
 معلوم گردید که در نهایت ثبوت و استقامتی \* مرقوم نموده بودی  
 آنچه صحبت از تعالیم مینمایی مستمعین ادراک نمیکند \* و همچنین  
 در زمان حضرت مسیح آنچه حواریین میگفتند فریسیان  
 درک نمیکردند \* اینست که بنص انجیل میفرماید که این نفوس  
 گوش دارند و لکن نمیشنوند \* چشم دارند \* و لکن نمی بینند  
 اما روزی خواهد آمد که هم ببینند \* و هم بشنوند لهذا بکمال ثبوت  
 و استقامت بموجب تعالیم الهی قیام کن \* و از وحدت عالم  
 انسانی بیان نما \* بجمیع مهربان باش \* آنچه در جوف ارسال  
 نموده بودی رسید \* و عليك البهاء الابهی ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ جناب قسیس الفرد هیلز \* جبل کلنتر مشیکان ﴾

﴿ علیه التحیة والثناء ﴾

## مکاتیب

ای شخص محترم \* نامه مفصل شما رسید \* و من چون از اکثر مکاتیب که از اطراف میریزد فرصت جواب مفصل ندارم \*

مختصر این است \* که اهل عالم محتاج بحیات ابدیه هستند \* و حیات ابدیه منوط بظهور و رملکوت \* و ظهور و رملکوت مشروط بنفوذ کلمة الله \* و تأیید روح القدس \* یعنی مشروط بقوت الهیه که مرده را زنده مینماید \* و کور را بینا و کور را شنوا میکند \* و ولادت ثانویه که در نص انجیل است تحقق می یابد \* ( المولود من الجسد جسد هو \* و المولود من الروح هو الروح \* ینبغی لکم ان تولدوا مرة أخرى ) \*

اما از جهت ادیان سائره در نصوص بهاء الله و کتب احباب مثل کتاب میرزا ابو الفضل ذکر حضرت زردشت و حضرت بودا و برهما و کانیوشس مصرح است \* و همچنین در مکاتیب من \* در بدایت اساس حضرت زردشت و حضرت بودا بسیار موافق ولی بعد تحریف و تغییر یافت \* گویا شما این الواح



و کتب که در آن مسطور است ندیده اید \* کتاب مطبوع میرزا ابو الفضل را بدست آرید کفایتست \* قناعت حاصل خواهد شد که تعالیم بهاء الله تعالیم عمومی است \* و مؤید بنفوذ کلمه الله و نفثات روح القدس \* و قوتی آسمانی \* شما نهایتش اینست که آثار مطبوعه حضرت بهاء الله را مشاهده کرده اید \* الواح مطبوعه بالنسبه بالواحد غیر مطبوعه بسیار جزئی است \* اساس ادیان الهی یکیست \* آن اساس بقوت حضرت بهاء الله عمومیت حاصل خواهد نمود \*

در شرق تعالیم متعدده از پیش منتشر شد \* که بظاهر عمومیت داشت \* ولی چون بقوه الهیه مؤید نبود شعله زود خاموش شد \*

ولی تعالیم بهاء الله بدرجه نفوذ یافت که بیست هزار نفس کشته شد \* با وجود این روز بروز قوتش بیشتر گشت \* اما مکان بهیچ وجه حکمی ندارد \* حضرت مسیح جلیل در فلسطین ظاهر شد \* ولیکن تعالیم بجمیع عالم سرایت نمود \* و بقوت الهیه ملل مختلفه را در ظل کلمه واحده جمع کرد \* حدودات مکانی ابداً حکمی نداشت \*

اما روح القدس جامع جمیع کمالاتست . معلم اول است . کاردی که ارسال نموده بودی بسیار سبب سرور شد \* روح انسانی با ایمان و ولادت ثانویه ابدیت حاصل مینماید .

واما نصوصی که از کتب مقدسه اخراج نموده بودید  
 آنچه بعلم صحیح و عقل و حکمت الهیه مطابق ان نصوص بحسب  
 ظواهر است \* واما نصوص دیگر کل تأویل دارد \* و تأویل  
 مطابق عقل و علم و حکمتست \* انشاء الله این مسئله را کشف  
 خواهید نمود \* امیدم چنانست که جمیع این مسائل را بتأیید  
 الهی تأویلش را کشف بفرمائید \*

من فرصت این مسائل را فرداً فرداً ندارم \* اگر وقتی  
 ملاقات حاصل شود \* شفاهاً هر یک از این مسائل را جواب  
 مفصل خواهم داد \* و شبهه نیست که اساس این سوالات  
 منبعث از تحری حقیقتست \* لهذا بنهایت محبت  
 و مهر بانی این مختصر مرقوم کردید \* و علیک  
 التحية والثناء ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ هولاند \* جناب مستر . ا . ا . وان ریڈ کز - مهندس سندم ﴾  
 ﴿ علیه التحية والثناء ﴾

مَوْلَانَا  
 مُحَمَّدٌ  
 (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

ای حقیقت جو شخص محترم \* نامه تی که بتاريخ ۴ اپریل  
 ۱۹۲۱ بود رسید و بکمال محبت قرائت کردید \* اما وجود الوهیت  
 بدلائل عقلیه ثابت است \* ولی حقیقت الوهیت ممتنع الادراک است

زیرا چون بنظر دقیق نظر فرمائی هیچ مرتبهٔ دانیه ادراک مرتبهٔ  
 عالیه نماید \* مثلاً عالم جماد که مرتبهٔ دانیه است \* ممتنع است  
 که عالم نبات را ادراک تواند \* بکلی این ادراک ممتنع و محال است  
 و همچنین عالم نبات هرچه ترقی نماید از عالم حیوان خبر ندارد  
 بلکه ادراک مستحیل است \* چه که مرتبهٔ حیوان فوق مرتبهٔ  
 نبات است \* این شجر تصور سمع و بصر نتواند \* و عالم حیوان  
 هرچه ترقی نماید تصور حقیقت عقل که کاشف حقیقت اشیاء است  
 و مدرك حقایق غیر مرئیه تصور نتواند \* زیرا مرتبهٔ انسان  
 بالنسبه بحیوان مرتبهٔ عالیه است \* و حال آنکه این کائنات تماماً  
 در حیز حدوث و لی تفاوت مراتب مانع از ادراک است \* هیچ  
 مرتبهٔ ادنی ادراک مرتبهٔ اعلیٰ نتواند بلکه مستحیل است  
 ولی مرتبهٔ اعلیٰ ادراک مرتبهٔ ادنی کند \*

مثلاً حیوان ادراک مرتبهٔ نبات و جماد کند \* انسان ادراک  
 مرتبهٔ حیوان و نبات و جماد نماید ولی جماد مستحیل است که  
 ادراک عوالم انسانی کند. این حقایق در حیز حدوث است  
 با وجود این هیچ مرتبهٔ ادنی مرتبهٔ اعلیٰ را ادراک نتواند  
 و مستحیل است. پس چگونه میشود که حقیقت حادثه یعنی  
 انسان ادراک حقیقت الوهیت کند که حقیقت قدیمه است \*  
 تفاوت مراتب بین انسان و حقیقت الوهیت صد هزار مرتبه  
 اعظم از تفاوت بین نبات و حیوان است. و آنچه انسان تصور کند

صور موهومه انسان است . و محاط است محیط نیست یعنی  
 انسان بران صور موهومه محیط است . و حال آنکه حقیقت  
 الوهیت محاط نکرده . بلکه بجمیع کائنات محیط است و کائنات  
 محاط و حقیقت الوهیتی که انسان تصور مینماید آن وجود ذهنی  
 دارد نه وجود حقیقی . اما انسان هم وجود ذهنی دارد و هم وجود  
 حقیقی . پس انسان اعظم از ان حقیقت موهومه است که  
 بتصور اید طیر ترابی نهایتش اینست . مقداری از این بعد  
 نامتناهی را پر اوز تواند . ولی وصول باوج آفتاب مستحیل است  
 و لکن باید ادله عقلیه یا الهامیه بوجود الوهیت اقامه نمود .  
 یعنی بقدر ادراك انسانی .

این واضح است که جمیع کائنات مرتبط بیکدیگر است  
 ارتباط تام . مثل اعضای هیکل انسانی . چگونه اعضاء و اجزاء  
 هیکل انسانی بیکدیگر مرتبط است همین قسم اعضای این کون  
 نامتناهی جمیع بیکدیگر مرتبط است مثلاً پا و قدم مرتبط بسمع  
 و بصر است باید چشم ببیند تا پا قدم بردارد . باید سمع بشنود  
 تا بصر دقت نماید . هر جزئی که از اجزاء انسانی ناقص باشد  
 در سایر اجزاء فتور و قصور حاصل گردد \* دماغ مرتبط بقلب  
 و معده است و شش مرتبط بجمیع اعضاء است و همچنین سایر  
 اعضاء و هر یک از این اعضاء وظیفه دارد آنقوه عاقله خواه قدیم  
 کوئیم خواه حادث مدیر و مدبر جمیع اعضاء انسان است تا هر یک

از اعضاء بنه‌ايت انتظام وظيفه خود مجري نمايد \* اما اكر  
 در آنقوه عقليه خللي باشد جميع اعضاء از اجراي وظائف اصلي  
 خود بازماند \* و در هيكل انساني و تصرفات اعضاء خلل عارض  
 شود \* و نتيجه نبخشد \*

و همچنين در اين كون نامتناهي ملاحظه نماييد \* لا بد  
 قوه كلييه موجود است \* كه محيط است و مدير و مدبر جميع  
 اجزاء اين كون نامتناهي است و اكر اين مدير و مدبر نبود عالم  
 كون مختل بود \* و نظير مجنون ميبود \* ما دام ملاحظه مينماييد  
 كه اين كون نامتناهي در نهايت انتظامست و هريك از اجزاء  
 در نهايت اتقان و ظايف خود را مجري ميدارد \* كه ابدآ خللي  
 نيست واضح و مشهود ميگردد كه يك قوه كلييه موجود  
 كه مدبر و مدير اين كون نامتناهي است \* هر عاقلی این را  
 ادراك مينمايد \*

و ديگر آنكه \* هر چند جميع كائنات نشو و نما مينمايد ولي  
 در تحت مؤثرات خارجه اند \* مثلاً آفتاب حرارت مي بخشد \*  
 باران ميپروراند \* نسيم حيات مي بخشد \* تا انسان نشو و نما نمايد  
 پس معلوم شد كه هيكل انساني در تحت مؤثرات خارجه است  
 بدون آن مؤثرات نشو و نما نمائيد \* ان مؤثرات خارجه نيز  
 در تحت مؤثرات ديگري است \* مثلاً نشو و نماي وجود انساني  
 منوط بوجود آبست \* و آب منوط بوجود باران \* و باران منوط

بوجود ابر \* و ابر منوط بوجود افتاب \* تا بر و بحر تبخیر نماید \*  
 و از تبخیر ابر حاصل شود \* اینها هر یک هم مؤثرند و هم متأثر \*  
 پس لا بد منتهی بمؤثری میشود که از کائن دیگر متأثر نیست  
 و تسلسل منقطع میگردد \* ولی حقیقت آن کائن مجهول \*  
 و لکن آثارش واضح و مشهود \*

و از این گذشته \* جمیع کائنات موجوده محدود \* و نفس  
 محدودیت این کائنات دلیل بر حقیقت نامحدود \* چه که وجود  
 محدود دال بر وجود نامحدود است \*

باری از این قبیل أدله بسیار که دلالت بر آن حقیقت کلیه  
 دارد \* و آن حقیقت کلیه چون حقیقت قدیمه است منزّه و مقدس  
 از شئون و احوال حادثاتست \* چه که هر حقیقتی که معرض  
 شئون و حادثات باشد آن قدیم نیست حادث است

پس بدان این الوهیتی که سائر طوایف و ملل تصور مینمایند  
 در تحت تصور است نه فوق تصور \* و حال آنکه حقیقت  
 الوهیت فوق تصور است

اما مظاهر مقدسه الهیه \* مظهر جلوه کمالات و آثار آن  
 حقیقت قدیمه مقدسه اند \* و این فیض ابدی و جلوه لاهوتی  
 حیات ابدیه عالم انسانیت \* مثلاً شمس حقیقت در افق است  
 عالی که هیچکس وصول نتواند \* جمیع عقول و افکار قاصر است  
 و او مقدس و منزّه از ادراک کل \* و لکن مظاهر مقدسه الهیه

بمنزله مرایای صافیه نورانیه اند \* که استفاضه از شمس حقیقت  
 میکنند \* وافاضه بر سائر خلق مینمایند \* و شمس بکمال و جلالش  
 در این آئینه نورانی ظاهر و باهر \* اینست اگر آفتاب موجود  
 در آئینه بگوید من شمس صادق است \* و اگر بگوید نیستم  
 صادق است \* اگر شمس با تمام جلال و جمال و کمالش در این آئینه  
 صافیه ظاهر و باهر باشد تنزل از عالم بالا و سمو مقام خود ننموده  
 و در این آئینه حلول ننموده \* بلکه لم یزل همیشه در علو تنزیه  
 و تقدیس خود بوده و خواهد بود \* و جمیع کائنات، ارضیه باید  
 مستفیض از آفتاب باشد \* زیرا وجودش منوط و مشروط  
 بحرارت و ضیاء آفتاب \* و اگر از آفتاب محروم ماند محو و نابود  
 گردد \* این معیت الهیه است که در کتب مقدسه مذکور است  
 انسان باید با خدا باشد \* پس معلوم شد که حقیقت الوهیت  
 ظهورش بکمال است \* و آفتاب و کمالش در آئینه شیء مرئی  
 است \* و وجود مصرح از فیوضات الهیه \* امیدوارم که  
 نظر بینایابی \* و گوش شنوا \* و پردها از پیش چشم برخیزد  
 عکسی که خواسته بودید در ضمن مکتوبست \*

وعلیک التحیه والثناء \* ( می \* ۱۹۲۱ )

( عبدالبهاء عباس )

مسس شهناز ویت. سان دیکو کالیفورنیا نمره ۶۳۰۰ س. استریت

## مَعَالِی اللَّهِ

ای دختر ملکوت \* نامه شما رسید \* ولی از عدم فرصت  
مختصر مرقوم میگردد \* جسد انسانی همین قسم که در بدایت  
بتدریج بوجود آمده است همینطور باید بتدریج تحلیل گردد  
این مطابق نظم حقیقی و طبیعی و قانون الهی است \* اگر چنانچه  
بعد از مردن سوختن بهتر بود داخل ایجاد نوعی انتظام می یافت  
که جسد بعد از فوت بخودی خود فروخته شعله زند و خاکستر  
گردد \* ولی نظم طبیعی که بتقدیر الهی تحقق یافته این است که  
باید بعد از فوت این جسد از حالی بحالی مختلف انتقال یابد \*  
تا بحسب روابطی که در عالم وجود است با کائنات ساثره منتظماً  
اختلاط و امتزاج یابد \* و قطع مراتب نماید \* تحلیل کیمیای یابد \*  
و بعالم نبات انتقال کند \* کل و ریاحین شود \* و اشجار بهشت  
برین گردد \* نفحه مشکین یابد \* و لطافت رنگین جوید \*  
سوختن مانع از حصول این حالات بکمال سرعت است \*  
اجزاء چنان متلاشی گردد که تطور در این مراتب مختل شود \*  
بقرین محترم نهایت محبت از قبل من ابلاغ دار \* او را روز بروز  
ترقیات معنویه جویم \* اما محفلی که در آن مدینه تاسیس گردیده



امیدم چنان است که از انجمن روشن گردد \* و چون کلشن  
روائح طیبه منتشر نماید \* بمس ماری فن از قبل من تحت  
محترمانه برسان \* فی الحقیقه این کنیز عزیز الهی بخدمت قیام  
دارد \* ومستحق الطاف الهی گشته \* باحبای ( سان دیکو )  
خواستم نامه ئی بنکارم \* ولی از عدم فرصت بمناجاتی مختصر  
اکتفا نمودم \*

ای رب الجنود \* مدینه ( سن دیکو ) جسم بیجان بود \*  
حال نفحه ئی از روح حیات باآسمان رسید \* نفوسی چند از  
قبور عالم طبیعت که ممات ابدی است مبعوث شدند \* و بنفثات  
روح القدس زنده گشتند \* و بعبودیت درگاه قیام نمودند \*  
ای خداوند مهربان این مرغان بی پروبال را دوبال ملکوتی بخش  
وقوتی معنویه عطا فرما تا در این فضای نامتناهی پرواز کنند  
و باوج ملکوت ابهی رسند \* ای پروردگار \* این نهالهای  
بی قوت را قوتی بخش \* تا هر یک درختی بارور در نهایت طراوت  
ولطافت جلوه نمایند \* بجنود معنوی نصرت و ظفر بخش \*  
تا سپاه جهل و ضلال را در هم شکنند \* و اعلام محبت و هدی را  
در بین خلق بلند کنند \* و مانند نسیم بهاری اشجار وجود  
انسانی را طراوت و لطافت بخشند \* و بمثابه باران نیسانی چمن زار  
ان اقلیم را سبز و خرم کنند \* تویی مقتدر و توانا  
و تویی بخشنده و مهربان ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿جی. ایسبرو کر. نمبر ۱۰ بیوننک استرات. ایس کراونہاک﴾

## هو الله

ای متحری حقیقت \* نامہ شمارسید \* مرقوم نموده  
 بودی کہ آقا میرزا احمدخان یزدانی شرحی از امر بہاء اللہ از برای  
 شما بیان نمود \* همان است کہ مرقوم نمودی \* کہ بہائیت  
 حقیقت است \* و این نسبتہای دیگر بالنسبہ بہائیت مجاز محض  
 نتائج عظیمہ ندارد \* ہر چند در انظار اساس دارد \* ولی مانند  
 شجری ثمر است \* چہ بسیار اشجار کہ بظاہر عظیم است  
 و سایہ بی می افکنند \* ولی ثمر ندارد \* عاقبت از ریشہ برافتد  
 چنانکہ ملاحظہ نموده و می نمائید \* ولی اساس الہی شجری است  
 کہ بر شرق و غرب سایہ افکنند \* و در ہر دم نتائج عظیمہ  
 بخشند \* چنانکہ تا بحال تجربہ شدہ است \*

مرقوم نموده بودی \* چگونہ میشود کہ حکومت غیر عادلہ را  
 اطاعت و متابعت نمود \* متصد از حکومت متبوعہ حکومت  
 عادلہ است کہ محافظت حقوق عموم بشری نماید \* و حکومت  
 مشروطہ است کہ در تحت قوانین متینہ است \*

مرقوم نموده بودی \* کہ چگونہ می توان حیاتی بعد از ممات  
 تصور کنیم \* حالات بعد از ممات بتصور نیاید \* ولی ملاحظہ نما  
 واضح است کہ انسان از عالم جماد آمد، است \* چون در عالم جماد  
 بود تصور عالم نبات ممکن نبود \* پس بعالم نبات انتقال

کرد \* در عالم نبات تصور عالم حیوان نمی توانست \* پیش از  
 انتقال از عالم حیوان به عالم انسان تصور حیات عقل و هوش  
 انسان نمی نمود \* یعنی مستحیل بود \* هیچ خبر نداشت \* الا آن  
 این خاك و این اشجار ابداً از عالم حیوان و انسان خبر ندارند \*  
 و تصور نمیتوانند بکنند \* انکار محض میکنند \* اما عالم انسان  
 تأیید عالم حیوان می کند و معاونت عالم نبات می کند \* ولی  
 عالم نبات خبر ندارد \* و همچنین عالم انسان از عالم ملکوت خبر  
 ندارد \* بکلی جاهل است \* لکن ارواح ملکوتیه در عالم انسان  
 تأثیر دارند \* ملاحظه کن که چقدر مسئله واضح است با وجود  
 این اغلب علماء و دانایان عالم بکلی از این معنی بیخبر \* و لکن این  
 مسخرین ارواح از عالم تفکر صحبت میدارند \* ولی نفسی  
 ملکوتی که از عالم الهی با خبر دیده بصیرتش باز و از عالم طبیعت  
 منسلخ و بقوت معنویه فائز \* ان از عالم الهی و از عالم ارواح با خبر  
 و حقیقت روح مجرد است \* جسم نیست \* متحیز نیست \*  
 محلی را اشغال نمی کند \* قدر میرزا احمد خان را بدانید که او این  
 بشارت کبری را بشما رسانید \* از الطاف الهی خواهم که در ان  
 اقلیم انوار ملکوت برافروزد \* و آیات الهی ترتیل گردد \*  
 نفوسی مبعوث شوند که آنان مثل پولس و مریم  
 مجدلیه کردند \* و عليك التحية والثناء \*

( عبد البهاء عباس )

﴿ استوکاروت جناب مستر ایچ یکر معلم • علیه ۹ ﴾

## هو الله

ای پرسننده حقیقت نامه شما رسید • معانی دلنشین داشت  
الحمد لله چون توجه بملکوت نمودی بسیاری از مسائل معضله  
حل شد • و چون بمقام حواری رسیدی • و امیدم چنان است  
که برسی جمیع مسائل حل میشود • از حضرت پولس از بعضی  
مسائل فلسفه پرسیدند • جواب فرمود که من تا از مسیح  
خبر نداشتم • هر چیز میدانستم • ولکن چون از مسیح خبر  
گرفتم از هر چیز بیخبر شدم • زیرا چنان حلول در من کرد که  
دیگر جایی بجهت چیزی نکذاشت • این قلب فارغ پراز حضرت  
مسیح • یعنی فیوضات الهیه و سنوحات رحمانیه •

حال من نیز امید چنان دارم • که تو چنین کردی •

حضرت الوهیت را اهل مجاز چنان تصور و تشریح کرده اند  
که باید بکلی فراموش کرد • تصور آنان وهم محض است •  
ولی نفوس مقدسه را در حقیقت الوهیت افکاری است که  
بتمامه مطابق عقل است • سر مکنون و رمز مصون است  
و همچنین سائر مسائل • آنچه شنیده‌ئی انرا کنار بگذار  
و بکوش تا حقیقت از قلبت نبعان نماید • و عليك

البهاء الابهی ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ ادلیا دیو کر ﴾

هو الله

ای بنت ملکوتی \* نامه تورا رسید \* مضامین نورانی بود \*  
 ملکوتی بود \* احساسات جان و دل بود \* انجذابات وجدانی بود  
 همانست که نوشته بودی \* در زمان حضرت مسیح چه قدر  
 سلاطین و ملوک و امراء و اغنیاء و مملکة های آفاق و خانمهای محترم  
 بودند \* جمیع از ان روح الهی محروم گشتند \* ولی پطرس و اندراوس  
 و یوحنا و مریم مجدلیه فائز گردیدند \* و مؤمن و موقن شدند .  
 و این تاج عزت ابدیه بر سرانها گذاشته شد . پس شکر کن خدایا  
 که قلبت نورانی شد . و روح رحمانی گشت . و در چنین روزی  
 اقبال نمودی \* اما دیگران جمعی بتدریج در ظل ملکوت داخل  
 خواهند شد . ولی من بعد \* اما نخر در این است که در امروز  
 نفوس اقبال کنند \* مثل آنکه ملاحظه مینمائی نفوسی که در زمان  
 مسیح اقبال کردند آنان مثل ستاره درخشیدند \* امیدوارم  
 که این مشعله نورانی را بدست گیرید . و صفوف غافلین را شکست  
 دهید \* یقین بنا که بهائی حقیقی میکردی \* و کلی از کلشن  
 ملکوتی میشوی . و خادم حقیقی ملکوت الله میکردی

بوالده محترمه ات و دو خواهران نورانیتت

تجیت ابدع ابی از قبل عبد البهاء برسان .

وعلیک البهاء الابی ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

• مستر . تی . ل . کلنسی • واز دینسترات . لا . هیك . هولاند •

## مجله قلب

ای منجذب حقیقت • نامه بتاريخ ۳۱ جولای ۱۹۲۰ رسید  
 واز مضامینش روح وریحان حاصل گردید • زیرا دلالت بران  
 مینمود که قلب منجذب ملکوت است . وروح مستبشر بشارات  
 الله • همان قسم است که سر قوم نموده ئی . همان عهدی که بخدا کردی  
 که اگر نور حقیقت مانند قوه برق حلول در تو نمود بتمام قوت  
 بخدمت ملکوت پردازی . حال باید بهمان عهد قیام نمائی . زیرا  
 بچشم خود مشاهده انوار تجلیات نمودی . و بقلب خود کشف  
 اسرار حقیقت کردی • امیدم چنان است . که آن قلب چشمه  
 گردد و آب حیات بجوشد • و موج بهر طرف زند • امروز  
 درهای ملکوت باز است • و شاهراه آسمانی مستقیم و راست  
 و ندای الهی پبانی از ملکوت تقدیس میرسد • و صلابت بر جمیع  
 عالم انسانی میزند که ای عالم انسانی در نهایت تشویش واضطرار  
 و در غایت اختلاف و انقلاب • وقت آنست که اهنک ملا اعلی  
 بشنوید • و تعالیم آسمانی استماع کنید و بانوار شمس حقیقت منور  
 شوید • تا این جهان تاریک روشن گردد • و قلوب بنار محبت الله  
 برافروزد • و جانها بشارات الهی زنده گردد • و انتشار تعالیم الهی

سبب شود \* و این اضطراب منقلب باطمینان کردد \* و این انقلاب سکون و قرار یابد \* و این اختلاف مبدل بائتلاف شود \* و انوار شمس حقیقت بتابد \* و جهان زمینی جهان آسمانی گردد \* این ندای الهی از ملکوت رحمانی پیایی بسمع جان میرسد \* از خدا بخواه که سبب انتشار این انوار گردی \* و بوحدهت عالم انسانی خدمت کنی \* بجناب دکتورفان اندل و فرینه محترمه اش و صبیبه روشنش \* و موسیو و مادام روسکس و مادام السبروک \* و جمیع از قبل من نهایت محبت و مهربانی و وحدت و یگانگی برسان \* و بگو از خدا خواهم که هیئت بهائی بنهایت نورانیت و رحمانیت تشکیل شود \* ان انجمن روشن گردد \* و افراد ان محفل مانند نجوم آسمانی بدرخشند \* و این افق تاریک عالم را مانند افق صبح بانوار فیض الهی روشن نمایند \* موسیو انزلین از قبل من تحیت مشتاقانه برسان \* و بگو جمیع من علی الارض امروز سر گردانند \* فکران باش که کل سر و سامان یابند \* اما مجمع آکوس که مقصد شان حتی المقدور اینک انقلابات و اغتشاشات اجتماعی و اقتصادی مبدل بنظم و سکونی گردد که سبب آسایش عالم افرینش شود \* بانان بگو که الیوم قوه انقلاب شدید است \* و اختلاف عظیم \* ممکن نیست که اهل عالم سکون و قرار یابند \* مگر بقوئی که محیط بر عالم انسانی است ان قوه چون غلبه کند جمیع این انقلابات منقلب بسکون

و قرار گردد \* و همه این اختلافات مبدل بالفت و محبت و اتحاد  
 شود \* و آن قوه کلمه الله است \* قوه آسمانی است جلوه الهی است  
 نورانیت محض است \* قوه روح القدس است \* همچنانکه در  
 قرون سالفه بر جمیع قوی غالب شد \* و اختلافات جنسی و اقتصادی  
 حتی وطنی را تعدیل نمود \* همین طور آن قوه قاهره الهی جمیع  
 این عناصر را یکدیگر ممتزج نماید \* و خیمه وحدت عالم  
 انسانی را در قطب عالم برافرازد \* و علم صالح عمومی  
 بر جمیع آفاق موج زند \* يك قطعه عكس شما  
 واصل شد \* از مشاهده اش نهایت  
 سرور رخ داد \* و عليك التحية والثناء

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ مدراس \* جناب . ای . رنگا سوامی ایر ﴾

مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای مفتون حقیقت و مجذوب دلبر آفاق \* نامه منصل شما  
 رسید \* نامه نبود کلشن پر کل و ریحان بود \* که رائحه محبت  
 الله از کلهای آن استشمام گشت \* بسیار سبب سرور گردید \* که  
 الحمد لله در زجاج قلب سراج هدایه الله بر افروخت \* و آتش محبت  
 الله شعله زد \* از خدا خواهم که آن سراج هدایت از این زجاج



پرتوی باطراف زند \* و اطراف روشن شود \* یعنی شهر مدراس  
افق حقیقت گردد \* انوار فیض الهی از آن افق بتابد \* توکل  
بر خدا کن \* و اعتماد بر فیض نامتناهی الهی \* زیرا در این ایام  
شمس حقیقت حضرت بهاء الله بکمال قوت پرتوی نورانی بر آفاق  
زده است \* که عنقریب جمیع آفاق باین نور روشن و درخشنده  
گردد \* زیرا امر بهاء الله ولوله در آفاق انداخته است \* در جمیع  
اقالیم عالم امروز ندای بهاء الله بلند است در هر شهری از غرب  
انجمنی بر پا که ندای بملکوت الهی نمایند \* و ترویج تعالیم بهاء  
الله فرمایند \* در امریک ندای یا بهاء الابهی بلند است \* و در  
افریک فریاد یا علی الاعلی کوش زده را رچند \* ترک و تاجیک منجذب  
نفعات کاشن ابهی \* در آسیا طیور حدیقه الهی بابدع الحان  
می سرایند \*

باری در هندوستان نیز انشاء الله ندای ملکوت ابهی را  
بلند مینمایند \* و بموجب تعالیم بهاء الله عموم را بحرکت می آرید  
و روز بروز در فضائل و کمالات بهائی ترقی می نمائید \* و سبب  
هدایت جمعی غفیر می شوید \* نظر بقوت و قدرت خود نمائید  
بلکه نظر بقوت ملکوت ابهی بیندازید \* این قوت کاهی را کوه  
نماید \* و نفوس را از قعر چاه نجات دهد \* و باوج ماه رساند \*  
از دانه ضعیف درختی بارور بربویاند \* دهقان الهی یک تخم افشاند  
و خر منها تشکیل نماید \* این از قوت فیض الهی است \* تضرع

بملکوت ابھی کنم \* وشما را ہر دم تائیدی جدید طلبم \* و توفیقی  
عظیم خواهم \*

اما مسئلہ حیوان \* در این امر بسیار تا کید بر ترحم  
بر حیوان شدہ \* امیدوارم کہ من بعد اسباب تشریف پارض اقدس  
از برای شما مہیا کردد \* و قرینہ محترمه نیز بقوہ ثبات واستقامت  
شما تربیت شود \* احبا درہمی بسیارند \* و ادرستان  
اینست \* (محل روحانی \* بواسطہ آقا میرزا محمود)  
با آنها مخابرہ نمائید \* و کتب امری بطلبید  
ميفرستند \* و عليك البهاء الابھی  
\* عبد البهاء عباس \*

﴿ هولاند \* جناب مستر . و . ل کنکیرتہ \* علیہ التحيۃ والثناء ﴾

مَعْلَمٌ لِلدِّينِ

ای مفتون حقیقت \* نامہ شما تاریخ ۱۹۲۱ رسید \* انسانی  
کہ طالب حقیقت است لا بد بوسیله ئی خبر از حقیقت میگیرد  
حال تو چون تشنہ حقیقتی بمجرد آنکہ در روز نامہ هولاند  
ذکری از این امر مبارک دیدی بتحری حقیقت پرداختی \* بعضی  
رسائل کہ بلسان المانی ترجمہ شدہ است نوشته ایم از المان از برای  
شما بفرستند \* مختصر این است افق عالم را ابرہای بسیار تاریک

احاطه کرده \* اینست که ملاحظه مینمائی \* که جمیع جنک  
 وجدال است \* و نزاع و قتال \* عالم انسانی در زحمت بی پایان است  
 در چنین ظلمات شدیدی از افق ایران شمس حقیقت طلوع نمود  
 و بر جمیع آفاق پرتو افکند \* و پرتو این آفتاب تعالیمی است که  
 از قلم اعلی صادر \* و ان تعالیم را از الواح مقدسه استنباط  
 خواهی نمود \*

از جمله تعالیم تحری حقیقت است \* و از جمله تعالیم اینک  
 باید دین سبب الفت و اتحاد و یگانگی باشد . نه سبب کلفت \*  
 اگر دین سبب خونخواری گردد . لزوم از برای عالم انسانی  
 ندارد \* و از جمله تعالیم این است که دین باید مطابق عقل و علم  
 باشد . نه اوهاماتی که عقل بهیچوجه تصدیق آن نماید \* و از این  
 قبیل تعالیم بسیار

از جمله تعالیم صلح عمومی است \* که تفصیل آن در الواح  
 مشروح . اطلاع خواهید یافت \* و این تعالیم آسمانی پنجاه سال  
 پیش از قلم اعلی صادر . و یکیك این تعالیم در کار است تجلی  
 بر افکار عمومی مینماید \*

باری بعد از قرائت این رسائل خواهی دانست . که نور حقیقت  
 در این زمان بسیار تاریک تمام قوت  
 درخشیده است و عليك التحية والثناء

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ رورند • الفرد هیلز ﴾

# مجلس دعا

ای دوست عزیز • نامه شما رسید . و بمضامین اطلاع حاصل کردید • این مضامین نامه جمیع تعالیم حضرت بهاء الله است . که پنجاه سال پیش اعلان فرموده است و در انزمان رانحه از این تعالیم بمشام نفسی نرسیده بود • حضرت بهاء الله موجود این تعالیم و مؤسس این اساس متین است • ولی تعالیم بهاء الله بقوه روح القدس منتشر شد • حالا این تعالیم در رساله شما منتشر است . ولی تعالیم حضرت بهاء الله بقوه روح القدس منتشر شدن بمجرد بیان . هر احکامی محتاج بقوه اجراییه است تا قوه اجراییه حصول نیابد هر تعلیمی عبارت از افکار است و افکار مانند امواج دریا می آید و میرود . بقائی ندارد • اساس ندارد • حضرت بهاء الله این تعالیم را مانند نقش بر حجر در قلوب ثابت و مستقر فرمود • چنان قوتی ظاهر و باهر فرمود که مستمعین تمام جانفشانی قیام نمودند . بیست هزار نفر جان خود را در این سبیل فدا کرد . و جام شهادت کبری نوشید • پس اگر شما را مقصد این است که خدمتی بمعالم انسانی نمائید باید در ظل بهاء الله داخل شوید • و کلیسای خویش را کلیسای بهائی نامید

تا قوه قدسیه بهاء الله شما را تایید کند \* و این شجره در اراضی  
 قلوب ریشه دواند . و ثمر بخشد . و الا فکری از افکار گردد .  
 که مانند موج دریا از یکطرف می آید و از یکطرف میرود .  
 من چون نهایت محبت را بشما دارم . لهذا حقیقت را بیان  
 می نمایم \* امیدم چنانست که مفتون این حقیقت شوی . و بنام  
 قوت بترویج تعالیم بهاء الله بنام بهاء الله بکوشید . تا نتایج ممدوحه  
 نخشد . و آثار الی الابد باقی ماند \* ملاحظه کنید که چقدر نفوس  
 از انجیل اقتباس معانی نمودند . و بفکر خود بترویج پرداختند  
 زمانی قلیل نگذشت مگر آنکه نسیاً منسیا شد .

انشاء الله توهمتی می نمائی که نتیجه

حاصل شود . و عليك التحية والثناء

( عبد البهاء عباس )

﴿ روزا . کالیش ﴾

هو الله

ای محب عالم انسانی . نامه تورا رسید \* الحمد لله دلیل بر صحت  
 و سلامت تو بود \* از جواب نامه سابق متصور چنین بود که میان  
 شما و احبا الفتی حاصل گردد \* هر نفسی را باید نظر بانچه در او  
 ممدوح است نمود \* در این حالت انسان با جمیع بشر الفت تواند

اما اگر بنقائص نفوس انسان نظر کند کار بسیار مشکل است  
 در زمان حضرت مسیح روح العالمین له الفدا تصادفاً بسك  
 مرده ئی مرور نمودند که اعضایش متلاشی و متعفن و بدمنظر  
 شده بود \* یکی از حاضرین گفت این سك چه قدر متعفن  
 شده است \* دیگری گفت چقدر کریه و بد منظر شده است  
 یاری هر يك چیزی گفت \* حضرت مسیح فرمود نظر  
 بدندانهای او کنید که چقدر سفید است \* ان نظر خطاپوش  
 حضرت مسیح هیچ عیوب او ندید. عضوی که در او کریه نبود  
 دندانهای او بود \* سفیدی دندانهای او را دید \* پس باید نظر  
 بکمال نفوس نمود. نه بنقص نفوس \*

الحمد لله تو را مقصد خیر نفوس و اکمال نقائص است

این نیت خیر نتایج ممدوحه بخشد \* و عليك البهاء

( عبد البهاء عباس )

﴿ رورند . الفرد . هیاز مونت کلامنشو . مشیکان ٤٨ ﴾

هو الله

ای شخص جلیل . نامه ٢٤ نو فبر ١٩٢٠ رسید الحمد

له نور حقیقت درخشید و بصر و بصیرت هر دو روشن شد .

خود و حرمت از نفوس مختارین کشتیتد \* امیدم چنانست که

در ملکوت الله از مختارین ممتاز گردید \* این عنایتی است بی نهایت

و تأیید و توفیق عظیم رب الجنود \* که عاقبت بسر منزل حقیقت  
 رسیدی \* این حقیقت سفینه نجاتست \* و نورانیت آسمانی \*  
 و حیات ابدی \* و تأیید روح القدس \* شبها در سحرگاه مناجات  
 می نمایم \* و از برای تو و حرمت موهبت الهی میطلبم \* تا بروح  
 القدس و نار محبت الله تعمیم کردید \*

طریق خدمت آنست که بموجب تعالیم حضرت بهاء الله  
 روش و سلوک نمائید \* و بوحدت عالم انسانی خدمت کنید \*  
 و ناس را از تعصبات دینی \* و تعصبات جنسیه \* و تعصبات  
 سیاسی \* و تعصبات وطنیه نجات دهید \* تا جمیع در ظل خیمه  
 یکرنگ و وحدت عالم انسانی در آیند \* امه الله المحترمه مسس  
 هیلز بمعالجه روحانی مشغول باشد \* و بکلی از اینجهان فانی  
 منقطع گردد \* و برکات آسمانی نازل شود \* باید بنهایت شوق  
 و وله و سرور بهدایت نفوس پردازی \* و البته نفوسی معارض  
 پیدا گردد \* و بلامت و شماتت پردازد \* ابداً متأثر نشوید \*  
 بلکه بکمال استقامت مقاومت نمائید \* البته در انجیل جلیل  
 خوانده اید که حواریین حضرت مسیح چه قدر ملامت و شماتت  
 و سب و لعن دیدند \* و چگونه فریسیان بر آنها هجوم  
 نمودند لکن عاقبت علم حواریین بلند شد \* و اعلام  
 فریسیین سر نگون گشت \* و عليك البهاء الابهی  
 حیفاً ۳ کانون ثانی - ۱۹۲۰ ﴿ عبدالبهاء عباس ﴾

﴿ فیرھوب الاباما جناب مستر دیلی علیہ بہاء اللہ ﴾

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای بنده صادق جمال ابھی \* مکتوب آنجناب واصل  
 و مضمون واضح کشت \* از فضل حق امید چنین است کہ  
 بتأیید شدید موفق کردی \* و لسان بحامد و نعوت رب قدیم  
 بکشائی \* آیات ہدی ترتیل نمائی \* و آیات تقی برافرازی \* و لولہ  
 در آفاق اندازی \* روح مجسم کردی \* و نور مصور شوی \* شمع  
 ساطع کردی \* و نجم بازغ شوی \* از مواہب جمال ابھی امیدوار  
 باش \* زیرا خاک را تابناک نماید \* و سنک را کوہر خوش رنگ  
 فرماید \* خزف را لؤلؤ لثلا کند \* و سنک سیاہ را الماس  
 کرانہا فرماید \*

در خصوص آیہ ( ۲۶ ) از اصحاب تاسع دانیال سؤال نموده  
 بودید کہ ہر چند آیہ ( ۲۴ ) معنیش واضح شد \* اما آیہ ( ۲۶ )  
 ہنوز حقیقتش مجهول \*

ای یار مہربان \* بدان کہ در ایہ ( ۲۵ ) نیز ہفت ہفتہ و شصت  
 و دو ہفتہ بیان میفرماید \* و تفصیلاتش این است \*

دو تاریخ بیان میفرمایند \* یک تاریخ بدایتش صدور امر  
 ارتاکزرس بتجدید بنای اورشلیم \* و نہایتش صعود حضرت



مسیح \* و آن هفتاد هفته است \* و تاریخ ثانی بدایتش از اتمام  
 بنای اورشلیم است تا صعود حضرت مسیح شصت و دو  
 هفته است \* زیرا تجدید بنای اورشلیم هفت هفته امتداد یافته  
 که عبارت از چهل و نه سال است \* و از تاریخ اتمام بنای بیت  
 تا صعود مسیح شصت و دو هفته \* و در هفته شصت و سیم  
 که متصل بان است و در عقب آن مطابق صعود مسیح است  
 این هفت هفته مدت بنای تجدید اورشلیم است \*

پس چون بدایت تاریخ را صدور امر از تاگزرس نمائی  
 هفتاد هفته میشود \* و چون بدایت تاریخ را از اتمام و انتهای بنای  
 اورشلیم گیری \* شصت و دو هفته شود \*

ای بنده الهی \* بر مشقات و بلاهای تو مطمئن \* این را  
 حکمتی است \* و بعد خود شما مطلع خواهید شد \* حال باید که  
 نهایت صبر و تحمل را مجری دارید \* این مشقات و زحمات زائل  
 گردد \* و وقت خوش پیش آید \* و این بلاها و مصائب از قصور  
 شما نیست \* ولی از حکمتهای بالغه است \*

در خصوص اکتشافات روحیه بیاز نموده بودید \* روح  
 انسانی قوه محیطه بر حقائق اشیاء است \* جمیع آنچه مشاهده  
 میکنی از صنایع و بدایع و آثار و کشفیات وقتی در حیز غیب  
 بوده \* و سر مکنون \* روح انسانی کشف آن سر مکنون نموده  
 و آنرا از حیز غیب بعالم شهود آورده \* مثلاً قوه بخارید \*

فتوغراف • فنکراف • تلغراف • مسائل ریاضیه • جمیع اینها  
 وقتی سر مکنون و رمز مصون بوده • روح انسانی کشف این  
 اسرار پنهان نموده و از غیب بشهود آورده • پس معلوم شد  
 روح انسانی قوه محیطه است • و تصرف در حقایق اشیاء دارد  
 و کشف اسرار مکنون در چیز ناسوت میکند • اما روح الهی  
 کشف حقایق الهیه و اسرار کونیه در چیز لاهوت می نماید •  
 امیدوارم که موفق بروح الهی گردی • تا کشف اسرار  
 لاهوت شوی • و واقف بر اسرار ناسوت •

و سؤال از ایه ( ۳۰ - در فصل ۱۴ - از کتاب حنا ) نموده  
 بودید که حضرت مسیح فرموده ( دیگر با شما بسیار صحبت  
 نخواهم نمود • چه که مالک این دنیایم آید • و هیچ چیز در من ندارد )  
 مالک دنیا جمال مبارک است • و هیچ چیز در من ندارد • معنیش  
 اینست که بعد از من کل از من مستفیضند • اما او مستقل است  
 و از من فیض نکیرد • یعنی مستغنی از فیض من است •

اما سؤال از کشف ارواح بعد از خلع اجسام نموده بودید البته  
 انعام عالم کشف و شهود است • زیرا احجاب از میان برخیزد و روح  
 انسانی مشاهده نفوس ما فوق و ما دون و هم رتبه را می نماید •  
 مثالش • انسان وقتی که در عالم رحم بود • حجاب در بصر  
 داشت • و جمیع اشیاء مستور • چون از عالم رحم تولد شد باینجهان  
 و اینعالم بالنسبه بعالم رحم عالم کشف و شهود است لهذا مشاهده

جميع اشيارا بصر ظاهر مينمايد \* همچنين چون از اينعالم بعالم  
 ديگر رحلت كرد \* انچه در اينعالم مستور بوده در آن عالم  
 مكشوف گردد \* در آنعالم بنظر بصيرت جميع اشياء را ادراك  
 و مشاهده خواهد نمود \* اقران و امثال و ما فوق خود و ما دون  
 خویش را مشاهده خواهد كرد

و اما تساوي ارواح در عالم اعلى مقصود اينست كه ارواح  
 مؤمنين در وقت ظهور در عالم جسد متساويند و كل طيب و طاهر  
 اما در اينعالم امتياز پيدا خواهند كرد \* بعضى مقام اعلى يابند \*  
 و بعضى حد اوسط جويند \* و يا در بدايت مراتب \* اين تساوى  
 در مبدء وجود است و اين امتياز بعد از صعود \*

و در خصوص ( ساعير ) مرقوم نموده بوديد \* ساعير \*  
 محلى است در جهت ناصره در جليل واقع \*

اما در خصوص بيان ايوب \* كه در آيه ۲۵ و ۲۷ در فصل ۱۹ \*  
 ميفرمايد ( اما من دانستم كه ولى من زنده است \* و ديگرى  
 بر زمين قيام خواهد نمود ) \* ولى در اینجا \* مراد خداست \*  
 و معنى ثابثش جانشين است \* مراد آنكه ناصر و معين من  
 حق است و يا بعد از من جانشين در مقام من قيام خواهد نمود  
 و من بعد از خود جانشينى دارم \* و چون از اينعالم صعود نمايم  
 مشاهده جمال الهى را بدون چشم ظاهرى كنم \* و همين ايه دليل  
 است كه از اينعالم بعالمى خواهد رفت كه بصر جسدی ندارد \*

یعنی جسمانی نیست • روحانی محض است • و در انعام بیصیرت  
روح مشاهده جمال الله نماید •

و اما اورشلیم که به بیابان خواهد رفت (در مکاشفات یوحنا  
در اصحاح ثانی عشر مذکور) و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد  
زنی که آفتاب را در بردارد • و ماه زیر پایها یش • مواد از این زن  
شریعة الله است که اورشلیم آسمانی نیست • زیرا با اصطلاح کتب  
مقدسه • اورشلیم آسمانی کنایه از شریعة الله است که در اینجا  
تعبیر بزنی شده است •

و دو کوكب شمس و قمر • یعنی دو سلطنت ترك و فرس  
در ظل شریعة الله هستند • شمس علامت دولت فرس است • و قمر که  
هلال باشد علامت دولت ترك • و دوازده اکیلی دوازده امامند که  
مانند حواریین تایید دین الله نمودند و ولد مولود جمال معبود  
است • که از شریعة الله تولد یافته •

بعد میفرماید که آن زن فرار به بریه کرد • یعنی شریعة الله که  
مسمی باور شلم آسمانی است از فلسطین بصحرای حجاز انتقال  
نمود • و در آنجا هزار و دویست و شصت سال اقامت کرد  
یعنی تا بوم ظهور ولد موعود • و این معلوم است که  
در کتاب مقدس هر روز عبارت از یک  
سال است و عليك التحية والثناء

عکاء - ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۲۱ هـ ﴿ ع ع ﴾

﴿ بواسطه اقا میرزا محسن زائر علیه بهاء الله الابهی ﴾

جناب میرزا عبد الحسین سلیل سید محسن

و جناب عبد الوهاب ناجی نجل سید محسن

علیہما بهاء الله الابهی

میرزا محمد

ای دو یاد کار دو نفس بزرگوار \* حضرت عبد المجید و حضرت  
سید محسن این دو نفس مبارکرا آنچه ستایش کنم حقیقت  
اینست که از عهده بر نیایم هر دورا جمال مبارک تبلیغ فرموده  
بنفحات روح القدس زنده شدند \* و در عراق چون جبل  
راسخ ثابت و رزین و رصین بودند \* یک منقبت حضرت عبد المجید را  
ذکر مینمایم \* پسرش عبد الوهاب شمع اصحاب بود و برقی ساطع  
از سحاب \* در سفر اول حضرت مقصود بعراق عرب بشرف  
لقا فائز \* پسر استدعای هدایت پدر نمود \* حضرت عبد المجید  
بمجرد تشرف بحضور رب غفور مانند شمع بر افروخت و بایمان  
فائز و چون جمال قدیم مراجعت بطهران فرمودند بمیرزا  
عبد الوهاب امر کردند که چون پسر وحیدی باید در نزد پدر  
بمانی و چنانست که همسفر بامن باشی و چون حضرت مقصود  
بطهران رجوع فرمودند ایامی نگذشت که نائره عشق در قلب

آن جوان چنان شعله زد که صبر و قرار نماند \* پدر بزرگوار گفت  
ای پسر هر چند مرا نور بصری و حیات جان پروری آنی  
تحمل فرقت تو ندارم ولی نمیتوانم این پروانه را از شمع آفاق  
محروم نمایم فوراً عزم طهران کن \* آن جوان رقص کنان وارد  
طهران گشت و بمجرد ورود دستگیر شد و بزیر زنجیر رفت زیرا  
واقعه مؤلمه شاه واقع و در سجن مبارک بشرف لقا فائز شد  
بعد از چند روز میر غضب وارد زندان شد و آن معدن اسرار را  
پای داد دعوت کرده \* آن جوان نورانی برخواست و رقصی در نهایت  
سرور در پیشگاه حضور نمود بعد دست مبارک را بوسید و بایاران  
مسجون دست در اغوش شد و رسم وداع مجری داشت و بقربانگاه  
عشق شتافت و در کمال سرور و حبور جان بیاخت \* این خبر  
وحشت اثر چون بگوش پدر رسید آن پیر سالخورده سر  
بسجود آورد و بشهادت پسر شادمانی و طرب و شکر  
نامتناهی نمود \* این يك منقبت از مناقب آن بزرگوار است جمیع  
اوقات خویش را بتحمل صدمات و مشقات میکذراند و عاقبت  
سر کون شد و در اسیری جان بجانان تسلیم نمود \* و اما حضرت  
آقا سید محسن در عراق بود و بشرف حضور نیر آفاق مشرف گشت  
و مدت حیات جان فشان بود و سبب هدایت نفوس عدیده  
گشت صبور و حلیم بود و شکور و مستقیم تا آنکه سر کون  
بحدباء گشت و در اسیری تحمل فراق نمود \* در نهایت فقر

پیاده در کمال شوق مناجات کنان از حدباء عازم عکاء شد تحمل  
صدمات راه نمود \* صحراها را پیاده پیمود \* بی زاد و توشه  
در نهایت شوق جان بیاخت \* حال شما یاد کار آن دو بزگوارید همیشه  
در خاطرید \* و این دو زفاف جدید مبارکست متینست  
مسمود است پرشکونست \* از الطاف حضرت مقصود  
امید چنانست که خاندان آن دو بزگوار الی ابد الآباد  
مسمود و مبارک و متین باشند \* جناب میرزا  
محسن الحمد لله محفوظا مصوناً و با آنچه  
منتهی آمال مقربین است یعنی  
تقبیل آستان مقدس فائز \*  
اجازه حضور خواسته  
بودید مآذونید  
و علیکم البهاء  
الابهی

حیفا ۱۰ ربیع الثانی سنة ۱۳۳۸

﴿ عبد البهاء عباس ﴾



﴿ امریک ﴾

( عموم احبای الهی )

« علیهم بهاء الله الابهی »

مَعَالِدِ اللَّهِ

ای یاران الهی \* عبد البهاء شب و روز زیاد شما و بد ذکر شما  
مشغول \* زیرا یاران الهی در نزد عبد البهاء عزیزند \* و در سحرگاهان  
تضرع بملکوت الله مینمایم و شما را استفاضه از نفثات روح القدس  
میطلبیم \* تا شمعهای روشن شوید \* و بنور هدایت بدرخشید  
و ظلمت ضلالت را زائل نمائید \* مطمئن باشید تا آیدات ملکوت  
ابهی پی در پی میرسد \*

شجره حیات از بهار الهی و ریزش ابر آسمانی و حرارت شمس  
حتمیت تازه بنای نشو و نما گذاشته \* عنقریب کل و شکوفه  
نماید و برك و بار بار آرد و بر شرق و غرب سایه اندازد \* و این  
شجره حیات کتاب میثاق است \*

ولی در این ایام در امریکا باد های شدیدی بر سراج میثاق  
احاطه نموده تا این سراج روشن را خوااموش کند \* و این  
شجره حیات را از ریشه بر اندازد \*



بعضی نفوس ضعیفه نو هوس از اهل غرض و بی خبر از  
زلزله بغض و عداوت متزلزل شده و همت را کما شتند که عهد  
و میثاق الهی را محو نمایند و آب صافی را کل آلود کنند تا در این کل  
آلودی ماهی صید نمایند بر سر کز میثاق طغیان نموده اند \* بعینه  
مثل بیانیان که بر جمال مبارک هجوم نمودند \* هر دم افرازی زدند  
و در هر روزی بهانه کنند و خنیا القای شبهات نمایند تا بکلی  
میثاق بهاء الله در اسر یکا محو و نابود گردد \*

ای یاران الهی بیدار باشید بیدار باشید هشیار باشید هشیار  
باشید \*

حضرت باب عهد و میثاق جمال مبارک را از جمیع اهل بیان  
گرفت که در یوم ظهور من ینظره الله و سطوع انوار بهاء الله  
مؤمن و موقن شوند و بخدمت پردازند و اعلاء کلمه الله نمایند \* بعد  
اهل بیان چون میرزا یحیی و بسیاری اشخاص بر ضد جمال مبارک  
قیام نمودند \* و انواع مفتریات بر بستند و بنفوس القای شبهات  
کردند و از کتب حضرت باب که جمیع ذکر من ینظره الله است  
استدلال بر بطلان بهاء الله مینمودند \* هر روز رساله بر ضد  
بهاء الله نوشته انتشار میدادند و مردم را بتشویش و اضطراب  
میانداختند و بنهایت اذیت و ظلم بر حضرت بهاء الله قیام نمودند  
و خود را بر عهد حضرت باب ثابت میشمردند تا آنکه انوار عهد  
حضرت باب آفاقرار روشن کرد و جمیع نفوس مؤمنین مخلصین

از ظلمات نقض اهل بیان نجات یافتند \* و مانند شمع روشن  
بر افروختند و جمال مبارک در جمیع الواح و رسائل احبای صادق  
ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد حضرت باب منع  
فرمودند که نفسی نزدیکی با آنان نکند زیرا نفسشان مانند سم  
ثعبان میباشد فوراً هلاک میکند \*

از جمله در کلمات مکنونه میفرماید مصاحبت ابرار را  
غنیمت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار \* و خطاب  
با احبای میفرماید که معلوم آنجناب بوده که زود است شیطان در  
قیص انسان در آن ارض وارد شود \* و اراده نماید که احبای جمال  
سبحان را بوساوس نفسیه و خطوای شیطانیه از صراط عز مستقیمه  
منحرف سازد \* و از شاطی \* قدس سلطان احدیه محروم نماید  
ایست از خبرهای مستوره که اصفیاریان آگاه فرمودیم که  
مبادا بمجالست آن هیاکل بنضیه از مقام محمود ممنوع شوند \*  
پس بر جمیع احبای الله لازم که از هر نفسی که رانحه بنضیا از جمال  
عز ایبی ادراک نمایند از او احتراز جویند \* اگر چه بکل آیات  
ناطق شود و بکل کتب تمسک جوید الی ان قال عز اسمه \* پس  
در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبادا بدام تزویر و حیلله گرفتار  
آیند اینست نصیح قلم تقدیر \*

و در خطاب دیگر میفرماید \* پس از چنین اشخاص اعراض  
نمودن اقرب طرق مرصنات الهی بوده و خواهد بود چه که

نفسشان مثل سم سرایت کننده است \*  
 و در خطاب دیگر میفرماید \* ای کاظم چشم از عالمیان پیوش  
 و ماء حیوان عرفاترا ازید غلمان سبحان بنوش و گوش بمنز خرفات  
 مظاهر شیطان مده چه که الیوم مظاهر شیطانیه بر مرأصد  
 صراط عز احدیه جالسند و ناس را بکل حیل و مکر منع مینمایند  
 و زود است که اعراض اهل یانرا از مظهر رحمن مشاهده نمائی \*  
 و در خطاب دیگر میفرماید بسیار در حفظ نفوس خود  
 سعی نمایند چه که شیاطین بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر  
 نفسی بطریق او برآیند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده \*  
 بعد او را بخود وا گذارند

و در خطاب دیگر میفرماید هر نفسی که از او غل غلام  
 استشمام نمائید از او اعراض کنید اگر چه بزهد اولین و آخرین  
 ظاهر شود و یا بعبادت ثقلین قیام نماید \*

و همچنین در خطابی دیگر میفرماید ای مهدی جمیع باین  
 کلمات مطلع شده از مظاهر سجینه و مطالع نموده و مشارق  
 فرعونیه و منابع طاغوتیه و مغارب جبّتیّه اعراض نمایند

و همچنین میفرماید قل ان یا احبائی ثم اصفیائی اسمعوا نداء  
 هذا الحیب المسجون فی هذا السجن الا کبر ان وجدتم من احد  
 اقل من ان یحصی روائح الاعراض فاعرضوا عنه ثم اجتنبوه  
 تا آنکه میفرماید لا تم مظاهر الشیطان \*

و در خطابی دیگر میفرماید و بمنظرا کبر ناظر باشید \* عنقریب  
رواح منتنه انفس خبیثه بر اندیاز مرور نماید \* انشاء الله در آن  
ایام محفوظ مانید \*

در انجیل متی در فصل ثامن عشر در آیه ششم حضرت مسیح  
میفرماید (ومن اعثر احد هؤلاء الصغار المؤمنین بی نخر له ان  
یعلق فی عنقه حجر الریح ویفرق فی لجة البحر \* ویل للعالم من  
العثرات فلا بد ان تأتي العثرات ولكن ویل لذلك الانسان الذي  
به تأتي العثرة \* فان اعثرتك يدك او رجلك فاقطعها والقها عنك  
خیر لك ان تدخل الحیاة اعرج او اقطع من ان تلتقی فی النار الابدية  
ولك یدان او رجلان \* وان اعثرتك عینك فاقلمها والقها عنك خیر  
لك ان تدخل الحیاة اعور من ان تلتقی فی جهنم النار ولك عینان )  
و در اصحاح حادی والعشرون در انجیل متی در آیه ٣٨ میفرماید  
(واما الكرامون فلما رأوا الابن قالوا فيما بينهم هذا هو الوارث  
هلمرا نقتله وناخذ میراثه فأخذه و أخرجه خارج الكرم وقتلوه)  
و همچنین فی الاصحاح الثانی والعشیرین در آیه چهاردهم میفرماید  
(لان أكثرین یدعون وقلیلین ینتخبون )

و در آثار مبارك الواح حضرت بهاء الله البته در هزار موقع  
مذکور \* و نفرین بر ناقضین میثاق مینمایند \* بعضی از آن کلمات  
آسمانی ذکر میشود \*

باری جمیع احبای امریکا میدانند که مؤسس این فساد

یعنی نقض میثاق نفوسی هستند که جمیع احبای الهی مقاصد ایشانرا میدانند سبحان الله با وجود این فریب انرا میخورند الحمد لله شما بنهایت وضوح میدانید حضرت مسیح بنهایت محبت و مهربانی بود ولی نفوسی بودند مانند یهو ذای اسخریوطی باعمال خودشان از مسیح جدا شدند \* پس چه ذنبی بر مسیح بود \* حال ناقضین عنوانی کردند که عبد البهاء استبداد دارد و نفوسی را اخراج میکند و مانند پایا محروم می نماید ابداً چنین نیست هر نفسی که جدا شد باعمال و دسایس و وساوس خویش خود را محروم نمود \* اگر این اعتراض بر عبد البهاء وارد باید اعتراض بر جمال مبارک نمایند که بصراحت بحکم قاطع احبائه را از معاشرت و الفت باناقضین از اهل بیان منع فرمود \*

﴿ مناجات ﴾ ای رب میثاق ای نیر آفاق عبدالبهای مظلوم در دست نفوسی بظاهر اغنام و بحقیقت کرکان درنده گرفتار گشته \* هر ظلمی مجری میدارند و بنیان میثاق را ویران مینمایند \* و ادعای بهائی میکنند \* تیشه بر ریشه شجره میثاق میزنند و خود را مظلوم میشمردند \* نظیر بیانها که میثاق حضرت بابرا شکستند و از شش جهت تیر طعن و مفتریات بر هیکل مبارک زدند با این ظلم عظیم خود را مظلوم میشمردند \* حال این عبد آستان نیز گرفتار ظالمان گشته \* و در هر ساعتی حيله و مکرری مینمایند و افترائی میزنند \* یا بهاء الابهی حصن حصین امر ترا از این دزدان

محافظه نما و سراجهای ملکوت را از این بادهای مخالف مصون  
 بدار \* یا بهاء الابهی عبدالبهاء دی آرام نگرفت تا آنکه امر ترا  
 بلند نمود و علم ملکوت ابهی در جمیع آفاق موج زد \* حال  
 نفوسی چند بدسائس و وساوس قیام کرده اند که این علم مبین  
 در امریک سر نکون گردد \* ولی امید من بتأییدات تو است  
 مرا فرید و وحید و مظلوم مکن دار چنانکه شفاهاً و خطاً و عده  
 حتمی فرمودی که این آهوی صحرای محبت را از هجوم کلاب  
 بغض و عدوان حفظ میفرمائی و این بره مظلوم ترا از چنک  
 و دندان ذاب کاسره نجات میبخشی \* منتظر ظهور عنایات و تحقق  
 وعد محتوم تو هستم \* توئی حافظ حقیقی و توئی رب الميثاق \*  
 پس این سراجی را که تو افروختی از این اریاح شدید حفظ فرما  
 یا بهاء الابهی از جهان و جهانیان گذشتم و از بیوفایان دل شکسته  
 گشتم و از زرده شده ام و در قفس این جهان چون مرغ هراسان  
 بال در میزنم \* و هر روز آرزوی پرواز بملکوت میکنم \*  
 یا بهاء الابهی مرا جام فدای بنوشان و نجات بخش \* و از این بلایا  
 و محن و صدمات و مشقت آزاد کن \* توئی معین و نصیر و ظهیر  
 و دست گیر \*

باری بعضی از آثار و مناجات و آیات جمال مبارک که نهدی  
 از معاشرت ناقضانست درج میشود \* در مناجات فارسی  
 میفرماید این عبد را حفظ نما از شبهات نفوسیکه اعراض

نموده اند و از دریای علمت ممنوعند \* الهی الهی احفظ عبدك  
بجودك و كرمك من شر اعدائك الذين نقضوا عهدك و ميثاقك  
و در جای دیگر میفرماید ای پروردگار من و مقصود جان  
من بید قدرت این ضعیف را از نعیق ناعقین حفظ نما \* ناعق  
کوساله بنی اسرائیل است \*

و همچنین میفرماید مبعوض مرا محبوب خود دانسته اید  
و دشمن مرا دوست خود گرفته اید \*

و همچنین میفرماید صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت  
ابرار ز نك دل بزاید من اراد ان یانس مع الله فلیانس مع احبائه  
و من اراد ان یسمع كلام الله فلیسمع كلمات اصفیائه

و همچنین میفرماید با اشرار الفت مکبر و مؤانست مجو که  
مجالست اشرار نور جاترا بنار حسابان تبدیل نماید \* اگر فیض  
روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو \* زیرا که ابرار جام  
باقی از کف ساقی خلد نوشیده اند \* و همچنین میفرماید رأس الدلّة  
هو الخروج عن ظل الرحمن و الدخول فی ظل الشیطان

و همچنین میفرماید ای عباد نیست در این قاب مکر تجلیات  
انوار صبح اقا و تکام نمینماید مکر بر حق خالص از پروردگار \* شما  
پس متابعت نفس نمائید \* و عهد الله را نشکنید و نقض میثاق  
مکنید \* باستقامت تمام بدل و قاب و زبان با و توجه نمائید و نباشید  
از بیخردان \*

وهمچنین میفرماید اتم نسیتم عهد الله و نقضتم میثاقه •  
 و همچنین میفرماید ( از جاؤکم احد بکتاب الفجار دعوه  
 ورائکم • من الناس من نقض الميثاق ومنهم من اتبع ما امر من  
 لدن علیم حکیم • لیس ضری سجنی و بلائی و ما یرد علی من طغاة  
 عبادی بل عمل الذین ینسبون انفسهم الی هذا المظلوم و یرتکبون  
 ما نضیع به حرمة الله بین خلقه الا انهم من المفسدین )  
 و همچنین از لسان ناقضین میفرماید ( قد جعلت النار  
 لذکرک و ارتفاع کلمتک و اظهار امرک و انی ارتقیبت علیها لاعلاء  
 نقض عهدک و میثاقک )

و همچنین میفرماید خذوا ما امرتم به و لا تقبوا الذین نقضوا  
 عهد الله و میثاقه الا انهم من اهل الضلال •  
 و همچنین میفرماید ( ان الذین نکثوا عهد الله فی اوامره  
 و نکصوا علی اعقابهم اولئک من اهل الضلال لدی الفی المتعال )  
 و همچنین میفرماید ان الذین وفوا بميثاق الله اولئک من  
 اهل الخلق لدی الحق المتعال • ان الذین غفلوا اولئک من اهل النار  
 عند ربک العزیز المختار )

و همچنین میفرماید ( طوبی لعبد آمن و لامة آمنت و ویل  
 للمشرکین الذین نقضوا عهد الله و میثاقه و اعرضوا عن صراطی  
 المستقیم )

و همچنین میفرماید • اسألك ان لا تخیننی عما عندک و ما



قدرته خيرة خلقك الذين ما نقضوا عهدك وميثاقك قل موتوا  
بغيطكم قد اتى من ارتعدت به فرائص العلم وزلت به الاقدام  
الا الذين ما نقضوا عهدكم واتبعوا ما انزله الله في الكتاب )  
وهم جنين ميفر مايند ( ان الذي تزين برداء الوفاء بين الارض  
والسما يصلى عليه الملائكة الاعلى والذي نقض العهد يلغنه الملك  
والملكوت )

وهم جنين ميفر مايند ( خذ ما نزل لك بقوة تعجز عنها ايدى  
الكفار الذين نقضوا ميثاق الله وعهده واعرضوا عن الوجه )  
وهم جنين ميفر مايند \* ( يا يحيى قد اتى الكتاب خذه بقوة  
من لدنا ولا تتبع الذين نقضوا ميثاق الله وعهده وكفروا بما نزل  
من لدن مقتدر علام )

وهم جنين ميفر مايند ( قد اصبحت اليوم يا الهى فى جوار  
رحمتك الكبرى واخذت القلم لا ذكرك بحولك بذكر يكون  
عنزلة النور للاحرار \* وبعثت النار للاشرار الذين نقضوا ميثاقك  
واعرضوا عن آياتك ونبذوا عن ورائهم كوثر الحيوان الذى ظهر  
بامرک وجرى من اصبع ارادتك )

وهم جنين در توقيعى بعبد البهاء ميفر مايند ( يا الهى هذا غصن  
انشعب من دوحه فردانيتك وسدره وحدانيتك \* تراه يا الهى  
ناظرا اليك ومتمسكا بجبل العناقك فاحفظه فى جوار رحمتك  
انت تعلم يا الهى انى ما اريده الابد المردته وما اخترته الابد اصطفيته

فانصره بجنود ارضك وسمائك وانصر يا الهى من نصره ثم اختر  
 من اختاره وايد من اقبل اليه ثم اخذل من انكره ولم يردده \* اي  
 رب ترى حين الوحي يتحرك قلبي وترتعش اركانى \* اسالك بولھى  
 في حبك وشوقى فى اظهار امرك بان تقدر له ومحبيه ما قدرته  
 لسفرائك وامناء وحيك \* انك أنت الله المقتدر القدير )

تالله يا قوم يبكى عيني وعين على على الرفيق الاعلى \* ويضج  
 قلبي وقلب محمد فى السرادق الابهى ويصبح فؤادى واقئدة  
 المرسلين عند اولى النهى \* ان انتم من الناظرين \* لم يكن  
 حزني من نفسى بل على الذى يأتى من بعدي فى ظلال الامر  
 بسطان لائح مبين لان هؤلاء لا يرضون بظهوره وينكرون  
 آياته ويحجدون بسطانه ويحاربون بنفسه ويخادعون فى امره كما  
 فعلوا بنفسه فى تلك الايام وكنتم من الشاهدين \*

وهمجنين درتوقيعى بعبد البهاء ميفر مايند يا غصن اعظم  
 لعمر الله نوازلك كدرتنى ولكن الله يشفيك ويحفظك وهو خير  
 كريم واحسن معين \* البهاء عليك وعلى من يخدمك ويطوف  
 حولك والويل والعذاب لمن يخالفك ويؤذيك \* طوبى لمن والاك  
 والسقر لمن عاداك \*

وهمجنين ميفر مايد هل يمكن بعد اشراق شمس وصيتك  
 من افق اكر الواحك ان تزل قدم احد عن صراطك المستقيم قلنا  
 يا قلبي الاعلى ينبغى لك ان تشتغل بما امرت من لدى الله العلى

العظیم \* لا تسأل عما يذوب به قلبك وقلوب اهل الفردوس  
الذين طافوا حول امرى البديع \* لا ينبغي لك بان تطلع على  
ما سترناه عنك ان ربك لهو الستار العليم توجه بوجهك الانوار الى  
المنظر الا كبرو قل يا الهى الرحمن زين سماء البيان بانجم الاستقامة  
والامانة والصدق \* انك انت المقتدر على ما تشاء لا اله الا انت  
المدبر الكريم \*

بارى از این بیانات مبارک و بیانات حضرت مسیح واضح  
و ثابت و محقق شد که انسان باید با نفوسى که بر عهد و میثاق ثابتند  
معاشرت نماید و با ابرار الفت کند \* زیرا قرین سوء سبب مى  
شود که سوء اخلاق سرایت مى نماید \* نظیر مرض جذام که ممکن  
نیست انسان با مجذوم الفت و معاشرت نماید و مرض جذام  
سرایت نکند \* این بجهت حفظ وصیانت است \*

این نص انجیل را ملاحظه کنید که برادران حضرت مسیح  
آمدند نزد حضرت مسیح عرض کردند که اینها برادران شما  
هستند \* فرمودند که برادران من نفوسى هستند که مؤمن  
نخدا هستند و قبول نمودند که با برادران معاشرت و مجالست  
نمایند بهمچنین قره العین که معروف آفاق است و قتی که مؤمن  
نخدا شد و منجذب بنفحات الهی گشت از دوپسر بزرگ خویش  
بزار شد \* زیرا مؤمن نشدند و دیگر ابدانها ملاقات نکرد \*  
و حال آنکه دو اولاد رشید او بودند و میگفت که احبای الهی

جميع پسران من هستند \* ولی این دو ابداً پسر من نیستند  
و یزارم \*

ملاحظه نمائید که باغبان الهی شاخه خشک و یا ضعیف را  
از شجره طیبه قطع می نماید و شاخ درخت دیگر را باین  
شجره پیوندی نماید \* فصل میکند و عم وصل میکند اینست که  
حضرت مسیح میفرماید که از جمیع آفاق می آیند \* و داخل در  
ملکوت میشوند و ابناء ملکوت از ملکوت خارج میشوند \*  
نوه نوح کنعان در نزد نوح مردود بود و دیگران مقبول \*  
برادران جمال مبارک از جمال مبارک من فصل شدید و ابداً جمال مبارک  
با آنها ملاقات نمیفرمودند \* و هذا فراق یبنی و ینکم میفرمودند \*  
جمیع اینها نه این بود که جمال مبارک استبداد مجری میداشتند \*  
ولی اینها با اعمال و افعال و اقوال خود از الطاف و عنایات مبارک  
محروم ماندند

حضرت مسیح در قضیه یهو ذای اسخریوطی و برادران  
خویش استبداد مجری نداشتند ولی آنان خود را محروم نمودند  
باری مقصود اینست که عبد البهاء بی نهایت مهربانست  
ولی مرض مرض جذام است چه کند \* همچنانکه در امراض  
جسمانی باید معاشرت و سرایت را منع کرد و قوا این حفظ الصحه  
را مجری داشت زیرا امراض ساریه جسمانی بنیان بشر را براندازد  
بهمچنین باید نفوس مبارکه را از روائح گریه و امراض مهلکه

روحانی محافظه و صیانت کرد • والانتقض نظیر مرض

طاعون سرايت ميکند وکل هلاک ميشوند • در

بدايت صعود مبارك مرکز نقض تنها بود

بعد کم کم سرايت کرد • واين بسبب

لفت و معاشرت واقع شد

۱۴ نو فبر سنه ۱۹۲۱

﴿ عبدالبهاء عباس ﴾

﴿ احبای الهی و دوستان حقیقی و اماء روحانی ﴾

( در جميع بلدان و اقالم در شرق و غرب )

( عليهم بقاء الله الابهی )

مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای یاران با وفا • ای بندگان صادق حضرت بقاء الله نیم

شب است و جميع چشمها آسوده و کافه نفوس در بستر راحت

سر بیالین نهاده مستغرق در دریای خوابند و عبدالبهاء در جوار

روضه مبارکه بیدار و در نهایت تضرع و ابتهال مشغول بمناجات

که ای پروردگار مهربان شرق در هیجانست و غرب در موج بی

پایان • نفعات قدس در انتشار است و انوار شمس حقیقت از

ملكوت غيب ظاهر و اشكار \* ترتيب آيات نوحيد است و تموج  
 رايات تجريد \* بانك سروش است و نهنك محويت و فنا در خروش  
 از هر کرانه ئی فریاد یا بهاء الاهی بلند و از هر طرف ندای یا علی  
 الاعلی مرتفع و ولوله ئی در جهان نيسب جز غلغله جلوه دلبر يکتا  
 و زلزله ئی در عالم نه جز اهتزاز از محبت محبوب بی همتا \* احبای  
 الهی در جمیع دیار بانفس مشکبار چون شمع روشنند و یاران  
 رحمانی در جمیع اقالیم مانند کلهای شکفته از هر طرف چمن \*  
 دی نیاسایند \* و نفسی بر نیارند جز بد کرتو و آرزوئی ندا رند  
 جز خدمت امر تو چمنستان حقیقتر ابلبل خوش الحاند و گلستان  
 هدایت را شکوفه های معطر بدیع الالوان \* خیابان حقایق را  
 طراحی کلهای معانی نمایند \* و جویبار هدایت را مانند سرو  
 روان بیارایند \* افق وجود را نجوم بازغند \* و مطالع افق را  
 کواکب لامع مظاهر تأییدند و مشارق نور توفیق \* ای خداوند  
 مهربان کل را ثابت و مستقیم بدار و الی الابد ساطع و لامع  
 و پر انوار کن تاهر دی از کاشن عنایت نسیمی وزد \* و ازیم موهبت  
 شبمی رسد \* رشحات سحاب محبت طراوت بخشد و نفعات  
 کاشن وحدت مشامها معطر کند \* ای دایر آفاق پر تو اشراق  
 ای محبوب جهان جلوه جمالی ای قوی قدیر حفظ وامانی \*  
 ای ملیک وجود ظهور قدرت و سلطانی \* ای خدای مهربان در  
 بعضی بلدان اهل طغیان در هوج و موجند و محرکین بی انصاف

شب و روز در اعتساف ظالمان چون كرك در كمين و اغنامی  
 مظلوم و بی ناصر و معین غزالان برو حد ترا کلاب در پی و تذروان  
 کوهسار هدایترا غرابان حسد در عقب \* ای پرورد کار حفظ  
 و حمایت فرما \* ای حافظ حقیقی صیانت و حمایت کن \* در پناه  
 خویش محروس دار و بعون خود از شرور مصون بدار \* تویی  
 حافظ حقیقی و حارس غیبی و نگهبان ماسکوتی و مهربان آسمانی \*  
 ای یاران الهی از جهت ریاست حق بلند است و ندای ملکوت  
 مرتفع و امر الله در انتشار و آثار الهی واضح و آشکار شرق منور است  
 غرب معطر است جنوب معتبر است شمال مشک اذفر است و از  
 جهت بیوفایان در نهایت بغض و عدوان \* و در غایت فساد و طغیان \*  
 هر روزی نفسی علم خلاف برافرازد \* و در میدان شبهات  
 بتازد \* و هر ساعتی افعی ثی دهان بکشاید و سم قاتل منتشر نماید  
 احبای الهی در نهایت صدق و صفا \* و بی خبر از این حقد  
 و جفا ماران بسیار نرم و پرمدارا و در نهایت وسوسه و دسیسه  
 و حيله و خداع \* بیدار باشید هوشیار باشید \* المؤمن فطین  
 و المؤمن قوی و متین \* دقت نمائید \* اتقوا من فراسة المؤمن انه  
 ينظر بنور الله \* مباد کسی سرا رخنه اندازد \* حصن حصین را  
 سپاه رشید باشید \* و قصر مشید را لشکر شجاع \* بسیار  
 مواظب باشید و شب و روز مراقب گردید تا معتسفی صدمه ثی  
 نزند \* لوح ملاح القدس را بخوانید تا بحقیقت پی برید و ملاحظه

نمائید که جمال مبارک وقایع آتیه را از پیش بتمامه خبر داده اند  
 ان في ذلك لعبرة للمتبصرين وموهبة للمخلصين \* عبد البهاء  
 در آستان مقدس خاکسار و در نهایت خضوع و خشوع بیقوار \*  
 شب و روز مشغول نشر آثار \* و اگر فرصتی یابد بمناجات پردازد  
 و تضرع و تبتل و یقنونی نماید که ای پروردگار بیچارگانیم چاره‌ئی  
 فرما \* یسر و سامانیم پناهی بخش برا کنده ایم مجتمع فرما \*  
 بکاه خویش پیوسته کن \* بی نصیبانیم بهره و نصیب بخش \*  
 تشنه کایم بچشمه حیات دلالت کن \* ضعیفانیم قوتی ده  
 تا بنصرت امرت برخیزیم \* و در سبیل هدایت جان فشانی کنیم  
 اینست روش و پرستش بنده جمال مبارک و لکن بی وفایان خفی  
 و جلی ایلا و نهارا در کوشش اند که امر الله را متزلزل نمایند \*  
 شجره مبارکه را از ریشه براندازند \* و این عبد مظلوم را از خدمت  
 محروم نمایند و سر آفتنه و آشوبی افکنند که عبد البهاء را بکلی عو  
 و نابود کنند \* بظاهر اغنامند و در باطن کرک درنده بزبان شیرین و بدل  
 سم قاتل \* ای یاران امر الله را محافظت نمائید بحلاوت لسان کول  
 مخورید \* ملاحظه کنید که مقصد هر نفسی چیست و مروج چه  
 فکر است فوراً آگاه شوید و بیدار گردید و احتراز نمائید  
 ولی ابدأ تعرض نمائید و نکته زکیرید و بخدمت پردازید  
 اورا بخدا و اگذارید \* و علیکم البهاء

الابھی \* در بهجی شب

۲۶ محرم ۱۳۳۹

( عبد البهاء عباس )



## مَعَالِدُ اللَّهِ

﴿ احببى بغداد عليهم بهاء الله الابهى ﴾

ايها المخلصون ايها الثابتون ايها المنجذبون • اننى أشكر الله  
بما حفظكم فى صون حمايته فى هذا الانقلاب العظيم والطوفان  
العميم واحمده بما حرزكم فى الحصن الحصين من سهام المردة  
والشياطين طوبى لكم بما اظهرتم القدم الراسخ فى دين الله مطمئين  
بميثاق الله وتحملتم كل مشقة وبلاء وصبرتم على البأساء والضراء  
ولأمثالكم ينبغى هذا قوموا بكل قوة وثبات على ترتيب الآيات  
البيئات ونشر النفحات وبث تعاليم الله اعنى اذا رأيتم نفسا من اهل  
الاصفاء وله اذن واعيه القوا عليه كلمة الله لانها كافية لمن  
يفحص بين الخلق حتى يحصن الحق واكن بحكمه بالغة  
وقلوب مطمئنة •

الهى الهى هؤلاء عباد فى مدينتك المباركة مجاورون لبيتك  
الحرام وحرمة قد فتحت أبوابها على الخاص والعام حتى يتغنوا فضلك  
ويطلبوا الطافك ويتمنوا تأييدك ويبتهلوا اليك • ويتضرعوا بين  
يديك بقلب خافق بمحبتك ودمع دافق فى حبك وروح مستبشر  
بشارتك وفؤاد منجذب بنفحاتك • رب اوقد نار محبتك بين  
الضلوع والاحشاء وانر سراج معرفتك فى زجاج الارواح  
واسقهم من الماء السجاج النازل من معصرات

رحمتك وسحاب موهبتك \* انك انت الكريم

انك انت العظيم وانك انت الرحمن الرحيم

في ٢١ كانون أول ١٩١٨

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ جناب زائر آقا ميرزا الياس ميثاقيه عليه بهاء الله الابهي ﴾

مَعَالِدِ اللَّهِ

اي زائر عتبه مبارکه حمد کن خدا را که موفق شدی و بتقبیل  
آستان مقدس مؤید کردیدی و در این انجمن الهی بایاران رحمانی  
الفت یافتی \* از عنایات رب کریم رجای عظیم دارم که روز بروز  
ترقی نمائی تا مظهر الطاف بی پایان کردی \* و مورد تأیید حضرت  
رحمان شوی

جناب متصاعد الی الله حضرت والد آقا یهودا فی الحقیقه  
از مخلصین و احبای سابقین بود و در سبیل الهی مشقت بی  
پایان کشید و از هر قبیل صدمه و بلا تحمل نمود و خدمات  
موفوره باستان رب غفور کرد \* و عاقبت در کمال نورانیت  
و روحانیت و ثبوت و استقامت باستان حضرت احدیت شتافت  
حال در جهان بی پایان غریق بحر غفران و محو در فیوضات

انوار است

اما حضرت قائم مقام \* این شخص صادق مؤمن موافق  
سرور ابرار بود \* و در نهایت ثبوت و استقامت بر امر عزیز  
مختار \* در مصر و پاریس انیس و جلیس بود و همدم در شب و روز  
فی الحقیقه آثار خلوص از او نمودار و بندگرا الهی مشغول در لیل  
و نهار بود \* و حضرت خواجه ربیع با آن خلق بدیع همواره لسان  
فصیح میکشود و نطق بلیغ میفرمود \* و نفوس را با امر جدید  
دعوت میکرد و هدایت میفرمود لهذا مقامی رفیع داشت و در  
ذکر ایشان اوراق تحریر یافت \* و اما یار با وفا جناب اقا میرزا مهدی  
اخوان صفا از وفات ایشان نهایت حزن و اندوه و الم و ماتم حاصل  
کردید \* رکن عظیم بود و فانی در جمال مبارک \* نفسی جز بر ضای  
الهی بر نیامورد و آرزوی جز خدمت امرش نداشت و در  
ذکر ایشان اوراق مفصل تحریر گشت و ارسال ایران  
کردید \* لقب خاندان میثاقیه است و این منقبت

الی الابد باقیه و علیک البها الابهی

فی فبرایر سنه ۱۹۲۰

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

...

﴿ قزوین بواسطه جناب حکیمباشی ﴾

﴿ جناب میرزا الیاس کاشانی علیه بهاء الله الابهی ﴾

## مَوْلَى اللَّهِ

ای یار روحانی نامه مفصل شمارسید و بدقت تمام قرائت لردید  
 الحمد لله در نهایت محبت و انجذابی و در شور و شغف و التهاب  
 و همین سبب ترقی باعلی معارج فضائل عالم انسانیست \* شرق  
 و غرب در زحمت و تعب است \* و ایران و ایران و محروم از امن  
 و امان \* آنچه در مکاتیب سابقه از بدایت صعود تا بحال  
 مقدماست تحریر یافت جمیعا یک یک در عرصه شهود  
 واضح و مشهود گردیده و میگردد \* آن مکاتیب را ملاحظه  
 نمائید تا حقیقت حال واضح و مبرهن شود \* حال یاران الهی  
 با قلب نورانی و احساساتی روحانی و نفسی رحمانی الحمد لله در  
 نهایت سرور و شادمانی \* و از جمیع مشکلات و مداخلات  
 و معارضات در کنار \* توکل بحق قدیم نمایند و توسل بنبأ عظیم  
 جویند و ثبوت بر عهد و وثیق بنمایند و سلوک در صراط مستقیم  
 کنند \* و در امور سیاسی مداخله نمایند \* و این حال و حرکت  
 عین عنایت حضرت احدیت است \* و این روش و سلوک قاهر  
 جنود ملوک \* عنقریب ملاحظه نمائید که علم تقدیس بلند گردد  
 و پرچم وحدت و محبت عالم انسانی در قطب آفاق موجزند و صلح  
 عمومی بنیاد شود \* و پر تو حقیقت جلوه نماید \* و آنجناب هر چند  
 در گوشه و کناری افتادی ولی محرم اسراری و همدم لیل و نهار

و مستفیض از نفعات ازهار و نسیمات اسحار \* اشعار آبدار  
 در نهایت سلاست و فصاحت از قریحه \* محبت صدور یافته بود \*  
 هر وقت غبار اکدار بر خاطر شریف بنشیند فوراً بنظم  
 قصیده یا غزلی در ستایش جمال مبارک روحی لعبتته  
 المقدسه فدا پرداز \* غم نماند ألم نماند شادی  
 بخشد اندوه نماند \* و عليك البهاء الابهی

﴿ ع ع ﴾

﴿ طهران \* بواسطه جناب امین ﴾

﴿ جناب میرزا الیاس کاشانی علیه بهاء الله الابهی ﴾

## هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه \* که بجناب امین مرقوم نموده بودی  
 ملاحظه کردید \* این نامه نهایت خلوص و خیر خواهی امر الله  
 مرقوم شده بود \*

جناب امین بسیار از شماراضی و نهایت ستایش مینماید \*  
 از مصائب و بلاهای وارده محزون و منموم مشو \* در ره عشق  
 پست و بالاهاست \* جام بلا نصیب اهل وفا و اخوان صفا \*  
 هذه من سنة ربك في جميع القرون والأعصار \* تا انقطاع این  
 نفوس مبارکه و جان فشانی عاشقان جمال ذوالجلال در حیز  
 ظهور واضح و مشهود گردد \*

ملاحظه کن که نفس مقدس مبارک روحی لأحبائه الفداء  
 چه قدر بلایا و رزایا تحمل نمود \* صهباء بلا از هرجام سر شار  
 نوشید \* و هدف سهام و سنان اهل بغضا کشت \* شبی نیارمید  
 و دمی سر بیالین راحت نهاد \* کهی زیر زنجیر بود \* و کهی مبتلا  
 بدست تطاول هر یزید پلید \* کهی سر کون عراق بود و کهی منفی  
 ممالک بلغار \* و عاقبت بیست و پنج سال مسجون قلعه عکا \* پس  
 باید احبای الهی نهایت شکرانه بدرگاه خداوند یگانه نمایند که  
 تاسی بجمال مبارک نمودند و از جام بلا بهره و نصیب بردند \*  
 از اطوار بعضی نفوس دل گیر مباش \* محتسب حقیق  
 در کار است \* جمیع اینها بگذرد ووافق حقیقت از هر ابری  
 صاف و مبرا گردد \* اگر کسی قصوری نماید ظلم  
 بر نفس خویش نموده \* عاقبت نادم و پشیمان  
 گردد \* و عليك البهاء الابهي  
 ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ القاهرة بواسطة الزائر جناب الشيخ فرج الله زكي الكردي ﴾

﴿ المحرر النحرير الشهم الجليل سعادة خليل بك ثابت المحترم ﴾

هو الله

ایها الفاضل الجلیل المحترم \* انی لا ازال لا انسی ذکر

الایام التي سلفت وأنا متلذذ باللقاء متمتع بحديث من هو معدن

الوفاء \* وادعو الله ليلا ونهاراً واتمني له التأييد سرّاً وجهاراً \*  
 فهذا الذي دعاني الى تحرير هذا المرسوم \* واظهار ما هو  
 مضمّر في الضمائر والقلوب \*

ان في الزبر والالواح من بهاء الله منصوص \* ان الجرائد  
 مرايا للحقيقة الساطعة \* كاشفة لحقائق الامور تنثر الفرائد تهدي  
 الجمهور الى الحقائق \* اللهم اذا كان مبدئها ومنشئها عدلا  
 لا تأخذه في الله لومة لأم \* تنبأ بالحوادث التي لم يطلع أحد  
 عليها صدقا وعدلا فيترنح المخلصون من معانيها الرحيق المختوم \*  
 واذا أنبتت وحدثت واخبرت بالحقيقة اللامعة انها لشمس ساطعة  
 الفجر بانوار الحقيقة على الاقطار الشاسمة وكاشفة للظلام الذي يجور  
 عن جميع الامور في الرق المنشور \* الم تر ان الكائنات كلها  
 لم يتجل في حيز الشهود الا بسطوع الشمس عليها في كل  
 اصيل وبكور \* وأسأل الله أن يجعلك مروجا للحقيقة

المتجلية في الوجود بأحسن معانيها في عالم

الشهود \* وعليك التحية والثناء

١ شباط سنة ١٩٢٠

﴿ عبد البهاء عباس ﴾



﴿ بواسطه زائر میرزا الیاس میثاقیه علیه بهاء الله الابهی ﴾

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای یاران نورانی جناب میرزا الیاس زائر خواهش تحریر نامه فرمودند • و مرا مهلت و فرصت ابدانمانده که کلمه بنکارم ناچه رسد بنامه مفصل با وجود این از قوت محبت و شدت تعاقب من و تضرع ایشان این نامه تحریر میگردد تا بدانید که احبای الهی همواره پیش نظرند و حاضر محضر • فراغت از یاد مستحیل و ممتنع است • در این ایام که نفعات مشکبار مشام آفاق را عنبربار نموده • ندای اسم اعظم در جمیع اقالیم بلند شده از عین تسنیم مینوشاند و سراج علین در قلوب می افروزد • احبای خاور و باختر بایکدیگر در نهایت وحدت روحاً الفت مینمایند و قلباً مخابره میکنند • باید چنان آهنگ خوشی بلند نمود تا اسرار قلوب دوست پرده درد و جلوه نماید و یوما فیوما انوار ملکوت در شدت اشراق بتابد و ظلمات عالم طبیعت در حیرت ناسوت غرق گردد • عالم ارضی جهان آسمانی شود • و اقالیم ترابی بهشت برین گردد • زیرا عالم طبیعت چنان غلبه که اقوام عالم و حوش درنده گردیده • این سبعیت و درندگی جز بانتشار تعالیم الهی مبدل بحسب و مهربانی نگردد • و علیکم البهاء الابهی •



احبای مازکان وقصر فی الحقیقه از بدایت امر تا بحال  
 مفتون و ممتحن گردیدند \* اذیت و جفا کشیدند و جام بلا نوشیدند  
 در سبیل الهی ظلم و ستم دیدند و شتم و ملامت شنیدند با وجود  
 این در نهایت تسلیم و رضا بودند و دل بر بلا نهادند \* آهی نکشیدند  
 و ناله نمودند بلکه بشکرانه پرداختند \* اینست صفت مقربین  
 اینست روش مخاصمین علی الخصوص حضرت شهید مجید یعنی  
 فرید قربانگاه عشق و وحید میدان وفا آقا مانده علی \* آن نفس  
 زکیه آیت هدی بود و سراج روشن بین اهل الهدی \* در جمیع  
 موارد بنهایت متانت و ثبات جلوه نمود تا جان فدای جانان فرمود  
 و الآن در جهان بی پایان غریق بحر انوار است \* و سرمست  
 در عالم اسرار \* آران الحمد لله این ایام شعله نیران است \* آتش  
 عشق بر افروخته و پرده بسوخته و طالبان در دبستان عشق رسم  
 عاشقی آموخته \* و چون پروانه در شعله شمع جان باخته \* و کار  
 خویش ساخته اند \*

مدرسه وحدت بشر در کاشان مظهر الطاف جلیل اکبر  
 است این نام جام الطاف است زیرا هادم بنیان یکانکیست \*  
 امیدم چنانست که این دبستان بنیان اتحاد و اتفاق در جهان بنهد  
 و این دایره روز بروز اتساع یابد تا آنچه صریح تعالیم  
 الهی است و نص قاطع اسم اعظم که همه باریکدارید

و برك يكشا خسار تحقق يابد \* و عليكم البهاء الابهي

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ اندن امة الله اليزابت هريك عليها بهاء الله الابهي ﴾

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای دختر ملکوت \* نامه ات رسید و از مضمون معلوم  
 کردید که فکر ترا حصر در اقتباس انوار از ملکوت اسرار  
 نموده بودی \* تا فکر انسان متفرق است ابداً نتیجه بی نبخشد  
 ولی اگر در یک نقطه فکر جمع شود نتایج عظیمه بخشد \* مانند  
 آفتاب که در مرآت مسطح تأثیر تام ندارد \* ولی چون در مرآت  
 مقعر یا در مرآت محدب تجلی نماید جمیع حرارت در نقطه جمع  
 شود و آن نقطه از آتش حرقتش بیشتر است پس باید فکر را  
 در نقطه جمع کرد تا قوه نافذه گردد \*

خواسته بودی که در روز رضوان محفل بیارانی و بزم و جشنی  
 فرام آری \* و نفوسیکه در آن روز در آن محفل اجتماع نمایند  
 بنهایت سرور و حبور بتلاوت الواح پردازند و از من نامه خواستی  
 که در آن روز بخوانی ان نامه در ذیل است \*

ای یاران و اماء رحمن \* امروز روزیست که شمس حقیقت  
 از افق وجود اشراق نموده فجرش ساطع و شعاعش لامع بقوتیکه

ابرهای متراکه متلاشی شد و در نهایت اشراق از افق عالم طالع  
 و لائح کشت \* اینست که در کائنات اهتر از جدیدی مشاهده مینمائید  
 ملاحظه کنید که دائره علوم و فنون در اینعصر چه قدر  
 اتساع یافته و صنایع و بدایع عجیبه چگونه جلوه نموده \* و قوای  
 فکریه چگونه ترقی کرده و اختراعات عظیمه چگونه بظهور آمده  
 اینعصر حکم صد عصر دارد \* یعنی اگر آثار صد عصر را جمع  
 نمائی و آثار این عصر را نیز جمع نمائی آثار این يك عصر تفوق بر آثار  
 صد عصر دارد \* مثلاً جمیع کتبی که در اعصار ماضیه تألیف شده  
 جمع نمائی و کتب و رسائلی که در اینعصر تألیف شده آنرا نیز جمع  
 نمائی کتب مؤلفه در اینعصر اصناف مضاعف کتبی است که  
 در اعصار ماضیه تألیف شده است \*

ملاحظه نمائید که اشراق نیر افق چه تأثیر در حقایق موجودات  
 نموده و لکن هزار افسوس که چشمها ناینا و گوشها  
 ناشنوا و عقول و قلوب غافل از این موهبت  
 کبری پس بجان و دل بکوشید تا خفتگان  
 بیدار شوند و کوران یبنا گردند  
 و مردگان زنده شوند \* و علیکم  
 وعلیکن البهاء الابهی

۲۶ تموز ۱۹۱۹

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ لندن \* بواسطه جناب میرزا یوحنا داود ﴾

﴿ و میرزا محمد خان فرهنگ ﴾

## مَوْلَا اللّٰهُ

ای ابناء و بنات ملکوت نامه شما که با الهام آسمانی مرقوم  
 وصول یافت \* مضامین دلنشین بود \* و معانی حسیات منبسط  
 از قابوب نورانی \* احبای لندن فی الحقیقه ثابتند و راسخ و خادمند  
 و قائم در امتحانات نلغزند و برور ایام محمود نکردند بلکه بهائی  
 هستند \* آسمانی هستند نورانی هستند ربانی هستند \* و شبهه  
 نیست که سبب اعلاء کلمه الله و مروج وحدت عالم انسانی و ناشر  
 مساوات بشر و مروج تعالیم الهی خواهند گشت \* اقبال بملکوت  
 الله آسان ولی ثبات و استقامت مشکل و امتحانات صعب و کران  
 حزب انگریز در جمیع موارد ثابت و مستقیمند \* و بحدوث  
 مشاکل جزئیة نلغزند \* و هوس نیستند که ایامی چند بکاری  
 مباشرت نمایند و بانند سببی کلال و ملال آرند \* و از شوق  
 و شور یافتند بلکه ثبات و استقامت در امور نمایند \* با وجود  
 آنکه در ممالک غرب بودید \* الحمد لله ندای الهی را از شرق  
 شنیدید و مانند موسی بنار موقد در شجره آسیا گرم شدید  
 و راه راست را بیافتید و مانند سراج برافروختید و بملکوت

الله مثل یافتید حال بشکرانه این نعمت قیام نموده اید و تأیید از برای  
 تمام جهانیان میطلبید تا دیده های آنان نیز بنور ملکوت ابهی  
 منور گردد و دلها آئینه اسا از پرتو شمس حقیقت اقتباس انوار  
 نماید \* امیدم چنان است که نفثات روح القدس در قلوب شما چنان  
 دمیده گردد که زبانها بیجان اسرار پردازد و حقایق و معانی کتب  
 مقدسه را شرح و تفسیر دهد و یاران طیبیان کردند و امراض  
 مزمنه جسم آفاق را بدریاق تعالیم الهی شفا بخشند کوران را  
 بینا کنند و کران را شنوا نمایند مردگان را زنده  
 کنند و خفتگان را بیدار نمایند \* مطمئن باشید که  
 تأییدات روح القدس میرسد \* و جنود

ملکوت ابهی نصرت مینماید

وعلیکم البهاء الابهی

۱ جون ۱۹۱۰ - ۱۳۲۹ هـ

﴿ ع ع ﴾

﴿ لندن امة الله مس روز نبرك ﴾

هو الله

ای کنیز عزیز الهی نامه تی که بواسطه مسس استنارد  
 تقدیم نموده بودی رسید \* و همچنین ذکر نطقهای شمارا نمود \* ان  
 نطق بسیار مفید بود \* امیدوارم که من بعد نطقهای بلیغ نمائی

و تعالیم بهائی را شرح و تفصیل دهی و تفهیم مستمعان کنی بمس  
 کریدل تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار و بگو که عبد البهاء در حق  
 طفل تو بملکوت ابهی دعا نمود که تأیید یابد \* اگر این طفل  
 چنانکه باید و شاید تربیت بهائی گردد در مستقبل بسیار ترقی  
 خواهد کرد \* و اما مستر فلیس در سفر اخیر که بعکاه آمد بیاناتی  
 مفصل باو شد و مرقوم داشت \* باید انرا طبع و نشر کند \* و اما  
 ترجمه کتاب او حسین روحی معلم مکتب است کار بسیار دارد  
 فرصت ترجمه ندارد انشاء الله هر وقت مترجمی پیدا شود میدهم  
 ترجمه کند و تصحیح نموده انرا میفرستیم که طبع و نشر نماید \* و اما  
 جمله ئیکه نوشته است که روح ترقی میکند بمعاونت جسد مراد  
 اینست که چون جسد بخدمت عالم انسانی پردازد یعنی مثلاً  
 پرستاری مریضان کند و تقویت ضعیفان نماید و در سبیل الهی  
 شهید شود و فدا گردد این سبب ترقی روح است \* و همچنین چشم  
 جسمانی چون مشاهده روی احبا کند و گوش جسمانی چون  
 وصایا و نصایح جمال مبارک استماع نماید و ندای اسمانی بشنود این  
 سبب ترقی روح است و وسیله اصلیه ترقی روح ایمان و ایقان  
 و عرفان است گفتار و رفتار بموجب تعالیم بهاء الله \* و اما بعد از  
 صعود ازین جسد وسیله ترقی ارواح دعای یاران و تضرع  
 دوستان است \* و همچنین فضل و موهبت حضرت رحمن \*

در خصوص روح جمال مبارك الواح متعدده نازل فرمودند  
 و همچنین مکاتیب بسیار از عبدالبهاء ولی کویا جناب برون ندیده اند  
 شما آن الواح و مکاتیب را بوسیلهٔ میرزا یوحنا داود از طهران  
 بخواهید ارسال مینمایند \* در محافل ترجمهٔ لوح طرازات و لوح  
 تجلیات و لوح کلمات و لوح بشارات و لوح اشراقات بخوانید و شرح  
 و تفصیل دهید و همچنین بیانات مبارك که دلالت بر وحدت عالم  
 انسانی و مساوات عمومی دارد در نهایت خضوع و خشوع  
 و احساسات وجدانی تلاوت نمائید \* بمسرت که توریس بگوئید که  
 شجرهٔ سوسیالیستیک را آنچه فی از اوراق این شجرهٔ مبارکه  
 دارد ولی این شجرهٔ مبارکه هر ثمر وفا کبھی فی در آن موجود \*  
 انسان چون در سایهٔ این شجر آید آثار جمیع اشجار تناول نماید \*  
 مسرت کریدلرا از قبل من تحیت مشتاقانه برسان و بمسرت هو کس  
 مهربانی من ابلاغ دارم هولان را تحیت محترمانه برسان و بگو  
 در عالم وجود آفتاب انور تجلی ملکوت است \* امیدوارم که  
 مانند ائینه کردی و از این فیض الهی بهره و نصیب موفور گیری  
 ای کنیز عزیز الهی مس روز نبرک تو یقین بدان که در جمیع محافل  
 با تو هستم و از خدا خواهم که نفثات روح القدس ترا تأیید نماید بمسرت  
 و مسرت جز تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارم \* در حق پسر آنان بهرام دعا  
 نمایم \* و اما آمدن من بانصفحات باید یکقوهٔ جاذبه فی در آن صفحات  
 حاصل گردد که عبدالبهاء را جذب بان ممالک نماید \* انشاء الله حاصل

خواهد شد \* بمستر یوحنا داود نهایت مهربانی من

ابلاغ نما \* همیشه طلب تأیید و توفیق از برای

اومینمایم وعلیک البهاء الابهی

۹ ژانویه ۱۹۰۹

﴿ ع ع ﴾

﴿ لندن بواسطه جناب اقا میرزا یوحنا داود علیه بهاء الابهی ﴾

﴿ استکارت ﴾

﴿ احبای الهی و امام رحمان علیهم وعلین البهاء الابهی ﴾

مَوْلَا اللَّهِ

نامه شما رسید و بملکوت ابهی تضرع و ابتهاج کردید که آن

جمعیت مبارکه در المان روز بروز ترقی و توسعه یابد و سبب شوید

که المان زنده شود و فیض از عالم ملکوت بیابد تا در استقبال

سبب راحت و آسایش عموم جرمانیا گردد \* زیرا حوادث

مستقبله اروپا قدری شدید است بلکه یاران سبب شوند

تخفیف یابد و روح و ریحان حاصل گردد \* مناجاتی طلب مغفرت

بجهت آن نفس مبارک مستر - ج همگزم رقوم گردیده ارسال

میشود \* در محافل خود آن مناجات را تلاوت نمائید

وعلیکم البهاء الابهی ۲۱ فوریه ۱۹۱۲

﴿ ع ع ﴾



﴿ اندن ﴾

﴿ بواسطه یوحنا داود واسکندر خان مسیس اکنس کوک ﴾

## مَوْلَا لِلَّهِ

ای منادی بملکوت \* چنین معلوم است که در جنوب افریقای  
ایامی بسر میبری و بخدمت عالم انسانی مشغولی و بنیت خیریه  
میکوشی انسان باید که راحت خویش نخواهد و آرام نکیرد  
تا آنکه موفق بکار خیری گردد و در این جهان فانی يك اثر باقی  
بگذارد تا در ملکوت الهی حیات ابدیه یابد و در جهان با لامقام  
اعلی جوید \* حال شما باید بعزمی قوی و نیتی جاذب بهدایت خاق  
بردازید و نفوس را بشارت بملکوت الله دهید \* و بروح محبت  
الله تعمید نمائید و بماء حیات غوطه دهید \* و بنار هدایت الله  
از اوساخ دنیای فانی طهارت و نظافت دهید \* اگر چنانچه باید  
و شاید قیام نمائید و بشارت دهید روح القدس تأیید نماید  
و ملائکه مالکوت الله نصرت بخشند من در حق  
تو دعا نمایم \* و از خدا تأیید و توفیق طلبم

وعلیک البهاء الابهی

۱۲ جولای ۱۹۱۱

﴿ ع ع ﴾

﴿ بواسطه آقا شیخ فرج الله ﴾

﴿ لندره جناب میرزا یوحنا داود عالیہ بہاء الله الابہی ﴾

## مَعَالِيقُ

ای ثابت بر پیمان دو روز پیش نامہ فی بشما نکاشته کشت  
 و حال نیز بواسطه شیخ فرج الله عالیہ التحیة و الثناء مختصر نامہ فی  
 مرقوم میگردد \* از قضیہ خسارت شرکت شما حزن و کدورت  
 حاصل شد ولی محزون مباشی لعل الله یحدث بعد ذلك امرًا و اما  
 شما بعد از تاسیس امور و تجدید اسباب معیشت مأذون حضور ید  
 و اما مخبرہ بایاران استتکارت بسیار مقبول و از خدا خواهم و تضرع  
 وزاری نمایم کہ جناب جنرال موزر شفای عاجل یابند \* و اگر شما  
 بزیراتشان روی بسیار مقبول \* و در مراجعت از راه سویس  
 اگر ملاقات احبای الهی نمائی بسیار موافق \* جناب یاقوت بارض  
 مقدس وارد و چند روزی با ایشان ملاقات نمودیم \* بعد بیت  
 للقدس رفتند \*

باری جناب یوحنا حکمت شرطت و احتیاط لازم \* پرده  
 دری نمائید بحکمت صحبت کنید و با هر کس صحبت مدارید  
 بنفوس مستعدہ مکالمہ کنید و از عقائد صحبت ندارید \* از تعالیم  
 جمال مبارک روحی لاحبائہ الفداء بیان کنید و از وصایا و نصایح

اودم ز نید این اولی است زیرا اعدای داخل و خارج در کمینند  
تا فساد و فتنه برپا نمایند \*

جانشینان یار بعام معهود در نهایت فتنه و فسادند

اعاذنا الله و ایتا کم من شرهم المستطیل

وعلیک البهء الابهی

۲۲ اکتوبر ۱۹۲۱

عبد البهء عباس \*

لندن جناب میرزا یوحنا داود عالیہ بہاء اللہ الابهی \*

## هو الله

ای یار عزیز تمامه<sup>۱</sup> شمار رسید و از خبر وحدت و همت یاران  
بریطانیای کبیر نهایت سرور حاصل کردید \* احبای الهی را در جمیع  
دیار غرب روش و سلوک چنین باید که در اتحاد و اتفاق کوشند  
و در بین بشر الفت و محبت اندا زند و بدخول در ملکوت دعوت  
نمایند زیرا صلح عمومی و تعاون و تعاضد بین نوع انسانی و وحدت  
و یگانگی بشری و مساوات و عدالت روحانی بدون دخول  
در ملکوت محال و ممتنع است \* حضرت بہاء اللہ این بابرا بروی  
بشر باز نمود لهذا هر نفسی از یاران بندها بملکوت اللہ پردازد  
ابواب فتوح را مفتوح بیند \* الحمد لله محفل لندن کرم است  
و یاران الهی و اماء رحمن در نهایت همت \* من نیز عجز و زاری

و بیقراری بملکوت ابهی نمودم و احبای انسدن را تأییدات  
 و توفیقات صمدانیه جسم \* تا بقوتی ملکوتی و تأییدی آسمانی  
 و انجذابی روحانی و الهامی ربانی بهدایت خلق پردازند و امیدوارم  
 که شما بامستر کثرت موفق بر تحریر مقالات در تبلیغ امت  
 کلیم خواهید شد \* حضرت لورد کرزن در وقتی والی هندوستان  
 بودند در این امر مقاله‌ی مرقوم فرموده اند \* شما اگر ممکن  
 ترجمه‌ی الواح تجلیات و لوح کلمات و لوح اشراقات و لوح بشارات  
 و لوح طرازات و بعضی از نامه‌های مفصل عبید البهاء که  
 در وحدت عالم انسانی و اتحاد و ارتباط شرق و غرب مرقوم  
 گردیده است بانگلیسی ترجمه نمائید با اصل نزد ایشان بفرستید  
 مناسب است یا اینکه بعضی از نطقهائی که او در اتحاد شرق و غرب  
 نموده بفارسی ترجمه نمائید و نزد من بفرستید تا من باین واسطه  
 و بهانه چیزی باو مرقوم نمایم از برای کتبخانه انکاستان بواسطه  
 جناب دریفوس بعضی از الواح الهی ارسال شد ایشان تقدیم  
 نموده اند \* از جناب مستر دریفوس استفسار نمائید

و کیفیت را مرقوم دارید \* جواب مکتوب

احبای انگلیس مرقوم گردیده

در جوف است ترجمه نموده برسانید

۱ جون ۱۹۱۰ - ۱۳۲۹ هـ

﴿ (لاهای) جناب احمد خان یزدانی علیه بهاء الله ﴾

هو الابهی \* ای بنده آستان بهاء الله نامه مؤرخ به ۱۴ جون ۱۹۲۰  
 رسید و نامه بعضی از اعضای مجلس صلح نیز رسید و جوابی  
 مرقوم گردید بایشان تسلیم نمائید \* معلوم است که این جمعیت  
 چنانچه شهرت دارد نیست انطور که باید و شاید ترتیب و تنظیم  
 ندارد \* باری هر قسم میخواهد باشد ولی امری را که تشبث نموده اند  
 بسیار عظیم است \* باید بدرجه مجلس لاهای قوت و نفوذ داشته  
 باشد که کلمه اش بر دول و ملل نافذ باشد باعضای محترم در مقام  
 صحبت اشاره کنید که مجلس لاهای پیش از حرب رئیسش  
 امپراطور روس بود و اعضایش اعظم رجال با وجود این مانع  
 از این حرب مهیب نکشت \* حال چگونه خواهد شد زیرا  
 در مستقبل حربی شدید تر یقیناً واقع گردد قطعاً در این شبهه  
 نیست مجلس لاهای چه چاره خواهد کرد ولی اساس حضرت  
 بهاء الله روز بروز در انتشار است \* باری شما جواب نامه را  
 برسانید و بسیار اظهار محبت و مهربانی کنید \* و آنان را بحال  
 خویش بگذارید در هر صورت باید از شماها راضی باشند و آن  
 نامه مفصل مرا که ترجمه بانگلیسی شده طبع نمائید و نشر دهید  
 ولی باطلاع آنان \* اما با انجمن اسپرانتویا میزید و هر یک را مستعد  
 دیدید نفخه حیات در او بدمید \* باری در انجمنها جمیع از تعالیم  
 جمال مبارک بحث کنید زیرا الیوم در صفحات غرب این تاثیر

دارد \* و اگر سئوال نمایند که در حق حضرت بهاء الله چه اعتقاد  
 دارید بگوئید آنحضرت را اول معلم عالم و اول مربی عالم در این  
 عهد میدانیم و این را شرح و تفسیر دهید که این تعالیم صلح  
 عمومی و تعالیم دیگر از قلم حضرت بهاء الله پنجاه سال پیش صادر  
 و در ایران و هندوستان طبع شده و در همه عالم انتشار یافت  
 در بدایت هر کس از کلمه صلح عمومی استیحا ش داشت چه که بکلی  
 مستحیل میدانستند \* دیگر از عظمت جمال مبارک بحث کنید  
 و از وقایعی که در ایران و ترکستان واقع شد و از آثار عجیبی که از او  
 ظاهر شد و از خطابهائی که بجمع ملوک فرمودند و تحقق یافت  
 و از نفوذ امر مبارک صحبت بدارید و با مجلس صلح عمومی لاهای  
 مدارا و بقدر امکان آمیزش نمائید همچو معلوم میشود که جمعیت  
 اسپرانتو استعداد دارند و شما در لسان اسپرانتو اطلاع و مهارت  
 دارید با اسپرانتیست های المان و غیره نیز مخاره کنید اوراقی که  
 انتشار میدهد صرف عبارت از تعالیم باشد اما اوراق دیگر  
 انتشارش حال مناسب نیست \* باری امیدم چنان است که تأییدات  
 الهیه متتابعاً برسد \* و عليك البهاء الابهی ﴿ عبد البهاء عباس ﴾  
 از سستی و سردی مجلس لاهای محزون مکر دید توکل بر خدا نمائید  
 امید است که در نفوس لسان اسپرنتومن بعد تأثیر شدید نماید \*  
 تخمی حال شما افشاندید البته انبات خواهد شد  
 انباتش با خدا است ﴿ عبد البهاء عباس ﴾

# مَعَالِدِ اللَّهِ

ای دوست ملکوتی \* از آن دم که فراق حاصل و توجه باور و پوا امریکا نمودی هر دم یاد تو نمایم و بدرگاه الهی تضرع و زاری نمایم و تورا تأیید و توفیق جویم و امیدم چنین است که بهر دیار که مرور نمائی ندای ملکوت بلند کنی \* و علم آسمانی بر افرازی و جلوه رحمانی نمائی و بتأیید روح القدس زبان بکشائی و نفوس تشنه را بماء حیات ابدی بخوانی و بنار و روح تعمید دهی چنان صوت صافوری زنی که مردگان زنده شوند و کوران بینا گردند و کران شنوا شوند و خواموشان زبانی گویا یابند \* ای رفیق مهربان ملکوت الهی در نهایت قوت ولی لشکر حیات جسور باید تا تأییدات متتابعاً ببخشد \* امیدوارم که مانند ابر بهاری بهر حدود و ثغور که مرور نمائی فیض برسانی و سبز و خرم فرمائی و یا مانند نسیم جال پرور نفوس علیه را حیات تازه ببخشی و برائحه محبت الله مشامها معطر نمائی \* علم وحدت عالم انسانی بر افرازی و ریشه تعصب مذهبی و وطنی و جنسی و سیاسی بر اندازی و سبب الفت و یگانگی بین احزاب مختلفه کردی \*

الحمد لله ابواب ملکوت باز است و در شرق و غرب نفوس بکمال اشتیاق و دخول متتابع و میدان واسع است \* و وقت

جولان است و هنگام ظهور قدرت و قوت دل و جان \* طوائف  
 عالم و احزاب و امم مانند حشرات و خراطین در طبقات سفلیه  
 عمق ارض سعی و کوشش مینمایند و بقوه هندیسه طرحهای عجیب  
 غریب میریزند و از برای خود لانه و آشیانه میطلبند \* توکاری کن  
 که این گرمهای مهین طیور علین کردند \* بال و پر بیابند و در  
 این فضای نامتناهی برپند \* ای رفیق انوار حقیقت منتشر است  
 همتی نمائید تا چشمها بینا گردد و مشاهده انوار و آثار نماید \*  
 حیف است که نفوس از فیض موفور ملکوت در این عصر  
 مبارک و قرن نورانی محروم مانند \* پس تو خود را فدای نفوس  
 انسانی تا تا سبب شوی جمعی از فقرا بکنج آسمانی پی برند  
 و مریضان بطیب ربانی راه یابند و ناتوانان قوت ملکوتی جویند  
 و یتیمان پدر آسمانی بشناسند \* افسردگان تروتازه شوند و نومیدان  
 بموهبت حضرت رحمن امید وار کردند \* تشنگان بسر چشمه  
 حیات پی برند و خائشان پناه امن و امان التجا کنند \* ای رفیق لذائذ  
 و نعماء ناسوتی محدود و فانیست و چون بحقیقت نکری و تعمق  
 نمائی لذائذ این جهان دفع آلام است یعنی تشنگی صدمه و بلاست  
 آب تسکین آن حرارت نماید نه اینست آب فی حد ذاته لذتی  
 دارد \* و همچنین کرسنگی صدمه زند غذا دفع آن محنت نماید  
 نه اینست غذا فی حد ذاته لذتی دارد \* و همچنین خستگی  
 مشقت است خواب دفع آن مشقت نماید نه اینست که خواب



فی حد ذاته لذتی دارد \* جمیع لذائد عالم فانی از این قبیل است  
آنچه لذت حقیقی دارد آن فیوضات ملکوت است  
وفضائل و کمالات انسانیست \* علم و دانش است  
صفات رحمانیت و حیات ابدی است

وعلیک البهاء الابهی

(در سنه ۱۹۰۹)

﴿ ع ع ﴾

﴿ جناب داود ولد آقا بالا علیه بهاء الله الابهی ﴾

مَوْلَى اللَّهِ

ای داود \* حضرت داود در بدایت در انظار جلوه نداشت  
و فر و شکوهی از او مشهود نبود \* حقیر شمرده میشد \* چون  
انوار موهبت تافت سرور را ستان شد و سردار لشکر موقنان  
گردید \* خطه فلسطین را در زیر نکین آورد و امیر اسرائیل شد  
پس واضح و معلوم گردید که موهبت حضرت احدیت چه تا جی  
بر سر مخاصمان در دین الله میگذرد \* حال تو از خدا بخواه که تاج  
عبودیت و اکیلیت ثبات و استقامت بر سرت نهد \*  
اینست سلطنت ابدی (در سنه ۱۸۹۵)

﴿ ع ع ﴾

﴿ لندن بواسطه جناب میرزا یوحنا داود ﴾

﴿ احبای الهی و امام الرحمن علیهم وعلیهم بهاء الله الابهی ﴾

## هو الله

ای بهائیان نورانیان تهننت روز نوروز فیروز سبب سرور و شادمانی شب و روز گردید نهایت روح و ریحان حاصل گشت که الحمد لله درانشهر که اکثر اوقات از ابرومه و دود تاریک است چنین شمعهای روشن بر افروخته است که انوار ساطعش هدایت الله است و حرارت نافذه اش نار موقده محبت الله \* این محفل انس که جشن عظیم است بمنزله ما در است \* من بعد بز مهی آسمانی تولد خواهد نمود چنانکه جمیع چشمها حیران ماند که شمس حقیقت شرق چه پر توروشی بر غرب زد \* غریبان را شرقی نمود و افق باختر را از کوکب خاور منور نمود \* پس بشکرانه این فضل و عطا و موهبت کبری در نهایت شادمانی کامرانی کنید و بتسبیح و تقدیس رب الجنود پردازید و گوش باهنگ ملاء اعلی دعید و بنغمات ملکوت ابی فریاد یا بهاء الابهی بر آرید تا عبد البهاء و جمیع احبای شرق بستایش رب و دود پردازند و نمره بر آرند \* پاک و مقدس است خداوندی که غرب را بانوار هدی شرق

فرموده وعلیکم وعلیکن البهاء الابهی

( در سنه ۱۹۱۴ ) ﴿ ع ع ﴾

﴿ اطریش جناب اقا میرزا یوحنا داود علیه بهاء الله الاهی ﴾

## هو الله

ای یار عزیز \* نامه شما رسید و از مضمون نهایت سرور حاصل کردید فرصت جواب مفصل نیست حضرت مسیوموزر را از قبل من نهایت احترام و محبت و مهربانی ابلاغ دارم \* فی الحقیقه این شخص محترم سزاوار رعایت و حرمت فوق العاده است و مقصودش خدمت بعالم انسانی و نشر نفعات الهی و تعالیم حضرت بهاء الله است \* اما حضرت وزیر خارجیۀ اطریش امیدوارم که بواسطه قرائت الواح و اطلاع بتعالیم بهاء الله جام هدایت کبری را بنوشد \* فی الحقیقه خوب پی بحقیقت برده اند تعالیم قدیمه امروز کفایت نماید \* هر در دیرا درمان نکردد \* هر زخمیرا مرهم نشود آن تعالیم قدیمه سماویه بسیار محبوب و مقبول است ولی عقول و افکار ترقی نموده احتیاج بتعالیم کلیه است و آن تعالیم بهاء الله است که جامع جمیع تعالیم است \* امروز هر نفسی اطلاع بر وصایا و نصایح بهاء الله یابد و الواح کلمات و تجلیات و اشراقات و طرازات و بشارات را بخواند ابداً از برای او شبهه نماند که این تعالیم رزق امروز عالم انسانی است و سبب حیات ابدی است \* و اما با شما انشاء الله در پاریس ملاقات مفصل حاصل خواهد شد \* و بکنیز عزیز الهی مسس هوایت که در اطریش است نهایت مهربانی از قبل من ابلاغ دار امیدم چنانست که در پاریس ملاقات نمائیم \* نهایت

اشتیاق واحترامات فائقه مرا بحضرت وزیر امور خارجه

اطریش ابلاغ دارید وعلیک البهاء الابهی

در سنه ۱۹۱۱ \* ع ع \*

\* ( لندن ) جناب یوحنا بن داود علیه بهاء الله الابهی \*

## مَوْلَا دَلِیْلُ

ای ثابت بر پیمان نامهٔ مرسل بتاریخ نهم فرایر سنه ۱۹۱۲

بواسطه جناب شیخ فرج الله رسید مفهوم مورث سرور بود و دلیل

بر فوران قلوب یاران \* شما در آنسامان فی الحقیقه مافوق طاقت

بخدمت قیام دارید \* ومکافات از رب الاریاب محقق ومقرر

تا توانی بجان و دل بکوش که دوستان باختر را ارتباط تام بیاران

خاوردهی ومخابره در میان مستمر گردد \* فی الحقیقه جناب حاجی

میرزا یاقوت در بغداد بخدمت مشغولست \* من از او مسرورم

ودر حق او تأیید موفور از رب غفور طلبم \* اما اذن حضور حاجی

محمود مشکل است زیرا من عنقریب بصفحات امریک سفر نمایم

انشاء الله بعد از رجوع اذن حضور داده میشود \* جناب ابراهیم

خواجه یوسف موشی مریم خان امروز وارد اسکندریه

شدند وملاقات کردید وعلیک البهاء الابهی

( در سنه ۱۹۱۲ ) \* ع ع \*

﴿ لندن ﴾

﴿ جناب میرزا یوحنا بن داود علیه بهاء الله الاهی ﴾

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه مشکین آن یار نازنین وصول یافت  
مضامین مانند شهد وانکبین بود \* زیرا دلالت بر خلوص  
در امر الله و ثبوت در میثاق الله و انجذاب بنفحات الله مینمود صر قوم  
نموده بودی که به لورد کروزن معرفی شده اید و میخواهید  
رساله مدنیه را با سواد الواح سائره نزد او بفرستید \* الواح طرازات  
و کلمات و بشارات و تجلیات و اشراقات را با مکتوبیکه این عبد  
بشرق و غرب نوشته و مضمون منافع و فوائد و وحدت عالم انسانی  
و اتحاد و اتفاق جمیع طوائف و ملل و در امریکا ترجمه و طبع شده  
اگر سواد ای از آن نامه در دست داشته باشید از برای او بفرستید  
و اما قضیه شاهزاده والا در نهایت مهربانی با او بحکمت معامله  
ورفتار نمائید \* زیرا قدری مداخله در امور سیاسییه دارد و ما  
بکلی از این امور در کنار \* نصیحت نمائید و دلالت فرمائید  
تا از تقیدات عالم فانی و دلبستگی بخاکدان ترابی قدری فراغت یابد  
بلکه دل و جان قدری راحت و آسایش جوید \* و مشغول بحق  
شوند و بعالم آزادی الهی پی برند \* سریر سلطنت ابدی در جهان  
الهی جویند \* و از سلطنت این عالم بکلی منقطع گردند \* ترتیل

آیات کنند و بتضرع و مناجات پردازند \* بامه الله المنجد به مسس  
 کرو پروامه الله المقربه مسیس هوایت وبامه الله الموقنه مس بو کتن  
 وبامه الله المؤمنه مس شپل تحیت ابدع ابھی ابلاغ نما  
 وعلیک البهاء الابهی (درسنه ۱۹۰۹) ﴿ع ع﴾  
 ﴿لندن﴾ جناب یوحنا بن داود علیه بهاء الله الابهی ﴿

### هو الله

ای دوست عزیز نامهٔ نهم سبتمبر سنه حالیه وصول یافت  
 مرقوم فرموده بودید که الحمد لله نفحات قدس در انتشار است  
 واحبا و اماء رحمن مشغول بپشارت کبری و مانند جام سرشار  
 اینست موهبت پرور دکار \* مخبره با کابر اجله یاران با وفا سبب  
 سرور بی منتهی است \* بجناب مسیو موزر و خانم محترمه شان نهایت  
 احترام ابلاغ دار \* اگر چنانچه کتابخانهٔ مشرقی تاسیس نمودند  
 البته کتب و صحف و رسائل و الواح حضرت بهاء الله و حضرت  
 نقطه اولی زینت آن کتبخانه خواهد بود \* قدری هم از کلمات  
 فصیحهٔ بایغه مانند آب زلال و شهد و شراب آسا یعنی شفای  
 قلوب اولو الالباب صحف و زبر میرزا یحیی باشد آن نیز سبب  
 عبرتست \* و اگر چنانچه شما سفری بایران نمائید و محفل یاران  
 بیارائید البته شادمان و کامران گردید \* امه الله المقربه نور محل را  
 تحیت ابدع ابھی برسان وعلیک البهاء الابهی جناب آقا سید اسد الله  
 بجهت تبلیغ بفقار رفته اند (درسنه ۱۹۱۳) ﴿عبد البهاء عباس﴾

﴿ بواسطه یوحنا داود ﴾

﴿ احبای سویس ولمان ﴾

## مَوْلَا دَلِيَّا

ای اهل ملکوت \* چقدر از نفوس که مدت حیات عبادت نمودند و ریاضت کشیدند و آرزوی دخول در ملکوت نمودند ولی موفق نشدند \* اما شما بدون زحمت و ریاضت فائز شدید و داخل در ملکوت گردیدید چنانکه در زمان حضرت مسیح فریسیان و عابدان محروم شدند ولی پطرس و یوحنا و اندراوس فائز گردیدند و حال آنکه نه اهل عبادت بودند نه اهل ریاضت \* پس شکر کنید خدا را که این تاج عزت ابدیه بر سر شما نهاد و این الطاف بی پایان مبدول فرمود وقت آنست که بشکرانه این الطاف روز بروز توجه بیشتر نمائید و تقرب بیشتر بیابید و چنان منجذب و مشتعل شوید که اهنک تقدیس و ثنای حضرت مقصود را

بِأَعْلَى رَسَانِيْدٍ وَهَرِيْكٍ مَانَنْدٍ بَلْبَلٍ دَرِ اَيْنِ

كَلَشَنِ الْهِي بِمَحَامِدٍ وَنَعُوْتِ رَبِّ الْجَنُوْدِ

پردازید و سبب تربیت وجود گردید

وَعَلَيْكُمْ الْبَهَاءُ الْاِبْهِي

در سنه ۱۹۱۱

﴿ ع ع ﴾

﴿ لندن ﴾

﴿ جناب میرزا یوحنا بن داود علیہ بہاء اللہ الابیہ ﴾

## مَعْرِفَةُ

ای غریب دیار الہی \* نامہ ات رسید و کتاب فارسی  
بحروف عبرانی ملاحظہ کر دید \* فی الحقیقہ چنانست کہ مرقوم  
نمودہ بودی \* معامانی کہ بایران آمدہ اند سبب ترقی و مدنیت  
اسرائیلیان نکر دیدند بلکہ جوانانرا از حلیہ ایمان عاری و برای  
و افکار والتر و دروین مائل نمودہ اند و حال انکہ تربیت انسان  
پرورش ابر نیسان آسمانیست \* اگر از عرفان و ایقان محروم گردد  
حیوان و حشیست بلکہ از خراطین زیر زمین محسوب \* معلم  
باید سبب ترقی باشد نہ تدنی \* عات صعود کرد نہ سبب ہیوط  
نورانیت بخشد نہ ظلمانیت دہد \* بناء علیہ شما باید بجان و دل  
بکوشید کہ اسرائیلیانرا رحمانیان کنید و مسالہ حضرت خلیل را  
بعلم و عرفان جلیل نمائید و بتالیف پردازید \* اگر نورانیت دیانت  
نبود اینجہان ظلمتکدہ بود و اگر روح حیات ہدایت نبود بشر  
اسیر قبر بود \* باری امروز روزی نیست کہ اسرائیلیان بشبہات  
والتر پردازند و یا بشکوک و ریب دروین مشغول گردند بلکہ



در این عصر نورانی و قرن رحمانی باید بتحصیل حقایق و معانی  
 پردازند و با سرار الهی پی برند \* آهنگ تقدیس و تسبیح بلند کنند  
 و حضرت احدیت را پرستند و وحدت عالم انسانی اعلان نمایند  
 و عمومیت بشریت ترویج کنند \* شمعی روشن کنند که نورش  
 ابدیست و شجره فی غرس نمایند که ثمره اش سرمدی و با عود  
 ورود و نغمه داود بتسبیح و تقدیس حضرت رب و دود پردازند  
 و مناجات کنند که ای رب الجنود حزب یهود را برهان مشهود  
 بنما و بر کوع و سجود آر تا از مقام محمود اقتباس نور شهود نمایند  
 توئی مقتدر و توانا و توئی هدایت کننده هر نادان کراه \* مسیس  
 استنارد در مدت قلبه تاقی و صایا و نصایح الهی نمود و نطقی بلیغ  
 یافت \* و لسان بیدان برهان کشود انشاء الله چنانکه مر قوم نموده ئی  
 در آن شهر یاران در تزیاند و باوج عزت ابدیه متصاعد \* جناب  
 اخوی حاجی یاقوت در عراق بنشر نفعات رب الميثاق مشغول  
 طبابت فقر انماید و در نهایت مهربانی صریضان ضعفارا

نوازش فرماید \* جناب دکتورا دوارد برون را

از قبل من بنهایت اشتیاق پیام روحانی

برسان و عليك البهاء الابهی

در سنه ۱۹۰۸

ع ع \*

﴿لندن جناب میرزا یوحنا بن داود علیه بهاء الله الاهی﴾

## هو الله

ای دوست عزیز\* خود را غریب نامیدی و این بسیار عجیب  
 ینوا گفتی و این بسیار بعید\* جانی که بجانان رسید چگونه  
 غریب است عاشقی که بدابریکتا پیوست چگونه ینواست\* آن  
 سرگشته و سودائی اگر بتن دور است بجان نزدیکست و در  
 عبودیت آستان سهم و شریک ولو در اقصی بلاد امریک من  
 ترا همدم و همراز دانم و هم آهنگ و هم آواز\* از انتشار نفثات روح  
 القدس در انصفحات مرقوم نموده بودید اشراق شمس حقیقت  
 چنان شدید است که عنقریب در هفت اقلیم آهنگ سبوح  
 قدوس رب الملائکة والروح بلند گردد\* و خیمه وحدت عالم  
 انسانی در قطب جهان بلند شود\* پاریس و انگلیس دست در  
 آغوش قفقاز و تفلیس نمایند و افریک و امریک در جوش و خروش  
 سهم و شریک گردند و ترک و تاجیک همدم و همراز شوند\* و انشاء  
 الله غرش توپ و صدای تفنگ از جهان فرنگ برافتد\* شرق  
 و غرب بایکدیگر عشق بازد و بانس و الفت پردازد\* این مرزده  
 گوش زد آفاق گردد\* و این اشراق خاور و باختر را روشن و منور  
 نماید\* مرقوم نموده بودی جمعی در انصفحات بتلاوت آیات

مألف و بتعلیمات الهیه مأنوس و مسرور و مشغوف و برخی بتحصیل  
 لسان فارسی مشغول و مشغوف \* ای دوست عزیز در مجامع  
 ملکوت ترتیل آیات لاهوت میگردد و در محافل عالم بالا تسبیح  
 و تقدیس رب الجبروت میشود \* البته آن آهنگ اقالیم فرنگ را  
 بحرآت آرد و قلوب قطعات خمسه عالم را بیکدیگر الفت  
 داده بنیان جنک براندازد \* اذن حضور خواسته بودی که در ایام  
 نوروز با جناب خواجه ابراهیم باینصفت شتابی مأذونید \* الحمد لله  
 برخی اسرائیل در این یوم جلیل بوصایای حضرت خلیل عمل  
 نمودند و امید چنین است که جمیع از این سلسبیل  
 نوشتند و بوعدهای رب جمیل سر فراز کردند  
 جمیع یارانرا از رجال و نساء تحیت ابدع  
 ابھی ابلاغ دار و علیک البهاء الابهی

در سنه ۱۹۱۰

﴿ ع ع ﴾

﴿ لندن جناب میرزا یوحنا بن داود علیه بهاء الله الابهی ﴾

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه ۱۵ ژانویه ۱۹۱۰ رسید الحمد لله که  
 بدرقه عنایت و فضل و موهبت شامل گردید و در لندن متوقف  
 شدید یقین است که بخدمات فائمه موفق خواهید گردید \* این

عین خیر بود که پدید گردید \* ای یار عبد البهاء امیدوارم که چنانکه  
 باید و شاید رخ بر افروزی و حجابات اوهام خلق بسوزی بشارت  
 الهی دهی و ملکوت ربانی رهنمائی نمائی \* فی الحقیقه بخدمت  
 پرداختی و در میدان جانفشانی تاختی \* اگر یاران لندن مجتمع شوند  
 و همی بنمایند و غیرتی ابراز دارند توجه بملکوت ابهی کنند  
 و استمداد از فیوضات نامتناهی نمایند ای الهی در انخطه و دیار  
 بلند گردد و نورانیت وحدت انسانی روشن شود و نفوس مهمه  
 و قوف بر تعالیم الهی یابند و قلوب مقدسه منجذب نفثات روح  
 القدس گردد \* از مکاتبات بین شرق و غرب مرقوم نموده بودید  
 این بسیار مفید است و سبب وله و شوق طرفین \* بجناب مستر  
 ارثر تحیت مشتاقانه عبد البهاء برسان \* در حق او دعا نمایم که موفق  
 بامور عظیمه گردند و سبب انتشار انوار ملکوت شوند خدمتشان  
 در ملکوت ابهی مقبول و تمنیاتشان بحصول مقرون گردد  
 اما عناد و انکار اهل استکبار ضرری بامر پروردگار ندارد بلکه  
 سبب اشتهار است و علت انتشار عاقبت منکرین نیز از مقبلین  
 گردند و مستکبرین نیز بغایت خضوع و خشوع برخیزند همانست  
 که مرقوم نموده بی نفوذ کلمه الله کوه البرز را مانند پرگاه نماید  
 عنقریب ملاحظه خواهی نمود که رایت کلمه الله در اوج اعلی موج  
 میزند \* جمیع یاران و اماء رحمان را تحیت ابدع ابهی ابلاغ نما

﴿ لندن \* لورد ویردال ﴾

هو الله

دوست ملکوبی محترم من \* نامه شما رسید و از مضمون  
 نهایت سرور حاصل گردید زیرا دلیل بر الفت قلبیه و احساسات  
 روحانیه آنجناب بود \* الحمد لله من بسلامت بشرق رسیدم  
 و دلهای دوستان را بانوار ملکوت روشن دیدم \* ای دوست  
 محترم ملاحظه مینمائید که تاریکی چگونه احاطه نموده لهذا باید  
 نور انبیتی عظیمه ظهور یابد تا دفع این ظلمات شدیده کند \* لهذا  
 امید بانوار صبح هدایت است که باز از شرق طلوع نموده  
 و در آفاق منتشر میگردد \* لهذا عباد البهائم تا جان در بدنش  
 متحرک است سفر کند و ندا بملکوت الله نماید و آنی  
 فراغت نماید \* بجان بکوشد تا این جسم  
 مرده عالم انسانی حیات ابدیه یابد

وعلیک التحیة والثناء

خواهش دارم که احترامات فائقه مرا قبول فرمائید

(۲۶ فوریه ۱۹۱۲)

﴿ ع ع ﴾



﴿ لندن جناب مستر الکسندر هوایت ﴾

## هو الله

ای دوست محترم تبریک اول سال که ارسال نموده بودی  
 ملاحظه کردید \* فی الحقیقه اشعار پیشوپ کن و جون نیوتن  
 بلیغ است ولی مختصر تر از این ممکن و آن اینکه خدایا بنفشات  
 روح القدس مر ازنده نما این جامع جمیع این مراتبست زیرا آنچه  
 جامع جمیع کلماتست نفحه روح القدس است که انسانی  
 زمینی را آسمانی نماید ناسوتی را لاهوتی کند ظلمانی را  
 نورانی نماید شیطانی را رحمانی کند \* کور را  
 بینا کند و مرده را زنده نماید \* و علیک  
 التحیة و الثناء ۲۱ مارچ ۱۹۱۲ \* ﴿ ع ع ﴾

﴿ لندن بواسطه آقا میرزا یوحنا داود مسیس دردر ﴾

## هو الله

ای دختر مایکوت مقاله ئی که مر قوم نموده و در جریده  
 مطبوع کشته ملاحظه کردید و در جمیع شرق انتشار یافت و نفوس  
 عادل اگاه از علماء و فضلاء شرق و دانایان و بزرگان نهایت تمجید  
 از تو نمودند و ترویج یافت \* این اثر از برای تو اعظم از مجسمه

ویکتور یاست و بیشتر سبب خوش تجلی و نیکنای زیر اجسمه  
 ویکتوریا دوام نکند • روزی آید که اثری از آن نماند چنانکه  
 از پیشینیان نماند ولی این اثر توالی الابد باقی و برقرار است  
 و سبب تمجید تا هزاران قرون و اعصار و وسیله مقرب  
 در ملکوت الله • والده محترمه را تحیت ابدع  
 امپی بوسان ۲۱ مارس ۱۹۱۲ ع ع •  
 لندن جناب یوحنا داود علیه بهاء الله الابهی •

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای بنده صادق حضرت بهاء الله • نامه شما رسید و بشارت  
 اعلا کلمه الله و ترقی امر الله ساعت بساعت در لندن داشت  
 الحمد لله احبای لندن در نهایت روح و روحانند نامه سابق شما  
 نیز رسید • در جمیع جرائد حضور سید صموئیل مذکور ان شاء الله  
 ورود ملاقات حاصل خواهد گشت و نهایت رعایت مجری  
 خواهد شد • اول بیان باید بامثال این نفوس ان باشد که تعالیم  
 حضرت بهاء الله عالم اخلاق را احیا نمود نفوس خلق جدید میشوند  
 و مجرد قبول تعالیم الهی محب عالم انسانی میگردند • این قوه  
 قدسیه عالم بشر را از ظلمات طبیعت میرهاند • قوه ملکوتی  
 میبخشد چنانکه بعمل ثابت و محقق گردید که یست هزار نفر

در ایران بکلی از ظلمات عالم طبیعت نجات یافته و از تقید عالم فانی  
 رهایی هسته منقطعاً الی الله بمشهد فدا شتافتند و جارا را یکان  
 در سبیل خدا انفاق نمودند. بهائیان را ثروت کنز ملکوت است  
 و عزت قریت درگاه کبریا. بجمیع مضامین کتب مقدسه مطلقند  
 و همچنین تواریح ملل قدیمه. جانهای پاکند و نفوس مقدسه عالم  
 انسانی. بوحدهت عالم انسان خدمت نمایند و بجمیع امم مهربان. فرقی  
 در میان نمیکذارند. جمیع را دوست میدارند. متابعت سیاست  
 الهی مینمایند. سیاست الهی مهربانی بجمیع بشر است بدون استثناء  
 این سیاست حقیقی است و این روش شایان نفوس مقدسه رحمانی  
 اسرائیلیان در ایران در نهایت ذل و هوان بودند. از روزیکه شمس  
 حقیقت اشراق بر آن اقلیم فرمود روز بروز اسرائیل ترقی نمود  
 و عزت یافت و راحت جست بدرجهائی رسیده که محسود  
 دیگران گشته. از عنایت جمال قدم و الطاف اسم اعظم امیدم  
 چنانست که روز بروز موفق تر شوی و مؤید تر کردی  
 و من آنچه لازم است در حق سیر صموئیل ان شاء  
 الله قصور نمی نمایم. و عليك البهاء الأبهی

۲۵ جون ۱۹۲۰

عبد البها عباس



﴿ لندن بواسطهٔ میرزا یوحنا داود ﴾

( بنت ملکوتی خادمهٔ وحدت عالم انسانی مسیس هوایت )

## مَوْلَا لِلَّهِ

ای بنت ملکوت نامهٔ شما از اوین برک رسید مضامین دلنشین بود لهذا نهایت سرور حاصل کردید که الحمد لله آن بنت ملکوت بجان و دل در ترویج وحدت عالم انسانی میکوشد و بعموم بشر خدمت مینماید لهذا مخابرهٔ روحانی در میان من و تو مستمر است و احساسات وجدانی دائم و باقی در هر دمی صد هزار شکرانه نما و تمجید خداوند مجید کن که بچنین موهبتی موفق فرمود و بجناب جون کریهام از قبل من نهایت محبت و اشتیاق ابلاغ دار و بگو که ای شخص محترم وقت آن آمد که سپاه محبت عالم انسانی و وحدت بشری را صاحب علم کردی و سردار خیل و حشم روحانی شوی و از برای تو چنین مقامی را میخواهم \*

جون - ر - مت و س - مکی و هنری هودجکن در نزد من بسیار عزیزند و از خدا خواهم که موفق بامر عظیمی گردند و بموجب تعالیم بهاء الله تأسیس بنیان عظیمی نمایند ان شاء الله مس بوکتن و امة الله شیل در مصر در زمستان آینده موفق بخدمت عظیمی بملت شرق خواهند گشت بامة الله المحترمه مسیس

استنارد اگر ملاقات نمودی تحیت محترمانه برسان \* امید وارم که  
 پرتو فیض ملکوتی و ایونای آسمانی و مجد الهی بر جمیع اقالیم افتد  
 به لامینکتون خانم جواب نامه مرقوم کردید در جو فست  
 برسانید از نامه او احساسات رحمانیه استشمام میشود از خدا  
 خواهم که از ملکوت ابهی فیوضات نامتناهی بیابد \* ای بنت  
 ملکوت بدوست عزیزت بگو که هر چند در شمالی ولی در شرقی  
 هر چند در زمینی از خدا خواهم آسمانی کردی \* الحمد لله روابط  
 معنویه میان من و تو موجود و احساسات روحانه مشهود ان شاء  
 الله بلکه روزی آید که ملاقات حاصل گردد بأمه الله المقربه بنت  
 ملکوت مسیس کروپر نهایت مهربانی و احترام  
 از من ابلاغ دار جمیع ورقات مبارکه بشما و ایشان  
 تحیت ابدع ابهی میرسانند  
 در ۱۲ اوت ۱۹۱۱ - ۱۳۲۳

\*(ع ع)\*

لندن بواسطهٔ میرزا یوحنا داود امة الله مارکارت دورینک ﴿

## هو الله

ای بنت ملکوت نامهٔ شما رسید و از مضامین معلوم گردید که مستر کرکوری از زیارت روضهٔ مبارکه قوتی تازه یافت و بروحی جدید زنده شد و چون باستتکارت رسید با وجود رنگ سیاه مانند شمع نورانی در انجمن یاران و امام رحمن برافروخت فی الحقیقه در این سفر بسیار ترقی نمود جانی دیگر یافت و قوتی دیگر حاصل نمود وقت رجوع کرکوری کرکوری دیگر بود خاق جدید شده بود \* فیض ملکوت ابهی را ملاحظه نما که چنین شخص را نورانی کرد روحانی نمود آسمانی نمود ربانی نمود و مظهر فضائل عالم انسانی فرمود این شخص ترقی خواهد کرد الحمد لله قدر مس نوبلاک را میدانی زیرا سبب هدایت توشد از ملکوت ابهی بنهایت عجز و زاری استدعا مینمایم که پدر و مادر و خواهران و برادران ترا بفیض آسمانی برکت عنایت فرماید و فرل شافر \* فرل اتراسی \* فران کوسترا بنور هدایت روشن فرماید \* وهرن کروتر \* وهرن ریچاردر از قبل من نهایت مهربانی ابلاغ دار تضرع بعزت الهیه نمایم و ایشان را قلابی نورانی و روحی رحمانی و چشمی یبنا و کوشی شنوا طلبم و از خدا خواهم که ترا شجری ثابت الاصل و مرتفع الفرع و پرثمر در جنت ابهی نماید \* و سجادهٔ ثی که بجهت نماز و نقشه اش طلوع نجم حیات

و بمعاونت فرل انا کستاین تطریز شده بود بسیار مقبول واقع  
خواهد گشت • از الطاف حق ترا تأییدات متتابعه

خوام • وعلیک البهاء الأبهی

۹ مارس ۱۹۱۲ • ع ع •

لندن بواسطهٔ مسیس هوایت و میرزا یوحنا داود مای لامینکتون

## هو الله

ای طالب وحدت عالم انسانی نامه ات رسید و از قرائت  
نهایت مسرت حاصل کردید که الحمد لله طالب صلح اکبری  
و غریق دریای حب بشر بتعالیم بهاء الله عالمی و یقین بدان که نافذ  
کرد نظر باین منما که اهل لندن بغفلت گرفتار بلکه جمیع عالم  
بمنفعت ذاتیه و اغراض نفسانیه مبتلا و سب و روز مشغول بدنیا  
زیرا نفثات روح القدس عاقبت تأثیر نماید و در لندن نفوسی  
مبعوث فرماید که شمع افروختهٔ عالم انسانی کردند و ستارهٔ  
درخشندهٔ افق حقیقت شوند و بموجب تعالیم بهاء الله جهد  
و کوشش نما وثابت و مستقیم باش • و از امتحانات فتور میار  
من تعهد مینمایم که سبب هدایت نفوسی شوی که اول

خادم عالم انسانی باشند و بصدق نیت و خلوص قلب

و مقاصدی بلند و همتی عظیم بوحدت عالم انسانی

خدمت نمایند وعلیک البهاء الابهی

۱۲ اوت ۱۹۱۱ - ۱۳۲۹ • ع ع •

## هو الله

ای یاران و امام رحمن • حمد خدارا که در نهایت آفت و محبت  
اجتماع نمودید و در یوم مولود حضرت اعلی غایت آنس و مسرت  
جستید و بذکر حق مشغول شدید از کاشن انمحفل بوی بسیار  
معطری بمشام احبا رسید و نور محبت الله ساطع گشت زیرا  
محفل نبود حدیقه پر کل و ریحان و انجمن رحمن بود لهذا سبب  
سرور قلوب یاران گشت از الطاف بی پایان پروردگار میطلبم که  
چنین انجمنها بسیار تشکیل شود • و همچنین مهمانی نوزده  
روزه نیز مجری گردد تا یاران و امام رحمن بتسبیح و تهلیل

حضرت پروردگار پردازند و بذکر حق مشغول

گردند و سبب هدایت خلق شوند

وعلیکم وعلیکن البهاء الابهی

فی ۱۵ آگست ۱۹۱۱ • (ع ع) •

﴿مشهد أعضاء محفل روحانی علیهم بهاء الله الابهی﴾

## هو الله

ای یاران با وفای من نامه تی که مرقوم نموده بودید ملاحظه  
شد • از معانی سرور جاودانی حاصل گشت زیرا دلیل بر آن  
بود که در خراسان اندکی مشکلات آسان شده دوباره دریا  
جوش زده و خروش نهنک ملا اعلی یافته • پیش از صعود آن اقلیم  
تفوق بر سایر اقلیم داشت ندا بلند بود روز بروز روشنتر میگشت

این بود که پیش از صعود امر فرمودند که تحیات مبارکه و پیام  
 رحمان را بان سامان برسانم \* آن مکتوب مفصل مر قوم شد  
 و لکن بسبب چند و شدت مهاجم دشمنان و دست تطاول ظالمان  
 و اذیت تام قدری سکون حاصل گردید \* الحمد لله حال دوباره  
 آن اقلیم بمرکت آمده و اهتزاز جدیدی حاصل شده و این سبب  
 شدت سرور مشتاقان گردیده \* نامه را بنهایت روح و ریحان  
 تلاوت نمودم و مسرور و شادمان گشتم که این آرزوی دل و جان  
 بوده الحمد لله عامل منتظم گشته و همت اماء الرحمن نیز منضم شده  
 و در این ایام قوای معاندین فتور یافته و جناب آقامیرزا منیر بان  
 سمت شتافته و بالسانی بلیغ و بیانی فصیح تشویق یاران نموده  
 و بهدایت دیگران پرداخته و اغنام پراکنده را اجتماع داده و طیور  
 افسرده بنغمه و آواز آمده و کلشن بشهناز آراسته گشته خاندان  
 حضرت سمندر فی الحقیقه کل مشغول خدمتند \* جانفشانند  
 فدائیند رحمانند سبحانیند \* امید چنان است که من بعد روز  
 بروز کلمه الله بلندتر شود و تجلیات شمس حقیقت درخشنده تر کرد  
 الهی الهی هو لا عباد خضع لکمتک العلیا و خضع فی عبودیتک  
 و رکع فی باب احدیتک و سجد لعظمتک منقطعین عن دونک  
 منجذبین بنفحات قدسک مرتلین آیات توحیدک منشرحین  
 الصدر بالاشعة الساطعة من افق احدیتک باذین الروح فی سبیلک  
 مستمرین علی ذکرک مستمدین من فیوضاتک رب ارحمهم بفضلك

واحسانك واجعلهم آيات التقديس بين خلقك ورايات التنزيه في  
 بلادك • رب اشدد ازورم وقوظهورم على عبودية عبتك العاليه  
 وعبادتك ليلا ونهارا والالفه مع احبائك عشيا وابكارا • انك  
 انت الكريم انك انت العظيم انك انت الرحمن الرحيم

• حيفا ۱۷ ربيع الثاني ۱۳۳۸ • (عبد البهاء عباس) •

(عبي جناب آقا على اكبر يزدي جناب آقا ميرزا جعفر يزدي)

(جناب اردشير خدا بخش و جناب بهرام كفتاشب)

(عليهم بهاء الله الابهي)

## مَعْرِفَةُ اللَّهِ

ای نفوس مبارکه دُرّ دانه تا در آغوش صدفست درخشد کی  
 ولطافتش مجهول • همچنین گوهر درخشنده هدايت کبری  
 تا در آغوش صدف دنياست مبهم ومستور ومکنون دُرّ دانه  
 وقتی رونق بازار گردد که از حبس صدف آزاد شود • همچنین  
 جواهر هدايت کبری رونق ولطافتش بعد از صعود روح از این  
 قالب ضعيف تاريخ بفضای عالم بالا • اما حال معلوم نيست که گوهر  
 هدايت چه قدر کرانهاست آنوقت معلوم وآشکار گردد پس شما  
 بستایش ونيایش خداوند آفرينش پردازيد که چنين ثنائی بهره  
 ونصيب شد وچنين در شاهواری زيب وزينت صدور گشت •  
 وعلیکم البهاء الابهي حيفا ۲۸ ع ۲ - ۱۳۳۸ (عبد البهاء عباس)

## ﴿ الممان بالان ﴾

﴿ جناب پروفیسر محترم دکتور فورال معظم ﴾

( علیہ بہاء اللہ الابہی )

مُعَاذَ اللّٰهِ

ای شخص محترم مفتون حقیقت • نامہ شما کہ ۲۸ جولای  
 ۱۹۲۱ مؤرخ بود رسید • مضامین خوشی داشت و دایل بر آن  
 بود کہ الحمد للہ هنوز جوانی و تخری حقیقت مینمائی • قوای  
 فکریہ شدید است و اکتشافات عقلیہ پدید • نامہ ٹیکہ بدکتور  
 فیشر مرقوم نموده بودم نسخ متعدده او منتشر است • و جمیع  
 میدانند کہ در سنہ ۱۹۱۰ مرقوم کردیدہ • و از این نامہ گذشتہ  
 نامہ های متعدده باین مضمون قبل از حرب مرقوم و در جریدہ  
 کلیہ سانفرانسیسکو نیز اشارہ فی باین مسائل کردیدہ •  
 تاریخ ان جریدہ مسلم و معلوم • و همچنین ستایش فلاسفہ وسیع  
 النظر در نطقی کہ در کلیہ داده شد در نہایت بلاغت • لهذا یک  
 نسخه از آن جریدہ در جوف این مکتوب ارسال میشود •  
 تالیف آنجناب البتہ مفید است لهذا اگر چنانچہ مطبوع است  
 از ہر یک نسخه فی از برای ما ارسال دارید •



مقصد از طبیعیتی که عقائدشان در مسئله الوهیت ذکر  
 شد حزبی از طبیعیتی تنگ نظر محسوس پرست است که بحواس  
 خمسہ مقید و میزان ادراک نزدشان میزان حس است که محسوس را  
 محتوم شمرند و غیر محسوس را معدوم و یا مشبوه دانند حتی  
 وجود الوهیت را بکلی مظنون نکرند \* مراد جمیع فلاسفه  
 عموماً نیست همانست که مرقوم نموده ئی مقصود تنگ نظران  
 طبیعیت‌ننده اما فلاسفه الهیون نظیر سقراط و افلاطون و ارسطو  
 فی الحقیقه شایان احترام و مستحق نهایت ستایشند زیرا خدمات  
 فائده به عالم انسانی نموده اند \* و همچنین فلاسفه طبیعیت‌متفنون  
 معتدل که خدمت کرده اند \*

ما علم و حکمت را اساس ترقی عالم انسانی میدانیم و فلاسفه وسیع  
 النظر را ستایش مینماییم \* در روزنامه کلیه سافرانسیسکو  
 دقت نمائید تا حقیقت آشکار گردد \*

اما قوای عقلیه از خصائص روح است نظیر شعاع که از  
 خصائص افتابست \* اشعه افتاب در تجدد است و لکن نفس  
 افتاب باقی و برقرار \*

ملاحظه فرمائید که عقل انسانی در تزیاید و تنقص است  
 و شاید عقل بکلی زائل گردد و لکن روح بر حالت واحده است  
 و عقل ظهورش منوط بسلامت جسم است \* جسم سلیم عقل  
 سلیم دارد ولی روح مشروط بآن نه \* عقل بقوه روح ادراک

و تصور و تصرف دارد ولی روح قوه آزاد است \* عقل بواسطه  
 محسوسات ادراک معقولات کند و لکن روح طلوعات غیر  
 محدوده دارد \* عقل در دائره محدود است و روح غیر محدود \*  
 عقل ادراکات بواسطه قوای محسوسه دارد نظیر باصره  
 و سامعه و ذائقه و شامه و لامسه و لکن روح آزاد است چنانکه  
 ملاحظه مینمائید که در حالت یقظه و حالت خواب سیر و حرکت  
 دارد شاید در عالم رؤیا حل مسئله فی از مسائل غامضه مینماید که  
 در زمان بیداری مجهول بود \* عقل بتعطیل حواس خمس از ادراک  
 باز میبندد و در حالت جنین و طفولیت عقل بکلی مفقود لکن  
 روح در نهایت قوت \*

باری دلائل بسیار است که بفقدان عقل قوه روح موجود  
 فقط روح را مراتب و مقاماتی \* روح جمادی و مسلم است که جماد  
 روح دارد حیات دارد ولی باقتضای عالم جماد چنانکه در نزد  
 طبیعیون نیز این سر مجهول مشهود شده که جمیع کائنات حیات  
 دارند چنانکه در قرآن میفرماید کل شیء حی \* و در عالم نبات نیز قوه  
 نایه و آن قوه نامیه روح است \* و در عالم حیوان قوه حساسه  
 است ولی در عالم انسان قوه محیطه است و در جمیع مراتب گذشته  
 عقل مفقود و لکن روح را ظهور و بروز \* قوه حساسه ادراک  
 روح نماید و لکن قوه عاقله استدلال بر وجود آن نماید \*  
 و همچنین عقل استدلال بر وجود یک حقیقت غیر مرئی نماید

که محیط بر کائنات است و در هر رتبه<sup>۱</sup>ی از مراتب ظهور و بروز  
 دارد ولی حقیقتش فوق ادراک عقول چنانکه رتبه<sup>۲</sup> جماد ادراک  
 حقیقت نبات و کمال نباتی را نماید و نبات ادراک حقیقت حیوانی را  
 نتواند و حیوان ادراک حقیقت کاشفه<sup>۳</sup> انسان که محیط بر سایر  
 اشیاست نتواند • حیوان اسیر طبیعت است و از قوانین و نوامیس  
 طبیعت تجاوز نکند ولی در انسان قوه<sup>۴</sup> کاشفه ایست که محیط  
 بر طبیعت است که قوانین طبیعت را درم شکند • مثلاً جمیع  
 جماد و نبات و حیوان اسیر طبیعتند • این افتاب باین عظمت  
 چنان اسیر طبیعت است که هیچ اراده ندارد و از قوانین طبیعت  
 سرموئی تجاوز نتواند • و همچنین سایر کائنات از جماد و نبات  
 و حیوان هیچیک از نوامیس طبیعت تجاوز نتواند بلکه کل  
 اسیر طبیعتند • ولی انسان هر چند جسمش اسیر طبیعت  
 و لکن روح و عقلش آزاد و حاکم بر طبیعت •

ملاحظه فرمائید که بحکم طبیعت انسان دی روح متحرك  
 خاکی است اما روح و عقل انسان قانون طبیعت را میشکند  
 مرغ میشود و در هوا پرواز میکند و بر صفحات دریا بکمال  
 سرعت میتازد و چون ماهی در قعر دریا میرود و اکتشافات  
 بحریه میکند • و این شکستی عظیم از برای قوانین طبیعت است  
 و همچنین قوه<sup>۵</sup> کهربائی این قوه<sup>۶</sup> سرکش عاصی که کوه را میشکافد  
 انسان این قوه را درز جاجه حبس مینماید و این خرق قانون

طبیعت است • و همچنین اصرار مکنونه طبیعت که بحکم  
 طبیعت باید مخفی بماند انسان آن اصرار مکنونه طبیعت را  
 کشف نماید و از چیز غیب بحیز شهود می آرد • و این نیز خرق  
 قانون طبیعت است • و همچنین خواص اشیاء از اصرار  
 طبیعت است انسان او را کشف مینماید • و همچنین وقایع ماضیه  
 که از عالم طبیعت مفقود شده و لکن انسان کشف مینماید •  
 و همچنین وقایع آتی را انسان باستدلال کشف مینماید • و حال  
 آنکه هنوز در عالم طبیعت مفقود است و مخبره و مکشفه بقانون  
 طبیعت محصور در مسافت فریبه است و حال آنکه انسان بان  
 قوه مضویه که کاشف حقایق اشیاء است از شرق بغرب مخبره  
 مینماید • این نیز خرق قانون طبیعت است • و همچنین بقانون  
 طبیعت سایه زائل است ولی این سایه را انسان در آئینه ثابت  
 میکند و این خرق قانون طبیعت است • دقت نمائید که جمیع  
 علوم و فنون و صنایع و اختراعات و اکتشافات کل از اصرار  
 طبیعت بود و بقانون طبیعت باید مستور ماند ولی انسان بقوت  
 کاشفه خرق قانون طبیعت کرده و این اصرار مکنونه را از حیز  
 غیب بحیز شهود آورده و این خرق قانون طبیعت است •  
 خلاصه آن قوه مضویه انسان که غیر مرئیست تیغ را از دست  
 طبیعت میگیرد و بفرق طبیعت میزند و سایر کائنات با وجود  
 نهایت عظمت از این کمالات محروم • انسان را قوه اراده و شعور

موجود و لکن طبیعت از ان محروم • طبیعت مجبورا است  
 و انسان مختار و طبیعت بی شعور است و انسان با شعور طبیعت  
 از حوادث ماضیه بی خبر و انسان با خبر طبیعت از وقایع آتیه  
 جاهل و انسان بقوه کاشفه عالم • طبیعت از خود خبر ندارد  
 و انسان از هر چیز با خبر •

اگر نفسی تخطر نماید که انسان جزئی از عالم طبیعت است  
 و چون جامع این کمالات است این کمالات جلوه می از عالم طبیعت است  
 پس طبیعت واجد این کمالاتست نه فاقد • در جواب گوئیم که  
 جزء تابع کل است ممکن نیست که در جزء کمالاتی تحقق یابد  
 که کل از ان محروم باشد و طبیعت عبارت از خواص و روابط  
 ضروریه است که منبث از حقایق اشیا است و این حقایق کائنات  
 هر چند در نهایت اختلاف است ولی در غایت ارتباط و این حقایق  
 مختلفه را جهت جامعه می لازم که جمیع را ربط بیکدیگر دهد  
 مثلا ارکان و اعضا و اجزا و عناصر انسان در نهایت اختلاف است  
 ولی جهت جامعه می که ان تعبیر بروح انسانی میشود جمیع را  
 بیکدیگر ربط میدهد که منتظما تعاون و تعاضد حاصل گردد  
 و حرکت کل اعضا در تحت قوانین منتظمه که سبب بقای  
 وجود است حصول یابد • اما جسم انسان از ان جهت جامعه  
 بکلی بی خبر و حال آنکه باراده او منتظما وظیفه خود را ایفا  
 مینماید •

اما فلاسفه بر دو قسمند از جمله سقراط حکیم که معتقد  
 وحدانیت الهیه و حیات روح بعد از موت بود چون رأیش  
 مخالف آراء عوام تنک نظران بود لهذا ان حکیم ربائی را مسموم  
 نمودند و جمیع حکمای الهی و اشخاص عاقل دانا چون در این  
 کائنات نامتناهی نظر نمودند ملاحظه کردند که نتیجه این کون  
 اعظم نامتناهی منتهی بعالم جماد شد و نتیجه عالم جماد بعالم نبات  
 کشت و نتیجه عالم نبات عالم حیوان و نتیجه عالم حیوان عالم  
 انسان \* این کون نامتناهی باین عظمت و جلال نهایت نتیجه اش  
 انسان شد و انسان ایامی چند در این نشئه انسانی بمن و آلام  
 نامتناهی معذب و بعد متلاشی بی اثر و ثمر کشت \* اگر اینست  
 یقین است که این کون نامتناهی با جمیع کمالات منتهی بهذیان  
 و لغو و بیهوده شده نه نتیجه و نه ثمری و نه بقا و نه اثری عبارت  
 از هذیان میگردد \* پس یقین کردند که چنین نیست این کارخانه  
 پر عظمت باین شوکت محیر العقول و باین کمالات نامتناهی عاقبت  
 منتهی باین هذیان نخواهد کشت \* پس البته يك نشئه دیگر  
 محقق است چنانکه نشئه عالم نبات از نشئه عالم انسانی  
 بی خبر است مانیز از ان نشئه کبری که بعد از نشئه انسانیت  
 بی اطلاع هستیم ولی عدم اطلاع دلیل بر عدم وجود نیست  
 چنانکه عالم جماد از عالم انسان بکلی بی خبر و مستحیل الادراک  
 ولی عدم ادراک دلیل بر عدم وجود نیست و دلائل قاطعه متعدده

موجود که این جهان بی پایان منتهی بحیات انسانی نکرده •  
 اما حقیقت الوهیت فی الحقیقه مجرد است یعنی مجرد  
 حقیقی و ادراک مستحیل زیرا آنچه بتصور انسان آید آن حقیقت  
 محدوده است نه نامتناهی محاط است نه محیط و ادراک انسان  
 فائق و محیط بر آن • و همچنین یقین است که تصورات انسانی  
 حادث است نه قدیم و وجود ذهنی دارد نه وجود عینی و از این  
 گذشته تفاوت مراتب در حیز حدوث مانع از ادراک است  
 پس چگونه حادث حقیقت قدیمه را ادراک کند چنانکه گفتیم  
 تفاوت مراتب در حیز حدوث مانع از ادراک است • جماد و نبات  
 و حیوان از قوای عقلیه انسان که کاشف حقایق اشیاست  
 بی خبر است ولی انسان از جمیع این مراتب با خبر هر رتبه عالی  
 محیط بر رتبه سفلی است و کاشف حقیقت آن ولی رتبه دانی  
 از رتبه عالی بی خبر و اطلاع مستحیل است لهذا انسان تصور  
 حقیقت الوهیت نتواند ولی بقواعد عقلیه و نظریه و منطقیه  
 و طلوعات فکریه و انکشافات وجدانیه معتقد بحضرت الوهیت  
 میگردد و کشف فیوضات الهیه مینماید و یقین میکند که هر چند  
 حقیقت الوهیت غیر مرئی است و وجود الوهیت غیر محسوس  
 ولی ادله قاطعه الهیه حکم بوجود آن حقیقت غیر مرئی مینماید  
 ولی آن حقیقت کماهی می مجهول النعت است • مثلا ماده اثریه  
 موجود ولی حقیقتش مجهول و باثارش محتوم حرارت و ضیاء

و کهر با تموجات اوست از این تموجات وجود ماده<sup>\*</sup> اثیریہ اثبات  
 میگردد \* ماچون در فیوضات الهیه نظر کنیم متیقن بوجود  
 الوهیت گردیم \* مثلاً ملاحظه مینمائیم که وجود کائنات عبارت  
 از ترکیب عناصر مفرده است و عدم عبارت از تحلیل عناصر  
 زیرا تحلیل سبب تفریق عناصر مفرده گردد پس چون نظر در  
 ترکیب عناصر کنیم که از هر ترکیبی کائی تحقق یافته و کائنات  
 نامتناهی است و معلول نامتناهی پس علت چگونه فانی \*

و ترکیب محصور در سه قسم است لا رابع له \* ترکیب تصادفی  
 و ترکیب التزامی و ترکیب ارادی \* اما ترکیب عناصر کائنات  
 یقین است که تصادفی نیست زیرا معلول بی علت تحقق نیابد  
 و ترکیب التزامی نیز نیست زیرا ترکیب التزامی است که آن ترکیب  
 از لوازم ضروریه<sup>\*</sup> احزاء مترکبه باشد و لزوم ذاتی از هیچ شیء<sup>\*</sup>  
 انفکاک نیابد نظیر نور که مظهر اشیا است و حرارت که سبب  
 توسعه عناصر و شمع آفتاب که از لزوم ذاتی آفتابست \* در این  
 صورت تحلیل هر ترکیب مستحیل زیرا لزوم ذاتی از هر کائی  
 انفکاک نیابد \* شق ثالث باقی ماند و آن ترکیب ارادیست که یک  
 قوه غیر مرئیة<sup>\*</sup> فی که تعبیر بقدرت قدیمه میشود سبب ترکیب  
 این عناصر است و از هر ترکیبی کائی موجود شده است اما صفات  
 و کمالاتی از اراده و علم و قدرت و صفات قدیمه که از برای آن  
 حقیقت لاهوتیه می شماریم این از مقتضیات مشاهده آثار وجود



در حیز شهود است نه کالات حقیقی از حقیقت الوهیت که ادراک ممکن نیست • مثلاً چون در کائنات ملاحظه نمائیم کالات نامتناهی ادراک کنیم و کائنات در نهایت انتظام و کمال است گوئیم که ان قدرت قدیمه که تعلق بوجود این کائنات یافته البته جاهل نیست پس سیکوئیم که عالم است و یقین است که عاجز نیست پس قدیر است و یقین است که فقیر نیست پس غنی است و یقین است که معدوم نیست پس موجود است • مقصود اینست که این نعوت و کالاتی که از برای انحقیقت کلیه می شماریم مجرد بجهت سلب نقایص است نه ثبوت کالاتی که در حیز ادراک انسانست لهذا میگوئیم که مجهول النعت است •

باری انحقیقت کلیه با جمیع نعوت و اوصافش که می شماریم مقدس و منزّه از عقول و ادراکاتست ولی چون در این کون نامتناهی بنظر واسع دقت میکنیم ملاحظه مینمائیم که حرکت و متحرک بدون محرک مستحیل است و معلول بدون علت ممتنع و محال و هر کائی از کائنات در تحت تأثیر مؤثرات عدیده تگون یافته و مستمرا مورد انفعالند و از مؤثرات نیز بتأثیر مؤثراتی دیگر تحقق یابد مثلاً نبات بفیض ابرنسانی تحقق یابد و انبات شود ولی نفس ابر نیز در تحت تدبیر مؤثرات دیگر تحقق یابد و ان مؤثرات نیز در تحت تأثیر مؤثرات دیگر مثلاً نبات و حیوان از عنصر ناری و از عنصر مائی که باصطلاح فلاسفه این ایام اکسیجن و هیدرجن نشو

و نماند یعنی هر تحت تربیت و تأثیر این دو مؤثر واقع • امانتس  
این دو ماده در تحت تأثرات دیگر وجود یابد • و همچنین سایر  
کائنات از مؤثرات و متأثرات این تسلسل یابد و بطلان تسلسل  
واضح و مبرهن • پس لابد این مؤثرات و متأثرات منتهی بحی قدیر  
گردد که غنی مطلق و مقدس از مؤثرات است و ان حقیقت کلیه غیر  
محسوسه و غیر مرئی است و باید چنین باشد زیرا محیط است نه  
محاط و چنین اوصاف صفت معلول است نه علت • و چون دقت کنیم  
ملاحظه نمائیم که انسان مانند میکروب صغیر است که در میوه‌ی  
موجود آن میوه از شکوفه تحقق یافته و شکوفه از شجری نابت  
شده و شجر از ماده سیالیه نشو و نما نموده و آن ماده سیالیه از خاک  
و آب تحقق یافته حالا چگونه این میکروب صغیر میتواند ادراک  
حقایق آن بوستان نماید و بیباغبان پی برد و حقیقت آن باغبان را  
ادراک کند • این واضح است که مستحیل است • ولی ان  
میکروب اگر هوشیار گردد احساس نماید که این باغ و بوستان  
و این شجره و شکوفه و ثمر بخودی خود باین انتظام و کمال تحقق  
نیابد • و همچنین انسان عاقل هوشیار یقین نماید که این کون  
نامتناهی باین عظمت و انتظام بنفسه تحقق نیافته • و همچنین قوای  
غیر مرئی در حیز امکان موجود • از جمله قوه اثربیه چنانچه  
کنشت که غیر محسوسه و غیر مرئی است • ولی از آثارش  
یعنی تموجات و اهتزازش ضیاء و حرارت و قوه کهربائیه ظاهر

و آشکار شود \* همچنین قوه نامیه و قوه حساسه و قوه عاقله و قوه متفکره و قوه حافظه و قوه واهمه و قوه کاشفه این قوای معنویه کل غیر مرئی و غیر محسوس ولی با آثار واضح و آشکار \*

و اما قوه غیر محدوده نفس محدود دلیل بر وجود غیر محدود است زیرا محدود البته بغیر محدود شناخته میشود چنانکه نفس عجز دلیل بر وجود قدرتست و نفس جهل دلیل بر وجود علم و نفس فقر دلیل بر وجود غنا \* اگر غنائی نبود فقری نیز نبود اگر علمی نبود جهلی نیز نبود اگر نوری نبود ظلمتی نیز نبود نفس ظلمت دلیل بر نور است زیرا ظلمت عدم نور است \* اما طبیعت عبارت از خواص و روابط ضروریه است که منبث از حقایق اشیا است و این حقایق غیر متناهی هر چند در نهایت اختلاف است و از جهت در نهایت ائتلاف و غایت ارتباط \* و چون نظر را وسعت دهی و بدقت ملاحظه شود یقین گردد هر حقیقتی از لوازم ضروریه سائر حقایق است \* پس ارتباط و ائتلاف این حقایق مختلفه نامتناهی را جهت جامعه‌ئی لازم تا هر جزئی از اجزای کائنات و وظیفه خود را بنهایت انتظام ایفا نماید \* مثلاً در انسان ملاحظه کن و از جزء باید استدلال بکل کرد این اعضا و اجزای مختلفه هیکل انسانی ملاحظه کنید که چه قدر ارتباط و ائتلاف یکدیگر دارند هر جزئی از لوازم ضروریه سایر اجزا است و وظیفه مستقله دارد ولی جهت جامعه که آن عقل است

جميع را يکديگر چنان ارتباط ميدهد که وظيفه خود را  
 منتظماً ايفاء مينمايند و تعاون و تعاضد و تفاعل حاصل ميگردد  
 و حرکت جميع در تحت قوانيني است که از لوازم وجوديه است  
 اگر در آن جهت جامعه که مدبر اين اجزا است خلل وفتوری  
 حاصل شود شبهه نيست که اعضا و اجزاء منتظماً ايفاء وظائف  
 خویش محروم مانند و هر چند از قوه جامعه هيکل انسان  
 محسوس و مرئی نيست و حقيقتش مجهول لکن من حيث  
 الآثار بکمال قوت ظاهر و باهر \* پس ثابت و واضح شد که اين  
 کائنات نامتناهی در جهان باين عظمت هر يك در ايفاء وظيفه  
 خویش وقتی موفق گردند که در تحت اداره حقيقت کليه  
 باشند تا اين جهان انتظام يابد \* مثلاً تفاعل و تعاضد و تعاون بين  
 اجزای مترکبه وجود انسان مشهود و قابل انکار نيست ولی  
 اين کفایت نکند بلکه جهت جامعه<sup>ي</sup> لازم دارد که مدير  
 و مدبر اين اجزا است تا اين اجزای مرکبه با تعاون و تعاضد و تفاعل  
 و ظايف لازمه خویش را در نهايت انتظام مجری دارند و شما الحمد  
 لله واقفید که در بين جميع کائنات چه کلي و چه جزئی تفاعل و تعاضد  
 مشهود و مثبت است \* اما در بين کائنات عظيمه تفاعل مثل  
 آفتاب آشکار است و بين کائنات جزئيه هر چند تفاعل مجهول  
 ولی جزء قياس بکل گردد پس جميع اين تفاعلهای مرتبط بقوه  
 محيطه<sup>ي</sup> که محور و مرکز و مصدر و محرک اين تفاعلهای است

مثلاً چنانکه گفتیم تعاون و تعاضد در بین اجزای هیکل انسان مقرر و این اعضا و اجزا خدمت بعموم اعضا و اجزا می نمایند \* مثلاً دست و پا و چشم و گوش و فکر و تصور معاونت بجمع اعضا و اجزا مینماید ولی جمیع این تفاعلهای مرتبط بیک قوه غیر مرئی محیطه است که این تفاعلهای منتظماً حصول مییابد و آن قوه معنویه انسانست که عبارت از روح و عقل است و غیر مرئی و همچنین در معامل و کارخانه ها ملاحظه نمائید که تفاعل بین جمیع آلات و ادوات است و بهم مرتبط ولی جمیع این روابط و تفاعل مرتبط بقوه عمومیه بی که محرک و محور و مصدر این تفاعلهایست و آن قوه بخار یا مهارت استاد است \* پس معلوم و محقق شد که تفاعل و تعاضد و ارتباط بین کائنات در تحت اداره و اراده یک قوه محرکه است که مصدر و محرک و محور تفاعل بین کائنات است و همچنین هر ترتیب و ترکیب که مرتب و منظم نیست از ترکیب تصادفی کوئیم اما هر ترکیب و ترتیب که منظم و مرتب است و در ارتباط با یکدیگر بنهایت کمال است یعنی هر جزئی در موقع واقع و از لوازم ضروریه سایر اشیا است کوئیم این ترکیب از اراده و شعور ترتیب و ترکیب شده است البته این کائنات غیر متناهی و ترکیب این عناصر منفرد که منحل بصورت نا متناهی شده از حقیقتی صادر گشته که فاقد الشعور و مسلوب الاراده نیست این در نزد عقل واضح و مبرهن است جای انکار نیست

ولی مقصود این نیست که از حقیقت کلیه را یا صفات او را  
 ما ادراک نموده ایم نه حقیقت و نه صفات حقیقی او را هیچ يك  
 ادراک ننموده ایم ولی میگوئیم این کائنات نا متناهی و روابط  
 ضروری و این ترکیب تام مکمل لا بد از مصدری صادر که  
 فاقد الاراده و شعور نیست و این ترکیب نا متناهی که بصورت  
 نامتناهی منحل شده مبنی بر حکمت کلیه است این قضیه قابل  
 الانکار نیست مگر نفسی که مجرد بعناد و الحاد و انکار معانی  
 واضحه اشکار بر خیزد و حکم آیه مبارکه (صم بکم عمی فهم لا  
 یرجعون) پیدا کند \*

و اما مسئله این که قوای عقلیه و روح انسان یکی است  
 قوای عقلیه از خصائص روح است نظیر قوه متخیله و نظیر قوه  
 متفکره و قوه مدرکه که از خصائص حقیقت انسانست مثل  
 شعاع افتاب که از خصائص افتابست و هیکل انسانی مانند  
 آئینه است و روح مانند افتاب و قوای عقلیه مانند شعاع که از  
 فیوضات افتابست و شعاع از آئینه شاید منقطع گردد و قابل  
 انفکاک است ولی شعاع از افتاب انفکاک ندارد \*

باری مقصود اینست که عالم انسانی بالنسبه بعالم نبات ما وراء  
 الطبیعه است و فی الحقیقه ما وراء الطبیعه نیست ولی بالنسبه  
 بنبات حقیقت انسانی و قوه سمع و بصر ما وراء الطبیعه است  
 و ادراک حقیقت انسان و ماهیت قوه عاقله از برای عالم نبات

مستحیل است \* و همچنین از برای بشر ادراک حقیقت الوهیت و حقیقت نشئه حیات بعد از موت ممتنع و مستحیل \* اما فیوضات حقیقت رحمانیت شامل جمیع کائنات است و انسان باید در فیوضات الهیه که من جمله روح است تفکر و تعمق نماید نه در حقیقت الوهیت این انتهای ادراکات عالم انسانیست چنانچه از پیش گذشت \* این اوصاف و کمالاتی که از برای حقیقت الوهیت می‌شمریم این را از وجود و شهود کائنات اقتباس کرده ایم نه اینکه بحقیقت و کمالات الهیه پی برده ایم \* اینکه می‌گوئیم حقیقت الوهیت مدرك و مختار است نه اینست که اراده و اختیار الوهیت را کشف نموده ایم بلکه این را از فیوضات الوهیت که در حقائق اشیا جلوه نموده است اقتباس نموده ایم \*

اما مسائل اجتماعیه مایعنی تعالیم حضرت بهاء الله که پنجاه سال پیش منتشر شده جامع جمیع تعالیم است و واضح و مشهود است که نجاح و فلاح بدون این تعالیم از برای عالم انسانی مستحیل و ممتنع و محال و هر فرقه بی از عالم انسانی نهایت آمال خویش را در این تعالیم آسمانی موجود و مشهود بیند \* این تعالیم مانند شجر یست که میوه جمیع اشجار در او موجود بنحو اکل \* مثلاً فیلسوفها مسائل اجتماعی را بنحو اکل در این تعالیم آسمانی مشاهده مینمایند \* و همچنین مسائل حکیمه بنحراشرف که مقارن حقیقت است \* و همچنین اهل ادیان حقیقت دین را در این

تعالیم آسمانی مشهور دامیبینند که بآدله قاطعه و حجت واضحه اثبات  
 مینمایند که حقیقت علاج حقیقی علل و امراض هیئت عمومی عالم  
 انسانیت است. اگر این تعالیم عظیمه انتشار یابد هیئت اجتماعی عموم  
 انسانی از جمیع مخاطرات و علل و امراض مزمنه نجات یابد. •  
 و همچنین مسئله اقتصادبهائی نهایت آرزوی عمال و منتهی مقصد  
 احزاب اقتصاد است. •

بالاختصار جمیع احزاب را بهره و نصیبی از تعالیم بهاء الله  
 چون این تعالیم در کنائس در مساجد در سایر معابد ملل اخری  
 حتی بوزن ثبوتها و کونفیشیوزیها و کلوب احزابها حتی مادیون اعلان  
 کردد کل اعتراف نمایند که این تعالیم سبب حیاة جدیدی از برای  
 عالم انسانیت و علاج فوری جمیع امراض هیئت اجتماعی است. ابد  
 نفسی تنقید نتواند بلکه بمجرد استماع بطرب اید و اذعان با اهمیت  
 این تعالیم نماید و گوید هذا هو الحق و ما بعد الحق الا الضلال المبین  
 در آخر قول این چند کلمه مرقوم میشود و این از برای کل  
 حجت و برهان قاطع است. • تفکر در ان فرمائید که قوه  
 اراده هر پادشاه مستقلی در ایام حیاتش نافذ است. • و همچنین  
 قوه اراده هر فیلسوفی در چند نفر از تلامیذ در ایام حیاتش  
 مؤثر است. • اما قوه روح القدس که در حقایق انبیا ظاهر و باهر است  
 قوه اراده انبیا بدرجهئی که هزاران سال در یک ملت عظیمه  
 نافذ و تأسیس خلق جدید مینماید. • و عالم انسانی را از عالم سابق



بعالم دیگر نقل مینماید \* ملاحظه نمائید که چه قوه ایست این قوه  
خارق العاده است \* و برهان کافی بر حقیقت انبیاء

و حجت بالغه بر قوت وحی است

و عليك البهاء الأبهى

حيفا ۲۱ سبتمبر ۱۹۲۱

﴿ عبد البها عباس ﴾

﴿ مصر بواسطه حضرت ابي الفضائل جناب محي الدين افندی ﴾

( صبری ملاحظه فرمایند )

## مَوْلَا اللَّهِ

ای یار عزیز \* نامه نامی مورث فرح روحانی گردید  
و مسرت وجدانی بخشید \* معانی آهنگ رود و چنگ محبت الله بود  
و دایل عقل و فرهنگ ونهی \*

آی منجذب الی الله شکر کن خدا را که نائی حقیقی در

آن نای چنین دی دمید و چنین آهنگی حاصل گردید

از خدا خواهم که روز بروز از پرتو حقیقت

قلب منور گردد \* و از نفحات قدس مشام

معطر شود و آنا فآنا وله و انجذاب

بیشتر گردد \* و عليك التحية والثناء

﴿ ع ع ﴾

﴿ مصر ﴾ بواسطه جناب شيخ فرج الله جناب شيخ محي الدين ﴿

( ملاحظه فرمايند )

هو الله

يا حبيبي ونعم القرين اني أتضرع الى رب العالمين أن  
يجعلك محي الدين وقدوة المقربين وصفوة المخلصين  
حتى تكون سراجا منيرا ونجما مضيئا متفاقم الامر  
متلاطم البحر ينحدر منك السيل وينكشف  
بك الليل \* ان ربي على كل شىء قدير

﴿ ع ع ﴾

﴿ مصر جناب شيخ محي الدين سندجى عليه بهاء الله ﴾

هو الله

أى شمع محبة الله مصيبت حضرت أبي الفضائل حتى  
أهل بارگاه قدس را محزون و دخلون نمود نه چنان تأثیری در دل  
وجان حاصل که بقلم و لسان بیان توان نمود \* و لکن الحمد لله  
مثل شماها تلامیذی یادگار گذاشت \* شبهه نیست که شما نیز قدم  
بقدم پیروی او خواهید نمود و سراج او را روشن خواهید کرد  
لهذا باید انجناب در مجمع احبا و انجمن اصفیا لسانی ناطق و برهانی

لامع وانجذابي واضمح وبياني فصيح ونطقي بليغ ظاهر وأشكار  
نمائيد • البته در هر انجمنی تلاوت آیات و مناجات و أشمار نموده  
و نطقی در نهایت بلاغت بفرمائید تا جمیع حاضرین بوجد و بشارت  
آیند و قلوب جمیع منجذب گردد و یقین بدانید که تأییدات

المیه پیایی میرسد • اعتماد من بر تلامذه

ان استاذی نهایت است و عليك البهاء

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ القاهره جناب الشيخ محي الدين عليه التحية والثناء ﴾

هو الله

اللهم يا خفي الالطاف أسألك باسمك الفاضل بالعدل  
والانصاف المتجلى بنور العفو والغفران على معشر الانسان أن  
تحفظ عبدك هذا عن مهاوى السهو والنسيان وترفعه الى أوج  
الرحمة والروح والريحان • رب أدعوك بروحى وفؤادى أن تنصره  
بقبيل من جنود لم يرها أبصار الذين غفلوا عن ذكرك فى يوم  
القيام ونور بصره بمشاهدة آياتك المودعة فى حقائق الاشياء  
وشنف أذنه بالحنان طيور الوفاء فى حديقه البقاء واجمله آية  
ذكرك بين الورى وراية الهدى فى تلك العدو القصى  
انك نصير لمن تشاء وظهر لمن تشاء ومعين لمن تشاء

وانك أنت المقتدر القدير فى ٢٧ ت ١٩١٨

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

﴿ مصر ﴾ حضرة محي الدين افندي الكردي عليه التحية والثناء

## هو الله

أيها الرفيق النوراني \* قد وقفت على تحريركم المؤرخ ٢٤  
نوفبر سنة ١٩١٨ ودرت آيات الشوق المنبعثة بكل معانيها وحدث  
الله سبحانه على ما وفقكم وجعلكم ثابتا راسخا في هذا الانقلاب  
العظيم ونور الآفاق بنور السلام بعد ما أظلمت بغيوم متكاثفة من  
الحرب والقتال \* وما هذه الا نعمة من عنده \*

وقد وصلني كتاب منكم قبل هذا وحررت الجواب وأرسلته  
وبلغ تحيتي واشواقى الى جناب حاجي نياز وقد حررت  
لحضرة يوحنا داود جوابا في ضمن هذا المكتوب  
فعلیکم بارساله اليه وعليك التحية والثناء

٣٠ ت ١٩١٨

﴿ عبد البها عباس ﴾

(مصر) بواسطه جناب آقا محمد تقی جناب الشيخ محي الدين  
عليه بهاء الله الابهي (بتونس)

## هو الابهي

اي منادى الهى فاشكر الله ربك الرحمن الرحيم بما وفقك على  
السير في الارض والغربة عن الاوطان والنداء بطلوع شمس  
الحقيقة في تلك الجهات واعلاء كلمة الله بالحجج والبيدات حتى تنفخ

في الصور عزاميرال داود \* وهذه موهبة ساطعة على ممر الدهور  
 والعصور \* نفوسی که في الحقیقه بنده صادق حضرت مقصودند  
 بمالك بعیده سفر نمایند یعنی بلادی که صیت امرالله بآن کما هو  
 حقه نرسیده \* البته باقالیم تاریک شتابند تا سراج هدایت الله  
 برافروزند \* و شما از آن نفوسی و امیدم از موجات دریای الطاف  
 چنین است که در تونس محفل انس بیارائی و خفتکار اییدار کنی  
 و یهوشانرا هوشیار فرمائی \* الحمد لله آثار تأیید و توفیق مشهود است  
 بانفوس بنهایت محبت مانوس کردید و کلمه را بقدر استعداد القا  
 فرمائید \* بزم الفت بیارائید تا جاذب قلوب گردد و اگر چنانچه  
 از نفسی اعتراض و احتراز مشاهده نمائید بسکون و وقار معامله  
 نمائید و سکوت کنید \* ابد کلمه بی بر زبان نرانید \* در جواب  
 بگوئید خدا در قرآن می فرماید ( و اذا مروا باللغو مروا کراما )  
 آنچه این شخص گفته اگر صدق است معاذ الله چه بگوئیم  
 و اگر چنانچه کذب است این بهتان بر من نیست بران نفسی است  
 که دارای این اوصاف است \* بهمین قدر کفایت نمائید \*  
 الحمد لله مظهر لا تأخذه فی الله لومة لائم هستی \*  
 هجوم جهلاء سبب تنبه عقلا میگردد \* و هذه  
 من سنة ربك ولن تجد لسنة تبدیلا \*  
 و عليك البهاء الابهی حیفاء ۱۳ ذی قعدة  
 سنه ۱۳۴۹ ( عبدالبهاء عباس )

﴿ جناب الشيخ محي الدين الكردي عليه بهاء الله الابهي ﴾

## هو الله

أى ناشر نفعات الله خبر رجوع شما محفوظا ومصونا سبب  
سرور قلوب كرديد \*

الحمد لله در این سفر منصور و مظفر رجوع نمودی \* اعلاى  
كلمة الله كردى وسيت أمر الله را كوشزد نفوس مباركاه  
فرمودى فہینثا لك هذه الكأس الطاخة بهداية الله \* عكس آن  
نفوس مهتديه بنور هدى مشاهده كشت \* وجوه مستبشر  
بیدشارات الله و نفوس مطمئن بموهبة الله \* از الطاف حضرت  
احديت استقامت ایشان طليم

باري در مصر بنهات حكمت حرکت نما و این لؤلؤ مكنون را

از سمع مسموم محفوظ و مصون بدار \* و اگر اذن

صاغیه یا فتید از تعالیم جمال مبارك بیان كنید

و از حقایق و معانی كه از قلم اعلى صادر بحث

كنید \* مسائل حكمیة را أساس مذاكره

قرار دهید نه عقائد را \* و عليك

البهاء الابهي ۱۲۲ اکتوبر ۱۹۲۱

﴿ عبد البهاء عباس ﴾

مصر بواسطة آقا محمد تقي جناب شيخ محي الدين السكردى  
عليه بهاء الله الابهى

## مَوْلَى اللَّهِ

أيها الحبيب القلبي \* انى حمدت الله على ما هيا لك من أمرك  
رشدًا ونصرك بقبيل من الملائة الاعلى فتوجهت الى تلك العدو  
القصوى وكان وفودك عليها هبوب نسيم العناية ونزول غيث  
الهداية على المعاهد والربى \* فاهتزت وربت ونبئت بشقائق  
النعمان واخضرت بالعصف والريحان فصدحت طيور القدس فى  
تلك الرياض وزئرت اسود العرفان فى تلك الغياض وأثرت نثبات  
بيانك فى القلوب والجنان والتذت الآذان بتلك الالخان وقرت  
الاعين بمشاهدة آيات ربك الحنون واطلمت القلوب بالسر  
المكنون والرمز المصون \* فياطوبى فياطوبى لك من هذه  
الموهبة الكبرى \* ومرحى مرحى بك من هذه الهمة العليا  
فرجعت مظفرا منصورا وأورثتنا سرورا وحبورا وأصبحت  
حامدا وشكورا \* ولكن الى الآن لم يأتنا منكم خبر عما ظهر  
وانتشر والنفوس التى قرّت أعينها بمشاهدة آيات ربك  
الرحمن الرحيم \* واني أدعو الله أن يوفقك على أعظم  
من هذا انه هو المؤيد للموفق الكريم \*

١٥ تشرين ثانى ١٩٢١ (ختم مبارك) \* عبد البهاء عباس \*

﴿ طهران ﴾

حضرت علی قبل ا کبر علیه بهاء الله

مَعَالِ الدِّينِ

ای منادی پیمان \* آیای میگذرد که در مخا بره و مکاتبه فتور حاصل  
سبب اینست که آتش فساد چنان شعله‌ئی زده که جمیع امور مختل  
گشته حتی ارسال رسائل متعسر گردیده \* و بسیار از مکاتب  
در دست عوانان افتاده \* هیئت تفتیش حاضر شده جمیع قلوب را  
بتشویش انداخته \* و این فحش و تحقیق را بنیاد بر بیداد است \*  
یعنی جناب اخوی و عوانان سری و جهاری او در اشد فساد \*  
دیگر ملاحظه نما حال مظلومی را که در دست دشمنان خارج  
و داخل محکوم و مبتلا \*

باری باختصار کوشیم \* هر چند امتحان شدید است ولی ظلم  
ستمکار را در قلوب ابرار تأثیری نه و اذیت و اهانت بیگانگان را  
حکمی نه بلکه قلوب را در چنین موارد حالت خوشی دست دهد  
و لطافت و رقت بیفزاید \* و بمناجات پردازد لهذا عبد البهاء آغاز  
تضرع و ابتهال کند و عجز و نیاز آرد و زبان بمناجات کشاید \*

الهی الهی قد صوبت السهام وأشرعت الاسنة الحداد ولمعت  
السيوف في هذا الظلام. فأقبلت اليهما في سبيلك كظمان متعطش



الى كوثر عذب فرات وأشكرك على هذا البلاء وعظيم البلوى  
وشديد الرزايا وعظيم المنايا \* كل رأس يا الهى لا يليق أن يتهادى  
على القناة فى سبيلك الا الرأس الذى ظلمت عليه سحاب رحمتك  
الكبرى \* وكل صدر لا يستحق أن يستهدف فى محبتك سهام  
الجفاء الا الصدر الذى انشرح بمعرفتك بين الورى \* وكل دم غير  
حرى أن يسفح فى مشهد الفداء ويحمر من سفكها وجه الغبراء  
الا دم مطهر يسرى فيه حبك سريان الروح فى الاجسام \* ان لم  
تكن لى يا الهى موهبة الرزايا حبا بجمالك فاسلوة قلبى فى دار  
الذلة والهوان \* وان لم أذق بفضلك مرارة كأس العقاب بما آمنت  
بك وبآياتك فمن أى قدح أتجرع صهبااء السرور بكل روح وريحان  
تنقضى يا الهى هذه الايام \* وبفضلك ينكشف الظلام ويتنفس  
صبح البشرى من ملكوت الجمال وتسمع الاذان (يا أيتها النفس  
المطمئنة ارجعى الى ربك) مقدسة عن أردان الا كوان عند ذلك  
تبيض الوجوه وتلوح بأنوار اللقاء \*

رب رب اجعل النفوس مشغوفة بحبك ومنجذبة بذكرك  
ومنتمشة بروحك ومطيبة بفضلك \* انك أنت الكريم وانك  
أنت المعين \* وانك أنت المعطى العزيز الوهاب \*

اي منادى يمان جمال مبارك يار انرا بجهت چنين ايامى تويت  
فرمود تا حفظ امر الله نمايند وكلمة الله انتشار دهند ورايت هدى  
بر افرازند وآيت تقى تر تيل كنند \* كلشن حقيقت را شبنم عنايت

کردند و کلبن معرفت را سحاب موهبت شوند \* متحد و متفق  
 کردند \* از يك چشمه بنوشند \* و در يك هوا پرواز کنند \* از يك  
 نسیم باهتر از آیند و از يك نفحه مشام معطر نمایند \* مانند طیور  
 قدس در يك حدیقه پرواز کنند \* و بيك لسان بیان راز فرمایند  
 این مسئله بسیار مهم است \* البته در فکر آن باشید \* زیرا  
 عبد البهاء در طوفان خطر است و از خوف اختلاف آراء در نهایت  
 حذر \* اگر معاذ الله اختلاف جزئی حاصل گردد جمیع نفوس  
 ذلیل و هالك \* و أمر الله بنهایت ذلت در جمیع ممالك گرفتار شود  
 دیگر معلومست که چه قدر از این فکر در اضطراریم \*  
 الحمد لله أسباب اختلافی نه \*

حضرت اعلی صبح حقیقت روشن و تابنده بر جمیع أرجاء  
 و میسر نیر اعظم آبی \* و جمال مبارک موعود جمیع کتب و صحف  
 و زبر و ألواح و ظهور مجلی طور در سدره سینا و ما عدا کل بنده  
 آن آستانیم و أحقر پاسبان \* ظهور منتهی بمکرم طور شد و تا هزار  
 سال بل صد هزار سال این کور امتداد خواهد یافت \* مقصود  
 اینست که قبل از الف کسی سزاوار تکلم بحرفی نیست ولو مقام  
 ولایت باشد \* کتاب اقدس مرجع جمیع أمم و أحكام الهی در آن  
 مصرح \* أحكام غیر مذکوره راجع بقرار بیت العدل \* دیگر  
 اسباب اختلافی نه \* و من يتعد بعد ذلك فأولئك هم الناعقون  
 وأولئك هم الظالمون وأولئك هم الاعداء المبغضون \* زنهار زنهار

مکذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید \* اگر اختلاف ازانی حاصل گردد بیت عدل اعظم فوراً محل مشکلات فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است \* زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیتست و اورا صیانت از خطا فرماید و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید هر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود \*

و بیت عدل اعظم بترتیب و نظامی که در انتخاب مجالس ملت در اورپا انتخاب میشود انتخاب گردد \* و چون ممالک مهتدی شود بیوت عدل ممالک بیت عدل اعظم را انتخاب نماید \* و در هر زمان که جمیع احباب در هر دیار و کلائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئتی را انتخاب نمایند آن

بیت العدل اعظم است و الا تأسیسش مشروط بایمان

جمیع ممالک عالم نه \* مثلاً اگر وقت مقتضی بود

و فساد نداشت احباب ایران و کلائی انتخاب

مینمودند و احباب امریک و هند و سائر

جہات نیز و کلائی انتخاب مینمودند

و آنان بیت العدلی انتخاب

مینمودند آن بیت العدل

اعظم بود \* والسلام

﴿ ع ع ﴾

﴿مصر جناب آقا میرزا ابوالقاسم گلستانه علیه بهاء الله الاهی﴾

﴿هو الله﴾

ای ثابت برپیمان \* نامه مفصل شما رسید \* ولی از کثرت  
 مشاغل جواب مختصر مرقوم میشود \* در خصوص ضیافت در هر  
 شهر بهائی سؤال نموده بودید مقصود از این ضیافت الفت  
 و محبت و تبتل و تذکر و ترویج مساعی خیریه است یعنی بذکر  
 الهی مشغول شوند و تلاوت آیات و مناجات نمایند و بایکدیگر  
 نهایت محبت و الفت مجری دارند \* و اگر میان دو نفس از احباء  
 اغبراری حاصل هر دو را دعوت نمایند و باصلاح مابین کوشند  
 و در امور خیریه و اعمال بریه مذاکره نمایند تا نتایج ممدوحه حاصل  
 گردد \* دیگر از الفت و یکانکی و مهربانی سؤال نموده بودید این  
 واضح و پدید است محتاج بسؤال نیست الفت و یکانکی مراتب  
 دارد \* هر مرتبه بی از مراتبش مقبول \* و آنچه ترقی بیشتر نماید  
 مقبولتر و محبوبتر و خوشتر است و سبب تقرب بارگاه ذوالجلال  
 و حصول تأییدات نامتناهی مدتی قبل مکتوب عمومی در خصوص  
 اتحاد و اتفاق مرقوم گردید و نتایج سامیه و فوائد عالیه الفت  
 و یکانکی بیان گردید و باطراف ارسال شد \* در امریک ترجمه  
 گردید و انتشار یافت \* و در قفقاز ترکی ترجمه شد و انتشار یافت  
 البته بمصر نیز رسیده \* در خصوص مشورت مأمور بهاسؤال  
 نموده بودید از مشورت مقصود آنست که آراء نویس متعدده

البته بهتر از رأی واحد است نظیر قوت نفوس کثیره البته اعظم از قوت شخص واحد است لهذا شور مقبول درگاه کبریا و ما مور به و آن از امور عادیه شخصیه گرفته تا امور کلیه عمومیه \* مثلا شخصی را کاری در پیش البته اگر با بعضی اخوان مشورت کند البته تحری و کشف آنچه موافق است گردد و حقیقت حال واضح و آشکار شود \* و همچنین ما فوق آن \* اگر اهل قریه ثنی بجهت امور خویش بایکدیگر مشورت نمایند البته طریق صواب نمودار شود \* و همچنین هر صنف از اصناف \* مثلا اهل صنعت در امور خویش بایکدیگر مشورت نمایند و تجار در مسائل تجاریه مشورت کنند \* خلاصه شور مقبول و محبوب در هر خصوص و امور \* اما مشورت مجاس شور سیاسی عموم ملکی و ملکوتی \* یعنی بیت عدل آن با انتخاب عمومست و آنچه اتفاق آراء یا اکثریت آراء در آن شورا قرار یابد معمول به است اکنون بیت عدلی در میان نه محافل روحانی در اطراف تشکیل شده است که اینها در امور امریه مانند تربیت اطفال و محافظه ایتام و رعایت عجزه و نشر نفعات الله شور نمایند \* این محفل روحانی نیز با اکثریت آراء انتخاب شود \* و اما تجدید انتخاب و تعیین مدت راجع بیت عدل عمومی است که جمیع بهائیان عالم انتخاب کنند زیرا آنچه نص قاطع نه بیت عدل عمومی قرار می دهد در آن خواهند داد حال چون تشکیل بیت عدل عمومی میسر نه قرار شد که محافل

روحانی امریکارا در مدت هر پنج سال تجدید انتخاب نمایند

﴿ع ع﴾

## هو الله

(۱) ﴿اول فریضه﴾ اصحاب شور ﴿خلوص نیت و نورانیت حقیقت و انقطاع از ماسوی الله و انجذاب بنجات الله و خضوع و خشوع بین احبا و صبر و تحمل بر بلاء و بندگی عتبه سامیه الهیه است و چون باینصفت موفق و مؤید گردند نصرت ملکوت غیب ابهی احاطه نماید ﴿ثانی فریضه﴾ اثبات وحدانیت جمال غیب ابهی و مظهریت کامله ربانیه حضرت نقطه اولی و عبودیت محضه صرفه ذاتیه کینونیه باطنه حقیقه صریحه عبدالبهاء بدون شائبه ذکرى دون آن و هذه غایتی القصوی و منتهی معارجی العلیا و جنتی الماوی \* و هی نور وجهی و منیة قلبی و شفاء صدری و قره عینی و رواء غلنی و برد لوعتی و برء علنی \* و من اعتقد بغير هذا فقد خالف عبدالبهاء ﴿ثالث فریضه﴾ ترویج احکام الهیه در بین احبا از صلاة و صیام و حج و حقوق و سائر احکام الهیه بالتمام \* و همچنین دائما تشویق و تحریص کل احبا بموجب نصوص قاطعه الهیه بر اطاعت و خدمت سریر سلطنت عادلہ شهرباری و صداقت

(۱) از قرار مسموع این لوح تتمه دارد هرگاه بدست آمد

کاملطبع خواهد شد

وامانت در خدمات اعلی حضرت داد پرور تاجداری \* و تمکین  
اولیاء امور حکمرانی ﴿رابع فریضه﴾ حفظ وصیانت عموم احباء  
در جمیع موارد و مواقع و تمشیت امور عمومی از قبیل تربیت اطفال  
و تهذیب اخلاق و تعلیم علوم نافع از جمیع جهات و تأسیس مدارس  
و مکاتب بجهت ذکور و اناث و تکفل فقراء و ضعفاء و صغار و ایتام  
و ارامل و آیامی و تدبیر و سائط صنعت و کسب و توسیع احوال عموم  
﴿خامساً﴾ منع عموم از آنچه سبب فتنه و فساد و عدم مداخله  
در امور سیاسیة بالکلیه و عدم مکالمه در این خصوص ولو بشق  
شفه و دلالت بر تمکین در جمیع احوال و سکون و محبت  
و دوستی با عموم ﴿سادساً﴾ مدارا با اهل فتور  
و تشبث بجمیع وسائل در ارجاع آن نفوس  
بر میثاق حضرت رحمن ﴿ع ع﴾

## مَعْلَمَاتُ

(بمبائی بواسطه جناب حاجی میرزا محمد تقی طبسی علیه بهاء الله)  
ای یاران رحمانی \* در این ایام خبری پر روح و ریحان از آن  
سامان رسید \* که الحمد لله یاران انجمنی آراستند و نشر امر الله  
خواستند و دل از دون محبت الله پیراستند و تصور چنان دارند که  
در ایام معلومه در آن محفل عقد انجمن نمایند و مشورت کنند

و بانچه سبب انتشار نور هدايت است تمسك و تشبث جویند  
 اكر بشروط و عهد و لازمه قيام كردد این انجمن في الحقیقه  
 كلستان و چمن حقیقت است و آیت موهبت حضرت احدیت  
 ﴿اول شرط﴾ محبت و الفت تام بین أعضاء آن انجمن است که  
 از یکانکی یزار کردند و یکانکی حضرت پروردگار آشکار کنند  
 زیرا امواج يك بچرند و قطرات يك نهر \* نجوم يك أفقند  
 و أشعه يك شمس \* درختان يك بوستانند و گلهاى يك كاستان  
 و اكر وحدت حال و یکانکی بیملال در میان نیاید آن جمع پریشان  
 كردد \* و آن انجمن بی سروسامان \*

﴿و شرط ثانی﴾ آنست که رئیس بجهت آن محفل اعضای انجمن  
 بالاتحاد انتخاب کنند و دستور العمل و نظامی بجهت اجتماع و مذاکره  
 قرار دهند \* و آن دستور العمل و نظام در تحت اداره و محافظه  
 و حمایت رئیس باشد و تنفیذ نماید \* و أعضاء محفل باید در نهایت  
 اطاعت و انقیاد باشند \* مکالمه حشو و زوائد در آن محفل نکرده  
 و أعضاء در حین ورود توجه بملکوت اعلیٰ کنند و طلب تأیید  
 از افق ابهی و در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن  
 قرار یابند و بنهایت ادب و ملایمت کلام و اهمیت خطاب بیان  
 آراء پردازند \* در هر مسئلهئی تحری حقیقت کنند نه اصرار  
 در رأی زیرا اصرار و عناد در رأی منجر بمنازعه و مخاصمه گردد  
 و حقیقت مستور ماند \* ولی اعضای محترمه باید بنهایت آزادی بیان



رای خویش نمایند \* وابدأ جائز نه که نفسی تزییف رای  
دیگری نماید بلکه بکمال ملایمت بیان حقیقت کند \* وچون  
اختلاف آراء حاصل شود رجوع با کثرت آراء کنند وکل  
اکثریت را مطیع ومنتقاد کردند \* ودیگر جائز نه که نفسی  
از اعضاء محترمه برقرار اخیر چه در خارج وچه در داخل اعتراض  
نماید ویا نکته گیرد ولو مخالف صواب باشد زیرا این نکته گیری  
سبب شود که هیچ قراری استقرار نیابد \*

باری هر کاری که بآلفت و محبت و خلوص نیت فیصل شود  
نتیجه اش انوار است \* و اگر ادنی اغبراری حاصل شود نتیجه اش  
ظلمات فوق ظلمات است \*

تصادم افکار و مقاومت آراء در انجمن شوراء سبب ظهور  
شعاع حقیقت است نباید هیچیک از اعضاء متکدر از مقاومت  
دیگری شود بلکه هر يك قول دیگری را با وجود مخالف بودن  
با رای خویش در کمال ادب بخلوص نیت گوش دهد و غباری  
در قلبش ننشیند \* چون چنین گردد آن انجمن انجمن الهی است  
والا سبب برودت و کدورت عالم شیطانی \*

و همچنین آن محفل رحمانی باید قطعیا بأمور سیاسی که راجع  
بمحکومت محلی است تعرض نماید حتی از امور سیاسی دم نزند  
مذاکرات بتمامها محصور در امور روحانیه باشد که تعلق با اداره  
تربیت نفوس و تعلیم اطفال و اغاثه فقراء و اعانه ضعفاء جمیع فرق

عالم و مهربانی بکل أم و نشر نفعات الله و تقدیس کلمة الله دارد  
 در اینخصوص و اجراء این شروط چون همت نمایند تأیید  
 روح القدس رسد \* و آن مجمع مرکز سنوحات رحمانیه گردد  
 و جنود توفیق هجوم کند و هر روز فتوحی جدید حاصل شود  
 الهی الهی هؤلاء عباد انجذبوا بنفحات قدسك \* واشتعلوا  
 بنار محبتك و اخلصوا و جوههم لوجهك الکریم و سلکوا فی المنهج  
 القویم و هدوا الی صراطك المستقیم \* رب اجعلهم سرج الفضل  
 و الاحسان فی عالم الانسان يتلألاً من و جوههم أنوار التقوی  
 و يتشمع من جبینهم نور الهدی و اجعلهم آیات رحمتك  
 لموم خلقك و رایات موهبتك لجميع بریتك  
 و ایدم فی جمیع الشؤون انك أنت الکریم  
 العزیز الودود ﴿ ع ع ﴾

﴿ بتوسط جناب آقا میرزا فضل الله حکیم دندان ساز نیریزی ﴾  
 ﴿ احبای نیریز \* علیهم بهاء الله الابهی ﴾

## هو الابهی

ای بندکان الهی و اما، رحمن \* جناب آقا میرزا فضل الله  
 زیارت بقعه کبریاء مشرف کشته و بتراب آستان نورمبین جبین  
 مبارک نموده \* و در این خلد برین بیاد شما افتاده و بذکر شما پرداخته  
 و از عبد البهاء خواهش نکارش نموده \* و من فرصت تحریر یریک

کله ندارم • پس چه باید کرد چاره جز این ندیده مگر این  
 نامه را بجمیع مرقوم نماید • ای یاران و اماء رحمن هر چند شمس  
 حقیقت از افق عالم متواری شد ولی شعاع ساطع و نور لامع  
 و فیض کامل و فضل شامل باقی و برقرار • هر دم پرتوی جدید  
 از جهان پنهان میدمد و در هر نفسی تأییدی شدید از عالم اسرار  
 میرسد و این آیه مبارکه تحقق مییابد (و ترا کم من أفق الابهی  
 و ننصر من قام علی نصره امری بجنود من الملائکة الاعلی و قبیل  
 من الملائکة المقربین) • پس ای یاران و اماء رحمن از این بشارت  
 و اشارت پرواز نمائید • و از این وعده سلطان احدیت چون  
 دریابجوش و خروش آئید که چنین موهبتی در کار است و دلبر چنین  
 الطافی جلوه مینماید • کرمیت بر خدمت بر بندید و استفاضه  
 از نیر روشن عالم بالا بنمائید و بتأییدات الهی مصمم بر امور مهمه  
 گردید و باعلاء کلمة الله پردازید تا آن کشور منور گردد و در آن  
 قربان گاه عشق خون شهیدان بجوشد و نشر نفحات معطر نماید  
 مطمئن بتأییدات غیبیه باشید که پی در پی میرسد و موقن بالطف  
 ربانیه باشید که متتابعاً مبرسد • و چون چمن بر شحات سحاب  
 رحمت تر و تازه گردید و چون اشجار جویبار انقطاع از نسیم  
 عنایت روحی تازه یابید • امید من چنانست که آن بوم و بر پرتو  
 آفتاب انور گیرد و ان حدود و ثغور مورد الطلّف رب غفور شود  
 گلستان الهی تشکیل گردد • و کلهای حدیقه رحمانی بشکفتد

بحر رحمت بموج آید و گوهر متلاًلاً رحمانی نثار گردد \*

صبح هدایت بدمد آن آفاق را روشن کند

بهريك از شما تحت ابداع ابي

بنهایت اشتیاق ابلاغ میدارم

۷ رمضان سنه ۱۳۳۹

﴿عبد البهاء عباس﴾

## هو الله

ای یاران عبد البهاء در این دور الهی و عصر ربانی اساس اصلی و مقصد حقیقی وحدت عالم انسانیست تا بسبب این اتحاد و اتفاق جمیع منازعات و مخاصمات از بین بشر برخیزد \* و شاهد وحدت حقیقیه در انجمن عالم جلوه نماید \* حال مروّج این وحدت باید احبای الهی باشند تا بقوهٔ رحمانی ظلمات ییکانگی از عالم انسانی زائل نمایند \* و دلبر ییکانگی در نهایت صباحت و ملاححت عرض جمال فرماید \* اگر چنانچه در میانهٔ خود یاران اذنی اغبراری باشد دیگر چگونه چنین امر عظیم تحقق یابد لهذا باید هر يك از یاران بدل و جان سعی بلیغ فرماید که اذنی غباری بر آئینهٔ وحدت اصلیه ننشینند و روز بروز محبت و ألفت و مؤانست و معاشرت و ملاطفت در بین احباب تزیید یابد \*

الهی الهی انی اغبرّ جبینی واءفر وجهی بتراب الذل والانکسار

الى ملكوت الاسرار \* وأدعوك بقلب خاضع خاشع مبتهل  
متضرع مجتريح منتزع الى عتبة قدسك في عالم الانوار أن تخرق  
حجبات الكثرات حتى يتجلى جمال الوحدة الاصلية في القلوب  
بآيات بينات \* رب اجعل احبائك أمواج بحر أحديتك ونسائم  
رياض فردانيتك ونجوم سماء الالفه والوداد \* ولتألى بحور المحبة  
والرشاد حتى يشربوا من معين واحد ويستنشقوا من هواء واحد  
ويتنوروا بشمع واحد ويتوجهوا بكليتهم الى عالم التجريد ومركز  
التوحيد \* انك أنت المقتدر العزيز الكريم المتعالى المجيد \* أى ياران  
عبد البهاء بعد از قرائت اين نامه نوزده نوزده درامكنه متعدده

وازمينه مختلفه از احبای فرقاتی وکلیمی اجتماع نمائید

وبعد از تلاوت و قرائت آیات و مناجات نامه

این مشتاق را بخوانید و مناجات را تلاوت

کنید و بایکدیگر مصافحه و معانقه

نموده و میثاق الفت و یگانگی را

تجدید نمائید \* و علیکم

التحیة و الثناء

﴿ ع ع ﴾

## لَهُوَ اللَّهُ

يا مغيث الملهوفين ومجيب المضطرين ومجير اللائذين اغثنى من  
 غمار بحار البلاء واتقذنى من وهدة البأساء والضراء وآسنى فى  
 وحشة الوحدة والمحنة الكبرى ونجنى من دهشة الحرمان وحرقة  
 الفرقة والهجران يا ذا الأسماء الحسنى \* رب وفقنى على الوفاء  
 واحفظنى من الجفاء واشفى من كل داء ويسرلى الدواء وزدلى فى  
 النعم والآلاء وانزل على مائدة من السماء واشغنى بك عن كل  
 الاشياء وهيمنى بحبك فى الآخرة والاولى \* اى رب وفد ذليل  
 بباب رحمتك وقصد عليل معتل الشفاء بفضلك وموهبتك  
 ووقع دخيل بفناء حضرتك ملتجئاً بعتبة رحمانيتك فادركه  
 بجودك وتأيدك ووقفه على خدمتك وقربه اليك  
 واحضره بين يديك والتوكل عليك  
 انك أنت الكريم الوهاب

﴿ ع ع ﴾

الحمد لله الذى وفق العبد الفانى ﴿ فرج الله زكى الكردى ﴾  
 لاتمام هذه المكاتيب المباركة بعد كمال السعى والجهد فى  
 التصحيح والتحسين \* وكان ذلك فى يوم الكمال  
 من شهر الجلال من سنة ٧٩ من ظهور نقطة  
 البيان الموافق ٢٠ شعبان المعظم سنة  
 ١٣٤٠ - ١٨ ابريل سنة ١٩٢٢

## ﴿ فهرست جزء ثالث ﴾

« از مکاتیب حضرت عبد البهاء »

( بذكر عنوان وأوائل ألواح محض تمیز از هم دیگر )

و اما فهرست مفصل در بیان مطالب مندرجه

در آخر این فهرست منضم و ملحق است

## ﴿ ملاحظه ﴾

چون در آغاز چاپ این مکاتیب مبارکه اذن مبارک برای ذکر  
عنوان و صاحبان ألواح احبای شرق نبود • لهذا بعضی از الواح  
بدون عنوان چاپ شده • ولکن در اثناء چاپ اذن مبارک  
حاصل شد • لهذا هر لوحی که باین عبد رسیده و بدون  
عنوان طبع شده در این فهرست عنوان و ذکر  
صاحبانش طبق اصل نزولی ذکر خواهد  
کردید • ملاحظه نمائید

دوره اول الواح عمومی

صحیفه

۲ که در اثناء جنگ عمومی بافتخار ابناء ایالات متحده امریکا

وکانادا نازل شده عبارت از هشت لوحست

۳۶ ﴿ دوره دوم الواح عمومی ﴾

امریکای شمالی و جنوبی « عبارت از شش لوح است »

- ۶۴) کالیفورنیا سانفرانسیسکو و اعضای کنکره بین المللی بهائی ...  
 ای انجمن روحانی این انجمنی که تشکیل نمودید ...
- ۶۵) (لوح مبارک بافتخار ۱۶ نفر از احبای امریکا نازل)  
 ای عاشقان حقیقت و خادمان عالم انسانی ...
- ۶۹) (واشننگتون ... جناب مستر روی ولیمس ...  
 ای ثابت برپیمان سه نامه از تو متتبعار رسید ...)
- ۷۲) (اهاپو کلیولند .. احباء الله و اماء الرحمن ...)  
 ای ابناء و بنات ملکوت نامه شمارسید از مضمون ...
- ۷۳) (نیویورک امة الله مادریجر ...)  
 (آیتها المنجذبة بنفحات الله قد اطلعت بمضمون کتابک ..)
- ۷۶) (واشننگتون .. ایلینوی اورینا احبای الهی ..)  
 (ای احباء الهی و اماء رحمن نامه مفصل شما بر ثبوت ..)
- ۷۸) (اوهاپو اکرون .. احبای الهی و اماء رحمن ...)  
 ای ابناء و بنات ملکوت نامه شمارسید ...
- ۷۹) (ماساجوست و یماوث امة الله مسیس سارا اولش ...)  
 ای کنیز خدا هرزنی که کنیز خدا گردد آن نخر ...
- ۸۰) (اعضای محفل روحانی ..) ای نفوس مبارکه هر چند شما ...
- ۸۱) (کالیفورنیا سانتا باربارا ..) ای ابناء و بنات ملکوت ..
- ۸۲) (الینوی شیکاگو .. ایالات مرکزی امریکا ..) ای یاران ..
- ۸۴) (کالیفورنیا .. لاس انجلیز .. احباء الهی ..) ای احباء ..



- ۸۸ (شیکاگو . أبناء وبنات ملکوت ..) ای ثابتان بر عهد و پیمان
- ۹۱ (کالیفورنیا امة الله المحترمه مسيس كودال و امة الله المنجديه  
مسيس كوپر ..) ای دونفس مؤمن مبارکه چند سالست .
- ۹۲ (المان احبای الهی) ایها المختارون فی ملکوت الابهی ..
- ۹۵ (هونولولو احبای الهی .) ای یاران مهربان و امام رحمن ..
- ۹۶ (هاوای هونولولو جناب مستر و مسيس او کر ..) ای دو حمامه
- ۹۸ (ژاپان توکیو .. ایکو موشیزوکی) ای دختر عزیز نامه تو ..
- ۹۹ (ژاپان توکیو مستر تو کوجیرای ترای) ای صاحب دل بینا ..
- ۱۰۰ (جواب نامه جمعیت لاهای) ای اول اشخاص خیر خواه ..
- ۱۲۲ (مختصر واقعه مؤلمه شهیدان در یزد و اصفهان)
- ۱۴۶ (ای ثابت بر پیمان ..) (این لوح در واقعه شهیدان تبریز است)
- ۱۵۲ (طهران حضرت آواره علیه ۹) ای ثابت بر پیمان  
(این لوح لوح شهید میرزا یعقوب متحده است بامناجاش)
- ۱۵۴ نامه مفصل شما .. (در واقعه شهدای اصفهان است)
- ۱۵۷ ای حزب الله نامه بامضای شما عموماً و اصل ...
- ۱۶۴ الحمد لله الذي ظهرت آياته و بدت بيناته ...
- ۱۶۷ اللهم يارب المللكوت المتجلل بالجبروت ...
- ۱۷۲ ای کنیز عزیز الهی نامه شما رسید از کلشن ...
- ۱۷۵ (کرمان بواسطه پیرزا عنایت جناب میرزا عیسی اصفهانی)  
ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید الحمد لله محفوظا ..

- ۱۷۶ ای یاران مهربان صبح است و عبد البهاء جای ...
- ۱۷۸ ای منقبین حضرت زائر علیکم وعلیکن بهاء الله
- ۱۸۰ ای زائر مشکین نفس باید چون مانند نفحات ..
- ۱۸۱ ای مقتبسان نار محبت الله حضرت موسی ...
- ( این لوح باسم ده نفر از احباء ایران نازل شده )
- ۱۸۲ ( پ روحیه ) آیتها المحترمه قد وصل تحریک البدیع
- ۱۸۴ بواسطه منیرزین الاکودال کوپر (
- در طبع مرزین است تصحیح نمائید )
- ای منجذبه ملکوت الله نامه مفصل رسید ..
- ۱۹۰ یا من نطق السن الکائنات بآیات المحامد ...
- ۱۹۱ ( مصر بتوسط الشیخ فرج الله فضیلة الشیخ محمد بخیت
- مفتی الدیار المصریة ) حمد المن اشرق انواره وانکشف اسراره
- ۱۹۲ ( مصر الروضه بواسطه الشیخ فرج الله ذو الشهامة الکبری )
- ( حضرة عثمان باشا مرتضی ایدہ الله .. آیها الشهم الجلیل
- أمیر الوفاء شهیر الولاہ ...
- ۱۹۸ ( قاهره جناب محمود فهمی ) آیها الحیب قد وصل تحریکم
- ۱۹۹ ( اسلامبول احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی )
- ای یاران مهربان عبد البهاء صبح است ...
- ۲۰۲ ( بادکوبه احبای الهی .. ) ای عا کفان کوی دوست
- ۲۰۳ ( شیراز جناب آقا میرزا فضل الله نوری علیه ۹ )

ای ثابت بر پیمان روزنامه مفصل شمارسید...

۲۰۵ طهران بواسطه جناب امین ( باسم ۷ نفر نازل شده )

ای ثابتان بر پیمان نامه شمارسید ولی عبدالبهاء ..

۲۰۶ ( مشهد جناب محمدرحیم عارف علائی ) ای مفتون حقیقت

۲۰۸ ( شیراز بواسطه جناب آقا محمد حسن بلور فروش ... )

( باسم ۹ نفر نازل شده ) ای ثابتان ای راسخان ...

۲۱۱ ( امریکا احبای الهی ) ای احبای الهی اساس ملکوت ...

۲۱۳ ( طهران - تا کر مفتون شعله طور در کشور نور ولد مرحوم

عمو علی علیه ۹ ) ای بنده حضرت بهاء الله ...

۲۱۴ ( طهران ) ( باسم جمعی از فضلالی طهران نازل گردیده )

ای مقربان درگاه کبریا صبح است و خسر و خاوری ....

۲۱۵ ( بواسطه صبحی - امة الله مفتاح الملوك ) ای سر کشته ...

۲۱۶ ( سنکسر - بواسطه جناب آقا حاجی میرزا حیدر علی

( جناب الله قلی ) ای ثابت بر پیمان الحمد لله بتزیت ..

۲۱۷ همدان اشخاص محترمی که اعانه سالیانه تعهد نموده اند که

بمدرسه تأیید و موهبت برسانند .. ای مظاهر الطاف ...

۲۱۸ ایها המתحنون فی محبة الله قال الله تعالی فی القرآن العظیم

۲۲۰ ( مصر جناب الشیخ فرج الله علیه التحیة والثناء )

ایها الفرّج القریب نامه شمارسید و ملاحظه کردید ..

۲۲۱ ( مصر حضرة الشیخ فرج الله الزکی الکردی علیه التحیة .. )

- أيها الحبيب قد انشرح صدري بمطالعة نميقتك الوجيزة الفراء ..
- ٢٢٠ ( مصر جناب الشيخ فرج الله ) يا صاح هذه الرسالة  
( بشرى العالم ) موضوعها جليل ودليلها واضح ....
- ٢٢٣ ( مصر حضرة فرج الله زكي افندي الكردي عليه التحية .. )  
أيها الفاضل الرباني قد اطلمت بمضمون الكتاب ..
- ٢٢٥ ( مصر بواسطة حضرت أبي الفضائل الشيخ فرج الله الزكي  
عليه التحية والثناء أيها الفاضل الجليل قد وردني رقيم كريم .. )
- ٢٢٦ ( مصر حضرة الشيخ فرج الله الكردي أيها الحبيب الروحاني )
- ٢٢٧ ( مصر ) جناب آقا محمد تقی اصفهانی ( ای ثابت بر ایمان .. )
- ٢٢٨ ( مصر - أمة الله حرم جناب شيخ فرج الله عليها بهاء الله .. )  
( يا أمة الله ان قرينك الجليل قد حضر الى البقعة المباركة )
- ٢٢٩ ( كرمان بواسطة جناب زائر رضوی .. أمة الله بهجت ... )  
يا امة الله المنجذبة بنفحات الله قد وصلتني نميقتك ...
- ٢٣١ ( رشت - أمة الله المنجذبة بنفحات الله ورقه طيبه خديجه  
سلطان ) ای ورقه طيبه رحمانيه نامه ئي كه با قاميرزا ..
- ٢٣٢ ( واشنكتن جناب مستر ريمي ) ای جوان نورانی
- ٢٣٣ ( طهران - أيها المخلصون أيها المقربون ... )
- ٢٣٦ ( اللهم يا هادي الطالبين الى سبيل الهدى ... )
- ٢٣٨ ( ترجمه حال حضرة افنان سدره مبارکه جناب (موقر الدولة)
- ٢٤٢ ( مناجات طلب مغفرت بجهة حضرت موقر الدولة الهی الهی )

- ۲۴۴ شیراز جناب رفیع الرفیع ذوالخلق البدیع ملاحظه فرمایند  
 أيها الفاضل الجلیل انی انضرع الی الملکوت الاعلی ...)
- ۲۴۶ ای جو یابی حقیقت . نامه رسید و مقصد معلوم کردید ..
- ۲۴۹ (نیویورک - مستر رسلینک بر ستره ود) ای مفتون حقیقت
- ۲۵۲ الهی الهی - ترانی کیف تهلیل و جہی و ابتهج قلبی
- ۲۵۴ شیراز - آقا شیخ محمد هاشم آقا . حمد المن أنار الافق الاعلی ..
- ۲۵۶ شیراز - حاجی محمد رضا ای بنده الهی نامه شما وصول یافت
- ۲۵۷ (میرزا زمان خان - ای طالب حقیقت انسان جزء اعظم ...)
- ۲۵۷ (بمبئی - بامس مهربان ای بنده الهی در خصوص چشم پاک ..)
- ۲۵۸ (بندر جز احبای الهی ..) ای احبای الهی و اماء رحمن ..
- ۲۶۱ مناجات طلب مغفرت بجهت متصاعد الی الله آقا ابو القاسم ..
- ۲۶۳ (جناب میرزا محمد لیب زائر) ای زائر مشکین نفس ...
- ۲۶۴ (اسلامبول - احبای الهی) ای روحانیان - ای نورانیان
- ۲۶۵ مناجات طلب عون و عنایت بجهت شرکه نونہالان قزوین
- ۲۶۶ (طلب مغفرت از برای جناب آقا محمد ابراهیم ...)
- (رب ورجائی ادعوك في غدوی واصلی ...)
- ۲۶۷ (عشق آباد - حضرت آقا شیخ محمد علی المنتسب الی النبیل  
 الجلیل القائی علیہ بہاء الله الابہی) ای مبلغ حقیقی ...
- ۲۶۹ (طهران - بواسطہ جناب آقا غلام علی دو افروش)  
 عشق آباد حضرت آقا شیخ محمد علی قائی علیہ بہاء الله الابہی

- ای منادی پیمان نامه ئی که بتاریخ ۲۳ ربیع الاخر .
- ۲۷۱ (مازندران - امام رحمن ۰۰) ایها المؤمنات ایها القانتات .
- ۲۷۲ (بفداد احبای الهی ۰۰) ایها العصبه الثابته والثله الراسخه .
- ۲۷۳ عشق اباد جناب اقا سید مهدی کلپایکانی علیه بهاء الله الابهی  
(رب ورجائی انادیک فی العشی والابکار . . .)
- ۲۷۵ بواسطه جناب اقا کر بلائی حسین زائر علیه بهاء الله الابهی  
(اسلامبول احبای الهی . .) یاران مهربانا چندی پیش . .
- ۲۷۷ (عشق اباد) جناب اقا سید مهدی کلپایکانی علیه بهاء الله الابهی  
(ای یادگار ابو الفضائل چندماه پیش جواب نامه مفصل
- ۲۸۱ (عشق اباد) اعضای محفل خورشید خاور . . ای یاران الهی
- ۲۸۳ (عشق اباد محفل روحانی . . ای یاران روحانی عبد البهاء
- ۲۸۷ عشق اباد حضرة من فاز بالفوز العظيم ایها الحبيب . .
- ۲۹۱ بواسطه اقا رحمت الله نجف اباد احبای الهی و امام رحمن  
ای نفوس مبارکه نامه که بجناب رحمت الله مرقوم .
- ۲۹۴ «مصر» جناب حسین افندی تقی ایها السلیل المجید . .
- ۲۹۵ «بمبئی» جناب اقا میرزا محمود زرقانی ای احبای الهی
- ۲۹۷ بواسطه جناب مطلق جناب میرزا عبد الوهاب ای نفس
- ۲۹۹ «طهران» بواسطه امین جناب میرزا عبد الله مطلق  
ای بنده صادق جمال مبارک نامه ئیکه از زنجان
- ۳۰۱ (عشق اباد اعضای محترمه محفل اشکولین ای صاحبان

- ۳۰۲ (عشق آباد) اعضای محفل خدمت... ای نفوس مبارکه ..
- ۳۰۳ (عشق آباد) اعضای کمیته مشرق الاذکار... ای یاران الهی ..
- ۳۰۵ (هندوستان) رتنا کری کروی احبای الهی... ای یاران الهی ..
- ۳۰۸ (طهران) جناب دکتور اوسطو خان ای ثابت بر پیمان همنام تو ..
- ۳۰۹ (بالاخانه) احبای الهی .. ای احبای الهی و اماء رحمن الحمد لله ..
- ۳۱۱ (باطوم) احبای الهی و اماء رحمن .. ایها المخلصون \*
- ۳۱۳ (سویسرا) لوزان بواسطه جناب ریاض سلیم .. ای دو نفس ..
- ۳۱۴ (نیویورک) امة الله مسیس دریفوس \* ای خانم محترم نامه شما  
بشوقی افندی رسید \*
- ۳۱۶ (هندوستان) برما مندلہ جناب آقا سید مصطفی ای ثابت ..
- ۳۱۸ (طهران) بواسطه جناب امین الهی ای انا جیک و انا غریق
- ۳۲۰ (قزوین) بواسطه جناب حکیم باشی مناجات طلب مغفرت \*
- ۳۲۵ (مصر) جناب شیخ فرج الله قریب کردی ایها الحیب ..
- ۳۲۶ (مصر) حضرة الشيخ فرج الله \* ای شیخ محترم در السن ..
- ۳۲۸ (کرمان) جناب آقا مهدی انارکی . ای ثابت بر پیمان ..
- ۳۲۹ طهران بواسطه جناب امین جناب آقا میرزا عبد الله مطلق  
و جناب آقا میرزا محمود .. ای دوبنده استان مقدس \*
- ۳۳۰ بواسطه جناب آقا میرزا حسین جناب مطلق . ای جناب مطلق
- ۳۳۱ طهران بواسطه جناب امین جناب میرزا عبد الله مطلق  
ای منادی امر الله الحمد لله در عراق سبب انتشار اشراق کشتی

- ۳۳۱ (هولاند) بلاریکوم جناب مستر جورج ای منجذب
- ۳۳۴ (قزوين) أحبای الهی عموماً و اماء الرحمن .. همدان ..
- ( ای احبای الهی جناب میرزا الیب زائر ) ..
- ۳۳۷ بواسطه امة الله لیلی . آباده . آقا میرزا بدیع الله آگاه  
ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید ..
- ۳۳۹ بواسطه زائر روضه مبارکه رستم مهربان هند . صورت  
(جناب مستر وکیل و حرم محترمه اش ) ای دو شمع محبة الله
- ۳۳۹ ( هندوستان ) پونه اعضای محفل روحانی ای ثابت بر پیمان
- ۳۴۰ جناب مسیو اندره . ای زائر تربت پاک حمد کن خدارا ..
- ۳۴۲ (هندوستان) مندلہ جناب آقاسید مصطفی ..
- ای ثابت بر پیمان نامه ۱۹ اغسطوس ۱۹۱۹ رسید
- ۳۴۳ ( مشهد ) اعضای محفل روحانی . ای نفوس مبارکه نامه ..
- ۳۴۴ ( طهران ) جناب صنیع السلطان \* یاروفادارا کویند ..
- ۳۴۵ ( طهران ) جناب آقاسید نصر الله باقراوف ..
- ای ثابت بر پیمان مدتی بود که مخبره بکلی منقطع
- ۳۴۷ ( کرمان ) اعضای محفل روحانی و احبای الهی .
- ای ثابتان بر پیمان الیوم این عنوان از ابداع الحان ..
- ۳۵۱ ( طهران ) احبای الهی عموماً . الهی الهی تری أحبک ..
- ۳۵۳ ( بمبئی ) جناب بهمد بهرام و کنیز درگاه الهی ..
- ای یاران ویاوران عبد البهاء فرصت ندارم ..



- ۳۵۴ مصر بواسطه الشيخ فرج الله . الشيخ عبد الهادي الزيان .  
صناديد متصوفه .. ( لوح و حدة الوجود است )
- ۳۵۹ ( کرمان ) جناب آقا جواد نخود بریز . ای بنده صادق
- ۳۶۱ جناب زائر حاجی محمد رضا همدانی . . ای زائر ارض مقدس
- ۳۶۳ جناب زائر میرزا حبیب الله ... ای سلاله حضرت خلیل ..
- ۳۶۵ ای پروردگار در کتب و صحف ( بشارت رجوع یهود است )
- ۳۶۶ ای ثابت بر پیمان چشمه آب حیات ( بیان ذوالقرنین است )
- ۳۶۶ ای زجاجات سراج و هاج پیمان حقائق مقدسه ..
- ۳۶۹ ای زائر مطاف ملا علی الحمد لله بعون و عنایت الهیه
- ۳۷۰ ای دو مؤمن موقن . . ( در خصوص حرمت نکاح پسر )  
بزوجات پدر و طلاق و میراث و غیر ذلك است
- ۳۷۳ جناب میجر مود مخبر رور نامه تيمس مقيم طهران  
ای خادم صادق عالم انساني نامه شما که بتاريخ اول ...
- ۳۷۵ هولاند \* مسس جولیا . . ( ای طالب حقیقت نامه . . )
- ۳۷۷ ( فیلادلفیا ) دکتور کوچ . . ( ای ثابت در ملکوت )
- ۳۷۸ جناب قسيس الفرد ( ای شخص محترم نامه مفصل شمارسید )
- ۳۸۰ ( هولاند ) جناب مستر ۱۰۱ ( ای حقیقت جو . . )
- ۳۸۶ ( کالیفورنیا ) مسس شهناز \* ای دختر ملکوت نامه شما
- ۳۸۸ ( جی ایس بروکر ... ) ای متحری حقیقت نامه شما رسید
- ۳۹۰ استو کارت جناب مستر ایچ ای پرستنده حقیقت نامه شما

- ۳۹۱ ( ادلیا دیوکر ) ای بنت ملکوتی نامهٔ تورسید ..
- ۳۹۲ ( مستر تی ل .. ) ای منجذب حقیقت نامهٔ بتاریخ.
- ۳۹۴ ( مدراس جناب ۱۰ ی رنکاسوای ایر )
- ای مفتون حقیقت و مجذوب دلبر آفاق نامهٔ مفصل شما
- ۳۹۶ هولاند جناب مستر . و . ل کنکر یته .۰۰۰ )
- ای مفتون حقیقت نامهٔ شما تاریخ ۱۹۲۱ رسید ..
- ۳۹۸ ( رورند الفرد هیلز ) ای دوست عزیز نامهٔ شما رسید
- ۳۹۹ ( روزا کالیش ) ای محب عالم انسانی نامهٔ تورسید
- ۴۰۰ ( رورند الفرد هیلز ) ای شخص جلیل نامهٔ شما ۲۴ نوامبر
- ۴۰۲ فیرهوب الاباما جناب مستردیلی .. ای بندهٔ صادق ..
- ۴۰۷ جناب میرزا عبد الحسین سلیل سید محسن .. ای دو یادگار ..
- ۴۱۰ امریک عموم أحبای الهی .. ای یاران الهی ..
- ( لوحیست که قبل از صعود بد و هفته نازل شده )
- ۴۱۳ أحبای الهی و دوستان حقیقی و امام رحمانی در شرق و غرب
- ای یاران باوفا . ای بندکان صادق حضرت بهاء الله
- ۴۲۷ أحبای بغداد .. ایها المخلصون ایها الثابتون ایها المنجذبون
- ۴۲۸ ( جناب زائر آقا میرزا الیاس میثاقیه .. )
- ای زائر عتبهٔ مبارکه حمدکن خدارا که موفق \*\*
- ۴۳۰ قزوین بواسطهٔ جناب حکیم باشی جناب میرزا الیاس
- میثاقیه . ای یار روحانی نامهٔ مفصل شما رسید

- ۴۳۱ (طهران بواسطه جناب امین جناب میرزا الیاس کاشانی)  
 ای ثابت برپیمان نامه که بجناب امین مرقوم نموده بودی
- ۴۳۲ (القاهره بواسطه الزائر جناب الشیخ فرج الله زکی الکردی  
 (المحرر التحریر الشهم الجلیل سعاده خلیل بک ثابت)
- ۴۳۴ (بواسطه زائر میرزا الیاس میثاقیه ..)  
 ای یاران نورانی جناب میرزا الیاس زائر خواهش تحریر
- ۴۳۶ (لندن آمة الله الیزابت هر یک علیها بقاء الله الاهی)  
 ای دختر ملکوت نامه ات رسید و از مضمون .
- ۴۳۸ (لندن بواسطه جناب میرزا یوحنا داود ..  
 ای ابناء و بنات ملکوت نامه شما که بالهام آسمانی
- ۴۳۹ (لندن آمة الله مس روزنبرک) ای کنیز عزیز الهی .  
 ۴۴۲ (لندن بواسطه جناب آقا میرزا یوحنا داود)  
 استتکارت احبای الهی و امام رحمن ..
- نامه شمارسید و بملکوت آبی تضرع و ابتهاج کردید
- ۴۴۳ (لندن بواسطه یوحنا داود و اسکندر خان مسیس اکنس  
 ای منادی بملکوت چنین معلوم است که در جنوبه ...
- ۴۴۴ بواسطه آقا شیخ فرج الله لندن جناب میرزا یوحنا داود)  
 ای ثابت برپیمان دو روز پیش نامه بشمانکاشته گشت
- ۴۴۵ (لندن جناب میرزا یوحنا داود .. ای یار عزیز \*\*\*)  
 ۴۴۷ (لاهای جناب احمد خان یزدانی \* ای بنده آستان \*\*)

- ۴۴۹ ای دوست ملکوتی ازان دم که فراق حاصل \*\* (
- ۴۵۱ جناب داود ولد آقا بالا \*\* ای داود حضرت داود \* (
- ۴۵۲ ( لندن \*\* احبای الهی \*\* ای بهائیان نورانیان )
- ۴۵۳ ( اطرایش جناب آقا میرزا یوحنا داود \*\* ای یار عزیز )
- ۴۵۴ ( لندن جناب یوحنا بن داود \*\* ای ثابت بر پیمان )
- ۴۵۵ لندن جناب میرزا یوحنا بن داود \* ، ای ثابت بر پیمان )
- ۴۵۶ ( لندن جناب یوحنا بن داود ای دوست عزیز )
- ۴۵۷ ( بواسطه یوحنا داود احبای سویس \* ای اهل ملکوت )
- ۴۵۸ ( لندن جناب میرزا یوحنا بن داود \* ای غریب دیار الهی )
- ۴۶۰ ( لندن جناب میرزا یوحنا بن داود ای دوست عزیز خردرا )
- ۴۶۱ ( لندن جناب یوحنا بن داود \* ای ثابت بر پیمان نامه )
- ۴۶۳ ( لندن لورد ویردال \* دوست ملکوتی محترم من \*\* )
- ۴۶۴ ( لندن جناب مستر الکسندر هوایت \* ای دوست محترم )
- ۴۶۴ ( لندن بواسطه آقا میرزا یوحنا داود مسس دردر  
 ای دختر ملکوت مقاله فی که مرقوم نموده \*\*
- ۴۶۵ ( لندن جناب یوحنا داود ) ای بنده صادق \*\*
- ۴۶۷ لندن بواسطه میرزا یوحنا ، بنت ملکوتی خادمه و حدت )  
 عالم انسانی \* ای بنت ملکوت نامه شما از اوین برک رسید
- ۴۶۹ ( لندن بواسطه میرزا یوحنا داود آمة الله مارکارت دورینک  
 ای بنت ملکوت نامه شما رسید \* )

- ۴۷۰ ( لندن \* مای لآمینکتون ای طالب وحدت عالم انسانی،  
 ۴۷۱ ای یاران و امام رحمن حمدخدارا که در نهایت الفت ...  
 ۴۷۱ (مشهد اعضاء محفل روحانی) ای یاران باوفای من ...  
 ۴۷۳ ( بمبئی جناب آقاعلی اکبر یزدی جناب آقا میرزا جعفر یزدی )  
 ای نفوس مبارکه دُر دانه تادرا غوش صدفست \*\*  
 ۴۷۴ (المان بادن جناب پروفسر المحترم دکتور فورال المعظم)  
 ای شخص محترم مفتون حقیقت نامه شما که \*\*  
 ۴۹۱ (۸) لوح متتابع بافتخار حضرت الشیخ محی الدین صبری \*\*  
 ۴۹۸ ( طهران حضرت علی قبل اکبر ) ای منادی پیمان ایامی و  
 ۵۰۲ ( مصر جناب آقا میرزا أبو القاسم کلستانه ) ای ثابت بر پیمان  
 ۵۰۴ ( اول فریضه اصحاب شور خلوص نیت \*\*  
 ۵۰۵ ( بمبای \* ای یاران الهی ) ( ایضاً در آداب محافل روحانی ) \*  
 ۵۰۸ ( اُحبای نیریز \* \* ) ای بندکان الهی و امام رحمن \* \*  
 ۵۱۰ ( ای یاران ) عبد البهاء در این دور الهی ...  
 ۵۱۲ ( مناجات ) یامغیث الملهوفین . . ) و یلیها الخائمه

﴿ فهرس مختصر با تمام رسید ﴾



( فهرس مفصلاً ملاحظه نمائید )

﴿ فهرس مفصل مطالب مندرجہ ﴾

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

صفحہ      ﴿ مشتمل برہشت لوح ﴾

۲      لوح اول بافتخار احباب و امام رحمن در (۶) ایالات شمال شرقی

ایالات متحدہ امریکا \* در تشویق و تبلیغ و ہدایت اہل  
ان ایالات (۲۶ مارچ ۱۹۱۶)

۵      لوح دوم بافتخار احباب و امام رحمن در (۱۶) ایالات جنوبی

ایالات متحدہ \* در تشویق و تحریر بر ہدایت اہل  
ان ایالات قاطبہ (۲۷ مارچ ۱۹۱۶) \*

۷      لوح سوم بافتخار احباب و امام رحمن ایالات مرکزی ایالات

متحدہ امریکا در تشویق و تحریر بر تبلیغ امر اللہ و ارسال  
نفوس مبارکہ و مبلغین منقطعہ فی بان نوامی (۲۹ مارچ ۱۹۱۶) \*

۱۰      لوح چہارم بافتخار احباب و امام رحمن در یزدہ ایالات غربی

ایالات متحدہ \* در تشویق و ترغیب بر قیام بخدمت عظمی  
و نبیہ از شرح سفر مبارک باسریاک و ظہور مہداف بیانات  
مبارکہ از قبیل حروریات عالمہ در اقالیم و قطععات اروپا  
ورسیدن وقت نشر صفحات۔ (اول اپریل ۱۹۱۶)

۱۱      لوح پنجم بافتخار احباب و امام رحمن ایالات کانادا و غیرہ

در تشویق و تحریر بر نشر نفحات الله و اعلاء نداء ملکوت

الله و قیام بر هدایت کبری ﴿ پنجم اپریل ۱۹۱۶ ﴾

۱۵ لوح ششم بافتخار اُحباء و اماء رحمن محافل و مجامع ایالات

متحده و کانادا در تشویق و ترغیب بر اینکه اُحباء الهی

ردای تعاقب با ین عالم فانی را خلع نمایند - و از عالم بشریت بکلی

منسلخ شوند - و چون ملائکه آسمانی سفر بان اقالیم نمایند

و اسرافیل حیات کردند و در نفوس سائره نفعه حیات بدمند

و مناجاتی در حقشان نازل - هشتم اپریل ۱۹۱۶

۱۹ لوح هفتم بافتخار اُحباء و اماء رحمن محافل و مجامع ایالات

متحده و کانادا در تشویق بر اینکه اُحباء و اماء الهی تاسی

بحضرت مرکز میثاق جمال ابهی نمایند و هزار مرتبه بر همت

یغفر ایند و خلاصه تعالیم مبارکه را بعد از این جنک عظیم ممالک

وسیمه اُورپا قاطبه - و سائر جزایر نشر دهند - و در جمیع

ممالک چون ستاره صبحکاه بدرخشند - و بشاراتی

با اُحباء و مبلغین •

۲۶ مناجات بجهت نفوسیکه برای تبلیغ سفر مینمایند ( یازدهم

اپریل ۱۹۱۶ )

۲۷ لوح هشتم - بافتخار اُحباء و اماء رحمن محافل و مجامع ایالات

متحده و کانادا در بیان اینکه مبلغین امر الله باید بشرائط

مدرجه در این لوح مبارك متصف باشند تا فائز باین مقام  
اعلی شوند - و حکم حواریین بهاء الله در ایشان محقق شود  
و در صفت مبلغین بعد از شرائط ثلاثه بیانی مفصل  
میفرمایند •

۳۲ تشکیل محفل تبلیغ - و مدارس تبلیغ برای تعلیم نورسیدگان  
امر و تأسیس دائره ترجمه الواح بوجود نفوسیکه ماهر  
و کاملند در لسان فارسی و عربی و آلسن مختلفه اجنبیه  
و الواح و کتب استدلالیه را طبع و نشر در اقالیم خسته عالم  
نمایند - و نهایت انتظامی در تحریر مجله نجم با ختر بدهند  
و نفوسی که در لسان چینی و ژاپونی ماهرند برای تبلیغ  
بآئمالک بشتابند •

و وعده صریح در اینکجه بعد از این حروبات آوریا استعداد  
بدیعی برای استماع کلمه الله و نداء امر الله در خلق عالم احداث  
خواهد شد و در اندک زمانی بقیام مبلغین امر الله بشرائط  
مذکوره نتایج کلیه حاصل خواهد شد و علم صلح عمومی  
در قطب عالم موج خواهد زد و چهارا روشن خواهد ساخت  
مناجات در حق ثابتین راسخین قائمین بر امر الله •

۳۴ ﴿دوره دوم الواح عمومی - امریکای شمالی و جنوبی﴾  
(مشمول بر ۶ لوح مبارك)



۳۶ لوح اول - بافتخار اُحباء و اماء رحمن در ( ۹ ) ایالات شمال شرقی ایالات متحده آمریکا \* در بیان اینکه جمیع اقالیم حکیم یک اقلیم را دارد ولی شرف و مزیت هر اقلیمی بر اقلیم دیگر بایمان و ایقان است چنانکه بظاهر هر اقلیمی از اقلیم دیگر در لطافت هواء و عذوبت ماء و حلاوت کوه و دشت و صحرا ممتاز و مستثنی است - مثل فلسطین و حجاز - و چون این اقالیم تسعه بقدم مبارک حضرت عبد البهاء که دهقان الهی حقیقی است مشرف گشته در اکثری از نفوس استعداد قبول کلمة الله پیدا شده - و باب تبلیغ مفتوح گشته حال ایاری لازم دارد - در آخر لوح مناجاتی نازل شده که هر یک روزی یکمرتبه باید تلاوت نمایند - ( ۲ فبرایر ۱۹۱۷ )

۴۰ لوح دوم بافتخار اُحباء و اماء رحمن در ( ۱۶ ) ایالت جنوبی ایالات متحده آمریکا در بیان آنکه فلاسفه قرون اولی و وسطی و قرون اخیره متفقند بر اینکه اقالیم منطقه معتدله بهترین اقالیمند لهذا چنانکه این اقالیم ( ۱۶ ) من حیث الظاهر در استعداد برای وصول بمدارج کمالیه ممتاز می باشد برای فوز بمراتب کمالات روحانیه نیز استعداد کامل دارد \* پس بتعالیم الهیه و نفثات روح القدس جلوه و تأثیری عظیم

خواهد بخشید - و این منوط است بقیام احبای منقطه بین  
 بانیت خالصه خیره و عزم ثابت و روحی مستبشر و لسانی  
 ناطق در ترویج تعالیم الهیه و چون چنین شود حتم است که  
 وحدت عالم انسانی در قطب آمریکا خیمه برافرازد و جمیع  
 ملل متابعت سیاست الهیه نمایند - در آخر مناجاتی نازل  
 شده برای مسافرینی که بمدن و قریاء آن ولایات محض نشر  
 تعالیم الهی سفر مینمایند هر روز صبحی تلاوت نمایند  
 (۳ فبرایر ۱۹۱۷)

۴۴ لوح سوم - بافتخار احباء و اماء رحمن در (۱۲) ایالت  
 مرکزی ایالات متحده آمریکا در بیان اینکه این ایالات  
 دوازده گانه مرکزی بمنزله قلب آمریکا است و چون قلب  
 قوی گردد جمیع اعضا و جوارح قوت یابد و شیکاگو حکم  
 قلب پر قوتی آن مملکت را دارد که باموردی عظیمه موفق  
 شده مثل اینکه در بدایت ندای بملکوت از شیکاگو بلند  
 شد و باین مزیت عظیمه ممتاز گردید - (۲) نفوسی بنهایت  
 ثبات و استقامت در آن خطه مبارکه باعلاء کلمه الله قیام  
 کردند و الی الآن قلب را از هر فکری آسوده و مقدس  
 گذاشتند و بترویج تعالیم الهیه پرداختند - (۳) و بقدم  
 مبارک بکرات و مرات انخطه منور گردیده و با قامت

فرمودن طلعت مقصود مدت مدیده دران بلده طیبه نداء  
 بملکوت الهی بلند شده (۴) و چنانکه آنچه در قلب ظهور  
 و بروز نماید بجمع اجزاء و اعضاء سرایت کند تا بحال آنچه  
 در شیکاگو تأسیس شده باطراف و اکناف سرایت کرده  
 (۵) و اول مشرق الاذکار در امریک در شیکاگو تأسیس  
 یافته که شرف و منقبتی بی پایان است \* و از این بناء عظیم  
 تولید هزاران مشرق الاذکار خواهد شد \* و امثال ذلك  
 نظیر محافل عمومی سالبانه - و تأسیس مجله نجم باختر -  
 و انجمن طبع رسائل و الواح و نشر آن در جمیع صفحات  
 امریک و استعدادی که الان بجهت احتفال و نمایش قرن  
 ذهی ملکوت الله میشود - و بشارت باینکه این احتفال  
 و نمایش در نهایت اتقان گردد چنانکه نداء بکلمه توحید  
 (لا اله الا الله) و کل الانبیاء از ابتدا تا خاتم رسل کلهم علی الحق  
 من عند الله بلند گردد - علم و وحدت عالم انسانی بلند شود  
 و آهنک صلح عمومی کوشزد شرق و غرب عالم گردد جمیع  
 راهها صاف و مستقیم شود جمیع قلوب منجذب بملکوت  
 الله گردد \* احباء برای قیام بر این خدمت عظمی بعالم انسانی  
 در نهایت انقطاع و تقدیس از نقائص عالم طبیعت و تعلقات  
 دنیوی - و در اخر لوح مناجاتی نازل شده برای تلاوت

ناشر بن نفعات الله در هر صباح (۸ فبرایر ۱۹۱۷)

۴۹ لوح چهارم - بافتخار اُحباء و اِماءِ رَحْمَن در یازده ایالت  
 غربی ایالات متحده \* تشبیه ظاهری خطه مبارکه کالیفورنیا  
 بآرض مقدس \* یعنی کشور فلسطین بجمیع وجوه -  
 چون مشابَهت طبیعی دارد باید مشابَهت ملکوتی هم حاصل  
 نماید - چنانکه تعالیم روحانی انبیاء بجمیع اقالیم عالم از خطه  
 مقدسه منتشر شد - باید این ارض نیز مشابَهت تامه  
 معنویه پیدا کند - و نفثات روح القدس از آن خطه و دیار  
 بجمیع اقالیم آمریکا و اروپا منتشر گردد - و افسکار متعدده  
 در مرکز واحد استقرار یابد - جمیع بشر را حیات تازه  
 بخشد - و خیمه وحدت عالم انسانی و صلح عمومی در قطب  
 آمریکا افراخته شود - و اظهار سرور مبارک از اُحباء  
 زائرین سایر شهرهای دیگر آن اقلیم \* و از محافل  
 سائفرانسیسکو و اکلند و مجالس لاس انجلیز - و تشویق  
 بر اینکه باید محافل تبلیغ مرتب و منظم گردد و بجهت نشر  
 نفعات الله مبلغینی کامل باید بشهرها حتی قریه ها ارسال  
 شود - و در شرائط و صفات ان مبلغین - و در آخر لوح  
 مبارک مناجاتی برای تلاوت هر روزه (۱۵ فبرایر ۱۹۱۷)

۵۳ لوح پنجم - بافتخار اُحباء و اِماءِ رَحْمَن در ایالات کانادا

در بیان اینکه چنانکه بفحوای ایه قرآنی در مخلوقات الهیه تفاوتی نیست در اقالیم نیز تفاوتی نیست - بسیار عظیم بودن مستقبل کانا دا - و جلالت ینهایت حوادث آن - و اظهار سرور مبارک در حین سفر بان اقالیم - و تحذیر بسیاری از نفوس از مسافرت مبارک بمتریال بجهت بودن اکثر اهالی آن خطه در نهایت تعصب و استغراقشان در تقالید و همیه مذهب کاتولیک - و نتیجه برعکس بخشیدن بنهضت موکب همایونی و اقبال نفوس مطمئنه بملکوت رحمانی بهمت امة الله مسس مکسول - و عدم اعتناء بقلت نفوس مقبلین - و بشارت عظیمه مستقبل کانا دا و تحریر بر قیام بر خدمت عالم انسانی و برای اعلاء نداء ملکوت الله و ارسال مبلغین بسائر ولایات کانا دا و کرین لند و بلاد اسکیموها و شرایط و صفات مبارکه طیبه مبلغین - و در آخر لوح مبارک مناجاتی نازل شده که باید ناشرین نفعات الله هر روزه صباحا تلاوت نمایند - (۲۱ فبرایر ۱۹۱۷)

۵۸ لوح ششم بافتخار اُحباء و اماء رحمن در ایالات متحده و کانا دا در ذکرجهات جامعه که سبب الفت و اتحاد بین بشر است بمصداق ایه مبارکه قرآنی (واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا) و تفریق میان تأسیسات جهات جامعه عرضی

مجازی ناسوتی که در زوال است - و تأسیسات جهات  
جامعه جوهری حقیقی ملکوتی - که باقی و ابدی است  
و نافع بحال عالم انسانی است - و تشویق برای پیام احبا  
بر خدمت امر الله و ترویج تعالیم اسمانی و تأسیس وحدت  
انسانی و وصف مدینه بهائیه در ساحل شرقی برزیل \*  
و اهمیت جمهوری پاناما در مستقبل که خاور و باختر  
بایکدیگر در آن نقطه اتصال یافته \* و فردا فردا شرحی  
از اثر اینکه بذریعه ادیان مقدسه در عالم ظهور یافته  
اینست جهت جامعه حقیقی که حق برای عبادش اراده  
فرموده - و تشویق بر جدوجهد کامل احباء برای تأسیس  
جهت جامعه ادیان مقدسه الهیه که جمیع انبیاء بان مبعوث  
گشته اند و روح تعالیم الهیست - و در آخر لوح مبارک  
مناجاتی نازل شده که باید مبلغین باطراف دائما در همه  
جا تلاوت نمایند ( ۸ مارچ ۱۹۱۷ )

﴿ ختم دوره های اول و دوم ألواح عمومی ﴾

۶۴ - اظهار عنایت مبارکه و تهنیت بأحبای کالیفورنیا -

و سانفرا نسیسکو درباره تشکیل انجمن روحانی

۶۵ - در بیان نتایج و خیمه حروب و واقع حالیه - و تعلیمات

مبارکه صادره از قلم اعلی بجهت منع از حرب بجمیع

سلاطین عالم و رؤسای جمهور شصت سال قبل - و مختصری  
از بیان ظهور و عود و وعید نازله در حق بعضی از ملوک و غیرها  
۶۹ ذکر نصوص قاطعه از آثار قلم اعلی در منصوص بودن  
مرکز عهد و میثاق الهی و تحذیر از همسات بعضی ناقضین  
و بیان تکلیف اُحبابی ثابتین و اسخین \*

۷۲ در بیان آنکه جمیع خلق اسیر عالم طبیعت - مکر نفوسی  
که از کند و زنجیر عالم طبیعت نجات یافتند و بیان آنکه  
هر صر فیرا دخلی لازم \*

۷۳ اُحباء الهی از بلا یای شدید و مشقات سجن که بر هیکل  
مبارک میثاق وارد محزون نباشند چه که منتهی آمال  
و ارزوی عبد البهاء بوده و هست و در کمال تضرع و ابتهال  
در هر صبح و مساء از حق رجا مینماید که در سبیل حق  
هدف هزاران هزار تیر بلا شود - در هر حال اُحباء  
باید که بر امر الله ثابت و راسخ و مستقیم باشند - امتحانات  
شدیده در پی است و تفسیر رو یای که ان امة الله دیده -  
و در آخر لوح امر بمناجات و دعا در حق طلعت مبارک  
میفرمایند و تمنای حمل مصائب و رزایا و سجن و غل و زنجیر  
و شهادت \*

۷۷ در بیان اینکه در یوم امتحان صنعفا بکلی متزلزل و اُقویاء

پرفوت چون مس مفشوش در آتش سیاه گردد و اماطلائی  
خالص رونقش جلوه نماید \* و سفر مبارك طلعت میثاق  
بامریکا مشروط است با اتحاد و اتفاق ما بین اَحباء \*

۷۸ در تحقق قول مسیح که میفرماید ( از اطراف عالم می آیند

و داخل در ملکوت میشوند و ابناء ملکوت از ملکوت  
خارج میگردند - و اظهار فضل و عنایت در حق اَحباء

آن سامان که از دور آمدند و در ملکوت داخل شدند

۷۹ - ابناء ملکوت بحیات ابدی فائزند - و اهل ملك فانی

و معدوم شوند و تشبیه آن بمریم مجدلیه که هنوز ستاره اش  
از سما عزت میدرخشد \*

۸۱ - وصیت و نصیحت مبارك برای استقامت و ثبات

بر میثاق و ترویج ان و منع از جدال و نزاع \*

۸۲ در مدح اَحباء که مروج عالم انسانی و ازهر تعصبی بیزار

و محب عالم بشری - مثل حضرت سائتابار بارادختری بود

عادی و بفدا نمودن حیات خود در راه مسیح چون ستاره

بدر خشید و هنوز نورش منتشر است \*

۸۳ بیان مفصل در شرح دهقان ترابی و دهقان ملکوتی

۸۴ چون امر عظیم است امتحاناتش نیز عظیم است - نقض را

دوامی نیست و ناقضین مخدول و مغلوب و مردود و منحوس



خواهند بود - چنانچه بعد از صعود عبد البهاء اثری از اینها باقی نخواهد ماند - حضرت بهاء الله در هزار موقع در ایات و مناجات خود فرموده اند خدا یا ناقضین میثاق را معدوم کن و مخالفین عهد را مغلوب نما ناقض عهد مردود حق است \* و هر نفسی که ثابت بر عهد و میثاق است مقبول درگاه احدیت است \* و این شبهات نقض مانند کف دریاست . و غیر ذلك \*

۸۸ در سیرت اهل دنیا و تمجید و توصیف مؤمنین بالله که داخل

در ملکوت الله و خیر خواه عالم شده اند \*

۹۱ - وعده های پنجاه ساله قبل حضرت بهاء الله برای

این زمان که در سوره هیکل و سور الملوك مصرح

و منصوص این آیام محقق و مشروح گشت - أعظم از این

معجزه نمی نیست \*

۹۲ در بیان یوم ظهور و نزول رب الجنود در وقتی که مردم

در خواب غفلت بودند و امر بسلوك بقوت ایمان بموجب

تعالیم الهی و تطبیق اعمال با حکام خدای لا یزال - و تلاوت

کلمات مکنونه و عمل بموجب آن بعد از دقت در مضامین -

و تلاوت ألواح طرازات و کلمات و تجلیات و اشراقات

و بشارات بامعان نظر و قیام بموجب تعالیم الهیه \*

- ۹۵ قوه کلمه الله سبب ارتباط ما بین نفوس است بعد مسافت  
حائل نکردد اکتساب فیوضات و مواهب الهی مشروط  
بثبوت بر میثاق است - قوه میثاق مانند حرارت آفتاب  
حقیقت عالم عقول و نفوس و قلوب و ارواح را تربیت  
مینماید \*
- ۹۶ در تشویق بر مسافرت بسمت هو نولولو - و ژاپان -  
برای هدایت خلق ان اقالیم و تخم افشانی در مزرعه های  
قلوب چون دهقان الهی \*
- ۹۸ - اهل ژاپان مانند زمینی میمانند که قرون و اعصار بران  
باران نباریده از ریزش سحاب حتی شبنم بی نصیب مانده اند  
البته بسیار تشنه است بقاء تعالیم الهی باید سیراب نمود
- ۹۹ هر چند بصر جسمانی مفقود ولی الحمد لله بصیرت قلب  
موجود . و عنایت در حق محفل ژاپان و شمس حقیقت  
پرتوی بژاپان زده \*
- ۱۰۰ جواب نامه جمیعت لاهای برای اجرای صلح عمومی  
و ذکر شرحی از تعالیم حضرت بهاء الله و غیر ذلك من  
المطالب العالیه \*
- ۱۱۸ در بعضی از تعالیم ملکوتی حضرت بهاء الله جل ذکره  
و ثنائیه در اصلاح حال عالم و صلح و سلام \*

- ۱۲۲ در احوال مؤله شهادت شهدای یزد واقعه سنه ۱۳۲۱ هـ
- ۱۴۶ در بیان واقعه هائله شهادت شهدای تبریز و مناجات  
در حق اغا علی محمد شهیده
- ۱۵۲ در بیان شهادت حضرت میرزا یعقوب متحده
- ۱۵۳ مناجات در ذکر شهادت حضرت میرزا یعقوب متحده
- ۱۵۴ - واقعه هائله اصفهان و شهادت بعضی از ثابتهین بر پیمان
- ۱۵۷ در تعلیمات مبارکه و نبذه از حالات ارض مقدس در آیام  
اعلی حضرت سلطان دولت عثمانیان - و امر باطاعت  
سلاطین و دعا در حق سلطان آل عثمان و مظفر الدین  
شاه ایران و تمجید و توصیف از معدلت ان دو شهر یاران
- ۱۶۵ در تشویق و تحریص بر قیام برای نشر نفعات محبه الله  
و هدایت خلق عالم بسوی کلمه مطاعه \*
- ۱۶۷ شرحی در حالات و حرکات ناقض عهد و ناقضین ناعقین  
و ظلم و تعدی ان حزب \* و شرح و تفسیر بعضی از رموز  
کتاب آسمانی \* و مسئله لاجیر و لا تفویض بدلائل و براهین  
لامعه
- ۱۷۲ تطبیق افکار فیلسوفی با افکار دیانتی بشواهد قرآنی  
و ابطال قواعد بطلمیوسیه و صریح قرآن حقیقت واقع -  
و معنی موت و حیات حقیقی و مجازی و منزله بودن روح

از دخول و خروج و صعود و نزول و غیر ذلك \*

۱۷۵ در بیان اینکه خاک کرمان از قدیم زمان شورانگیز است  
و در قریه نی که یاران را جمعیتی کافی نیست لزوم بتاسیس  
محل روحانی نبوده \*

۱۷۶ ظهور و عود الهی در خاور و باختر -- وقاحت جنک هولناک  
حالیه و سیرت حسنه اولیای الهی در ان زوابع شدید -  
اظهار فضل در حق اُحبابی نجف اباد - و مناجات \*

۱۷۸ - ظهور فضل و عنایت در حق اُحبابی الهی و مناجات در  
حق یکی از اماء رحمانی که تمام قوت برای خدمت مشرق  
الاذکار قیام نموده \*

۱۸۰ اظهار عنایت و مرحمت در حق اُحبابی ثابتیز و تشویق بر آنکه  
مشامهارا معطر کنند و نفوس منجذبه را بمرکت و اهتزاز  
آرند . و نور هدی در شجره جمال اُبهی جلوه نموده و غیر  
ذلك از مطالب مهمه \*

۱۸۲ در بیان روح و مراتب متعدده آن و تفصیل ارواح

۱۸۳ در بیان اینکه امتحانات الهیه در حق ضعفاء بلاست -  
و محتجبانرا سبب خجلت و رسوائی و مؤمنین را موهبت  
بیمثال رحمانی \* در خصوص تسلط ارواح شریره جوایی  
شافی کافی . و انسان عبارت از حقیقت روحانیه است که

اكتشاف أسرار غيبية نماید . ترقیات بعد از صعود مر  
روح را ترقیات کما لیست نه مکانی - و چون کلمات الهیه  
نا متناهیست لهذا ترقی روح را حدی معلوم نه - و بیان  
خطای مؤرخین اروپ و آمریکا در حق حضرت محمد  
رسول الله و جواب افترائی که گویند حضرت مبتلا بمرض  
صرع بودند و تأثیرات اسم اعظم - و جواب منکرین جنت  
و معنی آن و انکار این مسأله که بعضی نادانان از روی  
حسن عقیده حضرت عبدالبهاء را مسیح واله ابدی  
گویند ولی ایشان خود را عبدالبهاء میفرمایند \* در کشف  
مسأله تجسم ارواح بواسطه مدیوم \*

۱۹۰ خطبه بلیغ و مناجات و اظهار فضل و عنایت نسبت بیاران  
۱۹۴ تغیر یافتن حالت اصلیه ادیان بمرور زمان و امید پرنوید  
طلوع فجر هدایت \* این لوح جواب مفتی مصر است  
و در غایت بلاغت و ختامش (لا تصلح او اخر هذه الامة الا  
بما صلحت به اوائلها \*

۱۹۶ ظهور مصداق بیان مطلع امر که در پنجاه سال قبل  
از قلم اعلی نازل و بیان آن در کتب امری مطبوعه سی سنه  
پیش از جنک موجود است \* و مضرات هائله وارده  
بسبب حروبات حالیه باوجود تحذیر فرمودن مرکز میثاق

الهی باعلی النداء در قطعات اروپ و امریکا

۱۹۸ جواب در معنی عماء و در عرف محققین تعبیر بحقیقت کلیه

بلا تعینات میشود \* و این مقام نیز تعبیر بالاحدیه و العماء

میکردد \* و هذا مقام الکنز المخفی المذكور فی الحدیث \*

۱۹۹ شرح بعضی از وقایعی که در زمان اقامت حضرت جمال قدم

جل ذکره و ثنائه در اسلامبول واقع شده و بیانات مبارکه

بطور حکایت در حق ایران در آن ایام و در مستقبل - قیام

حضرت بهاء الله و حده در مقابل جمیع ملل و دول عالم و قادر

نبودن جمیع خلق عالم بر اطفاء نار الله الموقده و اعلاء کلمة الله

و خسران و زیان امم غافله

۲۰۲ معنی اصحاب رس و انبیائی که در وادی نهر ارس ظاهر شده

اند و معنی کوه قاف که آشیانه سیمرغست و لانه عنقاء

شهر تقدیس الهی \*

۲۰۳ تاییدات الهی پی در پی برای قائمین بر خدمت امر الله و ثابتین

بر عهد و میثاق الهی میرسد و بیان اطمینان بایه مبارکه

(و نراکم من افقی الابهی و ننصر من قام علی نصره امری...)

۲۰۵ جواب در استفسار حقیقت حال نفوسیکه در بدایت از اهل

ایمان بودند - چگونه بعد منحرف شدند - و مقدار ربح

در معاملات نقدیه - و نزاع و جدال حکمش بیست عدل راجع

و تبیین معنی ربح ناجایز \*

۲۰۶ حکایت از بدایت دخول در سجن عکا و بیانات منصفانه\*  
شخصی عارف جلیل و مسلم عموم شهیر که در مصر بود  
نسبت بهیکل مقدس امر الله - و حکایت حاجی ملاهادی  
سبزواری \*

۲۰۸ در بیان اینکه . جهان مشهور بعلم چون در اقامه\* حجت  
و برهان خود را عاجز و ضعیف و کنگ و لال بینند دست  
تطاول و ظلم و عدوان بکشایند - و این سلاح عاجزان -  
وروش اهل بطلان است - ولی در آخر بخسران مبین  
افتند و بیان نبذه\* از شرح حالات ابتدائیه\* امر الله و نپی  
محبوب امکان از کشور ایران بقلمه\* ویران عکا - و طلوع  
شمس حقیقت از افق سجن اعظم و اشراق انوارش در  
جمیع اقطار آفاق عالم در اندک زمان - و محقق شدن مصداق  
بیان مبارک جمال ابهی که جوش و خروش علمای جاهل  
بر منابر و فریاد نعره های ( وادینا و وامذ هبا ) در مسالك  
و معابر ندای بامر الله است \* و این نفوس منادی حقند  
والکنهم لا یشعرون \*

۲۱۱ تعلیمات مبارکه در باره عدل و انصاف و رحم و مروت و مهربانی  
بهر نفسی حتی بحیوان مکر نفوسی که غرض و مرض دارند  
مهربانی با شخص ظالم و خائن و سارق سبب طغیانی او

میشود و متنبه نمیکردد شخص کاذب چون زیاده ملاطفت  
 یبند بر دروغ می افزاید بکمان اینکه نمیدانی - و حال آنکه  
 میدانی ولی رافت کبری مانع از اظهار است \* اطفال را باید  
 بنوعی از صغر سن تربیت کرد که ینهایت بحیوان رؤف  
 و مهربان باشند مگر حیوانات مؤذیه \* رافت و مهربانی  
 از اساس ملکوت الهی است \* باید این مسأله را بسیار  
 منظور دارید \*

۲۱۳ مقام و موطن هر مظهر ظهورا کر چه بدایة در آیام اشراق  
 مظهر و غیر مظهر بوده باشد ولی در مستقبل معمور  
 و مشهور گردد و مطاف اهل عالم شود - چون یثرب  
 و بطحا و کشور نور \*

۲۱۴ شمس خاوری مجازی ا کر چه پرتوافکن عالم است و ظاهر  
 کننده جمیع اشیاء و ایت شمس حقیقت ولی از اشیاء خبر  
 ندارد \* اما شمس حقیقت جمیع کائنات را آشکار میفرماید  
 و کاشف حقائق اشیاست و عالم است بحقائق اشیاء و تجلی  
 مخصوص بر قلوب احبا میفرماید \*

۲۱۵ در بیان اینکه باختر بیدار و خاور بخواب غفلت گرفتار  
 دوران نزد یکند و نزدیکان دور و از کسب فیض مهجور  
 مشام یعقوبان از بوی پیراهن یوسفی معطر است و لوهزار



فرسنگ دورند و بشیران که حامل قیصند از نورمبین  
محروم و مهجور \*

۲۱۶ جواب در معنی اینکه امتزاج اجسام مایعه لطیفه پس  
از رفع موانع حائله ممکن است پس حکم ارواح چگونه  
باشد - امتزاج و امتشاج از خصائص اجسام است -  
وروح از جمیع اینگونه امور و حلول و دخول و خروج  
معرا و مبرا \*

۲۱۷ اساس متین دین مبین در این دور بدیع تمهید تعلیم فنون  
و معارف است - و بنص صریح جمیع اطفال باید بقدر لزوم  
تحصیل فنون نمایند - لهذا باید در هر شهر و قریه مدارس  
تأسیس شود - و بقدر لزوم شهر و لزوم قریه در تحصیل  
بکوشند \* و هر نفسی که در این مورد انفاق نماید بی شبهه  
مقبول درگاه احدیت و مورد تحسین و تمجید ملامت اعلیٰ گردد

۲۱۸ در بیان اینکه امتحان و افتتان از لزوم ایمان است ( ألم  
أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا آمنا وهم لا یفتنون )

۲۲۰ جواب در تحقیق و تبیین صلاح الدین ملک ناصر بن ایوب  
الکردی و صلاح الدین ملک منصور منسوب ایوب  
و حرب صلیبیون و احوال تاریخی مصر و شام و فلسطین

۲۲۱ در باره اذن و اجازه مبارک برای ترجمه رساله بدنیه بلسان

هری - • ولكن الميزان ترجمة الاشارات والكلمات

والتجليات والطرقات بابدع العبارات وأفصح الكلمات

۲۲۲ لوح مبارك در باره رساله بشری العالم. واذن مبارك برای

تسمیه مطبعه (فانی فرج الله زکی بمطبعه کردستان)

۲۲۳ صدور اذن مبارك برای مسافرت بنده بخطه کردستان

برای تبلیغ امر الله واهمیت آن - وتفسیر ایه که در سفر

دوازدهم دانیال (طوبی لمن أدرك الفات ثلاث مایه وخمسا

وثلاثین یوما) که مقصد سنه شمسیه است •

۲۲۵ صدور اذن مبارك برای تأسیس مجله علمیه (در الهیات

وریاضیات وحکمت طبیعیه وفنون مادیه وما ینتفع به الناس

ونهی از اشتغال باخبار سیاسیه وتأسیس مطبعه مخصوصه

در وطن عزیز (کردستان) ومو کول فرمودن آن

باقتضای وقت وزمان •

۲۲۶ مختصر جواب (سؤال فانی) از ایه (سأریکم دار الفاسقین)

۲۲۷ در تلاشی ابرهای تاریک وظهور انوار عدل - ودر آنکه

امر وز روز فانی فرج الله زکی وجناب شیخ محی الدین است

که آنچه از حضرت ابي الفضائل تلقی نمودیم بطالبانش

تلقین بنمائیم •

۲۲۸ خطاب یکی از امام رحمانی شیرازی در مصر دو قیام بامر

تبلیغ و نشر نفحات الله بالحكمة والموعظة الحسنة والالفة  
والحبة والحنو والرافة مع كل امرأة كه رائفه خلوص  
از او مشموم گردد \*

۲۲۹ جواب عریضه یکی از امام رحمانی - و تعلیمات مبارکه برای  
قیام بشکرانه فضل و احسان ربانی بمناجات بدرگاه رب  
الایات و بیان حقیقت توحید و عدم ادراک کنه ذات  
۲۳۱ جواب عریضه یکی از ورقات مؤمنه - و مراتب عالیه  
نساء در این دور بدیع \*

۲۳۲ در جواب نامه مستر ربی و تعلیمات مبارکه بایشان  
۲۳۳ در بیان اینکه تأسیس محافل اتحاد عمومی مثل محافل تبلیغ  
و جمعیت نشر نفحات الله جمعیت اعانه ایتام جمعیت  
اعاشه فقرا جمعیت نشر معارف جمعیت ترویج علوم -  
و امور خیریه مثل تشکیل شرکت تجارت تشکیل شرکت  
تزیید صنایع تشکیل شرکت توسیع زراعت و غیرها  
از این قبیل که راجع بعموم است مقبول و ممدوح - آنچه  
سبب اتحاد و یگانگی و حیات نفوس است مقبول و آنچه  
سبب یگانگی و تفرقه و خصوصیت پیدا کند مذموم  
و مردود بلکه در مستقبل امید است که یاران شرق  
و غرب در یک محفل ییاسایند و یک انجمن ییاریند و بجمع

- خصائل و فضائل اسمانی در عالم انسانی جلوه نمایند
- ۲۳۶ در نصایح و تعلیمات مبارکه - و اطاعت حکومت محلیه -  
و عدم مداخله در امور سیاسیه \*
- ۲۳۸ ترجمهٔ حال افغان سدرهٔ مبارکه جناب (موقرالدوله)
- ۲۴۲ مناجات طالب مغفرت بجهت حضرت (موقرالدوله)
- ۲۴۴ در تبیین مسألهٔ فلسفهٔ قدیم و جدید در علم فلك و اثبات  
خطأ فلاسفهٔ قرون اولی بنصوص قاطعهٔ الهیه - و عدم  
بلوغ علماء تفسیر بفهم معانی و تمسکشان بتاویلات رکیکه
- ۲۴۶ جواب سؤال در اینکه اگر این جلوهٔ ربانی همان ملکوت  
آسمانیست که حضرت مسیح میفرمود که نزدیک است  
بچه برهان ثابت - جواب مختصر - دلیل ملکوت لاحق  
مانند دلیل ملکوت سابق است بلکه برهان این ملکوت  
اعظم از برهان ملکوت قبل است و برهان بر دو قسم است  
برهان عوام (خوارق عادات و معجزات) و برهان خواص  
دلایل و براهین قطعیهٔ عقلیهٔ فی که منکر ندارد - اگر چه  
خوارق عادات و معجزات لاتعدو لاتحصی از حضرت بهاء الله  
درالسن و افواه ناس ساری و جاری که اگر بخوانند رسائل  
متعدده تالیف نمایند - ولی منکر را در مستقبل این گونه  
برهان ساطع و قاطع نیست - چه که منکر نیز از الههٔ

موهومه خود از این قبیل خوارق عادات بسیار از کتب  
ورسائل اعتقادیه خویش باسناد روایت کند •

۲۴۹ - در بیان وحدت مظاهر مقدسه - و وحدت ادیان - و تشریح

مسائل غامضه کتاب مقدس انجیل - و معنی حرف و کلمه

و نزول اورشلیم جدید - و مجیی عمانوئیل و تشبیه عالم بر بعض

و هیکل امرالله بحکیم حاذق - و شریعة الله بدریاق بره

الساعة و امر بتلاوت کتاب اقدس - و الواح مقدسه اشراقات

و تجلیات و کلمات و بشارات و طرازات . و غیرها که الیوم روح

حیات عالم است این تعالیم درمان هر دردیدرمان و قوه

نافذ، در حقیقت انسان و جمیع مافی الامکان است •

۲۵۲ در اوصاف و محامد احبای الهی و نصایح مبارکه بانها و تعلیمات

روحانیه در معاشرت و مؤالفت، باسائر خالق عالم - و ستایش

شایان از پادشاه جمجاه ایران و امر بدعا و مناجات در حق

آن شهر یار مهربان \*

۲۵۴ در تبیین مسأله فرائض و اذکار و اوراد و مندوب و نوافل

و قرائت مناجات بعد از نماز - و نهی از ریاضت و خلوت

و عزلت که از پیش رسم بود حال بکلی منسوخ گشت

۲۵۶ مختصر جوانی در علم نجوم و تأثیر ساعات بقران کواکب

و تخصیص اوقات - و معنی عطسه و غیرها \*

۲۵۷ بیان مبارک در حقیقت خلقت انسان که نوع مخصوص

بوده و اوهام حکمای فرنک در نشو و نمای انسانی \*

۲۵۷ لوح مبارک در جواب نامه‌ی که سؤال از چشم پاك و ناپاك

نموده یعنی أصابت عین و در آنکه محض و همست

۲۵۸ در بیان وقاحت جنك عالم سوز - و محفوظ ماندن اَحباء

در حفظ و صون مبارک قوه میثاق در جسم امکان عرق

شریان است که نابض است و قابض و کافل جمیع امور و ضابط

أمور جمهور و قوه ارتباطیه در میان عموم - و سبب

اعظم است برای حفظ و صیانت و وحدت بهائی \*

۲۶۱ مناجات طلب مغفرت بجهت متصاعدین الی الله اقا

ابوالقاسم و اقا محمد ابراهیم منشادی \*

۲۶۳ در ترتیب و نظام تربیت اطفال - و نهی از تسمیه اطفال

باسم مبارک یعنی بهاء الله و باسم حضرت اعلی باب یا نقطه

اولی - و جواز تسمیه باسم مبارک عبد البهاء و رخصت

طبع تاریخ شهدای یزد که جناب بیضا تألیف نموده اند

و در وقت خواب اطفال امهات باید غزلیات جمال مبارک

بخوانند تا اطفال بایات هدی در طفولیت تربیت شوند

۲۶۴ در تعلیمات تبلیغ امر الله بحکمت کبری با حبای اسلامبول

۲۶۵ مناجات طلب عون و عنایت بجهت شرکت نونها لان و جمعیت

## درس اخلاق اطفال (قزوین) \*

۲۶۶ طلب مغفرت از برای جناب اقا محمد ابراهیم مشهدی فتاح

۲۶۷ عنایات مبارک در حق آقا شیخ محمد علی قائنی که شمع حضرت

نبیل جلیل را بر افروخت \*

۲۶۹ ایضاً تعلیمات مبارکه و دلجوئی بفضل و عنایت و تسلیت

قلوب یاران \*

۱۷۲ مناجات مبارک در حق امام رحمن مازندران \*

۲۷۲ اُحباء بغداد را بوسایای حضرت جمال قدم متذکر میفرمایند

و تحذیر از نتایج و خیمه تفرقه و عیب جوئی همدیگر

و امر باتفاق و اتحاد و ملامت و چشم پوشی از قصور

همدیگر میفرمایند \*

۲۷۳ مناجات طلب مغفرت از برای یکی از اُحباء صادق -

در عشق اباد - و عنایت مبارک در حق حضرة آقاسید

مهدی کلپایکانی که بزحمت و سعی تمام کتاب مستطاب

حضرت ابوالفضائل را که از آثار اخیره آبروح قدسی است

جمع و تکمیل فرموده و امر میفرمایند که نسخه از آن

بارض اقدس ارسال شود و اظهار مسرت مبارک در شیوع

و ترویج آن - و یادداشتهای حضرت ابی الفضائل و رسائل

که ارسال شده است حکما باید بارض اقدس اعاده گردد

## صحیفه

حتی ورقهٔ واحده در دست کسی نماند تا جمیع در محل  
محترمی محفوظ و مصون گردد و باقی و بر قرار ماند چه که  
اثار قلم ان بزرگوار است \*

۲۷۵ شرح تعلیمات مبارکه جمال اُبهی که روح این عصر مجید است

۲۷۷ تعلیم مبارک بنکارندگان مجله جات - و تحسین فرمودن

قضیه مندرجه در مجلهٔ عشق آباد در رد برز نادقه و تنبیه  
غافلان از نوجوانان ایران که بسیار مفید است و مناسب

نداستن درج کردن عبارت (ولتر) و (رسوه) و امثال

آنانرا عینا - و شرح ایه انجیل جلیل که (ابلیس حضرت

مسیح را بکوه بلندی برد و جمیع دنیا را عرضه داشت

گفت سجده بمن کن تا جمیع دنیا را بتو دهم حضرت ابلیس را

طرد فرمودند) ورد اعتراض ولتر بر این آیه - و بیان

مسائلی که دابر میثاق در مجمع زنادقه امریکا شرح و بیان

فرمودند - و ناقص بودن میزان حس را بدلائل واضحه

مبرهن نمودند \*

۲۸۱ جواب نامه اعضای محفل خورشیدخاور - و امر بمراقبت

از نشریات و مقالات مفتریات که در ایران از خود

بجیائیهها - و یا بتحریرک بجیائیهها شده و میشود - و اظهار

عنایت در حق حضرت آقا سید مهدی کلپایگانی مدیر



و محرر مجله - و تعلیم مبارک که باید لسان مجله معتدل باشد  
و تا ممکن مراعات خاطر گردد که تخدیش افکار و تشویش  
قلب نفسی حاصل نشود \*

۲۸۳ خطاب بمحفل روحانی عشق آباد - و ذکر وقایع هائله جنک  
و نصایح و وصایای جمال ابهری از پنجاه سال قبل - و بیان  
تشکیل محکمه کبری و کنکره بین المللی و بیانات مبارک  
که در مسافرت چهار ساله افریک و آمریکا و اروپا  
در جمیع محافل عظمی - و کنائس کبری فرموده .. و اظهار  
رضایت و تمجید از قیام احبای ترکستان در عشق آباد و صرو  
و تاشکند و سدرقند در خدمت امر الله - و تعلیم مبارک  
از برای انجمن جوانان که رفتار و سلوکشان باید چگونه  
باشد - و احترام از جدایی و بیگانگی با سایر خالق از یار  
و اغیار حتی در قضیه دفن اموات - جدائی مانع از تبلیغ  
است - و ترتیب دفن اموات از برای اهل ترکستان  
از قرار سابق باشد بهتر است \*

۲۸۷ فضل و عنایت کبری در حق جناب آقا شیخ محمد علی قاتنی  
- و امر بمسافرت بهند و ستان برای تبلیغ امر الله

۲۹۱ فضل و عنایت مبارک در حق ابناء الهی و امام رحمانی نجف  
آباد بواسطه اقا رحمة الله خادم مقام اعلی - و بیان فدا کردن

خانم محترمی در منجستر که کیسوان مشکین خود را برای اعانه مشرق الاذکاری که در شیکاگو و قطب امریک بنا میگرد و حکایت فداکاری در تبرعات در ایام حضرت رسول الله

۲۹۴ عنایت حضرت مرکز میثاق در حق جناب حسین افندی

تقی و حضرة الشيخ محمد الخراشی و ذکر ایه مبارکه و آورده در سوره شعراء - و اینکه اتهام و بهتان بر انبیاء از عوائد

قدیمه منکرین است و امتحان الهی از برای هر کس محتوم

۲۹۵ فضل و عنایت مبارک در حق حضرت اقا محمود ذرقانی و احبای

بمی و امر بسمی در اعلاء کلمة الله و نشر نفحات الله - و ذکر

عظمت امر الله که افاق عالم را الیوم فرا گرفته

۲۹۷ ذکر عنایات و افضال بیهمال طلعت پیمان در حق جناب

میرزا عبد الوهاب زاهد الزمان بواسطه جناب مطلق

و احوال فداکاری احباء زنجان و اثبات ظهور جمال ابهی

بایات بینات حضرت منزل بیان \*

۲۹۹ اظهار فضل و عنایت در حق جناب میرزا عبد الله مطلق

من اهل الطاء بواسطه جناب امین \*

۳۰۱ فضل و عنایات بی پایان در حق اعضای محترمه محفل

اشکولین و اظهار مسرت از همت موفور و بذل سمی

مشکور در تربیت اطفال اناث و ذکور ان شطر - و اینکه

باید در مدارس ابتدا بتعلیم دین گردد بعد از تعلیم دیانت  
و انمقاد قلوب اطفال بر محبت حضرت احدیت بتعلیم سایر  
علوم پرداخت \*

۳۰۲ اظهار مرحمت و مکرمت نسبت باعضای محفل خدمت  
و اجزاء انجمن موهبت در عشق اباد \*

۳۰۳ اظهار رضامندی و شادمانی از اعضای کمیته مشرق الاذکار  
عشق اباد که الحمد لله مشرق الاذکار را مطلع الانوار نموده اند

۳۰۵ جواب نامه احبای هندوستان در التماس سفر هیکل میشاق  
بآن صفحات . و بیان موانع سفر و اینکه حضرة بهاء الله  
تاج عزت بر سر احبا نهادند بدرجه\* که ذلت در سبیل حق  
سبب عزتست و شهادت سبب رفعت \* ملاحظه نمائید که  
شهادة حضرة سید الشهداء سبب عزت ابدیه شد و سلطنة  
ظاهری یزید پلید سبب ذلت ابدی گشت پس ثابت شد که  
خدا بر ای احباء ذلت خلق ننموده. و عنایات و مناجات در حق  
ایشان ....

۳۰۸ در عظمت این قرن و ترقی علوم ریاضیات و فلسفه چون بد  
غیبی الهی ابواب مکاشفه را باز نمود \* و حجاب ترا درید حتی  
فنون و علوم مادی بدرجه\* رسیده که طفلی بیشتر مطلع  
از فلاسفه قبل است \*

۳۰۹ ظهور بدرقه عنایت و باز شدن راه مخاربه و توقیف جنک هولناک و پرتوی جمال قدیم بر یاران جمیع اقالیم زد تا که کل در حصن حصین مصون - و از جمیع افات محفوظ ماندند در وقتی که زمین بخون نوجوانان رنگین گردیده - و ناله و فغان عالم بعبان آسمان رسیده و تشویق احباب بر اتحاد و یگانگی و غیر ذلك ...

۳۱۱ أيضاً الحمد لله راه مسدود مفتوح گشت و مخاربه تجدید یافت و صیت تعالیم الهی در جمیع اقالیم اشتهار یافت منطوق کتاب اقدس و سوره هیکل ظاهر و محقق گشت و خطاب پرلین چون افق مبیز ظاهر و آشکار شد . و امروز روح این عصر و سلامتی این قرن بتعالیم صادره از قلم اعلی است حتی رئیس جمهور چهارده مسئله را اساس جمعیت امم نهاد \* و دوازده از آن اساس از قلم اعلی است

۳۱۳ مختصر جواب نامه قونسول شوارز و عنایت در حق او که فی الحقیقه خدمت عظیمی بصلح عمومی نموده

۳۱۴ حکایت امة الله مسیس در یفوس که در پاریس بامشاور المملک نمودند و در اینکه اهل ایران بخواب کابوسی مبتلا با اینکه خدا از افق ایران چنین آفتاب روشنی طلوع داده که پرتوش بر شرق و غرب زده . و چون حضرت

محمد از مکه ظاهر شد مکه قبلهٔ آسیا و افریقا گشت  
 و مرکز اجتماع اعظم رجال آسیا و افریقا شد . . همین قدر  
 ملاحظه بکنند میفهمند که امر بهاء الله ایرانرا چگونه  
 آباد نماید و ایرانیانرا عزیز کند و غیر ذلک

۳۱۶ عنایت در حق آقا سید مصطفی مندل و تشویقشان بر نشر  
 نجات تا بیخردان از تعصبات جاهلیهٔ دینی و جنسی  
 نجات یابند و از جمیع قیود ازاد گردند و شرق و غرب دست  
 در آغوش یکدیگر نمایند \*

۳۱۸ مناجات طلب مغفرت لمن أدرك لقاء ربه حضرت ابن ابهر

۳۲۰ مناجات طلب مغفرت بجهت سمندر نار موقده و غیره

۳۲۵ بافتخارفانی و عنایت در حق مفتی مصر و بعضی از فضلاء

مصرین و امر بحکمت در تبلیغ اهل مصر و اذن چاب درس

التبلیغ حضرت صدر الصدور و قرب اتمام ترجمهٔ احوال نود

نفر و کسور از کبار احاباء متصاعدین الی الله که از قلم مرکز

میثاق در أثناء حرب صادر گشته \*

۳۲۶ ایضا بافتخارفانی در نهی تبلیغ در مصر و حکمت آن که جمال

مبارک تبلیغرا در این دیار حرام فرموده اند و غیر ذلک \*

۳۲۸ در آنکه بلایا و محن در این سنین اخیره جمیع عالم را احاطه

نموده ولی احابای الهی الحمد لله بیک درجه در امن و امان

بودند چون اطاعت جمال مبارك کردند و عنایات در حق جمعی  
از احمای کرمان \*

۳۲۹ سه لوح متتابع عنایات در حق حضرت آقامیرزا عبدالله  
مطلق از مبلغین امر الله در اطراف \*

۳۳۱ در این قرن عظیم جمیع اصول قدیمه پوسیده بکلی متروک  
شده و در هر خصوصي افکار جدیده بمیان آمده پس  
باید که حقیقت دین الهی نیز تجدید یابد تقالید بکلی زائل  
گردد و آن تعالیم حضرت بهاء الله است . . و بیان جمله از ان  
تعالیم مبارکه \*

۳۳۴ طلب جناب میرزا لیب صدور لوح برای احماء قزوین  
و طهران ورشت . و اختصار بر صدور يك لوح برای عموم  
بسبب کثرت مشاغل حضرت مرکز میثاق و بیان آنکه  
حضرت مولی الوری قبل از حرب بسبب کثرت مشاغل  
بأنواع علل و امراض مبتلا ولی بسبب قطع مخبارات در اثناء  
جنگ راحتی حاصل شد و جمیع امراض و علل زائل گشت  
و غیر ذلك از بشارات عالیه و مطالب سامیه

۳۳۷ جواب نامه آقامیرزا بدیع الله خان آگاه که سؤال از چند  
مسئله نموده اند و جواب هر يك از ان مسائل (۱) مرتکب  
معاصیرا مقتضای عدل الهی عذاب و عقاب .. (۲) لیله

ص القدس شبی است که در قشله لوحی صادر ۰۰ (۳) اگر شهادت حضرت اعلیٰ در ایام رضوان واقع عید گرفته نمیشود (۴) استنباطهای منجمین حکمی ندارد بخلاف استنباط از ظهور مظاهر مقدسه (۵) اذن طبع رساله که ایشان در ذم مسکرات تألیف نموده اند \*

۳۳۹ عنایت در حق مستر و کیل و حرم محترمه اش

۳۳۹ جواب نامه اعضای محفل روحانی پونه و اذن آنها بانتشار دور رساله و تحسین آنه قادم محفل سالیانه بهائیان در هندوستان و امر باتفاق و ائتلاف جمهور اُحباء و غیر ذلك \*

۳۴۰ عنایت در حق مسیو اندره و بیان آنکه پاریس در هر مسئله شور انگیز است .. و یقین است که در آینده این آهنگ الهی در آن مدینه بلند خواهد شد \*

۳۴۲ عنایت در حق آقاسید مصطفی دندله و تشویق ایشان با سایر اُحباء بر نشر نفعات الله در آن سامان ..

۳۴۳ تأسیس محفل روحانی مشهد و قصه و وصول حضرت متصاعد الی الله آقا میرزا احمد قائنی بأرض بیضا و غیر ذلك

۳۴۴ بشارت بحضرت صنیع السلطان که میگویند عنقریب مجلس صلح عمومی منعقد گردد . ولی هنوز رائحه نفس وهوی بمشام میرسد ... و غیر ذلك \*

۳۴۵ ایضاً بشارت بحضرت سید نصر الله باقراوف که الحمد لله

ص ابرهای تیره متلاشی .. وسلطه جائزه زائل وحکومت  
 عادل حاصل .. ودر این جنک هولناک اُحِبَاءِ الهی چون  
 بموجب تعالیم ربانی رفتار نمودند محفوظ و مصون ماندند  
 ۳۴۷ عنایت در حق محفل روحانی کرمان و بیان ثبات آن یاران  
 رحمن بر عهد و پیمان \* و بیان آنکه از قدیم زمان در قطب  
 کرمان اعلامی متعدد بلند شد ولی عاقبت از آن اوج افتاد  
 زیرا اشباح بودند نه ارواح ... حال الحمد لله نجات رحمن  
 از کرمان رو بانتشار است و عنقریب علم مبین بلند شود  
 و خیمه وحدت عالم انسانی مرتفع گردد .. با وجود آنکه  
 ایرانیان بخواب کابوسی گرفتار .. و حال آنکه ایران مطلع  
 شمس حقیقت است .. ملاحظه نمائید که چه قدر غافلند  
 شمس حقیقت ا کرد در سائر اقالیم اشراق نموده بود تا بحال  
 اشعه اش جهانگیر گشته بود \* و هر متی بشخصی شهری  
 افتخار مینماید - و نمیدانند که بعضی از اعظم رجال عالم نکین  
 عقیقی را که با اسم اعظم منقوش تعظیم مینمایند \*

۳۵۱ عنایت در حق اُحِبَائِ طهران . و چون آن مرز و بوم موطن  
 حضرت محبوبست لهذا باید مرکز سنوحات رحمانیه گردد  
 ۳۵۳ عنایت در حق جمعی از اُحِبَائِ بمبئی \* و در وقت نزول این  
 لوح مبارک (فانی ناشر) حاضر و آرزوی مقابله و تصحیح ترجمه  
 اشراقات داشتم لهذا از باب مزاح این عبارت از قلم مرکز



ص میثاق صادر کردید ( مشاغل و غوائل بی پایان و رسائل  
مانند باران . و از این گذشته جناب شیخ فرج الله الآن  
مانند حسین کرد با کرز و توبه حاضر و ترجمه آثار و تصحیح  
آن آرزو میفرماید من در چنین حالتی بد کرشماها مشغولم  
۳۵۴ لوح وحدت الوجود حسب التماس فانی بافتخار شیخ  
عبد الهادی که از علماء مصر است بحضور جمعی از احنبا  
صادر گشت \*

۳۵۹ عنایت در حق جمعی از احنبا امثال حضرت اخوان صفا  
و بیان آنکه حضرات شیخیه کوکبشان اقول نمود و غیره  
۳۶۱ هزاران هزار اسرائیل باقلیم جلیل شتافتند تا بهره و نصیب  
برند .. ولی جز دار و دیوار چیزی ندیدند .. و حال آنکه این  
سنگ و کلست نه جان و دل .. باید قدس الاقداس را در جهان  
جان و دل تأسیس نمود نه آب و گل و غیر ذلك \*

۳۶۳ آنچه در الواح مبارک با اسرائیل تبشیر فرمودند .. جمیع  
در حیز تحقق است .. ولی مشروط با آنکه بموجب تعالیم  
الهیة روش و رفتار نمایند \*

۳۶۵ ایضاً عنایت در حق بنی اسرائیل و بشارت رجوع ایشان  
بأرض مقدس \*

۳۶۶ مقصود از اسکندر ذی القرنین نیست اسکندر از ملوک  
عین بود و عرب بود زیرا ذو الکلاغ و ذو الیزن . از القاب

## ص ملک بین است •

۳۶۷ فلوب ابرار چون زجاجات نورانیه محل سطوع انوارند .  
 وتشویق بر عبودیت و بیندگی عتبه \* مقدسه چون عبدالبهاء  
 در کمال محویت و فنا قیام کنند •

۳۶۹ عنایت در حق یکی از اجداء وتشویقش بر نشر نجات الله  
 ۳۷۰ (۱) حکم حرمت نکاح پسر بزواج پدر دلیل بر اباحت  
 دیگران نه (۲) حکمت الهیه چنان اقتضا مینماید که  
 از دواج از جنس بعید باشد (۳) ومراعات احکام طبیه  
 منصوص (۴) واما مسئله زنا در الواح بقدری زجر و عتاب  
 و عقاب مذکور که بحد حصر نیاید.. (۵) واما مسئله طلاق  
 میتواند شخص آنچه موافق رأیش هست مجری دارد .  
 (۶) واما مسئله میراث این تقسیم در صورتیست که شخص  
 متوفی وصیتی ننماید . ولی هر شخصی مکلف بروصیت است  
 و هر نوعی که بخواهد وصیت کند

۳۷۳ عنایت در حق مخبر روزنامه تیمس در طهران و در آنکه ایران  
 ویران است • مشقت بسیار باید تحمل نمود • تأسیسات  
 حضرت مسیح بسرعت نتایج نبخشید امور سیاسی ایران  
 هر چند در همست ولی امور روحانی جمع و در بقیوت . اما  
 حضور من بایران موکول بر تقدیر حی قدیر است ..  
 ۳۷۵ ادیان الهیه یکی است و همه برای تربیت خلق آمده اند

ص تا از ظلمات عالم طبیعت نجات یافتند ولی هر شریعتی مدتی کافل سعادت عالم انسانی بود . و بمرور زمان قدیم و بی اثر ماند . لهذا دوباره تجدد لازم ... دقت نمائید در عالم وجود هر چیز تجدد یافته . و دیانت عبارت از عقائد و رسوم نیست بلکه عبارت از تعالیم الهیه است که محیی عالم انسانیست يك قوه ماوراء الطبیعه لازم که این ظلما تر ابنور تبدیل نماید ۳۷۷ تشبیه اهل این زمان بزمان مسیح که آنچه حواریین میگفتند فریسیان درك نمیکردند . و آن نص انجیل است \*

۳۷۸ مختصر جواب سوالات حضرت قسیس الفرد هیلز

(۱) اهل عالم محتاج بحیات ابدیه هستند و حیات ابدیه منوط بظهور ملکوت و آن مشروط بنفوذ کلمه الله (۲) اما از جهت ادیان سائره در نصوص بهاء الله .. ذکر حضرت زردشت و بودا و برهما و کانفیوشس مصر هست . (۳) اساس ادیان الهی یکیست (۴) تعالیم بهاء الله بدرجه نفوذ یافت که یکصدت هزار نفس کشته شد باوجود این روز بروز قوتش بیشتر گشت (۵) اما مکان بهیچ وجه حکمی ندارد (۶) روح القدس جامع جمیع کالاتست .. (۷) اما نصوص کتب مقدسه آنچه بعلم صحیح و عقل و حکمت الهیه مطابق آن نصوص بحسب ظواهر است \* و دیگر کل تاویل دارد \*

۳۸۱ (۱) وجود ألوهیت بدلائل عقلیه ثابت است ولی حقیقت

ص الوهیت ممتنع الادراک است چون مرتبه<sup>۱</sup> دانیه ادراک  
 مرتبه<sup>۲</sup> عالیه نماید (۲) جمیع کائنات مرتبطیک دیگر است  
 (۳) در این کون نامتناهی ملاحظه نمائید لابد قوه<sup>۳</sup> کلیه  
 موجود است (۴) و هر چند جمیع کائنات نشوونما مینمایند  
 ولی در تحت مؤثرات خارجه اند (۵) و از این گذشته جمیع  
 کائنات موجوده محدود . و نفس محدودیت دلیل بر حقیقت  
 نامحدود (۶) اما مظاهر مقدسه<sup>۴</sup> الهیه مظهر جلوه<sup>۵</sup> کمالات  
 و آثار آن حقیقت قدیعه<sup>۶</sup> مقدسه اند و غیر ذلك \*

۳۸۶ جسد انسانی همین قسم که در بدایت بتدریج بوجود  
 آمده است همین طور باید بتدریج تحلیل گردد اگر چنانچه  
 بعد از مردن سوختن بهتر بود داخل ایجاد نوعی انتظام  
 مییافت که جسد بعد از فوت بخودی خود افروخته شعله  
 زند و خاکستر گردد \* و تفصیل این مسئله کما هو حقه

۳۸۸ (۱) قصه<sup>۱</sup> میرزا احمد خان .. (۲) بهائیت حقیقت است  
 (۳) مقصد از حکومت متنوعه حکومت عادلانه است  
 (۴) اثبات حیات بعد از موت بادل<sup>۲</sup> قاطعه و غیر ذلك.

۳۹۰ از حضرت پواس از بعضی مسائل فلسفه پرسیدند جواب  
 فرمود که من تا از مسیح خبر نداشتم هر چیز میدانستم  
 و لکن چون از مسیح خبر گرفتم از هر چیز بیخبر شدم  
 (۵) تصور اهل مجاز در حقیقت الوهیت و عم محض است

ص در زمان مسیح چه قدر از سلاطین و ملوک .. از روح

۳۹۱ الهی محروم گشتند ولی بطرس و اندراوس . فائز گشتند

و جمعی بتدریج در ظل ملکوت داخل خواهند شد .

اما نخر در اینست که در امروز نفوس اقبال کنند

۳۹۲ عنایات و بشارت در حق مستر کلنسی و تشویقش بر نشر

نجات و وفا بعهده خود ممکن نیست که اهل عالم سکون

و قرار یا بند مکر بقوه که محیط بر عالم انسانی است و غیره

۳۹۳ عنایت در حق یکی از احبای مدراس و تشویق ان بر نشر

نجات در هندوستان .. و در این امر بسیار تا کید بر ترحم

بر حیوان شده و غیر ذلك \*

۳۹۴ در وقتی که ابرهای بسیار تاریک آفاق عالم را احاطه کرده بود .

از آفاق ایران شمس حقیقت طلوع نمود و بر جمیع آفاق

پرتوا فکند و پر تو این آفتاب تعالیمست که از قلم اعلی صادر

و ذکر نبذه از آن تعالیم مبارکه \*

۳۹۵ جواب نامه قسیس رورند که متضمن تعالیم بهاء الله است

و بیان مبارک که این تعالیم بقوه روح القدس منتشر شد .

و هر حکامی محتاج بقوه اجرائیه است و اگر خدمت بعالم

انسانی خواهی باید در ظل بهاء الله داخل شوید و کلیسای

خویش را کلیسای بهائی نامید و بعد از وصول این لوح مبارک

در ظل بهاء الله داخل شد و بر نشر نجات الله قیام نمود

ص در بیان آنکه هر نفسی را باید نظر بانچه در او ممدوح است  
 ۳۹۹ نمود و حکایت حضرت مسیح که تصاد فابسک مرده نی  
 مرور نمودند و غیر ذلك \*

۴۰۱ جواب نامه قسیدس رو روند که بعد از تصدیق خود و حرمش  
 صادر شده و عنایت کلی در حق ایشان و تشویقشان  
 بر نشر نفعات الله با تحمل هر مشقات \*

۴۰۲ (۱) بیان و شرح آیه ۲۶ از اصحاح دانیال که تاریخ ظهور  
 امرست (۲) بیان اکتشافات روحیه (۳) بیان آیه (دیگر  
 باشما بسیار صحبت نخواهم نمود چه که مالک این دنیا میاید)  
 (۴) و مالک دنیا جمال مبارک است (۵) بیان کشف ارواح  
 بعد از خلع اجسام و شرح و بسط و مراتب ارواح (۶) معنی  
 ساعیر (۷) و بیان مقصود از آیه (أما من دانستم که ولی  
 من زنده است و شرح آن (۸) شرح و معنی اورشلم که در  
 مکاشفات یوحنا که میفرماید (و علامتی عظیم در آسمان  
 ظاهر شد زنی که آفتاب را در بردارد و ماه زیر پاهایش)  
 با بیان مفصل \*

۴۰۷ عنایت در حق جناب میرزا عبد الحسین و جناب  
 عبد الوهاب ناجی و ذکر منقبت و سیرت ان دو بزرگوار  
 در عراق که بغایت مؤثر است

۴۱۰ لوحیست که قبل از صعود بدو هفته بافتخار عموم احمای

- ص امریک نازل کریده در تشویق و تحریر بر نشر نفعات  
 الله وتمسك بعهد و پیمان الهی و نهی عظیم از معاشرت  
 با ناقضین عهد و شواهد کثیره بران از حضرت مسیح  
 و حضرت نقطه<sup>۱</sup> اولی و جمال قدم \* و غیر ذلك
- ۴۲۳ لوحیست عمومی در بشارت بعلو امر الله و رفع رایة کلمة الله  
 و طلب تأیید و توفیق برای عموم اُحباء و غیر ذلك \*
- ۴۲۷ عنایت در حق اُحباب بغداد و تشویقشان بر نشر نفعات
- ۴۲۸ عنایت در حق آقا میرزا الیاس میثاقیه و ذکر نبذة  
 از منقبت حضرت والدش آقا یهودا و حضرت قاعقام  
 و حضرت خواجه ربیع و جناب آقا میرزا مهدی اخوان عمفا
- ۴۳۰ ایضاً عنایت در حق جناب میرزا الیاس و نبذة از احوال  
 ایران و ظهور مصداق الواح مبارکه و روش اُحباء و بشارت  
 بقرب ارتفاع علم تقدیس و عنقریب پرچم وحدت عالم  
 انسانی در قطب آفاق موج زند و صلح عمومی بنیاد شود
- ۴۳۰ ایضاً عنایت در حق جناب میرزا الیاس میثاقیه و در مدح  
 اُحبابی که تحمل مصائب نموده اند و تاسی بجمال قدم \*
- ۴۳۳ عنایت در حق حضرت خلیل بك ثابت مدیر جریده  
 مقطم در مصر \* و در الواح منصوص که جرائد مرایای  
 حقیقت ساطعه است اگر منشی اش عادل و منصف باشد \*
- ۴۳۴ بشارت بعموم اُحباء که عنقریب رایت امر الله در عموم

ص بقاع عالم مرتفع و بلند گردد \* و عنایت و مدح اُحبای  
مازکان و قص \* و در آنکه مدرسه و وحدت بشر در کاشان  
مظهر الطاف جلیل اکبر است \*

۴۳۶ در بیان آنکه اگر فکر انسان در یک نقطه جمع شود  
نتایج عظیمه بخشد \* و در آنکه دایره علوم و فنون در این  
عصر چه قدر اتساع یافته و اختراعات عظیمه بظهور آمده  
و تفضیل این عصر \* بر سائر عصور \* و غیر ذلك \*

۴۳۸ عنایت در حق اُحبای لندن و شبهه نیست که سبب  
اعلاء کلمه الله و مروج وحدت عالم انسانی خواهند گشت  
۴۴۰ در تشویق و تحریص مس روزنبرک بر شرح و بیان تعالیم  
امر \* و در ترقی روح بخدمت جسد بعالم انسانی \* و همچنین  
چشم و گوش اگر کل در اعمال خیریه استعمال شود سبب  
ترقی روح گردد \* و وسیله اصلی ترقی روح ایمان و ایقان  
و عرفانست \* و اما بعد از صعود از این جسد وسیله  
ترقی دعاء یاران و تضرع دوستانست \* و جمال مبارک  
در خصوص روح الواح متعدده نازل فرمودند و همچنین  
حضرت عبد البهاء \* و غیر ذلك \*

۴۴۲ عنایت در حق اُحبای استتکارت و تشویقشان بر نشر  
نفحات الله زیرا حوادث مستقبل اُورپا قدری شدید است  
۴۴۳ در آنکه انسان باید راحت خویش نخواهد و آرام نکیرد



ص تا موفق بکار خیري گردد \* و در این جهان فانی يك اثر باقی  
بگذارد تا در ملکوت الهی حیات باقی یابد و غیر ذلك

۴۴۴ بافتخار جناب میرزا یوحنا داود مشتمل بر چند مطلب  
از جمله آنکه حکمت در تبلیغ شرطست . و پرده دری نباید  
کرد . و مکالمه بانفوس مستعده باید نمود . و صحبت از تعالیم  
و وصایا و نصائح جمال مبارک باید نمود نه از عقائد \*

۴۴۵ ایضاً بافتخار جناب میرزا یوحنا داود در تشویق بر نشر  
نفحات الله و توجه بعضی ألواح برای لورد کرزن و غیر ذلك  
۴۴۷ لوحیست بافتخار جناب احمد خان یزدانی در کیفیت تکلم  
با جمعیت لاهای . و در آنکه قبل از حرب رئیسش  
امپراطور روس بود . با وجود این مانع از این حرب مهیب  
نکشت حال چه گونه خواهد شد \* زیرا در مستقبل حربی  
شدید تر یقیناً واقع گردد قطعاً در این شبه نیست و غیر  
ذلك از مطالب مهمه \*

۴۴۹ لوحی خیلی عظیم و غراء خطاب بشخصی از اعیان که بهر دیار  
مرور نماید نداء ملکوت را بلند کند و علم اسمائیر ابرافرازد  
و چنان صوت صافوری زند که مردگان زنده شوند و در  
آنکه ملکوت الهی در نهایت قوت ولی لشکر حیات  
جور باید تا تأییدات متتابع ببخشد و ریشه تعصب مذهبی  
و وطنی و جنسی و سیاسی براندازد و طوائف عالم مانند حشرات

ص وخراطین در طبقات ارض سیمی و کوشش مینمایند و بقوه هندسه طرحهای عجیب و غریب میریزند توکاری کن که این گرمهای مهین طیور علین کردند و در آنکه لذائذ این جهان دفع آلامست یعنی تشنکی صدمه و بلاست آب تسکین آن نماید نه اینست آب فی حد ذاته لذتی دارد و غیر ذلك من المطالب العالیه \*

۴۵۱ در آنکه حضرت داود در بدایت انظار جلوه نداشت و چون انوار موهبت تافت سرور راستان شد و خطه فلسطین را در زیر نکین آورد و امیر اسرائیل شد \*

۴۵۲ جواب نامه احبای لندن در تهنیت روز نوروز و در وصف ان شهر که الحمد لله چنین شمهای روشن بر افر و خسته است که انوار ساطعش هدایه الله است و شمس حقیقت شرق چه پرتو روشنی بر غرب زد غریبانرا شرقی نمود و افق باخترا را از کوکب خاور منور فرمود \* و غیر ذلك \*

۴۵۳ بافتخار بو حنا داود در اطریش و عنایت در حق حضرت مسیو موزر \* و در آنکه حضرت وزیر خار جیه اطریش فی الحقیقه خوب پی بحقیقت برده اند تعالیم قدیمه امروز کفایت نماید \* هر درد را درمان نکرده - ان تعالیم قدیمه بسیار محبوب ولی عقول و افکار ترقی نموده احتیاج بتعالیم کلیه است و ان تعلیم بهاء الله است که جامع جمیع تعالیم است

ص ایضا سه لوح متتابع بافتخار یوحنا داود از قبیل مذکور  
 ۴۵۷ بافتخار احبای سوئیس و المان و در این که چقدر نفوس عبادت  
 نمودند و ریاضت کشیدند و آرزوی دخول در ملکوت  
 نمودند ولی موفق نشدند • اما شما بدون زحمت و ریاضت  
 بدخول در ملکوت فائز شدید •

۴۵۸ ایضا سه لوح متتابع بافتخار جناب میرزا یوحنا داود در  
 مواضع مختلفه و مطالب عالیه •

۴۶۳ جواب نامه<sup>۲</sup> لورد ویردال و مزده بایشان که باید نورانیتی  
 عظیمه باز از شرق ظهور یابد تا دفع این ظلمات شدید کند  
 ۴۶۴ در آنکه جامع و مختصرترین ادعیه اینست ( خدایا بنفثات  
 روح القدس مرا زنده نما ) زیرا آنچه جامع جمیع کلمات است  
 نفحه<sup>۲</sup> روح القدس است

۴۶۵ عنایت در حق مسیس در در و در آنکه مقاله ایشان اعظم  
 از مجسمه<sup>۲</sup> ویکتوریا است •

۴۶۵ بافتخار خواجه یوحنا و عنایت در حق سیر صموئیل - اول  
 بیان بامثال این نفوس باید این باشد که تعالیم حضرت بهاء  
 الله عالم اخلاق را احیا نمود - نفوس خلق جدید میشوند  
 چنانکه بفعل ثابت و محقق گردید که بیست هزار نفس  
 در ایران بکلی از ظلمات عالم طبیعت نجات یافتند و بمشهد  
 فداشتا رفتند ثروت بهائیان کنز ملکوتست و بوحدت عالم

- ص انسانی خدمت نمایند - اسرائیلیان در ایران در غایت ذل  
 و هوان بودند - از روزی که شمس حقیقت بر ایران اشراق  
 نمود روز بروز اسرائیل ترقی نمود الی آخر کلامه الاحلی
- ۴۶۷ عنایت در حق مسیس هوایت که در خدمت بوحدت عالم  
 انسانی میکوشد و غیر ذلك \*
- ۴۶۹ بافتخار مارکارت دورینک و عنایت در حق بعضی از احبا  
 ۴۷۰ جواب مسیس هوایت و ترغیب ایشان در نشر نفعات  
 ۴۷۱ عنایت در حق یاران و اماءرحمن که در یوم مولود حضرت  
 اعلی غایت انس و مسرت جستند \*
- ۴۷۲ بافتخار محفل روحانی مشهد و عنایت در حق اعضای آن  
 محفل مقدس و در آنکه آن اقلیم الحمد لله دوباره بحرکت آمده -  
 ۴۷۳ دُرّ دانه تادر آغوش صدف است در خشندکی و لطافتش  
 مجهول \* همچنین جواهر هدایت کبری رونقش بعد  
 از صعود روح از این قالب ضعیف تاریک بفضای عالم بالا -
- ۴۷۴ جواب نامه پروفیسر المانی که خیلی غراء و حائز مطالب  
 عالیه از قبیل اثبات الوهیت برای طبیعیون و فلاسفه  
 تنک نظر محسوس پرست و مدح و توصیف فلاسفه  
 الهیون و طبیعیون متفنون - ماعلم و حکمترا اساس  
 ترقی عالم انسانی میدانیم - قوای عقلیه از خصائص  
 روحست و روح حاکم است نه محکوم - عقل بقوه روح

ص ادراك و تصور دارد - ولی روح قوه آزاد است - عقل در  
 دائره محدود است و روح غیر محدود - بیان مراتب روح -  
 در انسان قوه کاشفه ایست که محیط بر طبیعت و قوانین  
 طبیعت را در هم شکند و سائر اشیاء اسیر طبیعتند - انسان  
 بقوه معنویه سیف شاهر از دست طبیعت میگیرد و بفرق  
 طبیعت میزند - و سائر کائنات از این کمالات محروم -  
 در جواب آنکه انسان جزئی از عالم طبیعت است و جزء  
 تابع کل است - فلاسفه الهیون معتقد بوحدانیت الهیه  
 و حیات روح بعد از موت بودند - و در اثبات نشئه دیگر  
 بعد از نشئه عالم انسانی و الا این کون نامتناهی منتهی  
 بهذیان گردد - و در آنکه عدم اطلاع دلیل بر عدم  
 وجود نیست - حقیقت الوهیت فی الحقیقه مجرد است  
 و غیر محدود و محیط است غیر محاط \* پس ادراك مستحیل  
 و تفاوت مراتب مانع از ادراك - ولی أدله قاطعه الهیه  
 حکم بوجود آن حقیقت غیر مرئیه مینماید و بیان آن ادله -  
 و حصر ترکیب در سه قسم - و غیر ذلك از قبیل بیان قوه  
 غیر محدوده - و قوای عقلیه از خصائص روح است و بیان  
 مسائل اجتماعیه \* ما - و در آنکه تعالیم حضرت بهاء الله  
 سبب حیاة جدیدی از برای عالم انسانیت و علاج فوری  
 جمیع امراض \*

ص

- ۴۹۸ هشت لوح متتابع بافتخار جناب شیخ محی الدین صبری  
 در مواضع متعدده از قبیل دستور العمل در کیفیت اعلاء  
 کلمة الله در تونس و سرور مبارک از نتیجه آن سفر مشکور  
 و تاثیر نفوذ کلمة الله و انشاء جمع و محفل بهائیان در تونس  
 ۴۸۹ چهار لوح که نهایت غراء در کیفیت انشاء و اداب و ترتیب  
 و شروط محافل روحانی و غیر ذلك \*
- ۵۰۸ دو لوح دیگر در شئون مختلفه و مناجات با خاتمه \*

